

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مجموعه قوانین افغانستان

۵

سوداگري قوانین قوانین تجارتی

جلد اول



مجموعه قوانین افغانستان – ۵

نام:	قوانین تجارتي - جلد اول
ناشر:	وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان
تهیه و ترتیب:	ریاست نشرات
تاریخ نشر:	۱۳۸۸
تیراژ:	۵۰۰۰
چاپ:	اول
قیمت:	۲۸۰ افغانی
صفحه آرا:	امان الله صداقت
مطبعه:	احمد
تلفن ریاست نشرات:	۰۷۰۰۰۸۸۱۲۸
وب سایت:	www.moj.gov.af
کلیه حقوق چاپ برای وزارت عدلیه محفوظ است.	

مجموعه قوانین تجاری – جلد اول

۱. اصولنامه تجارت مؤرخ ۱۳۳۶
۲. قانون شرکت های سهامی و محدودالمسئولیت..جریده رسمی ۹۱۳، مؤرخ ۱۳۸۵/۱۱/۱۰
۳. قانون شرکت های تضامنی.....جریده رسمی ۹۱۳، مؤرخ ۱۳۸۵/۱۱/۱۰
۴. قانون میانجیگری (مصالحه) تجاری جریده رسمی ۹۱۳، مؤرخ ۱۳۸۵/۱۱/۱۰
۵. قانون حکمیت تجاری جریده رسمی ۹۱۳، مؤرخ ۱۳۸۵/۱۱/۱۰
۶. قانون سرمایه گذاری خصوصی جریده رسمی ۸۶۹، مؤرخ ۱۳۸۴/۹/۳۰
۷. قانون حمایت حقوق مخترع و مکتشف.....جریده رسمی ۹۵۶، مؤرخ ۱۳۸۷/۵/۵

فهرست

مقدمه ناشر ۳۱

قانون تجارت

باب اول

احکام عمومی

فصل اول: مقدمه	۳۵
فصل دوم: تجارت و اهلیت تجاری	۳۷
فصل سوم: معاملات تجاری	۴۰
فصل چهارم: ثبت تجارت	۴۵
فصل پنجم: عنوان تجاری	۵۳
فصل ششم: رقابت غیر قانونی	۶۱
فصل هفتم: دفاتر تجاری	۶۴
فصل هشتم: نمایندگان تجار	۷۴
فصل نهم: نمایندگان سیار تجاری	۷۸
فصل دهم: مامورین فروش	۷۹
فصل یازدهم: دلالتی	۸۰

شرکتهای تجاری

فصل اول: احکام عمومی	۸۷
فصل دوم: شرکت های تضامنی	۹۵
حصة اول:	۹۵
حصة دوم: مناسبات بین شرکاء	۹۹

۱۰۷.....	حصه سوم: مناسبات شرکاء با اشخاص ثالث
۱۱۱.....	حصه چهارم: راجع به انحلال، تجزیه، اخراج شرکاء و الحاق شرکت دیگر
۱۲۶.....	حصه پنجم: تصفیه شرکتهای تضامنی
۱۴۰.....	فصل سوم: شرکت تضامنی مختلط
۱۴۰.....	حصه اول: ماهیت و طرز تشکیل شرکت تضامنی مختلط
۱۴۲.....	حصه دوم: مناسبات شرکاء با یکدیگر
۱۴۵.....	حصه سوم: مناسبات شرکاء با اشخاص ثالث
۱۴۹.....	فصل چهارم: شرکت سهامی (انونیم)
۱۴۹.....	حصه اول: ماهیت و صورت تشکیل شرکتهای سهامی (انونیم)
۱۶۵.....	حصه دوم: هیئت مدیره
۱۸۲.....	حصه سوم: هیئت نظار
۱۸۸.....	حصه چهارم: مجمع عمومی
۲۰۵.....	حصه پنجم: اسناد سهم
۲۱۳.....	حصه ششم: اسناد قرض
۲۱۸.....	حصه هفتم: ضیاع اسناد سهم و اسناد قرض
۲۲۱.....	حصه هشتم: انحلال و تصفیه شرکت های سهامی (انونیم)
۲۲۹.....	حصه نهم: حساب نفع و ضرر
۲۳۲.....	فصل پنجم: شرکتهای تضامنی مختلط سهامی
۲۳۶.....	فصل ششم: شرکتهای محدود المسئولیت

باب سوم

اسناد تجاری

۲۴۱.....	فصل اول: برات
۲۴۱.....	حصه اول: تحریر و شکل برات
۲۴۵.....	حصه دوم: ظهرنویسی
۲۵۰.....	حصه سوم: قبولی
۲۵۴.....	حصه چهارم: ضمانت
۲۵۶.....	حصه پنجم: موعد

۲۵۸	حصه ششم: تأدیه
۲۶۱	حصه هفتم: حق رجوع در حال عدم قبول و عدم تأدیه
۲۷۳	حصه هشتم: توسط
۲۷۷	حصه نهم: تعداد نسخه های برات
۲۷۹	حصه دهم: جعل کاری — تحریفات
۲۸۰	حصه یازدهم: مرور زمان
۲۸۱	حصه دوازدهم: احکام عمومی
۲۸۳	فصل دوم: حجت
۲۸۶	فصل سوم:
۲۸۶	حصه اول: چک
۲۹۰	حصه دوم: ظهرنویسی
۲۹۱	حصه سوم: ضمانت
۲۹۲	حصه چهارم: ارائه و تأدیه
۲۹۵	حصه پنجم: چک های مخطط (کراس) و چک های قابل انتقال به حساب
۲۹۷	حصه ششم: مراجعه بنا بر عدم تأدیه
۳۰۰	حصه هفتم: تعدد نسخه های چک
۳۰۱	حصه هشتم: ساخته کاری و تحریفات
۳۰۱	حصه نهم: مرور زمان
۳۰۲	فصل چهارم: ضیاع اسناد تجارتي

باب چهارم تعهدات تجارتي

۳۰۵	فصل اول: احکام عمومی
۳۱۵	فصل دوم: عقود تجارتي
۳۱۵	حصه اول: صورت انعقاد
۵۲۰	حصه دوم: تفسیر عقود تجارتي
۳۲۲	حصه سوم: وسائل ثبوت عقود تجارتي
۳۲۳	فصل سوم: بیع تجارتي

۳۲۳	حصهٔ اول: احکام عمومی
۳۴۳	حصهٔ دوم: بعضی از انواع خصوصی بیع تجارتی فروش سیف
۳۵۶	فصل چهارم: قرض تجارتی
۳۵۸	فصل پنجم: رهن تجارتی
۳۶۵	فصل ششم: حواله طلبات
۳۶۹	فصل هفتم: حساب جاری
۳۷۴	فصل هشتم: تودیعات به گدام های عمومی
۳۸۳	فصل نهم: وکالت تجارتی
۳۹۳	فصل دهم: کمیشن کاری
۴۰۴	فصل یازدهم: کمیشن کاری نقلیات
۴۰۸	فصل دوازدهم: نقلیات
۴۰۸	حصهٔ اول: احکام عمومی
۴۰۹	حصهٔ دوم: نقل اموال
۴۲۹	حصهٔ سوم: ترانسپورت اشخاص
۴۳۵	فصل سیزدهم: بیمه
۴۳۵	حصهٔ اول: احکام عمومی بیمه
۴۳۶	حصهٔ دوم: بیمه اموال
۴۵۶	حصهٔ سوم: بیمه حریق
۴۶۰	حصهٔ چهارم: بیمه ترانسپورت
۴۶۲	حصهٔ پنجم: بیمه حیات
۴۶۸	حصهٔ ششم: بیمه حوادث
۴۷۱	حصهٔ هفتم: بیمه زراعتی
۴۷۲	حصهٔ هشتم: بیمه سرقت
۴۷۳	حصهٔ نهم: مرور زمان
۴۷۵	تعدیلات

قانون شرکت های سهامی و محدود المسئولیت

فصل اول: احکام عمومی	۴۸۶
هدف	۴۸۶
داشتن جواز	۴۸۶
قابلیت تطبیق	۴۸۶
اصطلاحات	۴۸۷
فصل دوم: شرایط ثبت شرکت سهامی	۴۹۳
ثبت اسناد	۴۹۳
ترتیب سند	۴۹۴
ترتیب راپور سالانه	۴۹۴
تصدیق مهر و امضاء	۴۹۵
ترتیب فورم مخصوص	۴۹۵
تادیه فیس	۴۹۵
ثبت الکترونیکی	۴۹۵
تصحیح اساسنامه	۴۹۶
فصل سوم: صدور تصدیق ثبت	۴۹۷
صدور تصدیق	۴۹۷
تصدیق موجودیت	۴۹۷
شرایط موجودیت شرکت سهامی	۴۹۸
فصل چهارم: پرداخت فیس	۴۹۹
جمع آوری فیس	۴۹۹
تاریخ اعتبار تصدیق	۵۰۰
فصل پنجم: طرز ایجاد شرکت سهامی	۵۰۱
ایجاد شرکت سهامی	۵۰۱
فعالیت شرکت سهامی	۵۰۱
عضویت شرکت سهامی	۵۰۲
اساسنامه شرکت سهامی	۵۰۲
امضاء اساسنامه	۵۰۳

۵۰۴	فعالیت قبل از ایجاد شرکت
۵۰۴	فعالیت هیئت مدیره
۵۰۵	فصل ششم: قواعد داخلی
۵۰۵	وضع قواعد داخلی
۵۰۵	عنوان شرکت
۵۰۶	عدم انتخاب عنوان شرکت
۵۰۶	داشتن دفاتر تجاری
۵۰۷	مکلفیت نماینده
۵۰۸	فصل هفتم: صدور سهام
۵۰۸	صدور سهام در بدل عوض
۵۰۸	حصول عوض در بدل سهام
۵۰۹	عرضه سهام
۵۰۹	فصل هشتم: هیئت مدیره
۵۰۹	هیئت مدیره شرکت
۵۱۰	شرایط انتخاب عضو هیئت مدیره
۵۱۰	تعیین اعضای هیئت مدیره
۵۱۱	دوره تصدی هیئت مدیره
۵۱۲	استعفای عضو هیئت مدیره
۵۱۲	برکناری عضو هیئت مدیره
۵۱۳	انتخاب رئیس هیئت مدیره
۵۱۳	کرسی خالی هیئت مدیره
۵۱۴	صلاحیت هیئت مدیره
۵۱۴	تدویر جلسات
۵۱۵	اتخاذ تصمیم بدون تدویر جلسه
۵۱۵	اطلاع تدویر جلسات
۵۱۷	نصاب و تصمیم جلسات
۵۱۷	کمیته ها
۵۱۸	مسئولیت هیئت مدیره
۵۱۹	ادعای استثنایی

۵۲۱	توزیع غیر قانونی دارایی شرکت
۵۲۲	برخورد منافع در معاملات
۵۲۳	رسیدگی قضایی
۵۲۵	تصویب توسط اعضای هیئت مدیره
۵۲۶	تصویب سهامداران
۵۲۷	تهیه و تسلیمی صورت حساب مالی
۵۲۸	حقوق و امتیازات
۵۲۸	نگهداری سوابق شرکت
۵۲۹	استخدام مامورین
۵۳۰	معافیت از پرداخت مصارف دعوی
۵۳۳	فصل نهم: هیئت نظار
۵۳۳	انتخاب هیئت نظار
۵۳۴	برطرفی (عزل)
۵۳۴	کرسی خالی هیئت نظار
۵۳۵	کمیته ها
۵۳۵	عدم انتخاب اقارب بحیث اعضای هیئت نظار
۵۳۶	وظایف هیئت نظار
۵۳۷	عدم محدودیت صلاحیت هیئت نظار
۵۳۷	انجام وظایف هیئت نظار با حسن نیت
۵۳۸	شکایت علیه هیئت مدیره
۵۳۸	اشتراک هیئت نظار در جلسات هیئت مدیره
۵۳۸	فصل دهم: مجمع سهامداران
۵۳۸	جلسات مجمع عمومی
۵۳۹	تأمین ارتباطات از فاصله دور
۵۴۰	جلسه فوق العاده
۵۴۲	تدویر جلسات به اساس حکم محکمه
۵۴۳	اتخاذ تصمیم بدون تدویر جلسه
۵۴۵	دعوت تدویر جلسه
۵۴۷	طریق دعوت

۵۴۹	دعوت دارنده آدرس مشترک
۵۴۹	انصراف از دعوت
۵۵۰	سهمداران واجد حق دریافت اطلاعاتیه
۵۵۰	ریاست جلسه
۵۵۱	ترتیب فهرست سهامداران
۵۵۲	حق رأی سهامداران
۵۵۳	اشتراک در رأی گیری
۵۵۶	اعتبار اسناد
۵۵۸	نصاب جلسه
۵۶۰	انتخاب اعضای هیئت مدیره
۵۶۲	تعیین مفتش
۵۶۲	حفاظت اسناد
۵۶۴	تولیت آرا
۵۶۵	موافقتنامه رأی دهی
۵۶۵	عقد موافقتنامه اداره امور و تجارت
۵۶۸	فصل یازدهم: توزیع مفاد سهام سهامداران
۵۶۸	اعلان سرمایه
۵۶۹	توزیع مفاد سهام
۵۷۰	سرمایه احتیاطی
۵۷۱	پرداخت مفاد
۵۷۱	فصل دوازدهم: تغییرات اساسی در ساختار شرکت سهامی
۵۷۱	تعدیل اساسنامه
۵۷۲	افزایش در سرمایه شرکت سهامی
۵۷۳	حق تقدم (شفع)
۵۷۳	فصل سیزدهم: اسناد سهم
۵۷۳	اسناد سهم
۵۷۴	انتقال سهام
۵۷۴	ثبت سهام و اعتبار آن
۵۷۵	عدم تادیقه کامل سهام

۵۷۵		فرسودگی اسناد سهم
۵۷۶		فصل چهاردهم: انحلال و تصفیه شرکت های سهامی
۵۷۶		انحلال شرکت
۵۷۷		ثبت سند انحلال
۵۷۸		عدم صدور سهام و مطالبه انحلال آن
۵۷۸		فسخ انحلال
۵۷۹		انحلال از طرف محکمه
۵۸۱		انتخاب مدیران جهت انحلال و تصفیه
۵۸۳		قرار انحلال
۵۸۴		فصل پانزدهم: احکام متفرقه
۵۸۴		شرکتهای ایجاد شده قبل از انفاذ این قانون
۵۸۴		وضع مقرره ها و قواعد داخلی
۵۸۵		ادای وجایب مالیاتی
۵۸۵		ثبت اسناد جعلی
۵۸۵		تاریخ انفاذ
۵۸۷		تعدیل ماده یکصد و دهم

قانون شرکت های تضامنی

۶۰۰		فصل اول: احکام عمومی
۶۰۰		مبنی
۶۰۰		تعریف شرکت
۶۰۰		انواع شرکت ها
۶۰۱		عقد شراکت
۶۰۱		عقد مقاولات
۶۰۱		دارائی شرکت
۶۰۲		پرداخت سرمایه
۶۰۳		پرداخت سرمایه و تأخیر در آن
۶۰۳		تعیین قیمت دارائی

انتقال ملکیت.....	۶۰۴
مراقبت از امور شرکت.....	۶۰۴
غفلت در وظیفه.....	۶۰۴
مطالبه اجرت شرکاء.....	۶۰۵
اجرت به حیث فیصدی از مفاد.....	۶۰۵
نفع و ضرر هر شریک.....	۶۰۵
تقسیم نفع و ضرر.....	۶۰۶
پرداخت نفع مقید به عقد.....	۶۰۶
مرجح دانستن شرط.....	۶۰۷
فصل دوم: انواع شرکت ها.....	۶۰۷
دوام فعالیت.....	۶۰۷
تکمیل شخصیت حکمی.....	۶۰۸
شرکت تضامنی عام.....	۶۰۸
شرکت تضامنی خاص.....	۶۰۹
شرکت تضامنی کار.....	۶۰۹
شرکت به اعتبار.....	۶۱۰
شرایط عقد شراکت.....	۶۱۰
مدت دوام شرکت تضامنی.....	۶۱۲
ثبت.....	۶۱۲
محکمه.....	۶۱۲
فصل سوم: موضوعات اساسی مربوط به شراکت.....	۶۱۳
حدود تطبیق احکام این قانون.....	۶۱۳
اتلاف مال.....	۶۱۳
عدم تادیه سهم.....	۶۱۴
پرداخت معادل.....	۶۱۴
تعهد عمل در عقد.....	۶۱۴
سهم شریک به شکل دین.....	۶۱۵
توزیع مفاد.....	۶۱۵
توزیع مفاد معین نشده.....	۶۱۵

۶۱۶	تعیین مفاد و خساره در عقد.....
۶۱۷	سهمیۀ شریک منحصر به کار و عمل.....
۶۱۷	خرید مال طور نسیه.....
۶۱۸	ادارۀ شرکت.....
۶۱۸	ادامۀ فعالیت.....
۶۱۹	تصاویب شرکاء.....
۶۱۹	موافقت اکثریت شرکاء در تصاویب.....
۶۲۰	سهمگیری شرکاء در ادارۀ شرکت.....
۶۲۰	عدم رقابت و سوء استفاده از مال شرکت.....
۶۲۱	اخذ پول یا تصرف مال توسط شریک و مساعدت اضافی.....
۶۲۲	پرداخت دیون.....
۶۲۲	عدم متضامن بودن شرکاء در برابر همدیگر.....
۶۲۳	حصول دین شخصی.....
۶۲۴	حالات انحلال شرکت.....
۶۲۵	فعالیت شرکت بعد از وفات.....
۶۲۶	تمدید فعالیت شرکت.....
۶۲۷	حکم محکمه مبنی بر انحلال شرکت.....
۶۲۷	درخواست اخراج از شرکت.....
۶۲۸	تصفیه و تقسیم دارایی شرکت.....
۶۲۸	ادامۀ فعالیت شرکت الی تصفیه آن.....
۶۲۹	تعیین اشخاص جهت تصفیه شرکت.....
۶۲۹	فعالیت شرکت و فروش دارائی آن توسط تصفیه کنندگان.....
۶۳۰	تقسیم دارایی شرکت.....
۶۳۱	تطبیق احکام مندرج قانون مدنی درباره مال مشاع.....
۶۳۲	فصل چهارم: شرکت تضامنی عام.....
۶۳۲	تأسیس شرکت.....
۶۳۲	تأسیس شعبۀ جدید.....
۶۳۲	تغییرات در شرکت.....
۶۳۳	عدم استعمال خصوصیات.....

انجام معاملات به نام شرکت	۶۳۴
مناسبات بین شرکاء	۶۳۵
تفویض اداره امور شرکت	۶۳۵
سبکدوشی مدیر	۶۳۵
اتخاذ تصمیم در مورد امور یومیة اداره شرکت و مسایل عمده و مهم	۶۳۶
پرداخت استقراض شریک	۶۳۷
انتقال سهم	۶۳۸
عدم پذیرش شخص دیگر بحیث شریک	۶۳۸
مفاد تکتانه	۶۳۹
دسترسی شریک یا مدیر شرکت به معلومات	۶۳۹
تصامیم در مورد امور یومیة شرکت	۶۴۰
ترتیب صورت نفع و ضرر شرکت	۶۴۰
عدم وادار نمودن شریک در تادیة جبران خساره	۶۴۱
اجرای معاملات مشابه تجارتي شریک و شمولیت آن به حیث عضو دیگر	۶۴۱
موجودیت شرکت	۶۴۲
مناسبات شرکاء با اشخاص ثالث	۶۴۳
انجام معاملات توسط نماینده	۶۴۳
مسئولیت شرکاء	۶۴۴
طرز اقامه دعوی	۶۴۴
تطبیق فیصله محاکم	۶۴۵
تادیه حقوق به دائنین	۶۴۵
حکم محکمه به طلبات دائنین شرکت	۶۴۵
عدم استفاده شرکاء از سرمایه مربوط	۶۴۶
عدم مجرائی طلب دین	۶۴۶
مدت دوام شرکت	۶۴۷
انحلال شرکت	۶۴۷
عقد شراکت مدار اعتبار	۶۴۸
مطلع ساختن دائنین از انحلال شرکت	۶۴۸
مطلع ساختن شرکاء از انحلال شرکت	۶۴۹

۶۴۹	حالات انحلال شرکت مبنی بر حکم محکمه.....
۶۵۰	دوام شرکت.....
۶۵۱	انحلال شرکت منوط به وفات، افلاس یا محجوریت یکی از شرکاء.....
۶۵۲	ادامه فعالیت شرکت بعد از وفات یا خروج داوطلبانۀ شریک.....
۶۵۳	محجوریت شریک.....
۶۵۳	افلاس شرکاء.....
۶۵۳	اخراج شریک به اساس حکم محکمه.....
۶۵۴	درخواست انحلال شرکت یا رد آن.....
۶۵۴	درخواست انحلال شرکت توسط یکی از شرکاء.....
۶۵۵	واگذاری دارایی و دیون.....
۶۵۵	ادامه اداره و امور معاملات بعد از انحلال.....
۶۵۶	تادیه مفاد شریکی که از شرکت خارج می شود.....
۶۵۶	سهم شریک اخراج شده و عدم مداخله در تصمیم شرکت.....
۶۵۷	ادای دین شخصی.....
۶۵۸	عدم حصول دین.....
۶۵۸	الحاق شرکت ها.....
۶۵۹	توافق شرکاء مبنی بر الحاق شرکت.....
۶۵۹	ترتیب بیلانس شرکتهای ملحقه.....
۶۶۰	مطلع ساختن دائنین از الحاق شرکت.....
۶۶۱	مدت اعتراض مبنی بر الحاق.....
۶۶۱	تصفیه معاملات.....
۶۶۲	تصفیه شرکت.....
۶۶۲	مامورین تصفیه شرکت.....
۶۶۳	تعیین مامورین تصفیه.....
۶۶۳	اقدام به تصفیه.....
۶۶۴	توظیف اعضای شرکت به تصفیه.....
۶۶۴	معاملات شرکت تضامنی در حال تصفیه.....
۶۶۵	حق رجحان.....
۶۶۵	عدم تکافوی دارائی شرکت حین انحلال آن برای تسویه دیون.....

عزل مامور تصفیه بموجب عقد.....	۶۶۶
عزل مامور تصفیه از طرف محکمه.....	۶۶۶
تقاضای همکاری در امور تصفیه	۶۶۶
محافظت دارایی شرکت	۶۶۷
مکلفیت مامور تصفیه	۶۶۸
مامور تصفیه به حیث ممثل شخصیت حکمی شرکت	۶۶۸
عدم انجام معامله که مربوط به تصفیه شرکت نباشد	۶۶۹
حل و فصل معاملات شرکت	۶۶۹
فروش اموال شرکت	۶۶۹
انجام معامله که مربوط به تصفیه شرکت نباشد	۶۷۰
پرداخت دیون مؤجله	۶۷۰
پرداخت دیون	۶۷۱
عدم فروش اموال شرکت	۶۷۱
افزایش و تحدید صلاحیت ها	۶۷۱
تصفیه معاملات شرکت مقید به تصمیم شرکایا محکمه	۶۷۲
تعیین و عزل وکیل	۶۷۲
نگهداری برخی دارائی شرکت جهت ادای دیون	۶۷۳
مکلفیت های مامور تصفیه	۶۷۳
ثبت و اعلانات تصامیم اتخاذ شده	۶۷۴
مکلفیت مامورین تصفیه بعد از ختم آن	۶۷۵
تقسیم دارایی خالص بین شرکاء	۶۷۶
مسئولیت مامورین تصفیه	۶۷۶
اجرت مامورین تصفیه	۶۷۶
امانت گذاشتن اوراق در محل مطمئن	۶۷۷
فصل پنجم: شرکت تضامنی خاص	۶۷۸
تطبیق احکام فصل چهارم	۶۷۸
ثبت اسمای شرکاء و اندازه سرمایه تأدیه شده آنها	۶۷۸
استثنائات برخی اشیا بحیث سرمایه	۶۷۹
مناسبات حقوقی شرکای عام	۶۷۹

۶۷۹	موضوعات مندرج اساسنامه.....
۶۸۰	عقد شراکت در ترکیب اساسنامه.....
۶۸۰	عزل مدیر شرکت تضامنی خاص.....
۶۸۱	اشتغال شریک عام در عین فعالیت.....
۶۸۱	تعیین هیئت نظار.....
۶۸۲	نماینده هیئت نظار از شرکای خاص.....
۶۸۲	مناسبات شرکاء.....
۶۸۲	عدم مداخله شرکای خاص در امور اداری.....
۶۸۳	تدقیق و بررسی دفتر دارایی، بیلانس شیت و اسناد شرکت.....
۶۸۳	تأسیس شرکت که موضوع آن معاملات شرکت تضامنی خاص را احتوا کند.....
۶۸۴	مسئولیت به تناسب سرمایه.....
۶۸۴	دریافت مفاد و تکتانه توسط شریک خاص.....
۶۸۵	عدم اعاده مفاد سهم.....
۶۸۵	وکیل قانونی.....
۶۸۵	واگذاری کلی یا قسمی سهم شریک خاص به شخص دیگر.....
۶۸۶	مسئولیت شریک خاص.....
۶۸۶	توظیف شریک خاص جهت انجام معاملات شرکت.....
۶۸۷	ارایه مشوره، صلاحیت تدقیق و کنترل امور شرکت.....
۶۸۷	مسئولیت شرکای خاص در مقابل دائنین شرکت.....
۶۸۸	ترجیح طلبات دائنین شرکت.....
۶۸۸	تساوی حقوق دائنین شرکت با دائنین شخصی.....
۶۸۹	مطالبه سرمایه تعهد شده.....
۶۸۹	انحلال و تصفیه شرکت های تضامنی خاص.....
۶۸۹	دائنین شرکت.....
۶۹۰	فصل ششم: شرکت تضامنی کار.....
۶۹۰	مطالبه انجام کار و پرداخت اجرت از شرکاء.....
۶۹۰	محول نمودن کار به سایر اشخاص.....
۶۹۱	توزیع مفاد کار انجام شده.....
۶۹۱	تضمین اجرای کار.....

۶۹۱	پرداخت جبران خساره مرتبط به کار
۶۹۲	تهیه محل کار و وسایل
۶۹۳	فصل هفتم: احکام متفرقه
۶۹۳	ادامه فعالیت
۶۹۳	ادای وجایب مالیاتی
۶۹۴	وضع مقررہ ہا، طرز العملها و لوايح
۶۹۴	تاریخ انفاذ

قانون میانجیگری (مصالحه) تجارتی

۷۰۰	فصل اول: احکام عمومی
۷۰۰	هدف
۷۰۰	اصطلاحات
۷۰۱	عدم تحمیل راه حل منازعه
۷۰۱	انصراف از تطبیق
۷۰۱	ساحه تطبیق
۷۰۲	حالات عدم تطبیق
۷۰۲	فصل دوم: طرز میانجیگری
۷۰۲	آغاز میانجیگری
۷۰۲	رد دعوت
۷۰۳	اجرای میانجیگری
۷۰۳	ملاقات میانجی
۷۰۴	ارایه طرح
۷۰۴	برخورد منصفانه
۷۰۴	عدم جمع آوری مدارک
۷۰۵	عدم افشای حکم
۷۰۶	پذیرش مدارک
۷۰۶	ختم عملیه میانجیگری
۷۰۷	فصل سوم: احکام متفرقه

۷۰۷	 نقش میانجی به حیث حکم
۷۰۷	 مدت تعلیق
۷۰۸	 معرفی میانجی
۷۰۸	 افشای معلومات
۷۰۹	 محرمت معلومات
۷۰۹	 توافق به روند حکمیت یا رسیدگی قضایی
۷۱۰	 تطبیق موافقتنامه
۷۱۰	 وضع مقرر و طرز العمل ها
۷۱۰	 تاریخ انفاذ

قانون حکمیت تجارتي

۷۱۶	 فصل اول: احکام عمومی
۷۱۶	 هدف
۷۱۶	 اصطلاحات
۷۱۸	 طرز حکمیت
۷۱۸	 ساحة تطبیق
۷۱۹	 مذاکره مستقیم
۷۱۹	 دریافت مراسلات کتبی
۷۲۰	 رسیدگی به حکمیت
۹۲۰	 عدم مداخله در امور حکمیت
۷۲۱	 توحید قرارهای حکمیت
۷۲۱	 حفظ قرارهای حکمیت
۷۲۲	 بازرسی
۷۲۲	 طرز فعالیت
۷۲۴	 فصل دوم: موافقتنامه حکمیت
۷۲۴	 موافقه حکم ها
۷۲۵	 درج حکمیت در قرارداد
۷۲۵	 رسیدگی محکمه به موضوع حکمیت

۷۲۶		احالة منازعه به حكمت تجارتي
۷۲۷		فصل سوم: بورد حكمت
۷۲۷		تركيب بورد حكمت
۷۲۷		مانع تابعيت در روند حكمت
۷۲۷		طرز تعيين حكم
۷۳۰		معرفي حكم
۷۳۰		رد حكم
۷۳۱		تصميم بورد حكمت در مورد رد حكم
۷۳۲		تصميم محكمه در مورد رد حكم
۷۳۲		ختم ماموريت حكم
۷۳۴		فصل چهارم: صلاحيت هاي بورد حكمت
۷۳۴		صلاحيت هاي بورد حكمت
۷۳۵		ادعای رد صلاحيت بورد حكمت
۷۳۵		تصميم بورد حكمت
۷۳۶		صدور قرار محكمه
۷۳۶		اتخاذ تدابير احتياطي
۷۳۷		فصل پنجم: اجراي رسيدگي حكمت
۷۳۷		برخورد منصفانه
۷۳۸		اجراآت طبق طرز العمل
۷۳۸		تعيين دفتر حكمت
۷۳۹		تعيين محل حكمت
۷۴۰		آغاز رسيدگي به حكمت
۷۴۰		استفاده از زبان ها در روند حكمت
۷۴۱		ارايه دلایل ادعا و دفاعيه
۷۴۲		اصلاح و تكميل دفاعيه
۷۴۲		اطلاعيه تدوير جلسات
۷۴۳		جمع آوري معلومات
۷۴۳		ادامه به حكمت
۷۴۴		تعيين متخصص

۷۴۵	درخواست اسناد
۷۴۶	فصل ششم: صدور قرار حکمیت و خاتمه رسیدگی
۷۴۶	قانون قابل تطبیق
۷۴۶	عدم تعیین حکم من حیث میانجی
۷۴۷	طرز اتخاذ تصمیم
۷۴۷	قرار حکمیت
۷۴۸	مندرجات قرار حکمیت
۷۴۹	ختم روند رسیدگی حکمیت
۷۵۰	اصلاح اشتباهات
۷۵۱	صدور قرار تکمیلی
۷۵۱	تمدید میعاد
۷۵۲	رعایت ماده چهل و هشتم
۷۵۲	فصل هفتم: اعتراض به قرار
۷۵۲	فسخ قرار حکمیت
۷۵۴	میعاد درخواست فسخ
۷۵۵	رسیدگی مجدد بورد
۷۵۵	فصل هشتم: تطبیق قرار حکمیت
۷۵۵	تطبیق و رد قرار حکمیت
۷۵۸	ارایه اصل سند
۷۵۸	ارایه تضمین
۷۵۹	فصل نهم: احکام نهائی
۷۵۹	وضع مقرر و طرز العمل ها
۷۵۹	تاریخ انفاذ

قانون سرمایه گذاری خصوصی

۷۶۵	فصل اول: احکام عمومی
۷۶۵	مبنی
۷۶۵	هدف قانون

اصطلاحات	۷۶۶
سرمایه گذاری مجاز	۷۷۰
عرصه های ممنوع، محدود یا تابع شرایط خاص سرمایه گذاری	۷۷۱
فصل دوم: اداره و نظارت	۷۷۳
تشکیل	۷۷۳
ترکیب کمیسیون	۷۷۴
وظایف و صلاحیت های کمیسیون	۷۷۵
وظایف دفتر	۷۷۷
فصل سوم: تشبثات منظور شده	۷۷۸
ثبت	۷۷۸
درخواست غرض ثبت	۷۷۹
طرز ثبت تشبث و رد آن	۷۸۰
ارایه گزارش	۷۸۲
لغو امتیاز تشبث منظور شده	۷۸۲
فصل چهارم: حقوق و وجایب تشبثات منظور شده	۷۸۴
رعایت قوانین نافذه	۷۸۴
حق مصئونیت از اعمال تبعیضی حکومت	۷۸۴
امتیازات مالیاتی تشبثات منظور شده	۷۸۵
معافیت گمرکی تشبثات منظور شده	۷۸۵
دسترسی به تسهیلات بانکی	۷۸۶
کار و استخدام	۷۸۷
اجاره زمین	۷۸۸
فصل پنجم: انتقال سرمایه و مفاد مربوط به سرمایه گذاریهای خارجی	۷۸۸
انتقال سرمایه سرمایه گذار خارجی	۷۸۸
انتقال مفاد سرمایه مرتبط با سرمایه گذاری خارجی	۷۸۹
انتقال اصل قرضه خارجی و سایر پرداخت های آن	۷۹۰
فصل ششم: فروش تشبث منظور شده و انتقال ماحصل آن	۷۹۰

فروش تشبثات منظور شده	۷۹۰
انتقال عواید حاصله از فروش تشبثات منظور شده	۷۹۱
فصل هفتم: سلب مالکیت	۷۹۲
سلب مالکیت	۷۹۲
جبران خساره	۷۹۲
انتقال وجه جبران خساره و حق مراجعه به محکمه	۷۹۳
فصل هشتم: رسیدگی به اختلافات	۷۹۴
حل اختلافات	۷۹۴
فصل نهم: احکام متفرقه	۷۹۸
ارجحیت	۷۹۸
احکام انتقالی	۷۹۸
تاریخ انفاذ	۷۹۹
تعدیلات	۸۰۱

قانون حمایت حقوق مخترع و مکتشف

فصل اول: احکام عمومی	۸۱۱
مبنی	۸۱۱
اهداف	۸۱۱
اصطلاحات	۸۱۲
حق انحصاری	۸۱۳
تطبیق کننده قانون	۸۱۳
فصل دوم: ثبت اختراعات و اکتشافات	۸۱۴
شرایط ثبت	۸۱۴
عدم ثبت	۸۱۴
درخواست ثبت	۸۱۵
ضمانیم درخواست ثبت	۸۱۶

۸۱۶	بررسی درخواست
۸۱۸	ثبت اختراع یا اکتشاف
۸۱۹	فورمه اختراع یا اکتشاف ثبت شده
۸۲۰	میعاد اعتبار فورمه
۸۲۱	نشر اختراع یا اکتشاف
۸۲۲	حق ادعا علیه ثبت اختراع یا اکتشاف
۸۲۲	اختراع یا اکتشاف جدید
۸۲۲	انتقال حق اختراع یا اکتشاف
۸۲۴	تسلیمی اجازه نامه استفاده از اختراع یا اکتشاف
۸۲۴	استفاده اختراع یا اکتشاف تکمیلی به عوض اختراع یا اکتشاف اصلی
۸۲۵	انتقال به اشخاص ثالث
۸۲۵	مراجعه به اسناد ثبت
۸۲۵	ثبت تغییر در اختراع یا اکتشاف
۸۲۶	موضوع اصلی اختراع یا اکتشاف
۸۲۷	تشریح اختراع یا اکتشاف
۸۲۸	فصل سوم: تغییر یا تکمیل در اختراع یا اکتشاف
۸۲۸	تغییر یا تکمیل
۸۲۹	تقاضای فورمه اصلی به عوض فورمه تکمیلی
۸۳۰	اسناد انتقال و ضمایم آن
۸۳۰	رد درخواست و ضمایم آن
۸۳۱	فصل چهارم: ثبت اختراع یا اکتشاف اشخاص خارجی
۸۳۱	شرایط ثبت
۸۳۲	آدرس
۸۳۲	ثبت حق انتقال یا واگذاری
۸۳۳	بررسی حق انحصاری اختراع یا اکتشاف
۸۳۴	تصدیق حق انحصاری اختراع یا اکتشاف
۸۳۵	آغاز واستمرار حقوق

۸۳۶	شرایط کاری
۸۳۷	ضمیمه درخواست
۸۳۸	نشر درخواست
۸۳۸	فصل پنجم: تصامیم قضائی
۸۳۸	اعتراض
۸۳۸	رسیدگی به اعتراض
۸۳۹	اعتراض قبل از ثبت
۸۴۰	اعتراض بعد از ثبت
۸۴۱	ابلاغ اعتراض
۸۴۱	جواب رد
۸۴۲	انقضای مدت
۸۴۳	مهلت
۸۴۴	رجوع به محکمه
۸۴۵	تدابیر احتیاطی
۸۴۶	فصل ششم: احکام نهائی
۸۴۶	اندازه حق الثبت
۸۴۶	وضع مقررہ ہا و طرز العمل ہا
۸۴۶	تاریخ انفاذ

مقدمه

براساس اصل تفکیک قوا، قانون محور اصلی پیدایش قوای سه گانه و تقسیم وظایف و صلاحیتها و تنظیم روابط فیما بین آنها می باشد زیرا قوه مقننه به وضع و تصویب قانون می پردازد و قضائیه آن را تفسیر و مجریه آن را اجرا می نماید. از سوی دیگر قانون مبنای تعیین و تبیین حقوق، وجایب و آزادی های عمومی مردم و عامل مهم تأمین نظم، امنیت، عدالت و انصاف و جلوگیری از تجاوز، اجحاف و فساد است. قانون گام اول برای ایجاد هر نوع تعییر و تحول مثبت و بنیادین و اصلاحات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جامعه می باشد.

اما بدون شک نشر قانون و آگاهی نهادهای دولتی و غیر دولتی و عامه مردم از احکام آن، نقش اساسی و مؤثر در درک و فهم عمیق تر و تطبیق بهتر و کامل تر آن دارد. کشور ما با این که در عرصه قانونگذاری، سابقه ممتد و طولانی داشته و در سال های اخیر موفقیت های بیشتر و پیشرفت های چشمگیری نیز کسب نموده است اما متأسفانه درباره تنظیم و دسته بندی، چاپ و نشر، شرح و تفسیر، آموزش های تخصصی و آگاهی های عمومی در مورد قوانین، هنوز هم با چالشها و خلأهای زیادی مواجه هستیم. وزارت عدلیه در کنار سایر فعالیت های خود در مورد قوانین، رسالت خود می داند که در عرصه تنظیم قوانین نافذه و چاپ و نشر آنها از هیچ کوششی دریغ نورزیده و هر نوع اقدام لازم و مقتضی را به عمل آورد و به امید رسیدن به این مأمول، اکنون سلسله جدیدی را بنام "مجموعه قوانین افغانستان" با شیوه تنظیم موضوعی در ساحات مدنی، جزائی، اجراءات عدلی و قضائی، تجارتی، مالی و گمرکی، بانکی، علمی و فرهنگی، صحت و محیط زیست، کار و خدمات ملکی، معادن و منابع طبیعی و... در اختیار نهادهای دولتی، مراکز آکادمیک، قضات، حقوقدانان، اساتید، پژوهشگران، نویسندگان و عامه مردم قرار می دهد. من وظیفه خود می دانم که از همکاران عزیز و پرتلاش خود در ریاستهای تقنین، نشرات و امور مالی و اداری و همه کسانی که در انجام و فرجام این پروژه سهم داشته اند، صمیمانه ابراز سپاس و امتنان نمایم.

قانونپوه سرور دانش

وزیر عدلیه

سال ۱۳۸۸

قانون تجارت



د تجارت اصولنامه

لومړی باب
عمومي احکام
لومړی فصل
مقدمه

۱ ماده:

د تجارتي اصولنامو احکام د ټولو تجاري معاملاتو په خصوص کښې جاري دی.

۲ ماده:

تجارتی مسئلې د اصولي معتبرو مقاوله نامو په ذریعه، او په دې صورت چه داسې مقاوله موجوده نه وي، نو د تجارتي اصولنامو د صراحت او یا دلالت په موجب حل او فصل کیږي. او که په دې ترتیب سره ئې حل او فصل ونشي کیدلي، نو د تجارتي عرف او عاداتو له مخې کیږي. محلي او خصوصي عرف او عاداتو ته په عمومي عرف او عاداتو باندې ترجیح ورکول کیږي. د عرف او عاداتو د نشتوالی په صورت کښې د نورو هغو اصولنامو احکام چه په هغو استناد کیږي تطبیقېږي.

قانون تجارت

باب اول
احکام عمومي
فصل اول
مقدمه

ماده ۱:

احکام قوانین تجارتي درباره تمام معاملات تجاریه جاریست.

ماده ۲:

مسایل تجارتي ذریعه مقاوله نامه های معتبره قانونی، و در صورتیکه چنین مقاوله موجود نباشد، به موجب صراحت و یا دلالت قوانین تجارتي حل و فصل میگردد اگر به این ترتیب حل و فصل شده نتواند، عرف و عادات تجارتي تطبیق میگردد. عرف و عادات محلی و خصوصي بر عرف و عادات عمومي ترجیح داده میشود در صورت نبودن عرف و عادات، احکام قوانین دیگری که به آن استناد میشود تطبیق می گردد.

تبصره:

په عمومي عرف او عاداتو باندې خصوصي او محلي عرف او عاداتو ته ترجیح ورکول عبارت له دې څخه دی چه د هر محل تجارتي عرف او عادات د خپلې محلي حوزې د تعاملاتو تابع وي نه د بلي منطقي د تعاملاتو. که هغه عرف او عادات چه د تجارتي معاملاتو په حل او فصل کښې مؤثر واقع کيدای شي په يوه محلي حوزه کښې موجود نه وي، نو د يوه نږدې محل په عرف او عاداتو باندې استناد کيدای شي.

۳ ماده:

که په دې اصولنامه کښې بل صراحت موجود نه وي نو د (۲) مادې د مندرجاتو د ترتيب رعايت مجبوري ده.

تبصره:

ترجیح عرف و عادات خصوصي و محلي بر عرف و عادات عمومي عبارت است ازينکه عرف و عادات تجارتي هر محل تابع تعاملات حوزه محلي خودش می باشد، نه تابع تعاملات مناطق ديگر هرگاه عرف و عاداتيکه در حل و فصل معاملات تجارتي مؤثر واقع شده بتواند در یک حوزه محلي موجود نباشد به عرف و عادات نزديک ترين محل استناد شده می تواند.

ماده ۳:

اگر در اين قانون صراحت ديگری موجود نباشد، رعايت ترتيب مندرجات ماده (۲) مجبوريست.

دوهم فصل تجارت او تجارتی اهلیت

۴ ماده:

هر یو تن چه اتلس کلن او د شخصیت او تجارت د ډول له حیثه دده د حقوقي تصرفاتو دپاره کوم موانع موجود نه وي نو کولای شي چه تجارت وکړي.

۵ ماده:

که تجارت خانه یوه صغیر ته پاتي شي پدی صورت چه تجارتی مربوطه محکمه دده د وصي یا ولي لخواه تجارت ته په ادامه ورکولو کښې ګټه وويني نوکولای شي چه ولي یا وصي ته دهغه په اوږدولو اجازه ورکړي. که ولي یا وصي د تجارت د اجراء د پاره قانوني اهلیت ونلري او یا د تجارت له اجراء څخه منع شوی وي، هغه ته اجازه نه ورکوله کیږي تر څو چه د تجارت دپاره یو بل صالح ولي یا وصی وټاکل شي.

۶ ماده:

د (۵) مادی حکم د نورو هغو خلکو په باره کښې چه حقوقي اهلیت نه لری هم د اجراء وړ دی.

فصل دوم تجارت و اهلیت تجارتی

۴ ماده:

هر فرد که سن هجده را تکمیل و برای تصرفات حقوقي اش از حیث شخصیت و نوع تجارت موانع قانونی موجود نباشد می تواند تجارت نماید.

۵ ماده:

اگر تجارت خانه به یک صغیر انتقال یابد، در صورتی که محکمه مربوطه تجارتی در ادامه تجارت از طرف ولی و یا وصی او فایده تصور کند، می تواند ولی و یا وصی را به ادامه آن اجازه بدهد. اگر ولی و یا وصی دارای اهلیت قانونی برای اجرای تجارت نباشد و یا از اجرای تجارت منع شده باشد، به او اجازه داده نمی شود تا اینکه وصی یا ولی دیگری که برای تجارت صالح باشد تعیین شود.

۶ ماده:

حکم ماده (۵) درباره دیگر فاقدين اهلیت حقوقي هم مرعی است.

ماده ۷:

تول هغه کسان چه د مامورینو د ترفیع او تقاعد د اصولنامې له مخې د دولت وظيفه لرونکی مامور بلل کېږي، له مستقیم تجارت څخه منع دی.

ماده ۷:

تمام اشخاصی که بموجب اصولنامه ترفیع و تقاعد مامورین، مامور مؤظف دولت شمرده می‌شوند از تجارت مستقیم ممنوع می‌باشند.

ماده ۸:

هر څوک که افراد وی که شرکتونه چه تجارتی اهلیت ولری، په خپل نامه په یوه یا څو تجارتی معاملو بخت شي او دا کسب ځانته غوره کړی، تاجر بلل کېږي.

ماده ۸:

هر شخص اعم از افراد و شرکت ها که حایز اهلیت تجارتی بوده بنام خود به یک و یا چند معامله تجارتی اشتغال ورزیده و این شغل را پیشه معتاد قرار بدهد، تاجر شمرده می‌شود.

ماده ۹:

هغه څوک چه په تجارتی معاملو باندی د بختیدو دپاره یو ټاکلی ځای پرانیزی او د متحد المال او اخبار او نورو په ذریعه خلکو ته خبر ورکړی، نو که تجارت خپل ځانته عادی کسب هم ونه گرځوی، تاجر بلل کېږي.

ماده ۹:

شخصی که برای اشتغال به معاملات تجارتی محلی را انتخاب و اقناع نموده ذریعه متحد المال و جراید و امثال آن به اهالی اعلان نماید، اگر تجارت را برای خود پیشه معتاد هم اتخاذ نکند، تاجر شمرده می‌شود.

ماده ۱۰:

که کوم شخص تصادفاً یوه تجارتی معامله اجراء کړی، د تاجر صفت نشي موندلای لیکن هغه معامله چه اجراء شوی ده د

ماده ۱۰:

شخصی که تصادفاً یک معامله تجارتی را اجراء نماید، دارای صفت تاجر شده نمی‌تواند. لیکن معامله ای که اجراء شده تابع

تجارتی قانون د احکامو تابع ده.

۱۱ ماده:

دولت او ښاروالی کولای شي چه تجارت وکړي مگر د تاجر صفت نشي موندلای خو د دوي تجارتی معاملي ددی اصولنامی د احکامو تابع دی.

۱۲ ماده:

هغه کسان چه د دوی تجارت نظر نقدی پانگې ته د دوی په بدني کونښنونو ډیر مستند دی او یا د دوی د کار او کسب حاصل دومره لږ وي چه یواځې د دوی د ژوندانه وسایل برابر کړي، نو که سیار یا په یوه دکان او یا د بازار په یوه ټاکلي ځای کښې ناست وی، کوچني تاجر بلل کیږي.

۱۳ ماده:

هغه کوچني تاجران چه د عنوان په اخیستلو او د تجارتی دفترنو په لرلو او په هغو موضوعاتو چه نظر د تجارت قانون ته د هغو ثبت لازم دی مجبور ندی او همدا ډول د افلاس تر اصولو لاندی هم نه راځي.

احکام قانون تجارت است.

۱۱ ماده:

دولت و بلدیة ها می توانند تجارت کنند. لیکن دارای صفت تاجر شده نمی توانند مگر معاملات تجارتی ایشان تابع احکام این قانون است.

۱۲ ماده:

اشخاصی که تجارت ایشان از سرمایه نقدی زیاده مستند به مساعی بدنیه بوده و یا حاصل کار و کسب شان آنقدر جزئی باشد که تنها مکفی معیشت گردد، چه سیار و چه در یک دکان و یا در یک محل معین بازار ثابت باشند، تاجر کوچک شمرده می شوند.

۱۳ ماده:

تاجر های کوچک به اتخاذ عنوان و داشتن دفاتر تجارتی و موضوعاتی که نظر به قانون تجارت ثبت آن لازم است مجبور نبوده و همچنان تحت قاعده افلاس نمی آیند.

تبصره:

کوچنی تجار هغه کسان بلل کیږي چه په اصنافي طبقو کښې شامل وي او صنفني جوازنامه ولری.

تبصره:

تجار کوچک کسانى شناخته ميشوند که در طبقات اصنافى شامل بوده و جوازنامه صنفى را داشته باشند.

درېيم فصل تجارتی معاملي

فصل سوم معاملات تجارتي

۱۴ ماده:

تاجر يا غير تاجر کسان چه منقول مالونه د پلورلو يا بل چاته د په اجاره ورکولو په غرض پيري او هغه منقول مالونه په اصلي حالت يا په بل شکل واپړوي او وئى پلوري او يائي په اجاره ورکړي، دا پلورل او په اجاره ورکول له تجارتي معاملو څخه گڼل کیږي.

۱۴ ماده:

اشخاص تاجر يا غير تاجر که اموال منقول را به مقصد فروش و يا اجاره دادن به ديگري خريداري مي نمايند و آن اموال منقول را بحالت اصلي آن و يا بشکل ديگري تبديل نموده بفروشند و يا اجاره بدهند، اين فروش و اجاره از معاملات تجارت محسوب مي شود.

۱۵ ماده:

تاجر يا غير تاجر کسان چه منقول مالونه د په اجاره ورکولو په نيت له چانه په اجاره واخلي، ددی ډول منقول مالو په اجاره ورکول له تجارتي معاملو څخه گڼل کیږي.

۱۵ ماده:

اشخاص تاجر و غير تاجر که اموال منقوله را به نيت اجاره دادن از کسی اجاره بگیرند، اجاره دادن چنین اموال منقوله از معاملات تجارتي محسوب می شود.

۱۶ ماده:

تاجر یا غیر تاجر کسان چه بل ته د اجاری ورکولو دپاره مستخدم نیسی، د مستخدمی دغه د عمل او کار په اجاره ورکول چه پدی نیت نیولی شوی وی له تجارتی معاملو څخه گڼل کیږي.

ماده ۱۶:

اشخاص تاجر و یا غیر تاجر یکه برای اجاره دادن به شخص دیگری مستخدم میگیرند، اجاره دادن عمل و کار مستخدم میکه به این نیت گرفته شده باشد، از معاملات تجارتی محسوب می شود.

۱۷ ماده:

که د مخکې خاوند یا بزگر د خپلې مخکې محصولات او یا مالدار د خپلو حیواناتو محصولات وپلوري، دا له عادی معاملاتو څخه دی او همدا ډول که یو بزگر د خپلې بزگری له صنعت سره سم د خپلو مخکنیو محصولاتو شکل دیوی دستگاه پوسیله تبدیل کړی او یا د کار یو صنعت دی پخپله یا د مزدورانو د استخدام یا د ماشین د استعمال په ذریعه خپل صنعتی آثار وباسي او وئې پلوري او یا یو مؤلف خپل تالیف شوی اثر خپور کړی او وئې پلوري، دا ټول له عادی کارو څخه بلل کیږي. مگر که څوک د خپلو زراعتی او حیوانی محصولاتو دپلورلو یائی د شکل د تبدیلولو په نیت یوه داسي

ماده ۱۷:

اگر صاحب زمین و یا دهقان محصولات ارضیه خود را و یا مالدار محصولات حیوانیه خود را بفروشد، از معاملات عادی است و همچنین اگر یک دهقان بر طبق صنعت زراعیه خود شکل محصولات ارضیه خود را بوسیله یک دستگاه تبدیل کند و با یک صنعتکار خودش و یا توسط استخدام عمله و یا استعمال ماشین آثار صنعتی خود را تولید نموده و بفروشد و یا یک مؤلف اثر تالیف شده خود را نشر نماید و بفروشد، همه اینها از امور عادی محسوب می شوند. لیکن اگر کسی بمقصد فروش و یا تبدیل شکل محصولات زراعیه و حیوانیه خود مؤسسه ای را

بطور دایم باز کند که دارای اوصاف یک مؤسسه صنعتی تجارتی باشد، معاملات این مؤسسه از معاملات تجارتی محسوب می شود.

ماده ۱۸:

معاملات ذیل از معاملات تجارتی است:

- ۱- تعهد تهیه هر نوع اموال منقول و به ذمه گرفتن و قبول هر نوع اعمال و انشاءات.
- ۲- تأسیس فابریکه، تدویر دستگاه مطبعه، عکاسی، نشریات و فروش کتب.
- ۳- افتتاح تیاتر، سینما، تماشاگاه ها و کشودن مقامات عمومی مانند هتل و سرای ها و طعام خانه ها و امثال آنها و دفاتر تهیه کارگران و لیلام خانه ها.
- ۴- نقلیات مسافری و حیوانات و اشیاء در خشکه، انهار و هوا.
- ۵- توزیع آب، گیس، برق و تأسیس مخابرات تلفونی.

ماده ۱۹:

معاملات ذیل بدون رعایت

مؤسسه په دایم ډول سره پرانیزې چه د یوې تجارتی صنعتی مؤسسه صفتونه ولري، نو ددی مؤسسه معاملې له تجارتی معاملو څخه گڼلې کېږي.

ماده ۱۸:

دالاندني معاملې تجارتی دی:

- ۱- د هر ډول منقولو مالو د تهیه کولو تعهد او د هر ډول اعمالو او انشاءاتو په ذمه اخیستل او قبولول.
- ۲- د فابریکې تأسیس، د مطبعې د دستگاه دائرول، عکاسي، نشرات او د کتابو پلورل.
- ۳- د تیاتر، سینما، د نندارتونونو افتتاح او د عمومی مقاماتو پرانستل لکه هوټل، سرایونه، د خوړو خوني او ددی په شان نور او د کارکونکو د تهیه کولو دپاره دفترونه او د لیلام ځایونه.
- ۴- په وچه، سیندونو او هوا کښې د مسافرینو حیواناتو او شیانو وړل.
- ۵- د اوبو، گیس او بریښنا ویشل او د تلفوني مخابراتو تأسیس.

ماده ۱۹:

دالاندني معاملې بی د دواړو

- طرفو د نیت له رعایتہ څخه تجارتی معاملي گڼلي کيږي:
- ۱- په کمیشن کار کول.
 - ۲- دلالي.
 - ۳- د برات او حجت معاملي (دی چه په نوم محرر او محرر په حامل) او چک.
 - ۴- د صرافي معاملي.
 - ۵- د خصوصي او د عمومي بانکونو معاملي.
 - ۶- د جاري حساب معاملي او په هغو پورې مربوطې مقاولی.
 - ۷- د گروې سندونو او رسیدونو په باره کښې چه د موضوعه مالو په مقابل د تجارتی په عمومي گدامو کښې موجود شوی وي.
 - ۸- د تجارتی شرکتونو تشکیل او د سهمونو پیرودل او پلورل.
 - ۹- د مخاطراتو په مقابل کښې د هر ډول بیمې ترڼه، که په اجرت سره وتړل شي او که په متقابلہ شرطونو سره.
- نیت طرفین، معامله تجارتی محسوب می شود:
- ۱- کمیشن کاری.
 - ۲- دلالی.
 - ۳- معاملات برات و حجت (اعم از محرر بنام و محرر به حامل) و چک.
 - ۴- معاملات صرافي.
 - ۵- معاملات بانکهای خصوصی و عمومی.
 - ۶- معاملات حساب جاری و مقاولات مربوط به آن.
 - ۷- معاملات راجع به سندات گروې و رسیدات که در مقابل اموال موضوعه در گدامهای عمومی تجارتی موجود شده باشد.
 - ۸- تشکیل شرکت های تجارتی و خرید و فروش اسهام.
 - ۹- عقد هر نوع بیمه در مقابل، مخاطرات خواه به اجرت عقد شود و خواه با شرایط متقابلہ.

۲۰ ماده:

دیوه تاجر ټولي معاملي تجارتی گڼلي کيږي مگر دا چه ثابت شي چه دا معامله عادی ده.

۲۰ ماده:

تمام معاملات یک تاجر تجارتی محسوب می شود مگر اینکه ثابت شود که معامله عادی است.

ماده ۲۱:

که یو عقد یواځې له یوې خوا تجارتی وي او په تجارتی قانون دهغه په خلاف کوم صراحت موجود نه وي نو د هغو تکالیفو په باره کښې چه له دی عقد څخه ټولو عاقدینو ته پېښ شوی وي، د تجارت د اصولنامې احکام تطبیقېږي.

ماده ۲۲:

د تاجرو او غیر تاجرو کسانو تکالیف چه له نورو معاملاتو څخه پیدا کیږي او یا ددی فصل ذکر شوی معاملات ماهیتاً د قیاس وړ وي، د تجارت د اصولنامې د احکامو تابع دی.

ماده ۲۳:

ټول هغه معاملات چه ددی فصل په ذکر شویو معاملاتو پورې اړه لري، له تجارتی معاملاتو څخه ګڼل کیږي.

ماده ۲۱:

اگر عقدی تنها برای یکی از طرفین تجارتی باشد و در قانون تجارتی بر خلاف آن صراحتی موجود نباشد، در باره تکالیفی که از عقد مذکور برای تمام عاقدین تولید شده باشد احکام قانون تجارت تطبیق می گردد.

ماده ۲۲:

تکالیف اشخاص تاجر و غیر تاجری که از معاملات دیگر متولد و یا معاملات متذکره این فصل ماهیتاً قابل قیاس باشد، تابع احکام قانون تجارت است.

ماده ۲۳:

تمام معاملاتیکه مرتبط به معاملات مذکوره این فصل باشد، از معاملات تجارتی محسوب است.

خلورم فصل د تجارت ثبت

۲۴ ماده:

یوه دائره د تجارت د ثبت په نامه دهغو محکمو تر نظارت لاندې چه د تجارتي دعوو په حل او فصل باندې مکلفي وي، موجوده ده.

۲۵ ماده:

د تجارتي ثبت دائره د مربوطه محکمي د رئیس تر کتنې لاندې یوه مسئول او مکلف مامور ته سپارله کیږي.

۲۶ ماده:

که په یوه ځای کښې تجارتي محکمي زیاتي وي نو د تجارتي ثبت دائره دواک لرونکی مقام په امر له نوموړو محکمو څخه په یوه محکمه پورې تړل کیږي.

۲۷ ماده:

هغه موضوعات او معاملات چه د تجارت د اصولنامې او د نورو اصولنامو له مخې باید هر ورو په ثبت ورسېږي نو راساً یا د مربوطه مقاماتو د ابلاغ په اثر یا د نورو علاقه لرونکو په غوښتنه او مراجعت ثبت او قیدېږي. هر

فصل چهارم ثبت تجارت

ماده ۲۴:

یک دایره بنام ثبت تجارت تحت نظارت محاکمی که مکلف بر حل و فصل دعاوی تجاری می باشند، موجود است.

ماده ۲۵:

دایره ثبت تجارتي تحت نظارت رئیس محکمه مربوطه به یک مامور مسئول و مکلف محول می شود.

ماده ۲۶:

در صورت تعدد محاکم تجارتي در یک موضوع، دایره ثبت تجارتي به امر مقام ذیصلاحیت به یکی از محاکم مذکور مربوط می گردد.

ماده ۲۷:

موضوعات و معاملاتیکه نظر به قانون تجارت و سایر قوانین لازم است به ثبت برسد، راساً یا به اثر ابلاغ مقامات مربوطه و یا خواهش و مراجعت علاقمندان دیگر ثبت و قید میگردد. هرگونه

تغییراتی که در مسایل مذکور واقع شود، مطابق اصول، ثبت و قید می‌شود.

ماده ۲۸:

مطالبی که تجار و شرکت‌های تجارتی به ثبت آن مکلف اند، قرار ذیل است:

الف- اسم (شخص یا شرکت).

ب- ولدیت.

ج- محل تولد و تاریخ آن.

د- تابعیت شخص یا شرکت.

ه- عنوان تجارت.

و- موضوع تجارت.

ز- نوع شرکت و تاریخ تأسیس آن و همچنین مرکز اصلی شرکت.

ح- سرمایه شرکت (تجار انفرادی ازین فقره مستثنی است).

ط- اشخاصی که در امور تجارت خانه یا شرکت دارای صلاحیت امضاء اند.

ی- سایر خصوصیات که ثبت آن (اصولاً) اجباری قرار داده شده باشد.

ماده ۲۹:

طوری که اشخاص علاقمند خواهش ثبت و قید را می‌کنند،

دول تغییرات چه په دی مسایلو کښې پېښ شي، د اصول له مخې ثبتېږي.

ماده ۲۸:

هغه مطالب چه تجار او تجارتي شرکتونو د هغو په ثبت باندی مکلف دی، په لاندی ډول دی:

الف- د (شخص یا د شرکت) نوم.

ب- د پلارنوم.

ج- د هغه د زیږیدني ځای او نېټه.

د- د شخص یا شرکت تابعیت.

ه- د تجارت عنوان.

و- د تجارت موضوع.

ز- د شرکت ډول او د هغه د تأسیس نېټه او همدا ډول د شرکت اصلي مرکز.

ح- د شرکت پانگه (انفرادی تجار له دی فقری څخه مستثنی دی).

ط- هغه کسان چه د تجارت خانۍ یا شرکت په چارو کښې دلاس لیک واک لري.

ی- نور هغه خصوصیات چه د هغو ثبت (اصولاً) اجباري کړی شوی وی.

ماده ۲۹:

لکه څنگه چه علاقه لرونکی کسان د قید او ثبت غوښتنه

کوي، نو د دوی د ورثي او قانوني قایم مقام په غوښتنه هم ثبت کیږي.

په دی صورت کښې چه د قید او ثبت غوښتنه په متعددو کسانو پورې اړه ولري نو که له دوي څخه دیوه له غوښتنې سره سم د قید او ثبت معامله اجراء شي، نو داسي گڼل کیږي لکه چه د ټولو له خوا غوښتنه شویده.

۳۰ ماده:

لکه چه پخپله د علاقه لرونکو او یا د دوی د قانوني وکیلانو د مراجعي په اثر د قید او ثبت معاملي اجراء کیږي، په همدی ډول د هغو پانواو د سهم د اسنادو د لیږلو په اثر چه رسماً ترتیب شوی او د ثبت غوښتنه پکښې شوی وي هم اجرا کیږي.

۳۱ ماده:

د قید او ثبت غوښتنه باید په هغه موده کښې وی چه قانون مقرره کړی ده. که په قانون کښې د هغي د پاره یوه موده تصریح شوی نه وی نو وروسته د وثیقه د تکمیل څخه په یوه میاشتي کښې دننه د هغو اجراء لږمه ده. د

به خواهش ورته یا قایم مقام قانونی ایشان نیز ثبت بعمل می آید.

در صورتی که صلاحیت خواهش قید و ثبت به اشخاص متعدد تعلق داشته باشد، اگر مطابق خواهش یکی از آنها معامله ثبت و قید اجراء شود، چنان محسوب می شود که از طرف همه خواهش شده است.

ماده ۳۰:

طوری که معاملات قید و ثبت به اثر مراجعه شخصی علاقمندان و یا به اثر مراجعه وکیل قانونی شان اجراء می شود، به همان صورت به اثر ارسال اوراق و اسناد رسمیه که رسماً ترتیب شده و حاوی مطالبه ثبت باشد هم اجرا می گردد.

ماده ۳۱:

خواهش قید و ثبت باید در مدتی که قانون مقرر نموده است، بعمل آید. اگر در قانون یک مدت برای آن تصریح نشده باشد، در ظرف یکماه بعد از تکمیل وثایق، اجرای آن لازم است. نسبت کسانی که

هغو کسانو په خصوص کښې چه په ثبت مکلف دی او د ثبت له ځای څخه دباندی اوسیری، نظر د لاري اوږدوالي ته د هرو ۱۲ ميلو د پاره يو ورځ زیاتیری.

۳۲ ماده:

هغه ثبت چه د اعلان وړ وی نو تر هغه وخته پورې چه د قانوني اعلاناتو دپاره کومه مخصوصه جریده تاسیس شي، په رسمي یا خصوصي جریدو کښې چه په هغه محل کښې موجودی وی نشریری او که په هغه محل کښې رسمي یا غیر رسمي جریده موجوده نه وي، نو په هغې جریدی کښې چه دغه ځای ته نژدی خپیری اعلانیږی. پرته له هغو خصوصیاتو چه اصولاً د هغو اعلانول په لنډ ډول سره مجازوي، د ثبت مراتب کلمه په کلمه درج او نشریری.

که د اعلاناتو ټول مندرجات په یوه ورځ پوره نشي، نو د نشر وروستي نېټه د اعلان د پوره کیدو نېټه بلله کیږي.

په ټولو غوښتنپانو او بیان نامو باندی چه د ثبت وثیقه جوړوی او هغو جریدو باندی چه اعلان پکښې

مکلف به ثبت بوده و خارج از محل ثبت اقامت دارند نظر به بعد مسافه برای هر ۱۲ میل یک روز علاوه می شود.

ماده ۳۲:

ثبتیکه قابل اعلان میباشد تا زمانیکه کدام جریده مخصوصه برای اعلانات قانونیه تاسیس گردد، در جراید رسمی یا خصوصی که در آن محل موجود باشد نشر می گردد و اگر در آن محل جریده رسمی یا غیر رسمی موجود نباشد، در جریده که در نزدیک ترین محل نشر میشود اعلان می گردد. به استثنای خصوصیات که اعلان آنها قانوناً بطور مختصر مجاز است، مراتب ثبت کلمه به کلمه درج و نشر می شود.

اگر تمام مندرجات اعلانات در یک روز اكمال نگیرد، آخرین تاریخ نشر تاریخ تکمیل اعلان شمرده می شود.

بر تمام درخواست ها و بیان نامه ها که وثیقه ثبت را تشکیل می دهند و جرایدیکه اعلان در

نشر یری، د ثبت د دفتر لمبر او نېټه لیکله کیږي او ساتلي کیږي.

۳۳ ماده:

هغه موضوعات چه حل ئی په یوه محکمه پورې اړه ولری او یا د ثبت مامورین د هغو د قطعی ثبت په خصوص کښې متردد وي، نو د علاقه لرونکو د غوښتنې له مخې په مؤقتي ډول د ثبت په دفتر کښې قید یری دا ډول موضوعات چه په مؤقتي ډول ثبتیږي نوکه په شپږو میاشتو کښې د علاقه لرونکو د مراجعي په اثر د هغو قطعیت په اثبات ونه شي رسیدلای نو د مؤقتي قید له دفتر څخه ایسته کیږی او که قطعیت ئی اثبات شي نو د ثبت د اصول له قراره په قطعی صورت قید یری.

۳۴ ماده:

که هغه موضوعات چه د ثبت په دفتر کښې قید شوی وي ټول یا یوه برخه ئی له منځه لاړ او ورک شي، نو قید شوی مطالب د علاقه لرونکو د تحریري مراجعي په اثر چه په لازمو وثیقه مستند وي نظر ایجاب ته ټول یا یوه برخه ئی له دفتر څخه ایسته کیږي.

آنها نشر گردیده، نمره و تاریخ دفتر ثبت تحریر و حفظ می شود.

ماده ۳۳:

موضوعاتی که حل آن به حکم یک محکمه مربوط باشد یا مامورین ثبت راجع به ثبت قطعی آن متردد باشند، قرار خواهش علاقمندان، بصورت مؤقتی به دفتر ثبت قید می گردد. چنین موضوعات که بصورت مؤقتی ثبت میشود، اگر در ظرف شش ماه قطعیت آن به اثر مراجعه علاقمندان به اثبات رسیده نتواند، قید مؤقتی از دفتر حذف می شود. اگر قطعیت آن اثبات شود، قرار اصل اصول ثبت بصورت قطعی قید می شود.

ماده ۳۴:

اگر موضوعاتی که در دفتر ثبت قید شده باشد، تماماً یا قسمتاً از بین برود و رفع شود، مطالب قید شده در اثر مراجعه تحریری علاقمندان آن که مستند به وثایق لازم باشد نظر به ایجاب تماماً و یا قسمتاً از دفتر حذف می گردد.

مطالبی که ثبت و قید آن قابل اعلان است حذف و ابطال آن نیز اعلان می‌شود.

ماده ۳۵:

راجع به اجرای ثبت و قید و تعدیل یا حذف ثبت از طرف علاقه مندان به محکمه مربوطه دایره ثبت بر علیه اجراءاتی که مامورین ثبت می‌نمایند، اعتراض شده می‌تواند. این اعتراض از طرف محکمه مورد غور واقع و فیصله درباره آن داده می‌شود. و اگر اجراءات مامور ثبت بر حقوق شخص ثالث مؤثر باشد، محکمه اعتراض را بحضور معترض و شخص ثالث بشکل یک دعوی اصولی تدقیق و در آن باره حکم صادر می‌کند.

ماده ۳۶:

هر شخص می‌تواند مندرجات ثبت تجارت و تمام اوراق محفوظ متعلق به ثبت و قید را مطالعه و تدقیق و صورت مصدق آنها را طلب و اخذ

هغه مطالب چه ثبت او قید ئی د اعلان وړ وي، ایسته کیږي او باطلول ئی هم اعلانیږی.

ماده ۳۵:

د علاقه لرونکو له خوا د ثبت او قید او تعدیل او یا د ثبت د ایسته کیدو په خصوص کښې د ثبت د دائري په مربوطه محکمه پر هغو اجراءاتو چه د ثبت مامورین ئی کوي، اعتراض کیدای شي دا اعتراض د محکمي له خوا تر غور لاندی نیول کیږي او د هغو په باره کښې فیصله ورکوله کیږي. او که د ثبت د مامورینو اجراءات د دریم سری پر حقوقو موثر وي، نو محکمه هغه اعتراض د اعتراض کوونکي او دریم سری په حضور د یوي اصولي دعوي په خیر تر ژوري کتنې لاندی نیسي او په هغه باره کښې حکم صادروي.

ماده ۳۶:

هر سړی کولای شي چه د تجارت د ثبت مندرجات او ټول هغه محفوظ اوراق چه په ثبت او قید پورې اړه لري ولولي او ژوره کتنه پکښې وکړي او د هغو مصدق صورت وغواړي او

وائی خلی.

کند.

تبصره:

تبصره:

په دی ډول مواردو کښې د تصدیق حق په لاندی صورت اخیستل کیږي:

حق التصدیق در همچو موارد قرار ذیل اخذ می گردد:

الف- د هر ځلې کتنی د پاره (یوه) افغانی.

الف- برای هر دفعه مطالعه (یک افغانی).

ب- د غیر مصدق سواد اخیستل (پنځه) افغانی.

ب- برای گرفتن سواد غیر مصدق (پنج) افغانی.

ج- د تصدیق لرونکی سواد اخیستل (شل) افغانی.

ج- برای گرفتن سواد با تصدیق (بیست) افغانی.

۳۷ ماده:

ماده ۳۷:

هغه کسان چه د یوې موضوع په ثبت باندی مکلف دی او په خپله ټاکلي موده کښې خپل مکلفیت اجراء نکړی نو د هغې خساري او ضرر ضامن دی چه له دی لاري څخه بل شخص ته اووښتی وی. برسيره پردی، د ثبت د مامور د پیشنهاد او د هغې محکمي د حکم په اثر چه د ثبت دائره په هغې پورې اړه لري هم په نقدی جزا مجازات کیږي. دا ډول کسان کولای شي چه د محکمي له فیصلي څخه مرافعي او تمیز ته مراجعه وکړی او د مرافعي او تمیز د غوښتنې د قبلیدو دپاره دا شرط دی چه

کسانی که مکلف به ثبت یک موضوع باشند و مکلفیت خود را در ظرف مدت معینه آن ایفاء نکنند، ضامن جبران خساره و ضرری می باشند که ازین رهگذر به شخص دیگری وارد شود. علاوه به اثر پیشنهاد مامور ثبت و حکم محکمه که دایره ثبت به آن ربط دارد، به جزای نقدی نیز مجازات می شوند. چنین اشخاص می توانند از فیصله محکمه به مرافعه و تمیز مراجعه نمایند و برای قبول مرافعه و تمیز خواهی شرط است که مبلغ محکوم به را

محکوم به مبلغ یا د محکمی
صندوق ته و سپاري او یا په دی
خصوص کښې ضمانت ورکړی.

۳۸ ماده:

هغه موضوعات چه د تجارت د
ثبت په دائره کښې ثبت او قید
شوی دی، د دریمو کسانو په
مقابل کښې مؤثر دی. مگر هغه
موضوعات چه ثبت ئی د اصولو له
مخې ضروري دی نوکه ثبت شوی
نه وي، که څه هم په خصوصي
صورت اعلان شوی وي، د دریمو
کسانو په مقابل کښې مؤثر ندی.
مگر دومره ده چه د هغو موضوعاتو
په خصوص کښې چه ثبت شوی نه
وي، مکلف کولاي شي د نورو
کسانو په مقابل کښې د ثبت وړ
موضوعاتو کښې د هغوي خبرتیا
وغواړي او ثبوت ته ئي ورسوي.

۳۹ ماده:

هغه کسان چه موضوعات د بد
نیت له مخې د حقیقت په خلاف
ثبوتوي، په نقدی جزاً یا د حبس په
جزاء محکومېږي او یا دواړه
جزاوي یوځای ورباندې تطبیقېږي،
او تر یوي مودی پورې د صنعتي
او تجارتي اطاقونو په غړیتوب د

یا در صندوق محکمه تودیع
کند و یا در آن باره ضمانت
بدهد.

ماده ۳۸:

موضوعاتی که در دایره
ثبت تجارت ثبت و قید
گردیده باشد، در مقابل
اشخاص ثالث مؤثر است. لیکن
موضوعاتی که ثبت آن
قانوناً مقتضی است، اگر ثبت
نشده باشد ولو بصورت خصوصی
اعلان هم گردیده باشد، در مقابل
اشخاص ثالث مؤثر نمی باشد. مگر
اینقدر است که راجع به
موضوعاتی که ثبت نگردیده باشد،
مکلف می تواند در مقابل
اشخاص دیگر در موضوع های
قابل ثبت مطلع بودن آنها را ادعا
و به ثبوت برساند.

ماده ۳۹:

اشخاصی که موضوعات را
با سوء نیت خلاف حقیقت ثبت
بنمایند، به جزای نقدی و یا
جزای حبس محکوم می گردند و یا
هر دو جزا درباره ایشان یکجا
تطبیق می شود و برای مدتی از
حق انتخاب بعضویت اطاقهای

ٲاڪلوله حق او ٲه بورسو ڪٺڻي لھ
معاملاتو ڇڻھ محروميڙي او د
هغو ڪسانو د خساري او زيان
جبران ڇه ددي جرم ٲه نسبت ورته
ٲيڻن شوي دي محفوظ دي او د
ضرر ليڊونڪو د مراجعي ٲه موقع
ڪٺڻي محڪمه رسيدھ گي ڪولاي
شي.

تجارتی و صنعتی و معاملات در
بورسه ها محروم می گردند. حق
طلب جبران خساره و ضرر
اشخاصی که به نسبت جرم مذکور
متضرر گردیده اند محفوظ
می باشد و عندالمراجعة متضرر
محکمه می تواند رسیدگی
بنماید.

پنجم فصل تجارتی عنوان

۴۰ ماده:

هر تاجر مجبور دي ڇه تر خود
خپل تجارت مربوطي ٲانيې او
معاملي تريو ٲاڪلي نوم لاندی ڇه
د تجارت عنوان بلل کيږي، اجراء
او لاس ليک کړي.

۴۰ ماده:

هر تاجر مجبور است تا اوراق و
معاملات متعلقه تجارت خود را
تحت يك اسم معين كه عنوان
تجارت تعبیر می شود، اجراء و
امضاء نماید.

۴۱ ماده:

هر تاجر كه يواځي او كه له
خصوصي شريك سره وي ڇه
تجارت كوي او همدا ډول، ٲول
تجارتی شركتونه مجبور دي ڇه د
خپل تجارت عنوان ٲه هغه محل
كٺڻي ڇه تجارت ٲه ڪٺڻي كوي
او يا د هغو ٲه مركز كې وي د
تجارت د ثبت ٲه دائره ڪٺڻي
ثبت او اعلان كړي.

۴۱ ماده:

هر تاجر ڇه منفرداً و ڇه با شريك
خصوصی که اجرای تجارت
می نماید و همچنین تمام
شرکتهای تجارتی مجبورند که
عنوان تجارت خود را در محلی
که اجرای تجارت می نمایند و
یا مرکز آنها واقع است، به
دایره ثبت تجارت، ثبت و
اعلان نماید.

ماده ۴۲:

د تجارت عنوان باید پخپله د تاجر او دده د کورنۍ نوم ولري او شرط دی چه له هغو عنوانونو څخه چه پخوا ثبت شويدي په واضح ډول متمایز وي. یو تاجر کولای شي چه د خپل تجارت په عنوان کښې داسي تزئیدات وکړي چه وئې غواړي مگر هومره تزئیدات نشي کولای چه پخپله دده د هویت یا ددغه تاجر د مالي وضعیت د اهمیت او پراختیا په خصوص کښې او یا د یوه شریک د موجودیت په باره کښې د نورو کسانو په زړونو کښې یو غلط او له حقیقت څخه چپ فکر پیدا کړي.

ماده ۴۳:

د (تضامني) شرکت عنوان عبارت دی د ټولو شریکانو له نومونو یا لږ ترلږه د یوه شریک نوم څخه د تضامني کلمې لري. د کومانديت (گډو تضامني شرکتو) عنوان که عادی وي او که پانگه ئې په برخو ویشلي شوی وي په هغه ترتیب چه په (۴۲) ماده کښې ذکر شويدي لږ ترلږه د یوه داسي شریک له نامه څخه چه

ماده ۴۲:

عنوان تجارت بایست از اسم شخص تاجر و اسم فامیلی او مرکب بوده و شرط است از عناوینی که قبلاً ثبت گردیده است، واضحاً متمایز باشد. یک تاجر می تواند بعنوان تجارت خود تزئیداتی را که خواسته باشد بنماید، ولی نمی تواند چنان تزئیداتی بکند که راجع به هویت شخص او یا در مورد وسعت، اهمیت و یا وضعیت مالی تجارت تاجر مذکور و یا درباره موجودیت یک شریک نزد اشخاص ثالث یک فکر غلط و مغایر حقیقت را تولید نماید.

ماده ۴۳:

عنوان شرکت (تضامنی) عبارت است از اسمای تمام شرکاء و یا اقلأ از اسم یکی از شرکاء با کلمه تضامنی. عنوان شرکت های تضامنی مختلف (کومانديت) خواه عادی و خواه سرمایه آن منقسم با سهام باشد، به ترتیبی که در ماده (۴۲) ذکر گردیده، اقلأ از اسم یکی از شرکائی که مسئولیت او غیر

ډیر مسئولیت لري د تضامني له کلمي سره ګډ جوړېږي. د سهامی شرکتونو عنوان عبارت د شرکت له موضوع د سهامی کلمي له زیاتوالی سره دی. په سهامی شرکتونو کېنې د شریکانو یا نورو کسانو نومونه د شرکت په عنوان نشي داخلیدای.

۴۴ ماده:

که یوه تاجر د خپل تجارت عنوان د اصولو له مخې په یوه محل کېنې ثبت کړی وي او بل تاجر که څه هم داسې نوم ولري چه همدغه عنوان جوړ کړی، تر هغه وخته پورې چه د هغه پخواني ثبت شوی عنوان له نامه څخه د تغییر په نیت زیاتوالی ونکړی، په هغه محل کېنې نشي کولای چه په همدی نامه د تجارت عنوان جوړ کړی او یائي دیوه تجارتی مقصد د اجراء لپاره استعمال کړی. همدا ډول که یو تاجر یا تجارتی شرکت وغواړي چه پرته له هغه محل څخه چه خپل تجارتی عنوان ئي پکېنې ثبت کړیدی په بل کوم محل کېنې یوه څانګه پرانیزي نو که په هغه محل کېنې تر هغه عنوان لاندی کوم

محدود باشد با کلمه تضامنی مختلط تشکیل می یابد. عنوان شرکت های سهامی عبارت است از موضوع شرکت به اضافه کلمه سهامی. در شرکت های سهامی اسمای شرکاء و یا اشخاص دیگر بعنوان شرکت داخل شده نمی تواند.

ماده ۴۴:

در صورتی که یک تاجر عنوان تجارت خود را اصولاً در یک محل ثبت کرده باشد، تاجر دیگر ولو دارای اسمی باشد که همین عنوان را تشکیل میدهد، تا وقتی که تزئیناتی به منظور تغییر این اسم از عنوان ثبت شده ما قبل نکند، در همان محل نمی تواند که همان اسم را بحیث عنوان تجارت اتخاذ و یا جهت اجرای یک مقصد تجارتی استعمال نماید. همچنان اگر یک تاجر و یا شرکت تجارتی بخواهد غیر از محلی که عنوان تجارت خود را در آن ثبت کرده در کدام محل دیگر یک شعبه افتتاح نماید، در صورتی که کدام تاجر و یا شرکت تجارتی تحت همان عنوان در همان

تاجر یا تجارتی شرکت ثبت شوی وی، د نوي خانگې مؤسس مجبور دی چه د خپلې خانگې د تجارت په عنوان کښې داسي زیاتوالی وکړې چه د هغه محل له پخواني ثبت شوی عنوان څخه په واضح ډول توپیر وکړي.

ماده ۴۵:

لکه چه د تجارتی عنوان تملیک د هغه تفکیک له تجارت خانې څخه جائز نه وي، په همدی ډول دیوې تجارت خانې په تملیک کښې د تجارت عنوان په ښکاره ډول یا ضمناً داخل نشي د تجارت عنوان نه تملیک کیږي.

ماده ۴۶:

هغه څوک چه عنوان له تجارت خانې سره یوځای تملیک کړی، لکه څرنگه چه پخپله تملیک کوونکي له تعهداتو څخه چه تر هغه عنوان لاندی ئي اجراء کړی مسئول دی.

په همدی ډول پر ټولو هغو حقوقو چه د هغه له تجارت څخه پېښیږی مالک کیږي. هغه مقاولی چه ددی اساسنامي په خلاف وي پدی شرط چه د تجارت د ثبت په دائره کښې

محل ثبت شده باشد، مؤسس شعبه جدید مجبور است در عنوان تجارت شعبه خود چنان تزئید بنماید که از عنوان ثبت شده ماقبل همان محل واضحاً تفریق شود.

ماده ۴۵:

طوریکه تملیک عنوان تجارت با تفکیک آن از تجارت خانه جایز نیست، همچنان در تملیک یک تجارت خانه اگر عنوان تجارت صراحتاً و یا ضمناً داخل نشود، عنوان تجارت تملیک نمی گردد.

ماده ۴۶:

شخصی که عنوان را با یک تجارت خانه یکجا تملیک می کند، طوری که از تعهدات شخص تملیک دهنده که در تحت همان عنوان اجراء کرده مسئول است.

همچنان بر تمام حقوقی که از تجارت آن وارد می شود مالک می گردد. مقاولی که خلاف این اساس می باشد بشرط اینکه به دایره ثبت تجارت ثبت

ثبت شي او يا راساً علاقه لرونکو ته اطلاع ورکړه شي، د اعتبار وړ دی.

په دی ماده کېنې ذکر شوی مسئولیت وروسته له پنځو کالو څخه د تمليک د نيتي له سره ساقطیږي.

ماده ۴۷:

هغه څوک چه يوه تجارتخانه پرته د تجارت له عنوان څخه تمليک کوي نو که د تمليک په وخت کي ئي د مقاولی د عقد په اساس د تمليک کوونکي د تعهداتو مسئولیت په غاړه نه وي اخیستي او هغه يي نه وي ثبت کړی، د تمليک کوونکي د تعهداتو څخه مسئول نه دی.

ماده ۴۸:

هغه څوک چه د تجارت يو عنوان له (۴۶) مادې سره سم تمليک کوي، مجبور دی چه له هغه عنوان سره داسي عبارت چه د خلفیت معني ورکړی يوځای کړی او که ددی حکم په خلاف رفتار وشي نو تمليک ورکوونکي شخص چه د تملک کوونکي شخص له خوا د تجارت د عنوان په استعمال يي

گردد و يا رسماً به علاقه مندان اطلاع داده شود، معتبر است.

مسئولیت متذکره این ماده بعد از پنج سال سر از تاریخ تمليک ساقط می شود.

ماده ۴۷:

شخصی که یک تجارت خانه را بدون عنوان تجارت تمليک می کند اگر در حین تمليک به اساس عقد مقاوله مسئولیت تعهدات تمليک کننده را به ذمه نگرفته و آنرا به ثبت نرسانیده باشد، از تعهدات شخص تمليک دهنده مسئول نیست.

ماده ۴۸:

شخصی که یک عنوان تجارت را بر طبق ماده (۴۶) تملک می کند، مجبور است به آن عنوان عبارت را که مشعر بر صفت خلفیت باشد ضم کند. اگر بر خلاف این حکم رفتار شود، شخص تمليک دهنده که به استعمال عنوان تجارت از طرف شخص تملک کننده

موافقت کړې وي له هغو تعهداتو څخه چه تمليک کوونکي يې تر هغه عنوان لاندې اجراء کوي مسئول دی، پدې شرط چه د تملک کوونکي شخص د تعهداتو په نسبت د پوروړو د مراجعې په اساس د (محکمي د اجرائيې) دائري له خوا طلبات نه وي تحصيل شوی.

۴۹ ماده:

د يوه شريک د مړيني په صورت چه نوم ئی د شرکت په عنوان کښې داخل وي که وارثان يا د دوی قايم مقام شرکت ته ادامه ورکول قبول کړی نو د عنوان تغيير لازم نه دی. او که په شرکت کښې ورته شامل نه وي خو د دوی تحريري موافقه حاصله شي، هم د شرکت عنوان په خپل حال پاتي کيږي. او همدا ډول که يو شريک له شرکت څخه ووزي، که له هغه څخه تحريري موافقه وانه خيستله شي نو د شرکت په عنوان کښې د هغه د نوم پاتي کيدل جائز نه دی.

۵۰ ماده:

په دی صورت چه د تجارت عنوان تبديل شي، د (۴۱)

موافقت نموده باشد، از تعهداتی که تملک کننده در تحت همان عنوان اجراء می کند مسئول است، مشروط به اینکه به اساس مراجعه دائنین به نسبت تعهدات شخص تملک کننده از طرف دایره (اجرائیه محکمه) تحصيل طلبات بعمل نیامده باشد.

۴۹ ماده:

در صورت وفات یک شریک که اسم او در عنوان شرکت داخل باشد اگر وارثین قایم مقام ادامه شرکت را قبول کنند، تغییر عنوان شرکت لازم نمی شود. در صورت عدم شمول ورثه در شرکت نیز بشرط اینکه موافقه تحریری ایشان حاصل شود، عین عنوان شرکت حفظ می گردد. و همچنان در صورت خروج یک شریک از شرکت اگر تحریراً از او موافقه گرفته نشود، ابقای اسم او در عنوان شرکت جائز نیست.

۵۰ ماده:

در صورتی که عنوان تجارت تبديل شود، احکام ماده (۴۱)

مادی احکام تطبیقیری.

تطبیق می شود.

۵۱ ماده:

هغه کسان چه پر تجارتي مالونو، شيانو، دوسيو، پاکتو، ليکونو، رسالو او تجاري پاڼو تجارتي سیتو او بارونو باندی غیر حق بل تجارتي عنوان کښیږدی یا هغه مال چه په هغه باندی دبل چا د تجارت عنوان ایښی شوی وي پوهیږی او پلوري ئي او یا د پلورني دپاره يي وړاندی کوي په دی شرط چه د (۵۴) مادی په حکم کښی خلل پیښ نشي نو په نقدی جزاء یا په حبس او یا په دواړو مجازات مومی.

ددی مادی د ذکر شویو جرایمو تعقیب د شخص په دعوي پوري اړه لري. وروسته د دعوي له دائردونه، مدعي کولای شي چه له دعوي څخه ابراء وکړی. د شخص له دعوي څخه ابراء د عمومي حقوقو دعوی هم ساقطوي.

۵۲ ماده:

د (۴۰-۴۱ او ۴۲) مادو او د (۴۳) مادی د وروستي فقرې او د (۴۵) مادی د احکامو له متخلفینو څخه نقدی جزاء اخیستل کیږي.

۵۱ ماده:

کسانی که قصداً بر امتعه، اشیاء، دوسیة ها، پاکت ها، مکاتیب، رسایل اوراق تجاریه، بسته های تجارتی و بارهای تجارتی بغیر حق عنوان تجارتی دیگری را وضع و یا امتعه را که عنوان تجارت غیر بر آن وضع شده باشد، دانسته می فروشند و یا برای فروش عرضه می کنند بشرطیکه در حکم ماده (۵۴) خللی وارد نشود، به جزای نقدی یا به حبس و یا به هردو مجازات می گردند.

تعقیب جرایم متذکره این ماده به دعوای شخصی مربوط می باشد. بعد از اقامه دعوا، مدعی می تواند از دعوا ابراء نماید. ابراء از دعوی شخصی، دعوای حقوق عمومی را هم ساقط می کند.

۵۲ ماده:

از متخلفین مواد (۴۰-۴۱-۴۲) و فقره اخیر ماده (۴۳) و احکام ماده (۴۵) جزای نقدی گرفته می شود.

ماده ۵۳:

تولی محکمی، د تجارت د اطاقو او صنایعو مامورین او د ثبت او نورو علاقه لرونکی مقاماتو مامورین که د وظیفی په منع کښې وپوهیږی چه د تجارت یو عنوان نه دی ثبت شوی او استعمال ئی له (۴۰-۴۱-۴۲) او (۴۳) مادی څخه مخالف واقع شوی دی، مجبور دی چه مربوطه مقاماتو ته خبر ورکړی.

ماده ۵۳:

تمام محاکم، مامورین اطاقهای تجارت و صنایع و مامورین دائره ثبت و مقامات ذی علاقه دیگر اگر در اثنای وظیفه آگاه شوند که یک عنوان تجارت ثبت نه شده و استعمال آن مخالف مواد (۴۰-۴۱-۴۲ و ۴۳) واقع شده است، مجبورند کیفیت را به مقامات مربوطه اخبار نمایند.

ماده ۵۴:

په هر صورت چه یو د تجارت عنوان ددی فصل د داخلو احکامو څخه چپ استعمال شوی وي نو علاقه لرونکی کولای شي چه استعمال یی منع کړی او که ثبت شوی وي نو د ابطال تقاضایی وکړی. برسیره پردی، له دی استعمال څخه، که په قصد سره وي او که په سهو سره، ضرر لیدونکي کسان کولای شي چه د خپلې خساري تاوان وغواړي او محکمه کولای شي چي په لژمه موقع کښې وروسته له هغه چه له پوهانو څخه مشوره وغواړي د پښې احوال او کیفیت تر ژوري

ماده ۵۴:

به هر صورتی که یک عنوان تجارت برخلاف احکام مندرجۀ این فصل استعمال شده باشد، علاقه مندان می توانند منع استعمال و در صورتی که ثبت شده باشد، ابطال آنرا تقاضا کنند. علاوه بر این از استعمال مذکور، خواه عمدی و خواه در اثر سهو باشد، اشخاص متضرر می توانند جبران خساره خود را دعوی کنند. محکمه می تواند عند الاقتضاء بعد از استشاره از اهل خبره احوال و کیفیات حادثه را تـمـدقـیق نموده درباره وجود و مقدار

کتنی لادی ونیسی او د خساری د وجود او اندازی په خصوص کښې له خپل قناعت سره سم حکم صادر کړی. برسیره پردی، که ضرر لیدونکي شخص وغواړي او لگښت یې هم په غاړه واخلي نو حکم هم نشرولای شي.

خساره نظر به قناعت خود حکمی صادر کند علاوه بر این، در صورتی که شخص متضرر خواهش کند و متحمل مصارف آن نیز شود، به نشر حکم نیز قرار داده می تواند.

شپږم فصل غیر قانوني رقابت

۵۵ ماده:

که په هغه نومونو او علاقو کښې چه یو تجار ئي استعمال کړی له داسي نومونو او علامو سره چه بل تاجر ئی په استحقاقي ډول استعمالوي اشتباه پېښه شي، نو ددی ډول نوم او علامو استعمالول هغه تاجر ته چه لمړی ذکر شو منع دی، هغه څوک چه له دی حکم څخه مخالف کار کوي که څه هم په هیڅ ډول قصور ونلري، خو بیا هم محکمه کولای شي چه د علاقې لرونکی له غوښتنې سره سم د التباس د رفع کیدو امر صادر کړی.

فصل ششم رقابت غیر قانونی

ماده ۵۵:

اگر در علایم و اسمائیکه یک تاجر استعمال کند با علائم و اسمائیکه تاجر دیگر بطور مستحق استعمال می نماید اشتباه واقع شود، استعمال چنین اسم و علامت برای تاجر اول الذکر ممنوع است. شخصی که مخالف این حکم عمل می کند، ولو هیچگونه قصور نداشته باشد، باز هم محکمه می تواند بر حسب درخواست شخص علاقمند امر رفع التباس را صادر کند.

۵۶ ماده:

په تجارتی چارو کښې هر ډول حيله او دسيسه منع دی.

ماده ۵۶:

هرگونه حيله و دسيسه در امور تجارتی ممنوع می باشد.

ماده ۵۷:

یو تاجر د رقابت له مخې نشي کولای چه په داسي له حقیقت لري خپرونو لاس پورې کړی چه د بل گټې یا تجارت ته زیان پېښ کړی.

ماده ۵۷:

یک تاجر به قصد اجرای رقابت نمیتواند به چنان نشریات مخالف حقیقت بپردازد که به منفعت یا تجارت دیگری ضرر وارد کند.

ماده ۵۸:

یو تاجر د مال د منشأ او صفتونو په خصوص کښې او د بل تاجر د پیروونکو د جلبولو په غرض چه یو جنس مال ورسره پلوري د خپل تجارت د اهمیت په باره کښې له حقیقته چپي خپروني نشي کولای او همدا ډول په همدغه مقصد د حیلو او دسیسو جوړولو او د هغي تصدیق نامي او مکافاتو له اعلانولو څخه چه اخیستي يي نه وي، منع دی.

ماده ۵۸:

یک تاجر از اشاعات مغایر حقیقت راجع به منشأ و یا اوصاف امتعه و یا اهمیت تجارت خود به مقصود جلب مشتریان تاجر دیگری که امتعه هم جنس را می فروشد و همچنان از اعلان تصدیق نامه و مکافات که حایز آن نبوده باشد و از استعمال حیل و دسایس به مقصد مذکور ممنوع است.

ماده ۵۹:

هیڅ یو تاجر نشي کولای چه د بل تاجر یا فابریکي مامورینو یا مستخدمینو ته خپل ځان ته د خبرولو او جلبولو په مقصد طمع ورکړی.

ماده ۵۹:

هیچ تاجری نمی تواند مامورین و مستخدمین تاجر و یا فابریکه دیگری را به مقصد اطلاع از مشتریان و جلب آنها بخود تطمیع نماید.

ماده ۶۰:

تاجر نشي کولای چه د بل تاجر د اغفال په غرض یو شخص ته، په

ماده ۶۰:

تاجر نمی تواند به هیچ شخصی خلاف حقیقت

هر صورت چه وي، له حقيقت نه
خلاف شهادتنامه يا دېنه خدمت
تصديق ورکړی.

۶۱ ماده:

هغه تاجر چه د پورتنی موادو له
احکامو څخه چپ تگ وکړې نو د
خساري موندونکو کسانو تاوان به
ضامن ورکوی.

۶۲ ماده:

يو تجارتي اطلاعاتي نماينده که
قصداً يا د درانده غفلت له مخې د
يوه تاجر د اخلاقو او يا مالي
اقتدار په خصوص کښې له حقيقته
څخه چپ معلومات ورکړی، نو د
مادی او معنوي خساري هغه تاوان
به ورکوي چه له دی لاري هغه تاجر
ته ورسپړی. د هغو معلوماتو په
تصحیح کښې د هغه نماينده
اظهارات د هغه د براءت موجب
نشي کيدای. محکمه کولای شي
چه په عين زمان کښې له هغې
فيصلي سره چه د خساري د جبران
په خصوص کښې يې کوي امر
ورکړی چه دا مسئله پخپله د
نماينده په لگښت په يوه جريده يا
څو جريدو کښې نشر هم شي.

شهادتنامه يا تصديق حسن
خدمت بمنظور اغفال تاجر ديگر
بدهد.

۶۱ ماده:

تاجريکه مخالف احکام
مواد فوق رفتار کند، به
جبران خساره اشخاص
متضرر مجبور است.

۶۲ ماده:

يک نماينده اطلاعاتي
تجارتی که قصداً و يا در
نتیجه یک غفلت سنگینی
در باره اخلاق یا اقتدار مالی یک
تاجر معلومات خلاف حقیقت
بدهد، مسئول جبران خساره
مادی و معنوی یی است که
ازین رهگذر به تاجر مذکور عاید
شود. اظهار نماينده مذکور
در تصحيح آن معلومات مستلزم
براءت او شده نمی تواند.
محکمه می تواند در عين زمان با
فیصله که درباره جبران خساره
می نماید امر کند که مسئله
مذکور به مصارف خود نماينده
در یک جريده یا جرايد متعدد نشر
هم شود.

ماده ۶۳:

هغه تاجر چه ددی فصل د ذکر شویو افعالو مرتکب کیږي که له بدنیتۍ څخه یې کړی وي، برسيره پردی چه د خساري د تاوان په ورکولو باندی محکومیږی، په نقدی جزأ او حبس هم مجازات کیږي.

ماده ۶۳:

تاجریکه مرتکب افعال مندرجۀ این فصل می شود، اگر با سوء نیت حرکت کرده باشد، علاوه براینکه به جبران خساره محکوم می گردد، به جزای نقدی و حبس نیز مجازات می شود.

ماده ۶۴:

هغه څوک چه په جزاء یا د خساري په تاوان محکومیږی نوکه هغه فعل یې چه د جزاء یا د خساري او تاوان موجب شویدی بیا له لاسه وخت، نو جزائی یو په دوه کیږي. د جزاء دعوي یواځې د هغه ځای د تجارت د اطاق او یا د علاقه لرونکی شخص د شکایت په وسیله اقامه کیږی. دعوی څخه د شخصي مدعي ابراء د عمومي حقوق ساقطوی.

ماده ۶۴:

شخصی که به جزاء یا جبران خساره محکوم می شود، اگر فعلی را که موجب جزاء یا جبران خساره شده است مکرراً مرتکب شود، جزای او دو چند شده می تواند. دعوای جزاء تنها بوسیله شکایت شخص ذی علاقه با اطاق تجارت محل اقامه می شود. ابراء مدعی شخصی از دعوی، حقوق عمومیه را ساقط می سازد.

اووم فصل

تجارتی دفترونه

ماده ۶۵:

هر تاجر مجبور دی چه درې دفترونه یعنی د شتو دفتر، کل

فصل هفتم

دفاتر تجارتی

ماده ۶۵:

هر تاجر مجبور است سه دفتر یعنی دفتر دارائی، دفتر کل و

دفتر او ورځني دفتر ولري. برسيره پردی، مجبور دی چه د ټولو صادر شویو لیکونو او تلگرامونو مینوټونه او د راغلیو تلگرامونو او لیکونو ټول اصلونه د ورکړو له پانو سره یوځای په منظم ډول وساتي.

۶۶ ماده:

هر تاجر د خپلو تجاري معاملاتو د احتیاج او لزوم له مخې کولای شي چه برسيره پردی دفترونو، نور دفترونه هم ترتیب کړی. مگر دا دفترونه د هغو شرایطو په راتلونکو موادو کښې ذکر شويدي، تابع نه دی.

۶۷ ماده:

تاجر مکلف نه دی چه خپل تجارتي دفترونه په خپله ترتیب کړی، هغه کولای شي چه ددی کار دپاره نور اشخاص استخدام کړی. مگر د هغو مطالبو قیدونه چه په دی دفترونو کښې د مستخدم له خوا درج او لیکل کيږي، د هغو قیودو او مطالبو په حکم کښې دی چه پخپله تاجر شخصاً هغه درج او لیکلي وي.

دفتر یومیه داشته باشد. علاوه برین مجبور است مینوت تمام مکاتیب و تلگرامات صادره و اصل تمام تلگرامات و مکاتیب وارده را با اوراق تادیات بصورت منظم حفظ نماید.

۶۶ ماده:

هر تاجر بر حسب لزوم و احتیاج معاملات تجاریه خود می تواند علاوه بر دفاتر متذکره فوق، دفاتر دیگری هم ترتیب کند. لیکن این دفاتر تابع شرایطی که در مواد آتیة مذکور است، نمی باشد.

۶۷ ماده:

تاجر مکلف نیست خودش دفاتر تجاریه خود را ترتیب کند، او می تواند برای اینکار اشخاص دیگری را استخدام نماید. لیکن قیود مطالبی که از طرف مستخدم مذکور درین دفاتر درج و تحریر می شود، در حکم قیود و مطالبی است که خود تاجر شخصاً آنرا درج و تحریر نموده باشد.

ماده ۶۸:

هغه دفترونه چه ترتيب ئي له (۶۵) مادی سره سم لازم وي نو ښائي چه پخوا له استعمال څخه په مجلد ډول پخپله د مالک له خوا يا د چا په واسطه د ثبت هغي دائري ته چه د هغي تجارت خاني په محل کښې واقع ده د مهر او نشان دپاره وړاندې شي. د ثبت دائره د دفترونو په هر مخ په تازه رنگ پرله پسي لمبر وهي او په رسمي مهر يي مهروي او د کتاب په اول او آخر کښې د پانو شمير قيدوي او وروسته د ښې له ليکلو د لمړي او وروستي پانې د مهرونو په خوا کښې تصديقاً لاس ليکونه هم کوي.

ماده ۶۹:

د شتو په دفتر کښې دا لاندې چاري داخليږي:
۱- هغه نقد مال چه تاجر يې د شروع په ورځ د هر ډول منقولو او غير منقولو مالونو له اټکلي قيمتو سره خپل تجارت دپاره تخصيص کړي او د پور د اسنادو او د سهمونو قيمتونه چه دی يې نشروي د هغو د جاريه قيمت په

ماده ۶۸:

دفاتريکه بر طبق ماده (۶۵) ترتيب آن لازمی است، باید قبل از استعمال به صورت مجلد از طرف مالکین آن شخصاً و یا بالواسطه به دایره ثبت که در محل همان تجارت خانه واقع است برای مهر و نشان تقدیم گردد. دایره ثبت در هر صفحه دفاتر به رنگ ثابت نمره مسلسل را وضع و به مهر رسمی مهور و در اول و آخر کتاب تعداد اوراق را قيد نموده، بعد از نوشتن تاریخ در پهلوی مهر های صفحه اول و آخر تصدیقاً امضاء نیز می کند.

ماده ۶۹:

در دفتر دارائی امور ذیل درج می شود:
۱- نقودیکه تاجر در روز آغاز با قیمت های تخیمنی هر نوع اموال منقول و غیر منقول که به تجارت خود تخصیص می دهد و قیمت های اسهام و اسناد قرضه که نشر می دارد به اعتبار قیمت جاریه آنها که

اعتبار په هغي نېټې کښې پیرودل او پلورل کيږي او ټول هغه طلبات چه د تحصیل وړ بلل کيږي که د اسنادو له مخې وي او که پرته له هغو څخه.

۲- ټول هغه پورونه چه له تعهداتو او نورو ذریعو څخه په لاس راځي.
۳- وروسته د خالصو شتوله ټاکلو چه وروسته دپورونو له وضع کېدو څخه دیوې اندازې شتو څخه عبارت دی، تاجر مجبور دی چه د هر حسابي کال په پای یو داسي بیلانس چه دده د تجارت یوه اندازه مخصوص شته او پورونه پکښې وي ترتیب او پدی دفتر کښې یې داخل کړي. بیلانس باید لږ ترلږه په کال کښې یو ځل ترتیب شي.

۷۰ ماده:

د تجارت په شروع کښې وروسته له هغه چه د تاجر اصله پانگه چه د (۶۹) مادی له مخې ټاکلي کيږي په ورځني دفتر کښې قید شوه، د ورکړې راکړې ټول کلي او جزئی معاملات که په تجاریه چارو پورې اړه لري او که په عادی کارو پورې، جلا جلا، ورځ په ورځ د معاملي د

در تاریخ مذکور خرید و فروش می شود و تمام طلباتی که قابل تحصیل شمرده می شود، خواه از روی اسناد باشد و یا غیر آن.

۲- تمام دیونیکه از تعهدات و ذرایع دیگر بدست می آید.
۳- پس از تعیین دارائی خالص که عبارت از مقدار دارائی بعد از وضع دیون می باشد، تاجر مجبور است در آخر هر سال حسابی یک بیلانس را که حاوی مقدار دیون و دارائی مخصوص تجارت او باشد ترتیب و درین دفتر درج نماید. بیلانس اقلأ در سال یکبار باید ترتیب شود.

ماده ۷۰:

در آغاز تجارت بعد ازینکه سرمایه اصلیه تاجر که بموجب ماده (۶۹) تعیین می یابد، در دفتر یومیه قید گردید، تمام معاملات کلی و جزئی دایر به داد و ستد، چه متعلق به معاملات تجاریه باشد و چه به معاملات عادیه، جدا جدا روزمره

نېټې په ترتيب او همدارنگه د هغو شخصيه مصارف قيد او داخليږي.

۷۱ ماده:

ټولې تجارتي صادري شوي مراسلي به اصل او مينوت لري او ټول صادر شوي او وارد شوي ليکونه او تلگرامونه به د انديکاتور په اصولو په اجمالي ډول ثبت او قيد شي.

۷۲ ماده:

د شرکتونو تصويبونه د هغه تصويبونو په کتاب کښي چه د عمومي مجمع او د مديره هيئت له خوا د خبرو اترو په اثر کيږي سره د هغو د اعضاوو له نومونو چه په خبرو اترو کښي حاضر وو او د ټولني د نېټې او نورو معلوماتو چه د خبرواترو د جريان او د آراوو د اخيستلو د پوره اطلاع موجب وگرزیدای شي، قيد او درجېږي او ددی تصويبونو په پای کښي هغه کسان چه د شرکت په نامه د لاس ليک اجازه ورته شوي وي، لاس ليک کوي.

به ترتيب تاريخ معامله و همچنان مصارف شخصيه او قيد و درج می شود.

ماده ۷۱:

تمام مراسلات صادره تجاريه دارای اصل و مینوت خواهد بود و همه مکاتیب و تلگرامهای صادره و وارده به اصول اندیکاتور اجمالاً قيد و ثبت خواهد شد.

ماده ۷۲:

تصویبات شرکتها در کتاب تصویباتیکه از طرف مجمع عمومی و هیئت مدیره در اثر مذاکره اتخاذ می شود، با اسمای اعضائیکه در مذاکره حاضر بوده اند و تاریخ اجتماع و معلومات دیگریکه موجب اطلاع کامل از جریان مذاکره و اخذ آراء شده به تواند قيد و درج گردیده و در ذیل این تصویبات اشخاصی که بنام شرکت مأذون به امضاء می باشند، امضاء می کند.

۷۳ ماده:

تجاری یا د دوی اخلاف چه د دوی تجاری چارو ته ادامه ورکوي مجبور دی چه هغه دفترونه چه د هغو په لرلو مکلف گرځولی شوی دی (د وروستي قید د نېټې له سره چه پدی دفترونو کښې کیږي) او تلگرامونه او لیکونه د هغو له خپلو نېټو څخه تر پنځلسو کا لو پورې وساتي.

۷۴ ماده:

د وراثت - شرکت او یا د افلاس په مسئلو پورې مربوط تجارتي دفترونه او لیکونه د تسلیم په حال کښې څه د محکمي له خوا او څه د علاقه لرونکو له خوا د هغوي گرد طرفونه او ډولونه تدقیق کیدای شي.

۷۵ ماده:

په جگړه ناکو مواردو کښې ددعوو د جریان په منع کښې محکمه کولای شي چه دخپل تشخیص یا د یو طرف د غوښتنې له قراره د تجاري پانېو او دفترونو په ښکاره کولو امر وکړي.

۷۳ ماده:

تجاری یا اخلاف ایشان که معاملات تجاریه ایشان را ادامه می دهند مجبور اند دفاتری را که به داشتن آن مکلف قرار داده شده اند (سراز تاریخ آخرین قید که در دفاتر مذکور می شود) و تلگرامات و مکاتیب را از تاریخ خود آنها تا مدت پانزده سال محافظه نمایند.

۷۴ ماده:

دفاتر و مکاتیب تجاریه در مسایل مربوطه به وراثت - شرکت یا افلاس در حال تسلیم چه از جانب محکمه و چه از جانب علاقه مندان تمام جهات و اقسام آن تدقیق شده می تواند.

۷۵ ماده:

در اثنای جریان دعاوی در موارد متنازع فیها، محکمه می تواند بر حسب تشخیص خود یا بر حسب خواهش یکی از طرفین به ارائه دفاتر و اوراق تجاریه امر بدهد.

ماده ۷۶:

که د هغو تجاریه لیکونو او دفترونو نقل او بنکاره کول چه د بنکاره کولو حکم یې ورکړی شوی وي په دی علت په هغه پانې او دفترونه پرته له دی محکمی چه دعوي پکښې دائره ده د بلي حوزی په محکمه کښې وی کم مشکلات ولري، نودا محکمه کولای شي چه دلارمو برخو مصدقه سواد رسماً له مربوطی محکمی څخه راوغواړی.

ماده ۷۷:

هغه مسئولیتونه چه د تجارتي ضروري دفترونو له نه لرلو او د هغو د قانون له مخې له نه ترتیبولو څخه پېښېږی په خپله د تجارتخاني په خاوند پورې اړه لری او تاجر نشي کولای چه خپل قصور د بل په غاړه واچوي او خپل ځان له مسئولیته و باسي.

ماده ۷۸:

که تجارتي ضروري دفترونه دداسي پېښو په اثر لکه اور لگیدل او نور آفتونه په هغي مودی کښې چه د هغو ساتنه ضروري ده ضایع شي، نولازمه ده چه د ضایع کیدو

ماده ۷۶:

اگر در نقل و ارایه دفاتر و مکاتیب تجاریه که حکم ارایه آن داده شده باشد بعلت بودن آن در حوزه قضاء محکمه دیگر غیر از محکمه که دعوی در آن دائر است مشکلاتی باشد، محکمه اول الذکر رسماً سواد مصدقه قسمت های لازم را از محکمه مربوطه خواسته می تواند.

ماده ۷۷:

مسئولیتی که از عدم دارائی دفاتر ضروریه تجاریه و عدم ترتیب قانونی آن تولید می شود، رسماً به خود صاحب تجارت خانه عائد است و تاجر نمی تواند این قصور را بدوش دیگری افکنده، خود را از مسئولیت بری سازد.

ماده ۷۸:

اگر دفاتر ضروریه تجاریه در اثر واقعاتی مانند حریق و آفات دیگری در ظرف مدتیکه محافظت آن مجبوری است ضایع شود، لازم است کیفیت ضیاع در

د کیفیت جزئی د یو میاشتی په موده کښې د تاجر یا دده د وکیل له خوا مربوطی محکمی ته خبر ورکړشي. که وروسته له تحقیق څخه د هغو په ضیاع باندی یقین راغی، نو مراجعت کوونکي شخص ته به لازم تصدیق ورکوی.

۷۹ ماده:

په هغو اختلافاتو کښې چه د تجارتي معاملو په خصوص کښې د تجارو په منځ کښې پیدا کیږي، کولای شي چه تجارتي قانوني دفترونه د هغو شرایطو په دائره کښې چه په (۸۰-۸۴) مادو کښې ټاکل شویدی، د ثبوتو د وسایلو په حیث قبول کړی.

۸۰ ماده:

د تجارتي قانوني دفترونو مندرجات که د قانون له احکامو سره مطابق وي او که نه وي د هغه په خاوند یا یې په خلف یا یې په وروستني خلف دلیل کیدای شي. هغه مندرجات چه د تاجر په گټه وي، پدی صورت چه تجارتي دفترونه له قانون سره سم ترتیب شوی وي، معتبر دی.

ظرف یکماه از طرف تاجر و یا وکیل او به محکمه مربوطه اخبار گردد. اگر محکمه درباره صحت ضیاع بعد از تحقیق قناعت حاصل کند، به شخص مراجعت کننده تصدیق لازمه را اعطاء خواهد نمود.

۷۹ ماده:

در اختلافاتی که بین تجار راجع به معامله تجارتي پیدا می شود، دفاتر قانونی تجارتي را می توان در دایره شرایطی که در مواد (۸۰ و ۸۴) تعیین شده است، به حیث وسایل ثبوت قبول نمود.

۸۰ ماده:

مندرجات دفاتر قانونی تجارتي، خواه به احکام قانون مطابق باشد خواه نباشد، علیه صاحب آن و یا خلف آن و یا خلف اخیر الذکر دلیل شده می تواند. مندرجاتی که بر له تاجر باشد، در صورتی که دفاتر تجاریه مطابق قانون ترتیب شده باشد، معتبر می باشد.

ماده ۸۱:

که دیو تاجرد دفتر مندرجات له اصول سره سم وي او د بل تاجرد دفتر د مندرجاتو او سندونو څخه مخالف وي او د هغود هر یوه حقیقي توب په معتبرو وثیقو او دلایلو په اثبات ورسپړی نو د دفتر اثباتیه قوه او اسناد ساقطیږی.

ماده ۸۲:

که د یوه طرف دفتر د قانون له مخې منظم وي او د مقابل طرف دفتر په اصول برابر نه وي او یا هیڅ دفتر ونلري او یا ونه غواړی چه خپل دفتر ښکاره کړی، نو د لومړني تاجرد دفتر مندرجات په مقابل جانب باندی دلیل کیدای شي. مگر که مقابل طرف د هغو مندرجاتو ضد چه پر ده باندی ئي استناد شوی وي په معتبرو وثیقو اثبات کړای شي نو مستند شوی مندرجات خپله اثباتیه قوه له لاسه ورکوي.

ماده ۸۳:

که له طرفینو څخه یو تن د

ماده ۸۱:

اگر مندرجات دفتر تجاری مطابق اصول بوده مخالف مندرجات دفتر یا اسناد تاجر دیگری باشد و غیر حقیقی بودن هر یکی از آن به وثایق و دلایل معتبره به اثبات برسد، قوه اثباتیه دفتر و اسناد ساقط می گردد.

ماده ۸۲:

اگر دفتر یکی از طرفین قانوناً منظم بوده و دفتر طرف مقابل به اصول موافق نباشد و یا هیچ دفتر نداشته باشد و یا نخواهد دفتر خود را ارائه دهد، مندرجات دفتر تاجر اول الذکر علیه طرف مقابل دلیل شده می تواند. لیکن اگر طرف مقابل ضد مندرجاتی را که بر علیه او استناد شده با وثایق معتبره اثبات نموده بتواند، مندرجات مستندة قوه اثباتیه خود را می باز د.

ماده ۸۳:

اگر یکی از طرفین

محکمی د وړاندی د خپل مدعی د تجارتی دفتر مندرجات ومني، نو په دی صورت کښې چه دده مقابل د خپل تجارتی دفتر دښکاره کولو څخه انکار وکړي، محکمه کولي شي چه دهغه چا په خوا چه ددفتر دښکاره کولو غوښتنه کوي د خپل قناعت سره سمه فیصله وکړي.

۸۴ ماده:

که یو طرف د مدعی د تجارتی دفترونو مندرجات له اصول سره سم وويني د هغه د خاوند په طرف دلیل ونيسي، کولای شي چه د هغو مندرجاتو د صحت په خصوص کښې د وجداني قناعت د اکمال او د مدعی علیه پر ذمه باندی د مدعی د حق د اثبات دپاره یوڅه زیات ضمني تحقیقات اجرا کړي او وروسته د قناعت له حصول څخه لازمه فیصله ورکړي. د محکمی ضمني تحقیقات باید له (۱۵) ورځو څخه زیات نه شي.

مندرجات دفاتر تجاریه خصم را در حضور محکمه قبول کند در صورتی که خصم از ارائه دفتر تجاریه خود امتناع ورزد، محکمه می تواند در حق طرفی که طالب ارائه است به قناعت خود فیصله بدهد.

۸۴ ماده:

زمانی که محکمه مندرجات دفتر تجاریه را موافق اصول دیده بر له صاحب آن دلیل بگیرد، می تواند به جهت اکمال قناعت وجدانی راجع به صحت مندرجات مذکوره و واجب الاداء بودن حق مدعی بر ذمه مدعی علیه یک تحقیقات ضمني مزید را اجراء و بعد از حصول قناعت فیصله لازمه را بدهد. تحقیقات ضمني محکمه به هیچ وجه نباید بیش از (۱۵) روز طول بکشد.

اتم فصل د تجارو نمایندگان

۸۵ ماده:

هغه څوک چه د يو تاجر د تجارت کولو په ځای کښې او يا په بل ځای کښې د هغه تجار له خوا د هغه د تجارت په مربوطو چارو بوخت وي، د تاجر نماینده بلل کېږي.

۸۶ ماده:

تاجر يواځې د خپلې اجازې په حدودو کښې چه خپل نماینده ته يې کړې ده د خپلې نماینده له معاملاتو او د مقابلو مسئول دی. او که نوموړی نماینده څو تنو تجارو استخدام کړي وي نو هر يو ځانته په خپل وار مسئول دی او که کوم نماینده د تجارتي شرکت له خوا په کار اچولي شوی وي نو د شريکانو مسئوليت نظر د شرکت نوعيت ته ټاکل کېږي.

۸۷ ماده:

د نمایندگي حق چه يوه نماینده ته ورکول کېږي يا صريح وي او يا ضمني. هغه پانښه چه صريح نمایندگي پکښې وي د هغه ځای د ثبت په دائره کښې چه په هغه ځای

فصل هشتم نمایندگان تجار

ماده ۸۵:

کسیکه در محل اجرای تجارت یک تاجر و یا در یک محل دیگر مربوط به امور تجاری او از طرف تاجر به کار تجارت مکلف باشد، نماینده تاجر گفته می شود.

ماده ۸۶:

تاجر تنها در حدود دایره اجازه که به نماینده خود داده باشد، از معاملات و عقد مقاولات نماینده خویش مسئول می باشد و اگر نماینده مذکور را تجار متعدد استخدام نموده باشند، هر یک به نوبه خود مسئول می باشند و اگر نماینده از جانب شرکت تجاریه گماشته شده باشد، مسئولیت شرکاء نظر به نوعیت شرکت تعیین می شود.

ماده ۸۷:

حق نمایندگی ایکه به یک نماینده داده می شود یا صریح می باشد و یا ضمنی. ورقه که متضمن نمایندگی صریح باشد، در دایره ثبت محلی که در آنجا نماینده

کښې نمایندہ تجارت کوي ثبت او اعلانېږي او د دی مراسمو دنه اجرا په صورت کښې د (۸۸) مادې احکام تطبیقېږي.

۸۸ ماده:

د نمایندګي حق چه یوه نمایندہ ته ضمناً ورکړی شوی وي د دریو کسانو په مقابل کښې غیر محدود بلل کیږي او د هر ډول تجارت په نسبت چه ورکړی شوی وي په ټولو هغو معاملاتو چه د هغه تجارت په ضمن کښې اجراء کیږي مشتمل وي. که نمایندہ له نورو کسانوسره معاملي اجراء کړي وي او تاجر ثابتہ نشي کړای چه دریم کسان دده د نمایندګي د حق له محدودیت څخه د معاملي د اجراء په وخت کښې خبروو، د تاجر ادعا د دریو کسانو په مقابل کښې د هغه نمایندہ د نمایندګي د محدودیت په باب کي د اعتبار وړ نده.

۸۹ ماده:

که نمایندہ تل د خپل آمر يعني د تجارتخاني د خاوند په نامه معامله اجراء کوي، باید دلاس لیک کولو په وخت کښې د خپل نوم او

اجرای تجارت می نماید، ثبت و اعلان می شود و در صورت عدم اجرای این مراسم، احکام ماده (۸۸) تطبیق می گردد.

ماده ۸۸:

حق نمایندګي که به یک نمایندہ ضمناً داده شده باشد در مقابل اشخاص ثالث غیر محدود دانسته می شود و به نسبت هر نوع تجارتی که داده شده باشد، تمام معاملات را که در ضمن آن تجارت اجرا می شود دربر می گیرد. اگر نمایندہ با اشخاص ثالث اجرای معاملات نموده باشد و تاجر اثبات نموده نتواند که اشخاص ثالث از محدودیت حق نمایندګي او در زمان اجرای معامله اطلاع داشتند، ادعای تاجر در باب محدودیت نمایندګي نمایندہ مذکور به مقابل اشخاص ثالث معتبر نیست.

ماده ۸۹:

اگر نمایندہ دائماً بنام آمر خود یعنی صاحب تجارتخانه اجرای معامله می کند باید در اثنای امضاء نمودن در پهلوی اسم و

شهرت خود اسم تاجر و شهرت او یا عنوان شرکت را بنویسد و کلمه (وکالتاً) و یا معادل آن، کلمه دیگری را علاوه نکند. در حالیکه احکام این فقره را ایفاء نکند، نماینده از معاملاتیکه اجراء نموده شخصاً مسئول می شود ولیکن اگر اشخاص دیگر راجع به تجارتی که به او سپرده شده است معامله بکنند، می توانند عند الموقع بر علیه آمر نیز دعوی نمایند.

ماده ۹۰:

شخصی که بدون داشتن حق نمایندگی به صفت نماینده یک تاجر اجرای معامله کند و تاجر معامله او را تصدیق ننماید، مجبور به جبران خساره میباشد که ازین رهگذر به شخص ثالث صاحب حسن نیت وارد شود.

ماده ۹۱:

نماینده بدون موافقه صریح آمر خود نمی تواند به حساب خود یا دیگر شخصاً و یا بالاشتراك هیچ یک معامله تجاریه را اجراء کند.

شهرت په څنگ کې د تاجر نوم او شهرت او یا د شرکت عنوان ولیکي او د (وکالتاً) کلمه یا د هغې معادله بله کلمه ورسره زیاته کړي. په داسې حال کېنې چه ددی فقري احکام په ځای نکړي، نماینده د هغو معاملاتو چه اجراء کړي ئی دی، پخپله مسئول کیږي. مگر که نور کسان د هغه په خصوص کېنې چه ده ته ورسپارلی شویدی معامله وکړي نو کولای شي چه په موقع کېنې په آمر باندی هم دعوي وکړي.

ماده ۹۰:

هغه څوک چه بی د نمایندگی د حق له لرلو نه د یو تاجر د نماینده په نامه یوه معامله اجراء کړي او تاجر د هغه معامله تصدیق نه کړي، د هغه تاوان په ورکولو باندی مجبور دی چه له دی لاري څخه دریم بي غرضه سړی ته ورسپړي.

ماده ۹۱:

نماینده بي خپل آمر له صریح موافقي څخه نشي کولای چه په خپل یا د بل په حساب شخصاً یا په اشتراك کومه تجاري معامله

اجراء کړی. هغه نماینده چه له دی حکم څخه چپ تگ کوي که دده له معاملي څخه ضرر پیدا شي، دی به تاوان ورکولو ته مجبور وي او د گټې په صورت تاجر کولای شي چه دده د معاملاتو گټې خپل کړي.

۹۲ ماده:

د صریحی نمایندگی د حق سلب او یا تجدید د ثبت او اعلان تابع دی.

۹۳ ماده:

نماینده د هغو تجارتی معاملاتو په خصوص کي چه ده ته سپارلی شوی دی، لکه پورونه او نور، کولای شي چه د خپل آمر په نامه په محکمه کښې دعوي دایره کړي او په همدی شان په نماینده باندی د دعوي دائرول هم جائز دی.

۹۴ ماده:

ددی فصل احکام د باندنیو شرکتونو او تجارتخانه پر هغو نمایندگانو باندی چه په افغانستان کښې د هغو په نامه او حساب معامله اجراء کړی هم د تطبیق وړ دی.

نماینده که مخالف این حکم رفتار می کند اگر ضرری از معاملات او تولید شود، مجبور به جبران خساره می باشد و در صورت منفعت تاجر می تواند منافع معاملات او را تملک کند.

ماده ۹۲:

سلب و یا تجدید حق نمایندگی صریح تابع ثبت و اعلان است.

ماده ۹۳:

نماینده راجع به معاملات تجاریه که به او مفوض می باشد، مانند قروض و غیره، می تواند بنام آمر خود در محکمه اقامه دعوی کند و همچنان اقامه دعوی بر علیه نماینده نیز جائز است.

ماده ۹۴:

احکام این فصل بر نمایندگان تجارتخانه ها و شرکت های خارجی که در داخل مملکت افغانستان بنام و حساب آنها اجرای معامله کنند نیز قابل تطبیق است.

نهم فصل

تجارتی گرځند نمایندگان

۹۵ ماده:

هغه مستخدم ته چه یوه تاجر د تجارتي معاملاتو د اجراء د پاره د لیک یا اعلان یا متحد المال یا ددی په شان د نورو وثیقو په ذریعه اجازه ورکړی شي او بل ځای ته لیږل کیږي، گرځند نمایندگان بلل کیږي او د دوی آمرین د هغو نتایجو چه د دوی د ماذونیت په دائره کښې له تجارتي معاملاتو څخه پیدا کیږي، مسئول دی.

۹۶ ماده:

د (۸۹) مادی احکام په تجارتي گرځنده نمایندگانو هم تطبیقېږي مگر څه وخت چه دا نمایندگان هغه معاملات چه اجراء کړي یې دی وغواړي لاس لیک کړي، دا نشي کولای چه (وکالتاً) یا د هغي په شان بله کلمه استعمال کړي بلکه مجبور دی چه فقط د خپلو آمرینو نومونه درج کړي.

۹۷ ماده:

تجارتی گرځند نمایندگان لکه

نهم فصل

نمایندگان سیار تجارتی

۹۵ ماده:

مستخدمی که برای اجرای معاملات تجارتی یک تاجر به توسط مکتوب یا اعلان یا متحد المال یا وثایق دیگری مثل آن از طرف تاجر مجاز گردیده به محل دیگر اعزام می گردند، نمایندگان سیار تجارتی گفته می شوند و آمرین شان از نتایجی که در دایره ماذونیت ایشان از معاملات تجاریه متولد می شود، مسئول می باشند.

۹۶ ماده:

احکام ماده (۸۹) بر نمایندگان سیار تجارتی نیز تطبیق میشود، لیکن زمانی که این نمایندگان معاملات را که اجرا کرده اند بخواهند امضاء کنند، نمی توانند کلمه وکالتاً یا معادل آنرا استعمال نمایند بلکه مجبور اند فقط اسمای آمرین خود را درج کنند.

۹۷ ماده:

نمایندگان سیار تجارتی طوریکه

خرنگه چه اجازه نه لري چه د هغو مالونو پخپله يې نه دی تسليم کړی بدل واخلي، نو په همدی شان نشي کولای چه قیمت ځنډ او یا د هغو مبلغ ته تنزیل ورکړی. مگر دا کولای شي هغه پیشنهادات چه د دوی د آمرینو په نامه شوی وي، د هغو په نامه قبول کړی او داسي تدبیرونه چه د دوی د آمرینو د گټې دساتني دپاره وي ونیسي.

لسم فصل

پلورلو مامورین

۹۸ ماده:

هغه کسان چه د عمده او پرچون مالونو د پلورلو اجازه ورته ورکړ شوی وي د پلورلو مامورین بلل کیږي. د پلورلو مامورین حق لري چه د هغو مالونو قیمت چه د ننه په څانگه کښې ئې پلوري وغواړي او وائي خلي او په دی صورت چه (کیسي) ته د قیمت اخیستلو واک نه وي ورکړی شوی د پلورلو مامورین ترڅو چه رسمي تصدیقنامه د آمرینو او د تجارتخاني د خاوندانو په لاس لیک ونه لری، نشي کولای چه

اجازه ندارند بدل اموالی را که شخصاً تسلیم نه نموده اند قبض کنند، همچنان نمی توانند قیمت را تأجیل و یا مبلغ آنرا تنزیل بدهند ولی می تواند پیشنهاداتی را که بنام آمرین شان واقع شده باشد، بنام ایشان قبول و تدابیری را که برای حفظ منافع آمرین شان باشد اتخاذ کنند.

فصل دهم

مامورین فروش

ماده ۹۸:

اشخاصی که در تجارتخانه ها مجاز به فروش اموال عمده و پرچون باشند، مامورین فروش نامیده می شوند. مامورین فروش حق دارند قیمت اموالی را که در داخل شعبه فروش می فروشند مطالبه و اخذ نمایند در صورتی که صلاحیت اخذ قیمت به (کسه) داده نشده باشد مامورین فروش تا تصدیقنامه و اجازه رسمی به امضای آمرین و صاحبان تجارتخانه نداشته باشند نمی توانند در

خارج تجارتخانه مطالبه و
یا اخذ قیمت اموال را
بنمایند.

له تجارتخانی خخه دباندی د
مالونو قیمت واخلی او یا یی و
غواپی.

فصل یازدهم دلالی

ماده ۹۹:

اشخاصی که بالمقاوله اجیر
خاص هیچ یک از طرفین
نبوده و در عقد مقاولات
مروجه تجارتی فقط
بالمقابل اجرت بین عاقدین
وساطت و به این صورت،
تسهیل عقد معاملات
تجاریه را برای خود
پیشہ اتخاذ نمایند، دلال
نامیده می شود. دلالها دارای
حقوق مندرجۀ این
فصل و تکالیف آن می باشند.

ماده ۱۰۰:

بجز در صورتی که عاقدین از
ترتیب سته صرف نظر کنند و یا
نظر به جنس امتعه بنابر عرف
محلی لزوم ترتیب آن محسوس
نشود، دلال مجبور است که

یوولسم فصل دلالی

ماده ۹۹:

هغه کسان چه د مقاولی له مخې د
هیڅ یوه له طرفینو خخه خاص
اجیر نه وي خو د تجارتي مقاولاتو
په غوټه کولو کښې یواځې د اجرت
په مقابل کښې د عاقدینو په منځ
کښې منځگړیتوب کوي او پدی
صورت د تجارتي معاملاتو په عقد
کښې آسانتیا راوستل ځانته کسب
وگرځوي، دلال بلل کیږي او دلالان
په دی فصل کی د لیکل شویو
حقوقو خاوندان او په تکلیفاتو یې
مکلف دی.

ماده ۱۰۰:

بي له دی صورته چه له ستي سندنه
ترتیبولو خخه عاقدین تیرشي او یا
نظر د مال جنس ته د محلي عرف
له مخې د هغي ترتیب ته خه
ضرورت و نه لیدل شي دلال

مجبور دی چه د معاملي له اجراء څخه وروسته بي له پال ورکولو داسي ستي (سندونه) چه عاقدینو نمونه او کامل شهرت د مقاولی موضوع او شرطونه د قید ډول او اندازه د مال د تسلیم نېټه او د مقاولی موضوع پکښې وي په خپل لاس لیک طرفینو ته ورکړی.

۱۰۱ ماده:

د هغو معاملاتو په خصوص کښې چه اجراء يې سمدستي ضرورت نلري، باید سند د طرفینو عاقدینو په لاس لیک ورسپړی او له طرفینو څخه د یوې خوا لاس لیک شوی سند بل جانب ته ورکړه شي او که یو له طرفینو څخه د (ستي) سند له قبلولو یا لاس لیک څخه منع راوړي نو دلال په سمدستي پېښه مقابل طرف ته ابلاغ کړی.

۱۰۲ ماده:

دلال د طرفینو د لاس لیکونو د صحت په خصوص کښې چه دده په ذریعه د معاملي په پاڼو شوی دی او همدا ډول د وروستني ظهر نویس د لاس لیک له صحت څخه چه په هر ډول سندونو کښې د لیکونکي په امر وي، مسئول دی.

بعد از اجرای معامله بدون معطلی سته های سند را که حاوی اسامی و شهرت کامله عاقدین، موضوع و شرایط مقاوله، نوع و مقدار قیمت و زمان تسلیم امتعه موضوع مقاوله باشد را به امضاء خود به طرفین اعطا کند.

ماده ۱۰۱:

درباره معاملاتیکه اجرای آن فوراً مشروط نباشد، باید سته به امضاء طرفین عاقدین رسانیده شده و سته امضاء شده یکی از طرفین به طرف مقابل اعطاء شود. در حالیکه یکی از طرفین از قبول و یا امضای سته استنکاف ورزد، دلال فوراً به طرف مقابل واقعه را ابلاغ خواهد نمود.

ماده ۱۰۲:

دلال در باره صحت امضای طرفین که در اوراق معامله که توسط او واقع شده و همچنان از صحت امضای ظهر نویس اخیر که در هر نوع سندات محرر به امر باشد، مسئول است.

ماده ۱۰۳:

هغه دلال چه معامله دده په ذریعه اجراء کيږي که سند دا ډول ترتیب کړی چه د یو طرف معرفي مقابل طرف ته په راتلونکی وخت پورې موقوفه پاتي شوی وي او پدی صورت که مقابل طرف سند قبول کړی وي نو په واقعي عقد پابند کيږي. هغه موده چه د نامعلوم طرف د معلومیدو دپاره لازمه ده، د محلي عرف له مخې او که دا ډول عرف وجود ونه لري نو له حال سره سم ټاکل کيږي.

که نامعلوم طرف په ټاکلي موده کښې معلوم نشي یا معلوم شي خو په هغه باندې اعتراضات وشي نو هغه طرف چه سند يې قبول کړیدی حق لري چه معامله له شخص دلال څخه وغواړي او په هغه باندې دعوي وکړي. سره له دی که د دلال د مراجعي په اثر د معاملي په اجراء کښې سمدستي له دی حق څخه گټه وانخلي نو وروسته له هغه دده دعوي نه اوریدله کيږي. او که دلال

ماده ۱۰۳:

دلالي که معامله بواسطه او اجراء می شود اگر سته را طوری ترتیب کند که معرفي یکطرف به طرف مقابل به آتیه موقوف گذاشته شده باشد، درین صورت اگر طرف مقابل سته را قبول کند و بعداً طرف معلوم گردید و اعتراضات جدید هم واقع نشده، باشد طرفی که سته را قبول نموده است به عقد واقعي پابند می گردد. مدتی که برای معلوم شدن طرف مجهول لازم است از روی عرف محلی، و اگر چنین عرف وجود نداشته باشد، مطابق ایجاب حال تعیین می گردد.

اگر طرف مجهول در مدت معینه معلوم نشود و یا معلوم شود بر علیه او اعتراضات جدید بعمل آید طرفی که سته را قبول نموده است حق دارد اجرای معامله را از شخص دلال طلب و بر علیه او دعوی کند. معهذا اگر در اثر مراجعه دلال فوراً از حق مذکور در اجرای معامله استفاده نمی کند، بعد از آن دعوی او مسموع

هغه معامله په خپله بالذات په
ځای کړی وي نو هغه حقوق چه د
معاملې د عقد له لاري بلي
خوا ته ورپه برخه شويدي، په
خپله هغه ته ور منتقل
کيږي.

۱۰۴ ماده:

دلال مجبور دی چه د هر هغه
مال نمونه چه د نموني له مخې
دده په ذریعه پلورل کيږي تر
هغه وخته پورې له ځان سره
وساتي چه ترڅو معامله پای ته
ورسيږي.

که دواړه طرفه د نموني له ساتني
څخه صراحتاً صرف نظر وکړي او
يا نظر د مال جنس ته د محلي
عرف له مخې لزوم ونلري نو دلال
کولای شي چه د سپارلی شوی
نموني له ساتني څخه صرف نظر
وکړي.

دلال لپاره ددی چه په پای کښې
دلیل ونيوي شي باید هغه نمونه
چه معامله ورباندی شوی وي،
نڅښه کړي.

۱۰۵ ماده:

دلال د جنس يا د قیمت د قبلولو د
پاره چه په مقاوله کښې ذکر شوی

نیست. در صورتی که دلال آن
معامله را بالذات خودش ایفاء
نموده باشد، حقوقیکه از
رهگذر عقد معامله عاید
بطرف دیگر است، بخودش منتقل
می شود.

ماده ۱۰۴:

دلال مجبور است نمونه هر یک
از امتعه را که مطابق نمونه
ذریعه او فروخته می شود تا
وقتی نزد خود محافظه
نماید که معامله ختم
گردد.

اگر طرفین از محافظت نمونه
صراحتاً صرف نظر کنند و یا
نظر به جنس امتعه بنابر
عرف محلی لزوم حس نشود، دلال
می تواند از محافظه نمونه
مودوعه صرف نظر
کند.

دلال برای اینکه بالاخره اتمام
حجت نموده بتواند، باید نمونه
مورد معامله را نشانی
نماید.

ماده ۱۰۵:

دلال برای قبول قیمت و یا
جنسیکه در مقاوله تصریح شده

دی، صلاحیت نه لري.

است صلاحیت ندارد.

ماده ۱۰۶:

دلال مکلف دی لکه تاجر غوندی د مدبرخاوند وي او په صداقت کار وکړی نو څکه د هغو زیانونو په نسبت چه د ده له غفلت څخه پیدا شي، هر یوه له طرفینو ته مسئول دی.

ماده ۱۰۶:

دلال مکلف است مانند یک تاجر مدبر و راستکار حرکت نماید نسبت به خساراتیکه از غفلت او نشأت کند، نزد هر یکی از طرفین مسئول می باشد.

ماده ۱۰۷:

که دلال د یوي خوا داسي طرفداري وکړی چه د بیطرفی مخله شي او یا د بد نیت له مخې نظر یوه جانب ته گټه تمام شي نو د دلالی اجرت او د مصارفو حق یې ساقطیږی.

ماده ۱۰۷:

طرفداری دلال از یک جانب به اندازه که مخل بی طرفی شود و یا انتفاع از جانب دیگر با سوء نیت حق مطالبه اجرت و مصارف دلالی را ساقط می سازد.

ماده ۱۰۸:

دلال د معاملي له انعقاد څخه وروسته او یا که عقد په کوم شرط پورې مقیده وي او د شرط د تحقق نه وروسته یې سند اخیستی وي نو د خپل اجرت د غوښتنې حق لري او دده دا حق د معاملي د عقد له ورځې څخه تر یو کال پورې اعتبار لري. او که معامله منعقد نه شي او یا معلقه شرط په ځای نه کړی، دلال نشي کولای چه له هغو

ماده ۱۰۸:

دلال متعاقب انعقاد معامله و یا اگر عقد مقید بر کدام شرط بوده و متعاقب تحقق شرط سته آن معامله را تسلیم نموده باشد، حق طلب اجرت خود را دارد. این حق او از روز عقد معامله تا یکسال اعتبار دارد. اگر معامله منعقد نشود و یا شرط معلقه تحقق ننماید، دلال نمی تواند از

تشبثاتو په مقابل کښې چه په دی
باره کي يي کړیدی اجرت وغواړی.

۱۰۹ ماده:

د دلالي د اجرت اندازه د مقرراتو
او مقاولی له مخې او که هغه نه
وي نو نظر محلي عرف ته ټاکل
کيږي.

۱۱۰ ماده:

که د معقولو مصارفو ورکړه د
دلالي له خوا د معاملي په نتیجه
پورې مشروط نه وي دلالي د هغو
د غوښتنې حق لري.

۱۱۱ ماده:

که د اجرت په خصوص کښې دواړو
خواوو څه خبري نه وي کړی او د
مقرراتو له مخې هم ټاکلي
شوی نه وي چه اجرت کوم یو په
غاړه واخلي نو د محلي عرف له
مخې فیصله کيږي او که دا ډول
عرف نه وو نو لږمه ده چه نيمي یوه
خوا او نيمي بې بله خوا اداء کړی.

۱۱۲ ماده:

دلالي مجبور دی چه هغه معاملي
چه دده په منځگړیتوب اجراء کيږي
هره ورځ د نېټې په ترتیب او د
(۱۰۰) مادی په ښوونه په

تشبثاتیکه در آن باره نموده
است اجرت طلب کند.

ماده ۱۰۹:

اندازه اجرت دلالي از روی
مقاولات و مقررات و در صورت
عدم آن نظر به عرف محلی تعیین
می گردد.

ماده ۱۱۰:

اگر تادیه مصارف معقول از
طرف دلالي مشروط به نتیجه
معامله نباشد دلالي حق
مطالبه آنرا دارد.

ماده ۱۱۱:

اگر طرفین راجع به اجرت
مقاوله ننموده باشند و بر
طرفین مقررات هم معین
نباشد که اجرت را کدام یک
متحمل شود، از روی عرف
محلی فیصله می شود. در صورت
فقدان چنین عرف لازم است
طرفین بطور منصفه بپردازند.

ماده ۱۱۲:

دلالي مجبور است معاملات را
که بوساطت او اجراء می شود
هر روزه به ترتیب تاریخ و
هدایت ماده (۱۰۰) درج

روزنامه‌چه کنبی داخلي کړی. هره معامله چه داخليږی، هره ورځ د دلا ل له خوا لاس لیک کيږي. د هغو موادو احکام چه په تجاري روزنامه‌چي کنبی دداخلولو او د هغي دساتلو په خصوص کنبی دی، د دلال د روزنامه‌چي په باره کنبی هم جاري دی. د هغي معاملي په خصوص کنبی چه دلال په هغي کنبی منځگريټوب کړی وي، مجبور دی هر وخت چه طرفین تقاضا وکړی د خپلې روزنامه‌چي نقل چه دا معامله پکنبی وي، پخپل لاس لیک سره هغو ته ورکړی.

۱۱۳ ماده:

محکمه ددعوي د خصوصياتو د اثبات د پاره کولای شي چه د ستي او نورو مثبتو پاڼو او د دلال د روزنامه‌چي اصل يا نقل راوغواړی.

۱۱۴ ماده:

هغه دلال چه د درج او د خپلې روزنامه‌چي د ساتني په خصوص کنبی د قانون له احکامو څخه مخالف تگ وکړی، په نقدی جزأ محکوميږی.

روزنامه‌چه کاند. هر معامله که درج ميگردد، هر روزه از طرف دلال امضاء می شود. احکام موادیکه راجع به طرز درج کردن و محافظه روزنامه‌چه تجاریه است، درباره روزنامه‌چه دلال نیز جاری است. راجع به معامله که دلال در آن وساطت نموده باشد، مجبور است هر وقت که طرفین تقاضا کنند، نقل روزنامه‌چه خود را که حاوی معامله مذکوره باشد به امضای خود به ایشان بدهد.

ماده ۱۱۳:

محکمه برای اثبات خصوصیات دعوی می‌تواند نقل یا اصل سته و اوراق مثبتیه دیگر و روزنامه‌چه دلال را مطالبه کند.

ماده ۱۱۴:

دلایکه راجع به طرز درج و محافظه روزنامه‌چه خود مخالف احکام قانون حرکت کند، به جزای نقدی محکوم می‌شود.

۱۱۵ ماده:

د هغو کسانو په باره کښې چه د کوچنیو تجارو په منع کښې دلالي کوي د سند روزنامچي په خصوص کښې چه په دی فصل کښې ذکر دی، نه تطبیقیري.

۱۱۵ ماده:

درباره اشخاصی که بین تجار کوچک دلالی می کنند احکام عاید بسته و روزنامه چه که درین فصل مذکور است تطبیق نمی شود.

تجارتی شرکتونه لومړی فصل عمومیه احکام

شرکتهای تجارتی فصل اول احکام عمومی

۱۱۶ ماده:

تجارتی شرکتونه عبارت د څو کسانو له اشتراک څخه دی چه په یوه یا متعددو موضوع کښې د تجارتی معاملاتو د اجراء په مقصد پیدا کیږي.

۱۱۶ ماده:

شرکت های تجارتی عبارت از اشتراک اشخاص است که به مقصد اجرای معاملات تجاریه در موضوع واحد یا متعدد به وجود می آید.

۱۱۷ ماده:

تجارتی شرکتونه په لاندی ډول دی:
الف- تضامنی (کولکتیف) شرکت.
ب- مختلط تضامنی (کومانډیت) شرکت.
ج- محدود المسئولیت (لیمتد) شرکت.
د- سهامی (انونیم) شرکت.
ه- تعاونی (کوپراتیف) شرکت.

۱۱۷ ماده:

شرکت های تجارتی به انواع ذیل است:
الف- شرکت تضامنی (کولکتیف).
ب- شرکت تضامنی مختلط (کومانډیت).
ج- شرکت محدود المسئولیت (لمیتد).
د- شرکت سهامی (انونیم).
ه- شرکت تعاونی (کوپراتیف).

ماده ۱۱۸:

تجارتی شرکتونه حقوقیه شخصیت لری نوڅکه کولای شي چه تر خپلو عنوانولایدى مقابلې عقد او معاملي اجرا کړي، او د دائن او مديون صفت ومومي او په دې صفت دا هم کولای شي چه په محاکمو کښې خپل وجود ثابت کړي او منقول او غير منقول مالونه تصرف کړي.

ماده ۱۱۹:

هغه مواد چه په تجارتي شرکتو کښې پانگه بلل کيږي، په لاندې ډول دي:

الف- مادی منقول مالونه، لکه نقدی، شيان او حيوانات.

ب- غير مادی منقول مالونه، لکه امتياز، د اختراع حق (تجارتی- صنعتی)، د مارکو اجازه نامي.

ج- هر ډول غير منقول مالونه.

د- د منقول او غير منقول مالونو گټې او د استعمال حق.

ه- سعی او عمل.

د- تجارتي اعتبار.

ز- تجارت خانه.

ماده ۱۱۸:

شرکتهای تجارتي دارای شخصیت حقوقیه می باشند. بنابراین می توانند در تحت عناوین خود به عقد مقاولات و اجرای معاملات پرداخته صفت داین و مديون را اکتساب نمایند و نیز می توانند به این صفت در محاکم اثبات وجود کنند و اموال منقول و غير منقول را تصرف نمایند.

ماده ۱۱۹:

موادیکه در شرکتهای تجارتي سرمایه شناخته می شود، قرار ذیل است:

الف- اموال منقول مادی مانند نقد، اشیاء و حیوانات.

ب- اموال منقول غیر مادی از قبیل امتیاز، حق اختراع، اجازه نامه های مارک (تجارتی- صنعتی).

ج- هرگونه اموال غیر منقول.

د- منافع و حق استعمال اموال غیر منقول و منقول.

ه- سعی و عمل.

و- اعتبار تجارتي.

ز- تجارتخانه.

۱۲۰ ماده:

د باری د حق تاسیسات، نوم او عنوان، د اختراع حق، تجارتی مارک او نور لکه رسم او هغه موډلونه چه د تجارتی صنعت د اجراء د پاره خدمت کوي، د تجارتخانی له عناصرو څخه ګڼل کیږي.

ماده ۱۲۰:

تاسیسات حق کرایه، اسم و عنوان حق اختراع، مارک تجارتی وغیره از قبیل رسم و موډل هائیکه برای اجرای صنعت تجارتی خدمت می کند، از عناصر تجارت خانه محسوب است.

۱۲۱ ماده:

هر شریک د هغه تعهد له مخې چه شرکت سره یې د پانګې ورکولو په خصوص کښې کړیدی، د شرکت په مقابل کښې مدیون او مسئول دی.

ماده ۱۲۱:

هر شریک به موجب تعهدیکه راجع به تادیة سرماییه به شرکت نموده در مقابل شرکت مدیون و مسئول است.

ځکه هر هغه شریک چه خپله په غاړه اخیستی پانګه په ټاکلي موده کښې شرکت ته ورنکړی نو د هغه زیان او تاوان د جبران مسئول دی چي لدی لاري شرکت ته اوړی.

لذا شریکی که سرماییه متعهدۀ خود را به شرکت در موعد معینه نه پردازد، مسئول جبران ضرر و جبران خساره ایست که ازیں رهگذر به شرکت عاید می گردد.

۱۲۲ ماده:

هغه پانګه چه په ورکولو کښې یې ځنډ پښی شوی وي که د نقدی پانګې له ډوله وي نو برسيره د هغي پښې شوی خساري له جبران څخه چه په (۱۲۱) ماده کښې ذکر شویدی، د هغه د ورکړی د لزوم له

ماده ۱۲۲:

سرمایۀ که در ادای آن تأخیر واقع شده اگر از قبیل سرمایۀ نقدی باشد بر علاوه جبران خسارۀ عایدۀ که در ماده (۱۲۱) ذکر شده، از روز لازم التادیة

بودن آن تاجر به تأدیة
تکست پولی قانونی مجبور
است.

مادة ۱۲۳:

اگر شریکی عوض
سرمایه که به شرکت تعهد
کرده است طلباتی را که بالای
اشخاص دارد به شرکت
حواله نماید، تا تحصیل
طلبات از طرف شرکت بری
الذمه شده نمی تواند. اگر
طلبات مذکور مؤجل
باشد، در حالیکه بر خلاف آن
مقاولة موجود نباشد پس از
بسر رسیدن موعد و اگر
معجل باشد، از تاریخ تأسیس
شرکت الی مدت یکماه باید
تحصیل شود. اگر در ظرف یکماه
تحصیل نمی گردد، هر قدر روزیکه
اضافه از آن بگذرد، مجبور به
تادیة تکست پولی است.

اگر یک قسمت طلبات تحصیل
شده باشد، راجع به قسمت
متباقی همین حکم مدار اعتبار
است.

مادة ۱۲۴:

قیمت اشیائیکه به صورت سرمایه

ورخې څخه تاجر په قانوني ټکټ
پولی ورکولو باندی هم مجبور
دی.

۱۲۳ ماده:

که کوم شریک د هغې پانگې په
عوض چه شرکت ته یې په غاړه
اخیستی ده داسې پورونه چه په
خلکو یې لري، شرکت ته ورحواله
کړی، تر څو چه دپورونو تحصیل
شرکت لخوا ونشي، هغه بري
الذمه نه کیږی، که دا پورونه په
وعده وي، په داسې حال کېنې چه
د هغو په خلاف مقاوله موجوده نه
وي نو وروسته د وعدی له پوره
کیدو او که سمدستي وي د شرکت
د تأسیس له نېټې څخه تر یوې
میاشتي پورې باید تحصیل شي او
که په یوه میاشت کېنې نه
تحصیلېږی، هر څومره ورځې چه
زیاتي ورځخه تیرېږی، د ټکټ
پولی په ورکړه مجبور دی.

او که یوه برخه پورونه تحصیل
شوی وي، د پاتي برخې په خصوص
کېنې همدغه حکم د اعتبار وړ
دی.

۱۲۴ ماده:

د هغو شيانو قیمت چه دپانگې په

صورت راوړل کيږي، بايد په
مقاوله کښې وټاکلي شي. او که
ټاکلي شوی نه وي نو هغه قیمت به
چه د شيانو د ورکړې په ورځ په
بازار يا (بورس) کښې جاري وي، د
اعتبار وړ وي. او که شيان په
بورس يا بازار کښې جاري قیمت
ونلري نو هغه قیمت چه د پوهو
کسانو له خوا ټاکل کيږي، د دواړو
خواوو په نزد د اعتبار وړ گڼل
کيږي.

۱۲۵ ماده:

د هغو ما لونو ملکیت چه د پانگې
په صورت راوړل کيږي که د هغو
په خلاف په مقاوله کښې کوم حکم
موجود نه وي، په شرکت پورې اړه
لري.

۱۲۶ ماده:

د ټکټ پولی د ضرر او زیان د
جبران په خصوص کښې چه په
(۱۲۱-۱۲۲-۱۲۳) مادو کې
بیان شويدي مقابل جانب ته
وړاندې خبر ورکول ضرور نه دی.
دا مدعیات د شریکانو د فسخ د
هغه حق چه په (۱۷۵) ماده کښې
مقرر شويدي، نشي مانع کيدلي.

آورده می‌شود، در مقاوله باید
تعیین شود. اگر تعیین نشده
باشد، قیمتی که در روز دادن
اشیاء در بازار یا بورس
جاریست، معتبر خواهد بود و
در صورتی که اشیاء در بورس و
بازار قیمت جاریه نداشته
باشد، قیمتی که از طرف اهل
خبره تعیین می‌گردد، نزد
جانبین معتبر شمرده
می‌شود.

ماده ۱۲۵:

ملکیت اموالیکه به صورت
سرمایه آورده می‌شود اگر خلاف
آن در مقاوله حکمی موجود
نباشد، عاید به شرکت
است.

ماده ۱۲۶:

راجع به ادعای جبران ضرر و
خساره تکت پولی که در مواد
(۱۲۱-۱۲۲-۱۲۳) بیان شده
اطلاع قبلی بجانب مقابل
ضروری نیست. این مدعیات
مانع حق فسخ شرکاء که در
ماده (۱۷۵) مقرر شده نمی
باشد.

ماده ۱۲۷:

هر شریک مؤظف دی چه د شرکت د چارو د اجراء کولو په ترڅ کښې داسې په ښه نیت او اخلاص او بیداري سره رفتار وکړی لکه چه د خپلو شخصي چارو په اجراء کښې یې کوي.

ماده ۱۲۸:

هیڅ یو شریک د خپل کار په نسبت له شرکت څخه د اجرت غوښتلو حق نلري. مگر که په مقاوله کښې د اجرت اخیستل مقرر شوی وي نو مانع به ونه لری چه اجرت و اخلي.

ماده ۱۲۹:

هر شریک د هغه زیان مسئول او ضامن دی چه په حبله، چل، له اختیاراتو څخه د تجاوز او یا په وظیفه کښې د بي پروائي له ليارو څخه يي شرکت ته پيښ کړی وي او نشي کولای چه دا زیان په هغو گټو کښې چه دی شریک په نورو چارو کښې شرکت ته اړولی وي مجرا کړی.

ماده ۱۳۰:

هغه اجرت چه د شرکت مامورینو او مستخدمینو ته د

ماده ۱۲۷:

هر شریک مؤظف است که در اثنای رسیدگی به امور شرکت مثل امور شخصی خود با نهایت حسن نیت و دقت و بصیرت رفتار نماید.

ماده ۱۲۸:

هیچ یکی از شرکاء به نسبت کار خود از شرکت حق طلب اجرت را ندارد. ولی اگر در مقاوله اخذ اجرت مقرر شده باشد مانعی نخواهد داشت که اجرت بگیرد.

ماده ۱۲۹:

هر شریک مسئول و ضامن ضرر است که به حيله، خدعه و تجاوز از صلاحیت و یا اهمال وظیفه خویش به شرکت وارد نموده باشد و این ضرر را نمی‌توان با منافعی که شریک مذکور در امور دیگر به شرکت تأمین نموده باشد مجرا نمود.

ماده ۱۳۰:

اجرتی که به مامورین و مستخدمین شرکت در مقابل

دوی د خدمت په مقابل کښې ورکاوه کیږي که ددغه اجرت یوه برخه یا ټول په گټه کښې د اشتراک په صورت مقرر شوی وي نو دا وضعیت دوي ته د شریک صفت نه ورکوی.

۱۳۱ ماده:

که د شرکت په مقاوله کښې د گټې او زیان صورت نه وي څرگنده شوی نو د هر شریک گټه او زیان د پانگې د برخې په تناسب سره ویشل کیږي.

۱۳۲ ماده:

که په مقاوله کښې یواځې د گټې د ویشلو صورت ټاکلي شوی وي او د زیان د ویشلو په ډول کوم بحث نه وي شوی نو زیان هم لکه گټه غوندې ویشل کیږي. او که د ضرر په ویشلو باندې څېړنه شوی وي او د گټې ویشلو صورت تر څېړنې لاندې نه وي راغلي، په دې صورت گټه هم لکه زیان غوندې ویشله کیږي.

۱۳۳ ماده:

که د شرکت په مقاوله کښې د شرکت گټه په یوه یا څو شریکانو

خدمت ایشان پرداخته می‌شود اگر تادیه آن قسماً و یا تماماً بصورت اشتراک در نفع مقرر شده باشد، این وضعیت به ایشان صفت شریک را نمی بخشد.

ماده ۱۳۱:

اگر صورت تقسیم نفع و ضرر در مقاوله شرکت تصریح نگردیده باشد، نفع و ضرر هر شریک به تناسب حصه سرمایه تقسیم می‌شود.

ماده ۱۳۲:

اگر در مقاوله تنها صورت تقسیم نفع تعیین و از طرز تقسیم ضرر بحث نشده باشد، ضرر هم مانند نفع تقسیم می‌شود. اگر از تقسیم ضرر بحث شده، صورت تقسیم نفع مسکوت عنه گذاشته شده باشد، نفع هم مانند ضرر تقسیم می‌شود.

ماده ۱۳۳:

اگر در مقاوله شرکت نفع شرکت تنها به یکی و یا چندی از شرکاء

پورې حصره وي او يا د شرکت په ضرر کښې د يوه يا څو تنو شريکانو نه شريکيدل درج وي، دا شرط اعتبار نه لري. په دې حال کښې ويشنه مجهوله بلله کيږي گټه او زيان د (۱۳۱) مادې په حکم د شريکانو په منځ کښې ويشله کيږي.

يواځې د هغه شريک په خصوص کښې چه خپل زيار او مساعي يې د پانگې په حيث شرکت ته راوړي وي او د شرکت په ضرر کښې د ده نه گډول په مقاوله کښې مشروط وي نو دا شرط معتبر دی.

۱۳۴ ماده:

که کوم شرکت د خپلې ټاکلي مودې له پای ته رسيدلو څخه زيات دوام وکړی، داسي اعتبار ورکاوه کيږي چه د هغه دوام تر يوي ټاکلي مودې پورې اوږد شوی وی.

حصر و يا عدم اشتراک يکې و يا بعضی از شرکاء در ضرر شرکت درج باشد، شرط مذکور کان لم یکن است. درین حال، صورت تقسیم مجهول شمرده شده نفع و ضرر بموجب ماده (۱۳۱) در بین شرکاء تقسیم می گردد.

تنها راجع به شریکی که مساعی خود را بحیث سرمایه به شرکت آورده و عدم اشتراک آن بضرر شرکت در مقاوله شرکت مشروط باشد، این شرط معتبر است.

ماده ۱۳۴:

اگر یک شرکت از اختتام موعد معینه خود زیادتیر دوام کند، چنان اعتبار داده می شود که دوام آن برای یک مدت غیر معین تمدید شده است.

دوهم فصل تضامنی شرکتونه لومړۍ برخه

۱۳۵ ماده:

تضامنی شرکت هغه شرکت دی چه تر ټاکلي عنوان لاندی د تجارو د پاره د دوو یا خو تنو په منځ کښې په تضامنی مسئولیت سره جوړېږي. که د شرکت ټول شته د ټولو پورونو د پاره کافي نه وي نو د شرکت د ټولو پورونو ورکولو مسئول هر یو شریک دی.

۱۳۶ ماده:

تضامنی شرکتونه باید تحریري قرارداد ولري.

۱۳۷ ماده:

د تضامنی شرکتونو په قرارداد کښې دا لاندی فقرې درج کېږي:

- ۱- د قرارداد نېټه.
- ۲- د شریکانو نوم، شهرت، د استوګنې ځای او د پیژندګلوی صفتونه او که پدی شرکت کښې بل شرکت داخل شوی وي نو د هغه شرکت پخواني عنوان.
- ۳- د شرکت د تجارت مرکز.
- ۴- د شرکت تضامنی والی.

فصل دوم شرکت های تضامنی حصة اول

ماده ۱۳۵:

شرکت تضامنی شرکتی است که در تحت عنوان معین برای امور تجارتی بین دو یا چند نفر با مسئولیت تضامنی تشکیل می شود. اگر دارائی شرکت برای تادیة تمام قروض کافی نباشد، هر یک از شرکاء مسئول پرداخت تمام قروض شرکت است.

ماده ۱۳۶:

شرکت های تضامنی باید دارای قرارداد تحریری باشند.

ماده ۱۳۷:

در قرارداد شرکت های تضامنی فقرات ذیل درج می شود:

- ۱- تاریخ قرارداد.
- ۲- اسم، شهرت، اقامتگاه و دیگر اوصاف ممیزه شرکاء و اگر شرکت دیگری به شرکت داخل شده باشد، عنوان شرکت مذکور.
- ۳- مرکز تجارت شرکت.
- ۴- تضامنی بودن شرکت.

۵- د شرکت عنوان.

۶- د هغو شریکانو نومونه چه د شرکت په نامه د لاسلیک واک لري، په دی ډول چه دا خبره پکښې ښکاره شوی وي چه دوي په منفرد او یا په مشترک ډول دلاس لیک صلاحیت لری.

۷- د شرکت موضوع.

۸- د پانگې برخه چه هر شریک په غاړه اخیستی ده او د غیر نقدی پانگې اټکلۍ قیمت د هغې د قیمت د ټاکلو د صورت سره.

۹- د هر شریک د اشتراک برخه په گټه او زیان کښې.

۱۰- د شرکت د تاسیس او ختم نېټه برسیره پدی شریکان کولای شي چه نوري داسي فقري چه گټوري یې وبولي هم په قرارداد کښې درج کړی.

۱۳۸ ماده:

هغه کسان چه تضامني شرکت جوړوی مجبور دی چه د شرکت د قرارداد یو نقل د شرکت د تشکیل له ورځې څخه تر یوې میاشتي پورې په داسي ځای کښې چه د شرکت مرکز گرزیدلي دی د تجارت د ثبت په دائره کښې ثبت او

۵- عنوان شرکت.

۶- اسامی شرکتیکه ښام شرکت حایز صلاحیت امضاء می باشند با تصریح این که منفرداً و یا مشترکاً صلاحیت امضاء را دارند.

۷- موضوع شرکت.

۸- حصه سرمایه را که هر شریک تعهد کرده و قیمت های تخمینی قسمت سرمایه غیر نقدی با صورت تعیین قیمت آن.

۹- حصه اشتراک هر شریک در نفع و ضرر.

۱۰- تاریخ تأسیس و ختم شرکت، علاوه ازین شرکاء می توانند فقرات دیگری را که مفید بدانند هم در قرارداد درج کنند.

ماده ۱۳۸:

اشخاصی که شرکت تضامنی را تشکیل می دهند مجبور اند که یک نقل قرارداد شرکت را از روز تشکیل شرکت تا یکماه در محلی که مرکز شرکت واقع است به دایره ثبت تجارت، ثبت و اعلان

اعلان کری.

کنند.

ماده ۱۳۹:

ماده ۱۳۹:

که تضامنی شرکت د خپل تجارت د ثبت د محکمی له حوزي څخه د باندی کومه څانگه تأسیس کری نو بښایي چه د خپل قرارداد خصوصیات ددغي څانگې د تأسیس د ځای د ثبت په دائره کښې هم په ثبت ورسوي.

شرکت تضامنی اگر خارج از حوزه محکمه ثبت تجارت خود شعبه تأسیس کند، باید خصوصیات قرارداد خود را در دایره ثبت محل تأسیس شعبه نیز به ثبت برساند.

ماده ۱۴۰:

ماده ۱۴۰:

که په یوه تضامنی شرکت کښې وروسته له ثبت او اعلان څخه په عنوان او د استوگنې په ځای کښې او یا په موضوع کښې کوم تبدلات پېښ شي او یا هغه شریکان چه د لاس لیک واک لري بدل شي یا ځینی شریکان له شرکت څخه ووزی یا ځینی نور شریکان داخل شي یا د شرکت پانگه زیاته یا لږه شي او یا پخوا د ټاکلي مودی له تیریدو څخه د شرکت قرارداد منحل شي او یا د مودی له تیریدو څخه وروسته اوږد شي یا په بل شرکت پورې وتړلي شي، ددی خصوصیاتو په باره کښې د شرکت له خوا یوه بیان نامه چه د ټولو شریکانو په لاس لیک رسیدلي وي

اگر در یک شرکت تضامنی بعد از ثبت و اعلان، تبدلاتی در عنوان و اقامتگاه و یا موضوع تولید شود و یا شرکائیکه صلاحیت امضاء دارند تغییر نمایند و یا بعضی از شرکاء از شرکت خارج یا بعض شرکای دیگری داخل شوند و یا سرمایه شرکت تزئید و یا تنقیص شود و یا قبل از انقضای مدت معینه، قرارداد شرکت منحل و یا بعد از انقضای مدت، تمدید گردد و یا با شرکت دیگری ملحق شود، راجع به این خصوصیات از طرف شرکت یک بیان نامه که به امضای تمام شرکاء رسیده باشد ترتیب و

ترتیبی او له هغو اسنادو سره چه ددی تعدیلاتو اثبات کوي وروسته د مربوطی محکمی له تصدیق څخه ثبت او اعلانولی شي.

۱۴۱ ماده:

هغه خصوصیات چه د (۱۳۸- ۱۳۹ او ۱۴۰) مادی په حکم د هغو ثبت او اعلانول غواړی نو که د شریکانو له خوا ثبت او اعلان شوی نه وي، نو ددی دا خصوصیات په ثالثو کسانو نشي استعمالولی او که له ثبت او اعلان څخه پخوا د شرکت په نامه په معاملاتو باندی پیل کړی شوی وي نو شرکت د ثالثو کسانو په مقابل کښې مسئول دی او که د شرکت د ثبت او اعلان مراتب د شریکانو له خوانه وي اجراء شوی او شریکان د شرکت له وجود څخه انکار وکړی نو ثالث کسان کولای شي چه په هر ډول شاهدانو او نښو باندی د شرکت وجود اثبات کړی.

۱۴۲ ماده:

که د یوه تضامنی شرکت ثبت او اعلان په هغي مودی کښې چه په (۱۳۸) ماده کښې ذکر شوی دی اجراء شوی نه وي او پس له هغه هم

با اسنادیکه مثبت این تعدیلات است بعد از تصدیق محکمه مربوطه، ثبت و اعلان می شود.

ماده ۱۴۱:

خصوصیاتی که به موجب مواد (۱۳۸، ۱۳۹ و ۱۴۰) ثبت و اعلان آنها مقتضی است اگر از طرف شرکاء ثبت و اعلان نشده باشد، این خصوصیات را نمیتوان بر علیه اشخاص ثالث استعمال نمود. قبل از ثبت و اعلان اگر بنام شرکت به معاملات مبادرت ورزیده شده باشد، شرکت بمقابل اشخاص ثالث مسئول است. در صورتی که مراتب ثبت و اعلان شرکت از طرف شرکاء اجراء نگردیده باشد و شرکاء از وجود شرکت انکار ورزند، اشخاص ثالث می توانند که با هر نوع بینه و قرائن وجود شرکت را اثبات کنند.

ماده ۱۴۲:

اگر ثبت و اعلان یک شرکت تضامنی در ظرف مدتی که در ماده (۱۳۸) ذکر شده اجراء نگردیده و بعداً هم ثبت

نه وي ثبت شوی نو هر يو شریک حق لري چه له مربوطی محکمي څخه د شرکت انحلال وغواړی. انحلال غوښتونکی شریک باید لومړی د ثبت د څانگې په ذریعه کیفیت شریکانو ته اخیار کړی. په دی حال کښې چه محکمه د شرکت په انحلال باندی فیصله وکړی، د انحلال حکم د انحلالو غوښتونکي شریک په باره کښې د اعلان له نېټې څخه جريان مومي.

که شرکت په دی سبب منحل کیږي، د انحلال د ثبت او اعلان تر پای ته رسیدو پورې هغه معاملي چه د شرکت په نامه اجراء کیږي، د ثالثو کسانو حقوقو ته خلل نه پېښوی.

دوهمه برخه

د شریکانو ترمنځ مناسبات

۱۴۳ ماده:

د تضامني شرکت د شریکانو ترمنځ مناسباتو کښې د مقاولي مقررات معتبر دی. او په هغو خصوصیاتو کښې چه صراحتاً یا ضمناً په قرارداد کی

نشده باشد، هر یکی از شرکاء حق دارند انحلال شرکت را از محکمه مربوطه مطالبه کنند. شریک طالب انحلال بایست اولاً توسط شعبه ثبت، کیفیت را به شرکاء اخیار نماید. در حالیکه محکمه به انحلال شرکت قرار دهد، حکم انحلال درباره شریک طالب انحلال از تاریخ اعلان جریان می یابد.

اگر شرکت بدین سبب منحل می گردد، تا ختم ثبت و اعلان انحلال معاملاتیکه بنام شرکت اجراء می گردد، به حقوق اشخاص ثالث خلل وارد نمی سازد

حصة دوم

مناسبات بین شرکاء

مادة ۱۴۳:

در مناسبات بین شرکاء شرکت تضامنی مقررات مقاوله معتبر است. و در خصوصیاتیکه صراحتاً و یا ضمناً در قرارداد مندرج

مندرج نه وي، ددی فصل احکام
تطبیق کیږي.

۱۴۴ ماده:

د شرکت اداره کیدای شي چه د
قرارداد په موجب او که په قرارداد
کښې کوم صراحت موجود نه وي
نو د شریکانو د آراو په زیاتوالی
یوه تن یا څو تنو ته او یا ټولو
شریکانو ته او یا له شرکت څخه
د باندی یوه تن یا څو کسانو ته
وسپارلی شي.

که له پاس مقرراتو سره سم د اداری
حق چاته نه وي ورکړی شوی نو د
شرکت د اداری دپاره هر یو شریک
د صلاحیت خاوند گڼلې شي.

۱۴۵ ماده:

هر وخت چه د مدیر د اداری واک د
شرکت د قرارداد په موجب وټاکلې
شي نو شریکان نشي کولای چه
هغه محدود او یا مدیر موقوف
کړی. که محققه اسباب موجود شي
نو د یوه تن شریک په غوښتنې سره
د محکمي په فیصله د اداری واک
تحدید او یا مدیر موقوفیدلې
شي. مقصد له محققه اسباب څخه
په وظیفه کښې د مدیر بي پروایي
او لوي غفلت او یا د اداری په

نباشد، احکام این فصل تطبیق
می گردد.

ماده ۱۴۴:

اداره شرکت را به موجب
قرارداد و اگر در قرارداد صراحتی
موجود نباشد به موجب
اکثریت آرای شرکاء می توان به
یکی و یا چندین و یا تمام شرکاء
و یا خارج شرکت به شخصی
و یا اشخاص متعدد تفویض
نمود.

اگر حق اداره مطابق مقررات فوق
به کسی داده نشده باشد، برای
اداره شرکت، هر یکی از شرکاء
صلاحیت دار شمرده می شود.

ماده ۱۴۵:

وقتی که صلاحیت اداره مدیر به
موجب قرارداد شرکت تعیین
شود، شرکاء نمی توانند آنرا
محدود و یا مدیر را عزل
کنند. اگر اسباب محققه موجود
شود، در اثر خواهش یکی از
شرکاء با قرار محکمه صلاحیت
اداره تحدید و یا مدیر عزل
شده می تواند. مقصد از اسباب
محققه اهمال و غفلت بزرگ مدیر
در ایفای وظیفه و یا عدم اقتدار

چارو کنبې بي اقتداري ده.

در امور اداره است.

۱۴۶ ماده:

هغه مدیر چه وروسته د قرارداد له لیکلو څخه د تصویب په حکم ټاکلې شویدی، د شریکانو د آراوو په اکثریت سره موقوفېدلای شي، او که د هغه د موقوفې دپاره د شریکانو د آراوو اکثریت حاصل نشي، هر شریک حق لري چه محکمي ته ورشي او په محققه اسبابو د هغه موقوفې وغواړي.

۱۴۶ ماده:

مدیریکه بموجب تصویب بعد از تحریر قرارداد تعیین شده باشد، با اکثریت آراء شرکاء عزل شده می‌توند و اگر برای عزل آن اکثریت آراء شرکاء حاصل نشود، هر شریک حق دارد به محکمه مراجعه و با اسباب محققه عزل آنرا مطالبه کند.

۱۴۷ ماده:

که د شرکت د چارو اداره ټولو یا څو تنو شریکانو ته سپارلې شوی وي، دوي هر یوه ته بیل بیل د شرکت د چارو اداره جواز لري. که ځینې هغه شریکان چه د شرکت په اداره باندې مکلف دی د کومې معاملې د اجراء په خصوص کنبې مخالفت وکړي، نور هغه شریکان چه د شرکت د ادارې حق لري کولای شي چه د آراوو په اکثریت هغه معامله اجراء کړي. که د شرکت په مقاوله کنبې څرگنده وي چه د هغو شریکانو قرار چه د شرکت په اداره باندې

۱۴۷ ماده:

اگر اداره امور شرکت به تمام و یا چندی از شرکاء تفویض شده باشد، هر یکی از ایشان منفرداً به اداره امور شرکت مجاز است. اگر بعضی از شرکائیکه مکلف به اداره شرکت می‌باشند راجع به اجرای کدام معامله مخالفت کنند، شرکاء دیگرکه حق اداره شرکت را حایز می‌باشند، می‌توانند با اکثریت آراء معامله مذکور را اجراء کنند. اگر در مقاوله شرکت مصرح باشد که قرار شرکائیکه به اداره شرکت مکلف هستند باید

بالا تفاق باشد، به استثنای احوالیکه در تأخیر آن خطر ملحوظ است، در هر امر اتفاق آراء لازم است. در حالیکه بین مدیران اتفاق آراء حاصل نشود، کیفیت به هیئت عمومی شرکاء تقدیم و تصویبی که هیئت عمومی می‌دهد، معتبر می‌باشد.

ماده ۱۴۸:

اموریکه به اداره شرکت مربوط است عبارت از امور و معاملات عادی می‌باشد که اجرای آن برای مقصد و موضوع شرکت مقتضی است. مدیر در صورتی که برای شرکت فایده ملاحظه کند، در مصالحه و حکمیت هم مجاز می‌باشد. مگر معاملات مهم امثال اعانه، بیع و انتقال اموال غیر منقول و ضمانت که خارج از معاملات عادی است، به اتفاق شرکاء اجراء می‌گردد.

ماده ۱۴۹:

اگر یک شریک از شرکت استقراض نموده و یا مبلغی را

مکلف دی باید بالا تفاق وی، نو پرته له هغو احوالو چه په پای کښې یې خطر ملحوظ وی، نو په هره چارو کښې یې اتفاق لازم دی. په دی حال کښې چه د مدیرانو په منځ کښې د آراوو اتفاق را نشي نو کیفیت به د شریکانو عمومي هیئت ته وړاندی کیږي او هغه تصویب چه عمومي هیئت یې کوي د اعتبار وړ دی.

ماده ۱۴۸:

هغه چاري چه د شرکت په اداره پورې اړه لری عبارت له هغو عادی چارو او معاملاتو څخه دی چه د شرکت مقصد او موضوع د هغو د اجرا مقتضی وی. مدیر ته پدی صورت کښې چه د شرکت د پاره گټه ولیدله شی، د مصالحی او حکمیت اجازه هم شته. مگر مهم معاملات لکه اعانه، بیع، د غیر منقولو مالونو انتقال او ضمانت چه له عادی معاملاتو څخه دباندی دی، د شریکانو په اتفاق اجراء کیږي.

ماده ۱۴۹:

که یوه شریک له شرکت څخه پور اخیستی وی او یایی یو مبلغ د

شرکت په نامه تحصیل کړی وي (په دی صورت چه د هغه په خلاف قرارداد موجود نه وی) او په مناسب وخت کښې یې اداء او تسلیم نکړی، برسیره په اصلو پیسو ورکولو د معطلۍ د ورځو د ټکټ پوړۍ په ورکولو هم مجبور دی.

۱۵۰ ماده:

هیڅ شریک نشي کولای چه بي د نورو شریکانو له موافقي څخه د خپل حصي یوه برخه یا ټوله، له شرکت څخه د باندې بل شخص ته منتقله کړی. د انتقال په صورت کښې د شریکانو او ثالثو کسانو په مقابل کښې کوم تاثیر نلري او هغه مسئولیت چه له دی لاري څخه پیدا کیږي یواځې نقل کوونکی ته راجع دی.

۱۵۱ ماده:

هغه شریک چه د شرکت په اداره کښې مامور وي، بي د نورو شریکانو له رضا او موافقي نشي کولای چه بل شخص په شرکت کښې د شریک په صفت داخل کړی او یا خپل عوض په اداره کښې ودروی.

بنام شرکت تحصیل کرده باشد (در صورتیکه بر خلاف آن قرارداد موجود نباشد) و در زمان مناسب تأدیه و تسلیم ننماید، علاوه از تادیه اصل پول، مجبور به اعطای تکت پولی ایام معطلی نیز می باشد.

ماده ۱۵۰:

هیچ یکی از شرکاء نمی تواند بدون موافقه شرکاء دیگر حصه خود را به شخص خارج شرکت قسماً و یا کلاً منتقل سازد. در صورت انتقال، در مقابل شرکاء و اشخاص ثالث تأثیری ندارد و مسئولیت ناشیه از این عمل تنها به نقل دهنده راجع است.

ماده ۱۵۱:

شریکی که در اداره شرکت مامور باشد، بدون رضا و موافقت شرکای دیگر نمی تواند شخص دیگری را به صفت شریک در شرکت داخل و یا عوض خود در اداره منصوب نماید.

ماده ۱۵۲:

که د شرکت د تشکیل په قرارداد کښې د ورکړې شوی پانگې دپاره د ټکټ پولی د ورکړې شرط موجود وي، دا شرط معتبر دی.

ماده ۱۵۲:

اگر در قرارداد تشکیل شرکت برای سرمایه تأدیه شده شرط تأدیه تکت پولی موجود باشد، این شرط معتبر است.

ماده ۱۵۳:

د شرکت موده د شریکانو تر ژوندانه پورې معتبره ده مگر داچه په قرارداد کښې بل ډول ټاکلی شوی وي. سره له دې، هغه شرکت چه موده یې ټاکلي شوی نه وي نظر د هغه کار ماهیت ته چه د مصروفیت موضوع یې تشکیلوي د هغه د دوام موده د تحدید وړ وی نو دا شرکت د هغه کار تر پایه پورې د اعتبار وړ بلل کیږي.

ماده ۱۵۳:

مدت شرکت تا حیات شرکاء معتبر شمردہ می‌شود، مگر اینکه در قرارداد طور دیگری تعیین گردیده باشد. مع هذا، شرکتی که مدت آن غیر معین است، اگر نظر به ماهیت کاریکه موضوع اشتغال آنرا تشکیل میدهد مدت دوام آن قابل تحدید باشد، شرکت مذکور تا انجام آن کار معتبر شمردہ می‌شود.

ماده ۱۵۴:

یو شریک که مدیر هم نه وي حق لري چه د شرکت د چارو له جریان او د هغه له مالي وضعیت څخه معلومات لاس ته راوړي او داسي قرارداد چه دا حق ساقط کړی، معتبر نه دی.

ماده ۱۵۴:

یک شریک اگر مدیر هم نباشد، حق دارد که از جریان امور شرکت و وضعیت مالی آن معلومات بگیرد. قراردادیکه این حق را ساقط نماید، معتبر نیست.

ماده ۱۵۵:

د قرارداد د تبدیل او تعدیل په باره کښې تصویبونه د شریکانو د آراوو

ماده ۱۵۵:

تصویبات راجع به تبدیل و تعدیل قرارداد به اتفاق آراء

په اتفاق او د نورو چارو په تصویب کښې د شریکانو د آراوو زیاتوالی معتبر دی، مگر داچه په قرارداد کښې بل ډول مقرر شوی وی.

۱۵۶ ماده:

مدیر د شرکت د حسابي کال په پای کښې د بیلانس په اساس د گټې او ضرر حسابونه ترتیبوي او له هغه سره سم د هر شریک برخه ټاکي.

۱۵۷ ماده:

یو شریک بی د شریکانو له اتفاق څخه د هغې برخې په پوره کولو چه د پانگې له تناقص څخه پدې پورې اړه لري نشي مجبورولی. مگر که په قرارداد کښې بل ډول مقرر شوی نه وي نو د شریکانو د پانگې د تناقص اندازه د راتلونکو کالو له گټې څخه پوره کیدای شي.

۱۵۸ ماده:

شریک نشي کولای چه د هغه شرکت له تجارتي معاملو څخه کومه ځانگړې معامله چه دی یې غړی دی (بي د شریکانو له موافقي څخه) په خپل یا د بل په حساب اجرا کړی.

شرکاء و در تصویب باقی امور اکثریت آراء شرکاء معتبر است، مگر اینکه در قرارداد طور دیگر مقرر شده باشد.

ماده ۱۵۶:

مدیر در انتهای سنه حسابه شرکت به اساس بیلانس، حسابات نفع و ضرر را ترتیب و مطابق آن حصه هر شریک را تعیین می نماید.

ماده ۱۵۷:

یک شریک را نمی توان بدون اتفاق شرکاء به اكمال حصه که از تناقص سرمایه به او تعلق می گیرد مجبور نمود. ولی اگر در قرارداد طور دیگری مقرر نشده باشد، مقدار تناقص سرمایه شرکاء از مفاد سال های آتیه تکمیل شده می تواند.

ماده ۱۵۸:

شریک نمیتواند معامله جداگانه را از نوع معامله تجاریه شرکتی که عضو آنست (بدون موافقه شرکاء) به حساب خود و یا دیگری اجرا کند.

بهمین صورت، در شرکت دیگری که به عین همان معامله تجارتي مشغول باشد، به صفت عضو مسئول نیز داخل شده نمی‌تواند.

اگر شرکای یک شرکت جدید التأسيس مطلع شوند که یکی از شرکاء در حین داخل شدن به شرکت به حیث عضو مسئول در یک شرکت دیگر شامل است، درین حال، اگر شرکاء صراحتاً راجع به قطع رابطه عضویت او از شرکت دیگر تصویبی نکنند، چنان محسوب می‌شود که اشتراک او در شرکت دیگر مورد قبول واقع شده است.

ماده ۱۵۹:

اگر یک شریک مخالف حکم ماده (۱۵۸) حرکت کند، شرکت می‌تواند که از شریک مذکور طلب خسارت کند و یا در عوض خسارات، معاملاتی را که شریک مذکور بنام خود و یا اشخاص ثالث اجراء کرده است، بنام شرکت حساب کند. ترجیح یکی ازین دو مطالب موقوف بر فیصله

په همدی صورت، په یوه بل داسي شرکت کښې چه کټ مټ په هم هغه تجارتي معامله باندی بوخت وي د مسئول غړی په صفت هم نشي داخليدای.

که د یوه نوي تأسيس شوی شرکت شریکان خبر شي چه یو شریک په شرکت کښې د مسئول غړی په حیث د داخلیدو په وخت کښې په یو بل شرکت کښې شامل دی، په دی حال کښې که شریکان صراحتاً له بل شرکت څخه دده د غړیتوب د رابطې د قطع کېدو په خصوص کښې کوم تصویب ونکړی، داسي بلل کېږي چه په بل شرکت کښې دده اشتراک قبول شوی دی.

ماده ۱۵۹:

که یو شریک د (۱۵۸) مادې له حکم څخه چپ حرکت وکړی، شرکت کولای شي چه له دغه شریک څخه خساره وغواړی او یا دخسارو په عوض هغه معاملي چه ددی شریک په خپل نامه یا د ثالثو کسانو په نامه اجرا کړی دی د شرکت په نامه حساب کړی. له دی دوو مطلبو څخه د یوه ترجیح د

شریکانو په فیصله پورې اړه لري. که شریکان په بل شرکت کښې د شریک له شراکت څخه له خبرېدو نه او یا دده د معاملاتو له انجامولونه شپږ میاشتې وروسته اعتراض ونکړي، د دوی د اعتراض حق ساقطیږي. له پاس حق څخه استفاده د شرکت د انحلال په نسبت د مطالبې د حق نه مانع کیږي.

درېمه برخه

له ثالثو کسانو سره د شریکانو مناسبات

۱۶۰ ماده:

تضامني شرکت د دریمو کسانو په مقابل کښې د ثبت او اعلان له نېټې څخه موجود بلل کیږي.

۱۶۱ ماده:

د شریکانو او د دریمو کسانو په مقابل کښې د شرکت د تمثیل حق په هغو کسانو پورې اړه لري چه د اداری واک لري، مگر دا چه په هغه قرارداد چه ثبت او اعلان شوی دی د دی قرار داد په خلاف دی.

شرکاء است.

اگر شرکاء بعد از حصول اطلاع از شرکت شریک به شرکت دیگری و یا انجام معاملات او بعد از مرور ششماه اعتراض نمایند، حق اعتراض شان ساقط می شود.

استفاده از حق فوق مانع حق مطالبه نسبت به انحلال شرکت نمی شود.

حصه سوم

مناسبات شرکاء با اشخاص ثالث

۱۶۰ ماده:

شرکت تضامنی در مقابل اشخاص ثالث از تاریخ ثبت و اعلان، موجود شمرده می شود.

۱۶۱ ماده:

حق تمثیل شرکت به مقابل شرکاء و اشخاص ثالث متعلق به اشخاصی است که واجد صلاحیت اداره می باشند، مگر اینکه در قراردادیکه ثبت و اعلان گردیده بر خلاف آن ذکر شده باشد.

ماده ۱۶۲:

هغه څوک چه د شرکت د تمثيل واک ولري کولای شي چه د شرکت په نامه هر ډول حقوقي معاملي اجراء کړي او د شرکت په نامه لاس ليک وکړي. هر شرط چه دا حق تحديد کړي، د دريمو کسانو (دېنه نيت خاوندانو) په باره کښې معتبر نه دی. مگر که د شرکت په قرارداد کښې چه ثبت او اعلان شويدي د شرکت په نامه د متعددو شريکانو دلاس ليک اعتبار شرط ايښی شوی وي، دا شرط معتبر دی.

ماده ۱۶۳:

په هغو معاملاتو کښې چه د مديرانو له خوا د شرکت په نامه شوی وي شرکت د پور وړی او پوروال صفت مومي. دا معاملي د شرکت په نامه که صراحتاً واقع شوی وي او که ضمناً کوم توپير نلري.

ماده ۱۶۴:

شريکان د شرکت د پورونو او تعهداتو په گډه او له خپلو ټولو شتو سره مسئول دی. هغه شرط چه له دی اساس څخه مخالف وي،

ماده ۱۶۲:

شخصی که صلاحیت تمثيل شرکت را داشته باشد، میتواند بنام شرکت هرگونه معاملات حقوقیه را اجراء و بنام شرکت امضاء نماید. هر شرطیکه این حق را تحدید نماید، درباره اشخاص ثالث (صاحب حسن نیت) معتبر نیست. لیکن اگر در قرارداد شرکت که ثبت و اعلان گردیده است اعتبار امضای شرکای متعدد بنام شرکت شرط گذاشته شده باشد، این شرط معتبر است.

ماده ۱۶۳:

در معاملاتی که از طرف مدیران بنام شرکت به عمل آمده باشد، شرکت صفت دائن و مدیون را اکتساب می نماید. این معاملات بنام شرکت، چه صراحتاً واقع شده باشد و چه ضمناً، فرق ندارد.

ماده ۱۶۴:

شرکاء از دیون و تعهدات شرکت جمعاً و با تمام دارائی خود مسئول اند. و هر شرطیکه مخالف این اساس باشد،

(د دریمو کسانو په مقابل کښې)
معتبر نه دی.

۱۶۵ ماده:

د شرکت د پورونو او تعهداتو په نسبت دعوي اقامه کول لومړی په خپله په شرکت باندی کيږي او که شرکت منحل شوی وي او یا له قانونیه تعقیباتو څخه چه په شرکت باندی اجراء شوی وي کومه گټه وانه خيستله شي نو په شريکانو باندی هم دعوي کيږي. په عين حال کښې پوروال کولای شي چه د محکمي په ذریعه د شريکانو د شخصي مالونو د تر مراقبت لاندی نیولو ادعا وکړی.

۱۶۶ ماده:

کومه فیصله چه له خاصي محکمي څخه پر شرکت باندی صادره شي، د شريکانو په باره کښې به تطبیق نشي.

۱۶۷ ماده:

د تضامني شرکت د تصفيي یا افلاس په صورت د شرکت پوروالا د خپلو حقوقو په اخیستلو کښې د شريکانو له شخصي پوروالاوو څخه وړاندی دی.

(به مقابل اشخاص ثالث) معتبر
نیست.

۱۶۵ ماده:

به نسبت دين و تعهدات شرکت اقامه دعوی اولاً بر علیه خود شرکت می‌شود، اگر شرکت منحل گردیده و یا از تعقیبات قانونی ایکه بر علیه شرکت اجراء شده باشد کدام ثمره حاصل نشود، بر علیه شرکاء هم اقامه دعوی می‌شود. در عين حال دائن می‌تواند ذریعه محکمه ادعای تحت مراقبت گرفتن اموال شخص شرکاء را بنماید.

۱۶۶ ماده:

فیصله که از محکمه خاص بر علیه شرکت صادر شود، درباره شرکاء تطبیق نخواهد شد.

۱۶۷ ماده:

در صورت تصفيه و یا افلاس شرکت تضامنی دائنين شرکت در اخذ حقوق خود از دائنين شخصی شرکاء مقدم می‌باشند.

ماده ۱۶۸:

د شرکت افلاس د شریکانو د افلاس موجب نه کیږي مگر په هغه صورت چه د مفلس شرکت شته د شرکت د پوروالو طلبات پوره نکړي، پور والا کولای شي چه خپل پاتي طلبات له شریکانو څخه و غواړي، او که د شریکانو شته هم د پوروالو طلبات پوره نکړي، محکمه کولای شي چه د شریکانو په افلاس حکم صادر کړي.

د شخصي پوروالو په منځ کښې هغه کسان چه قانوناً د ترجیح حق لري، د شریکانو له شتو څخه په گټه اخیستلو کښې هم وړاندې دی.

ماده ۱۶۹:

شریکان د خپلې پانگې له بابتنه نشي کولای چه د مفلس شرکت له شتو څخه گټه واخلي مگر کولای شي چه خپل نور طلبات لکه د شرکت د پوروالو دغه ټول له شرکت څخه وغواړي.

ماده ۱۷۰:

د شرکت پور وړی شخص نشي کولای چه خپل پور په هغه پور

ماده ۱۶۸:

افلاس شرکت موجب افلاس شرکاء محسوب نمی‌شود لیکن در صورتی که دارائی شرکت مفلس طلبات دائنین شرکت را کفایت نکند، دائنین می‌توانند باقی طلبات خود را از شرکاء مطالبه کنند، و اگر دارائی شرکاء نیز طلبات دائنین را کفایت نکند، محکمه می‌تواند حکم بر افلاس شرکاء صادر نماید.

در بین دائنین شخصی کسانی که قانوناً حق ترجیحی دارند، در استفاده از دارائی شرکاء هم مقدم می‌باشند.

ماده ۱۶۹:

شرکاء از بابت سرمایه خود نمی‌توانند از دارائی شرکت مفلس استفاده کنند، ولی می‌توانند طلبات دیگر خود را مثل دائنین شرکت مطالبه نمایند.

ماده ۱۷۰:

شخص مدیون شرکت نمی‌تواند دین خود را با طلبی که بالای

کښې چه په یوه شریک باندی یې لري مجرا کړی. همدا ډول یو شریک داهم نشي کولای چه هغه پور چه په شرکت یې لري، د شرکت په پور وړی مجرا کړی.

مگر د شرکت پوروالا که د (۱۶۵- ۱۶۸) مادو په حکم له شرکت څخه پور وانه خيستلاي شي او شریکانو ته مراجعت وکړی نو هغه شریک چه دده پور په هغه باندی اوړی نو که په همدغه پور والایې پور درلود، نو ممکن دی چه دده پور د شرکت په مقابل کښې په شریک مجرا کړی شي.

یکی از شرکاء دارد، مجرا کند. همچنین، یکی از شرکاء هم نمی تواند که دین خود را که در نزد شرکت دارد با طلبی که در نزد مدیران شرکت داراست، مجرا نماید.

لیکن دائن شرکت اگر بموجب مواد (۱۶۵- ۱۶۸) از شرکت به استحصال طلب موفق نگردد و به شرکاء مراجعت کند، شریکی که طرف مطالبه دائن واقع می شود اگر از دائن مذکور طلبی داشته باشد، ممکن است دین او در مقابل شرکت به مدیران در برابر شریک محسوب و مجرا شود.

څلورمه برخه

د انحلال، تجزیې، د شریکا نو ایستلو او په بل شرکت پورې تړلو په باره کښې

۱۷۱ ماده:

تضامني شرکت په لاندی صورت منحل کیږي:

۱- د شرکت د مودی له پای ته رسیدلو سره.

۲- د شریکانو په اتفاق (پدی

حصة چهارم

راجع به انحلال، تجزیه، اخراج شرکاء و الحاق به شرکت دیگر

ماده ۱۷۱:

شرکت تضامنی بصورت های ذیل منحل می شود:

۱- با ختم مدت شرکت.

۲- باتفاق شرکاء (در صورتی که

- در قرارداد به اکثریت آراء تصریح نشده باشد).
- ۳- در صورت اعلان افلاس از طرف محکمه و یا توافق دائنین و شرکاء در افلاس.
- ۴- به موجب قرار محکمه مبنی بر اسباب محققه و مهمه که از طرف یک و یا چند نفر شرکاء ادعاء شده باشد.
- ۵- با انجام یافتن موضوع شرکت.
- ۶- با اعلام انحلال شرکت از طرف یکی از شرکاء مستند بصلاحیت معین که در مقابله شرکت مندرج باشد.
- ۷- در شرکتهایی که مدت آن غیر معین است با اعلام انحلال شرکت از طرف یکی از شرکاء.
- ۸- در صورت ضیاع دو ثلث سرمایه شرکت (در حالیکه از طرف شرکاء به اكمال سرمایه و یا اکتفاء به سرمایه متباقیه تصمیم اتخاذ نشود).
- ۹- الحاق به شرکت دیگر.
- صورت چه به قرارداد کنبی د آراوو به زیاتوالی تصریح نه وي شوی).
- ۳- د محکمي له خوا د افلاس د اعلان په صورت او یا په افلاس کنبی د پوروالاو او شریکانو په توافق.
- ۴- د هغو محققو او مهمو اسبابو له مخې چه د یوه یا خوتنو له خوايي ادعا شوی وي د محکمي د حکم په موجب.
- ۵- د شرکت د موضوع پای ته په رسیدلو.
- ۶- د یوه شریک له خوا د شرکت د انحلال په اعلام چه هغه ټاکلي واک ولري او په مقابله کنبی داخل وي.
- ۷- په هغو شرکتو کنبی چه موده یې نه وي ټاکلي شوی دیوه شریک له خوا د شرکت د انحلال په اعلام.
- ۸- د شرکت د پانگې د دوو ثلثو د ضیاع په صورت (په دی حال کنبی چه شریکان د پانگې په پوره کولو او یا په هغه پاتي پانگه باندی جوړښت سره ونکړی).
- ۹- په بل شرکت ورگډول.

۱۷۲ ماده:

وروسته د شرکت له انحلال څخه مدیران نشي کولای چه د منحل شوی شرکت په نامه معامله او حساب اجراء کړی او که یې اجراء کړی، کوم مسئولیت چه ورڅخه پیدا کیږي، په غیر محدود ډول د شرکت مدیرانو ته راجع کیږي. ترهغه وخته پورې چه د انحلال کیفیت اصولاً ثبت او اعلان نشي، د ټولو شریکانو مسئولیت د دریمو کسانو په مقابل کښې پاتي دی.

۱۷۳ ماده:

که د شرکت په قرارداد کي داسي شرط وي چه یو یا څو د انحلال موجب علتونه بي اثره وبولي، معتبر دی مگر که بي له تعیین څخه یي په مطلق ډول د انحلال علتونه او اسباب بي اثره بللي وي، اعتبار نلري.

۱۷۴ ماده:

په هغو شرکتو کښې چه د غیر ټاکلي مودی له مخې تأسیس شوی وي هر شریک کولای شي چه د معاملي د کال

۱۷۲ ماده:

بعد از انحلال شرکت مدیران نمی توانند بنام و حساب شرکت منحل شده اجرای معامله کنند، اگر اجرا کنند، مسئولیت متولده از آن بطور غیر محدود به مدیران شرکت راجع می شود. تا زمانیکه کیفیت انحلال اصولاً ثبت و اعلان نشود، مسئولیت کافه شرکاء در مقابل اشخاص ثالث باقی است.

۱۷۳ ماده:

اگر در قرارداد شرکت شرطی باشد که یک یا چند علل موجب انحلال را بی اثر بداند، معتبر است ولی اگر بدون تعیین بطور مطلق علل و اسباب انحلال را بی اثر دانسته باشد، اعتبار ندارد.

۱۷۴ ماده:

در شرکت هاییکه برای مدت غیر معییننه تأسیس شده باشند، هر شریک می تواند که اقلاً ششماه

قبل از ختم سال معامله، شرکاء را به ذریعه اطلاعیه که توسط شعبه ثبت صادر می شود اطلاع داده و شرکت را منحل کند.

ماده ۱۷۵:

در شرکتهائی که مدت آنها معین یا غیر معین باشد، مطابق خواهش یک شریک بواسطه اسباب محققه، محکمه می تواند به انحلال شرکت قرار دهد.

اسباب محققه که موجب انحلال شرکت می گردد، قرار ذیل است:

- ۱- عدم امکان وصول به مقصد شرکت بنابر پیش آمدن بعضی علل.
- ۲- خیانت یک شریک چه در امور اداره و چه در تنظیم حسابات.
- ۳- عدم ایفاء وظایف اصلی که به یک شریک تفویض شده است.
- ۴- سوء استعمال عنوان و یا اموال شرکت از طرف یک شریک برای منافع شخصی.
- ۵- عدم قابلیت و اهلیت یک

له پای ته رسیدلو خخه لرتلره (۶) میاشتی پخوا شریکانو ته د اطلاعیې په ذریعه چه د ثبت د خانگې په لار صادریږی خبر ورکړی او شرکت منحل کړی.

ماده ۱۷۵:

په هغو شرکتو کښې چه موده یې ټاکلې یا غیر ټاکلې وي محکمه کولای شي چه دیوه شریک په غوښتنه د محققه اسباب په واسطه سره د شرکت په انحلال باندی حکم و کړی.

محققه اسباب چه د شرکت د انحلال موجب کیږي په لاندی ډول دی:

- ۱- د ځینو علتو د پېښیدو په واسطه د شرکت د مقصد نه حاصلېدل.
- ۲- د یوه شرکت خیانت که په اداری چارو کښې وي او که د حسابونو په تنظیم کښې.
- ۳- د هغو اصلي وظیفو عدم اجراء چه یوه شرکت ته سپارلی شوی وي.
- ۴- د شخصي گټې دپاره د یوه شریک له خوا د شرکت د عنوان یا مالونو بد استعمالول.
- ۵- په هغه صورت چه د

ناروغی. یا بل علت په اثر یو شریک د شرکت د چارو په اجراء کېنې قابلیت او اهلیت ونه لري.

۱۷۶ ماده:

لپاره ددی چه د پانگې ورکولو د تعهد د نه په ځای کېدو په نسبت د انحلال تقاضا واوریدله شي، لږمه ده هغه شریک ته چه دا وظیفه یې نه ده په ځای کړې پخوا اخطار ورلیږلي شوی وي.

۱۷۷ ماده:

هغه شرکت چه موده یې ټاکلي او یا د یوه شریک تر ژوند پورې محدود وي، وروسته د شریک له مرگه یا د ټاکلي مودی له تیریدونه، پدی صورت چه معاملي ادامه ولري، د یوي غیر ټاکلي مودی د پاره متشکل گڼل کېږي.

۱۷۸ ماده:

که په مقاوله کېنې دا شرط داخل وي چه د یوه شریک د مرگ یا افلاس او یا محجوریت په صورت شرکت منحل گڼل کېږي، د مړی وارث یا قانوني قایم مقام دی د مفلس شته او د محجور قانوني وکیل دی بي له ځنډه واقع

شریک در اثر مرض دائمی و یا علل دیگری در اجرای امور شرکت.

ماده ۱۷۶:

برای اینکه تقاضای انحلال به نسبت عدم ایفای تعهد تأدیه سرمایه مسموع شده بتواند، لږم است به شریکی که این وظیفه را ایفا نکرده قبلاً اخطار فرستاده شده باشد.

ماده ۱۷۷:

شرکتی که مدت آن معین و یا با حیات یک شریک محدود باشد، بعد از فوت شریک و یا انقضاء مدت معین، در صورتی که معاملات ادامه یافته باشد، برای مدت غیر معینی متشکل محسوب می شود.

ماده ۱۷۸:

اگر در مقاوله مندرج باشد که در صورت وفات یا افلاس و یا محجوریت یکی از شرکاء شرکت منحل شمرده می شود، وارث متوفی و یا قایم مقام قانونی دارائی مفلس و یا وکیل قانونی محجور بلا تأخیر باید واقعه را به

شریکانو ته تبلیغ کړی.

که دکارو په ځنډولو کښې خطر موجود وي نو د شرکت د چارو قانوني واک لرونکی دی ترهغه وخته پورې چه شریکان په اتفاق سره تصویب وکوي د شرکت د چارو ادارې ته ادامه ورکړی.

په همدې صورت هر شریک مجبور دی هغه چارې چه دوي ته سپارلې شويدي موقتاً اجرا کړی. پدی صورت تر هغې مودی پورې چه مؤقتي اداره دوام وکړی، شرکت موجود بلل کیږي.

۱۷۹ ماده:

که د یوه شریک د مړینې په صورت کښې د شرکت د دوام په خصوص کښې د مړه له ورثې سره په قرارداد کښې صراحت نه وي نو شریکان کولای شي چه د مړه د ورثې په اتفاق د شرکت د کار ادامه تصویب کړی. که ورثه د هغه له اشتراک څخه تیر شي، نور شریکان کولای شي چه د هغو پانگه او حقوق اداء او شرکت ته ادامه ورکړی.

۱۸۰ ماده:

که د یوه شریک د مړینې په صورت کښې د مړه د وارثانو او نورو

شرکاء تبلیغ کند.

اگر در تأخیر کار ها خطری موجود باشد، متصدیان قانونی امور شرکت تا وقتی که شرکاء متفقاً تصویب اتخاذ می نمایند با اداره امور شرکت ادامه دهند.

به همین صورت، هر یک از شرکاء مجبور اند اموری را که به آنها سپرده شده موقتاً اجرا نمایند. درین صورت تا مدتی که اداره مؤقتی دوام کند، شرکت موجود شمرده می شود.

ماده ۱۷۹:

در صورت وفات یک شریک اگر راجع به دوام شرکت با ورثه متوفی در قرارداد صراحت نباشد، شرکاء می توانند به اتفاق ورثه متوفی ادامه کار شرکت را تصویب کنند. اگر ورثه از اشتراک آن صرف نظر نمایند، دیگر شرکاء می توانند سرمایه و حقوق آنها را پرداخته به ادامه شرکت بپردازند.

ماده ۱۸۰:

در صورت وفات یک شریک اگر دوام شرکت بین وارثین

شریکانو په منح کښې په قرارداد کښې د شرکت دوام تصریح شوی وي نو ورته په شرکت کښې د تضامني شریک په صفت په خپل دوام او نه دوام کښې مختار دی او که خپل اشتراک په شرکت کښې قبول کړی، نور شریکان د هغه په قبولولو مجبور دی.

مگر که د مړه ورته په شرکت کښې د تضامني شریک په صفت په خپلو داخلیدو موافقت ونکړی، دا غوښتنه کولی شي چه د خپل مورث د پانگې او حقوقو په اندازه د محدود المسئولیت شریک په صفت قبول شي. ددی د غوښتنې په منلو او نه منلو کی نور شریکان آزاد دی.

۱۸۱ ماده:

دمړه ورته مجبور دی چه د وفات له نېټې څخه تر یوې میاشتې پورې په شرکت کښې د تضامني شریک په صفت خپل شمول او نه شمول څرگند کړی. پدی موده کښې ورته پسه شرکت کښې د محدود المسئولیت شریک په صفت پیژندل کیږی. که ددی مودی له پای ته رسیدو نه

متوفی و سایر شرکاء در قرارداد تصریح شده باشد، ورثه به دوام و عدم دوام خود به صفت شریک تضامنی در شرکت مختار اند و اگر اشتراک خود را به شرکت قبول کنند، شرکاء دیگر به قبول آن مجبور اند.

لیکن اگر ورثه متوفی بودن خود را بصفت شریک تضامنی در شرکت موافقه ننمایند، می توانند خواهش نمایند تا به اندازه سرماییه و حقوق مورث خود بصفت شریک محدود المسئولیت قبول شوند. در قبول و رد این خواهش شرکاء دیگر آزاد هستند.

ماده ۱۸۱:

ورثه متوفی مجبورند در ظرف یکماه از تاریخ وفات شمول و عدم شمول خود را به صفت شریک تضامنی در شرکت اظهار نمایند. در ظرف مدت مذکور ورثه به صفت شریک محدود المسئولیت در شرکت شناخته می شود. اگر بعد از ختم این مدت ورثه

بـصفت شریک محدود
المسئولیت شامل نشده باشند،
به صفت شریک شناخته
می شوند.

نسبت به ورثه صغار متوفی چه در
قرارداد مقرر شده باشد یا نباشد،
بصفت شریک تضامنی شناخته
نمی شود. اما در صورت مطالبه
ولی و یا وصی صغیر، اگر شرکاء
دیگر قبول کنند، بصفت شریک
محدود المسئولیت شامل
می شوند.

ماده ۱۸۲:

در حال محجوریت یکی از
شرکاء هم احکام مواد (۱۷۹) الی
(۱۸۱) تطبیق می شود.

ماده ۱۸۳:

در حال افلاس یکی از شرکاء
(در صورتی که در قرارداد
شرکت طور دیگری مقرر
نشده باشد) شریک مفلس از
شرکت اخراج میگردد و درین
صورت راجع به حقوق مفلس یا
وکیل قانونی او تسویه
می شود.

وروسته ورثه د محدود المسئولیت
شریک به صفت شامل شوی نه وي
نود تضامنی شریک به صفت
پیژندل کیږی.

د مړه د صغیرانو په نسبت، که په
قرارداد کښې مقرر شوی وي که
نه، د تضامنی شریک به صفت نه
پیژندل کیږی مگر د صغیر د ولي
یا وصي په غوښتنه که نور شریکان
یې قبوله کړی، د محدود
المسئولیت شریک به صفت
شاملیږی.

ماده ۱۸۲:

د یوه شریک د محجوریت په حال
کښې هم له (۱۷۹ تر ۱۸۱) مادو
پورې احکام تطبیقیږی.

ماده ۱۸۳:

د یوه شریک د افلاس په حال کښې
(پدی صورت چه د شرکت په
قرارداد کښې په بل صورت نه وي
مقرر شوی) مفلس شریک له شرکت
خځه ایستل کیږي او په دی ډول د
مفلس یا دده د قانوني وکیل د
حقوقو په خصوص کښې فیصله
کیږی.

ماده ۱۸۴:

که د هغو علتو په نسبت چه په یوه ځانگړي شریک پورې اړه لري د شرکت د انحلال تقاضا شوی وي، د نورو شریکانو د غوښتنې په اثر محکمه کولای شي چه وروسته له تدقیق نه ددی شریک په ایستلو او د شرکت په دوام حکم صادر کړي.

ماده ۱۸۴:

اگر به نسبت عللی که متعلق به شخص یک شریک باشد انحلال شرکت تقاضا شده باشد، در اثر خواش شرکاء دیگر محکمه می تواند پس از تدقیق به اخراج شریک مذکور و دوام شرکت قرار خود را صادر نماید.

ماده ۱۸۵:

که یو شریک دداسي شرکت چه موده یې ټاکلي شوی نه وي د انحلال تقاضا وکړي، نور شریکان کولای شي چه انحلال قبول نکړي او هغه شریک وباسي او شرکت ته په خپل منځ کښې دوام ورکړي.

ماده ۱۸۵:

اگر یکی از شرکاء انحلال شرکتی را که مدت آن غیر معین است تقاضا نماید شرکای دیگر می توانند انحلال را قبول نکرده، آن شریک را اخراج و شرکت را بین خود ادامه بدهند.

ماده ۱۸۶:

په هغو شرکتو کښې چه موده یې ټاکلي وي که شریک د هغو حقوقو په استناد چه د (۱۷۵) مادی په حکم یې لري د شرکت انحلال د ثبت د دائري په ذریعه شریکانو ته اعلان کړي، د (۱۷۹) مادی احکام هم په دی خصوص کښې تطبیق کیږي.

ماده ۱۸۶:

در شرکت هائیکه مدت آن معین است اگر یک شریک باستناد حقوقیکه به موجب ماده (۱۷۵) دارد، انحلال شرکت را توسط دایرة ثبت به شرکاء اعلام کند، احکام ماده (۱۷۹) دراین مورد نیز تطبیق می شود.

ماده ۱۸۷:

که شرکت له دوو تنوڅخه جوړوی او یوتن وایستل شي محکمه کولای شي چه د پاتي شریک په غوښتنه د موجه اسبابو له مخ ئي د انحلال له حکم او یا د ټولي دارائي او پورونو له تصفيي شرکت پاتي شریک ته تخصیص کړی په دی صورت د هغه شریک په باره کښې چه ایستل شوی دی د (۱۹۰) مادی احکام تطبیقېږي.

ماده ۱۸۸:

که په یوه شرکت کښې چه له دوو تنو څخه جوړ وي دیوه شریک شخصي پوروال دداسي انحلال حق چه د (۱۹۵) مادی له مخې یې لري استعمال کړی او یا یو شریک افلاس وکړی، بل شریک کولای شي چه د (۱۸۷) مادی د اجازي په حدود کښې د شرکت چارو او معاملاتو ته په خپل حساب دوام ورکړی.

ماده ۱۸۹:

که د شرکت د انحلال سبب پرته له افلاس څخه په بل سبب وي نو ټول شریکان مکلف دی چه د (۱۷۴)

ماده ۱۸۷:

اگر شرکت متشکل از دو نفر باشد و یکنفر اخراج گردد، محکمه می تواند بموجب خواهش شریک باقیمانده مستند به اسباب موجه بدون حکم انحلال و یا تصفیه تمام دارائی و دیون، شرکت را به شریک باقیمانده تخصیص بدهد. درین صورت درباره شریکی که خارج شده احکام ماده (۱۹۰) تطبیق می گردد.

ماده ۱۸۸:

اگر در یک شرکتی که مرکب از دو نفر باشد دائن شخصی یکی از شرکاء حق انحلال را که به موجب ماده (۱۹۵) حایز است استعمال کند و یا یکی از شرکاء افلاس نماید شریک دیگر می تواند در حدود اجازه ماده (۱۸۷) امور و معاملات شرکت را به حساب خود ادامه بدهد.

ماده ۱۸۹:

اگر انحلال شرکت بنا بر سببی غیر از افلاس باشد، تمام شرکاء مکلف اند که به موجب

مادی په حکم د شرکت د انحلال ټول کیفیت ثبت او اعلان کړي. دا حکم له شرکت څخه د یوه شریک دو ټلو په صورت کښې هم د اعتبار وړ دی.

که د شرکت انحلال یا د شریک وتل له وفات څخه پېښ شوی وي نو دا مراسم د ټولو شریکانو له خوا د مړه د ورثې په گډون اجراء کيږي.

۱۹۰ ماده:

د هغه شریک برخه چه له شرکت څخه ایستل کيږي یا دی په خپله وزي، که په خلاف د هغه په مقاوله کښې کوم صراحت موجود نه وي نو له هغې نېټې څخه چه د ایستلو تقاضا وشي، د شرکت له شتو څخه ټاکله کيږي.

۱۹۱ ماده:

په هغه صورت چه د (۱۹۰) مادی په حکم د یوه شریک برخه وټاکله شي نو وجه نقده ورکوله کيږي.

۱۹۲ ماده:

د هغه شریک برخه چه ایستل کيږي او یا پخپله د وتلو غوښتنه کوي که په قرارداد کښې برابر والی ټاکلی

ماده (۱۷۴) کیفیت انحلال شرکت را ثبت و اعلان کنند. این حکم در صورت خارج شدن یک شریک از شرکت هم معتبر است.

اگر انحلال شرکت و یا خروج شریک ناشی از وفات باشد، مراسم مذکور از طرف تمام شرکاء با اشتراک ورثه متوفی اجراء می شود.

ماده ۱۹۰:

حصه شریکی که از شرکت اخراج می گردد و یا خود خارج می شود، اگر بر خلاف آن در مقاوله صراحتی موجود نباشد، از تاریخی که تقاضای اخراج بعمل می آید، از دارائی شرکت تعیین می شود.

ماده ۱۹۱:

در صورتی که به موجب ماده (۱۹۰) حصه شریکی معین شود، وجه نقد تأدیه می گردد.

ماده ۱۹۲:

حصه شریکی که اخراج می گردد و یا خود طلب خروج می کند اگر وقت تسویه در

وي، په هغه وخت کېنې او که ټاکلي نه وي نو د هغه لمړی بیلانس د ترتیب په وخت کېنې چه د شریک له وتلو څخه وروسته جوړېږي، تصفیه کېږي.

۱۹۳ ماده:

هغه شریک چه ایستل کېږي او یا په خپله وزي، په هغو حقوقو او تکالیفو کېنې چه دده له وتلو څخه پخوا معاملاتو نه منځ ته راوړي گډون کوي مگر نشي کولای د هغو معاملاتو چه پخوا تثبیت شوی او شریکانو د هغو په اکمال تصویب کړیدی، د اجراء مانع شي.

که تصفیه ژر تر ژره ممکنه نه وي، د حسابي کال په پای کېنې کولای شي د هغو چارو حسابونه چه د کال په منځ کېنې پای ته رسیدلي دی، وغواړي. همدارنگه کولای شي چه د جاري معاملاتو د وضعیت په باره کېنې د حسابي کال په پای کېنې له شریکانو څخه معلومات واخلي.

۱۹۴ ماده:

له شرکت څخه د یوه شریک ایستل او یا وتل د دریمو کسانو په مقابل

ماده ۱۹۳:

شریکی که اخراج می گردد و یا خود خارج می شود، به حقوق و تکالیفی که از معاملات قبل از خروج بوجود می آید اشتراک می کند ولی نمی تواند اجرای معاملاتی را که قبلاً بان تثبیت شده و شرکاء به اکمال آن تصویب کرده اند، مانع شود.

اگر تصفیه امور فوراً ممکن نباشد، در اخیر سنه حسابه می توانند حسابات امور را که در ظرف سال ختم شده، طلب کند. همچنین می تواند درباره وضعیت معاملات جاریه در ختم سنه حسابه از شرکاء کسب معلومات نماید.

ماده ۱۹۴:

اخراج و یا خروج یک شریک از شرکت در مقابل اشخاص

کښې د ثبت او اعلان له نېټې څخه د اعتبار وړ دی او د ثبت او اعلان له نېټې څخه پخوا د هغو مسئولیت د دریمو کسانو په مقابل کښې پاتې دی.

۱۹۵ ماده:

د یوه شریک شخصي پوروال په دی صورت چه دده له شخصي مالونو څخه خپل پور پوره نشي کړای، کولای شي چه د تصفيي په وخت کښې د خپل پوروړي شریک برخه د محکمي په ذریعه تر مراقبت لاندې ونیسي او د شرکت انحلال (په دی شرط چه (۶) میاشتي پخوا یې خبر ورکړی وي) د حسابي کال په پای کښې وغواړی. پخوا له هغه چه د انحلال په خصوص کښې حکم صادر شي، شرکت یا نور شریکان کولی شي چه د پوروال حق ورکړی او د انحلال حکم ساقط کړی.

۱۹۶ ماده:

که د یوه شریک شخصي پوروال له (۱۹۵) مادي سره سم د انحلال حق استعمال کړی، نور شریکان کولای شي چه د شرکت د دوام په خصوص کښې د پوروړی شریک په ایستلو

ثالث از تاریخ ثبت و اعلان معتبر است و قبل از تاریخ ثبت و اعلان مسئولیت آن در مقابل اشخاص ثالث باقی است.

ماده ۱۹۵:

دائن شخصی یک شریک در صورتی که از اموال شخصی مدیون استحصال حق نتواند، می تواند عندالتصفیه، حصه شریک مدیون را ذریعه محکمه تحت مراقبت گرفته و انحلال شرکت را (مشروط بر اینکه ششماه قبل اخبار نموده باشد) در اخیر سنده حسابیه تقاضا نماید. قبل از آنکه درباره انحلال حکم صادر شود، شرکت و یا سائر شرکاء می توانند حق دائن را اداء کرده حکم انحلال را ساقط نمایند.

ماده ۱۹۶:

اگر دائن شخصی یک شریک مطابق ماده (۱۹۵) حق انحلال را استعمال بکند، شرکاء دیگر می توانند به اخراج شریک مدیون راجع به دوام شرکت

تصمیم ونیسی او پوروال ته خبر ورکړی.

پدی صورت کښې پوروي شریک د حسابي کال په پای کښې ایستل کیږي.

ماده ۱۹۷:

دوه شرکتونه یا خو تضامني شرکتونه کولي شي چه یو له بله سره گډ شي او یو نوي تضامني شرکت جوړ کړي او یا په موجود یوه تضامني شرکت ورگډ شي.

ماده ۱۹۸:

د تضامني شرکتونو د پیوستون دپاره باید د مربوطو شرکتونو له خوا ځانگړی تصویبونه وشي او ثبت او اعلان شي.

ماده ۱۹۹:

هر یو له گډ شویو شرکتو څخه مجبور دی چه خپل بیلانس په یو شکل ترتیب او اعلان کړي او په عین حال کښې هغه ترتیب چه د پورونو ورکولو د پاره یي نیسي، تصویب او له بیلانس سره یي ضمیمه کړی.

تصمیم گرفته به دائن ابلاغ نمایند.

درین صورت، شریک مدیون در اخیر سال حسابیه از شرکت اخراج می شود.

ماده ۱۹۷:

دو شرکت و یا شرکتهای متعدد تضامنی می توانند با یک دیگر ملحق و یک شرکت جدید تضامنی تشکیل کنند و یا به یک شرکت تضامنی موجود ملحق گردند.

ماده ۱۹۸:

برای الحاق شرکتهای تضامنی باید تصاویب جداگانه از طرف شرکتهای مربوطه به عمل آمده وثبت و اعلان گردد.

ماده ۱۹۹:

هر یکی از شرکتهای ملحقه مجبور اند بیلانس خود را بصورت متحدالشکل ترتیب و اعلان کنند و درعین حال ترتیبی را که برای تأدیه دیون اتخاذ می نمایند، تصویب و با بیلانس ضمیمه نمایند.

تصمیم ونیسی او پوروال ته خبر ورکړی.

پدی صورت کښې پوروي شریک د حسابي کال په پای کښې ایستل کیږي.

ماده ۱۹۷:

دوه شرکتونه یا خو تضامني شرکتونه کولي شي چه یو له بله سره گډ شي او یو نوي تضامني شرکت جوړ کړي او یا په موجود یوه تضامني شرکت ورگډ شي.

ماده ۱۹۸:

د تضامني شرکتونو د پیوستون دپاره باید د مربوطو شرکتونو له خوا ځانگړی تصویبونه وشي او ثبت او اعلان شي.

ماده ۱۹۹:

هر یو له گډ شویو شرکتو څخه مجبور دی چه خپل بیلانس په یو شکل ترتیب او اعلان کړي او په عین حال کښې هغه ترتیب چه د پورونو ورکولو د پاره یي نیسي، تصویب او له بیلانس سره یي ضمیمه کړی.

ماده ۲۰۰:

هغه تصویب چه د گډون په خصوص کښې کيږي، د اعلان له نېټې څخه تر دریو میاشتو وروسته د اعتبار وړ کيږي. که گډ شوی شرکتو نه خپل پورونه ورکړي او یا هغه مبلغ چه د دوی له پورونو سره برابروي یوه معتبر بانک ته وسپاري او یا د پورو خاوندان د شرکتونو په گډون راضي شي نو لږمه نده چه درې میاشتي انتظار وایستل شي.

هغه رسید چه د پورونو د معادل مبلغ په مقابل کښې له بانک څخه اخیستل کيږي هم باید ثبت او اعلان شي. د گډو شرکتونو هر یو پوروال د دریو میاشتو په موده کښې د الحاق په خصوص کښې په مربوطې محکمي کښې اعتراض کولای شي او ترهغه وخته پورې چه د اعتراض له حق څخه تیر نشي او یا د معترض پوروال په خصوص کښې د محکمي قطعي حکم صادر نشي، الحاق به عملي نشي.

ماده ۲۰۱:

که په هغي مودی کښې چه په (۲۰۰) ماده کښې ټاکلي شوی ده

ماده ۲۰۰:

تصویبی که راجع به الحاق به عمل میآید، از تاریخ اعلان تا سه ماه بعد نافذ می گردد.

اگر شرکت های ملحقه دیون خود را تأدیه یا مبلغی را که معادل دیون شان باشد به یک بانک معتبری تودیع کنند و یا دائنین به الحاق شرکتها راضی شوند، لازم نیست که مدت سه ماه انتظار کشیده شود.

رسیدیکه در مقابل مبالغ معادل دیون از بانک اخذ می شود نیز باید ثبت و اعلان گردد. هر یکی از دائنین شرکت های ملحقه در ظرف سه ماه در خصوص الحاق به محکمه مربوطه اعتراض کرده می تواند و تا زمانیکه از حق اعتراض صرف نظر نکنند و یا قرار محکمه درباره دائن معترض کسب قطعیت ننماید، الحاق صورت نخواهد گرفت.

ماده ۲۰۱:

اگر در ظرف مدتیکه در ماده (۲۰۰) تعیین شده است اعتراض

اعتراض واقع نشي، د الحاق معامله قطعیت مومي. هغه شرکت چه باقي پاتي کيږي او يا نوي تشکيلیږي، د پخواني شرکت قاييم مقام دی ټول حقوق او پورونه به هغه ته نقلیږي. که د شرکتو له څخه نوي شرکت جوړ شوی وي، د هغه ثبت او اعلان ضروري دی.

واقع نشود، معامله الحاق کسب قطعیت می نماید. شرکتی که باقي می ماند و یا جدید تشکیل می شود، قاييم مقام شرکت سابق بوده، کافه حقوق و ديون به آن انتقال می یابد. اگر از الحاق شرکتهای شرکت جدیدی بوجود آمده باشد، ثبت و اعلان آن ضروری است.

پنځمه برخه د تضامني شرکتو تصفيه

۲۰۲ ماده:

که د تصفيي په خصوص کښې د شرکت په قرارداد کښې کوم صراحت موجود نه وي، ددی برخي له احکامو سره سم تصفيه کيږي.

۲۰۳ ماده:

د يوه تضامني شرکت تصفيه د تصفيي په هغو مامورينو پورې اړه لري چه د هغو انتخابات په لاندنيو موادو کښې ښوولي شوی دی.

۲۰۴ ماده:

د تصفيي مامورين ممکن دی چه له پخوا څخه د شريکانو له خوا انتخاب او د شرکت په قرارداد

حصة پنجم تصفیه شرکت‌های تضامنی

ماده ۲۰۲:

اگر در قرارداد شرکت راجع به تصفيه صراحتی موجود نباشد، تصفيه مطابق احکام اين قسمت به عمل می آيد.

ماده ۲۰۳:

تصفیه یک شرکت تضامنی عايد به مامورين تصفيه است که صورت انتخابات آنها در مواد آتیه نشان داده شده است.

ماده ۲۰۴:

مامورين تصفيه ممکن است قبلاً از طرف شرکاء انتخاب و در قرارداد شرکت

کسبې درج شي يا وروسته په تصویب سره انتخاب شي. په همدې شان وروسته له انحلال څخه هم د شریکانو د اتفاق له مخې کولای شي چه وټاکلي شي، او غیر له دې نه ټول شریکان او یا د دوی قانوني وکیلان په تصفیه مامور بلل کیږي. د انحلال په صورت کسبې د هر شریک په مراجعه ممکنه ده چه د تصفیه مامورین د مربوطې محکمې له خوا وټاکلي شي.

۲۰۵ ماده:

د تصفیه مامورین که د شریکانو له خوا وي او که د محکمې له خوا ممکن دی چه د شریکانو له خوا او یا له باندې وټاکلي شي.

۲۰۶ ماده:

په تصفیه کسبې د مامورینو تعدد جائز دی. که د شرکت د مقاولي یا د هغه تصویب له مخې چه وروسته شویډی په تصفیه کسبې په منفرد ډول مجاز نه وي نو لږم دی چه په اتفاق سره اقدام وکړي او که په انفرادی اقدام مجاز وي لږم دی چه کیفیت ثبت او اعلان شي.

درج شود و یا بعداً با تصویب انتخاب شوند. همین طور بعد از انحلال هم به اتفاق نظر شرکاء می‌توانند تعیین شوند، در غیر آن تمام شرکاء و یا وکیل قانونی ایشان مامور به تصفیه شمرده می‌شوند. در صورت انحلال با مراجعه هر یکی از شرکاء ممکن است مامورین تصفیه از طرف محکمۀ مربوطه تعیین شوند.

ماده ۲۰۵:

مامورین تصفیه، چه از طرف شرکاء باشند و چه از طرف محکمه، ممکن است از بین شرکاء و یا از خارج انتخاب شوند.

ماده ۲۰۶:

تعدد مامورین تصفیه مجاز است. اگر حسب مقاوله شرکت یا با تصویبی که بعداً بعمل آمده در تصفیه منفرداً مجاز نباشند، لږم است که متفقاً اقدام کنند. اگر به اقدام انفرادی مجاز باشند، لږم است کیفیت ثبت و اعلان شود.

ماده ۲۰۷:

د تصفيي يو مامور خپله وظيفه د تصفيي بل مامور ته او يا دريم شخص ته نشي سپارلی. مگر د ځينو ټاکليو چارو د معاملاتو د په ځای کولو دپاره کولای شي چه يوه يا څو تنو او يا يوه دريم سري ته واک ورکړي.

ماده ۲۰۸:

که په يوه شرکت کښې چه معاملات يې د تصفيي په حال کښې وي د تصفيي د مامورينو يوه مامور ته دريمو کسانو له خوا ابلاغ او مراجعات کافي دی. په هغو ځايو کښې چه د شرکت د گټو دپاره د کوم خطر پيښيدل متصور نه وي نو هغه چاري او معاملي چه د تصفيي کوم مامور يې اجراء کړي، معتبر دي.

ماده ۲۰۹:

تضامني شرکتونه وروسته له انحلال څخه هم د تصفيي د معاملاتو تر پای ته رسيدلو پوري د تصفيي د چارو دپاره موجود گڼل کيږي.

ماده ۲۰۷:

يک مامور تصفيه وظيفه خود را به مامور تصفيه ديگر و يا به شخص ثالث سپرده نمی تواند ولی برای ایفای بعضی امور معاملات معینه می توانند از بین خود یکی یا چندی را و یا یک شخص ثالث را صلاحیت بدهند.

ماده ۲۰۸:

در شرکتی که معاملات آن در حالت تصفيه می باشد ابلاغ و مراجعات از طرف اشخاص ثالث به یکی از مامورین تصفيه کافی است. در مواردیکه برای منافع شرکت وقوع خطری متصور نباشد، امور و معاملات را که یکی از مامورین تصفيه اجراء کند، معتبر است.

ماده ۲۰۹:

شرکت های تضامنی بعد از انحلال هم الی ختم معاملات تصفيه برای امور تصفيه موجود شناخته می شوند.

۲۱۰ ماده:

یو تضامنی شرکت چه د تصفیې په حال کېنې وي باید په ټولو هغو پانېو او اسنادو کېنې چه د شرکت په نامه تنظیمېږي (د تضامنی شرکت تصفیه....) جمله زیاته شي او په پای کېنې یې د تصفیې واک لرونکی مامور یا مامورین لاسلیک کړي. غیر له دی به شرکت ته کوم مسئولیت متوجه نشي.

۲۱۱ ماده:

د شرکت له انحلال نه وروسته د شرکت د مالونو په نسبت د شریکانو د شخصي پوروالو په مقابل کېنې د شرکت د پوروالو د ترجیح حق محفوظ دی.

۲۱۲ ماده:

که د شرکت شته د تصفیې په حالت کېنې د پورونو د تسويي دپاره کافي نه وي او د افلاس موجبات موجود شي، محکمه کولای شي چه په داسي حالت کېنې په افلاس حکم صادر کړي.

۲۱۳ ماده:

که د تصفیې مامورین پخوا له

۲۱۰ ماده:

یک شرکت تضامنی که در حال تصفیه می باشد باید در تمام اوراق و اسنادیکه بنام شرکت تنظیم می گردد جمله (تصفیه شرکت تضامنی....) علاوه شده و در ذیل آن مامور و یا مامورین صلاحیت دار تصفیه امضاء نمایند. در غیر آن مسئولیت به شرکت متوجه نخواهد شد.

۲۱۱ ماده:

حق رجحان دائین شرکت تضامنی به اموال شرکت بالمقابل دائینن شخصی شرکاء بعد از انحلال شرکت هم محفوظ است.

۲۱۲ ماده:

اگر دارائی شرکت در حالت تصفیه کافی برای تسویه دیون آن نباشد و موجبات افلاس موجود گردد، محکمه می تواند در چنین حالت حکم به افلاس صادر نماید.

۲۱۳ ماده:

اگر مامورین تصفیه به موجب

قرارداد شرکت و یا تصویب شرکاء قبل از انحلال از بین خود شرکاء انتخاب شده باشند، به اتفاق آراء تمام شرکاء عزل شده می‌توانند. در صورت عدم حصول اتفاق آراء به اثر مراجعه و خواهش هر یکی از شرکاء از طرف محکمه بنابر علل قابل قبول عزل شده می‌توانند.

ماده ۲۱۴:

مأمورین تصفیه که بعد از انحلال از بین شرکاء انتخاب گردیده باشند، به اتفاق شرکای دیگر معزول شده می‌توانند. در صورت عدم حصول اتفاق آراء، به اثر مراجعه و خواهش هر یکی از شرکاء به استناد اسباب قابل قبول از طرف محکمه عزل خواهند شد.

ماده ۲۱۵:

مأمورین تصفیه که از شرکاء نبوده مطابق قرارداد شرکت و یا بر حسب تصویب شرکاء انتخاب شده باشند، به هر صورت به اتفاق شرکاء عزل شده می‌توانند. در صورتی که اتفاق شرکاء

انحلال خخه د شرکت د قرارداد او یا د شریکانو د تصویب په موجب په خپله د شریکانو له منځه ټاکلي شوی وي، د ټولو شریکانو د آراوو په اتفاق موقوف کیدای شي او که د آراوو اتفاق حاصل نشي نو د هر یو شریک د غوښتنې او مراجعې په اثر د منلو وړ علتونو په واسطه د محکمې له خوا موقوف کیدای شي.

ماده ۲۱۴:

د تصفیه مأمورین چه وروسته له انحلال خخه د شریکانو له منځه ټاکلي شوی وي د نورو شریکانو په اتفاق موقوف کیدای شي او که د آراوو اتفاق حاصل نشي نو د هر یوه شریک د غوښتنې او مراجعې په اثر د منلو وړ علتونو په واسطه د محکمې له خوا موقوف کیدای شي.

ماده ۲۱۵:

د تصفیه مأمورین چه له شریکانو خخه نه وي او د شرکت له قرارداد او یا د شریکانو له تصویب سره سم ټاکلي شوی وي، په هر صورت د شریکانو په اتفاق سره موقوف کیدای شي. په دی صورت چه د

شریکانو اتفاق حاصل نشي نو د هر یو شریک د غوښتنې او مراجعي په اثر د محکمي له خوا موقوفیدای شي.

۲۱۶ ماده:

د تصفيي هغه مامور چه د محکمي له خوا ټاکلي شوی وي، د هغه موقوفي یواځې په محکمه پورې اړه لري.

۲۱۷ ماده:

که د تصفيي مامورین له پخوا څخه ټاکلي شوی وي نو د شرکت د انحلال په وخت کښې او که وروسته د شریکانو یا د محکمي له خوا ټاکلي شوی وي، د انحلال په وخت کښې به د شرکت مدیران راغواړي او د هغو په گډون، او که د مدیرانو غوښتنې ته ضرورت نه وو نو دوي پخپله یو داسي دفتر چه د شرکت شته پکښې وي له یو بیلانس سره جوړوي. او که د تصفيي مامورین لږم وبولي کولای شي چه د شرکت د مالونو د قیمت د ټاکلو دپاره پوهانو ته مراجعه وکړي. بیلانس او د شتو دفتر چه تنظیم کیږي، د تصفيي د مامورینو په مخکښې به د شرکت

حاصل نشود، به اثر مراجعه و خواش هر یکی از شرکاء از طرف محکمه عزل شده می تواند.

ماده ۲۱۶:

مامور تصفیة که از طرف محکمه تعیین شده باشد، عزل آن منحصرأ مربوط به محکمه است.

ماده ۲۱۷:

اگر مامورین تصفیة قبلاً انتخاب گردیده باشند، در وقت انحلال شرکت و اگر بعداً از طرف شرکاء و یا محکمه تعیین گردیده باشند، حین انحلال مدیران شرکت را دعوت و به اشتراک آنها و در صورت عدم اجابت مدیران، خود ایشان یک دفتریکه حاوی دارائی شرکت باشد با یک بیلانس تنظیم می کنند. اگر مامورین تصفیة لږم بدانند می توانند برای تعیین قیمت اموال شرکت به اهل خبره مراجعه کنند. بیلانس و دفتر دارائی که تنظیم می شود با حضور مامورین تصفیة از طرف مدیران شرکت

د مدیرانو له خوا لاس لیک کيږي. د تصفيي مامورین وروسته د دفتر له لاس لیک څخه ټول هغه مالونه چه د شتو په هغه دفتر کښې قید دی د منحل شوی شرکت له پانې او دفترونو سره تر خپل تصرف لاندې راولي.

۲۱۸ ماده:

د تصفيي مامورین مکلف دی چه د منحل شوی شرکت د ټولو مالو او حقوقو د ساتني دپاره لارم تدبیرونه ونیسي.

۲۱۹ ماده:

د تصفيي مامورین هغه معاملي چه د شرکت د دوام په وخت کښې شروع شوی وي او تر اوسه پای ته نه وي رسیدلي، پای ته رسوي او د شرکت پورونه او نور تعهدات نقداً او که پوروال موافقت وکړي جنساً یې ورکوي. هغه چاري او معاملي چه د شرکت د دارايي او د حصول او د شریکانو په منځ کښې د ویشلو د پاره لارمي وي اجرا کوي.

امضاء می‌شود.

مامورین تصفیه بعد از امضای دفتر تمام اموالی را که در دفتر دارائی مذکور قید است با دیگر اوراق و دفاتر شرکت منحل شده تحت تصرف خود می‌گیرند.

ماده ۲۱۸:

مامورین تصفیه مکلف اند که برای محافظه تمام اموال و حقوق شرکت منحل شده تدابیر لارمه را اتخاذ نمایند.

ماده ۲۱۹:

مامورین تصفیه معاملاتى را که در زمان دوام شرکت آغاز گردیده ولى هنوز ختم نشده باشد، انجام می‌دهند و دیون و سرمایه تعهدات شرکت را نقداً و اگر دائنین موافقت کنند جنساً تأدیه منى‌مایند و طلبات شرکت را تحصیل و دارائی جنسى آنرا به نقد تبدیل می‌کنند. والحاصل تمام امور و معاملاتى را که برای حصول دارائی شرکت و تقسیم بین شرکاء لارم است، اجرا می‌کنند.

ماده ۲۲۰:

د هغه شرکت د تمثيل حق چه د تصفيي په حال کښې وي، په محکمو يا نورو مقاماتو د تصفيي په مامورينو پورې اړه لري.

ماده ۲۲۰:

حق تمثيل شرکتی که در حال تصفيه می باشد، در محاکم یا دیگر مقامات به مامورین تصفيه عايد است.

ماده ۲۲۱:

د تصفيي مامورين نشي کولای يوه نوي معامله چه په تصفيه پورې اړه نلري اجراء کړی. او که ئي اجرا کړی نو هغه مسئوليت چه له هغي معاملي څخه پيدا کيږي ټول د تصفيي په ماموینو پورې اړه لري.

ماده ۲۲۱:

مامورين تصفيه نمی توانند یک معامله جدیدی را که از ایجابات تصفيه نباشد اجراء کنند. اگر اجراء نمایند، مسئولیتی که از معامله مذکور نشئت کند، کلیتاً به مامورين تصفيه مربوط است.

ماده ۲۲۲:

که د تصفيي مامورين د منحل شوی شرکت گټه په يوه مورد کښې وويني نو په مصالحه او د حکم په تعيين مجاز دی.

ماده ۲۲۲:

مامورين تصفيه اگر فايده شرکت منحل شده را در موردی ملاحظه کنند، به مصالحه و تعيين حکم مجاز اند.

ماده ۲۲۳:

د تصفيي مامورين کولای شي چه د منحل شوی شرکت منقول مالونه چه د شرکت گټه پکښې وويني په مزايده سره يا بي له مزايدي وپلوري. مگر د شرکت غير منقول مالونه که د شريکانو عمومي موافقه په بل صورت نه وي يواځې

ماده ۲۲۳:

مامورين تصفيه می توانند اموال منقوله شرکت منحل شده را نظر به ایجاب منفعت شرکت بطور مزايده و یا بدون مزايده بفروشند. اما اموال غير منقوله شرکت را اگر موافقت عمومی شرکاء بدیگر صورت نباشد، من

په مزایده یی پلورلي شي. د شریکانو په منځ کښې د صغیر یا محجور وجود د منقول او غیر منقول مالونو د پلورلو مانع نشي کېدای.

۲۲۴ ماده:

د تصفيي مامورین کولای شي هغه معاملي چه د شرکت موضوع ورڅخه جوړېږي که تصفيه د شریکانو له خوا ټاکلي شوی وي، د شریکانو له فیصلي سره سم، او که د محکمي له خوا مقرر شوی وي، نو د شریکانو د فیصلي او د محکمي د حکم په اتفاق په مؤقت ډول سره اجراء کړي.

۲۲۵ ماده:

د تصفيي مامورین مجبور دی چه د تضامني شرکت په وعده پورونه د تصفيي په حال کي د تنزیل (دسکاونت) په صورت ژر تر ژره اداء کړي او پوروال هم مجبور دی چه دا ډول ورکړه ومني.

۲۲۶ ماده:

که د تضامني شرکت شته ټولو پورونو ته په یو برابر کفایت ونکړي، د تصفيي مامورین کولای

تھا به مزایده فروخته می توانند. وجود صغیر و یا محجور در بین شرکاء مانع فروش اموال منقول و غیر منقول شده نمی تواند.

ماده ۲۲۴:

مامورین تصفيه ميتوانند معاملاتى را که موضوع شرکت را تشکیل می دهد، اگر تصفيه از طرف شرکاء تعيين شده باشد، مطابق فيصله شرکاء و اگر از طرف محکمه مقرر شده باشد، به اتفاق نظر شرکاء و تصویب محکمه، آن معاملات را موقتاً اجراء کنند.

ماده ۲۲۵:

مامورین تصفيه مجبور اند که دیون مؤجله شرکت تضامنی در حال تصفيه را به صورت تنزیل (دسکاونت) معجلاً تأدیه کنند و دائین نیز مجبور به قبول این طرز تأدیه می باشند.

ماده ۲۲۶:

اگر دارائی شرکت تضامنی به تسویه تمام دیون کافی نباشد، مامورین تصفيه

شي چه د شرکت د پورونو د پوره کولو د پاره شریکانو ته مراجعه وکړی.

۲۲۷ ماده:

که شریکان په اتفاق سره تصویب ونکړی، د تصفيي مامورین کولای نشي چه د شرکت مالونه ټول وپلوري.

۲۲۸ ماده:

د تصفيي د مامورینو قانوني صلاحیتونه ممکن دی چه د شریکانو په اتفاق یا د محکمي په حکم (هر مقام چه هغه ټاکلي وي) زیات یا لږشي، په دی صورت کیفیت ثبت او اعلانیږی. که د صلاحیت د تحدید مسئله اعلان شوی نه وي نو د دریمو کسانو په خصوص کښې د ښه نیت خاوند بي تاثیر دی.

۲۲۹ ماده:

د تصفيي مامورین د تصفيي په مهال کي په هغه تصویب مقید دی چه د تصفيي په خصوص کښې يي شریکان په اتفاق سره کوي. د کوم شریک د افلاس مړيني یا محجوریت په صورت کښې د

می توانند برای تکمیل دیون شرکت به شرکاء مراجعه کنند.

ماده ۲۲۷:

اگر شرکاء متفقاً تصویب نکنند، مامورین تصفيه نمی توانند اموال شرکت را بطور مجموعی به فروش برسانند.

ماده ۲۲۸:

صلاحیت های قانونی مامورین تصفيه ممکن است به اتفاق شرکاء و یا قرار محکمه (هر مقامی که آنها تعیین کرده باشد) توسیع و یا تحدید شود درین صورت، کیفیت ثبت و اعلان می شود. اگر مسئله تحدید صلاحیت ثبت و اعلان نگردیده باشد، درباره اشخاص ثالث صاحب حسن نیت بی تاثیر است.

ماده ۲۲۹:

مامورین تصفيه در اثنای تصفيه مقید به تصویبی می باشند که شرکاء متفقاً راجع به تصفيه بعمل می آورند. در صورت افلاس یا وفات و یا محجوریت یکی از شرکاء احکام ماده (۲۳۰)

(۲۳۰) مادی احکام تطبیق کیږي.

ماده ۲۳۰:

په هغو تصویبونو کښې چه مامورینو ته د تعلیماتنامو ورکول او یا د هغو د ټاکلو یا موقوفولو په خصوص کښې کیږي، د شریک د افلاس او مړینې او محجوریت په صورت کښې د گډون حق د دوی په قانوني وکیل او ولي پورې اړه مومي. ورته په اتفاق سره وکیل ټاکې او که اتفاق حاصل نه شي نو وکیل په محکمه پورې اړه لري.

ماده ۲۳۱:

د تصفيي مامورین کولای شي چه د شرکت له نقدو شتو څخه دومره اندازه شته چه د مثبتو او متنازع فیه او معجلو او په وعدو پورونو کفایت وکړي وساتي او نور يي د شریکانو په منځ کښې وويشي.

ماده ۲۳۲:

د تصفيي مامورین د تصفيي معاملاتو د صحت دپاره په منظم ډول د لږمو دفترونو په جوړولو مکلف دی.

ماده ۲۳۳:

د تصفيي مامورین مجبور دی چه

تطبیق می شود.

ماده ۲۳۰:

حق اشتراک در تصویب هایی که راجع به تعیین و یا عزل و یا اعطای تعلیمات به مامورین تصفیه بعمل می آید، در صورت افلاس و وفات، محجوریت شریک به وکیل قانونی و ولی آنها عاید است. ورته به اتفاق وکیل تعیین می کنند و در صورتی که اتفاق حاصل نشود، تعیین وکیل مربوط به محکمه است.

ماده ۲۳۱:

مامورین تصفیه می توانند از دارائی نقدی شرکت مقداری را که برای دیون معجله و مؤجله مثبت و متنازع فیه کفایت نماید نگهداشته، بقیه آنرا در بین شرکاء تقسیم کنند.

ماده ۲۳۲:

مامورین تصفیه برای تأمین صحت معاملات تصفیه به ترتیب دفاتر لازم بصورت منظم مکلف اند.

ماده ۲۳۳:

مامورین تصفیه مجبور

د تصفيي د چارو د موجوده وضعیت په خصوص کښې د شریکانو د مراجعي په اثر په خوله یا په لیکنه سره معلومات ورکړی.

۲۳۴ ماده:

د تصفيي مامورین د شریکانو د غوښتنې په صورت مجبور دی چه د شرکت او تصفيي په خصوص کښې ټولي پانې او دفترونه هغو ته ورښکاره کړی. د تصفيي مامورین نشي کولای چه شریکان ددی دفترونو او پانوله نقل اخیستلو څخه منع کړی.

۲۳۵ ماده:

د تصفيي مامورین مجبور دی چه له یو زر افغانیو څخه اوښتې پیسې چه د تصفيي په ترڅ کښې ئي لاس ته راځي، یوه معتبر بانک ته وسپاري.

۲۳۶ ماده:

د تصفيي په پای کښې د تصفيي مامورین مجبور دی چه د تصفيي د چارو په باره کښې شریکانو ته حساب ورکړی.

۲۳۷ ماده:

د شرکت د قرارداد ټول هغه احکام

اند در اثر مراجعه شرکاء راجع به وضعیت موجوده امور تصفيه شفهاً و يا کتباً معلومات بدهند.

ماده ۲۳۴:

مامورین تصفيه در صورت خواهش شرکاء مجبور اند تمام اوراق و دفاتر راجع به شرکت و تصفيه را با آنها ارائه نمایند. مامورین تصفيه نمی توانند شرکاء، را از اخذ نقل دفاتر و اوراق مذکور منع کنند.

ماده ۲۳۵:

مامورین تصفيه مجبور اند مبالغ زايد از يک هزار افغانی را که در اثنای تصفيه حصول می شود، به يک بانک معتبری توديع نمایند.

ماده ۲۳۶:

در ختم تصفيه، مامورین تصفيه مجبور اند راجع به معاملات تصفيه به شرکاء حساب بدهند.

ماده ۲۳۷:

تمام احکام قرارداد شرکت که

عاید به مامورین تصفیه باشد، با مقرراتیکه از طرف شرکاء و محکمه راجع به تعیین، تبذیل و عزل مامورین تصفیه وضع می‌گردد، ثبت و اعلان می‌شود.

ماده ۲۳۸:

در ختم تصفیه، مامورین تصفیه نظر به قرارداد و یا احکام قانونی يك بیلانس حاوی حصص شرکاء در خصوص سرمایه نفع و ضرر و سایر اقلام دارائی و بدهی تنظیم کرده، به شرکاء تقدیم می‌کنند. اگر شرکاء در ظرف یک ماه توسط محکمه اعتراض نمایند، بیلانس کسب قطعیت می‌نماید.

بعد از انقضاء این مدت در صورتی که شرکاء از اخذ حصه مقرر خود امتناع ورزند، مامورین تصفیه حصه هر یک را علیحده علیحده بنام هر شریک به یک بانک معتبر تسودیع می‌نمایند.

ماده ۲۳۹:

دارائی خالص شرکت مطابق

چه د تصفیه په مامورینو پورې اړه لري، سره له هغو مقرراتو چه د شریکانو او محکمی له خوا د تصفیه د مامورینو د ټاکلو، تبدلولو او موقوفولو په خصوص کښې وضع کیږي، ثبت او اعلانیږي.

ماده ۲۳۸:

د تصفیه په پای کښې د تصفیه مامورین د قرارداد یا د قانوني احکامو له مخې یو داسې بیلانس چه د پانگې په باره کښې د شریکانو برخي او گټه او ضرر او نوره دارائی پکښې داخله وي جوړوي او شریکانو ته یې وړاندی کوي. که شریکان په دوي په یوه میاشت کښې دننه اعتراض ونکړی نو دغه بیلانس قطعي بلل کیږي.

وروسته له دی مودی تیریدو نه په دی صورت چه شریکان له خپلې مقرري برخي اخیستلو څخه منع راوړي نو د تصفیه مامورین د هر یوه برخه ځانگړی ځانگړی د هر شریک په نامه په یوه معتبر بانک کښې ږدی.

ماده ۲۳۹:

د شرکت خالصه دارایی له قرارداد

سرہ یا لہ ہغہ تصویب سرہ سم چہ وروستہ لہ ہغہ شویدی، د تصفیہ د مامورینو لہ خوا ویشلہ کیری اوکہ لہ دی نہ چپ پہ قرارداد کنبی کوم صراحت او یاد شریکانو لہ خوا کوم تصویب نہ وی، نو دا ویش پہ نقدی صورت کیری.

۲۴۰ مادہ:

لکہ چہ د تصفیہ مامورین پہ ہغو اجراآتو کنبی چہ ددی اصولنامی لہ احکامو خخہ چپ وی د شریکانو او دریمو کسانو پہ مقابل کنبی پہ گپہ سرہ مسئل دی، ہمدادول د ہغو کسانو پہ معاملہ تو کنبی چہ دوی یی تاکی او استخدا موی نوکہ د اصولنامی لہ تاکلیو احکامو خخہ چپ وی نو شریکانو او دریمو کسانو تہ مسئل دی.

۲۴۱ مادہ:

د تصفیہ مامورین چہ د شریکانو لہ منخہ تاکلی کیری کہ پہ قرارداد او یا ہغہ تصویب کنبی چہ وروستہ نیول کیری شرط شوی نہ وی، نشی کولای چہ معاش یا اجرت واخلی. مگر کہ د تصفیہ مامورین لہ دباندی خخہ تاکلی

قرارداد و یا مطابق تصویبی کہ بعداً بعمل آمدہ، از طرف مامورین تصفیہ تقسیم می شود. در صورتی کہ بر خلاف آن در قرارداد صراحت و یا تصویبی از طرف شرکاء نباشد، باید این تقسیم بصورت نقدی بعمل آید.

۲۴۰ مادہ:

طوری کہ مامورین تصفیہ در اجراآتیکہ مغایر احکام این قانون باشد در مقابل شرکاء و اشخاص ثالث جمعاً مسئل اند، همچنان در معاملات اشخاصی کہ تعیین و استخدا می کنند، در صورتیکہ مغایر احکام معینہ قانون باشد، نزد شرکاء و اشخاص ثالث جمعاً مسئل می باشند.

۲۴۱ مادہ:

مامورین تصفیہ کہ از بین شرکاء تعیین و انتخاب می شوند، اگر در قرارداد و یا تصویبی کہ بعداً اتخاذ می شود شرط نشده باشد، نمی توانند معاش و اجرت بگیرند. ولی مامورین تصفیہ اگر از خارج تعیین

شوی وي، که څه هم له اجرت او معاش نه کوم ذکر هم نه وي شوی، دوي د اجرت او معاش مستحق دی.

۲۴۲ ماده:

د تصفيي په پای کښې پانې او دفترونه یو ځای هغه معتمد ځای ته چه د شریکانو له خوا ټاکلی شوی وي، سپارل کیږي او تر پنځلسو کالو پورې ساتل کیږي. که په دی خصوص کښې د نظر توافق را نشي نو د معتمد ځای محکمه ټاکي.

شده باشند ولو از اجرت و معاش ذکرى هم نشده باشد، مستحق اخذ معاش و اجرت می باشند.

۲۴۲ ماده:

در ختم تصفيه، اوراق و دفاتر به يك جاى معتمد يكه از طرف شركاء تعيين شده باشد، توديع می گردد و تا ۱۵ سال حفظ می شود. اگر درین خصوص اتفاق نظر حاصل نشود، محل معتمد را محکمه تعيين می کند.

درېم فصل
مختلط تضامني شرکت
لومړی برخه
د مختلط تضامني شرکت ماهیت
او د جوړیدو ډول

فصل سوم
شرکت تضامنی مختلط
حصة اول
ماهیت و طرز تشکیل شرکت
تضامنی مختلط

۲۴۳ ماده:

هغه شرکت چه تر ټاکلي عنوان لاندی د تجارت د اجراء په مقصد جوړیږي او د شرکت د پوروالو په مقابل کښې د هغه د یوه یا څو تنو شریکانو مسئولیت غیر محدود او د یوه یا نورو شریکانو مسئولیت

۲۴۳ ماده:

شرکتی که در تحت عنوان معین به مقصد اجرای تجارت تشکیل می شود و مسئولیت یک یا چند نفر از شرکاء آن در مقابل دائنین شرکت غیر محدود و مسئولیت شریک یا شرکاء دیگر آن به یک

یہ پہ یوہ ٲاکلی ٲانگہ کنبی محدود وی، دا شرکت کوماندیت (مختلط تضامنی) شرکت بلل کیڑی۔
د هغو شریکانو ٲانگہ چه د محدود مسئولیت تابع وی، ممکن دی چه په برخو وویشله شی۔

ماده ۲۴۴:

که د هغه په خلاف په دی فصل کنبی مقرر شوی نه وی نو په مختلطو تضامنی شرکتو کنبی د تضامنی شرکت مخصوص احکام هم معتبر دی۔ که ئی دا معلوم نشی کړای چه تضامنی شرکت مختلط دی که تضامنی، نو ٲدی صورت تضامنی شرکت بلل کیڑی۔

ماده ۲۴۵:

د مختلط تضامنی شرکت په قرارداد کنبی برسیره په هغو خصوصیاتو چه په (۱۳۷) ماده کنبی داخل دی، د محدود المسئولیت شریکانو نومونه سره د هغی ٲانگې له اندازی چه دوی هر یوہ ورکړی او یا یی په غاړه اخیستی دی هم د اخلیڑی، ثبت او اعلانیڑی۔

سرمایه معین محدود باشد، شرکت مذکور تضامنی مختلط (کوماندیت) نامیده می شود۔

سرمایه شرکائی را که تابع مسئولیت محدوده باشند، ممکن است به سهام تقسیم کرد۔

ماده ۲۴۴:

اگر بر خلاف آن درین فصل مقرر نشده باشد، احکام راجع به شرکت تضامنی در شرکت های تضامنی مختلط هم معتبر است۔ اگر تعیین شده نتواند که شرکت تضامنی مختلط می باشد یا تضامنی، درین صورت شرکت تضامنی دانسته می شود۔

ماده ۲۴۵:

در قرارداد شرکت تضامنی مختلط علاوه بر خصوصیات مندرجه ماده (۱۳۷)، اسامی شرکای محدود المسئولیت با مقدار سرمایة که هر کدام آنها داده اند و یا تعهد نموده اند نیز درج گردیده، ثبت و اعلان می شود۔

ماده ۲۴۶:

یو محدود المسئولیت شریک (بی له خپلې علمي او فني اختراع څخه) نشي کولای چه خپل کار او عمل او اعتبار او یا صنعت د پانگې په حیث وړاندی کړی.

ماده ۲۴۶:

یک شریک محدود المسئولیت (غیر از اختراع علمی و فنی خود) نمی تواند کار و عمل و اعتبار و یا صنعت خویش را بحیث سرمایه تقدیم کند.

دوهمه برخه

د شریکانو یو د بل سره مناسبات

ماده ۲۴۷:

د مختلط تضامني شرکت د شریکانو ترمنځ مناسباتو کښې (که د هغو په خلاف په قرارداد کښې کوم صراحت نه وي) ددی برخي احکام تطبیق کیږي.

ماده ۲۴۷:

در مناسبات بین شرکای شرکت تضامنی مختلط (اگر صراحتی در قرارداد بر خلاف آن نباشد) احکام این قسمت تطبیق می شود.

ماده ۲۴۸:

محدود المسئولیت شریکان د شرکت د چارو د ادارې واک نلري او نشي کولای چه د ادارې واک لرونکی شریکان د وظیفې له اجرا څخه منع کړی. مگر د اداره کوونکو کسانو له واک څخه په وتلیو معاملاتو کښې رای ورکولای شي.

ماده ۲۴۸:

شرکای محدود المسئولیت به اداره امور شرکت صلاحیت ندارند و نمی توانند شرکای را که صلاحیت اداره را دارند، از اجرای وظیفه منع کنند. ولی درباره معاملات خارج از صلاحیت اشخاص اداره کننده می توانند رای بدهند.

ماده ۲۴۹:

هر محدود المسئولیت شریک

ماده ۲۴۹:

هر شریک محدود المسئولیت

کولای شي چه د کال په پای که د شرکت د شتو دفتر او بیلانس او پانې پخپله یا د پوهو کسانو په ذریعه تدقیق او کنترول کړی. که د محدود المسئولیت شریک د مراجعي په اثر په پوهانو باندې اعتراض راشي، په دی صورت کښې پوهان د محکمي له خوا ټاکل کیږي.

۲۵۰ ماده:

د هغو معاملاتو په اجراء کښې چه د شرکت موضوع جوړوي، د تضامني شرکت د شریکانو په منځ کښې د (۱۵۸) مادی احکام د محدود المسئولیت شریکانو په خصوص کښې نه جاري کیږي. مگر که محدود المسئولیت شریکان یوه داسي مؤسسه چه معاملات یې د شرکت موضوع جوړوي، تأسیس کړی او یا له یوه بل داسي شخص سره چه داول مؤسسه ئی پرانستي وي شرکت وکړی او یا یو بل موجود شرکت کښې چه همداول معامله کړی داخل شي، نو د شرکت د پانې او دفتر د تدقیق حق به ونه لري.

مأذون است در اخير سال دفتر دارائی و بیلانس و اوراق شرکت را بالذات یا به معرفت اهل خبره تدقیق و کنترول نماید. در صورت اعتراض بر علیه اهل خبره به اثر مراجعت شریک محدود المسئولیت، اهل خبره از طرف محکمه تعیین می شود.

ماده ۲۵۰:

احکام ماده (۱۵۸) در منع شرکای شرکت تضامنی از اجرای معاملاتی که موضوع شرکت را تشکیل می دهد، در مورد شرکای محدود المسئولیت جریان نمی یابد. ولی اگر شرکای محدود المسئولیت یک مؤسسه را که معاملات آن موضوع شرکت را تشکیل می دهد، تأسیس نمایند و یا با یک شخص دیگر که چنین مؤسسه باز کرده باشد، شرکت کنند و یا به یک شرکت موجود که همین نوع معامله را می نماید داخل شوند، در اوراق و دفاتر شرکت حق تدقیق را نخواهند داشت.

ماده ۲۵۱:

د یوه محدود المسئولیت شریک
مسئولیت د هغې پانگې په اندازه
دی چه یې ورکړی او یا یې په غاړه
اخیستی وي.

ماده ۲۵۲:

محدود المسئولیت شریک د
حسابي کال په پای کښې کولای
شي چه د گټې خپله برخه او که په
قرارداد کښې تصریح وي، خپله
ټکټ پولې هم اخیستلای شي.
لیکن که شرکت زیان کړی وي نو
تر هغه وخته چه هغه زیان پوره
شوی نه وي، ټکټ پولې نه ورکولای
کیرې. مگر په راتلونکې کال کښې
د پانگې د زیان له پوره کولو څخه
وروسته د تیرو کالو له پاتې گټې
څخه ټکټ پولې ورکولای کیرې.

ماده ۲۵۳:

محدود المسئولیت شریکان
مجبور ندی چه هغه ټکټ پولې او
گټه چه پخوانی اخیستی دی،
دداسې زیانونو د پوره کولو دپاره
چه پس له دی پیښېږی، بیرته
ورکړی.

ماده ۲۵۱:

مسئولیت یک شریک محدود
المسئولیت به اندازه
سرمایه ایست که تأدیه و
یا تعهد کرده است.

ماده ۲۵۲:

شریک محدود المسئولیت
در اخیر سنه حسابه
می تواند حصه مفاد را و اگر در
قرارداد تصریح شده باشد،
تکت پولی خود را نیز بگیرد.
لیکن اگر شرکت نقص کرده
باشد، تا زمانی که تلافی شود،
تکت پولی داده نمی شود اما
در سنه آتیه بعد از اكمال
نقص سرمایه از متباقی
مفاد، تکت پولی سالهای
گذشته پرداخته می شود.

ماده ۲۵۳:

شرکای محدود المسئولیت
مجبور نیستند که تکت
پولی و مفادی را که قبلاً اخذ
کرده اند برای جبران ضرر
هایی که بعداً واقع می شود،
اعاده نمایند.

ماده ۲۵۴:

محدود المسئولیت شریک چه د مرتب او منظم بیلائس له مخې گټه یا ټکت پولي اخیستی وي، په بیرته ورکولو نه مجبورېږي.

ماده ۲۵۴:

شریک محدود المسئولیت که نظر به بیلائس مرتب و منظم مفاد و یا تکت پولي اخذ کرده باشد، مجبور به اعاده آنها نمی شود.

ماده ۲۵۵:

دیوه محدود المسئولیت شریک د فوت په صورت کښې دده ورثه دده قایم مقام بلل کیږي.

ماده ۲۵۵:

در صورت وفات یک شریک محدود المسئولیت، ورثه قایم مقام متوفی شمرده می شود.

ماده ۲۵۶:

که محدود المسئولیت شریک په شرکت کښې خپل حق بي د نورو شریکانو له اجازي څخه ټول یا یو څه اندازه بل چاته پرېږدی نو پیروونکي به د شرکت د چارو په ادارو او تدقیق کښې د دخالت حق ونلري.

ماده ۲۵۶:

اگر شریک محدود المسئولیت حق خود را در شرکت بدون اجازه سایر شرکاء کلاً و یا بعضاً به شخص دیگری واگذار نماید مشتری حق دخالت در اداره و تدقیق در امور شرکت را نخواهد داشت.

در پیمه برخه

د شریکانو مناسبات له در پیمو کسانوسره

حصه سوم

مناسبات شرکاء باشخاص ثالث

ماده ۲۵۷:

د هغه محدود المسئولیت شریک چه نوم يي د شرکت په عنوان کښې داخل وي، د دریمو کسانو په مقابل کښې د غیر

ماده ۲۵۷:

شریک محدود المسئولیتی که اسم آن در عنوان شرکت داخل باشد، به مقابل اشخاص ثالث بصورت

محدود مسئول په صورت بلل کيږي.

ماده ۲۵۸:

د مختلط تضامني شرکتونو د ادارې او نمایندګي مسئولیت په هغو شریکانو پورې چه مسئولیت یې غیر محدود وي، اړه لري. ددی صلاحیت حدود دهغو احکامو تابع دی چه د تضامني شرکتو په خصوص کښې مقرر شوی دی. که د شرکت په قرارداد کښې کوم مانع نه وي امکان لري چه محدود المسئولیت شریک د مدیر یا د شرکت د مدیرانو له خوا د ټاکلیو مسایلو دپاره وکیل ودراره شي. پدی صورت، هغه مسئولیت چه دده د معاملاتو له پر ځای کولو څخه پیدا کيږي، په شرکت پورې اړه لري. محدود المسئولیت شریک چه د خپل وکالت له حدود څخه تیری او یا بي له وکالت څخه اجراءات وکړي نو هغه مسئولیت چه دده له معاملي څخه پیدا کيږي، پخپله په ده پورې اړه لري.

ماده ۲۵۹:

د محدود المسئولیت شریکانو له خواد شرکت په چارو کښې د

غیر محدود مسئول شمردنه می شود.

ماده ۲۵۸:

مسئولیت اداره و نمایندګي شرکت های تضامنی مختلط به شرکائیکه مسئولیت ایشان غیر محدود باشد، عائد است. حدود این صلاحیت تابع احکامی است که راجع به شرکت های تضامنی مقرر شده است. اگر در قرارداد شرکت منع نباشد، شریک محدود المسئولیت ممکن است از طرف مدیر و یا مدیران شرکت برای مسایل معینی وکیل انتخاب شود. درین صورت مسئولیتی که از ایفای معاملات وی نشئت کند، عاید به شرکت است. شریک محدود المسئولیت که از حدود وکالت خود تجاوز می کند و یا بدون وکالت اجراءات نماید، مسئولیتی که از معامله وی نشئت می کند، عاید به شخص خودش می باشد.

ماده ۲۵۹:

اعطای مشورت از طرف شرکاء محدود المسئولیت،

مشوري ورکول، د پلټنې او مراقبت د حق استعمال، او په داسې احوالو کې چې قانوناً ټاکلي شوی وي، د مامورینو په ټاکلو او عزل کېنې اشتراک او د شرکت په فرعي چارو کېنې استخدام د محدود المسئولیت شریکانو د غیر محدود مسئولیت موجب نه ګرځي.

۲۶۰ ماده:

محدود المسئولیت شریکان په ځان منلو پیسو څخه په هغې اندازې چې د دوی په غاړه پاتې وي د شرکت د پوروالو په مقابل کې مسؤل دی مګر پوروالان تر هغه وخته پورې چې شرکت منحل او یا په هغه باندې اصولي تعقیبات بې نتیجې شوی نه وي، محدود المسئولیت شریکانو ته مراجعه نشي کولای. د شرکت د افلاس په حال کېنې پوروالان د هغې د ټولې دارايي د غوښتلو حق لري.

۲۶۱ ماده:

د مختلط تضامني شرکت د افلاس په صورت د شرکت د پوروالو د پور اداء کولو حق نظر د شریکانو شخصي پوروالو ته پرمې دي.

استعمال حق تفتیش و مراقبت در امور شرکت و اشتراک در تعیین و عزل مامورین در احوالیکه قانوناً معین شده است و استخدام در داخل شرکت به امور فرعی موجب مسئولیت غیر محدود شرکاء محدود المسئولیت نمی گردد.

ماده ۲۶۰:

شرکای محدود المسئولیت از مبالغ متعهد به اندازه که در ذمت آنها باقی باشد در مقابل دائین شرکت مسؤل اند، لیکن دائین تا وقتی که شرکت منحل و یا تعقیبات اصولی بر علیه آن عقیم نمانده باشد به شرکای محدود المسئولیت مراجعه نمی توانند. در صورت افلاس شرکت دائین به مجموع دارائی آن حق مطالبه دارند.

ماده ۲۶۱:

در صورت افلاس شرکت تضامنی مختلط طلبات دائین شرکت از طلبات دائین شخصی شرکاء مقدم می باشد.

ماده ۲۶۲:

که د شرکت دارایی د پورووالو پورونه پوره نشي کړای نو پوروالان کولای شي چه د خپلو پاتي پورونو دپاره د غیر محدود المسئولیت د هر یوه شریک شخصی مالونو ته مراجعه وکړی او پدی حال کښې د شرکت پوروالان د شریکانو له شخصی پوروالاتو سره مساوي حق لري.

ماده ۲۶۳:

نسبت د محدود المسئولیت شریک دارایی ته چه افلاس یی کړی وي مختلط تضامني شرکت او شخصی پوروالان مساوي حق لري.

ماده ۲۶۴:

د تضامني شرکتو د تصفيي او انحلال په خصوص کښې د احکامو مواد په مختلطو تضامني شرکتو کښې هم تطبیقېږی.

ماده ۲۶۵:

هغه څوک چه په شرکت باندی پور ولري او له بلي خوا د یوه داسي محدود المسئولیت شریک پوروړی وي چه تر اوسه یی د خپلې پانگې برخه نه وي ادا کړی نو ممکنه ده

ماده ۲۶۲:

اگر دارائی شرکت طلبات دائنین را کفایت نکند، دائنین می توانند برای طلبات متباقیه خود به اموال شخصیه هر شریک غیر محدود المسئولیت مراجعه نمایند و درین حال دائنین شرکت با دائنین شخصی شرکاء حقوق مساوی دارند.

ماده ۲۶۳:

نسبت به دارایی شریک محدود المسئولیت که افلاس کرده باشد، شرکت تضامنی مختلط و دائنین شخصی او حقوق مساوی دارند.

ماده ۲۶۴:

احکام مواد راجع به انحلال و تصفیه شرکت های تضامنی در شرکت های تضامنی مختلط نیز تطبیق می شود.

ماده ۲۶۵:

شخصی که بالای شرکت طلب داشته و از طرف دیگر مدیون یک شریک محدود المسئولیت باشد که هنوز حصه سرمایه خود را تأدیه نکرده ممکن

چه دا پور د محدود المسئولیت شریک د پور په عوض کښې ور حساب کړی.

است این قرض را با دین شریک محدود المسئولیت محسوب نماید.

خلورم فصل د انونیم (سهامی شرکت)

فصل چهارم شرکت سهامی (انونیم)

لومړی برخه - د انونیم د (سهامی شرکتو ماهیت او د جوړښت صورت)

حصة اول - ماهیت و صورت تشکیل شرکت‌های سهامی (انونیم)

ماده ۲۶۶: سهامی شرکت دهغه شرکت نوم دی چه تر یوه ټاکلي عنوان لاندې د تجارتی معاملو دپاره تشکیل شوی او پانگه یې ټاکلي او په برخو ویشلي شوی او دهر شریک د مسئولیت اندازه دهغه د برخي په اندازي پورې محدوده وي.

ماده ۲۶۶: شرکت سهامی شرکتی است که تحت یک عنوان معین برای معاملات تجارتی تشکیل شده، سرمایه آن معین و منقسم با اسهام بوده و اندازه مسئولیت هر شریک به اندازه سهم آن محدود باشد.

ماده ۲۶۷: سهامی شرکتونه یا په اني یا په تدریجي صورت تشکیلېږي. که د شرکت مؤسسان د ټولو برخو تعهد وکړی او یا یې رانیسي، سهامی شرکت په اني صورت، او که مؤسسين ټول اسهام په خپله عهده وانخلي نو سهامی شرکت په

ماده ۲۶۷: شرکت‌های سهامی یا بصورت آنی و یا تدریجی تشکیل می‌شود. اگر مؤسسين تمام اسهام شرکت را تعهد و یا اخذ کنند، شرکت سهامی به صورت آنی تشکیل می‌یابد. اگر مؤسسين تمام اسهام را به عهده خود نمی‌گیرند شرکت

سهامی به صورت تدریجی تشکیل یافته و درین صورت برای تعهد متباقی اسهام با اهالی اعلان و مراجعه می گردد.

ماده ۲۶۸:

برای تشکیل یک شرکت سهامی اقلأ وجود پنج نفر مؤسس صاحب سهم شرط است.

ماده ۲۶۹:

در شرکتهای سهامی سهم دارانیکه اساسنامه شرکت را تنظیم و امضاء می کنند و بنام سرمایه مبلغی بطور نقدی و یا غیر نقدی تأدیه می کنند، مؤسس شمرده می شوند.

ماده ۲۷۰:

مؤسسين بايد اساسنامه را تنظيم و امضاء کنند، اساسنامه بایستی دارای مواد ذیل باشد:

- ۱- عنوان شرکت و مرکز آن.
- ۲- نوع و ماهیت معاملات و موضوع شرکت.
- ۳- تعیین مقدار سرمایه و نوع اسهام، قیمت هر سهم و شرایط تأدیه سهام.

تدریجی صورت تشکیلیري او پدی صورت د پاتي اسهامو د تعهد دپاره وگړو ته اعلان او مراجعه کیري.

ماده ۲۶۸:

د یوه سهامی شرکت د جوړولو دپاره لږ تر لږه د برخي د خاوندانونه د پنځو تنو مؤسسانو وجود شرط دی.

ماده ۲۶۹:

په سهامی شرکت کښې هغه برخي لرونکی چه د شرکت اساسنامه جوړوی او لاس لیک کوي ئي او د پانگې په نامه یوه اندازه پیسې په نقدی یا غیر نقدی صورت ورکوی مؤسس بلل کیري.

ماده ۲۷۰:

مؤسسين بايد اساسنامه جوړه او لاس لیک کړی، اساسنامه باید دا لاندی مواد ولري:

- ۱- د شرکت عنوان او مرکز.
- ۲- د شرکت موضوع او د معاملاتو ډول او ماهیت.
- ۳- د پانگې د اندازي ټاکل او د برخو ډول، د هري برخي قیمت او د برخو ورکولو شرطونه.

۴- هغه خصوصي گټې چه له مفاد څخه مؤسسینو او د مدیره هیئت غړیو او یا نورو کسانو ته ورکولي کیږي.

۵- د مدیره هیئت او د نظار هیئت د ټاکلو طرز او د دوی وظیفې او د ادارې صلاحیت او د هغه لاس لیک.

۶- د عمومي جرگې د غونډې شکل او د سهم لرونکو د غوښتنې ترتیب، د ټولنې وخت، د خبرو اترو د اجراء شرطونه، تصویب او د رای اخیستل.

۷- د شرکت د دوام د مودی قید که شرکت په یوه موده پورې محدود وي.

۲۷۱ ماده:

د اساسنامې نقل چه د (۲۷۰) مادی په حکم ترتیبېږي او د ملي اقتصاد وزارت ته وړاندې کیږي او د شرکت د تشکیل د پاره اجازه حاصلیږي.

۲۷۲ ماده:

له اجازې وروسته که شرکت په ورو ورو تشکیلېږي نومؤسسین به یو داسې اعلان کوي چه لاندنۍ مطلبونه پکښې وی:
۱- د شرکت موضوع اوموده.

۴- منافع مخصوصه که از مفاد برای مؤسسین و اعضای هیئت مدیره و یا اشخاص دیگر تأذیه می‌شود.

۵- طرز انتخاب هیئت مدیره و هیئت نظار و وظایف و صلاحیت اداره و امضای ایشان.

۶- شکل انعقاد به مجمع عمومی و ترتیب دعوت سهامداران، وقت اجتماع، شروط اجرای مذاکرات تصویب و اتخاذ رای.

۷- قید مدت دوام شرکت اگر شرکت محدود به یک مدت باشد.

ماده ۲۷۱:

نقل اساسنامه که به موجب ماده (۲۷۰) ترتیب می‌گردد، به وزارت اقتصاد ملی تقدیم و برای تشکیل شرکت اجازه حاصل می‌شود.

ماده ۲۷۲:

بعد از اجازه اگر شرکت تدریجاً تشکیل می‌شود، مؤسسین اعلانی محتوی مطالب ذیل نشر میدارند:
۱- موضوع و مدت شرکت.

- ۲- د هري برخي د قيمت ټاکل او د پانگې اندازه او خصوصي گټې چه د اساسنامي له مخې مؤسسینو او يا نورو کسانو ته ورکولي کيږي.
- ۳- جنسي شته چه د پانگې په عوض ورکول کيږي.
- ۴- که د يوي مؤسسي پيږودل تجويز شوی وي، د هغي قيمت.
- ۵- د تأسيس د عمومي مجمع د غونډې ځای او صورت.

۲۷۳ ماده:

- د شرکت په پانگه کښې د اشتراک تقاضا په لاندی دوو نسخو کښې تنظيم کيږي:
- ۱- د (۲۷۲) مادی د محتوياتو لنډيز.
- ۲- د هغو کسانو نوم او شهرت، د استوگنې ځای چه اشتراک په غاړه اخلي.
- ۳- په تورو دهغي برخي اندازه چه د هغي د اخیستلو تعهد يي کړی دی او تعهد د نېټې سره ليکل.
- ۴- د اساسنامي د مندرجاتو قبولول که په ټاکلي موده کښې شرکت تشکیل نشي نو د اشتراک کوونکي تعهد بي اثره دی.

- ۲- تعيين قيمت هر سهم و مقدار سرمايه و منافع خصوصي که برای مؤسسین و يا اشخاص ديگر به موجب اساسنامه تأديه می شود.
- ۳- دارائی جنسی که عوض سرمايه داده می شود.
- ۴- اگر خريد مؤسسه تجويز شده باشد، قيمت آن.
- ۵- محل و صورت انعقاد مجمع عمومی تأسيس.

ماده ۲۷۳:

- تقاضای اشتراک به سرمايه شرکت در دو نسخه قرار ذیل تنظيم می شود:
- ۱- خلاصه محتويات ماده (۲۷۲).
- ۲- اسم و شهرت و اقامتگاه اشخاصی که اشتراک را تعهد می کنند.
- ۳- مقدار سهمی که اخذ آنرا تعهد نموده اند به حروف و تاریخ تعهد.
- ۴- قبول مندرجات اساسنامه، اگر در ظرف مدت معین شرکت تشکیل نشود، تعهد اشتراک کننده بی اثر است.

د اشتراک تقاضا د هغو مکتوبونو په لېږلو چه د اشتراک کوونکي په لاسلیک يي تصدیق شوی وي هم د اشتراک د تقاضا پسه حیث قبلیدای شي.

۲۷۴ ماده:

ټول هغه سهمونه چه د شرکت د پانگې په مقابل کښې صادرېږي باید حقیقتاً او ټول تعهد او لږ ترلږه د هر سهم د قیمت څلورمه برخه نقده ورکړه شي.

۲۷۵ ماده:

د سهم د اسنادو صدور چه له ټاکلي قیمت څخه لږ وی جائز نه دی.

۲۷۶ ماده:

پدی صورت چه د اسهامو د قیمت د څلورمي برخي ورکول چه ورکړه يي قانوناً ضروري وي د تعهد په وخت کښې شرط شوی نه وي، مؤسسين کولای شي چه د تعهداتو له تکمیل او اختتام څخه وروسته له هغو کسانو سره چه د اشتراک تعهد يي کړیدی د راجستري لیکونو په لېږلو او هم د جرائدو په ذریعه اعلان کړی او له دوي څخه

تقاضای اشتراک با فرستادن مکاتیبی که امضای اشتراک کننده تصدیق شده باشد هم به حیث تقاضای اشتراک قبول شده می تواند.

ماده ۲۷۴:

مجموع اسهامیکه در مقابل سرمایه شرکت صادر می گردد باید حقیقتاً و تماماً تعهد و اقلاً ربع قیمت هر سهم نقداً تأدیه شود.

ماده ۲۷۵:

صدور اسناد سهم کمتر از قیمت مقررۀ آن جایز نیست.

ماده ۲۷۶:

در صورتی که پرداخت ربع قیمت اسهام که تأدیه آن قانوناً مقتضی است در حین تعهد شرط نشده باشد، مؤسسين می توانند بعد از تکمیل و اختتام تعهدات به اشخاصی که اشتراک را تعهد کرده اند با ارسال مکتوب راجستری و نیز ذریعۀ جراید اعلان کرده و تأدیه

د تعهد کړیو اسهامو د څلورمې برخې د ورکړې په ټاکلي موده تقاضا وکړي.

هغه کسان چه اشتراک یې په غاړه اخیستي دي که په ټاکلي موده کښې یې د قیمت څلورمه برخه ورکړي، مؤسسين واک لری چه ددی کسانو علاقه له شرکت څخه وشلوي او یا هغوي د تعهد په ځای کولو باندی مجبور کړي. په دي صورت کښې چه د متعهدینو علاقې له شرکت څخه وشلېږي نو هغه کسان چه د دوی په عوض تعهد کوي، مؤظف دي چه د اسهامو د قیمت څلورمه برخه ورکړي. ترڅو چه د برخو څلورمه برخه تحويل شوی نه وي، شرکت نشي جوړېدلای.

۲۷۷ ماده:

د اسهامو د قیمت څلورمه برخه چه د تعهد کوونکو له خوا ورکوله کیږي، یوه معتبر بانک ته سپار له کیږي. د شرکت د جوړښت په صورت د مدیره هیئت له خوا د یو داسي سند د ښکاره کولو په موجب چه د شرکت ثبت او اعلان او د مربوطه مقام اجازه پکښې

ربع اسهام متعده شان را در ظرف مدت معین تقاضا کنند.

کسانی که اشتراک را تعهد کرده اند اگر در ظرف مدت مذکور ربع قیمت را تأدیه نکنند، مؤسسين مختار اند که علاقه آن اشخاص را از شرکت قطع و یا ایشان را به ایفای تعهد مجبور سازند. در صورتی که علائق متعهدین با شرکت قطع گردد، کسانی که بعوض آنها متعهد می شوند مؤظفند که ربع قیمت سهام را تأدیه کنند و تا وقتی که ربع قیمت سهام تأدیه نشود، شرکت تشکیل شده نمی تواند.

ماده ۲۷۷:

ربع قیمت سهامی که از طرف تعهد کنندگان تأدیه می شود، به یک بانک معتبر تسودیع می گردد. در صورت تشکیل شرکت به موجب ارائه سندی از طرف هیئت مدیره که حاوی ثبت و اعلان شرکت و اجازه

وي، ټولي شوی پیسې شرکت ته ورکولي کېږي. مګر د شرکت د نه جوړېدو په حال کېنې دا پیسې هغو کسانو ته چې هغه یې سپارلی دی د سند له مخې بیرته ورکولي کېږي. د هغو اسهامو د قیمت څلورمه چې بانک ته سپارلی شویږي په هیڅ صورت مؤسسينو ته نه ورکولي کېږي.*

ماده ۲۷۸:

د شرکت د ټولي پانګې له تعهد او د اسهامو له ټاکلي قیمت ورکولو څخه وروسته مؤسسين باید په لسو ورځو کې د هر سهم خاوند د هغه په ټاکلي آدرس د راجستري لیکونو د لیږلو او په جريدو کېنې د اعلان په ذریعه د تاسیس عمومي مجمع ټولني ته راوغواړي. ددی لیکونو لیږل او د اعلان خپریدل باید د ټولني له وخت څخه لږ تر لږه پنځلس ورځې پخوا وشي او دا لاندني مطلبونه پکېنې داخل وي:

۱- د ټولو سهمونو د اشتراک د تعهد تصدیق او د قیمت د څلورمې ورکړه.

مقام مربوطه باشد، پول جمع آمده به شرکت تأدیه می‌شود. ولی در حال عدم تشکیل شرکت، پول مذکور به اشخاصی که آنرا تودیع نموده اند، به موجب ارائه سند اعاده می‌گردد. ربع قیمت اسهامیکه به بانک تودیع شده است، به هیچ صورت به مؤسسين داده نمی‌شود.*

ماده ۲۷۸:

بعد از تعهد تمام سرمایه شرکت و تأدیه قیمت معین اسهام، مؤسسين باید در ظرف ده روز به ارسال مکتوبهای راجستري به آدرس معینه هر سهم دار و اعلان به جراید، مجمع عمومی تأسیس را به اجتماع دعوت نمایند. ارسال این مکاتیب و نشر اعلان باید اقلأ پانزده روز قبل از وقت اجتماع به عمل آید و مطالب ذیل در آن مندرج باشد:

۱- تصدیق تعهد اشتراک تمام اسهام و تأدیه ربع قیمت.

* ایزاد ماده ۲۷۷ در بخش تعديلات این قانون آمده.

- ۲- د هغو اجناسو چه د پانگې د قیمت په عوض ورکړې شويدي او يا د کومي مؤسسي د پيړودلو دپاره چه د اساسنامي له مخې مجاز وي د قیمت د ټاکلو له پاره د پوهو کسانو انتخابول.
- ۳- د هغو مخصوصو گټو په باره کښې چه د مؤسسينو د پاره شرط شوی وي پيشنهاده کول.
- ۴- که په اساسنامه کښې د مديره هيئت غړي پيش بيني شوی نه وي د مديره هيئت غړي ټاکل.
- ۵- د نظارت هيئت ټاکل.

۲۷۹ ماده:

د تأسيس عمومي مجمع به په ټاکلي ورځو کښې غونډه کوي او په (۲۷۸) مادي کښې د ذکر شويو مسايلو په شاوخوا کښې به خبري اتري او تصويب کوي.

د مجمع تصويبونه به پدی صورت د اعتبار وړ دی چه لږ ترلږه هغه کسان چه د شرکت نیمایي پانگه يي ورکړی وي، حاضر وي.

د هر سهم، سهم لرونکی ته به د یوي رایي حق ورکوي او تصويبونه د موجوده رایو په

- ۲- انتخاب اهل خبره برای تعیین قیمت اجناسیکه عوض سرماییه داده شده و اشتراکي کدام مؤسسه که به قرار اساسنامه مجاز باشد.
- ۳- پيشنهاده راجع به منافع مخصوصه که برای مؤسسين شرط شده باشد.
- ۴- اگر اعضای هیئت مدیره در اساسنامه پيش بيني نشده باشد، تعیین اعضای هیئت مدیره.
- ۵- تعیین هیئت نظار.

ماده ۲۷۹:

مجمع عمومی تأسيس در روز معين اجتماع نموده، در اطراف مسايل متذکره ماده (۲۷۸) مذاکره و تصويب می کنند.

تصاویب مجمع در صورتی معتبر خواهد بود که اقلاً اشخاصی که نصف سرمایه شرکت را تمثيل نمایند، حاضر باشند.

هر سهم برای سهم دار حق یک رای را می دهد و تصویبات به اکثریت آرای

دیروالی د اعتبار وړ وي.

موجوده معتبر می باشد.

ماده ۲۸۰:

ماده ۲۸۰:

هغه مؤسسين او يا نور سهم لرونکي چه د پانگې په ځای جنس ورکوي او يا هغه مؤسسين چه مخصوصي گټې يې د ځانونو دپاره پيش بيني کړيدی په هغو خبرو اترو کښې چه د اجناسو د قيمت ټاکلو او يا د مخصوصو گټو د تثبيت په خصوص کښې کيږي، د رای حق نلري.

مؤسسين با ساير سهم دارانسی که جنسی را عوض سرمایه می دهند و یا مؤسسينی که منافع مخصوصه را برای خود پيش بينی نموده اند، در مذاکراتی که راجع به تعيين قيمت اجناس و یا تثبيت منافع مخصوصه به عمل می آید، حق رأی ندارند.

ماده ۲۸۱:

ماده ۲۸۱:

که د شرکت د مدیره هیئت لمړی غړی د اساسنامې له مخې ټاکلي شوی نه وي نو د مؤسسينو د عمومي مجمع له خوا له سهم لرونکو څخه ټاکل کيږي.

اگر اولین اعضای هیئت مدیره شرکت به موجب اساسنامه تعیین نگردیده باشند، از طرف مجمع عمومی مؤسسين از بين سهامداران انتخاب می شوند.

د نظار هیئت لمړني انتخاب په منحصر ډول د تاسيس په عمومي مجموع پورې اړه لري، د هغو ټاکل د اساسنامې له مخې جائز نه دی. د نظارت چاري دوو تنو يا له دوو تنو څخه زیاتو سهم لرونکو ته يا له هغو نه د باندی خلکو ته سپارلی کيږي.

انتخاب اولین هیئت نظار مخصوصاً مربوط به مجمع عمومی تاسيس بوده، تعیین آن ذریعۀ اساسنامه جایز نیست. امور نظارت به دو نفر یا بیشتر از سهامداران یا خارج آن تفویض می شود.

ماده ۲۸۲:

د تأسيس په عمومي مجمع کښې چه د (۲۷۹) مادي له مخې غونډه شوی د جنسي پانگو او د هغو مؤسسو چه پلورلي کيږي، د قيمت دپاره د پوهو کسانو په ټاکلو کښې لږ ترلږه د شرکت د نقدي پانگې د سهم لرونکو د دوو ثلثو حضور شرط دی.

تصويبونه د آراوو په اکثريت نيول کيږي.

پدی صورت چه د خبرو اترو نصاب ممکن نه وي نو پوه کسان د مؤسسينو د غوښتنې له مخې د مربوطي محکمي له خوا ټاکل کيږي.

ماده ۲۸۳:

وروسته له هغه چه د پوهو کسانو له خوا رپوټ جوړ شو، د تأسيس د عمومي مجمع مؤسسين په هغه ترتيب او موعده چه په (۲۷۸) ماده کښې ذکر دی بيا غونډې ته غواړي او له غوښتنپانې سره د پوهو کسانو د رپوټ د صورت يوه يوه پاڼه ضميمه کوي. د تأسيس د عمومي مجمع د خبرو اترو او تصويب کولو واک د اکثريت د هغه

ماده ۲۸۲:

د مجمع عمومي تأسيس که به موجب ماده (۲۷۹) منعقد می گردد، د تعيين اهل خبره جهت قيمت سرمايه های جنسي و مؤسسه هايی که خريده می شود، حضور اقلأ دو ثلث سهامداران سرمايه نقدي شرکت شرط است.

تصويبات به اکثريت آراء اتخاذ می شود.

در صورتی که تکميل نصاب مذاکره ممکن نباشد، اهل خبره نظر به خواهش مؤسسين از طرف محکمه مربوطه تعيين می شود.

ماده ۲۸۳:

بعد از تنظيم راپور از طرف اهل خبره، مؤسسين مجمع عمومی تأسيس را به ترتيب و موعديکه در ماده (۲۷۸) ذکر است مجدداً به اجتماع دعوت می نمايند و به دعوت نامه یک یک قطعه صورت راپور های اهل خبره را ضميمه می کنند. صلاحيت مجمع عمومی تأسيس به مذاکره و اتخاذ تصويب تابع نصاب اکثريت

نصاب تابع دی چه په (۲۷۹) ماده
کښې څرگند شوی دی.

ماده ۲۸۴:

د تاسیس عمومي مجمع د پوهو
کسانو دا رپوت گوری او د هغو
کسانو چه جنسي پانگې ورکړیدی
او د هغو مالکینو چه خپلې
مؤسسی پلوري، توضیحات اوري.
هغه قیمت چه د پوهو کسانو په
رپوت کښې ذکر شوی دی، یا یی
قبلوي یا یی ردوي او یا یی د
مالکینو په موافقت تعدیلوي.

ماده ۲۸۵:

که د تاسیس په عمومي مجمع
کښې چه د پوهو کسانو د رپوت د
تدقیق دپاره غوښتی شوی ده
نصاب بشپړ نشي نو مؤسسين
(یوه پانه د مجلس رویداد)
جوړوی او د راجستري لیکونو په
ذریعه یی سهم لرونکو ته
ورلیږی او په جريدو کښې یی
اعلانوي. پدی حال کښې به
راتلونکی مجلس یوه میاشت
وروسته د غونډې دپاره راوغوښتل
شي.

ماده ۲۸۶:

که د تاسیس په عمومي مجمع

است که در ماده (۲۷۹) توضیح
شده است.

ماده ۲۸۴:

مجمع عمومی تأسیس راپور
های اهل خبره را مطالعه و
توضیحات اشخاصی که سرمایه
جنسی داده اند و مالکینی که
مؤسسات خود را می فروشند،
استماع می نماید. قیمتی را که
در راپور اهل خبره ذکر شده قبول
و یا رد کرده و یا موافقت
مالکین آنرا تعدیل می نماید.

ماده ۲۸۵:

در مجمع عمومی تأسیس
که برای تدقیق راپور اهل
خبره دعوت شده اگر نصاب
تکمیل نشود، مؤسسين یک
(ورقه رویداد مجلس) را
تنظیم و ذریعه مکاتیب
راجستری به سهامداران
ارسال و در جراید اعلان
می دارند. درین حال، مجلس
آینده بعد از یکماه
دعوت به اجتماع خواهد
شد.

ماده ۲۸۶:

اگر در مجمع عمومی تأسیس

کسبې د آراوو اتفاق حاصل نشي، مخالفين کولای شي چه د خپلو عقيدو د اختلاف علتونه وليکي.

ماده ۲۸۷:

مؤسسین نشي کولای چه په اساسنامه کسبې هغه مقررات درج کړي چه د هغو په موجب بي عوضه (مجانې) اسهام يا نقدی روپۍ چه د شرکت د پانگې د لږوالی باعث شي، خپلو ځانوته تخصیص کړي.

ماده ۲۸۸:

وروسته د (۲۷۹) او (۲۸۴) مادو د مقرراتو له اجراء څخه مؤسسین په پنځلسو ورځو کسبې هغه بیان نامه چه د سهامی شرکتونو د تشکیل د مقتضیه شرطونو اجراء، د شرکت اساسنامه، د اسهامو د قیمت د ربع ورکولو په خصوص کسبې د بانک آویز، د تأسیس د عمومی مجمع رویداد، د جنسي پانگې يا کومي مؤسسې د قیمت ټاکلو په خصوص کسبې د پوهو کسانو رپوټ او که معامله په امتیاز پورې مربوطه وي، امتیاز نامه او يا د هغي مصدق نقل مربوطی تجارتی محکمي ته وړاندی کوی.

اتفاق آراء حاصل نشود، مخالفين می توانند علل اختلاف عقیده خود را تحریر نمایند.

ماده ۲۸۷:

مؤسسین نمی توانند در اساسنامه مقرراتی درج نمایند که به موجب آن اسهام بلاعوض (مجانې) و يا پول نقد که باعث تنقیص سرمایه شرکت گردد، به خود تخصیص دهند.

ماده ۲۸۸:

پس از اجرای مقررات ماده (۲۷۹) و (۲۸۴) مؤسسین در ظرف ۱۵ روز بیان نامه متضمن اجرای شرایط مقتضیه تشکیل شرکتهای سهامی، اساسنامه شرکت، آویز بانک راجع به تأدیه ربع قیمت سهام، رویداد مجمع عمومی تأسیس، راپور اهل خبره راجع به تعیین قیمت سرمایه جنسی يا کدام مؤسسه و اگر معامله مربوط به امتیازی باشد، امتیاز نامه و يا نقل مصدق آنرا به محکمه تجارتی مربوطه تقدیم می نمایند.

محکمہ مربوطہ اسناد پہ خیر گوری او کہ لازم شي له مؤسسینو څخه تحقیق کوي، او که نواقص ولیدل شي، پوره کوي يې او دوراندي کولو له نېټې څخه وروسته تر یوې میاشتي پورې د شرکت د تشکیل پانې تصدیقوي.

ماده ۲۸۹:

د هغه شرکت تشکیل چه د (۲۸۸) مادي له مخې تصدیق شوی وي، په تجارتي مربوطه دائره کښې ثبتیږي.

ماده ۲۹۰:

هغه شرکت چه د (۲۸۹) مادي په موجب ثبت او اعلان نشي، د قانون له مخې متشکل نه بلل کیږي او د شرکت ثبت او اعلان څخه پخوا د معاملاتو په اجراء باندی شروع نشي کولای.

ماده ۲۹۱:

هغه کسان چه د شرکت په پانگې د اشتراک متعهد شوی وي نوکه د شرکت له قانوني تشکیل څخه پخوا دوي خپل سهمونه بل ته نقل کړي، د اعتبار وړ نه دی.

محکمہ اسناد مربوطه را تدقیق و اگر لازم شود، از مؤسسين تحقیق و اگر نواقص دیده شود تکمیل و تا یکماه پس از تاریخ تقدیم اوراق تشکیل شرکت را تصدیق می کند.

ماده ۲۸۹:

تشکیل شرکتی که بموجب ماده (۲۸۸) تصدیق شده باشد، به دایره مربوطه تجارتی ثبت می گردد.

ماده ۲۹۰:

شرکتی که به موجب ماده (۲۸۹) ثبت و اعلان نشود، قانوناً متشکل شمرده نمی شود و قبل از ثبت و اعلان به اجرای معاملات شروع نمی تواند.

ماده ۲۹۱:

کسانی که متعهد اشتراک به سرمایه شرکت شده باشند اگر قبل از تشکیل قانونی شرکت اسهام خود شان را به دیگری انتقال بدهند، معتبر نیست.

ماده ۲۹۲:

په هغو شرکتونو کښې چه سمدستي تشکيلېږي، شريکان به يوه داسې اساسنامه جوړوي چه د ټولو اسهامو د تعهد په باره کښې (۲۷۴) ماده او د (۲۷۸) مادې ۴- ۵ فقرې او د (۲۷۰) مادې مقررات پکښې وي که د پانگې په يوه برخه کښې جنس وي او يا کومه مؤسسه پيږدلي شوي وي نو د قيمت د ټاکلو دپاره بيا پوه کسان د تجارتي محکمي له خوا ټاکل کيږي.

ماده ۲۹۳:

که د هغو سهامې شرکتو سهم لرونکی چه په اني صورت تشکيلېږي وغواړي چه خپل سهمونه د پلورلو دپاره عامو خلکو ته وړاندې کړي نو د (۲۷۲) او (۲۷۳) مادې د احکامو په رعايت مجبور دی.

ماده ۲۹۴:

د هغي خساري او ضرر چه د اظهار نامي او د (۲۸۸) مادې د ذکر شويو پاڼو نورو اسنادو له نه صحت څخه پيدا شي، مؤسسین او هغه کسان چه ددی پاڼو او په ليکلو

ماده ۲۹۲:

در شرکت هایی که بصورت آنی تشکیل می شود، شرکاء یک اساسنامه که حاوی ماده (۲۷۴) راجع به تعهد تمام سهام و فقرات ۴ و ۵ ماده (۲۷۸) و مقررات ماده (۲۷۰) باشد، تنظیم می نمایند. اگر در جزء سرمایه جنس یا کدام مؤسسه خریداری شده باشد، اهل خبره برای تعیین قیمت از طرف محکمه تجارتي تعیین می شود.

ماده ۲۹۳:

اگر سهامداران شرکت های سهامی که بطور آنی تشکیل می شوند بخواهند اسهام خود را برای فروش به عامه عرضه دارند مجبور به رعایت احکام مواد (۲۷۲) و (۲۷۳) می باشند.

ماده ۲۹۴:

از ضرر و خساره که در نتیجه عدم صحت اظهارنامه یا اوراق متذکره ماده (۲۸۸) و دیگر اسناد تولید شود، مؤسسین و آنهايیکه در تحریر این اوراق

کښې اشتراک کوي په ګډه سره
مسئول دی.

۲۹۵ ماده:

که د یوه شرکت ټول سهمونه تعهد
شوی نه وي او قیمت یې ورکړی
شوی نه وي مګر د حقیقت په
خلاف تعهد شوی او ورکړ شوی
بنسودل شوی وي نو مؤسسين او
هغه کسان چه پدی فعل کښې یې
له دوي سره ګډون کړی وي
مجبور دی چه دا ډول اسناد په
خپل حساب کښې ونيسي او
قیمت یې ورکړی.

۲۹۶ ماده:

که مؤسسين یا نور کسان شرکت
ته د جنسي پانګې د قیمت په
ټاکلو او یا د کومي مؤسسي په
پيړودلو کښې حيله وکړی، مکلف
دی هغه ضرر او خساره چه له دی
لاري څخه شرکت ته ور اوښتي ده
په ګډه سره وځالي.

۲۹۷ ماده:

د لمړي دوري د نظار هیئت او د
مدیره هیئت غړی مکلف دی چه
ژوره کتنه وکړی چه د شرکت په
تشکیل کښې کومه خلاف رفتاري

اشتراک می کنند، جمعاً
مسئول اند.

۲۹۵ ماده:

اگر تمام سهام یک شرکت
تعهد نگردیده و قیمت آن
تأدیه نشده باشد ولی خلاف
حقیقت تعهد و تأدیه شده
وانمود شود، مؤسسين و
اشخاصی که درین فعل با
ایشان اشتراک نموده باشند
مجبورند که چنین اسناد را
به حساب خود گرفته و قیمت آنرا
تأدیه نمایند.

۲۹۶ ماده:

اگر مؤسسين و یا کسان دیگر در
تعیین قیمت سرمایه
جنسی و یا خرید مؤسسه به
شرکت حيله نمایند، مکلف اند
ضرر و خساره که به شرکت ازیں
راه وارد می شود، مجتمعاً جبران
کنند.

۲۹۷ ماده:

اعضاء هیئت نظار و هیئت
مدیره دوره اول مکلفند
تدقیق کنند که در تشکیل
شرکت کدام خلاف رفتاری

نه وي پيښه شوی او که په دی باره کښې مسامحه وکړی او زیان پيښ شي نو په دی صورت چه له مؤسسینو څخه پوره نشي نو د مدیره هیئت او نظار هیئت غړي په ګډه سره مسئول بلل کیږي.

ماده ۲۹۸:

د مؤسسینو، د نظار او مدیره هیئتونو د غړیو مسئولیت د ثبت د نېټې نه وروسته د پنځو کالو له تیریدو څخه د شریکانو د عمومي مجمع له تصویب سره سم د صلح او ابراء وړ بلل کیږي. پدی شرط چه دا ابراء د رایو د لسمي برخي د پانګې له رایو څخه په تصویب کښې نمایندګي کړی شوی وي.

ماده ۲۹۹:

د هغو خسارو د جبران د غوښتنې حق چه شرکت یې د مؤسسینو او یا د مدیره هیئت او نظار هیئت د غړیو په مقابل کښې لري وروسته د پنځو کالو له تیریدو څخه ساقطیږي.

ماده ۳۰۰:

مؤسسین د تعهداتو او نورو هغو معاملاتو له باعته چه د شرکت د

واقع نشده باشد. اگر درین خصوص مسامحه نمایند و ضرری وارد شود، در صورتی که از مؤسسین جبران نشده باشد، اعضای هیئت و نظار جمعیاً مسئول شمرده می شوند.

ماده ۲۹۸:

مسئولیت مؤسسین، اعضای هیئت مدیره و نظار بعد از انقضای پنج سال از تاریخ ثبت طبق تصویب مجمع عمومی شرکاء قابل صلح و ابراء دانسته می شود مشروط بر اینکه ابراء مذکور به تصویب ده یک آراء که از سرمایه نمایندګی کند، بعمل آمده باشد.

ماده ۲۹۹:

حق مطالبه جبران خسارات را که شرکت در مقابل مؤسسین و یا اعضای هیئت مدیره و نظار دارا می باشد، بعد از انقضای مدت پنج سال ساقط می شود.

ماده ۳۰۰:

مؤسسین از باعث تعهدات و سایر معاملاتی که

تأسیس دپاره یی اجراء کړیدی،
ددریمو اشخاصو په مقابل
کښې مسئول دی.
که شرکت تشکیل شوی وي،
مؤسسین کولای شي چه ددی
مصارفو د جبران دپاره شرکت ته
رجوع وکړی.
له شرکت څخه د پورته
مصارفو په لاس راوړل د تأسیس
د عمومي مجمع په تصدیق پورې
اړه لري، که د شرکت تأسیس د
کوم علت په نسبت جوړشوی نه
وي، دا مصارف په مؤسینو پورې
اړه لري، سهم لرونکو ته د رجوع
حق نه لري.

برای تأسیس شرکت اجراء
کړده اند، در مقابل
اشخاص ثالث مسئول اند.
اگر شرکت تشکیل شده باشد،
مؤسسین می توانند برای جبران
این مصارف به شرکت رجوع
کنند.
دریافت مصارف فوق از شرکت
مربوطه به تصدیق مجمع
عمومی تأسیس است. اگر
تأسیس شرکت بنابر کدام
علتی صورت نگرفته باشد،
مصارف مذکور عاید به مؤسسین
بوده، حق رجوع به سهم داران
ندارند.

دوه یمه برخه مدیره هیئت

۳۰۱ ماده:

سهامي شرکتونه داډول مدیره
هیئت لري چه لږ ترلږه له دري تنو
څخه جوړوي. د مدیره هیئت غړی
د سهم لرونکو له منځه د عمومي
مجمع له خوا ټاکل کیږي. د مدیره
هیئت د غړیو لمرنی ټاکل د شرکت
د اساسنامي په ذریعه هم ممکن
دی.

حصة دوم هیئت مدیره

ماده ۳۰۱:

شرکتهای سهامی دارای هیئت
مدیره ایست که اقلأ از سه نفر
مرکب می باشد. اعضای هیئت
مدیره از میان سهامداران از طرف
مجمع عمومی انتخاب می شود.
تعیین اولین اعضای هیئت مدیره
ذریعه اساسنامه شرکت هم ممکن
است.

ماده ۳۰۲:

د مدیره هیئت هر یو غړی مجبور دی چه یوه اندازه خپل اسهام چه قیمت یې د اصلي پانگې په سلوکېنې له یوې برخې سره برابر وي شرکت ته وسپاري. که د شرکت د پانگې په سلوکېنې یوه برخه (دوه سوه) زرو افغانیو څخه زیاته وي، له دینه د زیات مبلغ سپارلو ته مجبوریت نشته.

تر هغه وخته پورې چه د مدیره هیئت غړی د خپلې واکمنۍ دوخت له مسئولیتونو څخه له عمومي مجمع څخه برائت حاصل نکړی، د دوی د سپارلیو شویو سهمونو سندونه نه بل ته انتقال او نه له شرکت څخه اخیستل کېدای شي. د همدې مقصد دپاره دا اسناد د ضمانت په حیث مهر کېږي او د شرکت په خزانه کېنې ساتل کېږي.

ماده ۳۰۳:

د مدیره هیئت غړي زیات حد ددرې کالو دپاره ټاکل کېږي. که د شرکت په اساسنامه کېنې د غړیو بیا انتخاب منع شوی نه وي، د دوی بیا انتخاب جائز دی.

ماده ۳۰۲:

هر یک از اعضای هیئت مدیره مجبور است یک مقدار اسهام خود را که قیمت آن معادل یک فیصد سرمایه اصلی باشد، به شرکت تودیع نماید. اگر یک فیصد سرمایه شرکت متجاوز از (دو صد) هزار افغانی باشد، تودیع زیادتر ازین مبلغ مجبوری نیست.

تا زمانی که اعضای هیئت مدیره از مسئولیت های زمان تصدی خود از مجمع عمومی برائت حاصل نکنند، سندات سهام مودوعه ایشان نه به دیگری انتقال و نه از شرکت اخذ شده می تواند. برای این مقصد اسناد مذکور بحیث ضمانت مهر گردیده، در خزانه شرکت حفظ می شود.

ماده ۳۰۳:

اعضای هیئت مدیره حد اکثر برای سه سال انتخاب می شوند. اگر در اساسنامه شرکت تجدید انتخاب اعضاء منع نشده باشد، انتخاب مجدد آنها جایز است.

ماده ۳۰۴:

د مدیره هیئت غړی په هر کال کښې له خپله منځه رئیس او د لزوم په صورت، د رئیس معاون انتخابوي.

ماده ۳۰۴:

اعضای هیئت مدیره در هر سال از میان خود رئیس و در صورت لزوم، معاون رئیس را انتخاب می کنند.

ماده ۳۰۵:

که د مدیره هیئت یو غړی د یوه قانوني علت له مخې برطرف شي نو مدیره هیئت په مؤقتي ډول بل سری چه قانوني شرطونه ولري انتخابوي او باید د عمومي مجمع په لمړنۍ ټولنه کښې دا موضوع د تصویب دپاره پیشنهاد کړي.

ماده ۳۰۵:

اگر یکی از اعضای هیئت مدیره بنابر علل قانونی برطرف شود، هیئت مدیره بطور مؤقتی شخص دیگری را که دارای شرایط قانونیه باشد، انتخاب می نمایند و باید در اولین اجتماع مجمع عمومی این موضوع را برای تصویب پیشنهاد کنند.

ماده ۳۰۶:

که د مدیره هیئت غړی د اساسنامي په ذریعه هم ټاکلي شوی وي، خود ضرورت له مخه د عمومي مجمع په تصویب عزل کیدای شي.

ماده ۳۰۶:

اگر اعضای هیئت مدیره ذریعه اساسنامه شرکت هم تعیین شده باشند، عندالایجاب با تصویب مجمع عمومی عزل شده می توانند.

پدی صورت له هغو امتیازاتو او گټو څخه چه د مدیره هیئت د غړیو په حیث یې درلودل، برخه نشي وړاي.

درین صورت از امتیازات و منافعی که به حیث عضو هیئت مدیره داشتند بهره مند شده نمی توانند.

ماده ۳۰۷:

د سهامی شرکت اداره او په خارج

ماده ۳۰۷:

اداره شرکت سهامی و نمایندگی

کسبې د هغه نمایندګي په مدیره هیئت پورې اړه لری.

۳۰۸ ماده:

مدیره هیئت حق لري هر ډول حقوقي معامله چه د شرکت په مرام کسبې داخله وي، د هغه په نامه اجراء او لاسلیک کړی. مدیره هیئت چه د شرکت ګټه وويني، مصالحې او حکمیت ته د ارجاع واک لری.

۳۰۹ ماده:

د هغو پانېو او اسنادو د اعتبار دپاره چه د سهامې شرکت په نامه تنظیمېږی پدی صورت چه په اساسنامه کسبې د لاس لیک صلاحیت تخصیص شوی نه وي، د مدیره هیئت د ټولو غړیو لاس لیک لازم دی.

۳۱۰ ماده:

هغه کسان چه د شرکت په نامه د لاس لیک واک لري، مجبور دی چه وروسته د شرکت د عنوان له قید څخه د هغه پای لاس لیک کړی.

۳۱۱ ماده:

د مدیره هیئت غړی په هغو خبرو اترو کسبې چه د دوی په شخصي

آن در خارج شرکت مربوط به هیئت مدیره است.

ماده ۳۰۸:

هیئت مدیره حق دارد هر نوع معاملات حقوقیه را که در داخل مرام شرکت باشد، بنام آن اجراء و امضا کنند. هیئت مدیره در صورت ملاحظه منفعت شرکت به مصالحه و ارجاع به حکمیت مجاز است.

ماده ۳۰۹:

برای اعتبار اسنادیکه به نام شرکت سهامی تنظیم می شود در صورتی که در اساسنامه صلاحیت امضاء تخصیص داده نشده باشد، امضاء تمام اعضای هیئت مدیره لازم است.

ماده ۳۱۰:

کسانیکه بنام شرکت صلاحیت امضاء دارند، مجبور اند که بعد از قید عنوان شرکت ذیل آن امضاء نمایند.

ماده ۳۱۱:

اعضای هیئت مدیره در مذاکراتی که به منفعت شخصی

گتیه پورې اړه لري گډون نشي کولای.

پدی حال کې چې دا ډول غړی مجبور دی هغه علاقه چه دوي یې په موضوع پورې لري مجلس ته څرگنده او د مجلس په جریان کې یې ثبت کړی، د مدیره هیئت غړی چه له دی احکامو څخه چپ حرکت وکړی د هغه ضرر په تضمین مجبور دی چه شرکت ته رسېدلي وي.

که د مدیره هیئت زیاتره غړی د خبرو اترو په موضوع کې یې د شخصي گټې خاوندان وي نو مسئله لمړی عمومي مجمع ته وړاندې کېږي.

۳۱۲ ماده:

د مدیره هیئت غړی بي د عمومي مجمع له اجازه نه په خپل نامه او حساب او یا د بل شخص په نامه او حساب په خپله یا په واسطه سره یوه تجارتي معامله له شرکت سره نشي کولای.

۳۱۳ ماده:

د مدیره هیئت هیڅ یو غړی نشي کولای چه بي د عمومي مجمع له اجازي نه په تجارتي معامله کې یې

شان تعلق داشته باشد اشتراک نمی توانند.

درین حال اینطور اعضاء مجبور اند علاقه را که به موضوع دارند به مجلس اظهار دارند و در جریان مجلس ثبت نمایند. اعضای هیئت مدیره که مخالف این احکام حرکت کنند، مجبور به تضمین ضرری می باشند که به شرکت وارد می شود.

اگر اکثر اعضای هیئت مدیره به موضوع مذاکره از جنبه شخص ذینفع باشند، مسئله در اولین مجمع عمومی تقدیم می شود.

ماده ۳۱۲:

اعضای هیئت مدیره بدون اذن مجمع عمومی بنام و حساب خود و یا بنام و حساب شخص دیگری بالذات یا بالواسطه یک معامله تجارتي را با شرکت نمی توانند.

ماده ۳۱۳:

هیچ یک از اعضای هیئت مدیره نمی تواند بدون اجازه مجمع عمومی در معامله

تجارتی از نوع معامله تجارتی شرکت مربوطه خود اشتغال کند و همچنین نمیتواند شخصاً به صفت عضو مسئول در یک شرکت دیگری که به همین نوع معامله مصروف می باشد، داخل شود.

شرکت می تواند از هر عضو هیئت مدیره که مخالف این حکم حرکت نموده باشد، مطالبه خساره کند و یا معامله را که بنام خود عقد نموده باشد، در بدل خساره بنام شرکت محسوب دارد و تقاضا کند منافعی که از معاملات مذکور حاصل شده باشد، به شرکت عاید گردد.

در اتخاذ تصویب راجع به مطالب فوق اعضای هیئت مدیره که مسئول اند، شرکت نمی توانند. استفاده از حقوق مذکور برای شرکت تا مدت یکسال از تاریخ وقوع معامله محفوظ است.

ماده ۳۱۴:

اگر سرمایه شرکت به نصف تنزل کند، هیئت مدیره برای

لکه دخیل مربوطه شرکت تجارتی معامله اشتغال و کپی او همداً دول نشی کولای چه په خپله شخصاً د مسئول غړی په صفت په یوه بل شرکت کښې چه په همدی دول معامله مصروف وي، داخل شي.

شرکت کولای شي چه د مدیره هیئت له هر غړی نه چه له دی حکم خخه یې چپ حرکت کړی وي خساره وغواړی او یایی هغه معامله چه په خپل نامه یې عقد کړی وي د خساری په بدل د شرکت په نامه حساب او دا تقاضا وکړی هغه گټې چه لدی معاملاتو خخه حاصلې شوی وي شرکت ته ورکړی شي.

په هغه تصویب کښې چه د پورتنیو مطالبو په شا او خوا کښې کیږی، د مدیره هیئت هغه غړی چه مسئول دی گډون نشي کولی. د شرکت لپاره د نوموړو حقوقو خخه گټه اخیستل د معاملي د پېښدلونه تر یوه کاله پورې محفوظ دی.

ماده ۳۱۴:

که د شرکت پانگه نیمایی ته رانېکته شي نو پدی صورت کښې

به مدیره هیئت د پانگې اصلي اندازي ته د هغي دپوره کولو يا په پاتي اندازه د اکتفا کولو په خصوص کښې او يا د شرکت د انحلال دپاره تصویب نیولو ته عمومي مجمع په فوري صورت راغواړی او که یواځې دریمه برخه پانگه پاتي وي او عمومي مجمع د پانگې د پوره کولو او يا د هغي په ثلث اکتفا کولو په باره کښې تصمیم ونه نیسي نو شرکت منحل بلل کیږي.

که د شرکت پورونه د هغه له شتو څخه زیات وي، مدیره هیئت مجبور دی چه محکمي ته رجوع او دافلاس اعلان وغواړی.

۳۱۵ ماده:

مدیره هیئت مکلف دی چه لږم دفترونه ترتیب کړي او په ټاکلي وخت د تیرکال بیلانس په واضح او منظم ډول جوړکړي او د سهم لرونکو د تدقیق دپاره يي د عمومي مجمع له غونډې څخه ۱۵ ورځې پخوا حاضري کړي.

۳۱۶ ماده:

ټول هغه مصارف چه د شرکت د

اتخاذ تصویب راجع به تکمیل سرمایه به مقدار اصلی و یا اکتفاء به مقدار متبقي و یا برای انحلال شرکت مجمع عمومی را بصورت فوری دعوت می کند. اگر تنها یک ثلث سرمایه باقیمانده باشد و مجمع عمومی راجع به تکمیل سرمایه و یا اکتفاء به ثلث آن تصمیم نگیرد، شرکت منحل شمرده می شود.

اگر دیون شرکت از دارایی آن زیادتر باشد هیئت مدیره مجبور است از محکمه رسیدگی و اعلان افلاس را تقاضا کند.

۳۱۵ ماده:

هیئت مدیره مکلف است دفاتر لږمه را ترتیب کرده و در موعد معین بیلانس سنه گذشته را بطور واضح و منظم تهیه دیده و اقلأ ۱۵ روز قبل از اجتماع مجمع عمومی برای تدقیق سهامداران حاضر دارد.

۳۱۶ ماده:

تمام مصارفیکه به نسبت

اداری د تأسیس په نسبت شوی وي، د کالني لگښت په مربوط حساب کښې قید یږي. مگر هغه مصارف چه د ابتدائي تأسيساتو او يا د يوي نوي خانگې جوړولو او يا د معاملاتو د ارتولو دپاره د اساسنامي له مخې او يا د عمومي مجمع په تصویب شوی وي، زیات حد تر پنځو کالو پورې د لگښت په حساب کښې ادامه مومي.

پدی صورت، باید د هرکال په بیلانس کښې د هغه کال لگښت داخل شي. د شرکت د ماشینونو، ودانیو او منقولو مالونه قیمتونه چه هر کال په بیلانس کښې د هغو ښکاره کول لازم دی، د استهلاك د وضعي نه وروسته له اصلي قیمت عبارت دی. که دامالونه بیمه شوی وي، د بیعي لگښت په بیلانس کښې ښکاره کاوه شي.

۳۱۷ ماده:

مدیره هیئت مجبور دی چه د هر حسابي کال په پای کښې سربیره په بیلانس د شرکت د مالي، اقتصادي او تجارتي

تأسیس اداره شرکت بعمل آمده باشد، در حساب مربوطه مصرف سنویه قید می گردد. لیکن مصارفیکه برای تأسیسات ابتدائی و یا احداث یک شعبه جدید و یا توسیع معاملات قرار اساسنامه و یا تصویب مجمع عمومی بعمل آمده باشد، حد اکثر تا پنج سال در حساب مصرف ادامه می یابد.

به این صورت در بیلانس هر سنه باید مقدار مصارف همان سنه درج شود. قیمت های اموال منقول و بناها و ماشین های شرکت که هر سال نشان دادن آن در بیلانس لازم است عبارت است از قیمت خرید بعد از وضع استهلاك.

اگر این اموال بیمه شده باشد، مصارف بیمه در بیلانس نشان داده می شود.

ماده ۳۱۷:

هیئت مدیره مجبور است در ختم هر سنه حسابیه علاوه بر بیلانس راپوری درباره وضعیت تجارتي، مالي و اقتصادي

وضعیت په باره کښې راپور او د کال د عمده معاملاتو لنډیز ترتیب کړی او همدا راز، د گټو د ویشلو د فیصدی او د ذخیرو د تشکیل په خصوص کښې یو پیشنهاد وړاندی کړی.

۳۱۸ ماده:

که د شرکت په اساسنامه کښې بل ډول مقرر شوی نه وي نو د مدیره هیئت غونډې لږ تر لږه د رسمي غړیو له نیمایي څخه د زیاتو په حضور سره کیږي او تصویبونه د غړیو د رایو په زیاتوالی سره د اعتبار وړ دی.

د غړیو رای ورکول یو د بل په وکالت سره جائز نه دی. د رایو د برابري په صورت موضوع راتلونکی غونډې ته پاتي کیږي. که په راتلونکی غونډه کښې هم رایي برابري وي، موضوع رده شوی بلله کیږي. د مدیره هیئت د غونډې خبري اتری د یوه منشي په ذریعه چه د غړیو له منځه او یا له دباندی ټاکل کیږي په منظم ډول په دفتر کښې ثبتیږي.

لږم دی چه تصویبونه د موجوده غړیو له خوا لاس لیک

شرکت و خلاصه معاملات عمده سال ترتیب دهد و همچنین پیشنهادی راجع به فیصدی توزیع منافع و تشکیل ذخیره تقدیم نماید.

ماده ۳۱۸:

اگر در اساسنامه شرکت طور دیگری مقرر نشده باشد، مجالس هیئت مدیره اقلأ با حضور بیش از نصف اعضاء رسمی تلقی شده و تصاویب با اکثریت آراء اعضاء موجوده معتبر است.

رای دادن اعضاء به وکالت یکدیگر جایز نیست. در صورت تساوی آراء، موضوع به جلسه آینده موکول می شود. اگر در جلسه آینده نیز آراء مساوی باشد، موضوع رد شده محسوب می گردد. مذاکرات جلسه هیئت مدیره توسط یک منشی که از بین اعضاء و یا از خارج انتخاب می شود، بطور منظم به دفتر ثبت می گردد.

لږم است تصویبها از طرف اعضاء موجوده امضاء شود و

شي او هغه غړې چه د تصویب مخالف وي، د خپل مخالفت سبب په تصویب کښې داخلوی.

۳۱۹ ماده:

که په اساسنامه کښې بل ډول مقرر شوی نه وي، د هرې ورځې ټولني دپاره د مدیره هیئت هغو غړو ته چه د عامل هیئت په جمله کښې شامل نه وي، د حضور حق الزحمه ورکوله کیږي. که د حق الزحمي اندازه په اساسنامه کښې ټاکلي شوی نه وي د عمومي مجمع له خوا ټاکله کیږي.

۳۲۰ ماده:

د مدیره هیئت غړې له هغو معاملاتو چه د شرکت په نامه يي اجراء کړي وي شخصاً مسئول نه بلل کیږي مگر په لاندنيو موادو کي به شریکانو او ثالثو اشخاصوته مسئول وي:

- ۱- د سهمونو د سندونو په بدل کښې د شریکانو د ورکړې د تصدیق غلط والی.
- ۲- د هغو گټو عدم حقیقت چه ویشلي او ورکولي کیږي.
- ۳- د هغو دفترونو نشتوالی چه قانوناً د هغو وجود لري دی او یا

اعضائیکه مخالف تصویب می باشند سبب مخالفت خود را در تصویب درج می نمایند.

ماده ۳۱۹:

اگر در اساسنامه طور دیگری مقرر نشده باشد، برای هر روز اجتماع به اعضاء هیئت مدیره که در جمله هیئت عامل شامل نباشند، حق الزحمه حضور داده می شود. اگر مقدار حق الزحمه در اساسنامه تعیین نگردیده باشد، از طرف مجمع عمومی تعیین می شود.

ماده ۳۲۰:

اعضای هیئت مدیره از معاملات که بنام شرکت انجام داده باشند، شخصاً مسئول شمرده نمی شوند مگر در مواد آتی در نزد شرکاء و اشخاص ثالث مسئول خواهند بود:

- ۱- عدم صحت تصدیق تأدیيات شرکاء در بدل سند سهام.
- ۲- عدم حقیقت مفادیکه توزیع و تأدیه می گردد.
- ۳- عدم وجود دفاتریکه قانوناً وجود آن لازمیست و

د هغو بي نظمي.

۴- د هغې فيصلې نه اجراء چه د عمومي مجمع له خوا کيږي.

۵- د هغو ټولو وظيفو نه په ځای کول چه د قانون له مخې او يا د شرکت له اساسنامې سره سمه د دوی په غاړه ايښې شوی وي.

په دی صورت چه شرکت د پنځه گونو فقرو له وظيفو څخه يوه وظيفه د مدیره هیئت يو غړی ته ورسپارلی وي نو مسئولیت يواځې هماغه غړی ته متوجه دی او په نورو غړيو به اړه ونلري.

۳۲۱ ماده:

د مدیره هیئت غړی چه نوي ټاکلي کيږي مجبور دی چه د پخوانيو غړيو له غیر اصولي معاملاتو څخه چه خبر شي نظار هیئت ته اطلاع ورکړی او که نه، د دوي په مسئولیت کښې به ورسره شریک وبلل شي.

۳۲۲ ماده:

هغه غړی چه د (۳۲۱) مادې په موجب د پخواني مدیره هیئت په غیر اصولي معاملاتو کښې مخالف څرگندوني وکړی، د

یا عدم نظم آن.

۴- عدم اجرای فیصله که از طرف مجمع عمومی بعمل می آید.

۵- عدم ایفای تمام وظایفی که از روی قانون و یا بر حسب اساسنامه شرکت بدوش ایشان گذاشته شده باشد.

در صورتی که شرکت، یکی از وظایف فقرات پنجگانه را به یکی از اعضای هیئت مدیره تفویض نموده باشد، مسئولیت تنها بخود همان عضو متوجه بوده و به سایر اعضاء ربطی نخواهد داشت.

ماده ۳۲۱:

اعضای هیئت مدیره که جدیداً تعیین می شوند، مجبورند معاملات غیر اصولی اعضای سابق را که از آن آگاه شوند به هیئت نظار اطلاع دهند و الا در مسئولیت ایشان شریک شمرده خواهند شد.

ماده ۳۲۲:

اعضائیکه به موجب ماده (۳۲۱) در معاملات غیر اصولی هیئت مدیره سابق اظهار مخالفت کرده، سبب

مخالفت سبب د غونډې په رویداد کښې داخل او نظار هیئت ته یې هم په لیکنه سره خبر ورکړی او یا د کوم عذر له کبله د همغې معاملې د خبرو اترو په وخت کښې حاضر نه وي، له مسئولیت څخه وتلي دی.

ماده ۳۲۳:

که د مدیره هیئت یو غړی په یو صورت له صورتونو څخه د شرکت د حاضر وضعیت په باره کښې په دسیسه یا له حقیقت نه په چپه بیاناتو سره دریم کسان وغلوي، نو دا شخص د هغه زیان مسئول دی چه له دی لاري څخه پېښېږي.

ماده ۳۲۴:

د هغه دعوو مسئولیت چه د (۳۲۰) او (۳۲۱) مادو له مخې د مدیره هیئت غړیوته متوجه کیږي د معاملې د وقوع له نېټې څخه پنځه کاله وروسته ساقطېږي.

ماده ۳۲۵:

پدی صورت چه عمومي مجمع د مدیره هیئت پر غړیو باندې د دعوي د اقامې کوم تصویب کړی

مخالفت خود را در رویداد مجلس درج و به هیئت نظار نیز تحریراً خبر دهند و اگر بنابر معذرتی در اثنای مذاکره همان معامله حاضر نباشند، از مسئولیت بری می باشند.

ماده ۳۲۳:

اگر یکی از اعضای هیئت مدیره بصورتی از صور با دسیسه یا بیانات مغایر حقیقت درباره وضعیت حاضره شرکت اشخاص ثالث را اغفال کند، شخصاً مسئول ضرری می باشد که ازین رهگذر وارد می شود.

ماده ۳۲۴:

مسئولیت دعاوی ای که بموجب مواد (۳۲۰) و (۳۲۱) بر علیه اعضاء هیئت مدیره متوجه میشود، از تاریخ وقوع معامله پس از پنج سال ساقط می شود.

ماده ۳۲۵:

در صورتی که مجمع عمومی به اقامه دعوی بر علیه اعضاء هیئت مدیره تصویبی بعمل

وي نو له هغه تصویب سره سم
اجراء کيږي.

که عمومي مجمع د دعوي عدم
اقامه تصویب کړي مگر هغه سهم
لرونکی چه په شرکت کښې په سلو
کښې لس پانگه لري ددی تصویب
سره مخالفت وکړي نو شرکت د
تصویب او د مخالفینو د غوښتنې
له نېټې څخه مجبور دی چه تر
یوې میاشتې پورې دعوا
ورباندې جوړه کړي. په پاس
خصوص کښې د شرکت په
نامه د دعوي اقامه په نظر
هیئت پورې اړه لري.

که د دعوي اقامه د هغو سهم
لرونکو په آراو باندې چه د شرکت
په سلوکي لس پانگه ولري وشي
نو سهم لرونکی ممکن دی چه له
خارج څخه وکیل وټاکي.

هغه سهم لرونکی چه د دعوي په
اقامه رای ورکوي، مجبور دی چه
خپل سهمونه د شرکت د خساري د
تأمین په نامه د دعوي تر پای ته
رسیدلو پورې په یوه معتبر بانک
کښې د امانت په طور واچوي.

د دعوي د رد په حال کښې دا سهم
لرونکی د شرکت د خساري په

آورده باشد، مطابق آن اجراء
می شود.

اگر مجمع عمومی عدم
اقامه دعوی را تصویب ولی
سهمدارانیکه ده درصد
سرمایه شرکت را مالک
باشند برین تصویب
مخالفت کنند، شرکت از
تاریخ تصویب و خواهش
مخالفین مجبور است تا
مدت یکماه دعوی را اقامه
نماید. اقامه دعوی در
مورد فوق بنام شرکت به
هیئت نظار تعلق دارد.

اگر اقامه دعوی به آراء سهم
دارانیکه ده فیصد سرمایه را
نمایندگی می کنند صورت بگیرد،
سهمداران مذکور ممکن است
از خارج وکیل تعیین کنند.

سهمدارانیکه به اقامه
دعوی رأی می دهند مجبورند
سهم خود را بنام تأمین
خساره شرکت تا ختم دعوی
به یک بانک معتبری بطور
امانت بگذارند.

در حال رد دعوی سهم داران
مذکور به جبران خساره شرکت

پوره کولو مکلف دی.

مکلف می باشند.

ماده ۳۲۶:

که د اساسنامې له مخې او یا د عمومي مجمع د تصویب په اثر د شرکت د چارو اجراء کول هغه مدیرته چه د مدیره هیئت له غړیو څخه نه وي، و سپارل شي، پدې صورت کښې دا مدیر لکه د مدیره هیئت غړی دهغو وظیفو د نه اجراء په نسبت چه په (۳۲۰) ماده کښې بیان شوی دی د شریکانو او دریمو کسانو په مقابل کښې مسئول دی.

په اساسنامه کښې له دی حکم نه چپ د بل شرط قید او یا دا ادعاء چه دا مدیر د مدیره هیئت تر اثر لاندی دی، دده مسئولیت له منځه نشي وړلي.

ماده ۳۲۷:

د مدیره هیئت غړي له هغه قصور څخه چه د مدیر له خوا پښ شي مسئول نه دی مگر که د مدیره هیئت غړی داسي کسان چه اهلیت نلري په کار مقرر کړی او یا د دوی د بدو چارو او معاملاتو په خصوص کښې له دوي سره مراعات وکړی او یا په هغو چارو

ماده ۳۲۶:

اجراآت امور شرکت اگر به موجب اساسنامه و یا تصویب مجمع عمومی به مدیریکه از اعضای هیئت مدیره نباشد سپرده شود، درین حال مدیر مذکور مثل عضو هیئت مدیره از عدم ایفای وظایفی که در ماده (۳۲۰) بیان شده در مقابل شرکاء و اشخاص ثالث مسئول می باشند.

قید شرط دیگری مغایر این حکم در اساسنامه و یا ادعای اینکه مدیر مذکور زیر اثر هیئت مدیره می باشد، مسئولیت او را از بین نمی برد.

ماده ۳۲۷:

اعضای هیئت مدیره از قصوریکه از طرف مدیر صادر شود مسئول نمی باشند ولی اگر اعضای هیئت مدیره اشخاصی را که اهلیت نداشته باشند به کار مقرر نمایند و یا راجع به امور و معاملات سوء آنها مسامحه کنند و یا در اموری که صلاحیت نداشته باشند،

کښې چه صلاحیت یې نلري د کار اجازه ورکړې، البته شریکانو ته به په ګډه سره مسئول وي. سره لدی، د مدیره هیئت هغه غړی چه د (۳۲۲) مادی له مخې پدی ډول تقصیراتو کښې خپل نه اشتراک ثابت کړی، له مسئولیت څخه به خلاص وی.

۳۲۸ ماده:

که په اساسنامه کښې په بل ډول مقرر شوی نه وي، مدیره هیئت کولای شي چه مدیران عزل او نصب کړی، د عزل او نصب صورت یې اعلانېږی.

۳۲۹ ماده:

مدیران کولای شي ځینې هغه معاملي چه دوي ته یې اجازه ورکړې شوی وي د اجراء دپاره بل ته وسپاري مګر دخپل مدیریت وظیفه بل چاته نشي سپارلی.

۳۳۰ ماده:

مدیران د دومره مودی دپاره چه د مدیره هیئت د غړیو د وظیفې له مودی څخه زیاته وي ټاکل کېدای نشي او لکه د مدیره هیئت غړی د دوی عزل په هر وخت کښې کېدای

اجازه کار بدهند، البته نزد شرکاء مجتمعاً مسئول خواهند بود. مع ذالک، اعضای هیئت مدیره که به موجب ماده (۳۲۲) درین نوع تقصیرات عدم اشتراک شان را ثابت نمایند، از مسئولیت بری خواهند بود.

۳۲۸ ماده:

اگر در اساسنامه بصورت دیگری مقرر نشده باشد، هیئت مدیره می‌تواند مدیران را عزل و نصب نماید صورت عزل و نصب اعلان می‌شود.

۳۲۹ ماده:

مدیرها اجرای بعضی معاملات را که بدان مجاز باشند، می‌توانند بدیگری تفویض کنند ولی وظیفه مدیریت خود را نمی‌توانند بدیگری بسپارند.

۳۳۰ ماده:

مدیرها برای مدتی که بیشتر از مدت وظیفه اعضای هیئت مدیره باشد، تعیین شده نمی‌توانند و مثل اعضای هیئت مدیره عزل شان در هر وقت

ممکن است. مدیریکه از بین سهامداران انتخاب و عزل گردیده باشد، نمی تواند ادعای خساره کند.

ماده ۳۳۱:

هیئت مدیره شرکت سهامی علاوه بر دفاتر تجارتی که به ترتیب آن مجبورند، موظف اند دفاتر ذیل را هم ترتیب دهند:

۱- دفتر مخصوص سهامداران که در آن اسم، ولدیت، شهرت، عنوان و مسکن سهامداران قید باشد.

۲- تادیات در مقابل سرمایه که در اول تشکیل شرکت داده شده و یا بعداً تزئید یافته باشد.

۳- کتاب رویداد مجامع عمومی.

۴- کتاب تصویبات هیئت مدیره.

ماده ۳۳۲:

اگر در اساسنامه راجع مقرری مامورین طور دیگری مقرر نباشد، انتخاب و مقرری آنها از

شی. هغه مدیر چه د سهم لرونکو له منځه ټاکلي او عزل شوی وي نشي کولای چه خساره وغواړي.

ماده ۳۳۱:

د سهامی شرکت مدیره هیئت برسیره په تجارتی دفترونو چه په ترتیب یې مجبور دی، موظف دی چه دا لاندی دفترونه هم ترتیب کړي:

۱- د سهم لرونکو مخصوص دفتر چه په هغه کښې د سهم لرونکو نوم، دپلار نوم، شهرت عنوان او د استوګنې ځای قیدوي.

۲- د پانګې په مقابل کښې ورکړی چه د شرکت د تشکیل له اول نه ورکړی شوی او یا وروسته زیاتي شوی وي.

۳- د عمومی غونډو د رویداد کتاب.

۴- د مدیره هیئت د تصویبونو کتاب.

ماده ۳۳۲:

که په اساس نامه کښې د مامورینو د مقرری په باره کښې بل ډول مقرر شوی نه وي، د دوی ټاکل او

مقررول د مدیره هیئت له وظیفو
څخه دی.

۳۳۳ ماده:

که د شرکت د مدیره یا نظار
هیئت یو غړی افلاس وکړي یا
د دوی قانونیه اهلیت سلب شي یا
په جنحه او جنایت محکوم شي،
د شرکت له چارو څخه د دوی د
وارسسي واک پای ته رسي او د
دوی په ځای بل شخص ټاکل
کيږي.

۳۳۴ ماده:

مدیره هیئت کولای شي هغه واک
او اقتدار چه لری یې د آراو په
اکثریت یوه یا څو تنو ته ور
وسپاری.

وظایف هیئت مدیره
است.

۳۳۳ ماده:

اگر یکی از اعضای هیئت
مدیره یا نظار شرکت را افلاس
کند و یا اهلیت قانونیه آنها سلب
شود و یا به جنحه و جنایت
محکوم گردند، صلاحیت شان در
وارسی از امور شرکت ختم و
عوض شان شخص دیگری انتخاب
می شود.

۳۳۴ ماده:

هیئت مدیره می تواند صلاحیت و
اقتداری را که دارند با اکثریت
آراء به یک یا چند نفر خود تفویض
نمایند.

در پیمه برخه نظار هیئت

حصه سوم هیئت نظار

ماده ۳۳۵:

که د شرکت په اساسنامه کښې بل ډول نه وي مقرر شوی نو د سهامی شرکتونو نظار هیئت له دوو تنو څخه جوړېږي. نظار هیئت له شریکانو یا له غیر شریکانو څخه لمړی وار د شرکت د تاسیس د عمومي مجمع له خوا د یو کال دپاره او یا د اکثر حد دپاره دري کاله د عمومي مجمع له خوا ټاکل کېږي. هغه نظار هیئت چه د انتخاب موده یې پای ته رسیږي بیا نوي ټاکل کېدای شي. نظار هیئت د مدیره هیئت په غړیتوب ټاکل کېدای نشي. همدا راز د مامور په صفت د شرکت معاملات اداره کولای نشي. د مدیره هیئت غړی چه وظیفې یې پایته رسیږي تر هغه وخته پورې چه له عمومي مجمع څخه برائت حاصل نکړي، د نظار هیئت غړی ټاکل کېدای نشي.

ماده ۳۳۵:

اگر در اساسنامه شرکت طور دیگری مقرر نشده باشد، هیئت نظار شرکتهای سهامی مرکب از دو نفر می باشند. هیئت نظار از شرکاء و یا غیر شرکاء دفعه اول برای مدت یکسال از طرف مجمع عمومی تأسیس شرکت و بعداً برای حد اکثر سه سال از طرف مجمع عمومی انتخاب می شوند. هیئت نظار یک که مدت انتخاب شان به اختتام میرسد، مجدداً انتخاب شده می توانند. هیئت نظار به عضویت هیئت مدیره انتخاب شده نمی توانند همچنان بصفت مامور معاملات شرکت را اداره کرده نمی توانند. اعضای هیئت مدیره که وظایف ایشان خاتمه می یابد، تا وقتی که از مجمع عمومی برائت حاصل ننمایند، عضو هیئت نظار انتخاب شده نمی توانند.

ماده ۳۳۶:

عمومي مجمع د ځينو موضوعاتو دپاره کولای شي چه ځانگړی نظار هیئت وټاکي.

ماده ۳۳۶:

مجمع عمومی برای تدقیق بعضی موضوعات معینه می‌تواند هیئت نظار جداگانه انتخاب کند.

ماده ۳۳۷:

هغه کسان چه د مدیره هیئت له غړیو سره ځینې او قرابت لري، لکه پلار زوي، کاکا، ماما، خسر او زوم، د نظار هیئت غړی کیدای نشي او که ټاکل شوی وي نو استعفا ته مجبور دی.

ماده ۳۳۷:

کسانی که با اعضای هیئت مدیره خویشی و قرابت نسبی داشته باشند، مثل پدر، پسر، کاکا، ماما، خسر، داماد، عضو هیئت نظار انتخاب شده نمی‌توانند و اگر انتخاب شده باشند، مجبور به استعفاء می‌باشند.

ماده ۳۳۸:

د نظار هیئت غړی په هر وخت کښې د عمومي مجمع له خوا موقوف او په ځای یې نور مقرریدای شي او که کوم غړی له سهم لرونکو څخه ټاکلي شوی وي، دخپل عزل په نسبت د خساري دعوي نشي کولای.

ماده ۳۳۸:

اعضای هیئت نظار در هر زمان از طرف مجمع عمومی عزل و عوض ایشان دیگری نصب شده می‌تواند و اگر عضوی از بین سهامداران انتخاب گردیده باشد، نسبت به عزل خود دعوی خساره نمی‌تواند.

ماده ۳۳۹:

د نظار هیئت تعیین او تبدیل د مدیره هیئت له خوا د تجارت د ثبت په دائره کښې ثبت او اعلانېږي.

ماده ۳۳۹:

تعیین و تبدیل هیئت نظار از طرف هیئت مدیره به دایره ثبت تجارت ثبت گردیده، اعلان می‌شود.

ماده ۳۴۰:

که د نظار هیئت کوم غړی په کوم علت له علتو سره د وظیفې له اجراء څخه بیرته پاتې شي نو د نظار هیئت نور غړی دده د وظیفې د په ځای کولو د پاره د عمومي مجمع د لومړۍ ټولنې تر وخته پورې یو بل غړی انتخابوي. په دی صورت چه د نظار هیئت غړی دوه تنه وي نو کمبود غړی یې محکمه ټاکې او د عمومي مجمع تر لومړۍ غونډې پورې وظیفه اجراء کوی.

ماده ۳۴۱:

نظار هیئت په لاندنیو وظیفو مؤظف دی:

- ۱- د مدیره هیئت په اتفاق د بیلانس شکلي تنظیم او داسهامو د وضع د څرنگوالی ټاکل.
- ۲- د شرکت د دفترونو د چارو د جریان تدقیق لږ ترلږه په شپږ میاشتو کښې یوځلي.
- ۳- د شرکت د خزاني پلټنه لږ ترلږه په درې میاشتو کښې یوځلي په ناڅاپي او غیر منتظره ډول.
- ۴- د هر ډول قیمت لرونکو پاڼو موجودی چه د گرووی یا تضمیناتو په صورت او یا د امانت په توگه د

ماده ۳۴۰:

اگر یکی از اعضای هیئت نظار به علتی از علل از اجرای وظیفه بازماند، اعضای دیگر نظار برای رسیدگی به وظیفه او، تا موقع اولین اجتماع مجمع عمومی، یک عضو دیگر را انتخاب می کنند و در صورتی که اعضای هیئت نظار مرکب از دو نفر باشند، عضو کمبود را محکمه تعیین و تا انعقاد اولین مجمع عمومی اجرای وظیفه می کند.

ماده ۳۴۱:

هیئت نظار به وظائف ذیل مؤظف می باشند:

- ۱- به اتفاق اعضای هیئت مدیره تنظیم شکل بیلانس و تعیین چگونگی وضع سهام.
- ۲- تدقیق جریان امور دفاتر شرکت اقلأ شش ماه یک مرتبه.
- ۳- تفتیش خزانه شرکت اقلأ سه ماه یک مرتبه بصورت ناگهانی و غیر منتظره.
- ۴- موجودی هر نوع اوراق قیمت دار که بصورت رهن یا تضمینات و یا بطور امانت در

شرکت په خزانہ کښې ایښودل شوی وي او د هغو تطبیق له مربوطو دفترونو سره لږترلږه په میاشت کښې یو ځلي.

۵- د عمومي مجمع د ټولني د غوښتنې په خصوص کې د اساسنامې د مقرراتو د رعایت تدقیق.

۶- د کالني بیلاس تدقیق.

۷- د شرکت د اساسنامې د مقرراتو او د قانون د احکامو په رڼا کښې د مدیره هیئت د غړیو د چارو کتنه.

۸- د مدیره هیئت د اهمال په صورت کښې دعادی یا فوق العاده عمومي مجمع غوښتنه.

۹- په عمومي غونډو کښې حضور.

۱۰- د تصفیې د معاملو کتنه.

ماده ۳۴۲:

نظار هیئت مکلف دی چه د هر مالي کال په پای کښې د هغه راپور او نورو پاڼو په خصوص کښې چه مدیره هیئت یې د شرکت د وضعیت او بیلاس او نورو ځایو او د گټې د ویشلو په باره کښې ترتیبوی، خپلې کتنې عمومي

خزانۀ شرکت گذاشته شده باشد و تطبیق آن به دفاتر مربوطه اقلأ ماه یک مرتبه.

۵- تدقیق رعایت مقررات اساسنامه راجع به دعوت و اجتماع مجمع عمومی.

۶- تدقیق بیلاس سنوی.

۷- نظارت اعمال اعضای هیئت مدیره در پرتو احکام قانون ومقررات اساسنامه شرکت.

۸- دعوت مجمع عمومی عادی و یا فوق العاده در صورت اهمال هیئت مدیره.

۹- حضور در مجالس عمومی.

۱۰- نظارت معاملات تصفیه.

ماده ۳۴۲:

هیئت نظار مکلف است تا در اخیر هر سال مالی دوباره راپور و سایر اوراقی که هیئت مدیره راجع به وضعیت شرکت و بیلاس و حسابات دیگر و توزیع مفاد ترتیب می کند، مطالعات خود را به مجمع عمومی

مجمع ته وسپاري.

بسپارد.

ماده ۳۴۳:

د نظارت هیئت واک چه په (۳۳۵) او (۳۴۲) مادو کښې داخل دی، د شرکت د اساسنامې په ذریعه تجدیدای نشي.

ماده ۳۴۳:

صلاحیت هیئت نظار که در مواد (۳۳۵ و ۳۴۲) درج است، به ذریعه اساسنامه شرکت تجدید شده نمی تواند.

ماده ۳۴۴:

نظار هیئت مجبور دی چه د مهمو او فوري عواملو د څرگندیدو په صورت عمومي مجمع فوق العاده غونډې ته راوغواړي.

ماده ۳۴۴:

هیئت نظار مجبورند در صورت ظهور عوامل مهم و فوری، مجمع عمومی را به اجتماع فوق العاده دعوت کنند.

ماده ۳۴۵:

نظار هیئت مکلف دی چه خپلې وظیفې په ښه صورت اجرا کړي او که نه عمومي مجمع ته مسئول دی. د نظار هیئت د مسئولیت په خصوص کښې د دعوي حق د مسئولیت د څرگندیدو له نېټې څخه وروسته له پنځو کالو د تیریدونه ساقطیږي.

ماده ۳۴۵:

هیئت نظار مکلف اند که وظایف خود را به حسن صورت اجرا نمایند و الا نزد مجمع عمومی مسئول می باشند، حق دعوی راجع به مسئولیت هیئت نظار از تاریخ ظهور مسئولیت بعد از مرور پنج سال ساقط می شود.

ماده ۳۴۶:

هر سهم لرونکی د شرکت د چارو په باره کښې کولای شي چه د مدیره هیئت او د شرکت د مدیرانو له لاسه نظار هیئت ته مراجعه وکړي. نظار هیئت مجبور دی د

ماده ۳۴۶:

هر سهم دار راجع به امور شرکت بر علیه هیئت مدیره و مدیران شرکت می تواند به هیئت نظار مراجعه کند. هیئت نظارت مجبور است نسبت به

هغي موضوع په نسبت چه دوي ته يي مراجعه شوی وی، تحقیقات وکړی.

که تحقیقاتو په نتیجه کښې ادعا صحت ومومي نو کیفیت د عمومي مجمع دپاره پخپل کالني رپوټ کښې درجوي.

پدی صورت چه مراجعین د شرکت په پانگه کښې په سلو کښې له لسو څخه نمایندگي وکړی نو نظار هیئت خپلې کتنې او نظریات د واقعي په نسبت، عام له دی نه چه صحت لري یایې نه لري، په راپور کښې داخلوي او پدی صورت چه لږم وي کولای شي چه عمومي مجمع فوق العاده غونډې ته راوغواړی. هغه مراجعین چه نظار هیئت ته مراجعه کوي نولږم دی چه دهغو اسهامو اندازه چه د شرکت دپانگې په سلو کښې له لسو سره برابره وي چه یو معتبر بانک کښې د تضمین په ډول واچوي، دا اسهام به د عمومي مجمع د لومړی غونډې ترپای ته رسیدلو پورې په بانک کښې ساتل کیږي.

موضوعی که به ایشان مراجعه شده، تحقیقات کنند.

اگر در نتیجه تحقیقات ادعاء صحت پیدا کند، کیفیت را در راپور سالانه خود به مجمع عمومی درج می کنند.

در صورتی که مراجعین از ده فیصد سرمایه شرکت نمایندگی کنند، هیئت نظار مطالعات و نظریات خود را به نسبت واقعه، اعم از اینکه صحت دارد یا ندارد، در راپور درج می نماید و در صورتی که لازم باشد، می توانند مجمع عمومی را به اجتماع فوق العاده دعوت کنند. مراجعینی که به هیئت نظار مراجعت می کنند، لږم است مقدار اسهامی را که معادل ده فیصد سرمایه شرکت باشد، به یک بانک معتبر بطور تضمین بگذارند این اسهام تا ختم اولین اجتماع مجمع عمومی در بانک حفظ می شود.

ماده ۳۴۷:

د نظار هیئت غړی کولای شي چه د مدیره هیئت په خبرو اترو کښې حاضر شي او داسي پیشنهادونه چه مناسب یې وېولي، مدیره هیئت او یا عادی ټولنو او فوق العاده ټولنو ته وړاندې کړي. مگر د نظار هیئت غړي د مدیره هیئت په غونډو او په عمومي ټولنو کښې د رای حق نلري.

ماده ۳۴۷:

اعضای هیئت نظار می توانند در مذاکرات هیئت مدیره حاضر شده پیشنهاداتی را که مناسب بدانند به هیئت مدیره و یا مجامع عادی و فوق العاده تقدیم دارند. ولی اعضای نظار در مجالس هیئت مدیره و مجامع عمومی حق رأی ندارند.

خلورمه برخه
عمومي مجمع

ماده ۳۴۸:

د سهامی شرکتونو د عمومي مجمع غونډه یا په عادی ډول او یا په فوق العاده صورت وي. عادی غونډه وروسته له هري حسابي دوری نه وروسته په موده د خلورو میاشتو کښې او لږ تر لږه په کال کښې یو ځلي کیږي. پدی غونډه کښې د (۳۵۸) مادی له مخې دهغو موضوعاتو په شاوخوا کښې چه د هغو داخلیلد په آجنده کښې لږم دی څیرنه او خبري اتری کیږي او د ضرورت په

ماده ۳۴۸:

اجتماع مجمع عمومی شرکتهای سهامی یا بطور عادی و یا بصورت فوق العاده می باشد. اجتماع عادی بعد از ختم هر دوره حسابیه در ظرف چهارماه و اقلأ در سال یکبار انعقاد می یابد. درین اجتماع به موجب ماده (۳۵۸) در اطراف موضوعاتی که درج آنها در آجندۀ لازم است، بحث و مذاکره می شود و در صورت

حصه چهارم
مجمع عمومی

وخت کسبې عمومي مجمع فوق العاده غونډې ته رابلله کيږي.

ماده ۳۴۹:

د عادی غونډې او فوق العاده غونډې دپاره د عمومي مجمع رابلل په مدیره هیئت پورې اړه لري. نظر هیئت هم کولای شي چه د (۳۴۴) مادی له مخې عمومي مجمع د فوق العاده ټولني دپاره وغواړي.

ماده ۳۵۰:

که په اساسنامه کسبې بل ډول قید شوی نه وي، عمومي مجمع په هغه ځای چه د شرکت مرکز وي ټولني ته غوښتله کيږي.

ماده ۳۵۱:

که په اساسنامه کسبې بل ډول قید شوی نه وي، د برخو خاوندان په عمومي غونډو کسبې د خپلې برخې په تناسب د رای حق لري. هغه سهم لرونکی چه د ټاکلي سهم خاوندان نه وي، کولای شي چه په مشترک ډول خپل سهمونه د نصاب حد ته ورسوي او له خپله منځه یوتن په لیکنه سره نماینده معرفي او د عمومي مجمع په خبرو

لږوم، مجمع عمومی به اجتماع فوق العاده دعوت می شود.

ماده ۳۴۹:

دعوت مجمع عمومی برای اجتماع عادی و اجتماع فوق العاده به هیئت مدیره مربوط است. هیئت نظر هم می تواند به موجب ماده (۳۴۴) مجمع فوق العاده را دعوت به انعقاد کند.

ماده ۳۵۰:

اگر در اساسنامه طور دیگر قید نشده باشد، مجمع عمومی در محلی که مرکز شرکت است به اجتماع دعوت می شود.

ماده ۳۵۱:

اگر در اساسنامه طور دیگری قید نشده باشد، ارباب سهام در مجامع عمومی به تناسب سهم خود حق رای دارند. سهام دارانیکه مالک سهم معینه نباشند، می توانند بطور مشترک اسهام خود را به حد نصاب رسانیده از بین خویش شخصی را کتباً نماینده معرفی و در مذاکرات مجمع عمومی اشتراک

اترو کنبې ګډون وکړي.

کنند.

ماده ۳۵۲:

د عمومي مجامعو د تشکیل دپاره (پرتله له هغو موضوعاتو چه په دی قانون کنبې مقرر شويدي) هغه نصاب چه اساسنامه يي وټاکي، د اعتبار وړ دی مگر په دی شرط چه نصاب د پانګې له ۱ پر ۴ برخي څخه لږ نه وي. که په لومړي غونډه کنبې نصاب حاصل نشي نو په موده د پنځلسو ورځو کنبې مجمع بيا غونډی ته بلله کيږي. هغه سهم لرونکی چه په دوهمه غونډه کنبې حاضرېږي، په خبرواترو او رای ورکولو کنبې حق لري. تصویبونه د رایو په اکثریت (اصالتاً) وي او که وکالتاً د اعتبار وړ دی.

ماده ۳۵۲:

برای تشکیل مجامع عمومی (به استثنای موضوعاتی که درین قانون مقرر شده) نصابی که اساسنامه آنرا تعیین می کند، معتبر است ولی مشروط بر این که این نصاب از ۱ بر ۴ حصه سرمایه کمتر نباشد. اگر نصاب در اجتماع اول حاصل شده نتواند، به فاصله (۱۵) روز مجمع دوباره به اجتماع دعوت می شود. سهامدارانی که در اجتماع دوم حضور بهم می رسانند، در مذاکرات اعطاء رای صلاحیت دارند. تصاویر به اکثریت آراء (چه اصالتاً باشد و چه وکالتاً) معتبر است.

ماده ۳۵۳:

له سهم لرونکو څخه هیڅوک چه په کومه موضوع کی د علاقې خاوند وي، د رای حق نلري.

ماده ۳۵۳:

هیچ یکی از سهامداران به موضوعی که شخصاً ذی علاقه باشد، حق رای ندارد.

ماده ۳۵۴:

هغه سهم لرونکی چه لږ تر لږه د شرکت د سهمونو په سلو کنبې شل سهمونه ولري، کولای شي چه د

ماده ۳۵۴:

سهمدارانې که اقلأ دارای بیست فیصد سهام شرکت باشند، می توانند تقاضای کتبی و

عمومي مجمع په تړلو کښې کتبي او مستنده تقاضا ورکړې- مدیره هیئت مکلف دی چه ددی تقاضا په موجب عمومي مجمع فوق العاده غونډې ته راوبولي. پدی صورت هغه مواد چه د خبرواترو تقاضا یې شویده، د مجلس په اجندا کښې داخلېږي ممکن دی چه په اساسنامه کښې دا هم مقرر شي هغه سهم لرونکی چه د شرکت په پانگه کي په سلو کي لس برخي ولري هم وکولای شي چه د عمومي مجمع په حاضرولو کښې دا حق استعمال کړي.

ماده: ۳۵۵

پدی صورت چه دسهم لرونکو په کتبي تقاضا له (۳۵۴) مادی سره سم د مدیره هیئت له خوا او د (۳۴۶) مادی په موجب د نظار هیئت له خوا کومه اعتنا ونشي نو د شرکت محلي تجارتي محکمه ددی سهم لرونکو د مراجعي په اثر عمومي مجمع راوغواړي او هغه موضوعات چه غوښتنې یې شویدي د اجندی جزء گرځوی او پدی صورت کښې د اجتماع په اعلان کښې باید د محکمي اجازه

مستند در انعقاد مجمع عمومی بدهند. هیئت مدیره مکلف است که به موجب این تقاضا مجمع عمومی را به اجتماع فوق العاده دعوت کند. درین صورت موادی که مذاکره آن تقاضا شده است، به آجندای مجلس داخل می شود. ممکن است در اساسنامه مقرر شود که سهامدارانی که ده فیصد از سرمایه شرکت را نمایندگی کنند هم بتوانند این حق را در احضار مجمع عمومی استعمال نمایند.

ماده ۳۵۵:

در صورتی که به تقاضای کتبی سهامداران طبق ماده (۳۵۴) از طرف هیئت مدیره و یا به موجب ماده (۳۴۶) از طرف هیئت نظار ترتیب اثر داده نشود، محکمه تجارتی محل شرکت می تواند به اثر مراجعه سهامداران مذکور مجمع عمومی را دعوت و موضوعاتی را که خواهش نموده اند، جزو آجندا قرار دهد درین صورت، در اعلان اجتماع باید اجازه محکمه هم

هم تصریح شی. محکمی ته د مراجعی په حال کښې هم د (۳۴۶) مادی د وروستی فقری حکم تطبیق کیږي.

ماده ۳۵۶:

د غونډې دپاره دعمومي مجمع غوښتنه په هغه ترتیب او شکل چه په اساسنامه کښې ذکر شوی وي اجراء کیږي او د غونډې له وخته لږ ترلږه یوه میاشت پخوا سهم لرونکو ته اطلاع ورکول کیږي.

ماده ۳۵۷:

لپاره ددی چه دبی نومه سهمونو خاوندان وکولای شي په عمومي مجمع کښې رای ورکړي، لږم دی چه خپل سهمونه او سندونه د غونډې له ورځې څخه لس ورځې پخوا شرکت ته وسپاري.

ماده ۳۵۸:

د عمومي مجمع د غونډې غوښتنپانې او اعلانونه باید چه دا لاندی اجندا ولری:
۱- د هغو راپورونو لوستل چه د مدیره هیئت او د نظار هیئت له خوا ترتیبېږي.

تصریح گردد. در حال مراجعه به محکمه هم حکم فقره اخیر ماده (۳۴۶) تطبیق می شود.

ماده ۳۵۶:

دعوت مجمع عمومی برای اجتماع به ترتیب و شکلیکه در اساسنامه ذکر شده اجراء می شود و اقلأ یکماه قبل از زمان اجتماع به سهامداران اطلاع داده می شود.

ماده ۳۵۷:

برای اینکه مالکین سهام بی اسم بتوانند در مجمع عمومی رای بدهند، لږم است که سهام و اسناد خود را ده روز قبل از روز اجتماع به شرکت بسپارند.

ماده ۳۵۸:

اعلانات و دعوت نامه های انعقاد مجمع عمومی لږم است که حاوی آجندای ذیل باشد:
۱- قرائت راپورهاییکه از طرف هیئت مدیره و هیئت نظار ترتیب داده می شود.

۲- د گتې د ویشلو پیشنهاد او د گتې او ضرر حساب او د بیلانس تصدیق یا تعدیل یا رد.
۳- که په بل ډول ټاکلي شوی نه وي، د حق الزحمې ټاکل او د مدیره هیئت او د نظار هیئت د غړیو گتې ټاکل.

۴- د مدیره هیئت او نظار هیئت دهغو غړیو بیا نوي انتخاب او یا تبدیل چه د دوی د خدمت موده پای ته رسیدلي وي. هغه موضوعات چه په اجندا کښې قید شوی نه وي، خبري اتری نه ورباندی کیږي.

تبصره:

د لزوم په صورت نور مواد هم په اجندا کښې د اخلیدای شي.

ماده ۳۵۹:

هر سهم لرونکی چه د رای حق ولری کولای شي چه د مجمع د غونډې له ورځې څخه لس ورځې پخوا دشتو دفتر د گتې او زیان حساب او بیلانس او د نظار هیئت او د مدیره هیئت راپور د شرکت په مرکز کښې تدقیق کړی او دراپور او بیلانس نقل واخلې.

۲- تصدیق یا تعدیل یا رد بیلانس و حساب نفع و ضرر و پیشنهاد توزیع مفاد.
۳- اگر طور دیگر تعیین نشده باشد، تعیین حق الزحمه و منافع اعضای هیئت مدیره و هیئت نظار.

۴- انتخاب مجدد و یا تبدیل اعضای هیئت مدیره و نظاریکه مدت خدمت شان ختم شده باشد. موضوعاتیکه در آجندا قید نشده باشد، مورد مذاکره قرار داده نمیشود.

تبصره:

در صورت لزوم، مواد دیگری هم درج آجندا شده می تواند.

ماده ۳۵۹:

هر سهامداری که حق رأی داشته باشد می تواند قبل از ده روز اجتماع مجمع، دفتر دارایی و حساب نفع و ضرر و بیلانس و راپور های هیئت نظار و هیئت مدیره را در مرکز شرکت تدقیق کرده و نقل راپور و بیلانس را اخذ کند.

تبصره:

ممکن دی چه د مدیره او نظار هیئت راپور سره له بیلائس او دگتې او زیان حساب لاله پخوا چاپ او د مجمع د غونډې په وخت کښې سهم لرونکو ته وویشلې شي.

ماده ۳۶۰:

د عمومي مجمع په ټولنه کښې یو داسې جدول ترتیبېږي چه د هغو سهم لرونکو یا د دوی دوکیانو چه حاضر شوی وي، نومونه او داستوگنې ځای او داسهامو اندازه ونېئ. دا جدول د رئیس او منشي له خوا لاس لیک کیږي او د مجمع له نورو پانوسره په مخصوصه دوسیه کښې ساتلې کیږي.

ماده ۳۶۱:

د مجمع رئیس پخپله د عمومي مجمع عمومي له خوا څخه ټاکل کیږي.

ماده ۳۶۲:

د زیاتو سهم لرونکو یا د لږو چه د شرکت په پانگه کښې لسمه برخه ولری، د غوښتنې په اثر د بیلائس په خصوص کښې خبري اتري تر پنځلسو ورځو پورې تالبدای

تبصره:

ممکن است راپور هیئت مدیره و نظار با بیلائس و حساب نفع و ضرر قبلاً چاپ و حین انعقاد مجمع به سهامداران توزیع گردد.

ماده ۳۶۰:

در اجتماع مجمع عمومی جدولی ترتیب می شود که اسامی و محل اقامت و مقدار سهام سهامداران و یا وکلای شانرا که حاضر شده اند، نشان بدهد. این جدول از طرف رئیس و منشی امضاء شده و در جزء دیگر اوراق مجمع به دوسیه مخصوصی حفظ می گردد.

ماده ۳۶۱:

رئیس مجمع از طرف خود مجمع عمومی انتخاب می شود.

ماده ۳۶۲:

در اثر درخواست اکثریت سهامداران و یا اقلیتی که دهم حصه سرمایه شرکت را نمایندگی کند، مذاکره راجع به بیلائس برای (۱۵) روز به تعویق انداخته شده

شی.

ماده ۳۶۳:

د عادی او فوق العاده عمومی مجمع د تصویبونو یو نقل سره د هغو سهم لرونکو د نومونو له جدول څخه د (۳۶۰) مادې له قراره غونډې ته حاضر شوی دی او د غوښتنې د هغو مثبتو اسنادو سره څه مجمع د قانون له مخې منعقد شوی ده باید ترتیب او د مجلس د رویداد سره د تجارتی ثبت دایرې ته د ثبت دپاره ولیږل شي.

ماده ۳۶۴:

که هغه سهم لرونکی څه د شرکت په پانگه کېنې لسمه برخه لری ادعا وکړی څه د شرکت په تأسیساتو او یا د هغه په معاملاتو کېنې بد استعمالات شته یا د قانون په احکامو او د شرکت د اساسنامې په مقرراتو کېنې گوتې وهلي کېږي، کولای شي څه د هغو د پلټنې دپاره له عمومی مجمع څخه تقاضا وکړی څه یو خصوصي نظار هیئت وټاکي. له عمومی مجمع څخه ددی تقاضا د رد په صورت محکمي ته رجوع کولای شي مگر پدی صورت کېنې

می تواند.

ماده ۳۶۳:

یک نقل تصویبات مجمع عمومی عادی و فوق العاده با جدول اسامی سهامدارانیکه قرار ماده (۳۶۰) به اجتماع حاضر شده اند و اسناد مثبتة دعوت که مجمع به قرار قانون منعقد شده ترتیب گردیده و با رویداد مجلس برای ثبت در دایرة ثبت تجارتی ارسال می گردد.

ماده ۳۶۴:

اگر سهامدارانیکه دارای ده یک سرماییه شرکت باشند، ادعا کنند که در تأسیسات شرکت و یا معاملات آن سوء استعمالات وجود دارد یا احکام قانون و مقررات اساسنامه شرکت اخلال می شود، می توانند برای تحقیق آن از مجمع عمومی تقاضا کنند که هیئت نظار خصوصی تعیین شود. در صورت رد این تقاضا از مجمع عمومی، می توانند به محکمه رجوع کنند ولی درین صورت لازم

لږم دی چه لږمه مصارف لاپخوا ورکړی او هغه اسهام چه لری یی، یو معتبر بانک ته وسپاری. پدی صورت کښې چه دا غوښتنه د محکمي له خوا رد شي او یا سره له په نظر کښې نیولو او د تحقیقاتو نتایج بي مورده ولیدل شي نو هغه سهم لرونکی چه د دوی بد نیت پدی کار کښې په ثبوت ورسې، د هغه ضررچه شرکت له دی حیثه موندلي وي، دوي په گډه سره مسئول دی.

۳۶۵ ماده:

له عمومي مجمع څخه د بیلانس تصدیق د مدیره هیئت او نظار هیئت د غړیو د برائت متضمن دی خوسره له دی هم که د بیلانس په مندرجاتو کښې کړ کیچنی او پیچیدگی وي د مدیره او نظار هیئتونو غړی د مجمع له خوا د هغې په تصدیق برائت نشي موندلای.

۳۶۶ ماده:

هغه تصویبونه چه د عمومي مجمع له خوا کیږي د هغو شریکانو په باره کښې چه په ټولنه کښې حاضر نه وي او یا مخالفه رایه ورکړی هم

است که مصارف لږمه را قبلاً تأدیه و سهامی را که مالک اند، به یک بانک معتبر تودیع نمایند. در صورتی که این درخواست از طرف محکمه رد گردد و یا با در نظر گرفتن نتایج تحقیقات بی مورد دیده شود، سهامدارانیکه سؤنیت ایشان در این امر به ثبوت برسد، برای ضرریکه شرکت ازیین حیث متحمل گردیده باشد، جمعاً مسئول اند.

ماده ۳۶۵:

تصدیق بیلانس از مجمع عمومی متضمن برائت اعضای هیئت مدیره و هیئت نظار است. با اینهم، اگر در مندرجات بیلانس غموض و پیچیدگی وجود داشته باشد، اعضای هیئت مدیره و نظار نمیتوانند با تصدیق آن از طرف مجمع برائت حاصل کنند.

ماده ۳۶۶:

تصویباتی که از طرف مجمع عمومی بعمل می آید، راجع به شرکاییکه در اجتماع حاضر نباشند و یا رای مخالف بدهند

معتبردی.

نیز معتبر است.

۳۶۷ ماده:

۳۶۷ ماده:

د عمومی مجمع په تصویبونو باندی چه د قانون له صریحو احکامو او یا د شرکت له اساسنامې څخه چپ وي، د صدور له نېټې څخه تر درې میاشتو پورې کولای شي هغې محکمې ته چه د شرکت په محل کښې وي او د تجاریه معاملاتو په فیصله باندی مکلف وي مراجعه او اعتراض وکړی او د اعتراض حق وهغو کسانو ته عائد دی:

بر علیه تصویبات مجمع عمومی (که مغایر احکام صریحه قانون و یا اساسنامه شرکت باشد) از تاریخ صدور الی سه ماه می‌توان به محکمه که در محل شرکت بوده و به فیصله معاملات تجاریه مکلف باشد، مراجعت و اعتراض کرد. حق اعتراض عاید است به:

۱- هغو سهم لرونکو ته چه په غونډه کښې حاضر نه وي مگر له تصویب سره مخالف او خپل مخالفت یې د رویداد په پاڼه کښې داخل کړی وي، او یا په غیر قانوني صورت له رای ورکولونه محروم شوی وي او یا ټولنی ته په قانوني صورت نه وي را بلل شوی.

۲- مدیره هیئت.

۱- سهامدارانیکه در اجتماع حاضر بوده لیکن با تصویب مخالف و مخالفت خود را به ورقه رویداد درج کرده اند یا بصورت غیر قانونی از دادن رای محروم شده باشند و یا دعوت به اجتماع بصورت قانونی بعمل نیامده باشند.

۲- هیئت مدیره.

۳- هر یوه د مدیره هیئت او نظار هیئت له غړیو څخه پدی صورت چه تصویب د دوی دپاره د مسئولیت دپیداکیډو موجب شي، که د عمومی مجمع له تصویب

۳- هر یکی از اعضای هیئت مدیره و هیئت نظار در صورتی که تصویب برایشان موجب تولید مسئولیت گردد، اگر اعتراضات از تصویب

عمومی متعدد باشد، محاکمه آنها واحد است و بنابراین تا ختم مدت اعتراض رسیدگی به شکایات معطل می شود. محکمه به اثر درخواست علاقمندان می تواند از اعتراض کنندگان ضمانتاتی را در مقابل ضرر احتمالی شرکت تقاضا کند.

تعیین مقدار ضمانات مربوط به محکمه است، اگر اعتراض از جانب هیئت مدیره باشد، از طرف شرکت هیئت نظار نمایندگی می کند.

ماده ۳۶۸:

در صورت اعتراض بر علیه تصویب مجمع بر طبق ماده (۳۶۷)، محکمه می تواند بعد از خواستن توضیح از اعضای هیئت مدیره و هیئت نظار اجرای تصویب را که بر علیه آن اعتراض واقع شده باشد، تأخیر کند.

ماده ۳۶۹:

حکم محکمه راجع به فسخ تصویبی که مورد اعتراض است، بعد از آنکه صورت

خخه اعتراضونه ډیر وي، او محکمه د دوی یوه وي نو بڼا پردی، د اعتراض د مودی تر پای ته رسیدو پورې د شکایاتو اړویدل تالیرې. محکمه د علاقه مندانو د غوښتنې په اثر کولای شي چه له اعتراض کوونکو خخه د شرکت د احتمالي زیان په مقابل کښې د ضمانت تقاضا وکړي.

د ضمانتونو د اندازي ټاکل په محکمه پورې اړه لري، که اعتراض د مدیره هیئت له خوا وی، د شرکت له خوا نظار هیئت نمایندگی کوی.

ماده ۳۶۸:

د مجمع په تصویب باندی د اعتراض په صورت له (۳۶۷) مادی سره سم محکمه کولای شي چه د مدیره هیئت او د نظار هیئت له غړیو خخه د توضیح غوښتلو خخه وروسته د هغه تصویب اجراء چه په هغه باندی اعتراض راغلي وي، تال کړي.

ماده ۳۶۹:

د هغه تصویب دفسخ په خصوص کښې دمحکمی تصویب چه اعتراض ورباندی شوی دی،

وروسته له هغه چه قطعې صورت ومومي، د ټولو سهم لرونکو دپاره دا اعتبار وړ بلل کېږي. مدیره هیئت مجبور دی ترڅو ددی حکم یو نقل ژر تر ژره ثبت او اعلان کړي.

۳۷۰ ماده:

که ثابت شي چه د اشخاصو اعتراض د عمومي مجمع په تصویب باندې د بدنیت له مخې دی نو هغه ضرر او خساره چه لدی سببه شرکت ته پېښېږي، دا کسان یې په ګډه سره مسئول دی.

۳۷۱ ماده:

که په اساسنامه کېنې د هغه په خلاف مقر د شوی نه وي، عمومي مجمع کولای شي چه د اساسنامې مقررات تعدیل کړي مگر د شرکت د پانګې په زیاتولو او د تابعیت په تبدیل کېنې د سهم لرونکو د آراوو اتفاق شرط دی. د هغو ټولنو په خبرو اترو کېنې چه د اساسنامې د تعدیل دپاره کېږي هغه څوک چه د یوه سهم خاوند وي هم د اشتراک او رای حق لري. که په اساسنامه کېنې ددی امر په خلاف کوم

قطعیه را بخود بګیرد، درباره تمام سهامداران معتبر شمردنه می‌شود. هیئت مدیره مجبور است تا یک نقل حکم مذکور را فوراً ثبت و اعلان کند.

ماده ۳۷۰:

اگر ثابت شود که اعتراض اشخاص بر علیه تصویب مجمع عمومی بنابر سؤ نیت بوده است، از ضرر و خساره که ازین سبب به شرکت وارد می‌شود، اشخاص مذکور جمعاً مسئول اند.

ماده ۳۷۱:

اگر در اساسنامه خلاف آن مقرر نشده باشد، مجمع عمومی می‌تواند مقررات اساسنامه را تعدیل کند ولی در تزئید سرمایه شرکت و تبدیل تابعیت اتفاق آراء سهامداران شرط است. در مذاکرات اجتماعاتیکه برای تعدیل اساسنامه بعمل می‌آید، شخصی که مالک یک سهم هم باشد، حق اشتراک و رای دارد. اگر در اساسنامه قیدی بر خلاف

این امر باشد، معتبر نیست. اشخاصی که دارای زیاده‌تر از یک سهم باشند اگر در اساسنامه بر خلاف آن هم مقرر شده باشد، آراء به تناسب اسهام معتبر خواهد بود.

ماده ۳۷۲:

در اجتماعات مجمع عمومی که مربوط به تبدیل موضوع معامله و یا نوع شرکت باشد، حضور سهم دارانیکه اقل از سه ربع سرمایه شرکت نمایندگی کنند، شرط است.

برای اعتبار تصویباتیکه در این اجتماعات اتخاذ می‌شود، اتفاق دو ثلث آرائیکه اصالتاً و یا وکالتاً داده شود، ضروریست.

اگر در اجتماع اول حضور نمایندگی سه ربع سرمایه ممکن نشود، هیئت مدیره می‌تواند بار دوم مجمع عمومی را دعوت کند. این دعوت مجمع در ظرف پانزده روز در جراید اعلان می‌شود و درین مرتبه حضور تعداد ارباب سهامی که نصف سرمایه را نمایندگی کنند، کافیست.

قیدوی، د اعتبار وړ ندي. هغه کسان چه له یوه سهم څخه زیات سهمونه ولری، نوکه په اساسنامه کښې د هغه په خلاف هم مقرر شوی وي نو دهغه رایي به د اسهامو په تناسب د اعتبار وړ وی.

۳۷۲ ماده:

د عمومي مجمع په ټولنو کښې چه د معاملي د موضوع په تبديلي او يا د شرکت په ډول پورې اړه لری د هغو سهم لرونکو حضور چه لږ تر لږه د شرکت د پانگې له درې ربع څخه نمایندگي وکړی شرط دی.

د هغو تصویبونو د اعتبار په خصوص کښې چه په دی ټولنو کښې نیول کیږي د آراوو د دوه ثلثو اتفاق چه اصالتاً یا وکالتاً ورکولي کیږي، ضروري دی.

که په لومړۍ غونډه کښې د پانگې د دری ربع نمایندگی حضور ممکن نشي نو مدیره هیئت کولای شي چه عمومي مجمع بیا راوبولي د مجمع دا بلنه د پنځلسو ورځو په فاصله په جريدو کښې اعلانېږی او په دی وار د هغو سهم لرونکو د شمیر حضور چه له نیمایي پانگې څخه نمایندگي وکړی، کافی دی.

په اعلاناتو او هغو غوښتنپاڼو کېنې چه غونډې ته د اسهامو د خاوندانو راغوښتلو دپاره سره له نومه لیکلي کیږي، د خبرو اترو اوږیدو او د ټولني دغونډې نېټه او د پخوانیو خبرواترو نتیجه هم داخلېږي.

که د خبرو اترو نصاب په دوهمه غونډه کېنې پوره نشي نو د دوهمي غونډې په موده کېنې دریمه غونډه مجلس ته رابلله کیږي.

ددې ټولني دپاره د شرکت له پانگې څخه د ثلث حضور او نمایندگي کافي دی. مگر د تصویبونو د اعتبار دپاره شرط دی چه د هغو رایو چه اصالتاً یا وکالتاً حاضر شوی او رایي یې ورکړي وي، دوه ثلثه وي.

۳۷۳ ماده:

هغه تصویب چه د شرکت د اساسنامي د موادو د تعدیل په خصوص کېنې د عمومي مجمع له خوا کیږي، پخوا له ثبت او اعلان څخه د هغه محل په تجارتي محکمه کېنې چه د شرکت مرکز دی، د اعتبار وړ نه دی.

در اعلانات و دعوتنامه هائیکه برای دعوت به اجتماع به مالکین سهام با اسم تحریر می گردد، رویداد مذاکرات و تاریخ انعقاد و نتیجه مذاکرات سابقه هم درج می شود.

اگر نصاب مذاکره در اجتماع دوم هم کامل نگردد، اجتماع سوم در داخل مدت اجتماع دوم به انعقاد دعوت می شود.

برای این اجتماع حضور و نمایندگی از ثلث سرمایه شرکت کافیهست، ولی برای اعتبار تصویبات شرط است که دو ثلث آرائی که اصالتاً یا وکالتاً حاضر شده اند، رای داده باشند.

ماده ۳۷۳:

تصویبی که از طرف مجمع عمومی راجع به تعدیل مواد اساسنامه شرکت بعمل می آید، قبل از ثبت و اعلان به محکمه تجارتی محلی که مرکز شرکت باشد، معتبر نیست.

ماده ۳۷۴:

پدی صورت چه عمومی مجمع د اساسنامی د مواد و د تعدیل دپاره ټولنی ته غوښتله کیږي، باید د تعدیل متن هم د (۳۵۶) مادی له مخې علاقه لرونکو ته اعلان شي.

ماده ۳۷۵:

تر هغه وخته چه د شرکت ابتدائي پانگه ورکړی شوی نه وي، عمومی مجمع نشي کولای چه د نویو سهامو د صدور او د پانگې د زیاتولو دپاره تصمیم ونیسي.

ماده ۳۷۶:

پدی صورت چه عمومی مجمع شرکت د پانگې زیاتولو په باره کښې د نویو سهمونو د صدور دپاره تصمیم ونیسي نو مربوط اسناد وروسته د قانونیه مراسمو له تکمیل څخه د مدیره هیئت او نظار هیئت له گډې بیان نامي سره یو ځای د ملي اقتصاد وزارت ته سپارلی کیږي او د وزارت د مقام له تصدیق څخه وروسته مراتب په تجارتي محکمه کښې ثبت او اعلانیږي.

ماده ۳۷۴:

در صورتی که مجمع عمومی برای تعدیل مواد اساسنامه دعوت به اجتماع می شود، باید متن تعدیل هم به موجب ماده (۳۵۶) به علاقه مندان اعلان شود.

ماده ۳۷۵:

تا وقتی که سرمایه ابتدائی شرکت تأدیه نشده، مجمع عمومی نمی تواند به صدور سهام جدید و تزئید سرمایه تصمیم بگیرد.

ماده ۳۷۶:

در صورتی که مجمع عمومی درباره تزئید سرمایه شرکت با صدور سهام جدید تصمیم بگیرد، اسناد مربوطه پس از تکمیل مراسم قانونیه با یک بیان نامه مشترک هیئت مدیره و هیئت نظار به وزارت اقتصاد ملی سپرده شده، پس از تصدیق مقام وزارت مراتب به محکمه تجارتي ثبت و اعلان می شود.

۳۷۷ ماده:

پدی صورت کنبی چه د نویو سهمونو په بدل جنس وي نو دهغو مقرراتو په موجب چه پدی خصوص کنبی د شرکت په لومړی تأسیس کنبی د هغی پیش بیني شوی ده، اجراء کیري.

۳۷۸ ماده:

که پانگې زیاتول د قانون د احکامو له مخې نه وي شوی، بی اثره دی او د مدیره او نظار هیئتونه د شرکت او دریمو کسانو په مقابل کنبی له دی حیثه په گډه سره مسئول بلل کیري.

۳۷۹ ماده:

که د عمومی مجمع په تصویب کنبی د پانگې د زیاتولو په خصوص کنبی کوم ممانعت موجود نه وي نو هر یو سهم لرونکی کولای شي چه له نویو سهمونو څخه د هغه سهم په تناسب چه د شرکت په پانگه کنبی یی لري، سهمونه واخلي. مدیره هیئت صادره سهمونه چه سهم لرونکو ته ورکول کیري، اعلانوي او د سهم لرونکو د رد یا

۳۷۷ ماده:

در صورتی که بدل سهام جدید جنس باشد، به موجب مقرراتی که درین باره در ابتدای تأسیس شرکت پیش بینی شده اجراء می شود.

۳۷۸ ماده:

اگر تزئید سرمایه مطابق احکام قانون بعمل نیامده باشد، بی اثر بوده و هیئت مدیره و نظار در مقابل شرکت و اشخاص ثالث از این حیث جمعاً مسئول شمرده می شوند.

۳۷۹ ماده:

اگر در تصویب مجمع عمومی راجع به تزئید سرمایه ممانعتی موجود نباشد، هر یکی از سهامداران می توانند از سهام جدید به تناسب سهمی که در سرمایه شرکت دارند، به اخذ سهام بپردازند. هیئت مدیره سهام صادره را که به سهامداران داده می شود، اعلان می کند و در اعلان راجع به قبول و یا رد سهامداران یک

مدتی که کم از چهار هفته نباشد، تعیین می شود.

ماده ۳۸۰:

تصویبی که از طرف مجمع عمومی راجع به تنقیص سرمایه به عمل می آید، باید ترتیب و طرز اجرای تنقیص را هم دربر داشته باشد.

ماده ۳۸۱:

بعد از اعلان و ثبت تصویب مجمع عمومی راجع به تنقیص سرمایه، دائنین ذریعه سه مرتبه اعلان در جراید دعوت می شوند. علاوه، به داینینی که نزد شرکت معلوم اند، دعوت نامه های علیحده هم فرستاده می شود.

قبل از ختم تاریخ اعلان اخیر، دائنینی که طلبات ایشان ثابت شود، در صورت درخواست، قروض ایشان پرداخته می شود. برای تصفیه معاملات به داینین از تاریخ اعلان تنقیص تا مرور دو سال به سهامداران تأدیه بعمل نمی آید.

قبول به خصوص کنبی یوه دومره موده چه له خلورو هفتو خخه لږ نه وي، ټاکله کیږي.

ماده ۳۸۰:

هغه تصویب چه د عمومي مجمع له خوا دپانگې د تنقیص په باره کنبی کیږي باید د تنقیص داجراء ترتیب او طرز هم پکنبی وي.

ماده ۳۸۱:

د پانگې د تنقیص په خصوص کنبی د عمومي مجمع د تصویب له اعلان او ثبت خخه وروسته پوروالان په جرائدو کنبی د درې وارو اعلان په ذریعه راغوبنډل کیږي. برسیره پدی هغو پور والو ته چه شرکت ته معلوم دی، ځانگړي او مخصوص غوښتنپانې هم لیږلی کیږي. د وروستي اعلان د نېټې له ختم خخه پخوا هغه پوروالان چه طلبات یې ثابت شي د غوښتنې په صورت، د دوی پورونه ورکول کیږي. د پوروالانو د معاملاتو د تصفیه دپاره د تنقیص د اعلان له نېټې خخه تر دوو کالو پورې سهم لرونکو ته څه نه ورکول کیږي.

۳۸۲ ماده:

د پانگې په تنقيص کښې که د اسهامو تنزيل د مبادلي يا ټاپه کولو په ډول او يا په بل صورت مناسب ليدلي شوی وي دا ترتيب اعلانيری. هغه اسهام چه سره د اطلاع را نه وړل شي، ممکن دی چه باطل شي. مگر په هغو اعلانو کښې چه شرکت ته د اسهامو د اعادی په خصوص کښې کيری، بايد صريحاً د ابطال په خصوص کښې اخطار ورکړ شي.

۳۸۳ ماده:

وروسته له هغه چه د پانگې د تنقيص په خصوص کښې معاملات پای ته ورسيدل، کيفيت د مديره هيئت له خوا د تجارت د ثبت په دائره کښې ثبت او اعلانيری.

۳۸۲ ماده:

در تنقيص سرمايه اگر تنزيل سهام بطور مبادله يا ټاپه نمودن و يا صورت ديگری مناسب ديده شده باشد، اين ترتيب اعلان می شود. سهامی را که با وجود اطلاع آورده نشده باشد، ممکن است ابطال نمود. ولی در اعلاميه که در مورد اعاده سهام به شرکت بعمل می آيد، بايد صريحاً راجع به ابطال اخطار داده شود.

۳۸۳ ماده:

بعد از آنکه معاملات راجع به تنقيص سرمايه انجام يافت، کيفيت از طرف هيئت مديره به دایره ثبت تجارت ثبت و اعلان می گردد.

پنځمه برخه د سهم سندونه

۳۸۴ ماده:

د سهم سندونه يا په نوم يا بي نومه وي.

حصة پنجم اسناد سهم

۳۸۴ ماده:

سندات سهم با اسم و يا بی اسم می باشد.

ماده ۳۸۵:

د شرکت له ثبت څخه پخوا نه
بنايي چه د سهم سندونه يا مؤقتي
سندونه چه د سهم د اسنادو په
عوض وي صادر شي.

ماده ۳۸۶:

پدی صورت چه د هغه په خلاف د
شرکت په اساسنامه کښې مقرر
شوی نه وي لږم دی چه د سهم
سندونه له نوم سره وي.

ماده ۳۸۷:

د شرکت په اساسنامه کښې که په
بي نومه سهمونو باندی د نوم
لرونکو اسهامو دتبدیل نه راوستلو
په خصوص کښې یاددی په عکس
کوم شرط داخل شوی وي، د
اعتبار وړ دی.

ماده ۳۸۸:

په بي نومه اسهامو باندی د نوم
لرونکو اسهامو د تبدیل دپاره
شرط دی چه ټول قیمت يي ورکړی
شوی وي، که د نوم لرونکو اسهامو
قیمت د اخیستل شوی قیمت څخه
زیات وي، زیاد مبلغ باید
واخیستل شي.

ماده ۳۸۵:

قبل از ثبت شرکت سندات
سهم و یا اسناد مؤقتی که عوض
اسناد اسهام می باشند، نباید
صادر شود.

ماده ۳۸۶:

در صورتی که خلاف آن در
اساسنامه شرکت مقرر نشده
باشد، لازم است که سندات
سهم با اسم باشد.

ماده ۳۸۷:

اگر در اساسنامه شرکت
شرطی راجع به تبدیل
نیافتن سهام با اسم به
سهام بی اسم و یا
بالعکس درج گردیده باشد،
معتبر است.

ماده ۳۸۸:

برای تبدیل سهام با اسم به
اسهام بی اسم شرط است که
تمام قیمت آن پرداخته شده
باشد و اگر قیمت سهام یا
اسم از قیمت محرز آن زیاد
باشد، مبلغ زیاد باید اخذ
شود.

ماده ۳۸۹:

د سهم هغه سندونه چه ټول قیمت یې ورکړی شوی نه وي او هغه مؤقتي اسناد چه د سهم له سندونو څخه پخوا سهم لرونکو ته د دوي د اشتراک د حق د معلومولو دپاره ورکړی کیږي، باید نوم لرونکی وي.

ماده ۳۹۰:

دسهم هر سند د شرکت په مقابل کښې د ویشلو وړ ندی. که د سهم د سند ملکیت په څو تنو پورې اړه ولري، هغوي کولای شي چه د شرکت په مقابل کښې خپل حقوق یواځې د وکیل د ټاکلو په واسطه تثبیت کړي.

ماده ۳۹۱:

د سهم سندونه باید د هغه شخص لاس لیک ولری چه د شرکت په نامه دلاس لیک واک ولری. د سهم په سند کښې دی د شرکت عنوان، نېټه د تاسیس اعلان او د سهم د سندونو شمیر د شرکت د پانگې اندازه او د اسهامو قیمت قید شي. لاس لیک د ټاپي یا مهر په شکل هم جواز لری.

ماده ۳۸۹:

سندات سهمی که قیمت آن تماماً پرداخته نشده باشد و اسناد مؤقتی که قبل از سندات سهم به سهم داران برای معلوم ساختن حق اشتراک ایشان داده می شود، باید که با اسم باشد.

ماده ۳۹۰:

هر سند سهم در مقابل شرکت غیر قابل تقسیم است. اگر ملکیت سند سهم متعلق به چند نفر باشد، می توانند حقوق خود شانرا در مقابل شرکت تنها بواسطه تعیین وکیل تثبیت کنند.

ماده ۳۹۱:

سندات سهم باید دارای امضای شخصی باشد که به نام شرکت صلاحیت امضاء را دارد. در سند سهم عنوان شرکت، تاریخ اعلان تأسیس و تعداد سندات سهم با مقدار سرمایه شرکت و قیمت های سهام قید شود، امضاء بشکل ټاپه یا مهر هم مجاز است.

ماده ۳۹۲:

د سهم هر سند باید لږ تر لږه (سل) افغانی قیمت ولری. د صدور سند دسهم سند دی له سلو افغانیو څخه لږ نه وي مگر په دی شرط چه په اساسنامه کښې بل ډول ټاکل شوی وی.

ماده ۳۹۳:

د سهم په نوم لرونکو سندو کښې باید د مالک نوم، کسب او د استوگنې ځای ولیکل شي او د شرکت له خوا په مخصوص دفتر کښې قید شي.

ماده ۳۹۴:

که د هغه په خلاف د شرکت په اساسنامه کښې پیش بینی نه وي شوی نوکولای شي چه د سهم نوم لرونکی سندونه بي د شرکت له موافقي څخه بل ته انتقال کړی.

ماده ۳۹۵:

کولای شی چه نوم لرونکی د سهم سند د ظهر نویسی په ذریعه یا په خانگړې لیکنه بل ته انتقال کړی او د شرکت او دریمو کسانو په مقابل کښې ددی انتقال د اعتبار دپاره لازم دی چه د شرکت له خوا په

ماده ۳۹۲:

هر سند سهم باید اقلأ (صد) افغانی قیمت داشته باشد. سند صدور سند سهم کمتر از یکصد افغانی مجاز نیست مگر بشرطی که در اساسنامه طور دیگری مقرر شده باشد.

ماده ۳۹۳:

در سندات سهم با نام باید اسم، پیشه و مسکن مالک نوشته شده و از طرف شرکت در دفتر مخصوص قید شود.

ماده ۳۹۴:

اگر بر خلاف آن در اساسنامه شرکت پیش بینی نشده باشد، سندات سهم با نام را می توان بدون موافقت شرکت بدیگری انتقال داد.

ماده ۳۹۵:

سند سهم با نام را می توان با ظهر نویسی و یا با سند تحریری جداگانه بدیگری انتقال داد و برای اعتبار این انتقال به مقابل شرکت و اشخاص ثالث لازم است که از

مخصوص دفتر کنبی قید شی او دغه قید د سهم د سند او یا د سهم د اخیستونکي له خوا د انتقال د سند د بنکاره کولو په اثر عملي کیري.

۳۹۶ ماده:

دسهم دبی نومه سندونو تصاحب او انتقال دشرکت او دریمو کسانو په مقابل کنبی یواځې په تصرف داعتبار وړ بلل کیري.

۳۹۷ ماده:

هغه سهم لرونکی چه د سهم د یوه سند قیمت نه ورکوي له هغي ورځې څخه چه ورکړه یې لږمه ده د هغي د خساري د قانوني ټکټ پولی په ورکړه چه له دی لاري شرکت ته پښه شوی وي مجبور دی. هغه مقررات چه د خساري د جبران په نامه چه د سهم د سندونو د قیمت د ورکړی د معطلی له لاري پښ شوی وي که د یو ټاکلي مبلغ د ورکړی په خصوص کنبی د شرکت په اساسنامه کنبی مندرج وي، د اعتبار وړ ده.

طرف شرکت به دفتر مخصوص قید شود و قید در اثر نشان دادن سند سهم و یا سند انتقال از طرف گیرنده سهم عملی می شود.

۳۹۶ ماده:

تصاحب و انتقال سندات سهم بی نام در مقابل شرکت و اشخاص ثالث تنها به تصرف معتبر شناخته می شود.

۳۹۷ ماده:

سهمداریکه قیمت یک سند سهم را تأدیه نمی کند، از روزی که لږم الاداء می باشد، به پرداخت تکت پولی قانونی آن خساره که ازیں حیث به شرکت وارد شده باشد مجبور است. مقرره ای که راجع به تأدیه یک مبلغ معین بنام جبران خساره از رهگذر معطلی پرداخت قیمت سندات سهم در اساسنامه شرکت مندرج باشد، معتبر است.

ماده ۳۹۸:

پدی صورت کنبی چه یوه سهم لرونکی دخپل سهم قیمت ټول یایی لږ په خپل ټاکلي وخت نه وي ورکړی که د شرکت په اساسنامه کنبی ورته مقررات نه وي نو مدیره هیئت کولای شي چه په لاندی ډول اقدام وکړی:

هغه سهم لرونکی چه د سهم د اسنادو د قیمت ورکړه وځنډوي، دوي ته په روزنامو کنبی په یوه میاشت کي دوه ځله اخطار ورکول کیږي. هر اخطار د (۱۵) ورځو نه پس هر کړت درې ورځې پرله پسې نشریږی.

که د وروستي اعلان له نېټې څخه په یوه میاشت کی دننه قیمت ورنکړی شي نو دی سهم لرونکو ته دوه نورو اخطارونه د لسو ورځو په فاصله کنبی ورکول کیږي چه د نه ورکړی په صورت به د خپل اشتراک ټول حقوق له لاسه ورکړی.

هغه سهم لرونکی چه په ټاکلي وخت روپي ورنکړی که په اساسنامه کنبی د هغه په خلاف څه نوي مقرر شوی د اشتراک حق

ماده ۳۹۸:

در صورتی که یک سهامدار قیمت سهم خود را تماماً و یا قسمی در وقت معین آن نپرداخته باشد، اگر در اساسنامه شرکت مقرراتی وجود نداشته باشد، هیئت مدیره می تواند به قرار آتی اقدام نماید:

سهمدارانی که در پرداخت قیمت اسناد سهم تأخیر کنند، برای ایشان در روزنامه ها دو اخطار در ظرف یکماه داده می شود. هر اخطار به فاصله (۱۵) روز که در هر مرتبه سه روز متوالیاً نشر شود بعمل می آید.

اگر از تاریخ اعلان اخیر در ظرف یکماه قیمت پرداخته نشود، به سهامدار مذکور دو اخطار دیگر به فاصله های ده روز ابلاغ می شود که در صورت عدم پرداخت، تمام حقوق اشتراک خود را از دست خواهد داد.

سهمدارانی که در وقت معینه پول را نپردازند اگر در اساسنامه بر خلاف آن مقرر نشده باشد، حق اشتراک را ضایع می کنند. این

ضایع کوی داکیفیت هم په خانگړی صورت نشریږی. ددی ترتیب له اجرانه وروسته په شرکت مربوطه اسهام یا د بورس په قیمت یا د مزائدی په ډول پلوري، پخواني سندونه، باطلوي او د هغو په ځای نوي اسناد ورکوي. په دی اسنادو کښې ورکړی شوی پیسې او پاتي قسطونه د اخلیږي، که د سهم د هغو سندونو د پلورلو له درکه چه ددی مادی په موجب پلورل کیږي تحصیل شوی مبلغ ددی سند له ټاکلي مبلغ څخه لږ وي نو دهغو فرق د سند له لومړی مالک څخه اخیستل کیږي.

۳۹۹ ماده:

دیوه نوم لرونکی سهم د سند دپلورلو په حال کښې چه قیمت ئي ټول نه وي ورکړی شوی لمړی مالک او وروسته هغه کسان چه دغه سندئ پیروډلي دی ددی سند له پاتي پیسو څخه د شرکت په مقابل کښې په ګډه سره مسئول دی. د انتقال ورکونکو مسئولیت د شرکت په دفتر کښې د انتقال د درج له نېټې څخه وروسته له درې

کیفیت هم بصورت جداګانه اعلان می شود. بعد از اجرای این ترتیب شرکت اسهام مربوطه را به قیمت بورس و یا بطور مزایده به فروش رسانده، اسناد سابق را باطل و عوض آن اسناد جدید اعطا می نماید. در این اسناد مبالغ تأدیه شده و اقساط باقیمانده درج می گردد اگر مبلغ تحصیل شده از درک فروش اسناد سهمیکه به موجب این ماده فروخته می شود از مبلغ معین سند مذکور کم باشد، فرق آن از مالک اول سند گرفته می شود.

ماده ۳۹۹:

در حال فروش یک سند سهم با نامی که قیمت آن تماماً پرداخته نشده باشد، مالک اول و کسانی که بعداً سند را خریده اند از مبلغ باقی سند مذکور در مقابل شرکت جمعاً مسئول می باشند. مسئولیت انتقال دهندگان از تاریخ درج انتقال در دفتر شرکت بعد از سه سال ساقط می شود.

قبل از پرداخت بقیه مبلغ سند سهم، انتقال دهنده حق دارد به یکی از انتقال دهندگان بعد از خود و یا آخرین دارنده سند برای مبلغی که تأدیه نموده است، رجوع کند.

ماده ۴۰۰:

قبل از تشکیل قطعی شرکت سهامی انتقال سندات سهم بدیگری جائز نیست.

ماده ۴۰۱:

انتقال سندات سهمی که مقابل جنس داده شده باشد، بعد از مرور دو سال از تشکیل شرکت ممکن است.

ماده ۴۰۲:

اگر یک سند سهم و سند مؤقتی طوری پوسیده و خراب شده باشد که استعمال آن غیر ممکن ولی مندرجات اصلی و علامه فارقه آن بلا تردد قابل فهم باشد، صاحب آن حق دارد با پرداخت مصارف از شرکت

کالونه ساقطی. د سهم د سند د پاتي پیسو له ورکړې نه پخوا انتقال ورکوونکی حق لري چه وروسته له ده نه یو د انتقال ورکوونکی څخه او یا د سند وروستني خاوند ته د هغو پیسو د پاره چه ورکړې یې دی رجوع وکړی.

ماده ۴۰۰:

د سهامی شرکت له قطعی تشکیل څخه پخوا بل ته د سهم د سندونو انتقال جائز نه دی.

ماده ۴۰۱:

د هغه سهم د سندونو انتقال چه د جنس په مقابل کښې ورکړی شوی وي د شرکت له تشکیل څخه د دوه کالوله تیریدونه وروسته ممکن دی.

ماده ۴۰۲:

که د سهم یو سند یا مؤقتی سند داسي وروست او خراب شوی وي چه استعمال یې غیر ممکن وي مگر اصلي مندرجات او فارقه علامي یې په ځای او د لوستو وړ وي، خاوند یې کولای شي چه د مصارفو له ورکولو نه وروسته له

شرکت خخه د سهم نوي سند او مؤقت سند وغوړی. سند سهم و سند مؤقت جدید طلب نماید.

شپږمه برخه د پور اسناد

حصه ششم اسناد قرض

ماده ۴۰۳:

سهمي شرکتونه کولای شي چه پور وکړی. پورکول د هغو اسنادو له مخې چه مساوي قیمت او یو عبارت ولري کیږي.

ماده ۴۰۳:

شرکت های سهامی می توانند استقراض کنند. استقراض به موجب اسنادی که دارای قیمت مساوی و عبارت واحد باشد بعمل می آید.

ماده ۴۰۴:

تر هغه وخته پورې چه د صادره قرض د اسنادو قیمت ټول پوره شوی نه وي په هېڅ شان دپور نور اسناد نشي صادرېدای.

ماده ۴۰۴:

تا زمانی که قیمت اسناد قرض صادره تماماً استیفاء نشده، هیچگونه اسناد قرض دیگر صادر شده نمی تواند.

ماده ۴۰۵:

د هغه پور اسناد چه سهمي شرکتونه يي صادروي نه ښایی چه د شرکت د ورکړ شویو شتو او پانگې له هغې اندازي خخه چه د وروستني بیلانس په موجب تصدیق شوی او معلوم شوی وي، تیری وکړی.

ماده ۴۰۵:

اسناد قرضی که شرکتهای سهامی صادر می کنند، نباید از مقدار تأدیه شده سرمایه و دارایی شرکت که به موجب آخرین بیلانس تصدیق شده معلوم شده تجاوز کند.

ماده ۴۰۶:

که خه هم د سهامی شرکت په اساسنامه کښې د پور د اسنادو د صدور دپاره اجازه ورکړې شوی وي، خو سره له هغه د عمومي مجمع تصویب هم لازم دی. ددی تصویب د اعتبار دپاره د (۳۷۲) مادی د لومړۍ برخې د مندرجه اکثریت او خبرو اترو نصاب شرط دی.

دا تصویب باید د تجارت د ثبت په دفتر کښې ثبت او اعلان شي.

ماده ۴۰۷:

مدیره هیئت چه د پور د اسنادو د خپرولو دپاره اقدام کوي، باید بیان نامه په لاندې ډول نشر کړي:

۱- نوم، موضوع، مرکز او د شرکت د دوام موده.

۲- د شرکت د پانگې اندازه.

۳- د شرکت د اساسنامې نېټه او که په هغې کښې کوم تعدیلات پېښ شوی وي، د هغو نېټه سره له هغو نیتو چه اعلان شوی دی.

۴- د مصدقه بیلانس له مخې د شرکت مالي وضعیت.

۵- د پور د اسنادو ټول قیمت او شرکت ته د ورکړې صورت، د هر

ماده ۴۰۶:

اگر چه در اساسنامه شرکت سهامی برای صدور اسناد قرض اجازه داده شده باشد، مع ذلک تصویب مجمع عمومی نیز لازم است. برای اعتبار این تصویب نصاب مذاکره و اکثریت مندرجه قسمت اول ماده (۳۷۲) شرط است.

این تصویب باید به دفتر ثبت تجارت ثبت و اعلان شود.

ماده ۴۰۷:

هیئت مدیره که برای نشر اسناد قرض اقدام می کند، باید بیان نامه به شرح ذیل نشر نماید:

۱- اسم، موضوع، مرکز و مدت دوام شرکت.

۲- اندازه سرمایه شرکت.

۳- تاریخ اساسنامه شرکت و اگر در آن تعدیلات بعمل آمده باشد، تاریخ های آن با تاریخ هایی که اعلان شده.

۴- وضعیت مالی شرکت نظر به بیلانس مصدقه.

۵- مجموع قیمت اسناد قرض و صورت تأدیه به شرکت با

سند قیمت، د ټکټ پولی اندازه،
د نوم لرونکی او بی نومه په لحاظ
د سند ډول، د شرکت له خوا د پور
د ورکړې وخت او صورت.
۶- د هغه تصویب د ثبت او
اعلان نېټه چه د پور د اسنادو د
صدور په خصوص کښې د
عمومي مجمع له خوا شوی وي.
۷- که د شرکت منقوله او غیر
منقوله مالونه د پور د هغو اسنادو
په سبب چه پخوا صادر شوی وي او
یا په بل سبب تر گروې یا تضمین
لاندې راغلي وي، دا بیان نامه باید
لږترلږه پنځه لس ورځې پخوا د پور
د اسنادو له صدور څخه نشر او
اعلان شي.

ماده ۴۰۸:

د پور د اسنادو د پیروندلو د تعهد
په پانه کښې د (۴۰۷) مادې د بیان
نامي شرطونه داخلېږي.

ماده ۴۰۹:

د پور په اسنادو کښې برسېره د
بیان نامي په مندرجاتو د ټکټ
پولی قیمت او د ورکړې شرطونه
هم داخلېږي. د پور سند باید لږ
ترلږه د مدیره هیئت د دوه تنو غړیو
له خوا لاس لیک شي.

قیمت هر سند، مقدار تکت
پولی، نوعیت سند از لحاظ با
نام و یا بی نام بودن، صورت و
زمان ادای قرض از طرف شرکت.
۶- تاریخ ثبت و اعلان
تصویبی که راجع به صدور
اسناد قرض از طرف مجمع
عمومی شده باشد.
۷- اگر اموال منقوله و غیر
منقوله شرکت بسبب اسناد قرض
که قبلاً صادر گردیده باشد و یا
بسبب دیگری تحت رهن و یا
تضمین نشان داده شده باشد، این
بیان نامه باید اقلأ پانزده روز قبل
از صدور اسناد قرض، نشر و
اعلان گردد.

ماده ۴۰۸:

در ورقه تعهد خریداری اسناد
قرض شرایط بیان نامه ماده
(۴۰۷) درج می گردد.

ماده ۴۰۹:

در اسناد قرض علاوه از مندرجات
بیان نامه، قیمت و شرایط
تأدیه تکت پولی هم درج
می شود. سند قرض باید اقلأ از
طرف دو عضو هیئت مدیره
امضاء شود.

ماده ۴۱۰:

مدیره هیئت غری چه د پور له مربوطو احکامو څخه خلاف رفتاری وکړی، د علاقہ لرونکو کسانو په مقابل کښې په گډه سره مسئول دی.

ماده ۴۱۰:

اعضای هیئت مدیره که مخالف احکام مربوطه به قرض رفتار کنند، در مقابل اشخاص ذی علاقہ جمعاً مسئول اند.

ماده ۴۱۱:

د پور د اسنادو د مالکینو د عمومی مجمع له غونډې نه پخوا مدیره هیئت باید د اسنادو د مالکینو د تدقیق دپاره د متداوله پور د اسنادو یو جدول جوړ کړی.

ماده ۴۱۱:

قبل از اجتماع مجمع عمومی مالکین اسناد قرض هیئت مدیره باید یک جدول اسناد قرض متداوله را برای تدقیق مالکین اسناد تهیه کنند.

ماده ۴۱۲:

په سهامی شرکت کښې د پور د نوم لرونکی سند د قید دپاره د ثبت یو دفتر جوړول کیږی.

ماده ۴۱۲:

در شرکت سهامی برای قید سند قرض با نام یک دفتر ثبت ترتیب داده می شود.

ماده ۴۱۳:

مدیره هیئت او نظار هیئت د ضرورت په وخت کښې کولای شي چه د عمومی مجمع په شان د پور د اسنادو خاوندان ټولني ته راوغواړی. دپور د اسنادو خاوندان چه لږ ترلږه د متداوله پور د اسنادو د قیمت د پنځمی خاوندان وی کولای شی چه د پور د اسنادو د

ماده ۴۱۳:

هیئت مدیره و هیئت نظار عندالایجاب می توانند مالکین اسناد قرض را مثل مجمع عمومی دعوت به اجتماع نمایند. مالکین اسناد قرض که مالک پنج یک قیمت اسناد قرض متداول باشند، می توانند انعقاد مجمع

خاوندانو د عمومي مجمع د ټولني تقاضا وکړي. مدیره هیئت او نظار هیئت مکلف دی چه د دوی تقاضا پر ځای کړي، د پور د اسنادو د خاوندانو را غوښتل د ټولو سهم لرونکو ټولني ته د غوښتنې د مخصوص احکام تابع دی.

۴۱۴ ماده:

د پور د اسنادو د مالکینو عمومي مجمع واک لری چه په لاندی موادو کښې رای او تصویب ورکړي:

۱- د پور د سند د مخصوصو تضمیناتو تنقیص، یا رفع یا لغو کول.

۲- د ټکت پولی د میعاد اوږدول، او د ټکت پولی د ورکړی د اندازي تنزیل او یا د شرایطو تعدیل.

۳- د پور د استهلاك د شرطونو تعدیل او د مودی اوږدول.

۴- د پور د اسنادو په عوض د اسهامو د سندونو اخیستل او قبلول.

۵- په پورته موادو کښې د رسیدگی، دپاره د یوه یا خواتنو وکیلانو ټاکل.

عمومي مالکین اسناد قرض را تقاضا کنند. هیئت مدیره و نظار مکلف اند که به تقاضای آنها ترتیب اثر بدهند، دعوت مالکین اسناد قرض تابع به احکام مخصوص دعوت به اجتماع عمومی سهامداران است.

ماده ۴۱۴:

مجمع عمومی مالکین اسناد قرض صلاحیت دارند که در موارد ذیل ابراز رای و تصویب نمایند:

۱- تنقیص یا رفع و یا الغای تضمینات مخصوصه سند قرض.

۲- تمدید میعاد تکت پولی، تنزیل مقدار و یا تعدیل شرایط تأدیه تکت پولی.

۳- تمدید مدت و تعدیل شرایط استهلاك قرض.

۴- اخذ و قبول سندات سهامی بعوض اسناد قرض.

۵- تعیین یک و یا چند نفر وکیل برای رسیدگی در موارد فوق.

ماده ۴۱۵:

لپاره ددی چه د (۴۱۴) مادی (۱-
۲-۳-۴) برخو مقرراتو د پور د
اسناد و د مالکینو په حق کښې
معتبر وي نو باید د اسنادو د
خاوندانو دوه ثلثه یې تصویب
کړی. د نوموړی مادی په پنځمه
فقره کښې د هغو مالکینو رای چه
د پور نیمایي اسناد تمثیل کړی،
کافي دی.

ماده ۴۱۵:

برای این که مقررات حصه (۱-
۲-۳-۴) ماده (۴۱۴) در حق
مالکین اسناد قرض معتبر
باشد، باید دو ثلث ارباب
اسناد تصویب نمایند، در
فقره پنجم ماده مذکور
رای مالکین که نصف اسناد
قرض را تمثیل کنند،
کافیست.

اوومه برخه

**دسهم د اسنادو او د پور د اسنادو
ضیاع**

ماده ۴۱۶:

هغه شرکتونه چه بي نومه سهمونه
او دپور بي نومه سندونه يي صادر
کړي وي، قیمت او گټې يي يواځې
حامل ته ورکولای شي.

حصه هفتم

**ضیاع اسناد سهم و
اسناد قرض**

ماده ۴۱۶:

شرکت هایی که سهام بی نام و
اسناد قرض بی نام صادر کرده
باشند قیمت و منافع را تنها
بجامل اعطا کرده می توانند.

ماده ۴۱۷:

که د پور یا د سهم بي نومه سند
دکوم علت له مخې له حامل څخه
ورک شي او صادر کوونکي شرکت
څخه د تجارت د محکمي د ثبت د
خانگې په ذریعه د ورکړی دنه
اجراء له امله تحریري تقاضا وشي

ماده ۴۱۷:

اگر سند سهم و یا سند
قرض بی نام به علتی از
علل از نزد حامل مفقود
شود و به شرکت صادر کننده
ذریعه شعبه ثبت محکمه تجارت
عدم اجرای تأدیه کتباً تقاضا

او د ورکړې د تاخیر هر ډول مسئولیت قبول شي، شرکت به د ورکړې نه ځان ژغوري. که د اطلاع له نېټې تر شلو ورځو پورې د ورکړې د منع په خصوص کښې د تجارتي محکمي له خوا شرکت ته تبلیغ ونشي نو دا تقاضا به اثره ده.

۴۱۸ ماده:

په تحریري تقاضا کښې باید دا لاندې تفصیلات درج وي:

- ۱- د پور د اسنادو او د سهم د اسنادو د قیمت عدد او لمبرونه.
- ۲- که د پور او سهم د اسنادو نشر متعدد وي، د هغو تذکر.
- ۳- د ورکړې کیفیت او که ممکن وي د ټکټ پولی او د گټې د اخیستو زمانه او ځای.

۴۱۹ ماده:

هغه څوک چه د (۴۱۸) مادې په موجب د هغه د سهم د سند او یا د پور د سند ذوالیدی زائلیږي، پدی صورت چه د شرکت محل تجارتي محکمي ته مراجعه وکړي، محکمه دده ادعا د صحت د دلالتو استیضاح کوي.

و هر نوع مسئولیت تاخیر تأدیه قبول شود، شرکت از تأدیه خودداری خواهد نمود. اگر از تاریخ اطلاع الی بیست روز تصویبی راجع بر منع تأدیه از طرف محکمه تجارتي به شرکت تبلیغ نمی گردد، تقاضای مذکور بی اثر است.

ماده ۴۱۸:

تقاضای تحریری باید محتوی تفصیلات ذیل باشد:

- ۱- عدد قیمت و نمبرهای اسناد سهم و اسناد قرض.
- ۲- اگر نشر اسناد قرض و سهم متعدد باشد تذکر آن.
- ۳- کیفیت مفقودی و اگر ممکن باشد، زمان و مکان اخذ تکت پولی و یا مفاد.

ماده ۴۱۹:

شخصی که به موجب ماده (۴۱۸) ذوالیدی او از سند سهم و یا سند قرض زایل می شود، در صورتی که به محکمه تجارتي محل شرکت مراجعه کند، محکمه دلایل صحت ادعای او را استیضاح می کند.

اگر قرائن موجوده درین باب کافی باشد، شرکت را از تادیات منع و قرار خود را در جراید اعلان می‌کند. اگر در ظرف دو سال از تاریخ اعلان شخصی پیدا و به محکمه تجاریه مراجعه کند، محکمه به آن رسیدگی کرده، فیصله لازم صادر می‌کند. اگر در ظرف مدت مذکور شخصی دعوی نکند، محکمه به اثر مراجعه کسیکه ادعای زوال ذوالییدی سند سهم و سند قرض را نموده امر به اعطای تکت پولی یا مفاد می‌نماید و نامبرده بحیث مالک شناخته می‌شود. این تصویب بعد از اعلان لازم الاجراء است.

ماده ۴۲۰:

دعوی استحقاق به سبب سلب ذوالییدی اسناد سهم و اسناد قرض بی نام صرف علیه شخصی اقامه می‌شود که سندات مذکور را یافته و یا دزدی کرده و یا دانسته از شخصی که حامل حقیقی آن نیست، گرفته باشد.

که موجوده قرینی به دی باب کنبی کافی وی نو شرکت له ورکړو څخه منع کوي او خپل قرار په جريدو کنبی اعلانوي. که د اعلان له نېټې څخه د دوو کالو په موده کنبی یو شخص پیدا شي او تجارتي محکمي ته مراجعه وکړي، محکمه په هغي رسیدگی کوي او لږمه فیصله صادروي. که پدی موده کنبی کوم سړی دعوی ونکړي نو محکمه د هغه شخص د مراجعي په اثر چه د پور د سند او د سهم د سند د ذوالییدی د زوال ادعایي کړیده، د تکت پولی یا مفاد په ورکړه امر کوي او دا سړی د مالک په حیث پیژندل کیږي. دا تصویب وروسته له اعلان څخه لازم الاجراء دی.

ماده ۴۲۰:

د پور او د سهم د بي نومه اسناد و د ذوالییدی د سلب په سبب د استحقاق دعوي يواځې په هغه چاباندی اقامه کیږي چه دا سندونه يي موندلي او يايي غلا کړي او يايي له هغه چاڅخه چه ورباندی پوه وي چه حقيقي حامل يي نه دی، اخیستي وي.

۴۲۱ ماده:

هر هغه چا چه خپل د سهم او پور نوم لرونکی اسناد له لاسه ورکړی وي او شرکت ته مراجعه وکړی او مثنی یې وغواړی، پدی صورت چه د ثبت له مخې د پور د سند او د سهم د سند شخص حقیقی خاوند ثابت شي، د مدیره هیئت د تصویب په موجب مثنی ورکوله کیږي.

۴۲۱ ماده:

شخصی که اسناد سهم و اسناد قرض با نام خود را از دست داده باشد و با مراجعه به شرکت مربوطه خواهان مثنی شود، در صورتی که از روی ثبت شخص صاحب حقیقی سند سهم و یا سند قرض ثابت شود، به موجب تصویب هیئت مدیره مثنی داده می شود.

۴۲۲ ماده:

ټول هغه مصارف چه د سهم د سند یا د پور د سند دپاره چه ذوالیدی یې زائله شوی وي لږمیري. سره له هغو مصارفو چه د (مثنی) د ورکړې په نسبت د شرکت له خوا غوښتل کیږي، د سندونو په مالک پورې اړه لري.

۴۲۲ ماده:

تمام مصارفی که برای سند سهم و یا سند قرض که ذوالیدی آن زایل شده لازم می شود. با مصارفی که نسبت اعطای (مثنی) از طرف شرکت مطالبه می شود، عاید به مالک سند است.

اتمه برخه

د انونیم (سهامي شرکتو) ږنگول او تصفيه

حصه هشتم

انحلال و تصفيه شرکت های سهامی (انونیم)

۴۲۳ ماده:

سهامي شرکتونه د لاتدینيو علتو څخه دیوه په پېښدلو سره ږنگیږي: ۱- د ټاکلي مودی پای ته رسیدل.

۴۲۳ ماده:

شرکتهای سهامی در صورت وقوع یکی از علل ذیل منحل می شود: ۱- ختم مدت معینه.

- ۲- د شرکت د مقصد حصول او یا د هغه د امکان سلبیدل.
- ۳- د (۳۱۴) مادی له مخې د شرکت د پانگې د دوو ثلثو ضایع کېدل.
- ۴- په دی صورت چه ټول سهم لرونکی له پنځو تنو څخه لږ شي.
- ۵- د داسي کوم سبب څرگندیدل چه په اساسنامه کېنې درنګیدو موجب وبلل شي.
- ۶- د یوه شرکت له بل شرکت سره یووالی.
- ۷- د شرکت افلاس.
- ۸- د (۳۷۲) مادی د لومړۍ برخي سره سم د شرکت د عمومي مجمع له خوا د شرکت د ړنگېدو تصویب.
- ۲- حصول مقصد شرکت و یا سلب امکان آن.
- ۳- به موجب ماده (۳۱۴) ضایع دو ثلث سرمایه شرکت.
- ۴- در صورتی که مجموع سهامداران از پنج نفر کم شود.
- ۵- ظهور سببی که در اساسنامه موجب انحلال شمرده شده باشد.
- ۶- اتحاد شرکت با شرکت دیگری.
- ۷- افلاس شرکت.
- ۸- تصویب انحلال شرکت از طرف مجمع عمومی به موجب حصه اول ماده (۳۷۲).

ماده ۴۲۴:

که د شرکت له قطعي تشکیل نه وروسته د سهم لرونکو شمېر له پنځو تنو څخه لږ شي او د شرکت ړنگېدل اعلان نشي نو هر علاقه لرونکی شخص محکمي ته د مراجعي سره کولای شي چه د شرکت ړنگېدل وغواړي.

ماده ۴۲۴:

اگر بعد از تشکیل قطعی شرکت تعداد سهامداران از پنج نفر کم شود و انحلال شرکت اعلان نگردد، هر شخص ذی‌علاقه با مراجعه به محکمه می‌تواند انحلال شرکت را مطالبه کند.

ماده ۴۲۵:

د شرکت پوروالان محکمي ته په مراجعه سره کولای شي چه د هغه

ماده ۴۲۵:

داینین شرکت با مراجعه به محکمه می‌توانند انحلال

شرکت انحلال چه دوه ثلثه خپله پانگه يي ضایع کړی وي وغواړي که شرکت دپوروالټو د طلباتو په مقابل کښې محکمې ته مقتضیه تأمینات ورکړي، محکمه د شرکت په انحلال حکم نشي صادرولاي.

ماده ۴۲۶:

که د شرکت انحلال (غیر له افلاسه) په بل علت مستند وي نو موضوع د مدیره هیئت له خوا درې کرته په هفته کښې یوکرټ اعلانیږي چه پوروالان دی تر یو کال پورې خپل حقوق له شرکت څخه واخلي. ددی مودی شروع ددریم اعلان د خپریدو له نېټې څخه کیږي.

ماده ۴۲۷:

که یو سهامی شرکت غیر له افلاسه په بل علت سره منحل شوی وي وروسته له هغه تصفیه کیږي.

ماده ۴۲۸:

که د تصفیه مامورین د شرکت په اساسنامه کښې پیش بینی شوی نه وي نو عمومي مجمع د شرکت د انحلال په وخت کښې د تصفیه

شرکتی را که دو ثلث سرمایه خود را ضایع کرده باشد تقاضا نمایند. اگر شرکت در مقابل طلبات داینین به محکمه تأمینات مقتضیه را بدهد، محکمه نمی تواند به انحلال شرکت حکم صادر کند.

ماده ۴۲۶:

اگر انحلال شرکت (غیر از افلاس) مستند بعلة دیگری باشد، موضوع از طرف هیئت مدیره سه مرتبه هفته یکبار اعلان می گردد که داینین تا مدت یکسال حقوق خود را از شرکت اخذ نمایند. مبدأ این مدت از تاریخ نشر اعلان سوم است.

ماده ۴۲۷:

اگر یک شرکت سهامی غیر از افلاس بعلة دیگری منحل شده باشد، متعاقباً تصفیه می شود.

ماده ۴۲۸:

اگر مامورین تصفیه در اساسنامه شرکت پیش بینی نشده باشند، مجمع عمومی جین انحلال شرکت هیئت تصفیه را تعیین

هیئت پاکې.

می نماید.

ماده ۴۲۹:

ماده ۴۲۹:

که د تصفيي مامورين د اساسنامي په موجب او يا د عمومي مجمع په تصويب ټاکلي شوی نه وي، د تصفيي وظيفي د مديره هیئت له خوا اجراء کېږي.

اگر مامورين تصفيه بموجب اساسنامه و يا تصويب مجمع عمومي تعيين نگردیده باشند، وظايف تصفيه از طرف هیئت مديره اجراء می شود.

ماده ۴۳۰:

ماده ۴۳۰:

د تصفيي مامورين چه د اساسنامي له مخې او يا د عمومي مجمع په تصويب ټاکل کېږي او يا مديره هیئت د (۴۲۹) مادی له مخې د تصفيي وظيفي اجراء کوي، د عمومي مجمع له خوا د عزل او تبديل وړ دی.

مامورين تصفيه که بموجب اساسنامه و يا تصويب مجمع عمومي تعيين می گردند و يا هیئت مديره به موجب ماده (۴۲۹) وظايف تصفيه را اجراء می کنند، از طرف مجمع عمومي قابل عزل و تبديل اند.

په همدی ډول محکمه کولای شي چه د يوه يا څو علاقه لرونکو دمراجعي په اثر له کتني وروسته د تصفيي مامورين موقوف او يا تبديل کړي.

همچنان محکمه می تواند در اثر مراجعه یک يا چند نفر شخص ذيعلاقه پس از رسيدگی مامورين تصفيه را عزل و يا تبديل نماید.

ماده ۴۳۱:

ماده ۴۳۱:

د منحل شوی شرکت شته د پورونو له اداء څخه وروسته د سهمونو په تناسب د سهم لرونکو په منځ کښې وېشل کېږي. هغه کسان چه د دفترونو او نورو

دارایی شرکت منحل شده بعد از تسويه ديون به تناسب سهام بين سهامداران تقسيم می شود. اشخاصی که از روی دفاتر و ديگر وثايق معتبر

معتبرو وثیقو له مخې پوروال بلل کيږي، د خپلو حقوقو اخیستلو دپاره د راجستري لیکونو په ذریعه رابلل کيږي. د هغو کسانو طلبات چه نه حاضرېږي او یا یې حقوق تر اوسه پورې په اختلاف کښې وي، یو معتبر بانک ته سپارل کيږي. د تصفيي مامورین چه له پاسنی ښوونې څخه چپ حرکت وکړي او غیر حق پیسې ورکړي یواځې او په ګډه سره مسئول دی.

۴۳۲ ماده:

د منحل شوی سهامی شرکت پانې د دفترونه د تصفيي په پای کښې د تصفيي د مامورینو او یا د علاقه لرونکو کسانو د مراجعي په اثر د تجارتي مربوطې محکمي له خوا په داسې ځای کښې چه لازم یې وېولي، تر پنځلسو کالو پورې ساتل کيږي.

۴۳۳ ماده:

د (۲۰۵)، (۲۰۶)، (۲۰۷)، (۲۰۸)، (۲۰۹)، (۲۱۰)، (۲۱۱)، (۲۱۶)، (۲۱۷)، (۲۱۸)، (۲۱۹)، (۲۲۰)، (۲۲۱)، (۲۲۲)، (۲۲۳)، (۲۲۴)، (۲۲۵)، (۲۲۶)، (۲۲۷)، (۲۲۸)

دائن دانسته می شونډ، ذریعه مکتوب راجستري برای اخذ حقوق شان دعوت می گردند. طلبات اشخاصیکه حاضر نمی شونډ و یا حق ایشان هنوز مختلف فیه می باشد، به یک بانک معتبر تودیع می گردد. مامورین تصفیه که مخالف هدایت فوق حرکت کنند و مبالغی را غیر حق پردازند، شخصاً و جمعاً مسئول اند.

۴۳۲ ماده:

اوراق و دفاتر شرکت سهامی منحل شده در اختتام تصفیه به اثر مراجعه مامورین تصفیه و یا اشخاص ذی علاقه از طرف محکمه مربوطه تجارتي در جایی که لازم بداند، برای پانزده سال حفظ می شود.

۴۳۳ ماده:

احکام مواد (۲۰۵)، (۲۰۶)، (۲۰۷)، (۲۰۸)، (۲۰۹)، (۲۱۰)، (۲۱۱)، (۲۱۶)، (۲۱۷)، (۲۱۸)، (۲۱۹)، (۲۲۰)، (۲۲۱)، (۲۲۲)، (۲۲۳)، (۲۲۴)، (۲۲۵)، (۲۲۶)

(۲۲۹)، (۲۳۰)، (۲۳۲)، (۲۳۳)
 (۲۲۷)، (۲۲۸)، (۲۲۹)، (۲۳۰)
 (۲۳۲)، (۲۳۳)، (۲۳۹)، (۲۴۰)
 (۲۴۱) در شرکتهای سهامی نیز
 تطبیق می‌شود.

ماده ۴۳۴:

وظایفی که مطابق ماده (۲۱۷)
 به مدیران سپرده شده است،
 در تصفیه شرکتهای سهامی از
 طرف هیئت مدیره ایفاء
 می‌شود.

ماده ۴۳۵:

شرکتهای سهامی بعد از
 انحلال نیز تا انجام
 معاملات تصفیه موجود
 شمرده می‌شوند.
 و اگر هیئت تصفیه لازم ببیند
 می‌تواند مجمع عمومی را
 برای تصویب امور مربوطه به
 اجتماع دعوت کند.

ماده ۴۳۶:

مأمورین تصفیه وضعیت حاضره
 شرکت را تدقیق و دفتر دارایی و
 بیلانس را ترتیب نموده برای
 تصویب به مجمع عمومی تقدیم
 می‌دارند.

(۲۲۹)، (۲۳۰)، (۲۳۲)، (۲۳۳)
 (۲۳۹)، (۲۴۰)، (۲۴۱) مادو احکام
 په سهامی شرکتو کښې هم تطبیق
 کیږي.

ماده ۴۳۴:

هغه وظیفې چې له (۲۱۷) مادې
 سره سم مدیرانو ته سپارلې شوی
 دی د سهامی شرکتونو په تصفیه
 کښې د مدیره هیئت له خوا په ځای
 کیږي.

ماده ۴۳۵:

سهامی شرکتونه له انحلال
 څخه وروسته هم د تصفیه د
 معاملاتو تر پای ته رسیدلو
 پورې موجود بلل کیږي.
 او که د تصفیه هیئت لازم وبولي،
 کولای شي چې د مربوطه چارو د
 تصویب دپاره عمومي مجمع
 غونډې ته راوغواړي.

ماده ۴۳۶:

د تصفیه مامورین د شرکت حاضر
 وضعیت گوري او د شتو دفتر او
 بیلانس یې جوړوي او عمومي
 مجمع ته یې وړاندې
 کوي.

ماده ۴۳۷:

دکار په پای کښې دتصفیې مامورین مؤظف دی چه یو نهایی او قطعی حساب جوړ کړی او عمومي مجمع ته ئې وسپاري.

ماده ۴۳۷:

در ختم کار مامورین تصفیه مؤظفند که یک حساب نهائی و قطعی ترتیب و به مجمع عمومی بسپارند.

ماده ۴۳۸:

د تصفیې مامورین مکلف دی چه خپلې وظیفې په یو کال کښې پای ته ورسوي او که د تصفیې د معاملاتو اکمال دیو کال په موده کښې ممکن نه وي، د تصفیې مامورین باید دکال په پای کښې د تصفیې نتیجې سره له هغو اسبابو چه د تصفیې د اکمال مانع شوی دی عمومي مجمع ته ابلاغ کړی او د تصفیې د کار د ادامې دپاره تصویب حاصل کړی.

ماده ۴۳۸:

مامورین تصفیه مکلف اند که وظایف خود را در ظرف یک سال به انجام رسانند. اگر اکمال معاملات تصفیه در ظرف یک سال ممکن نباشد، مامورین تصفیه باید در اخیر سال نتایج تصفیه را با اسبابی که مانع اکمال تصفیه شده به مجمع عمومی ابلاغ و برای ادامه عمل تصفیه تصویب حاصل نمایند.

ماده ۴۳۹:

د تصفیې مامورین چه مالونه د عمده په ډول پلوري، د عمومي مجمع په تصویب اخیستو باندی مکلف دی.

ماده ۴۳۹:

مامورین تصفیه در فروش اموال بطور عمده فروشی مکلف به اخذ تصویب مجمع عمومی می باشند.

ماده ۴۴۰:

د شرکت خالصه دارايي چه د سهم لرونکو په منځ کښې د هغو روپو په تناسب ویشله کیږي. د ترجیحي

ماده ۴۴۰:

دارایی خالص شرکت در بین سهامداران به تناسب مبالغی که پرداخته اند تقسیم می شود.

او امتیازی سهمونو په خصوص کښې (که د امتیازی سهم قیمت ورکړی شوی نه وي) که په اساسنامه کښې پیش بینی شوی نه وي، د عمومي مجمع د تصویب له قراره رفتار کيږي.

۴۴۱ ماده:

که د سهامی شرکت انحلال له یوه بل شرکت سره دیوالی په اثر شوی وي، لاندني احکام تطبیق کيږي:

۱- د ادارې چارې په هغه شرکت پورې چه د یووالی په نتیجه کښې نوي تشکیل شویدی، اړه لري، مگر لږم دی چه منحل شوی شرکت شته د پوروالو د طلباتو د ورکړې تر وخته پورې ځانگړی اداره او تصفیه شي.

۲- د هغي محکمي واک چه منحل شوی شرکت د یووالی تر وخته پورې د هغي تابع وي، تر هغي مودی چه ددی شرکت شته ځانگړی اداره کيږي هم دوام کوي.

۳- د نوي شرکت د مدیره هیئت غړي د شرکت د چارو د ادارې دپاره ددی مادی د لومړۍ فقرې د حکم تر اجراء پورې یواځې او په

راجع به سهام ترجیحی و امتیازی (اگر قیمت سهم امتیازی تأدیه نشده باشد) اگر در اساس نامه پیش بینی نشده باشد، به قرار تصویب مجمع عمومی رفتار می شود.

ماده ۴۴۱:

اگر انحلال شرکت سهامی در اثر اتحاد با یک شرکت دیگر صورت گرفته باشد، احکام آتیه تطبیق می شود:

۱- امور اداره به شرکتی که جدیداً در نتیجه اتحاد تشکیل یافته مربوط است، اما لږم است که دارایی شرکت منحل شده تا وقتی که تادیه طلبات دائنین مستقلاً اداره و تصفیه شود.

۲- صلاحیت محکمه که شرکت منحل شده تا زمان اتحاد تابع آن بوده، الی مدتی که دارایی این شرکت جداگانه اداره می شود نیز دوام می کند.

۳- اعضای هیئت مدیره شرکت جدید تا اجرای حکم فقره اول این ماده برای اداره امور شرکت

گپه سره مسئول دی.

۴- د شرکت د انحلال موضوع د تجارتی ثبت په دایره کښې ثبت او اعلانیږي.

۵- د دوو یو شویو شرکتو مالونه په (۴۳۸) ماده کښې د ټاکل شوی مودی تر تېرېدلو پورې یو له بل سره گپیدای نشي.

شخصاً و جمعاً مسئول اند.

۴- موضوع انحلال شرکت به دایره ثبت تجارتی ثبت و اعلان می شود.

۵- اموال دو شرکت متحده تا مرور مدت معینه ماده (۴۳۸) به یکدیگر ممزوج نمی شود.

نهمه برخه

د نفع او ضرر حساب

حصه نهم

حساب نفع و ضرر

۴۴۲ ماده:

د گټو په ویشلو کښې لږ تر لږه له هغو څخه په سلو کښې پنځه د شرکت د احتمالي ضررونو د پوره کولو دپاره د احتیاطي پانگې په نامه ساتلي کیږي. احتیاطي پانگه چه پدی ډول ټولېږي (که په اساسنامه کښې د هغې د زیاتوالی په باره کښې کوم صراحت موجود نه وي) وروسته له هغه چه د شرکت د پانگې څلورمې ته ورسېږي، نوري پیسې نه ساتلي کیږي. که د سهمونو قیمت د هغو له ټاکلي قیمت څخه زیات وي، د قیمت زیاتوالی یې هم ممکن دی چه په

۴۴۲ ماده:

د توزیع منافع اقلأ پنج فیصد آن بنام سرمایه احتیاطی برای جبران ضررهای احتمالی شرکت نگهداشته می شود. سرمایه احتیاطی که با این صورت جمع می شود (اگر در اساسنامه راجع به زیادت آن صراحتی موجود نباشد) بعد از آن که به ربع سرمایه شرکت برسد، دیگر مبلغی نگهداشته نمی شود. اگر قیمت سهام از قیمت های معینه آنها زیادت باشد، زیادگی قیمت نیز ممکن است به سرمایه احتیاطی

احتیاطی پانگه ور زیات شی. وروسته له هغه چه احتیاطی پانگه هغی اندازي ته چه په اساسنامه یا قانون کښې ټاکلي شوی وي ورسپړی او بیا په هر سبب چه وي نقصان ومومي، د لمړنۍ فقرې له ذکر شوی ترتیب سره سم د نقصان د پوره کېدو تر وخته پورې دگټو ساتني ته ادامه ورکول کیږي.

۴۴۳ ماده:

تر هغه وخته پورې چه د شرکت زیانونه پوره نشي او د (۴۴۲) مادی له مخې د احتیاطی پانگې روپي وضع نشي، گټې نه ویشلي کیږي. هغه گټې چه له دی حکم نه چپي ویشلي شي، غیر حقیقي بللی کیږي او د هغو په باره کښې د (۴۴۴) مادی حکم تطبیقېږي.

۴۴۴ ماده:

که مفاد د بد نیت له مخې (لکه د بیلانس نشتوالی او یا په بیلانس کښې غیر حقیقي گټې ښودل) ویشلي شوی وي، مستردیږی د غیر حقیقي گټو د استرداد د دعوي حق وروسته له پنځو کالو له هغی مودی چه په اساسنامه کښې دگټو ویشلو دپاره ټاکلي دی

علاوه شود. بعد از آن که سرمایه احتیاطی به مقداری که در اساسنامه و یا قانون تعیین گردیده برسد، باز به هر سببی که باشد تناقض کند، مطابق ترتیب متذکره فقره اول تا وقت اكمال نقصان دوباره به نگهداشت منافع ادامه داده می شود.

ماده ۴۴۳:

تا زمانی که ضررهای شرکت جبران نشود و مبلغ سرمایه احتیاطی به موجب ماده (۴۴۲) وضع نگردد، منافع توزیع نمی شود. منافی که مخالف این حکم توزیع گردد، غیر حقیقی محسوب شده و احکام ماده (۴۴۴) راجع به آن تطبیق می شود.

ماده ۴۴۴:

اگر مفاد از روی سوء نیت از قبیل عدم موجودیت بیلانس و یا نشان دادن مفاد غیر حقیقی در بیلانس) توزیع گردیده باشد، مسترد می شود. حق دعوی استرداد منافع غیر حقیقی بعد پنج سال از مدتی که در اساسنامه برای توزیع منافع معین است،

ساقطیږي.

ساقط می گردد.

ماده ۴۴۵:

ماده ۴۴۵:

د سهم د سند دپاره د شرکت داساسنامي يا د عمومي مجمع په ذريعه ټکټ پولی نه منل کيږي او نه ټاکله کيږي - مگر د هغو شرکتو سهم لرونکو ته چه د هغو کار موضوع د لوئي پانگې ټولول وي او دا ترتيب د مودی د تيريدو متضمن وي، د شرکت د متعده پانگې د ټولي شوی برخي دپاره منتهيا په سلو کښې پنځه ټکټ پولی ورکول کيدای شي په شرط ددی چه له پنځو کالو څخه زیاتی ونکړي. هغه پیسې چه په دی صورت د ټکټ پولی له درکه ورکول کيږي د ابتدائي تاسیساتو د مصارفو په شان په بیلانس کښې معامله کيږي.

برای سند سهم ذریعۀ اساسنامه شرکت و یا تصویب مجمع عمومی تکت پولی قبول و تعیین نمی شود، لیکن به سهامداران شرکت هاییکه موضوع فعالیت آنها جمع شدن سرمایه بزرگ بوده و این ترتیب متضمن مرور مدت باشد، برای قسمت جمع شده سرمایه متعده شرکت منتهیا پنج فیصد تکت پولی داده شده می تواند مشروط بر اینکه از پنج سال تجاوز نکنند. مبالغی که به این صورت از درک تکت پولی تأدیه می شود، مانند مصارف تأسیسات ابتداییه در بیلانس معامله می شود.

ماده ۴۴۶:

ماده ۴۴۶:

که احتیاطي پانگه د هغه کسر د پوره کولو دپاره چه له ضرر څخه پیدا شوی وي کفایت ونکړي، د ټول ضرر د پوره کولو تر وخته پورې گټې په سهم لرونکو نشي ویشل کيدای.

اگر سرمایه احتیاطی برای تلافی کسر ناشی از ضرر کفایت نکند، تا زمان تلافی تمام ضرر منافع به سهامداران تقسیم شده نمی تواند.

پنجم فصل سهامی مختلط تضامنی شرکتونه

ماده ۴۴۷:

سهامی مختلط تضامنی شرکتونه عبارت له هغو شرکتو څخه دی چه په هغو کښې یو یا زیات شمیر شریکان د شرکت د پورونو په مقابل کښې تضامنی او غیر محدود مسئولیت لري. پدی حال کښې چه بل شمیر شریکان فقط د هغو سهامو په اندازه چه په شرکت کښې یې لري مسئول دی.

ماده ۴۴۸:

یو د بل سره متضامن شریکانو حقوقیه مناسبات او په عمومي صورت له محدود المسئولیت سهم لرونکو سره او له دریمو کسانو سره او په تیره بیا د شرکت د اداری او په خارج کښې د هغه د نمایندگی په خصوص کښې صلاحیتونه او له شرکت څخه وتل، د مختلطو تضامنی شرکتو د احکامو تابع دی. په نورو خصوصیاتو کښې که پدی فصل کښې دهغه په خلاف تصریح نه وي

فصل پنجم شرکتهای تضامنی مختلط سهامی

ماده ۴۴۷:

شرکتهای تضامنی مختلط سهامی عبارت از شرکتهایی است که در آن یک یا تعداد بیشتری از شرکاء در مقابل دیون شرکت مسئولیت تضامنی و غیر محدود دارند، در حالی که عده دیگری از شرکاء فقط به اندازه سهامی که به شرکت دارند مسئول می باشند.

ماده ۴۴۸:

مناسبات حقوقیه شرکای متضامن با یکدیگر و بصورت عمومی با سهامداران محدود المسئولیت و با اشخاص ثالث و بالخاصه صلاحیت های راجع به اداره شرکت و نمایندگی آن در خارج و خروج از شرکت، تابع به احکام شرکتهای تضامنی مختلط می باشد. در خصوصیات دیگر اگر خلاف آن درین فصل تصریح نشده باشد، احکام شرکتهای

شوی، د سهامی شرکتو احکام تطبیق کیږي.

ماده ۴۴۹:

د سهامی مختلط تضامنی شرکت په اساسنامه کښې پرته له (۶) فقري نوري ټولې فقرې چه په (۲۷۰) ماده کښې ذکر شوی وي داخلېږي. د سهامی مختلط تضامنی شرکتو په خصوص کښې د (۲۷۱) مادی حکم نه جاري کیږي.

ماده ۴۵۰:

د سهامی مختلط تضامنی شرکت اساسنامه باید د ټولو متضامنو شریکانو له خوا لاس لیک شي او ټول هغه کسان چه د اساسنامې په جوړولو کښې گډون کوي مؤسس بلل کیږي. مؤسسين له پنځو تنو څخه لږیدای نشي او لږ ترلږه باید یو تن له مؤسسينو څخه متضامن شریک وي. محدود المسئولیت شریکان چه د مؤسس په حیث پیژندل کیږي باید د هغو سهمونو اندازه چه مالک یې دی په اساسنامه کښې درج شي.

سهامی تطبیق می شود.

ماده ۴۴۹:

د اساسنامه شرکت تضامنی مختلط سهامی غیر از فقره (۶) تمام فقرات دیگری که در ماده (۲۷۰) ذکر شده درج می شود. حکم ماده (۲۷۱) راجع به شرکت های تضامنی مختلط سهامی جاری نیست.

ماده ۴۵۰:

د اساسنامه شرکت تضامنی مختلط سهامی باید از طرف عموم شرکای متضامن امضاء شود و تمام اشخاصی که در تنظیم اساسنامه اشتراک می کنند، مؤسس شمرده می شوند. مؤسسين از پنج نفر کمتر شده نمی تواند و اقلاً یکی از مؤسسين باید از شرکای متضامن باشد. شرکای محدود المسئولیت که به حیث مؤسس شناخته شوند باید مقدار سهامی را که مالک می باشند در اساسنامه درج شود.

ماده ۴۵۱:

د سهامی مختلطو تضامنی شرکتونو د متضامنو شریکانو په باره کښې د سهامی شرکتونو د مدیره هیئت د وظیفو او مسئولیت په خصوص کښې احکام جاري دی.

ماده ۴۵۲:

د سهامی مختلطو تضامنی شرکتو مدیران د هغو شرطونو او احوالو په دائره کښې چه د تضامنی شرکتونو د مدیرانو د عزل دپاره ټاکل شوی دی، د عزل وړ دی.

ماده ۴۵۳:

لکه چه یو متضامن شریک نشي کولای بی د شرکت د نورو متضامنو شریکانو له اجازي څخه په تجارتي ډول چه د شرکت موضوع ده معامله وکړی، په همدی شان نشي کولای چه په یو بل داسي تضامنی شرکت کښې چه په همغه ډول تجارت بخت وي، د متضامن شریک په صفت داخل شي. هغه متضامن شریک چه ددی حکم په خلاف رفتار وکړی، د (۱۵۹) مادی مقررات د هغه په باره کښې تطبیقېږی. که متضامن

ماده ۴۵۱:

احکام راجع به وظایف و مسئولیت هیئت مدیریت شرکت‌های سهامی درباره شرکاء متضامن، شرکت‌های تضامنی مختلط سهامی هم جاریست.

ماده ۴۵۲:

مدیران شرکت‌های تضامنی مختلط سهامی در دایره شرایط و احوالی که برای عزل مدیران شرکت‌های تضامنی تعیین شده قابل عزل اند.

ماده ۴۵۳:

یک شریک متضامن طوری که نمی‌تواند بی اجازه شرکای متضامن دیگر شرکت به نوع تجارتي که موضوع شرکت است معامله کند، همچنان نمی‌تواند به یک شرکت تضامنی دیگری که به همان نوع تجارت مشغول باشد، به صفت شریک متضامن داخل شود. شریک متضامنی که بر خلاف این حکم رفتار کند، مقررۀ ماده (۱۵۹) درباره آن تطبیق می‌شود. اگر شرکای متضامن و یا هیأت نظار

شریکان او یا نظار هیئت په بل شرکت کښې د یوه متضامن شریک په اشتراک او یا د هغه په تجارتی عمل چه ددی مادی له مقراتو څخه چپ یی رفتار کړی وي د وقوع له نېټې څخه تر یو کال پورې اعتراض ونکړی، د اعتراض حق یی ساقطیږی.

ماده ۴۵۴:

د عمومي مجمع د تصویبونو اجراء (په داسې حال کښې چه د شرکت په اساسنامه کښې د هغو په خلاف نور مقررات موجود نه وي) په نظار هیئت پورې اړه لري.

ماده ۴۵۵:

نظار هیئت په هغو دعوو کښې چه د متضامنو شریکانو او د محدود المسئولیت شریکانو د عمومي مجمع ترمنځ پېښ شي، د محدود المسئولیتو شریکانو نمایندګي کولای شي. مګر دا صلاحیت د محدود المسئولیتو شریکانو د عمومي مجمع په تصویب سره خصوصي وکیلانو ته هم سپارل کیدای شي. متضامن شریکان د نظار هیئت په جمله کښې شاملیدای شي.

اشتراک شریک متضامنی را به شرکت دیگر و یا عمل تجارتی او را که برخلاف مقررات این ماده رفتار کرده باشد از تاریخ وقوع تا یک سال اعتراض ننمایند، حق اعتراض ساقط می شود.

ماده ۴۵۴:

اجرای تصویبات مجمع عمومی (در حالی که در اساسنامه شرکت مقررات دیگری بر خلاف آن موجود نباشد) مربوط به هیئت نظار است.

ماده ۴۵۵:

هیئت نظار در دعاوی ای که میان شرکای متضامن و مجمع عمومی شرکاء محدود المسئولیت واقع شود، شرکای محدود المسئولیت را نمایندګی می توانند. لیک این صلاحیت با تصویب مجمع عمومی شرکاء محدود المسئولیت به وکلای خصوصی هم سپرده شده می تواند. شرکای متضامن در جمله هیئت نظار شامل شده نمی توانند.

شپږم فصل
محدود المسئوليت شركتونه

فصل ششم
شرکتهای محدود المسئوليت

ماده ۴۵۶:

هغه تجارتي شرکت چه پانگه يي په
سهمونو نه وي ویشل شوی او د هر
شریک مسئولیت په شرکت کښې^۱
دده د متعهد پانگې په اندازه
وي، محدود (لمیتد) بلل
کيږي.

ماده ۴۵۶:

شرکتهای تجارتی ای که سرمایه آن
غیر منقسم با سهام بوده و
مسئولیت هر شریک محدود
باندازه سرمایه متعهد او در
شرکت باشد، محدود (لمیتد)
نامیده می شود.

ماده ۴۵۷:

پرته د بیمې له چارو دهر ډول
معاملاتو دپاره محدود شرکت
تشکیلیدای شي.

ماده ۴۵۷:

غیر از امور بیمه برای هر نوع
معاملات شرکت محدود
تشکیل شده می تواند.

ماده ۴۵۸:

لمیتد شرکت د ملي اقتصاد د
وزارت په اجازه جوړېږي. د اجازي
په درخواست کښې لارم دی چه د
ټولو شریکانو او یا د دوی د
مصدقو وکیلانو لاس لیکونه داخل
شي. باید د شرکت ټوله پانگه
تعهد او لږ تر لږه نیمایي پانگه
ورکړی شوی وي.*

ماده ۴۵۸:

شرکت لمیتد په اجازه وزارت
اقتصاد ملی تشکیل می یابد.
در درخواست اجازه لارم است
که امضاء تمام شرکاء و یا
وکیل های مصدق ایشان درج
گردد. باید تمام سرمایه شرکت
تعهد و اقلاً نصف آن تأدیه
شده باشد.*

ماده ۴۵۹:

په محدودو شرکتو کښې د
شریکانو شمیر لږ تر لږه دوه او

ماده ۴۵۹:

در شرکتهای محدود عدد
شرکا اقلاً دو و اکثراً

* ایزاد ماده ۴۵۸ در بخش تعديلات این قانون آمده.

زیات یې پنځوس تنه دی. په محدود شرکت کښې باید پانگه له سلو زرو افغانو څخه لږ نه وي.

۴۶۰ ماده:

په محدودو شرکتو کښې دی وروسته له عنوان څخه د (محدود) کلمه زیاته شي. همدا ډول په ټولو پاڼو او اسنادو کښې دی د شرکت تر عنوان لاندې د پانگې اندازه داخله شي.

۴۶۱ ماده:

په محدودو شرکت کښې د اشتراک اسناد نوم لرونکی دی. د هغو انتقال د هغو زیاتو شریکانو په موافقه پورې تړلي دی چه د پانگې د درې ربع نمایندګي وکوي. که د پانگې په ځای شیان ورکړی شوی وي، د شرکت د تشکیل په لمړیو دریو کالو کښې بل ته انتقال کیدای نشي.

۴۶۲ ماده:

هغه چا چه یوه اندازه تعهد کړی پانگه نه وي ورکړی او خپله برخه انتقال کړی، شرکت کولای شي چه پاتي پانگه له لمړی شخص او یا د

پنجاه نفر است در شرکت محدود سرمایه نباید کمتر از یکصد هزار افغانی باشد.

ماده ۴۶۰:

در شرکت‌های محدود بعد از عنوان کلمه (محدود) علاوه شود. همچنین در تمام اوراق و اسناد در زیر عنوان شرکت مقدار سرمایه درج گردد.

ماده ۴۶۱:

اسناد اشتراک در شرکت محدود با اسم است. انتقال آن مقید به موافقه اکثریت شرکائیکه سه ربع سرمایه را نمایندګی کنند، می‌باشد. اگر در عوض سرمایه، اشیاء داده شده باشد، در ظرف سه سال اول تشکیل شرکت، به دیگری انتقال داده شده نمی‌تواند.

ماده ۴۶۲:

شخصی که یک مقدار از سرمایه متعهد را تأدیه نکرده و حصه خود را انتقال دهد، شرکت می‌تواند باقیمانده سرمایه را از

انتقال اخیستونکی خخه و غواری.

مگرد انتقال له نېټې خخه د دووکالو له تیریدونه وروسته یواځې له انتقال اخیستونکي خخه د غوښتنې وړ ده.

۴۶۳ ماده:

محدود شرکت د یوه یا څو تنو مدیرانو له خوا چه د شریکانو له خوا یا له د باندې خخه ټاکل کیږي، اداره کیږي. مدیران یا د شرکت په مقاوله کښې یا د شریکانو په وړستني تصویب سره ټاکل کیږي.

۴۶۴ ماده:

د شرکت مدیران د قانون یا اساسنامي په خلاف اجراآتو کښې شخصاً یا په ګډه سره مسئول دی.

۴۶۵ ماده:

په هغو شرکتو کښې چه د شریکانو شمېر یې له شلو تنو خخه زیات وي د عمومي مجمع ټولنه د هغو مراسمو او قیودو تابع ده چه د سهامی شرکتونو په خصوص کښې پیش بینی شوی دی. په هغو شرکتو کښې چه شریکان یې له

شخص اول و یا انتقال گیرنده مطالبه نماید.

ولی بعد از مرور دو سال از تاریخ انتقال، تنها از انتقال گیرنده قابل مطالبه می باشد.

ماده ۴۶۳:

شرکت محدود از طرف یک و یا چند مدیری که از طرف شرکاء و یا از خارج تعیین می شوند، اداره می گردد. مدیران یا در مقاوله شرکت یا در اثر تصویب بعدی شرکاء تعیین می شوند.

ماده ۴۶۴:

مدیران شرکت در اجراآت خلاف قانون یا اساسنامه شخصاً و جمعاً مسئول اند.

ماده ۴۶۵:

در شرکت هایی که عدد شرکاء از بیست نفر متجاوز باشد، اجتماع مجمع عمومی تابع به مراسم و قیود است که در مورد شرکت های سهامی پیش بینی شده است. در شرکت هایی که شرکاء کمتر از بیست نفر باشند،

شلوتنو خخه لې وي، تصویبونه د شریکانو په رای سره کیږي. په دواړو صورتونو لږمه ده هغه شریکان چه لې ترلږه د نیمایي پانگې نمایندگي کوي، د هغې موضوع دپاره چه تر مذاکرې لاندی ده، رای ورکړی.

ماده ۴۶۶:

د (۱۵۱) مادی حکم په محدودو شرکتو کښې هم جاري دی.

ماده ۴۶۷:

په تصویبونو کښې هر شریک د خپلې برخې په تناسب رای لري.

ماده ۴۶۸:

په محدودو شرکتونو کښې چه د شریکانو شمېر له پنځو تنو خخه زیات نشي د ټولو شریکانو په موافقت مقاوله تعدیلیدای شي. په هغو شرکتو کي چه شریکان یې له پنځو تنو خخه زیات وي، د هغو شریکانو د رایو موافقت چه دوه ثلثه پانگه ولري، کافي دی.

ماده ۴۶۹:

د یوه شریک په وفات یا افلاس شرکت نه فسخ کیږي. که شرکت له

تصویبات برای شرکاء بعمل می آید.

در هر دو صورت لازمست که شرکائی که اقلأ نصف سرمایه را نمایندگی می کنند، بر له موضوع که تحت مذاکره است رأی داده باشند.

ماده ۴۶۶:

حکم ماده (۱۵۱) در شرکتهای محدود هم جاری است.

ماده ۴۶۷:

در تصویبات هر شریک به تناسب حصه خود دارای رأی می باشد.

ماده ۴۶۸:

در شرکتهای محدود که عدد شرکاء از پنج نفر تجاوز نکند، تعدیل مقاوله نامه با موافقت تمام شرکاء بعمل آمده می تواند. در شرکت هایی که شرکاء آن از پنج نفر تجاوز می کند، موافقت آراء شرکائی که دو ثلث سرمایه را تمثیل می کنند، کافست.

ماده ۴۶۹:

به وفات و یا افلاس یکی از شرکاء شرکت فسخ نمی شود، اگر

شرکت مرکب از دو نفر باشد و یک شریک وفات یا افلاس کند، شریک دیگر عوض شریک متوفا دیگری را معرفی می‌کند و الا شرکت منحل می‌شود.

ماده ۴۷۰:

در شرکتهای محدود که عدد شرکاء آن از بیست نفر تجاوز می‌کند، یک و یا چند نفر عضو نظار موجود می‌باشد که مطابق احکام مربوطه به هیئت نظار شرکتهای سهامی اجراءات خواهند کرد.

تبصره:

در شرکتهای سهامی و لیمتد یک نفر نماینده دولت بنام کمیسر موجود خواهد بود تا در تطبیق مواد اصولنامه مراقبت بدارد. وظایف کمیسر به موجب تعلیمات نامه علیحده معین می‌گردد.

دو تنو خخه جوړ وي او یو شریک وفات یا افلاس وکړی نو بل شریک د مړه شریک په عوض بل معرفي کوي او که نه شرکت منحل کیږي.

ماده ۴۷۰:

په محدودو شرکتو کې چې د شریکانو شمیر یې له شلو تنو خخه زیاتېږي، یو تن یا دوه تنه د نظار غړي موجود وي چې د سهامی شرکتو د نظار هیئت له مربوطو احکامو سره سم به اجراءات وکړي.

تبصره:

په سهامی او لیمتد شرکتو کې به یو تن د دولت نماینده د کمیسر په نامه موجود وي ترڅو د اصولنامې د موادو په تطبیق کې مراقبت وکړي. د کمیسر وظیفې د ځانګړي تعلیماتنامې له مخې ټاکلې کیږي.

باب سوم - اسناد تجارتی
فصل اول
برات
حصه اول - تحریر و شکل
برات

درپیم باب - تجارتی اسناد
لومپی فصل
برات
لومپی برخه - د برات لیکنه او
شکل

ماده ۴۷۱:

- برات باید د لاندنی شرطونه ولري:
- ۱- د برات کلمه د سند په متن کښې په هره ژبه چه برات لیکلي شوی وي.
 - ۲- د ټاکلي مبلغ د ورکړې امر بي له قید او شرط څخه.
 - ۳- د (برات ورکوونکي) مخاطب نوم.
 - ۴- د ورکړې موده.
 - ۵- د ورکړې ځای.
 - ۶- د هغه چا نوم چه مبلغ ده ته او یا دده حواله ورکړی ته باید ورکړی شي.
 - ۷- د برات د لیکلو ځای او نېټه.
 - ۸- د برات د صادرونکي لاسلیک.

ماده ۴۷۲:

سندی که یکی از مندرجات ماده (۴۷۱) را حاوی نباشد، ماهیت برات را نخواهد داشت به استثنای

ماده ۴۷۱:

- برات باید دا لاندني شرطونه ولري:
- ۱- د برات کلمه د سند په متن کښې په هره ژبه چه برات لیکلي شوی وي.
 - ۲- د ټاکلي مبلغ د ورکړې امر بي له قید او شرط څخه.
 - ۳- د (برات ورکوونکي) مخاطب نوم.
 - ۴- د ورکړې موده.
 - ۵- د ورکړې ځای.
 - ۶- د هغه چا نوم چه مبلغ ده ته او یا دده حواله ورکړی ته باید ورکړی شي.
 - ۷- د برات د لیکلو ځای او نېټه.
 - ۸- د برات د صادرونکي لاسلیک.

ماده ۴۷۲:

هغه سند چه د (۴۷۱) مادی له مندرجاتو څخه یو په کښې نوي، د برات ماهیت به ونلري پرته له هغو حالاتو

چه په لاتدنیو فقرو کښې ذکر شوی دی:

۱- هغه برات چه د ورکړې موده پکښې ذکر شوی نه وي د ښکارولو په وخت کښې د ورکړې وړ بلل کېږي.

۲- په هغه برات کښې چه دور کړی ځای يي ذکر نه وي نو هغه ځای چه د مخاطب له نامه څخه وروسته لیکلي شوی وي، د ورکړې ځای بلل کېږي.

۳- هغه برات چه د صدور ځای پکښې ذکر شوی نه وي نو هغه ځای چه د دې صادرونکي له نامه څخه وروسته وي د صدور ځای بلل کېږي.

ماده ۴۷۳:

د ورکړې وړ برات کیدای شي چه د صادرونکي په امر یا د صادرونکي په وجه یا دریم شخص په حساب ولیکل شي.

ماده ۴۷۴:

د برات ورکړه کیدای شي چه د دریم شخص د استوگنې په ځای کښې وي او که د مخاطب د استوگنې په ځای کښې وي او که

حالاتی که در فقرات ذیل ذکر گردیده است:

۱- براتی که موعده تأدیه در آن ذکر نشده باشد، عند الرویت قابل تأدیه دانسته می شود.

۲- در براتی که محل تأدیه ذکر نباشد، محلی که بعد از اسم مخاطب تحریر شده باشد، محل تأدیه شناخته می شود.

۳- براتی که محل صدور در آن ذکر نشده باشد، محلی که بعد از اسم صادر کننده مذکور باشد، محل صدور شناخته می شود.

ماده ۴۷۳:

برات را می توان قابل تأدیه به امر صادر کننده یا در وجه صادر کننده یا به حساب شخص ثالث تحریر کرد.

ماده ۴۷۴:

تأدیه برات را می توان در اقامتگاه شخص ثالث، چه در محل سکونت مخاطب باشد و چه در

په بل ځای کښې وي، مشروط کړی.

ماده ۴۷۵:

هغه برات چه د بنودلو په وخت کښې او يا وروسته له بنودني په ټاکلي موده کښې د ورکړې وړ وي، صادرونکي کولای شي چه دا شرط کيږدي چه د ورکړې وړ مبلغ يې تکت پولي بللي وي.

په نورو براتو کښې د تکت پولی شرط معتبر ندی. د تکت پولی اندازه بايد ټاکلي وي، که تکت پولي ټاکلي نه وي، معتبر نه دی. که بله نېټه مقرره شوی نه وي نو تکت پولي به د برات د ليکلوله نېټې څخه حساب شي.

ماده ۴۷۶:

په هغه برات کښې چه مبلغ هم په حروفو او هم په ارقامو ليکلي شوي وي. که په دواړو کښې توپير پيدا شي نو هغه مبلغ چه په حروفو ليکل شوی دی د اعتبار وړ دی. په هغه برات کښې چه مبلغ يواځې په حروفو يا يواځې په ارقامو مکرر ليکلي شوی وي او په منځ کښې

محل ديگری، مشروط نمود.

ماده ۴۷۵:

براتی که عند السرویت و یا در مدت معینی بعد از ارائه قابل تأدیه باشد، صادر کننده می تواند شرط گذارد که مبلغ تأدیه، تکت پولی دانسته باشد.

در براتهای دیگر شرط تکت پولی معتبر نیست. مقدار تکت پولی باید تعیین شده باشد در صورت عدم تعیین، تکت پولی معتبر نیست. اگر تاریخ دیگری مقرر نشده باشد، تکت پولی از تاریخ تحریر برات حساب خواهد شد.

ماده ۴۷۶:

در براتی که مبلغ هم بحروف و هم به ارقام تحریر شده باشد. اگر بین هر دو تفاوت موجود شود، مبلغی که با حروف تحریر گردیده معتبر است. در براتی که مبلغ تنها با حروف و یا تنها با ارقام مکرر تحریر شده باشد و در بین آنها

بي توپير پيدا شي، لږ مبلغ ته اعتبار ورکاوه کيږي.

ماده ۴۷۷:

د هغو کسانو لاس ليک چه په برات باندي د لاس ليک اهليت او صلاحيت نلري، د واک لرونکو کسانو د لاس ليک په اعتبار کوم اثر نشي اچولي.

ماده ۴۷۸:

هغه کسان چه برات د يوه داسي شخص په نامه او حساب باندي چه د هغه وکالت نلري لاس ليک کړي نو هر ډول مسئوليت چه د هغه برات په خصوص کښي پيښ شو، په دوي پورې اړه لري او دهغه وکيل په باره کښي چه د خپل واک له حدودو څخه تيري وکړي هم همدغه حکم معتبر دی.

ماده ۴۷۹:

د برات قبول او ورکړه د صادر وونکي تر ضمانت لاندی دی. صادر وونکي ممکن دی چه د قبول له ضمانت څخه ځان خلاص کړي مگر هغه شرط چه د ورکړي له ضمانت څخه د ابراء متضمن وي، د اعتبار وړ نه دی.

تفاوت موجود شود، به مبلغ اقل اعتبار داده می‌شود.

ماده ۴۷۷:

امضای اشخاصی که واجد صلاحیت و اهلیت در برات نباشند، به اعتبار امضای اشخاص واجد صلاحیت اثری وارد نمی‌تواند.

ماده ۴۷۸:

کسانی که برات را بنام و حساب شخصی که وکالت او را ندارد امضاء کنند، هر نوع مسئولیت راجع به آن برات به ایشان عاید است. درباره وکیلی که از حدود صلاحیت خود تجاوز کند نیز عین همین حکم معتبر است.

ماده ۴۷۹:

قبول و تأدیة برات تحت ضمانت صادر کننده است صادر کننده ممکن است خود را از ضمانت قبول وارهاند ولی شرطی که متضمن ابراء از ضمانت تأدیة باشد معتبر نیست.

دوه یمه برخه په شا لیکل

۴۸۰ ماده:

که د برات صادر کوونکي د انتقال وړ نه وي او جمله له یوې بلې داسې جملې چې کټ مټ دغه معنی افاده کړې لیکلې وي نو دا برات نقل کیدای نشي او دغیر قابل انتقال طلباتو د احکامو تابع دی.

برات کیدای شي چې مخاطب او صادر کوونکي او یا نورو مسئولینو ته ظهر نویسي کړې شي. له برات څخه ټول پیداشوی حقوق په ظهر نویسي سره انتقال مومي.

۴۸۱ ماده:

د برات په شالیکنه لارمه ده چې له هر ډول قیودو او شرطو څخه عاري وي. په هر شرط پورې چې ظهر نویسي تعلق لري، هغه شرط باطل او بی اثر دی. او د برات د پیسو څخه د یوې برخې ظهر نویسي کول باطل دی.

حصة دوم ظهر نویسي

۴۸۰ ماده:

برات به موجب ظهر نویسي قابل انتقال می گردد. اگر صادر کننده برات جمله قابل انتقال نیست و یا یک جمله دیگری که عین معنی را افاده کند نوشته باشد، برات مذکور به طریق ظهر نویسي نقل شده نتوانسته تابع احکام طلبات غیر قابل انتقال است.

برات را می توان به مخاطب و صادر کننده و یا مسئولین دیگری ظهر نویسي نمود. با ظهر نویسي کافه حقوق متولد از برات انتقال می یابد.

۴۸۱ ماده:

ظهر نویسي لازم است از هر گونه قیود و شروط عاری باشد. هر شرطی که ظهر نویسي به آن متعلق باشد، بلا اثر می باشد و ظهر نویسي یک قسمت از وجه برات باطل است.

ماده ۴۸۲:

د برات په شا لیکنه یا په خپله په برات او یا په یوه بله پاڼه چه په برات پورې نښتی وي، لیکله کیږي. د برات په شا لیکنه لازمه ده چه د برات په شا باندی د لیکوونکي له خوا لاس لیک شي. که د برات په شالیکنه کښې د حامل نوم نه وي ذکر شوی او لیکوونکي د برات په شا او یا په برات پورې نښتی پاڼه باندی یواځې په لاس لیک اکتفا کړی وي د برات په شا دا لیکنه صحیح او د اعتبار وړ ده (سپینه ظهر نویسي).

ماده ۴۸۳:

که ظهر نویسي د سپیني ظهر نویسي له ډوله وي نو حامل يي کولای شي:

- ۱- ظهر نویسي په خپل نامه یا د بل شخص په نامه وکړی.
- ۲- برات د سپیني ظهر نویسي په ډول نقل او یایي بل شخص ته په تکرار ډول په شا ولیکي.
- ۳- بي دهغه د سپین خای له ډکولو او یا بي لدی چه د برات په شا ولیکي، برات بل شخص ته نقل کړی.

ماده ۴۸۲:

ظهر نویسي یا بر خود برات و یا بر یک ورقه دیگر ملصق به برات نوشسته می شود. ظهر نویسي لازم است از طرف ظهر نویس امضاء شود. اگر در ظهر نویسي اسم حامل ذکر نگردیده باشد و یا ظهر نویس در ظهر برات یا ورقه ملصق برات تنها به امضاء اکتفا نموده باشد، این ظهر نویسي صحیح و معتبر است. (ظهر نویسي سفید).

ماده ۴۸۳:

اگر ظهر نویسي از نوع ظهر نویسي سفید باشد، حامل آن می تواند:

- ۱- ظهر نویسي را بنام خود یا بنام شخص دیگری بنویسد.
- ۲- برات بطور ظهر نویسي سفید نقل و یا به یک شخص دیگری تکراراً ظهر نویسي کند.
- ۳- بدون پر کردن جای سفید آن و یا بدون ظهر نویسي برات را بشخص دیگری نقل دهد.

ماده ۴۸۴:

که دهغه په خلاف کوم قید نه وي نو د برات په شالیکونکي د برات د قبول او ورکړې متکفل دی. د برات ظهر نویس کولای شي چه د یوې نوي ظهر نویس اجراء منع کړي. پدی صورت کښې ظهر نویس د هغه شخص په مقابل کښې چه وروسته له هغه ده ته ظهر نویس شوی وي، هیڅ ضمانت نلري.

ماده ۴۸۵:

که سپینه ظهر نویسي (د ټاکلي شخص په نامه) پوره ظهر نویسي تعقیب کړی دبرات د وروستۍ ظهر نویس لاس لیک کوونکي داسي ښکاري چه د سپینې ظهر نویسي په ذریعه دبرات خاوند دی. خط وهلي شوی ظهر نویسي د اعتبار وړ نه دی. که د یو شخص ذوالیدی په کوم سبب له برات څخه زائله شوی وي نو د هغه حامل په دی صورت چه خپل حقوق اثبات کړای شي، د هغه خاوند بلل کیږي.

ماده ۴۸۴:

اگر بر خلاف آن قیدی نباشد ظهر نویس متکفل قبول و تأدیه برات است. ظهر نویس می تواند اجرای یک ظهر نویسی جدید را منع کند. دراین صورت ظهر نویس هیچ ضمانتی را در مقابل شخصی که بعد از آن برات به او ظهر نویسی شده باشد ندارد.

ماده ۴۸۵:

اگر ظهر نویسی سفید را یک ظهر نویسی کامل (بنام شخص معین) تعقیب کند، امضاء کننده ظهر نویسی اخیر برات چنان تلقی می شود که به توسط ظهر نویسی سفید مالک برات است. ظهر نویس های خط زده شده معتبر نیست. اگر ذوالیدی یک شخص بنابر سببی از برات زایل شده باشد، حامل آن در صورتی که حقوق خود را اثبات بتواند، مالک آن شمرده می شود.

ماده ۴۸۶:

که د برات حامل پر مسئولینو باندی دعوي وکړی، مدعي عليه نشي کولای چه د معاملاتو په استناد له پخوانیو حاملینو او یا صادر کوونکو څخه د مسئولیت دفع وکړی.

ماده ۴۸۷:

که ظهر نویس یو له لاسدنیو عبارتو څخه: (د تحصیل دپاره دی) (د قبض دپاره دی) ولري یا وکالتاً یا یو بل داسي عبارت چه پر وکالت دلالت وکړی، حامل سره له دی چه له برات څخه دپیدا شویو ټولو حقوقو موندونکي دی، د هغو ظهر نویسي فقط د وکیل په حیث اجراء کولای شي. په دی حال کښې مسئولین نشي کولای چه دا ډول برات پخوا له هغي ادعا نه چه د مؤکل ظهر نویس په برابر یي لري د حامل په مقابل کښې یې وړاندی کړی. هغه وکالت چه په ظهر نویسي کښې موجود دی، د مؤکل شخص په مرگ او یا د قانوني اهلیت په خائلیدو نه ساقطیږی.

ماده ۴۸۶:

اگر حامل برات علیه مسئولین دعوی کند، مدعی علیه نمی تواند به استناد معاملات یا حاملین سابق یا صادر کننده دفع مسئولیت کند.

ماده ۴۸۷:

اگر ظهر نویسی حاوی یکی از عباره های ذیل باشد: (برای تحصیل است) (برای قبض است) و یا وکالتاً یا عباره دیگری را که دلالت بر وکالت نماید، حامل با این که واجد کافه حقوق متولده از برات است، ظهر نویسی آن را فقط بحیث وکیل می تواند اجراء نماید. درین حال مسئولین اینگونه برات نمی توانند پیش از آن ادعائی که در برابر ظهر نویس مؤکل دارند، در مقابل حامل پیش کنند. وکالتی که در ظهر نویسی موجود می باشد، با مرگ شخص مؤکل و یا بنابر زایل شدن اهلیت قانونی ساقط نمی شود.

۴۸۸ ماده:

پدی حال کنبی چه په ظهر نویسی کنبی دا عبارتونه (د تضمین دپاره دی) او یا (د گرو دپاره دی) او یا داسی تعبیرونه چه د ضمانت یا گروی معنی ورځنی و فهمیږي موجود وي، حامل کولای شي چه له دی برات څخه د پیدا شویو ټولو حقوقو څخه استفاده وکړي. مگر دده له خوا د برات ظهر نویسی یواځې د وکیل له خوا د ظهر نویس حکم لري.

۴۸۸ ماده:

درحالی که در ظهر نویسی عبارت های (برای تضمین است) و یا (برای رهن است) و یا تعبیراتی که معنی ضمانت و یا رهن از آن فهمیده شود موجود باشد، حامل می تواند از تمام حقوق متولده ازین برات استفاده کند. اما ظهر نویسی برات از طرف او تنها حکم ظهر نویسی از طرف وکیل را دارد.

۴۸۹ ماده:

ظهر نویسی چه وروسته له مودی تیریدونه اجراء شي، د هغې ظهر نویسی په حکم کنبی ده چه پخوا اجراء شوی وی. که د هغه په خلاف کوم حکم موجود نه وی نو بی تاریخه ظهر نویسی داسی گڼلی شي چه د اعتراض د میعاد له پای ته رسیدلونه پخوا لیکلی شوی وی.

۴۸۹ ماده:

ظهر نویسی ای که بعد از انقضای مدت اجراء شود، در حکم ظهر نویسی است که قبلاً اجرا شده باشد. اگر بر خلاف آن حکمی موجود نباشد، ظهر نویسی بی تاریخ چنان محسوب می شود که قبل از ختم میعاد اعتراض تحریر شده باشد.

در پیمه برخه
قبولی

ماده ۴۹۰:

برات د موعدا او نېټې د پوره کیدلونه پخوا د حامل له خوا او یا د هریو بل ذوالید له خوا د مخاطب په استوگنځۍ کښې د قبولی دپاره ښکاره کولای شي.

ماده ۴۹۱:

صادر کوونکی کولای شي د مخاطب د قبولی دپاره په برات کښې د مودی د تیریدو شرط قید کړي او یا بی له مودی، د قبولی په اخیستو کښې د حامل مکلفیت ولیکي. هغه برات چه ورکړه یې په استوگنځۍ کښې او یا وروسته له ښکاره کولو نه د هغه ورکړه د مودی په تیرېدو مقیده شوی نه وی نو صادر وونکی کولای شي چه هغه (غیر قابل قبول) ولیکي.

همدا ډول صادر وونکی کولای شي چه دا شرط کیږدی چه پخوا له ټاکلی نېټې څخه د قبول دپاره ښکاره کیدای نشي. پدی صورت چه د صادر وونکی له خوا د (غیر قابل قبول) قید

حصه سوم
قبولی

ماده ۴۹۰:

برات را قبل از رسیدن موعد از طرف حامل و یا از طرف هر ذوالید دیگری به محل اقامتگاه مخاطب برای قبولی می توان ارائه نمود.

ماده ۴۹۱:

صادر کننده می تواند در برات برای قبولی مخاطب شرط مرور مدتی را قید کند و یا بدون مدت، مکلفیت حامل را در اخذ قبولی تحریر نماید. براتی که تأدیه آن به اقامتگاه و یا بعد از ارائه تأدیه آن به مرور مدتی مقید نشده باشد، صادر کننده می تواند آن را (غیر قابل قبول) بنویسد.

همچنان صادر کننده می تواند شرط بگذارد که ارائه برای قبول قبل از تاریخ معین بعمل آمده نمی تواند. در صورتی که از طرف صادر کننده قید (غیر قابل قبول) درج

درج شوی نه وی، هر ظهنویس کولای شي چه د یوی مودی په ټاکلو سره او یا بی د مودی له ټاکلو برات د قبول دپاره مشروط کړی.

۴۹۲ ماده:

په هغو براتونو کښې چه د هغو ورکړه وروسته له ښکاره کولونه په یوه ټاکلی موده پوری مشروط وی، لږم دی چه د برات له نېټې څخه تر شپږو میاشتو پوری ښکاره شي. صادر وونکی کولای شي چه دا موده لږه یا زیاته کړی. د ظهنویس له خوا موده یواځې لږیدای شي.

۴۹۳ ماده:

هغه برات چه حامل یې د قبولی دپاره ښکاره کوی، مجبورنه دی چه مخاطب ته یې تسلیم کړی. مخاطب کولای شي د هغې ورځې په سبا چه برات ورته ښکاره کړی شوی وی، بیا یې هم ښکاره کول وغواړی.

که حامل اعتراض وکړی او په ځواب کښې د دوهم ځل په غوښتنه استناد ونشي نو علاقه لرونکی نشي کولای چه د دوهمی

نشده باشد، هر ظهنویس می تواند با تعیین یک مدت و یا بدون تعیین مدت برات را برای قبول مشروط نماید.

۴۹۲ ماده:

در برات هایی که تأدیه آن به یک مدت معین بعد از ارائه مشروط باشد، لږم است از تاریخ برات الی ظرف شش ماه ارائه شود. صادر کننده می تواند این مدت را کم یا زیاده نماید. از طرف ظهنویس مدت تنها تقلیل شده می تواند.

۴۹۳ ماده:

براتی را که حامل برای قبولی ارائه می کند، مجبور نیست به مخاطب تسلیم کند. مخاطب می تواند فردای روزی که برات به او ارائه شده باشد، برای بار دوم طالب ارائه گردد.

اگر حامل اعتراض کند و در جواب به مطالبه بار دوم استناد نشود، علاقه مندان نمی توانند قبول ننمودن مطالبه

غوښتنې د نه قبلولو ادعا وکړي.

ماده ۴۹۴:

قبول د (قبول شوی دی) په عبارت او یا په بل عبارت چه همدا معنی افاده کوی افاده کیږي او د مخاطب له خوا لاس لیک کیږي. د برات پر مخ د مخاطب تش لاس لیک هم د قبول په حکم کښې دی. په دی حال کښې چه د برات ورکړه په ټاکلی موده کښې د ښکاره کولونه وروسته او یا د هغه ښکاره کول په یو ټاکلی موده کښې د قبولی دپاره مشروط وی نو که حامل د ښکاره کولو د ورځې د نېټې درج و نه غواړی نو هر هغه ورځ چه قبولی پکښې پېښه شوی وی د هماغی ورځې نېټه درجیږي. که مخاطب د قبول په وخت کښې نېټه نه وی درج کړی نو لازم دی چه حامل د خپلو حقوقو د ساتنسی دپاره د ظهر نویس په مقابل کښې او د صادر کوونکی په مقابل کښې د اعتراض (پروتست) د یووی پانې په جوړولو چه په ټاکلی وخت او زمان کښې لیکلی شوی وی، دا غفلت اثبات کړی.

دوم را ادعا کنند.

ماده ۴۹۴:

قبول به عبارت (قبول گردیده است) و یا به عبارت دیگریکه مفید همین معنی باشد، افاده می‌شود و از طرف مخاطب امضاء می‌گردد. محض امضای مخاطب بر روی برات هم در حکم قبول است. در حالیکه تأدیه برات بعد از ارائه در یک مدت معین و یا ارائه آن در ظرف یک مدت معین برای قبولی مشروط باشد، اگر حامل درج تاریخ روز ارائه را تقاضا نکند، هر روزی که قبولی در آن واقع شده باشد، تاریخ همان روز درج می‌شود. اگر مخاطب در حین قبول، تاریخ درج نکرده باشد، لازم است حامل برای محافظه حقوق خود در مقابل ظهر نویس ها و در مقابل صادر کننده با تنظیم یک ورقه اعتراض (پروتست) که در وقت و زمان معین تحریر شده باشد، این غفلت را اثبات کند.

۴۹۵ ماده:

قبول باید بی له قید او شرط
خخه وی مگر مخاطب کولای
شی چه د برات له منخه خخه
یوه برخه روپی قبول نکړی.
نور ټول قیدونه چه په قبول
کښې درج کیږي که دبرات
مندرجات تعدیل کړی، د نه قبول
په حکم کښې دی.
سره لدی په شرط قبلوونکی دهغه
شرط په حدود کښې چه لیکلی یې
دی، مسئول دی.

۴۹۵ ماده:

قبول باید بدون قید و شرط
باشد ولی مخاطب می تواند
جزئی از مبلغ محتویه برات
را قبول نکند. تمام قیود
دیگری که در قبول درج میشود،
اگر مندرجات برات را تعدیل
نماید، در حکم عدم قبول
است.
معذالک قبول کننده
بشرط در حدود شرطیکه
نوشته مسئول است.

۴۹۶ ماده:

که برات دا ډول صادر شوی وی
چه د مخاطب د استوگنې په غیر
خای کښې د ورکړې وړ وی او د
هغه شخص نوم چه هغه ته
ورکاوه کیږي په هغه کښې تصریح
شوی نه وی، داسی گڼل کیږي
چه قبلوونکی تعهد کړی دی
چه د برات وجه شخصاً د ورکړې
په محل کښې اداء کړی.

۴۹۶ ماده:

اگر برات طوری صادر شده
باشد که در محل غیر
اقامتگاه مخاطب قابل تأدیه
باشد و نام شخصی که به او تأدیه
می شود در آن تصریح نشده
باشد، چنان محسوب می شود
که قبول کننده تعهد نموده که
وجه برات را شخصاً در محل
تأدیه اداء نماید.

۴۹۷ ماده:

هغه څوک چه برات قبلوی،
د هغه د ورکړې مسئول دی. له
ورکړې نه د منع په صورت، که

۴۹۷ ماده:

شخصی که برات را قبول
می کند مسئول تأدیه آنست.
در صورت امتناع از تأدیه اگر

حامل صادر کننده برات هم باشد، به موجب مواد (۵۱۸-۵۱۹) همه حقوق قابل مطالبه را می تواند دعوی کند.

ماده ۴۹۸:

اگر قبول کننده، قبولی را بر روی برات نوشسته باشد و قبل از تسلیمی برات به حامل آنرا خط بزنند، چنان محسوب می شود که از قبول امتناع نموده است. ولی اگر مخاطب این قبول را به حامل و یا به یکی از اشخاص امضاء کننده برات تحریراً اخبار و بعد از آن قبولی خود را خط زده باشد، در دایره قبول خود مسئول است.

حصة چهارم ضمانت

ماده ۴۹۹:

تأدیه یک برات جزواً و یا کلاً توسط ضمانت تأمین شده می تواند. تضمین ممکن است از طرف شخصی ثالث و یا یکی از

حامل د برات صادر وونکی هم وی، د (۵۱۸ - ۵۱۹) مادو له مخې د ټولو هغه حقوقو چه د غوښتنې وړ وی، دعوی کولای شي.

ماده ۴۹۸:

که قبل وونکی قبولی د برات په مخ لیکلی وی او حامل ته د برات له تسلیمی څخه یې پخوا بېرته کړېنه یې رابښکلی وی، داسی گڼل کیږي چه دغه برات یې نه دی منلی. مگر که مخاطب دا قبول حامل ته او یا د برات یو لاسلیک کوونکی ته په لیکنه سره اخبار کړی او وروسته له هغه یې په خپله قبولی باندی خط نیولی وی، دخپلی قبولی په دائره کښې مسئول دی.

څلورمه برخه ضمانت

ماده ۴۹۹:

د یو برات ورکړه که یوه برخه وی یا ټول وی د ضمانت په ذریعه تضمین کیدلای شي. تضمین ممکن دی چه ددریم شخص او یا د یوه لاس لیک

کوونکی له خوا وی.

۵۰۰ ماده:

ضمانت یا په برات کښې او یا په یوه ملحقه پاڼه کښې داخلېږي. ضمانت (د ضمانت دپاره دی) په عبارت سره او یا په بل داسی عبارت سره چه دغسی معنی افاده کړي د ضامن له خوا لاس لیک کيږي. پرته له صادروونکی او مخاطب څخه د برات پر مخ د نورو کسانو لاس لیک ضمانت افاده کوی.

په ضمانت کښې باید تصریح شي چه د کوم شخص په حساب ضمانت شوی دی او که تصریح شوی نه وی نو د صادروونکی په حساب ګڼل کيږي.

۵۰۱ ماده:

ضمانت کوونکی دهغه شخص په اندازه چه دی یې ضامن شویدی، مسئول دی. که برات په قانونی شکل نه وی جوړ شوی نو ضامن له خپل تعهد نه بری دی.

که ضامن د برات وجه ورکړي، حق لری چه ضمانت شوی او نورو هغو کسانو ته چه د ضمانت شوی شخص په نزد

امضاء کنندگان بوده باشد.

۵۰۰ ماده:

ضمانت یا د برات و یا در یک ورقه ملحقه درج می شود. ضمانت یا عبارت (برای ضمانت است) و یا عبارت شبیه آن افاده میشود و از طرف ضامن امضاء می گردد. امضای اشخاص دیگر غیر از صادر کننده و مخاطب بر روی برات افاده ضمانت را می کند.

در ضمانت باید تصریح گردد که به حساب کدام شخص ضمانت شده است و اگر تصریح نگردیده باشد، به حساب صادر کننده شمرده می شود.

۵۰۱ ماده:

ضمانت کننده به اندازه شخصی که ضامن او شده است، مسئول است. اگر برات بشکل قانونی ترتیب نشده باشد، ضامن از تعهد خود بری می باشد.

اگر ضامن وجه برات را تأدیه کند، حق دارد علیه شخص ضمانت شده و اشخاص دیگری که نزد شخص ضمانت شده

مسئولیت لری، رجوع وکری.

مسئولیت دارند، رجوع کند.

پنجمه برخه موده

حصة پنجم موده

۵۰۲ ماده:

کیدای شی چه برات په لاندی
شرطونو سره صادر شی:
۱- له بنکاره کولو څخه وروسته
په ټاکلی موده کښې.
۲- د برات له نېټې څخه وروسته
په ټاکلې موده کښې.
۳- په ټاکلی نېټه.

۵۰۲ ماده:

برات را می‌توان به شرایط
ذیل صادر نمود:
۱- در مدت معین
بعد از ارائه.
۲- در مدت معین بعد از
تاریخ برات.
۳- در تاریخ معین.

تبصره:

له دی پاس مودو څخه وتلی براتونه
یا هغه براتونه چه ورکړه یې په
قسطونو مقیده وی، باطل دی.

تبصره:

براته‌ای خارج از مواعد فوق یا
براته‌ای که تأدیه آن مقید باقسط
شده باشد باطل است.

۵۰۳ ماده:

هغه برات چه ورکړه یې په بنکاره
کولو پوری مشروط وی لږم دی چه
د بنکاره کولو په وخت کښې
ورکړشي. او هغه براتونه چه ورکړه
یې وروسته له بنکاره کولونه په یوه
ټاکلی موده کښې لږم وی باید
خامخا په هغې مودې کښې چه د
قبول له جهته د بنکاره کولو دپاره
مشروط وی بنکاره شي.

۵۰۳ ماده:

براتی که تأدیه آن به ارائه
مشروط باشد، لږم است در
موقع ارائه تأدیه گردد و برات
های که تأدیه آن در یک
مدت معین بعد از ارائه لږم
باشد، حتماً باید در ظرف
مدتی که برای ارائه جهت
قبول مشروط باشد، ارائه
شود.

ماده ۵۰۴:

هغه براتونه چه د ورکړې وعده یې د قبول نېټه او یا د اعتراض نېټه ټاکې. په داسې حال کې چې په اعتراض نه وی شوی، نسبت قلمبوندنکی شخص ته هغه برات چه قبولی یې بی نېټې وی نو د هغې مودې وروستۍ ورځې ته چه د بنکاره کولو دپاره دقانون یا د قرارداد په ذریعه ټاکلی شوی ده، اعتبار ورکاوه کېږي.

ماده ۵۰۵:

هغه برات چه د صدور له نېټې څخه یوه یا څو میاشتې وروسته او یا له بنکاره کولونه وروسته یې ورکړه ضروری وی، د هغه د ورکړې موده د هغې میاشتې مقابله نېټه ده چه په هغې کېږي ورکړه کېږي او که مقابله نېټه موجوده نه وي نو د میاشتې وروستۍ ورځ د ورکړې موده شمېرله کېږي. که برات د ورکړې دپاره په یوه یا څو نیمو میاشتو کېږي اصدار شوی وی، لمړی باید ټولې میاشتې حساب کړي شي. که د برات موده د میاشتې سر او

ماده ۵۰۴:

براتیکه وعده تادیه آن در یک مدت معین بعد از ارائه می باشد، وقت تادیه آنرا تاریخ قبول و یا تاریخ اعتراض تعیین می کند. در حالیکه اعتراض نشده باشد، نسبت به شخص قبول کننده برات که قبولی او بی تاریخ باشد، روز اخیر مدتی که ذریعه قانون یا قرارداد برای ارائه تعیین گردیده اعتبار داده می شود.

ماده ۵۰۵:

براتی که به یک و یا چند ماه بعد از تاریخ صدور و یا بعد از ارائه واجب التادیه می باشد، میعاد تادیه آن تاریخ مقابل همان ماهیست که در آن تادیه صورت میگیرد. و اگر تاریخ مقابل موجود شده نتواند، روز اخیر ماه موعود تادیه شمرده می شود. اگر برات برای تادیه در یک یا چند ماه و نیم اصدار شده باشد، اول باید ماه های کامل را حساب نمود. اگر موعود برات ابتدای ماه

و نهایت ماه تعیین شده باشد، مقصد ازین تغییرات اول پانزدهم و روز اخیر ماه است. ذکر هشت یا پانزده روزه و یک و یا دو هفته نبوده بلکه هشت و یا پانزده روز حقیقی است. تعبیر نیم ماه به (۱۵) روز اطلاق می شود.

ماده ۵۰۶:

اگر از نظر میعاد تأدیه تقویم محل صدور برات با تقویم محل تأدیه اختلاف داشته باشد، تقویم محل تأدیه معتبر است. اگر موعد پرداخت برات با تعطیل تصادف کند، باید روز بعد از تعطیل تأدیه شود. همین قاعده در مورد سایر اوراق تجارتي نیز رعایت خواهد شد.

حصة ششم تأدیه

ماده ۵۰۷:

حامل مجبور است به روزیکه برات قابل تأدیه می باشد و یا منتهی تا دو روز کار بعد از آن

یای پای تامل شوی وی، مقصد له دی تعبیراتو خخه لمړی پنځلسم او آخر د میاشتي دی. د اتو یا پنځلسو ورځنیو ذکر یوه یا دوه هفتی نه دی بلکه اته یا پنځلس ورځې حقیقی دی. د نیمې میاشتي تعبیر په پنځلسو ورځو اطلاق کیږي.

ماده ۵۰۶:

که د ورکړې د مودی له نظره د برات د صدور د ځای کلیز د ورکړې د ځای کلیز اختلاف ولری، د ورکړې د ځای کلیز د اعتبار وړ دی. که د برات د ورکړې موده له تعطیل سره تصادف وکړی، باید چه له تعطیل خخه په وروسته ورځ ورکړ شي. دا قاعده به د نورو تجارتي پاڼو په باب کښې هم رعایت شي.

شپږمه برخه ورکړه

ماده ۵۰۷:

حامل مجبور دی په هغه ورځ چه برات د ورکړې وړ وی او یا منتهی له دوو ورځو کار نه وروسته دی

مخاطب ته رجوع وکړی.

۵۰۸ ماده:

پدی حال کښې چه مخاطب د برات وجه ورکوی، له حامل څخه تقاضا کوی چه په برات رسیدولیکې او هغه تسلیم کړی. دیوی برخی د ورکړې په صورت برات نه ردیږي مگر مخاطب دا تقاضا کولای شي چه په برات کښې ده ته د ورکړې شوی برخی رسید ورکړي شي.

۵۰۹ ماده:

د برات حامل پخوا دمودی له راتگ د برات د وجهی په اخیستلو نه مجبورېږي. هغه مخاطب چه د مودی له رسیدلو څخه پخوا برات ورکوی نو ضرر به یې په خپله ده ته متوجه شي. هغه څوک چه د مودی په رسیدلو کښې برات تأدیه کوی، بری الذمه کیږي پدی شرط چه په ورکړه کښې حيله او یا زیات غفلت نه وی راغلی. ورکوونکی شخص د شا لیکنو (ظهر نویسی) د انتظام او توالی په تدقیق مجبور دی مگر (د ظهر نویسی) لاس لیک

به مخاطب رجوع نماید.

۵۰۸ ماده:

درحالی که مخاطب وجه برات را تأدیه میکند، از حامل تقاضا می نماید که به برات رسید تحریر و آنرا تسلیم کنند. در صورت تأدیه قسمی، برات رد نمیشود ولی مخاطب می تواند تقاضا نماید که در برات برای قسمت تأدیه شده به او رسید داده شود.

۵۰۹ ماده:

حامل برات قبل از حلول موعد به گرفتن وجه برات مجبور نمی شود. مخاطبیکه قبل از حلول موعد برات را تأدیه می کند، ضرر این تأدیه به خودش متوجه خواهد شد. شخصی که در حلول موعد برات را تأدیه می کند، بری الذمه می شود مشروط بر اینکه حيله و یا غفلت فاحش در تأدیه بعمل نیامده باشد. شخص تأدیه کننده به تدقیق انتظام و توالی ظهر نویسی ها مجبور است لیکن به تدقیق صحت امضای ظهر

د صحت په تدقیق به مکلف نه وی.

۵۱۰ ماده:

که برات په هغو پولونو چه د ورکړې په محل کښې رواج نه وی صادر شي او صادر کوونکی د هغو پولونو چه ورکړه یې په برات کښې ذکر شوی ده شرط نه وی ایښی، مخاطب کولای شي چه د ورکړې د محل مروج پولونه (د ورکړې د ورځې) د قیمت له قراره اجراء کړي. که د برات د وجه ډول مقید وی او د برات پوروړی له ورکړې څخه عاجز راشي، حامل کولای شي دا تقاضا وکړي چه وجه د ورکړې د محل په پولونو د ورکړې د مودی د ورځې په نرخ سره ورکړي.

۵۱۱ ماده:

هغه نرخونه چه د ورکړې په محل کښې جاری وی، د خارجی پولونو د قیمت اساس بلل کیږي. صادر کوونکی یا یو له شالی کوونکو (ظهر نویسو) څخه کولای شي هغه مبلغ چه ور به کړ شي له ټاکلی قیمت سره تسعیر او په برات کښې یې داخل کړي. که د برات وجه په هغو پولونو

نویسان مکلف نخواهد بود.

۵۱۰ ماده:

اگر برات پولی که در محل تأدیه رایج نباشد، صادر گردد و صادر کننده پولی را که تأدیه آن در برات ذکر گردیده شرط نگذاشته باشد، مخاطب می‌تواند که پول متداول محل تأدیه را قرار قیمت (روز تأدیه) اجرا نماید.

اگر نوع وجه برات مقید باشد و مدیون برات از تأدیه عاجز آید، حامل می‌تواند تقاضا کند وجه برات را به پول محل تأدیه به قرار روز نرخ موعده تأدیه کند.

۵۱۱ ماده:

نرخهائیکه در محل تأدیه جاری می‌باشد، اساس قیمت پول خارجی شمرده می‌شود. صادر کننده و یا یکی از ظهر نویسان می‌تواند مبلغی را که تأدیه خواهد شد مطابق قیمت معین تسعیر و در برات درج کند.

اگر وجه برات به پولی

و ٲاکله شي چه د صادر وونکی او
تأديه کوونکی په مملکت کښې يو
نوم او متفاوت قيمت ولری، پدی
صورت د ورکړی د محل مسکوک
(مروج پولونه) معتبر گڼل کیږی.

۵۱۲ ماده:

پدی حال کښې چه د برات د وجه
دپاره په هغې مودی کښې چه په
(۵۰۷) مادی کښې ټاکلی شوی
وی د ورکړی دپاره رجوع ونشي نو
د برات هر يو پوروي کولای شي
چه د برات مبلغ د حامل په مصرف
او خساره واک لرونکی مقام ته
وسپاری.

تعیین شود که در مملکت صادر
کننده و تأديه کننده اسم واحد و
قیمت متفاوت داشته باشد، درین
صورت مسکوک (پول رایج) محل
تأديه معتبر دانسته می شود.

ماده ۵۱۲:

در حالیکه برای وجه برات در
ظرف مدت معین ماده (۵۰۷)
برای تأديه رجوع نشود، هر یکی
از مديونین برات می توانند
مبلغ برات را به مصرف و
خساره حامل به مقام
صلاحیت دار تسلیم
کنند.

اوومه برخه

دنه قبول او نه ورکړی په حال کښې
د رجوع حق

حصه هفتم

حق رجوع در حال عدم قبول و
عدم تأديه

۵۱۳ ماده:

حامل کولی شي چه په
صادر کوونکی او (ظهر نویس) او
نورو مسئولو اشخاصو باندی په
لاندنیو حالاتو کښې رجوع وکړی:
۱- که د برات د مودی په راتگ
کښې ورکړه نه وی شوی.
۲- که له یوی برخی یا ټول قبول

ماده ۵۱۳:

حامل علیه صادر کننده و
ظهر نویس و اشخاص
مسئول دیگر در حالات ذیل
می تواند رجوع کند:
۱- اگر در حلول مدت برات تأديه
بعمل نیامده باشد.
۲- اگر از قبول کلاً یا قسماً

خخه امتناع شوی وی.

۳- د مخاطب افلاس که برات قبول شوی وی یا نه وی شوی یا د مخاطب له خوا د ورکړی د تولیدو په صورت که خه هم د محکمې په حکم وی یا نه وی یا په دی صورت چه حامل محکمې ته مراجعه کړی وی او د برات د وجه په اندازه د مخاطب له مالونو خخه تر مراقبت لاندی نیولی شوی وی او نتیجه یې نه وی ورکړی.

۴- د برات د صادر وونکی د افلاس په صورت چه د قبول وړ نه وی.

امتناع شده باشد.

۳- در صورت افلاس مخاطب، خواه برات قبول شده باشد و یا نشده باشد، یا در صورت معطلی تأدیه از جانب مخاطب، چه به حکم محکمه باشد یا نباشد و یا در صورتی که حامل به محکمه مراجعه نموده و معادل وجه برات از اموال مخاطب تحت مراقبت گرفته شده و نتیجه نداده باشد.

۴- در صورت افلاس صادر کننده براتیکه غیر قابل قبول باشد.

۵۱۴ ماده:

له قبول خخه منع راوړل یا ورکړه لازم دی چه له یوې رسمی پانې سره چه د نه قبول او یا نه ورکړی اعتراض بلل کیږی، اثبات کړل شي. د نه ورکړی اعتراض باید په هغه ورځ چه د برات ورکړه لارمیري او یا پس له هغه د کار په دوو ورځو کښې وشي او د نه قبول اعتراض باید په هغې مودی کښې چه د قبول له جهت د برات ښکاره کولو دپاره ټاکلی شوی ده اجراء شي.

۵۱۴ ماده:

استنکاف از قبول یا تأدیه، لازم است با یک ورقه رسمیه که اعتراض عدم قبول و یا عدم تأدیه گفته می شود، اثبات کرده شود. باید اعتراض عدم تأدیه در روزیکه تأدیه برات لازم می آید و یا در ظرف دو روز کار متعاقبه بعمل آید و اعتراض عدم قبول باید در ظرف مدتی که برای ارایه برات به جهت قبول تعیین شده، اجراء شود.

که د (۴۹۳) مادی د دوهمی فقری په موضوع کښې د برات چه لمړی ښکاره کول د مودی په وروستی ورځ کښې شوی وی نو اعتراض د هغې ورځې نه په راتلونکې ورځ کښې هم کولای شي.

د نه قبول اعتراض د نه ورکړې او نه ښکاره کولو اعتراض له منځه وړی د (۵۱۳) مادی د دریمې فقری په ذکر شویو حالاتو کښې حامل بی له دی چه برات مخاطب ته ورښکاره کړی او یا اعتراض وکړی، کولای شي چه د مسئولینو په مقابل کښې دخپلی رجوع له حق څخه استفاده وکړی ددی مادی د خلورمی فقری په خصوص کښې حامل کولای شي چه د صادر وونکی د افلاس دلیل په لرلو سره رجوع وکړی.

ماده ۵۱۵:

حامل مجبور دی چه د اعتراض له ورځې نه وروسته د کار د خلورو ورځو په موده کښې او یا که په برات کښې د بي مصرفه اعادی شرط موجود وی، د ښکارونی له ورځې نه وروسته د کار په خلورو ورځو کښې د نه قبول یا د نه

در موضوع فقره دوم ماده (۴۹۳) اگر رایه اول برات در روز اخیر موعده بوقوع آمده باشد، اعتراض را می تواند در روز آینده همان روز هم بعمل آورد.

اعتراض عدم قبول، اعتراض عدم تأدیه و ارائه را از بین می برد. در حالات متذکره فقره سوم ماده (۵۱۳) حامل بدون اینکه برات را به مخاطب ارائه کند و یا اعتراض نماید، می تواند از حق رجوع خود در مقابل مسئولین استفاده کند. راجع به فقره چهارم ماده مذکور حامل با داشتن دلیل افلاس صادر کننده می تواند رجوع کند.

ماده ۵۱۵:

حامل مجبور است در ظرف چهار روز کار بعد از روز اعتراض و یا اگر در برات شرط اعاده بی مصرف موجود باشد، در ظرف چهار روز کار بعد از روز رایه کیفیت عدم قبول یا عدم تأدیه را به ظهر

نویس و صادر کننده اخبار کند. هر ظهر نویسی که به او اخبار می‌شود، مجبور است خبری را که گرفته در ظرف دو روز کار با علاوه کردن اسم و آدرس کسانی که به او اخبار کرده اند، به ظهر نویس خود اطلاع بدهد. تا زمانی که به صادر کننده می‌رسد، بهمین منوال معامله دوام می‌کند. مدت های مذکوره از تاریخ اخذ خبر آغاز می‌یابد.

اگر یک ظهر نویس آدرس خود را تحریر ننموده باشد و یا بصورتی تحریر نموده باشد که خوانده شده نتواند، اخبار به ظهر نویس مقدمتر از او کافی است شخصی که مجبور به اخبار است لازم است این خبر را به واسطه دایره مربوطه رسمی تبلیغ کند.

شخصی که در داخل مدت مقرر اخبار نکند، حقوق او ساقط نمی‌شود و اگر بنابر غفلت او ضرر و زیانی تولید شده باشد، به

ورکری کیفیت (ظهر نویس) او صادر و ونکی ته اخبار کری. هر هغه (ظهر نویس) چه ده ته اخبار کی ری مجبور دی هغه خبر چه اخیستی بی دی د کار د دوو ورخو په موده کبني د هغو کسانو د نوم او آدرس په زیاتولو چه ده ته بی اخبار کری دی خپل شالیکونکی (ظهر نویس) ته اطلاع ورکری، تر هغه وخته پوری چه صادر و ونکی ته رسېږی په همدی ډول معامله دوام کوی. دا ذکر شوی مودی د خبر اخیستلو له نېټې څخه دوام پیدا کوی.

که یوه ظهر نویس خپل آدرس نه وی لیکلی او بایې داسی لیکلی وی چه لوستل کېدای نشي نو اخبار له ده نه مقدم شالیکونکی (ظهر نویس) ته کافی دی. هغه څوک چه په اخبار مجبور دی، لازم دی چه دا خبر د رسمی مربوطه دایری پواسطه تبلیغ کری.

هغه څوک چه په مقرر موده کبني اخبار ونکری، دده حقوق نه ساقطېږی او که دده د غفلت له مخې زیان او ضرر پېښ شوی وی

په خپله په ده پوری اړه لری. ددی زیان او ضرر اندازه د برات له وجه زیاتی نشي کولای.

۵۱۶ ماده:

که صادر وونکی یا (ظهر نویس) یا ضامن په برات کښې (بی مصرفه اعاده) او یا (بی اعتراضه) او یا هغه کلمی چه دا منظور افاده کړی په برات کښې لیکلی وی نو د هغه برات حامل د نه قبول یا نه ورکړی له اعتراض څخه د خپلی رجوع دپاره معاف گڼل کیږي مگر د برات حامل مکلف دی چه په ټاکلی موده کښې صادر وونکو او شالیکونکو (ظهر نویس) ته اخبار وکړی.

د مودو د نه رعایت اثبات په هغه چا پوری اړه لری چه د حامل په مقابل کښې هغه شرط چه صادر وونکی وضع کړیدی د هغو گردو په حق کښې چه په برات کښې یې لاس لیک کړیدی مرعی دی.

که دا ډول شرط د یوه (ظهر نویس) یا ضامن له خوا لیکلی شوی وی نو یواځې د (ظهر نویس) یا ضامن په خصوص کښې مرعی دی.

خود او مربوط است. مقدار این ضرر و زیان از وجه برات تجاوز نمی‌تواند.

ماده ۵۱۶:

اگر صادر کننده یا ظهر نویس یا ضامن در برات کلمات (اعاده بی مصرف) و یا (بی اعتراض) و یا کلماتیکه این منظور را افاده کند نوشته باشد، حامل آن برات برای رجوع خود از اعتراض عدم قبول یا عدم تأدیه معاف دانسته می‌شود اما حامل برات مکلف است که در ظرف مدت معینه به ظهر نویس ها و صادر کننده اخبار نماید.

اثبات عدم رعایت مدت ها به شخصی راجع است که در مقابل حامل مدعی می‌شود، شرطیکه صادر کننده وضع کرده در حق کافی آنانیکه ببرات امضا نموده اند مرعی است.

اگر چنین شرط از طرف یک ظهر نویس یا ضامن نوشته شده باشد، تنها راجع بظهر نویس یا ضامن مرعی می‌باشد.

اگر با وجود شرطیکه از طرف صادر کننده نوشته شده باشد حامل اعتراض نماید، مصارف مربوط به خود اوست.

ماده ۵۱۷:

اشخاصی که برات را صادر و یا قبول و یا ظهر نویسی و یا ضمانت می کنند، در مقابل حامل بصورت منفرد و مجتمع مسئول اند. حامل برات بدون اینکه مراتب را در نظر بگیرد، حق دارد علیه تمام ایشان منفرداً یا مجتمعاً اقامه دعوی کند.

عین همین حق را هر صاحب امضائیکه وجه برات را تأدیه می کند دارا است. اقامه دعوی به مرتبه اول علیه یکی از اینها مانع اقامه دعوی علیه دیگران نمی شود، اگر به یکی از ظهر نویسان رجوع شود که تاریخ امضاء او از دیگران مؤخر باشد، مانع دعوی حامل به دیگران نمی شود.

که سره له هغه شرطه چه د صادر وونکی له خوا لیکلی شوی وی حامل اعتراض وکړی مصارف په خپله په ده پوری اړه لری.

۵۱۷ ماده:

هغه کسان چه برات صادر وی یا قبول یا (ظهر نویسی) یا ضمانت کوی د حامل په مقابل کښې یواځې او په گډه سره مسئول دی. د برات حامل بی له دی چه مراتب په نظر کښې ونیسی حق لری چه په دوی ټولو باندی یواځې یا په گډه سره دعوی وکړی.

دا حق د لاس لیک هر هغه خاوند چه د برات وجه ورکوی، لری. په لومړۍ مرتبه کښې په یوه له دی کسانو باندی دعوی دائرول په نورو باندی ددعوی دائرولو مانع نه کیږي. که په یوه (ظهر نویسانو) باندی رجوع وشي چه د لاس لیک نېټه یې له نورو نه وروستی وی په نورو باندی د حامل ددعوی مانع نه گرځي.

۵۱۸ ماده:

حامل کولای شی له هغه چا څخه چه رجوع یې ورباندی کړیده لاندنی غوښتنې وکړی:

۱- د هغه برات وجه چه نه ده قبوله شوی او یا قبوله شوی وي خو ورکړ شوی نه وي او هم د هغه ټکټ پولي که مشروط وي.

۲- په سلو کښې شپږ د هغو ټکټ پولي د مودی د راتگ څخه.

۳- د هغه اعتراض او اخبار مصارف چه د حامل له خوا (ظهر نویسانو) او صادرونکو ته تبلیغ شوی وی سره له هغو نورو مصارفو چه له همدی حیثه یې گاللی وی.

که د رجوع حق دمودی له راتگ څخه پخوا استعمال شوی وی برات تنزیلیږی.

دا تنزیل د رسمی نرخ (د بانک نرخ) د تنزیل او یا د آزاد بازار د نرخ د تنزیل له مخې چه د رجوع په زمانه کښې د حامل د استوگنې په ځای کښې جاری وی حسابیږی.

تبصره:

په سلو کښې شپږ ټکټ پولي چه په (۲) فقره کښې یې تصریح شویده په ټولو هغو مواردو کښې چه

۵۱۸ ماده:

حامل می تواند از شخصی که علیه او رجوع کرده مطالبات ذیل را بنماید:

۱- وجه براتی را که قبول نگردیده و یا قبول شده و یا تأدیه نشده باشد و نیز تکت پولي آنرا اگر مشروط باشد.

۲- فی صد شش تکت پولي آنرا از تاریخ حلول موعد.

۳- مصارف اعتراض و اخباریکه از طرف حامل به ظهر نویس ها و صادرکننده تبلیغ گردیده باشد یا مصارف دیگریکه از همین حیث متحمل شده باشد.

اگر حق رجوع قبل از حلول موعد استعمال شده باشد، برات تنزیل می شود.

این تنزیل از روی نرخ رسمی تنزیل (نرخ بانک) و یا نرخ بازار آزاد که در زمان رجوع در اقامتگاه حامل جریان داشته باشد حساب می شود.

تبصره:

تکت پولي فیصد شش که در فقره (۲) تصریح شده در تمام مواردیکه موافقت موجود نباشد،

موافقت موجود نه وی، معتبر دی.

ماده ۵۱۹:

هغه څوک چه دبرات وجه ورکوی له هغو کسانو څخه چه دده په مقابل کښې مسئول دی دا لاندی غوښتنې کولای شي:

۱- ټول هغه پولونه چه ورکړی یې دی.

۲- ددی مبلغ ټکټ پولی د ورکړی له نېټې څخه.

۳- هر هغه مصارف چه په غاړه یې اخیستی وی.

ماده ۵۲۰:

هر هغه مسئول چه درجوع حق ورباندی استعمال شوی وی کولای شي دبرات د وجه د ورکړی په مقابل کښې وغواړی چه د برات په مقابل کښې د اعتراض له پانې سره ده ته رسید ورکړ شي.

هر هغه (ظهر نویس) چه د برات وجه ورکوی، کولای شي چه په خپله ظهر نویسی او له ده نه وروسته ظهر نویسی باندی خط ونیسی.

ماده ۵۲۱:

له یوی برخی قبول څخه وروسته د رجوع د حق د استعمال په صورت

معتبر است.

ماده ۵۱۹:

شخصی که وجه برات را تأدیه می کند، از اشخاصی که در مقابل او مسئول اند مطالبات ذیل را می تواند:

۱- تمام مبلغی را که تأدیه کرده.

۲- تکت پولی مبلغ مذکور را از تاریخ تأدیه.

۳- هر مصارفی را که متحمل شده باشد.

ماده ۵۲۰:

هر مسئولی که حق رجوع علیه او استعمال شده باشد، می تواند در مقابل تأدیه وجه برات تقاضا کند که در مقابل برات با ورقه اعتراض به او رسید داده شود.

هر ظهر نویسی که وجه برات را تأدیه می کند، می تواند ظهر نویسی خود و ظهر نویسی های مابعد را خط بکشد.

ماده ۵۲۱:

در صورت استعمال حق رجوع پس از قبول قسمی، شخصی که

هغه څوک چه د برات نه قبول شوی مبلغ ورکوی، دا تقاضا کولای شي چه دا ورکړه دی د برات پر مخ قید شي او رسید یې هم ده ته ورکړ شي. د برات حامل باید د برات یو مصدق نقل هم له اعتراض سره ده ته ورکړي ترڅو چه د اعتراض د زیات حق استعمال امکان ولری.

۵۲۲ ماده:

هغه څوک چه د رجوع حق لری که په برات کښې د هغه په خلاف مشروط نه وی کولای شي چه د یوه نوی برات په ذریعه چه په د برات اعاده (Rechange) په نامه بلل کیږي د برات وجه له یوه له هغو کسانو څخه چه ده ته مسئول دی، واخلی او لارم دی چه (د اعادی برات) په استوگنځۍ کښې او په ښکاره کولو سره د ورکړی وړ له ډوله وی. د اعادی برات غیر له هغو مبلغونو چه په (۵۱۸ - ۵۱۹) مادو کښې ښوولی شوی دی ددلالۍ مبلغ د صکوکو مخارج او د روپو د انتقال مصارف هم لری.

مبلغ قبول نشده برات را تأدیه می نماید می تواند تقاضا کند که تأدیه مذکور بر روی برات قید شده رسید آن هم به او داده شود. حامل برات باید یک نقل مصدق برات را نیز با اعتراض به او بدهد تا آنکه استعمال مزید حق اعتراض ممکن شده بتواند.

۵۲۲ ماده:

شخصی که دارای حق رجوع است اگر در برات برخلاف آن مشروط نباشد می تواند به ذریعه یک برات جدیدیکه به برات اعاده (Rechange) موسوم می شود وجه برات را از یکی از اشخاصی که نزد او مسئول اند دریافت کنند و لارم است (برات اعاده) از نوع قابل تأدیه در اقامتگاه و عندالرویه باشد. برات اعاده غیر از مبالغی که در مواد (۵۱۸ - ۵۱۹) نشان داده شده حاوی بر مبلغ دلالی و مخارج صکوکی و مصارف انتقال پول نیز می باشد.

ماده ۵۲۳:

په صادر وونکی ظهر نویسانو او د برات په نورو مسئولینو باندی د حامل د رجوع (حق پرته په قبلوونکی د رجوع له حقه) په لاندی مواردو کښې ساقطیږی:

۱- که د هغو براتونو قانونی ټاکلی شوی موده چه د ښکاره کولو په وخت کښې یا له ښکاره کولو نه یوه موده وروسته د ورکړی وړ گرځي، تیره شوی وی.

۲- پدی صورت چه په نه قبول او نه ورکړه پوری مربوط اعتراضونه وروسته له قانونی ټاکلی مودی څخه شوی وی.

۳- که (بی مصرف) شرط لرونکی برات وروسته له ټاکلی مودی څخه ښکاره کړ شوی وی او یا که د صادر وونکی له خوا قید شوی وی چه د برات د قبول دپاره په ټاکلی موده کښې ښکاره کړل شي، په هغه باندی د نه مراعات په صورت او دا قید په دی صورت اعتبار لری چه له مضمون څخه یې معلوم نشي چه د

ماده ۵۲۳:

حق رجوع حامل به صادر کنند، ظهر نویسان و سایر مسئولین برات (به استثنی حق رجوع به قبول کنند) در موارد ذیل ساقط می گردد:

۱- هرگاه مدت معینه قانونی برات هاییکه عند الزائه یا بعد از یک مدت پس ارائه قابل تأدیه باشد، منقضی شده باشد.

۲- در صورتی که اعتراضات مربوط به عدم قبول یا عدم تأدیه بعد از مدت معینه قانونی بعمل آمده باشد.

۳- اگر براتی دارای شرط (بی مصرف) بعد از مدت معینه ارائه شده باشد و یا اگر از طرف صادر کننده قید باشد که در ظرف مدت معینه برای قبول برات ارائه گردد، در صورت عدم مراعات به آن و این قید در صورتی اعتبار دارد که از فحوای آن استنباط نشود که مقصد صادر کننده

صادروونکې مقصد د قبول له مسؤلیت څخه ذمی ابراء ده. که یوه ظهر نویس په خپله ظهر نویسی کښې د ښکاره کولو دپاره یوه موده داخله کړی وی، له دی مودی څخه یواځې هغه ظهر نویس استفاده کولی شي.

ماده ۵۲۴:

که په هغو مودو کښې چه قانوناً ټاکلی شوی دی د یوه نه رفع کیدونکی مانع (فورس ماژور) په سبب دبرات ښکاره کول او اعتراض ممکن نشي نو دا مودی اوږدېږی.

د برات حامل مجبور دی چه ډیر ژرله مجبره علتونو څخه (فورس ماژور) خپل (ظهر نویس) ته اطلاع ورکړی او دا اطلاع باید په برات کښې او یا په یوه پاڼه ضمیمه چه ورسره مل وی او نېټه اولاس لیک ورباندی وی ولیکله شي.

وروسته د مجبره علتونو له رفع حامل باید بی د وخت له فوټه د قبول یا ورکړی دپاره برات ښکاره کړی او دلزوم په صورت اعتراض نامه

ابراء ذمه از مسئولیت قبول بوده است. اگر یک ظهر نویس در ظهر نویسی خود مدتی را برای ارائه درج نموده باشد، از این مدت تنها همان ظهر نویس می تواند استفاده نماید.

ماده ۵۲۴:

اگر در ظرف مدت هاییکه قانوناً معین است ارباء برات و اعتراض به سبب یک مانع غیر قابل رفع (فورس ماژور) ممکن نشود، مدت های مذکور تمدید می شود.

حامل برات مجبور است بلا تأخیر علل مجبره (فورس ماژور) را به ظهر نویس خود اطلاع دهد و این اطلاع باید در برات و یا یک ورقه ضمیمه که در آن تاریخ نوشته و امضاء شده باشد، تحریر شود.

بعد از رفع علل مجبره حامل باید برات را بدون فوت وقت برای قبول و یا تأدیه ارائه کند و در صورت لزوم اعتراض نامه صادر

صادره کړی.

که مجبره علتونه د مودی له راتگ څخه وروسته له دیرشو ورځو څخه زیات دوام وکړی نو بی له دی چه د برات ښکاره کولو او اعتراض لیکلو ته حاجت وی، د رجوع حق استعمالیدای شي.

د هغو براتونو په خصوص کښې چه په ښکاره کولو او یا له ښکاره کولو نه وروسته په یو ټاکلی موده کښې د ورکړې وړ وی نو دیرش ورځې له هغې نېټې څخه حسابیږی چه حامل له مجبره علتونو څخه خپل (ظهر نویس) ته خبر ورکړی وی که څه هم دا نېټه د ښکاره کولو د مودی له پای ته رسیدلونه پخوا وی.

په هغو احوالو کښې چه اعتراض یواځې پخپله په حامل او یا په هغه شخص پوری چه د برات په ښکاره کولو مامور دی اړه ولری، له مجبره علتونو (فورس ماژور) نه بلل کیږي.

نماید.

اگر علل مجبره بیشتر از سی روز بعد از حلول موعود دوام کند، بدون اینکه به ارایه برات و تحریر اعتراض حاجت باشد، حق رجوع استعمال شده می تواند.

در باره برات هاییکه با ارائه و یا در یک مدت معین بعد از ارائه قابل تأدیه باشد، مدت سی روز از تاریخی حساب می شود که حامل علل مجبره را به ظهر نویس خود خبر داده باشد ولو این تاریخ قبل از اختتام موعود ارائه هم بوده باشد.

در احوالی که اعتراض تنها به شخص حامل و یا شخصی که مامور به ارائه برات است عاید گردد، از علل مجبره (فورس ماژور) شمرده نمی شود.

**اتمه برخه
توسط**

**حصه هشتم
توسط**

ماده ۵۲۵:

صادروونکی یا (ظهر نویسان) کولای شي چه یو بل سړی معرفی کړي ترڅو د قبول یا ورکړې دپاره دمخاطب دنکول په صورت هغه ته مراجعه وشي. دریم شخص او مخاطب او هر هغه شخص چه په برات باندی دلاس لیک له مخې مسئولیت ولری (پر ته له هغو کسانو چه برات قبلوی) کولای شي منځگړیتوب وکړي. هغه څوک چه دیوه لاس لیک کوونکی دپاره منځگړی توب کوی مجبور دی هغه چا ته چه دده دپاره یې منځگړی توب کړی وی په موده د دوو ورځو کښې دخپل منځگړی توب خبر ورکړي.

ماده ۵۲۵:

صادروونکده یا ظاهر نویس می تواند شخص دیگری را معرفی کند تا در صورت نکول مخاطب برای قبول یا تأدیه به او مراجعه شود. شخص ثالث و مخاطب و هر شخصی که بنابر امضاء برات مسئولیت داشته باشد (غیر از شخصی که برات را قبول میکند) می توانند توسط کنند. شخصی که برای یکی از امضاء کنندگان توسط می کند مجبور است به کسی که برای او توسط نموده باشد از وساطت خود در ظرف دو روز کار اخبار کند.

**په منځگړی توب سره قبول
ماده ۵۲۶:**

پدی صورت چه د برات موده ورسیرې او حامل د رجوع واک ولری، په منځگړی توب سره قبول کیدای شي. حامل د منځگړی توب په قبول

**قبول بالتوسط
ماده ۵۲۶:**

در صورتی که موعده برات حلول نموده و حامل صلاحیت رجوع را داشته باشد قبول بالتوسط بعمل آمده می تواند. حامل در قبول وساطت

مختار است و اما اگر حامل پیشنهاد بالتوسط را قبول می‌نماید، حق مراجعتی را که پیش از حلول موعد علیه مسئولین برات دارد، از دست می‌دهد.

ماده ۵۲۷:

کیفیت قبول بالتوسط در برات تحریر و از طرف توسط کننده امضاء می‌شود. قبول بالتوسط به حساب هر کسی که بعمل آمده باشد، تصریح می‌گردد. در صورت عدم تصریح به حساب صادر کننده محسوب می‌شود.

ماده ۵۲۸:

قبول کننده بالتوسط در مقابل حامل مسئول است و اگر این قبول بالتوسط به حساب مخاطب باشد، در مقابل ظهر نویسی هائیکه بعد از آن می‌آیند، مثل مخاطب مسئول است.

با وجود قبول بالتوسط شخصی که برای او توسط واقع می‌شود و یا کفیل قانونی او می‌تواند طبق ماده (۵۱۸) وجه را

کنبی مختار دی مگر که حامل په منځگړې توب سره پیشنهاد قبلوی نو د هغې مراجعی حق چه د مودی له راتگ څخه پخوا یې دبرات په مسئولینو باندی لری له لاسه ورکوی.

ماده ۵۲۷:

په منځگړې توب سره د قبول کیفیت په برات کنبې لیکل کیږي او د منځگړې له خوا لاس لیکولي شي. په منځگړې توب سره قبول چه د هر چا په حساب شوی وی، تصریح کیږي او د نه تصریح په صورت د صادر وونکی په حساب ګڼل کیږي.

ماده ۵۲۸:

په منځگړې توب سره قبل وونکی د حامل په مقابل کنبې مسئول دی او که دا په منځگړې توب سره قبول د مخاطب په حساب وی نو د هغو (ظهر نویسیو) په مقابل کنبې چه وروسته له هغه راځي، لکه مخاطب غوندی مسئول دی.

په منځگړې توب سره په قبول برسیره هغه شخص چه ده ته منځگړې واقع شویدی او یا یې قانونی وکیل و کولای شي چه له

(۵۱۸) مادی سره سم وجه ورکړی او برات او دایجاب په صورت کښې د اعتراض پاڼه و غواړی.

په منځګړی توب سره ورکړه ماده ۵۲۹:

په ټولو احوالو کښې چه حامل د رجوع حق ولری، څه د مودی په راتګ کښې اوڅه له هغې نه پخوا، په منځګړی توب سره ورکړه امکان لری. په منځګړی توب سره ورکړه باید ټول د ورکړی وړ مبلغ ولری او باید منته د هغې آخرې ورځې په سبا چه د نه ورکړې د اعتراض دپاره مقرر شوی ده، اجراء شي.

ماده ۵۳۰:

که په منځګړی توب سره برات قبول شوی او ورکړه یې نه وی شوی، نو د هغې وروستی ورځې په سبا چه د اعتراض دپاره مقرر شویده، د نه ورکړې اعتراض لیکۍ په دی حال کښې چه په دی موده کښې اعتراض ونه لیکل شي نو هغه شخص چه برات دده په حساب قبول شوی او همدا ډول وروستی (ظهر نویسان) له مسئولیت څخه خلاصیږی.

تأدیه کرده برات یا در صورت ایجاب، ورقه اعتراض را طلب کند.

تأدیه بالتوسط ماده ۵۲۹:

در تمام احوالیکه حامل دارای حق رجوع می باشد، چه در حلول موعد و چه قبل از آن تأدیه بالتوسط ممکن است. تأدیه بالتوسط باید شامل تمام مبلغ قابل تأدیه باشد و باید منتهی فردای روز آخری که برای اعتراض عدم تأدیه مقرر است، اجراء شود.

ماده ۵۳۰:

اگر برات بالتوسط قبول شده و تأدیه بعمل نیامده باشد، حامل فردای روز آخری که برای اعتراض مقرر است اعتراض عدم تأدیه را تحریر می کند. در حالیکه در ظرف مدت مذکوره اعتراض تحریر نگردد، شخصی که برات به حساب او قبول شده و همچنان ظهر نویسان مابعد از مسئولیت بری می شوند.

ماده ۵۳۱:

هغه حامل چه په منځگړي توب سره ورکړه له (۵۱۸) مادي سره سم نه قبلوی، د هغو کسانو په مقابل کښې چه ورکړه د دوی د ذمی د برائت باعث کیږي، د خپلی رجوع حق له لاسه ورکوی.

ماده ۵۳۲:

په منځگړي توب سره ورکړه د هر شخص د پاره چه اجراء کیږي د برات پرمخ په لیکنه او لاسلیک سره اثباتیږي.

که په برات کې ښوولی شوی نه وي چه ورکړه د کوم شخص د پاره شوی ده داسی گڼله کیږي چه د صادروونکي برات دی. برات او دا اعتراض پانه په دی صورت چه اجرا شوی وي هغه شخص ته چه د منځگړي توب په لاره برات ورکوی تسلیميږي.

ماده ۵۳۳:

په منځگړي توب سره ورکړه چه دهر چا دپاره وشي نو هغه حقوق چه حامل یې د هغه او د نورو اشخاصو په مقابل کښې چه ده ته مسئول دی لری، ورکوونکي

ماده ۵۳۱:

حاملیکه تأدیه بالتوسط را مطابق ماده (۵۱۸) قبول نمی کند، حق رجوع خود را در مقابل اشخاصی که تأدیه باعث برائت ذمه ایشان می شود، از دست می دهد.

ماده ۵۳۲:

تأدیه بالتوسط برای هر شخصی که اجراء می شود با تحریر و امضای روی برات اثبات می گردد.

اگر در برات نشان داده نشده باشد که تأدیه برای کدام شخص بعمل آمده، چنان فرض می شود که برات صادرکننده است. برات ورقه اعتراض در صورتی که اجراء شده باشد، به شخصی که به طریق توسط برات را تأدیه می نماید، تسلیم می شود.

ماده ۵۳۳:

تأدیه بالتوسط برای هر کسی که بعمل آید حقوقی را که حامل در مقابل آن شخص و اشخاص دیگری که نزد او مسئولند دارد، به شخص تأدیه

شخص ته انتقالوی مگر هغه څوک نشي کولای چه د برات په شا مکرر وليکي. په منځگړي توب سره ورکړه (د هر هغه چا دپاره چه منځگړي واقع شوی وی) د وروستيو (ظهر نويسانو) دذمی د برات مستلزم دی. پدی حال کښې چه په منځگړي توب سره د ورکړي دپاره څو منځگړي موجود وی نو د دوی د هر یوه په منځگړي توب سره چه د زیاتو کسانو برات راځي، ترجیح ورکوله کیږي.

کننده انتقال می نماید. ولی آن شخص برات را نمی تواند مکرراً ظهر نویسی کند. تأدیه بالتوسط (برای هر کسیکه توسط واقع شده باشد) مستلزم برات ذمه ظهر نویسان ما بعد می باشد. در حالیکه برای تأدیه بالتوسط متوسطین متعددی موجود باشد، توسط هر کدام آنها که برات اشخاص زیاده تر را در برداشته باشد، ترجیح داده می شود.

نهمه برخه

د برات د نسخو شمېر

حصة نهم

تعداد نسخه های برات

۵۳۴ ماده:

برات د متعددو نسخو په صورت چه یو له بله تفاوت نه سره لری صادریدای شي. د هغو براتونو په متن کښې چه په متعددو نسخو لیکل کیږي، باید پرله پسې لمبر ولیکل شي. د برات هره نسخه چه پرله پسې لمبر، ونه لری، ځانگړی برات گڼل کیږي.

۵۳۴ ماده:

برات بصورت نسخه متعددی که از هم دیگر تفاوت نداشته باشد، صادر شده می تواند. در متن برات هایی که به نسخه های متعدد نوشته می شود باید نمبر مسلسل نسخه ها تحریر شود. هر نسخه برات که دارای نمبر مسلسل نباشد، برات جداگانه شناخته می شود.

اگر در متن برات عبارت تنها یک نسخه نوشته نباشد، حامل می‌تواند با تحمل مصارف نسخه‌های متعددی مطالبه کند.

اگر برات یک نسخه بوده و در آن ظهر نویسی بعمل آمده باشد و پس از آن حامل نسخه‌های متعددی بگیرد، بایستی به ظهر نویس قریب خود مراجعه کند و این ظهر نویس مکلف است بر له حامل به ظهر نویس ماقبل رجوع کند و به همین ترتیب ظهر نویسی جریان می‌یابد.

ظهر نویسان مجبور اند که به نسخه‌های جدید برات ظهر نویسی‌های خود شانرا تحریر کنند.

ماده ۵۳۵:

اگر تأدیه بمقابل یک نسخه از براتی که به نسخه‌های متعدد تحریر گردیده واقع شود، نسخه‌های دیگر بی اثر می‌گردد.

با وجود، این مخاطب به نسبت هر یکی از نسخه‌های قبول شده که

که د برات په متن کښې یواځې یوه نسخه عبارت لیکل شوی نه وی، حامل کولای شي چه د مصارفو په غاړه اخیستلو سره متعددی نسخی وغواړی.

که برات یوه نسخه وی او په هغه کښې (ظهر نویسی) شوی وی او پس له هغه حامل متعددی نسخی واخلی نو ښایې خپل نژدی شالیکونکی (ظهر نویس) ته مراجعه وکړی او دا ظهر نویس مکلف دی چه د حامل لپاره پخوانی ظهر نویس ته رجوع وکړی او په همدی ترتیب شالیکنه (ظهر نویس) جریان مومی.

ظهر نویسان مجبور دی چه د برات په نویو نسخو باندی خپلی ظهر نویسی ولیکی.

ماده ۵۳۵:

که له هغو براتونو څخه چه په متعددو نسخو لیکلی شوی دی د یوی نسخی په مقابل کښې ورکړه واقع شي نو نوری نسخی یې بی اثره کیږي.

سره له دی مخاطب د هری یوی له قبولو شویو نسخو څخه چه

مستردی شوی نه وی، مسئول دی هغه ظهر نویسان چه متعددی نسخی متعددو کسانو ته ورسپاری او همدا ډول نور هغه شالیکونکی (ظهر نویسان) چه وروسته له دوی څخه راځي، د هغو نسخو په مقابل چه ددوی لاس لیک ولری او مستردی شوی نه وی، مسئول دی.

مسترد نگرديده باشد مسئول است. ظهر نویسیکه نسخه های متعددی را به اشخاص متعدد تفویض می کند و همچنان ظهر نویسهای دیگریکه بعد از او می آیند، بمقابل نسخه هائیکه امضای شانرا محتوی بوده و مسترد نشده باشد، مسئول اند.

لسمه برخه جعل کاری - تحریفات

۵۳۶ ماده:

په برات کښې د یوه لاس لیک جعل که د صادر وونکی وی او که د قبلوونکی نورو هغو لاس لیکونو ته چه په برات کښې موجود دی، خلل نه پېښوي.

۵۳۷ ماده:

که د برات په متن کښې تحریف واقع شي، نو هغه کسان چه وروسته له تحریفه څخه یې لاس لیک کړی دی له تحریف نه په وروسته مبلغ او هغه کسان چه پخوا له هغه یې لاس لیک کړی دی، د برات له اصل متن سره سم مسئول دی.

حصة دهم جعل کاری - تحریفات

۵۳۶ ماده:

جعل یک امضاء در برات، چه امضای صادر کننده باشد و یا قبول کننده، به امضاهاى دیگری که در برات موجود است خللی وارد نمی کند.

۵۳۷ ماده:

اگر در متن برات تحریف واقع شود، اشخاصی که بعد از تحریف امضاء نموده اند، به مبلغ بعد از تحریف و آنانی که قبل از آن امضا نموده اند، بر طبق متن اصل برات مسئول اند.

یوولسمه برخه د وخت تیریدل

۵۳۸ ماده:

د ټولې هغه دعوی چې په قبلوونکي باندې د برات له لاری پیدا کیږي د مودی د رسیدلو له نېټې څخه وروسته له درې کالو تېرېدو څخه ساقطیږي.

هغه دعوی گانې چې حامل ئې په (ظهر نویسانو) او صادروونکي باندې وکړي او دهغه اعتراض له نېټې څخه چې په خپل ټاکلي وخت لیکلي شوی وی (او که په سند کې د بې لگښته اعادی شرط موجود وی د مودی تیریدلو له نېټې څخه) د یو کال په تیریدو ساقطیږي.

هغه دعوی چې ظهر نویس یې یو پر بل او یا په صادروونکي وکوي، د ظهر نویس له خوا د برات د ورکړې له نېټې څخه او یا له هغې نېټې څخه چې پخپله په دوی باندې دعوی شوی وی، د شپږو میاشتو په تیریدو باندې ساقطیږي.

حصه یازدهم مرور زمان

۵۳۸ ماده:

کافه دعاوی ایکه علیه قبول کننده از رهگذر برات نشئت نماید، از تاریخ حلول موعد بعد از مرور مدت سه سال ساقط می شود.

دعاوی ایکه حامل علیه ظهر نویسان و صادرکننده اقامه کند و از تاریخ اعتراضی که در وقت معین آن نوشته شده باشد (و اگر در سند شرط اعاده بدون مصرف موجود باشد از تاریخ انقضای موعد) به مرور یک سال ساقط می شود.

دعوايیکه ظهر نویسان بر علیه همدیگر شان و یا علیه صادر کننده اقامه کنند از تاریخ تأدیه برات از طرف ظهر نویسان و یا از تاریخی که علیه خود آنها اقامه دعوی شده باشد، به مرور شش ماه ساقط می شود.

ماده ۵۳۹:

هغه معامله چه د زمان د تیریدلو قطع لازموی، یواځې دهغو کسانو په حق کښې چه له هغه څخه گټه کوی معتبر دی.

ماده ۵۳۹:

معامله ایکه مستلزم قطع مرور زمان است، تنها در حق کسی که از آن استفاده می کند معتبر است.

دوولسمه برخه عمومی احکام

ماده ۵۴۰:

که دیو برات موده د تعطیل له ورځو سره مصادفه وی د هغه ورکړه د کار په هغه ورځ چه وروسته له تعطیل څخه راځي او همدا ډول په برات پوری ټول متعلق معاملات په تیره بیا د قبول دپاره د برات ښکارونه او د اعتراض لیکنه د کار په ورځ اجراء کیږي. پدی صورت چه له پاس معاملاتو څخه یوه معامله په یوه داسی موده کښې تصادف وکړی چه وروستی ورځ یې د قانون له مخې تعطیل وباله شي نو دا موده د کار تر لومړۍ ورځې پوری چه وروسته له هغه راځي اوږدېږي. د تعطیل ورځې چه په منځ کښې راځي، د مودی په حساب کښې داخلي دی.

حصه دوازدهم احکام عمومی

ماده ۵۴۰:

اگر موعد یک برات با ایام تعطیل مصادف باشد، تأدیه آن در روز اول کاری که یوم تعطیل را تعقیب می کند، طلب می گردد و همچنان جمله معاملات متعلق به برات بالخاصه موضوع ارائه برای قبول و تحریر اعتراض در روز کار اجراء می شود. در صورتی که یکی از معاملات مذکوره در داخل یک مدتی تصادف کند که روز آخر آن قانوناً تعطیل شمرده شود مدت مذکور تا روز اول کاری که روز انقضای مدت مذکور را تعقیب می کند تمدید می شود. روزهای تعطیل که در بین واقع می شود بحساب مدت داخل است.

ماده ۵۴۱:

هغه موده چه د اصولو له مخې په
مقاوله سره ټاکلی وی، د هغو
لمړی ورځې په دی مودو کېنې نه
شاملېږي.

ماده ۵۴۱:

مدتی که قرار قانون با مقاوله
معین باشد، روزهای اول
آن به این مدت‌ها شامل
نمی‌شود.

ماده ۵۴۲:

د برات په تعهداتو کېنې د
اشخاصو اهلیت نظر د متبوع
دولت اصولو ته تعهد کوونکی
اشخاص تثبیت کیږي.

ماده ۵۴۲:

اهلیت اشخاص در تعهدات برات
نظر به قوانین دولت متبوع
اشخاص تعهد کننده، تثبیت
می‌گردد.

ماده ۵۴۳:

د برات په معاملاتو کېنې د هر ډول
تعهداتو اجراء د هغه مملکت د
اصولو تابع دی چه تعهد په هغه
ځای کېنې شوی وی.

ماده ۵۴۳:

اجرای هرگونه تعهدات در
معامله برات تابع قوانین
مملکتی است که تعهد در آنجا
بعمل آمده است.

ماده ۵۴۴:

اعتراض او په عام ډول سره هر
اقدام چه له برات څخه د پیدا
شویو حقوقو د ساتنی او له هغو
څخه د گټې دپاره کیږي دهغه
مملکت د قوانینو تابع به وی چه دا
اقدام په هغه ځای کېنې عملی
کیږي.

ماده ۵۴۴:

اعتراض و بالعموم هر
اقدامی که برای حفظ حقوق
ناشیه از برات و استفاده
از آن بعمل می‌آید، تابع
قوانین مملکتی خواهد بود که
آن اقدام در آنجا عملی
می‌شود.

دوه یم فصل حجت

ماده ۵۴۵:

تجارتی حجت باید دا
لاندنی شرطونه ولری:

۱- د (حجت) د کلمی لیکنه د
حجت پرمخ په هره ژبه چه هغه
حجت لیکلی شوی وی.

۲- د ټاکلی مبلغ بی له شرطه
ورکړه.

۳- د ورکړې موده.

۴- د ورکړې ځای.

۵- د هغه چا نوم چه د مبلغ ورکړه
دده په وجه او یا دده په امر کیږي.

۶- د حجت د لیکنی ځای او نېټه.

۷- د حجت د صادروونکی لاس
لیک.

ماده ۵۴۶:

هغه سند چه د پاس ذکر
شوی مادی له موادو څخه کم
یو ونه لری (بی له لاندنیو
موادو)، (حجت) نه گڼل کیږي.

هغه حجت چه د ورکړې موده یې نه
وی لیکلی شوی، د غوښتنې په
وخت کښې د ورکړې وړ دی.

که په کوم یو حجت کښې دو رکړې

فصل دوم حجت

ماده ۵۴۵:

حجت تجارتی باید دارای
شرائط ذیل باشد:

۱- تحریر کلمه (حجت) بر
روی سند به هر زبانی که
حجت نوشته شده باشد.

۲- تأدیه بلا شرط مبلغ
معین.

۳- موعد تأدیه.

۴- محل تأدیه.

۵- اسم شخصی که تأدیه مبلغ در
وجه و یا به امر او می شود.

۶- محل و تاریخ تحریر حجت.

۷- امضای صادر کننده
حجت.

ماده ۵۴۶:

سندی که یکی از مواد
متذکره ماده فوق را حاوی
نباشد (به استثنای موارد ذیل)
(حجت) شناخته نمی شود.

حجتی که موعد تأدیه آن تحریر
نگردیده باشد، عند
المطالبه قابل تأدیه است.

اگر در یک حجت محل تأدیه

آن تحریر نشده باشد، محل صدور آن محل تأدیه و در عین زمان محل اقامت صادر کننده دانسته می شود.

اگر در متن حجت محل صدور تحریر نگردیده باشد، محل صدور همان محلی دانسته می شود که پهلوی اسم امضاء کننده تحریر گردیده باشد.

ماده ۵۴۷:

مقررات ذیل که به برات تعلق دارد راجع به حجت نیز قابل تطبیق است:

راجع به ظهر نویسی مواد (۴۸۰ - ۵۱۰).

راجع به ضمانت مواد (۴۹۹ - ۵۰۱).

راجع به موعده مواد (۵۰۲ - ۵۰۶).

راجع به تأدیه مواد (۵۰۷ - ۵۱۲).

راجع به حق رجوع در صورت عدم تأدیه مواد (۵۱۳ - ۵۲۰ - ۵۲۲ - ۵۲۳).

راجع به توسط تأدیه

خای نه وی لیکلی شوی نو د صدور خای یی د ورکری خای دی او په عین زمان کښی د صادر وونکی د استوگنې خای بلل کیږي.

که د حجت په متن کښی د صدور خای نه وی لیکلی شوی، د صدور خای یی هغه محل بلل کیږی چه د لاس لیک کوونکی د نامه په خوا کښی لیکلی شوی وی.

ماده ۵۴۷:

دا لاندی مقررات چه په برات پوری اړه لری، د حجت په خصوص کښی هم د تطبیق وړ دی:

د (۴۸۰ - ۵۱۰) موادو د ظهر نویسی په خصوص کښی.

د (۴۹۹ - ۵۰۱) موادو د ضمانت په باره کښی.

د (۵۰۲ - ۵۰۶) مادو د مودی په خصوص کښی.

د (۵۰۷ - ۵۱۲) مادو د ورکری په خصوص کښی.

د (۵۱۳ - ۵۲۰ - ۵۲۲ - ۵۲۳)

مادو د نه ورکری په صورت د رجوع د حق په خصوص کښی.

د (۵۲۵ - ۵۲۹ - ۵۳۳) مادو په

واسطه سره د ورکړې د توسط په خصوص کښې.
 د (۵۳۶-۵۳۷) مادو د جعل او تحریف په خصوص کښې.
 د (۵۳۸-۵۳۹) مادو د زمانی د تیریدو په باره کښې.
 د رسمي ورځو د حساب د صورت په خصوص کښې (۵۴۰-۵۴۱).
 همدا ډول د بل شخص په استوگنځی کښې د ورکړې په خصوص کښې (۴۷۴) او (۴۹۶) او د ټکټ پولی، د مقاولی په دائر (۴۷۵) او د هغو مبلغونو په خصوص کښې د مختلفو بیاناتو په باره کښې ورکول کيږي (۴۷۶)، د هغه شخص د لاس لیک د نتیجو په خصوص کښې چه اهلیت یې موندلی دی (۴۷۷) او د هغه شخص د لاس لیک د نتیجو په پاره کښې چه وکیل نه وی او یا د وکالت له حدودو څخه تیری وکړي د (۴۷۸) مادی حکم د حجت په خصوص کښې هم معتبر دی.

ماده ۵۴۸:

هغه څوک چه حجت لاس لیکوی، لکه د یو برات د قبلوونکی په شان

بالواسطه مواد (۵۲۵-۵۲۹).
 راجع به جعل و تحریف (۵۳۶-۵۳۷).
 راجع به مرور زمان (۵۳۸-۵۳۹).
 راجع به صورت حساب ایام رسمیه (۵۴۰-۵۴۱).
 همچنان راجع به تأدیه در اقامتگاه شخص دیگر احکام مواد (۴۷۴-۴۹۶) و دائر به مقاوله تکت پولی (۴۷۵) و درباره بیانات مختلف راجع به مبالغه که تأدیه می شود (۴۷۶) راجع به نتایج امضای شخصی که واجد اهلیت می باشد (۴۷۷) و راجع به نتایج امضای کسیکه وکیل نباشد و یا از حدود وکالت تجاوز کند، حکم ماده (۴۷۸) در خصوص حجت هم معتبر است.

ماده ۵۴۸:

شخصی که حجت را امضاء می کند مثل شخصی قبول کننده

یک برات مسئول است چینی که بعد از مدتی از رویت تأدیه آن قبول می‌شود (بشرطیکه از طرف امضاءکننده عبارت (ملاحظه شده) بر آن تحریر شده باشد) در ظرف مدت های معینه ماده (۴۹۲) لازم الزامه است اگر صاحب امضاء از تحریر عبارت (ملاحظه شده است) با قید تاریخ آن امتناع کند باید قرار ماده (۴۹۴) امتناع توسط یک ورقه اعتراض اثبات شود، تاریخ این ورقه اعتراض مبدأ موعده تأدیه بعد از ارائه سند دانسته می‌شود.

مسئول دی خه وخت چه له بنکاره کولونه خه موده وروسته د هغه ورکړه قبلوله کیري په دی شرط چه د لاس لیک کوونکی له خوا ورباندی د (وکتل شو) عبارت لیکلی وی په (۴۹۲) مادو کښې ټاکلی شوی موده کښې دهغه بنکارونه لازم ده که د لاس لیک خواند د (کتلی شوی دی) له عبارت خخه سره د هغه د نېټې له قیده منع راوړل د اعتراض د یوې پانې په ذریعه اثبات شي، ددی اعتراض پانې نېټه د سند له بنکاره کولونه وروسته د ورکړې د مودی شروع بلله کیري.

فصل سوم حصه اول چک

ماده ۵۴۹:

- چک محتوی شرایط ذیل باشد:
- ۱- در متن سند ذکر کلمه چک.
 - ۲- امر بلا قید و شرط تأدیه مبلغ.
 - ۳- اسم شخصی که تأدیه

درپیم فصل لومړۍ برخه چک

ماده ۵۴۹:

- چک باید دا لاندی شرطونه ولری:
- ۱- د سند په متن کښې د چک د کلمی ذکر.
 - ۲- د مبلغ د ورکړې بی قیده او بی شرطه امر.
 - ۳- د هغه شخص نوم چه

ورکړه کوی (مخاطب).

۴- د ورکړې دځای ذکر.

۵- دچک د صدور دمحل او نېټې قید.

۶- دهغه شخص لاس لیک چه چک صادروی (صادروونکی).

۵۵۰ ماده:

هغه سند چه د (۵۴۹) مادی له ذکر شویو شرطونو څخه یو په کښې نه وی چک نه باله کیږي، مگر په لاندی مواردو کښې:

که په چک کښې د ورکړې محل ذکر شوی نه وی نو هغه محل چه د مخاطب دنوم په څنگ کښې لیکلی شوی وی د ورکړې محل او په عین زمان کښې د مخاطب د استوگنې ځای باله کېږي.

که دچک د صدور محل ذکر شوی نه وی، هغه محل چه وروسته د صادروونکی له نامه ذکر شوی وی د صدور محل بلل کیږي.

۵۵۱ ماده:

چک په داسی حال کښې صادريږي چه صادروونکی له مخاطب څخه شته ولری او

می کند (مخاطب).

۴- ذکر محل تأدیه.

۵- قید محل و تاریخ صدور چک.

۶- امضای شخصی که چک را صادر می کند (صادر کننده).

ماده ۵۵۰:

سندی که یکی از شرایط متذکره ماده (۵۴۹) حاوی نباشد چک شناخته نمی شود. مگر در دو مورد آتی:

اگر محل تأدیه در چک ذکر نشده باشد، محلی که به پهلوی اسم مخاطب نوشته باشد محل تأدیه و در عین زمان اقامتگاه مخاطب شناخته می شود.

اگر محل صدور چک ذکر نشده باشد، محلی که بعد از اسم صادر کننده ذکر شده باشد، محل صدور شناخته می شود.

ماده ۵۵۱:

چک در حالی صادر می شود که صادر کننده در نزد مخاطب دارایی داشته و مخاطب در اثر

مخاطب دصريح يا ضمنی موافقی
په اثر د هغه په ورکړه مکلف وی.

۵۵۲ ماده:

چک کیدای شي چه په لاندی
صورتو یې د ورکړی وړ وبولی:

۱- په یو ټاکلی شخص یا د
هغه په امر.

۲- په حامل.

یو چک چه د هغه مودی الیه
شخص معلوم نه وی، په حامل
محرر پیژندل کیږی.

۵۵۳ ماده:

صادرونکی کولای شي چه چک په
خپله وجه صادر کړی.

۵۵۴ ماده:

که چیرې چک د ټکټ پولی له
شرط سره صادر شوی وی، دا ډول
شرط معتبر نه دی.

۵۵۵ ماده:

په دی صورت چه د چک د مندرجه
مبلغ د ارقامو او حروفو په منځ
کښې اختلاف وی، حروف معتبر
دی.

موافقه صريح يا ضمنی به
تأديه آن مکلف باشد.

۵۵۲ ماده:

چک را می‌توان (بصورت) ذیل
قابل تأديه دانست:

۱- به یک شخص معین
یا به امر او.

۲- به حامل.

یک چکی که شخص مودی
الیه آن معلوم نباشد، محرر
به حامل شناخته می‌شود.

۵۵۳ ماده:

صادرکننده می‌تواند چک را در
وجه خود صادر کند.

۵۵۴ ماده:

هرگاه چک با شرط تکت پولی
صادر شده باشد، چنین شرط
معتبر نیست.

۵۵۵ ماده:

در صورتی که بین ارقام و
حروف مبلغ مندرجه چک
اختلاف باشد، حروف معتبر
است.

ماده ۵۵۶:

که چک برسیره دواک لرونکی شخص په لاس ليک دداسی کسانو لاس ليک ولری چه دچک د تعهد اهليت نلری او يا جعلی لاس ليک او د هغو کسانو لاس ليک ولری چه غير حقیقی وی نو د اهليت لرونکو کسانو تعهد چه چک باندي یې لاس ليک کړی دی بياهم د اعتبار وړ دی.

ماده ۵۵۷:

هغه څوک چه چک دداسی کس په نامه او حساب چه وکالت یې نلری صادر یا ورکړی، دهغه دنتیجو مسئول دی.

ماده ۵۵۸:

صادروونکی شخص دورکړی ضامن دی. هغه شرط چه د ورکړی ضمانت په ابراء کینې وی، معتبر ندی او دچک د وجه له ورکړی څخه وروسته صادروونکی له ضمانت څخه بری دی.

ماده ۵۵۶:

اگر چک علاوه از امضای شخص صلاحیت دار، دارای امضای اشخاص باشد که اهلیت تعهد چک را دارا نباشند و یا امضاء های جعلی و اشخاص غیر حقیقی باشد، تعهد اشخاص دارای اهلیت که در چک امضاء نموده اند باز هم معتبر است.

ماده ۵۵۷:

کسانیکه چک را بنام و حساب شخصی که وکالت او را ندارند صادر یا تأدیه کنند، مسئول نتایج آنند.

ماده ۵۵۸:

شخص صادر کننده ضامن تأدیه است و شرطی که متضمن ابراء ضمانت تأدیه باشد، معتبر نیست و پس از تأدیه وجه چک صادر کننده از ضمانت بری می شود.

دوه یمه برخه
شالیکنه

حصه دوم
ظهر نویسی

ماده ۵۵۹:

هر چک پرته له حامل ته لیکلی شوی چک نه د (ظهر نویسی) په لاره بل ته د انتقال وړ دی. که صادروونکی په چک باندې (دانتقال وړ نه دی) جمله او یا یوه بله جمله چه عین معنی ورکړی لیکلی وی نو دا چک د ظهر نویسی په طریقه نقل کیدای نشي. چک مخاطب او صادروونکی او نورو مسئولینو ته ظهر نویسی کیدای شي. دا کسان کولای شي چه چک له خپلی خوا تکرار نورو ته ظهر نویسی کړی. په ظهر نویسی سره ټول هغه حقوق چه له چک څخه پیدا شوی وی، انتقال مومی.

ماده ۵۶۰:

ظهر نویسی باید بي له شرطه وی په (ظهر نویسی) کې د شرط ټاکل معتبر نه دی. په همدی شان د چک له مندرجه مبلغ څخه د یوی برخی (ظهر نویسی)

ماده ۵۵۹:

هر چک به استثنای چک محرر به حامل بطریق ظهر نویسی به دیگر قابل انتقال است. اگر صادر کننده بر چک جمله (قابل انتقال نیست) و یا یک جمله دیگریکه عین معنی را افاده کند نوشته باشد، چک مذکور بطریق ظهر نویسی نقل شده نمی تواند. چک را می توان به مخاطب و صادر کننده و مسئولین دیگر ظهر نویسی نمود. این اشخاص می توانند از طرف خود چک را تکرار به دیگران ظهر نویسی کنند. با ظهر نویسی کافه حقوق متولد از چک انتقال می یابد.

ماده ۵۶۰:

ظهر نویسی باید بلا شرط باشد. تعیین شرط در ظهر نویسی معتبر نیست. همچنین ظهر نویسی یک قسمت از مبلغ مندرجه چک صحیح

صحیح نه ده.

که (ظهر نویسی) د مخاطب له خوا وشي، باطله ده. د مخاطب په نامه ظهر نویسی د رسید حکم لری.

۵۶۱ ماده:

(ظهر نویسی) یا پخپله پر چک باندی یا په یوه بل چک سره پیوسته پانې باندی کیږي. ظهر نویسی باید د (ظهر نویسی) له خوا لاس لیک شي. که (ظهر نویسی) یواځې بی د حامل له ذکره په لاس لیک کفایت کړی وی (ظهر نویسی) صحیح ده. سپینه (ظهر نویسی) د چک د ظهر نویسی په خصوص کښې د (۴۸۳ تر ۴۸۸) مادو پوری مقررات د تطبیق وړ دی.

نیست.

ظهر نویسی اگر از طرف مخاطب به عمل آید، باطل است. ظهر نویسی بنام مخاطب حکم رسید را دارد.

۵۶۱ ماده:

ظهر نویسی یا بر خود چک یا بر یک ورقة ملحقة دیگر چک نوشته می شود. ظهر نویسی لازم است از طرف ظهر نویس امضاء شود. اگر ظهر نویس بدون ذکر حامل تنها به امضاء اکتفا نموده باشد، ظهر نویسی صحیح است (ظهر نویسی سفید) راجع به ظهر نویسی چک مقررات مواد (۴۸۳ الی ۴۸۸) قابل تطبیق است.

**درېمه برخه
ضمانت**

۵۶۲ ماده:

د چک ضمانت په خصوص کښې د برات د ضمانت په باره کښې د څلورمی برخې د (۴۹۹) تر (۵۰۱) مادو مقررات هم معتبر دی.

**حصه سوم
ضمانت**

۵۶۲ ماده:

مقررات ماده (۴۹۹) الی (۵۰۱) حصه چهارم راجع به ضمانت برات در خصوص ضمانت چک هم معتبر است.

خلورمه برخه ښکارونه او ورکړه

ماده ۵۶۳:

چک د ضرورت له مخې د ورکړې وړ دی. هر هغه شرط چه په خلاف یې وی معتبر نه دی.

ماده ۵۶۴:

که چک په همغه ځای کېږي چه صادر شوی دی د ورکړې وړ وی نو چک لرونکی مکلف دی چه د صدور له نېټې څخه په پنځلسو ورځو کېږي دهغه وجه وغواړي او که د مملکت له یوې نقطې څخه بلې نقطې ته صادر شوی وی نو ښایي چه د چک د صدور له نېټې څخه په موده د دوو میاشتو کېږي وغوښتل شي.

د هغو چکانو په خصوص کېږي چه له خارجه صادر شوی او باید په افغانستان کېږي ورکړل شي، هغه مقررات به چه په افغانستان کېږي د صادر شویو چکونو په خصوص کېږي وی رعایت شي مگر هغه موده چه ددی ډول چکانو لرونکی په هغې مودی

حصه چهارم ارائه و تأدیه

ماده ۵۶۳:

چک عند الرویت قابل تأدیه است هر شرطیکه بر خلاف آن باشد، غیر معتبر است.

ماده ۵۶۴:

اگر چک در همان مکانیکه صادر شده قابل تأدیه باشد، دارنده چک مکلف است که در ظرف پانزده روز از تاریخ صدور وجه آنرا مطالبه کند و اگر از یک نقطه به نقطه دیگر مملکت صادر شده باشد، باید در ظرف دو ماه از تاریخ صدور چک مطالبه شود.

در مورد چک هاییکه از خارج صادر شده و باید در افغانستان پرداخته شود، مقررات راجعه به چک هاییکه در افغانستان صادر شده رعایت خواهد شد، ولی مدتیکه در ظرف آن دارنده این چنین چک ها

کښې کولای شي د هغو وجه وغواړي، د صدور له نېټې څخه څلور میاشتې دي.

ماده ۵۶۵:

که د چک د صدور د محل او د ورکړې د محل تقویم مختلف وي نو د صدور د نېټې ورځ به هغه ورځ وگڼله شي چه د ورکړې د محل د تقویم له ورځې سره برابر وي.

ماده ۵۶۶:

که د چک لرونکي په قانوني مودو کښې د چک د وجه ورکړه ونه غواړي نو دعوی به یې ظهر نویس باندې وانه وریدله شي او که د چک وجه یو داسی سبب چه په مخاطب پورې اړه لری له منځه لاړه شي نو د چک لرونکي دعوی په صادرونکي هم مسموع نه ده مگر مخاطب وروسته د مودی له ختم څخه هم کولای شي چه چک ورکړي.

ماده ۵۶۷:

که د چک صادرونکي وروسته د هغه له صادرولو فوت یا بی اهلله او بی واکه شي، د چک په

می تواند وجه آنرا مطالبه کند، چهار ماه از تاریخ صدور است.

ماده ۵۶۵:

اگر محل صدور و محل تأدیه چک تقویم مختلف داشته باشد، تاریخ صدور همان روز دانسته خواهد شد که با روز تقویم محل تأدیه مطابق باشد.

ماده ۵۶۶:

اگر دارنده چک در ظرف مواعد قانونی پرداخت وجه چک را مطالبه نکند، دعوی او علیه ظهر نویس مسموع نخواهد بود و اگر وجه چک به سببی که مربوط به مخاطب است از بین برود، دعوی دارنده چک علیه صادر کننده نیز مسموع نیست، ولی مخاطب بعد از اختتام موعد چک هم می تواند تأدیه کند.

ماده ۵۶۷:

اگر صادرکننده چک بعد از اصدار آن فوت یا واجد عدم صلاحیت و اهلیت شود، در

اعتبار کوم تأثیر نلری.

ماده ۵۶۸:

د هغه څوک چه د چک وجه په لاس راوړی، باید شایې رسید کړی. لرونکی کولای شي چه یوه برخه یې قبوله کړی، په دی صورت کښې هر څومره مبلغ چه لاس ته راوړی، د چک په شا رسید کړی.

ماده ۵۶۹:

که کوم چک د ورکړې وړ داسی پولونو باندی ولیکل شي چه د ورکړې د مملکت پول نه وی، د ورکړې وړ پولونه د مملکت په پولونو د ورکړې په ورځ کښې دهغه قیمت سره (د حامل په غوښتنه) په عمل راوړی.

که دښکاره کولو په وخت کښې پول تأدیه شوی نه وی، دچک خاوند کولای شي چه دخپل میل په اساس تقاضا وکړی چه زما پیسی دی د مملکت له پیسو څخه د ورځې دنرخ له مخه اړانه او یا تأدیه شي. د خارجی پیسو قیمت دهغه ځای له دود سره سم ټاکل کیږي.

سره له دی صاروونکی کولای شي چه شرط کیږدی چه د ورکړې وړ

اعتبار چک تأثیر ندارد.

ماده ۵۶۸:

کسیکه وجه چک را دریافت می کند باید ظهر آنرا رسید نماید. دارنده می تواند تأدیه قسمی را قبول نماید، در این صورت، به اندازه مبلغی که دریافت داشته در ظهر چک رسید نماید.

ماده ۵۶۹:

اگر چکی به پولی قابل تأدیه نوشته شود که پول مملکت تأدیه نباشد، مبلغ قابل تأدیه را می توان به پول مملکت مطابق به قیمت آن در روز تأدیه (بخواهش حامل) بعمل آورد.

اگر در وقت ارائه پول تأدیه نشده باشد دارنده چک می تواند بر حسب میل خود تقاضا کند که تأدیه به پول آن مملکت از روی نرخ روز ارائه و یا نرخ روز تأدیه به عمل آید. قیمت پول خارجی بر طبق رواج محل تعیین می شود.

معذالک صادر کننده می تواند شرط گذارد که مبلغ قابل

مبلغ دی له هغه نرخ سره سم چه په چک کښې لیکل شوی دی، حساب شي.

تأديه بر طبق نـرخـی که در چک نوشته شده است، حساب شود.

پنځمه برخه
مخطط (کراس) او په حساب سره دانتقال وړ چکونه

حصه پنجم
چک های مخطط (کراس) و چک های قابل انتقال به حساب

۵۷۰ ماده:

صادرونکی یا چک لرونکی کولای شي چه په چک باندی خط (کراس) وکارې. خط کښل عبارت دی دچک پر مخ له دوو متوازی کرښو څخه چه یا عام دی یا خاص. که ددوو خطونو په منځ کښې څه شي ذکر شوی نه وی او یا د (بانکدار) یا د هغې معادله کومه بله کلمه لیکل شوی وی، دا خط کښل عام دی او که د (بانک لرونکی) نوم د دوو خطونو ترمنځ لیکل شوی وی نو دا خط کښل خاص دی. عام خط په خاص خط باندی تحویلدای شي مگر د هغه عکس یا د خط او د بانک لرونکی او یا د بانک لرونکی دنوم محو کول جائز نه دی.

۵۷۰ ماده:

صادرکننده و یا دارنده چک می تواند چک را خط (کراس) بکشد. خط کشیدن عبارت است از کشیدن دو خط متوازی بر روی چک که یا عام است یا خاص. اگر در بین دو خط چیزی ذکر نشده باشد و یا کلمه (بانکدار) و یا کدام کلمه دیگری معادل آن نوشته باشد، این خط کشیدن عام است و اگر اسم (بانکدار) در بین دو خط نوشته شده باشد، این خط کشیدن خاص است. خط عام را می توان به خط خاص تحویل داد، مگر عکس آن و یا امحای خط و بانکدار و یا اسم بانکدار جایز نیست.

ماده ۵۷۱:

یو چک چه په عام طور خط ورباندی کښل شوی وی نو مخاطب یواځې (بانک لرونکی) یا خپل مشتری ته انتقال ورکولای شي. هغه چک چه په خاص ډول خط کش شوی وی نو مخاطب یې فقط هغه بانک لرونکی ته چه نوم یې لیکلی شوی او که بانک لرونکی مخاطب وی فقط خپل مشتری ته انتقال ورکولای شي. هغه بانک لرونکی چه نوم یې ذکر شوی دی کولای شي چه چک یو بل بانک لرونکی ته د تحصیل دپاره ور وسپاری. بانک لرونکی مخطط چک بیرته دخپلو مشتریانو یا بل بانک لرونکی په حساب کښې معامله کولای نشي مخاطب یا بانک لرونکی چه دپورتنیو مقرراتو رعایت ونه کړی، هر هغه ضرر چه پیدا کیږي دچک مبلغ تراندازی پوری مسئول دی.

ماده ۵۷۲:

صادروونکی یا چک لرونکی کولای شي چه د چک نقدی ورکړه په دی صورت منع کړی چه د چک پر مخ عرضاً (په حساب کی د

ماده ۵۷۱:

یک چک که بطور عام خط کشیده شده باشد، مخاطب تنها به (بانکدار) و یا مشتری خود انتقال داده می‌تواند. چکی که بصورت خاص خط کشیده شده باشد، مخاطب فقط به بانک داریکه اسم او نوشته شده و یا اگر بانکدار مخاطب باشد فقط به مشتری خود انتقال داده می‌تواند. بانکداریکه اسم او ذکر شده است، می‌تواند چک را به بانکدار دیگری برای تحصیل تسلیم کند، بانکدار چک مخطط را به جز در حساب مشتریان خود و یا بانکدار دیگر نمی‌تواند معامله کند. مخاطب یا بانک داریکه مقررات فوق را رعایت نکند، برای ضرریکه تولید می‌شود تا به اندازه مبلغ چک مسئول است.

ماده ۵۷۲:

صادر کننده یا دارنده چک می‌تواند تأدیه نقدی چک را به این صورت منع کند که بر روی چک عرضاً عبارت (قابل معامله به

معاملی وپ دی عبارت ولیکی
(په حساب کی د ورکړی وپ دی)
عبارت محوکول له چک څخه
جائز نه دی.

حساب است) را بنویسد. محو
عباره (قابل تأدیه به
حساب است) از چک جایز
نیست.

شپږ مه برخه
دنه ورکړی له امله مراجعه

حصه ششم
مراجعة بنا بر عدم تأدیه

۵۷۳ ماده:

له ورکړې څخه دمنع راوړلو په
صورت کېنې چک لرونکی کولای
شي چه شالیکونکو صادروونکو او
نورو مسئولو کسانو ته مراجعه
وکړي. لرونکی کولای شي چه له
لاندنیو دلایلو څخه په یو دلیل سره
له د ورکړې څخه امتناع په اثبات
ورسوي:

- ۱- د یوی رسمی پانې په
ذریعه اعتراض.
- ۲- د مخاطب له خوا دچک په
شالیکنه سره دښتې له قید سره.
- ۳- د تجارتی محکمی
تصدیق چه د ښتې په قید د
چک په ښکاره کولو مبنی وی.

۵۷۴ ماده:

اعتراض باید پخوا له هغې مودی
تیریدلو څخه چه دښکاره کولو

۵۷۳ ماده:

در صورت امتناع از تأدیه،
دارنده چک می‌تواند به
ظهر نویسان صادر کننده
چک و اشخاص مسئول دیگر
مراجعه کند. دارنده
می‌تواند با یکی از دلایل
ذیل امتناع از تأدیه به
اثبات برساند:

- ۱- اعتراض توسط یک
ورقه رسمی.
- ۲- تحریر در ظهر چک از طرف
مخاطب با قید تاریخ.
- ۳- تصدیق محکمه
تجارتی مبنی بر ارایه
چک به قید تاریخ.

۵۷۴ ماده:

اعتراض باید قبل از انقضای
مدتی که برای ارائه مقرر

دپاره مقرر ده، عملی شي.
 که چک په وروستنی مقرر ورځ
 ښکاره کړی شي نو اعتراض ممکن
 دی چه د کار په هغه ورځ چه
 وروسته له هغه راځي، عملی
 کړی.

۵۷۵ ماده:

له اعتراض څخه وروسته له ورکړی
 څخه د امتناع په صورت کښې چک
 لرونکی کولای شي چه خپل
 شالیکونکی یا صادرونکی ته د
 هغه کار په څلورو ورځو کښې چه د
 اعتراض له لیکلونه وروسته
 راځی، اطلاع ورکړی.
 هر شالیکونکی باید ده نه کار په
 څلورو ورځو کښې چه وروسته له
 اطلاع اخیستلو څخه راځی، له نه
 ورکړی څخه خپل پخوانی
 شالیکونکی ته خبر ورکړی او په
 دی اطلاع کښې دی د هغو کسانو
 نوم او ادرس ذکر کړی چه
 پخوانی اطلاع یې ورکړی ده. په
 همدی صورت دی په مسلسل
 ډول تر صادرونکی پورې
 ورسپړی.

که چک ضمانت شوی وی،
 باید په همغه موده کښې

است، عملی شود.
 اگر چک در آخرین روز
 مقرر ارائه شود، اعتراض را
 ممکن است در روز کاری
 که بعد از آن می آید،
 عملی ساخت.

ماده ۵۷۵:

در صورت امتناع از تأدیه
 پس از اعتراض دارنده چک
 می تواند به ظهر نویس
 خود و یا صادر کننده در
 داخل چهار روز کاری که
 بعد از تحریر اعتراض می
 آید اطلاع بدهد. هر ظهر
 نویس باید در داخل چهار
 روز کاری که بعد از گرفتن
 اطلاع می آید، از عدم تأدیه
 به ظهر نویس ماقبل
 خود خبر بدهد. و درین
 اطلاع اسام و آدرس
 اشخاصی را که اطلاع
 سابق را داده اند، ذکر
 نماید و به همین صورت،
 مسلسل تا به صادر کننده
 برسد.

اگر چک ضمانت شده باشد،
 باید در داخل همان مدت به

ضامن ته هم خبر ورکړ شي. اطلاع ممکنه ده چه د چک په اعاده او یا په راجستری لیک سره د پوستی په ذریعه اجراء شي. د پوستی د رسید نېټې ته د اطلاع د مودی په ټاکلو کښې اعتبار ورکاوه کیږي. هغه څوک چه په ټاکلی موده کښې اطلاع ورنکړی، خپل حقوق له لاسه نه ورکوی، مگر که دده د غفلت له مخې کوم ضرر پېښ شوی وی، د هغه د جبران مسئول دی. سره له هغه هم، دده د مسئولیت اندازه د چک له مندرجه مبلغ څخه زیاتیدای شي.

۵۷۶ ماده:

د چک حامل کولای شي چه پر ټولو هغو کسانو باندی چه په چک کښې مسئولیت لری، په ګډه سره یا په یواځې صورت دعوی اقامه وکړی او پدی کار کښې د شالیکونکی د ترتیب په رعایت مکلف نه دی او همدغه حق هر یو بل تأدیه کوونکی شخص هم لری. له مسئولو اشخاصو څخه چه پر یوه شخص باندی دعوی کول پر نورو اشخاصو باندی د دعوی کولو

ضامن هم خبرداده شود. اطلاع ممکن است با اعاده چک و یا با مکتوب راجستری توسط پوسته اجراء شود. تاریخ رسید پوسته در تعیین موعد اطلاع اعتبار داده می شود. شخصیکه در داخل مدت معینه اطلاع ندهد، حقوق خود را از دست نمی دهد ولی اگر بنابر غفلت او کدام ضرری عاید شده باشد، مسئول جبران آن میباشد. معذالک، اندازه مسئولیت او از مبلغ مندرجه چک اضافه تر شده نمی تواند.

۵۷۶ ماده:

حامل چک می تواند بر علیه تمام اشخاصی که در چک مسئولیت دارند، مجتمعاً یا منفرداً اقامه دعوا نماید و درین کار مکلف به رعایه ترتیب ظهر نویسی نمی باشد و همین حق را هر شخص تأدیه کننده دیگر نیز دارا می باشد دعوی بر علیه یکی از اشخاص مسئول، مانع دعوی بر علیه اشخاص دیگر

مانع نه گرځي.

۵۷۷ ماده:

د چک حامل يا تادييه کوونکي کولای شي چه له مسئول شخص څخه لاندني مصارف وغواړي:
۱- د چک نه ورکړي شوي مبلغ.
۲- ټکټ پولی.
۳- د اعتراض او نورو مصارف چه متحمل شوي وي.

نیست.

۵۷۷ ماده:

حامل چک يا تادييه کوننده می تواند از شخص مسئول مصارف ذیل را مطالبه کند:
۱- مبلغ تادييه ناشده چک.
۲- تکت پولی.
۳- مصارف اعتراض و غيره که متحمل شده باشد.

۵۷۸ ماده:

هر مسئول شخص چه د مراجعی مورد واقع شوي وي، کولای شي چه د ورکړي په بدل کښي چک سره له اعتراضه او رسیده وغواړي. هغه شاليکونکي چه چک يې اخيستی او تادييه کړي وي، کولای شي چه خپله شاليکنه او د وروستيو شاليکونکو شاليکني باطله کړي.

۵۷۸ ماده:

هر شخص مسئول که مورد مراجعه واقع شده باشد، می تواند در بدل تادييه چک را با اعتراض و رسید تقاضا نماید. ظهر نویسی که چک را گرفته و تادييه نموده باشد، می تواند ظهر نویسی خود و ظهر نویسی ظهر نویسان مابعد را ابطال نماید.

اوومه برخه

د چک د نسخو تعدد

حصه هفتم

تعدد نسخه های چک

۵۷۹ ماده:

په متعددو نسخو د چک صدور ممکن دی.
پدی صورت کښي باید هره نسخه

۵۷۹ ماده:

صدور چک به نسخه های متعدد ممکن است.
دراین صورت باید هر نسخه

واحدہ نمبرہ ولری او پہ ہغہ کنبی
تصریح شی چہ د نسخو شمیر
خودی او د لومری نسخی پہ
موجب وجہ د ورکری وړ ده.

۵۸۰ ماده:

خرنگه چہ د لومری نسخی پہ
ذریعہ ورکړه اجراء شی، نوری
نسخی یی له اعتبارہ وتلی دی.

دارای نمبره واحد بوده و در آن
تصریح شود که تعداد نسخه
چند است و به موجب نسخه
اول وجه قابل تأدیه می باشد.

۵۸۰ ماده:

چون تأدیه بذریعہ نسخه اول
صورت گرفته، نسخه های دیگر
از اعتبار ساقط است.

اتمه برخه

ساخته کاری او تحریفات

حصه هشتم

ساخته کاری و تحریفات

۵۸۱ ماده:

د (۵۳۶ او ۵۳۷) مادو احکام چہ
په ساخته کاری او تحریفاتو پوری
اړه ولری د چک په باره کنبی
هم مرعی الاجراء دی.

۵۸۱ ماده:

احکام مواد (۵۳۶ و ۵۳۷) که
مربوط ساخته کاری و
تحریفات می باشد در باره
چک نیز مرعی الاجراء است.

نهمه برخه

د زمانی تېریدل

حصه نهم

مرور زمان

۵۸۲ ماده:

هغه دعوی چہ حامل یی په
شالیکونکو او صادروونکو باندی
کوی د بنکارونی د مودی له
تیریدو څخه شپږ میاشتې وروسته
ساقطیږی. همدا ډول د هر یوه

۵۸۲ ماده:

دعاوی ای که حامل علیه ظهر
نویس ها و صادر کننده اقامه
می کند، شش ماه بعد از
انقضای مدت ارائه ساقط
است. همچنین دعوی هر یک از

مسئول دعوی د وجه د ورکړې له نېټې څخه شپږ میاشتې وروسته ساقطیږي. د (۵۳۹) مادې حکم د چک په باره کښې هم معتبر دی.

ماده ۵۸۳:

د (۵۴۰ او ۵۴۱) مادو عمومي احکام چه د برات او حجت په خصوص کښې دی، د چکونو په باره کښې هم د تطبیق وړ دی.

مسئولين از تاریخ تأدیه وجه بعد از انقضای شش ماه ساقط می‌شود. حکم ماده (۵۳۹) درباره چک نیز معتبر است.

ماده ۵۸۳:

احکام عمومی مواد (۵۴۰ و ۵۴۱) که راجع به برات و حجت می‌باشد، درباره چک ها نیز قابل تطبیق است.

څلورم فصل

د تجارتي اسنادو ضیاع

ماده ۵۸۴:

که د یوه تجارتي سند حامل خپل مالکیت د بلا انقطاع شالیکنو په ذریعه په اثبات ورسوی، مجبور نه دی چه هغه وجه چه اخیستی یې ده اعاده کړي، مگر دا چه ثابت شي چه هغه یې په غیر قانونی ذریعو په لاس راوړی دی.

ماده ۵۸۵:

تجارتی سند چه له حامل څخه ورک شوی وی، کولای شي چه دهغه بطلان په مربوطه محکمه

ماده ۵۸۴:

اگر حامل یک سند تجارتي مالکیت خود را ذریعه ظهر نویسی های بلا انقطاع به اثبات برساند، مجبور نیست وجه آنرا که اخذ نموده اعاده بدارد، مگر این که ثابت شود که آنرا به ذرایع غیر قانونی بدست آورده است.

ماده ۵۸۵:

سند تجارتي ايكه از نزد حامل مفقود شده باشد، می‌تواند بطلان آنرا در محكمه مربوطه که مكلف

کبنې چه تجارتی دعوو په اوریدو مکلفه دی، وغواړي.

د تملک او ورکړې سند او کیفیت ته دی تر وسی پورې شرح ورکړي. پدې صورت چه محکمه د درخواست کوونکي دلائل کافی وبولي، که د برات ورک شوی سند قبول شوی وی نو هغه قبلوونکي ته، او که دچک یا برات سند قبول شوی نه وی نو هغه صادروونکي او مخاطب ته، او که سند د حامل په وجه کی وی نو مخاطب ته د هغه د وجه د نه ورکړي امر په تحریری ډول ورکوي.

دسند محتویات او دهغه د بنسکارونې لزوم په دوو میاشتو کبنې درسمی او غیر رسمی جریدو په ذریعه درې کرته اعلانوی.

ددی مودی په پای کبنې به د سند په ابطال کبنې لږم تصمیم ونیسی. دا موده د هغه سند په باره کبنې چه موده یې پوره شوی وی په رسمی جریدو کبنې د نشر شوی اعلان د نېټې له سره او د هغه سند په باره کبنې چه موده یې له دریم اعلان څخه وروسته پوره کیږي، د هغه د مودی د پوره کیدو له سره او

به استماع دعاوی تجارتی است، ادعاء نماید.

سند و کیفیت به تملک و فقدان راحتی الامکان شرح دهد. در صورتی که محکمه دلائل درخواست کننده را کافی بداند، اگر سند مفقود برات قبول شده باشد، آنرا به قبول کننده و اگر سند چک یا برات قبول نشده باشد، به صادر کننده و مخاطب اگر سند در وجه حامل باشد، به مخاطب عدم تأذیه وجه آنرا تحریراً امر می دهد.

محتویات سند و لزوم ارائه آنرا در ظرف دو ماه توسط جراید رسمی و غیر رسمی سه مرتبه اعلان می نماید.

در ختم این مدت تصمیم لږم را در ابطال سند اتخاذ خواهد نمود. این مدت راجع به سندیکه موعده آن به سر رسیده باشد، سراز تاریخ اعلان منتشره در جریده رسمی و دربار سندیکه موعده آن بعد از اعلان سوم بسر می رسيد، سراز تاریخ به

سر رسیدن موعد آن و راجع به سندیکه تأدیه آن مشروط به ارائه بوده و در تاریخ اعلان سوم مدت ارائه آن هسنوز نرسیده باشد، سر از روز اخیر مدت ارائه معتبر است.

ماده ۵۸۶:

شخصی که خواهش بطلان سند را می نماید، می تواند بیانیۀ مبنی بر محتویات اساسی سند ترتیب و در مدت و محلی که قانوناً تعیین شده باشد، به مخاطب ارسال نماید. همین ورقه راجع به تأدیه و عدم تأدیه و رؤیت به منزله اعتراض تلقی می شود.

ماده ۵۸۷:

اگر سند در خاتمۀ مدتی که تعیین شده ارائه نشود، محکمه می تواند در اثر تقاضای مدعی، راجع به ابطال سند حکم صادر و به اشخاصی که در ماده (۵۸۵) ذکر شده ابلاغ نماید.

به موجب حکم ابطال، مدعی مثل

دهغه سند په باره کښې چه ورکړه یې په ښکارونه پوری مشروطه وی او ددریم اعلان په نېټه کښې دهغه دښکارونی موده لانه وی رسیدلی، د ښکارونی د مودی د وروستی ورځی له سره معتبر دی.

ماده ۵۸۶:

هغه څوک چه د سند بطلان غواړی، کولای شي چه د سند د اساسی محتویاتو په خصوص کښې یوه بیانیه ترتیب کړی او په هغه موده او محل کښې چه قانوناً ټاکلی شوی وی، مخاطب ته ورولېږی همدغه پاڼه د ورکړی او نه ورکړی او ښکارونی په خصوص کښې د اعتراض په منزله گڼل کیږي.

ماده ۵۸۷:

که سند د هغې مودی په پای کښې چه ټاکلی شوی ده ښکاره نشي نو محکمه کولای شي چه د مدعی د غوښتنې په اثر دسند د ابطال په باره کښې حکم صادر کړی او هغو کسانو ته یې چه په (۵۸۵) ماده کښې ذکر شوی دی ابلاغ کړی.

د حکم د ابطال په موجب مدعی

د ضایع شوی اصل سند د خاوند په توگه خپل حقوق د برات له قبلوونکي او که برات قبول شوی نه وی او یا حجت او چک وی نوله صادروونکي څخه وغواړي.

هغه څوک چه په ده باندی دعوی کیږي حق لري چه د حکم د صدور له نېټې څخه تر یوې میاشتې پورې محکمی ته رجوع وکړي او د محکوم له نه استحقاق په اثبات ورسوي.

ماده ۵۸۸:

که سند د اعلان د مودی تر پایه پوری ټاکلی محکمی ته ښکاره کړي شي نو محکمه د ابلاغ په خصوص کښې د (۵۸۵) مادی هدايت اجراء کوي او له اصول سره سم په دعوی رسیدگی کوي او حکم صادروي.

څلورم باب

تجارتی تعهدات

لومړی فصل - عمومي احکام

ماده ۵۸۹:

که دوه تنه یا زیات کسان د یوې

اینکه اصل سند ضایع شده را مالک باشد، حقوق خود را از قبول کننده برات و اگر برات قبول نشده باشد و یا حجت و چک باشد، از صادرکننده مطالبه نماید.

شخصی که علیه او دعوی می شود حق دارد که از تاریخ صدور حکم تا یک ماه به محکمه رجوع و عدم استحقاق محکوم له را به اثبات برساند.

ماده ۵۸۸:

اگر سند الی ختم مدت اعلان به محکمه معین ارائه شود، محکمه هدايت ماده (۵۸۵) راجع به ابلاغ را اجراء و مطابق اصول به دعوی رسیدگی نموده؛ حکم صادر می نماید.

باب چهارم

تعهدات تجارتی

فصل اول - احکام عمومی

ماده ۵۸۹:

اگر دو شخص و یا اشخاص

متعدد در ضمن یک معامله که خواه برای یک نفر و یا همه ایشان ماهیت تجارتی را دارا باشد در مقابل شخص ثالثی مشترکاً داخل تعهد شوند، در صورتی که خلاف آن در قرارداد تصریح نشده باشد، مجتمعاً مسئول شمرده می‌شوند. عین همین حکم بر اشخاصی که ضمانت دیون را می‌نمایند نیز تطبیق می‌شود.

ماده ۵۹۰:

پولیکه در نتیجه کدام عقد تجارتی واجب التأدیه شود و در داخل مملکت رواج قانونی نداشته باشد، در انقضای وعده تبدیل آن نظر به نرخ روز به پول افغانی جائز است.

لیکن اگر در حین عقد تأدیه پول خارجی که رواج قانونی نداشته باشد تصریح شود و یا به این معنی کدام عبارت دیگری استعمال شده باشد شرط تأدیه عین پول خارجی معتبر است.

ماده ۵۹۱:

شخصی که تعهد تجارتی

معاملی به ضمن کنبی چه که یو تن ته یا دوی پولو ته تجارتی ماهیت ولری د دریم کس به مقابل کنبی به گډه سره تعهد وکړی، په دی صورت چه دهغه به خلاف په قرارداد کنبی تصریح شوی نه وی نو په گډه سره مسئول بلل کیږي. عین همدغه حکم پر هغو کسانو باندی چه د پورونو ضمانت کوی هم تطبیقیری.

ماده ۵۹۰:

هغه پیسې چه دکوم تجارتی عقد به نتیجه کنبی یې ورکړه ضروری وگرځي او په دننه د مملکت کنبی قانونی رواج ونه لری نو د هغو د وعدی به تیریدو کنبی نظر د ورځي نرخ ته د هغو تبدیل په افغانی سره جائز دی.

مگر د خارجی پیسو د ورکړی د عقد په وخت کنبی چه قانونی رواج ونه لری تصریح شي او یا په دی معنی کوم بل عبارت استعمال شوی وی نو د عین خارجی پیسو د ورکړی شرط معتبر دی.

ماده ۵۹۱:

هغه څوک چه خپل تجارتی تعهد د

حیلی او تقصیر په اثر په ځای نکرې او یایې په ځای کولو کښې ځنډ وکړې نو وروسته له هغه چه رسماً یا د راجستری لیک په لیرلو هغه ته اخطار کیږي، مجبور دی چه هغه خساره چه متعهد له ته پښه شوی ده سره له هغې گټې چه ورڅخه محروم شوی دی، جبران کړي. مجبره اسباب (فورس ماژور) له دی حکم څخه وتلی دی.

ماده ۵۹۲:

که متعهد خپل تعهد مات کړي او یا کوم تعهد چه په مطلق صورت په یوه ټاکلی وخت او یا په یوه ټاکلی موده کښې لږم الاجراء وی په ځای نکرې او یا د تعهد موضوع د یوه عمل له نه کولو څخه عبارت وی او هغه اجراء کړي، بی له اخطاره د خساری د جبران دعوی کیدلی شي.

ماده ۵۹۳:

که هغه مبلغ چه په تعهد کښې د خساری د جبران په نامه ټاکلی شوی وی د هغې گټې له اندازی څخه چه متعهد له د تعهد په ځای کولو په صورت کښې

خود را در اثر حيله و تقصير ايفاء نکند و يا در ايفای آن تأخير نماید، بعد از اینکه رسماً و یا به ارسال مکتوب راجستری به او اخطار می شود مجبور است که خساره را که متعهد له دچار شده با مفادیکه از آن محروم گردیده جبران کند. اسباب مجبره (فورس ماژور) ازین حکم مستثنی است.

ماده ۵۹۲:

اگر متعهد تعهد خود را نقض نماید یا تعهدی را که بصورت مطلق در یک وقت معین و یا در ظرف یک مدت معین لږم الاجراء باشد ايفاء ننماید و یا موضوع تعهد عبارت از نکردن یک عمل باشد و آنرا اجراء نماید، بدون اخطار دعوی جبران خساره شده می تواند.

ماده ۵۹۳:

اگر مبلغی که در تعهد بنام جبران خساره معین شده باشد از مقدار منفعتی که متعهد له در صورت ايفای تعهد حاصل می نمود اضافه

هم شود، محکمه نمی‌تواند اندازه آنرا تنزیل دهد.

در صورتی که برخلاف آن در قرارداد صراحت نباشد، متعهدله به اخذ مبلغی که بنام جبران خساره مقرر داشته است به عوض ایفای تعهد مجبور نمی‌شود.

اگر ضرری که متعهد له به آن دچار شود از مبلغی که بنام جبران خساره معین می‌شود زیاده‌تر باشد، در صورتی که در قرارداد صراحتی بر خلاف آن موجود نباشد، متعهد مجبور است مبلغ اضافی را هم تأدیه کند.

ماده ۵۹۴:

اگر عدم ایفای تعهد در اثر علتی باشد که قبلاً قابل پیش بینی نبوده و یا از تقصیر دائن تولید شده و یا در اجرای تعهد قید احترازی از جانب متعهدله قبول شده باشد، متعهد به هیچ نوع به جبران خساره

حاصلوله زیات هم شی، محکمه کولای نشی چه اندازه بی‌پیتیه کری.

پدی صورت چه په قرارداد کنبی د هغه په خلاف کوم صراحت نه وی نو متعهدله د هغه مبلغ په اخیستلو چه د خساری د جبران په نامه بی مقرر کړیدی د تعهد د په خای کولو په عوض نه مجبوریری.

که هغه ضرر چه متعهدله په هغه باندی اخته شی، له هغه مبلغ څخه چه د خساری د جبران په نامه ټاکل کیری زیات وی نو په دی صورت که په قرارداد کنبی د هغه په خلاف کوم صراحت موجود نه وی نو متعهد مجبور دی چه هغه اضافه مبلغ هم تأدیه کری.

ماده ۵۹۴:

که د تعهد نه په خای کبدل دداسی علت په اثر وی چه له پخوا څخه د پیش بینی وړ نه وی او یا د پوروال له تقصیر څخه پیدا شوی وی او یا د تعهد په اجراء کنبی د متعهدله له خوا د احتراز قید قبول شوی وی، متعهد په هیڅ ډول د خساری په جبران مکلف

کیدای نشی.

ماده ۵۹۵:

د بیعانی ورکول د عقد دلیل بلل کیږي. د طرفینو د تعهد په ځای کولو په حال کې بیعانه محاسبه کیږي. که عقد د طرفینو په رضا او یا نظر کوم بل سبب ته چه د خساری د جبران موجب نه وی فسخ شي نو بیعانه بیرته خپل خاوند ته ورکوله کیږي.

ماده ۵۹۶:

په دی صورت چه دهغه په خلاف په قرارداد کېږي او یا په تجارتی عرف کېږي مقررنه وی نو هغه طرف چه د خپل تقصیر په اثر تعهد نه په ځای کوی که یې بیعانه ورکړی وی د هغې د غوښتنې حق نه لری او که کوم شخص د خپل تقصیر له مخې تعهد په ځای نکړی نو د بیعانی اخیستونکی برسېره په بیعانی بیرته ورکولو مجبور دی چه د هغې معادل هم مقابل جانب ته ورکړی. په دواړو صورتونو هغه طرف چه خپل تعهد په ځای نکړی، مجبور دی چه د هغه بل طرف

مکلف شده نمی تواند.

ماده ۵۹۵:

دادن بیعانه دلیل عقد شمرده می شود در حال ایفاء تعهد طرفین بیعانه محاسبه می شود. اگر عقد در اثر رضای طرفین و یا نظر به سبب دیگریکه موجب جبران خساره نباشد فسخ گردد، بیعانه به صاحب آن اعاده می شود.

ماده ۵۹۶:

در صورتی که برخلاف آن در قرارداد و یا عرف تجارتی مقرر نباشد، طرفیکه در اثر تقصیر خود به ایفاء تعهد نمی پردازد، اگر بیعانه داده باشد، حق مطالبه آنرا ندارد و اگر شخصی تعهد را بنابر تقصیر خود ایفاء نکند، گیرنده بیعانه علاوه از اعاده بیعانه مجبور است که معادل آنرا هم بجانب مقابل بپردازد. در هر دو صورت طرفیکه تعهد خود را ایفاء نکند، مجبور است خساره طرف دیگر

خساره که خه هم د بیعانی له پیسو څخه زیاتی وی، ورکړی.

ماده ۵۹۷:

که یو له طرفینو څخه د ټاکلی مبلغ د ورکړی یا د ورکړی د وعدی په مقابل کې له عقد څخه د رجوع حق ځان ته شرط ایښی وی نو د مقابل طرف د تعهد په ځای کولو شروع او یا د تعهد په ځای کولو قبول د رجوع د حق د اجراء مانع گرځي.

ماده ۵۹۸:

د تجارتی پور ټکټ پولی وروسته له ټاکلیو ورځو تیریدو څخه او د ټاکلی مودی د تعیین په صورت کښې د اخطار له نېټې څخه حسابېږي.

ماده ۵۹۹:

هغه څوک چه تجارتی اوصاف ولری او یوه تن تاجر یا غیر تاجر ته داسی یو کار وکړی چه دده له تجارتی ایجاباتو څخه وی او یا یې په بل صورت گټه په لاس راوړی وی، حق لری چه د هغه کار عوض وغواړی او وایې خلی. برسيره پر دی، حق لری هغه مبلغ

را ولو این که از پول بیعانه اضافه هم باشد، جبران کند.

ماده ۵۹۷:

اگر یکی از طرفین در مقابل تأدیه و یا وعده تأدیه مبلغ معین، حق رجوع از عقد را برای خود شرط گذاشته باشد، شروع ایفای تعهد و یا قبول ایفای تعهد طرف مقابل مانع اجرای حق رجوع می گردد.

ماده ۵۹۸:

تکټ پولی دین تجارتی بعد از انقضای ایام معین و در صورت تعیین موعده معین از تاریخ اخطار حساب می شود.

ماده ۵۹۹:

شخصی که واجد اوصاف تجارتی بوده برای یکنفر تاجر و یا غیر تاجر عملی را انجام دهد که از ایجابات تجارتی وی باشد و یا بصورت دیگری تحصیل منفعت نموده باشد، حق دارد عوض آن عمل را مطالبه و اخذ نماید. علاوه بر این حق دارد مبلغی

چه دکار د اجراء او یا د گتې په لاس راوړلو د پاره یې په پیشکی ډول ورکړی وې او هغه مصارف چه لگولی یې وې د لگښت له نېټې څخه سره له ټکټ پولی وغوړی.

ماده ۶۰۰:

ټکټ پولی په تجارتی چارو کښې د دواړو خواوو په موافقه په آزاد ډول ټاکل کیدای شي.

ماده ۶۰۱:

تجارتی تعهد په داسی محل کښې چه په قرارداد کښې ټاکلی شوی وی او که په قرارداد کښې ټاکل شوی نه وی نو په داسی محل کښې چه نظر د تجارت ماهیت او مقصد ته ضمناً ټاکل کیدای شي، لږم الاجراء دی. که د اجراء محل په قرارداد کښې تصریح شوی نه وی او ضمناً هم ونشي ټاکلیدای نو متعهد مجبور دی چه خپل تعهد په هغه محل کښې چه دده تجارت خانه وی او که تجارت خانه ونه لری نو د خپلی استوگنې په ځای کښې اجراء کړی.

ماده ۶۰۲:

د یوه مبلغ د تسویي تعهد که د

را که برای اجرای کار و یا تحصیل منفعت بطور پیشکی داده و مصارفی را که بعمل آورده باشد، از تاریخ مصرف با تکت پولی طلب نماید.

ماده ۶۰۰:

تکت پولی در امور تجارتی به اساس موافقه جانبین آزادانه تعیین شده می تواند.

ماده ۶۰۱:

تعهد تجارتی در محلی که در قرارداد معین شده و اگر در قرارداد معین نشده باشد، در محلی که نظر به ماهیت و مقصد تجارت ضمناً معین شده می تواند، لږم الاجراء است. اگر محل اجراء در قرارداد تصریح نشده و ضمناً نیز معین شده نتواند، متعهد مجبور است تعهد خود را به محلی که تجارت خانه او می باشد و اگر تجارت خانه نداشته باشد، در محل اقامت خویش اجراء کند.

ماده ۶۰۲:

تعهد تسویه یک مبلغ اگر

برخلاف آن بطور صریح یا ضمنی در قرارداد ذکر نشده باشد، در محل تجارت خانه دائن و اگر تجارت خانه او موجود نباشد، در اقامتگاه شخصی او ایفاء می شود و مدیون حق مطالبه مصارف و خساره تسویه را ندارد.

ماده ۶۰۳:

خواهش ایفای یک تعهد که زمان اجرای آن در مقابله تعیین نگردیده باشد، در هر زمان ممکن است ولیکن تعهدی که نظر به عرف و یا چگونگی معامله بعد از مرور یک مدت معین از عقد قابل ایفاء باشد، نمی توان متعهد را قبل از انقضای مدت مذکور به ایفاء مجبور ساخت.

ماده ۶۰۴:

اگر شرط شده باشد که تعهد در بین مدتی که صراحتاً و یا ضمناً تعیین شده ایفاء گردد، لازم است قبل از ختم آن مدت اجراء

هغه په خلاف په صریح یا ضمنی ډول په قرارداد کښې ذکر شوی نه وی د پوروال د تجارتخانی په محل کښې او که تجارت خانه موجوده نه وی نو دده د استوگنې په شخصی ځای کښې په ځای کیږي او پورورپی د تسویي د لگښت او خسارې د غوښتنې حق نه لری.

ماده ۶۰۳:

د یوه تعهد د په ځای کولو غوښتنه چه د اجراء وخت یې په مقابله کښې ټاکلی شوی نه وی، په هر وخت کښې ممکن دی. مگر هغه تعهد چه نظر و عرف او د معاملی څرنگوالی ته له عقد څخه د یوې ټاکلی مودی له تیریدو څخه وروسته د اجراء وړوی نشي کولای چه متعهد ددی مودی له تیریدو څخه پخوا په اجراء باندی مجبور کړی.

ماده ۶۰۴:

که شرط شوی وی چه تعهد د هغې مودی په منځ کښې چه صراحتاً یا ضمناً ټاکلی شویده اجراء شي نو لازم دی چه د هغې مودی له ختم نه

پخوا اجراء شي.

او که د ختم موده د عمومي تعطیل له ورځې سره سمه وی نو د ختم له ورځې څخه دی لږ تر لږه یوه ورځ پخوا اجراء شي. که پور وړی د مودی له ختم څخه پخوا د پور د ورکړې اجازه ولری په دی صورت چه د هغه په خلاف کوم عرف او عادت وجود ونلری، نشي کولای چه بی د پوروال له رضا څخه پور ټیټ کړی.

۶۰۵ ماده:

که د هغو شيانو چه تسليم يې تعهد شوی دی د ډول او وصف په خصوص کښې په مقاوله کښې کومه تصريح موجوده نه وی، متعهد کولای شي چه له هغو شيانو څخه چه وصف او نوعیت يې متوسط وی ورکړی؛ مگر په هغه شان چه متعهد د اعلى جنس په ورکولو باندى مجبور ندی، د ادنی جنس ورکول هم ورته مجاز نه دی.

۶۰۶ ماده:

هغه عقد چه پر دواړو طرفو باندى الزام ېدی ترڅو يو طرف خپل تعهد په ځای نکړی، بل طرف د تعهد په

شود.

اگر ختم مدت مصادف با روز تعطیل عمومی باشد، اقلأ یکروز قبل از روز ختم ایفاء گردد. اگر مدیون قبل از ختم موعد اذن تأدیة دین را داشته باشد، در صورتی که عرف و عادت بر خلاف آن وجود نداشته باشد، نمی تواند بدون رضای دائن دین را تنزیل کند.

۶۰۵ ماده:

اگر در مقاوله راجع به نوع و وصف اشیایی که تسلیم آن تعهد شده است تصریحی موجود نباشد، متعهد می تواند از اشیایی که دارای وصف و نوعیت متوسط باشند بدهد؛ ولی همانطوریکه متعهد مجبور بـ_____ دادن جنس اعلى نیست، بـ_____ دادن جنس ادنی هم مجاز نمی باشد.

۶۰۶ ماده:

عقدی که طرفین را الزام می نماید تا یک طرف تعهد خویش را ایفاء نکند، طرف

اجراء کولو باندی مجبور نه دی، مگر که یو طرف نظر د قرارداد صراحت او یا د معاملی ماهیت او یا نظر و جاری عرف ته یو طرف د تعهد په اجراء باندی تر بل طرف له پخوا څخه مکلف وی که څه هم بل طرف خپل تعهد نه وی اجراء کړی، د هغه تعهد په اجراء باندی مکلف دی.

۶۰۷ ماده:

په دی صورت چه یو طرف خپل تعهد اجراء کړی او بل طرف یې اجراء نکړی نو اجراء کونکی کولای شي چه یوه اطلاعیه ولیږی په دی شان چه که بل طرف په مناسبه موده کښې تعهد اجراء کولو ته اقدام ونکړی نو عقد به فسخ شي او پس له هغه محکمی ته مراجعه او د قرارداد فسخ غوښتلی شي. هغه طرف چه د فسخ دپاره محکمی ته مراجعه کوی، د تعهد د اجراء تقاضا نشي کولای د فسخ د دعوی له اقامی نه وروسته څرنګه چه محکمه نشي کولای مدعی علیه ته د تعهد د اجراء دپاره مهلت ورکړی، په همغه صورت نشي کولای هغه پیشنهاد

دیګر به ایفای تعهد مجبور نیست، لیکن اگر یکطرف نظر به صراحت قرارداد و یا ماهیت معامله و یا نظر به عرف جاریه مقدمتر از طرف دیگر به اجرای تعهد مکلف باشد ولو که طرف دیگر تعهد خود را ایفاء ننموده باشد، به اجرای تعهد مذکور مکلف است.

۶۰۷ ماده:

در صورتی که یکی از طرفین تعهد خود را ایفاء نماید و طرف دیگر اجراء نکند، اجراء کننده می تواند یک اطلاعیه ارسال کند مبنی بر اینکه اگر طرف دیگر به ایفای تعهد در ظرف مدت مناسب اقدام نکند، عقد فسخ خواهد شد و پس از آن به محکمه مراجعه و فسخ قرارداد را مطالبه می تواند. طرفیکه به محکمه برای فسخ مراجعه می کند ایفای تعهد را تقاضا نمی تواند. بعد از اقامه دعوی فسخ همان طوریکه محکمه نمی تواند به مدعی علیه برای ایفای تعهد مهلت بدهد، به همان صورت نمی تواند پیش

چه دمدعی علیه له خوا د تعهد د اجراء په نسبت کیږي، قبول کړی. که د عقد فسخ په یوه شرط پوری معلقه وی او یا د هغه د اجراء دپاره صراحتاً یا ضمناً یوه موده ټاکلې شوی وی، د شرط له تحقق او یا د بل طرف د مودی له تیریدو څخه وروسته د هغې غوښتنې په قیلیدو چه د تعهد د اجراء په خصوص کښې د متعهد له خوا کیږي، نه مجبورېږي.

نهادی را که از جانب مدعی علیه به نسبت ایفای تعهد می‌شود، قبول کند. اگر فسخ عقد معلق به یک شرط باشد و یا برای اجرای آن صراحتاً و یا ضمناً مدتی معین شده باشد، بعد از تحقق شرط و یا مرور مدت طرف دیگر به قبول خواهشی که از جانب متعهد راجع به ایفای تعهد می‌شود مجبور نمی‌گردد.

دوه یم فصل تجارتی عقدونه لومړۍ برخه د انعقاد صورت

فصل دوم عقود تجارتی حصه اول صورت انعقاد

۶۰۸ ماده:

د تجارتی عقدونو د پاره د دواړو خواوو رضا او موافقت کافي دی. د قرارداد تنظیم او د نورو مراسمو اجراء کول لزوم نلری.

۶۰۸ ماده:

برای عقود تجارتی رضاء و موافقت طرفین کافیهست. تنظیم قرارداد و یا ایفای مراسم دیگر لزوم ندارد.

۶۰۹ ماده:

که د قانون له مخې د عقد دپاره د یوه مخصوص شکل رعایت په تحریری ډول لازم وی او یا دواړه خواوې عقد د ځینو مراسمو د

۶۰۹ ماده:

اگر قانوناً برای عقد رعایت شکل مخصوص تحریراً لازم باشد و یا طرفین عقد را به ایفای بعضی مراسم مانند

تنظیم مقاوله موقوف گذاشته باشند، تا زمانی که شکل مذکور رعایت و یا مراسم معینه اجراء نشود، عقد صورت نمی گیرد. در صورتی که طرفین به تنظیم قرارداد موافقت نموده باشند، چنان دانسته می شود که انعقاد عقد را به تنظیم قرارداد ملتوی گذاشته اند.

اگر قرارداد تنظیم هم نگردیده ولی ثابت شود که طرفین عقد را منعقد دانسته اند، عدم تنظیم قرارداد سبب عدم انعقاد عقد شمرده نمی شود.

ماده ۶۱۰:

اگر ایجاب بصورت تعیین یک مدت معین برای قبول بعمل آمده باشد، در صورتی که طرفین حاضر هم باشند، ایجاب کننده نمی تواند قبل از انقضای مدت معینه از ایجاب منصرف شود.

اگر ایجاب بدون تعیین مدت بعمل آمده باشد اعتبار آن باقی نمی ماند؛ مشروط به اینکه در صورت حاضر بودن طرفین قبول

اجراء پوری لکه د مقاولی تنظیم موقوف پری ایببی وی نو ترهغه وخته پوری چه ددی شکل رعایت ونشی او یا تاکلی مراسم اجراء نشی، عقد نه اجراء کیږي. په دی صورت چه دواړو خواوو د قرارداد په تنظیم باندی موافقت سره کړی وی داسی بلل کیږي چه د عقد تړل یې د قرارداد په تنظیم پوری موقوف پری ایببی دی.

که قرارداد تنظیم شوی هم نه وی مگر ثابت شي چه دواړو خواوو عقد تړلی بللی دی نو د قرارداد نه تنظیم د عقد د نه تړلو سبب نه گنل کیږي.

۶۱۰ ماده:

که ایجاب د قبول دپاره د یوې تاکلی مودی د تعیین په صورت شوی وی نو په دی صورت چه دواړه خواوی حاضر هم وی ایجاب کوونکی نشي کولای چه د تاکلی مودی له تیرېدو څخه پخوا له ایجاب څخه تیر شي.

که ایجاب بی د مودی له ټاکلو نه شوی وی نو اعتبار یې نه پاتی کیږي په دی شرط چه د دواړو خواوو د حاضر والی په صورت

کښنې قبول فوراً نه وی واقع شوی. د هغه عقد چه د مخابراتی وسیلو په ذریعه لکه په تیلیفون سره وشي، د هغه عقد حکم لری چه په حضور سره شوی وی.

۶۱۱ ماده:

د هغه ایجاب دپاره چه دلیکنی په صورت واقع کیږي که موده نه وی ټاکلی شوی نو ایجاب کوونکی نشي کولای پخوا له هغې مودی تېرېدو څخه چه د عرف له مخې قبول کوونکې ته د فکر کولو او د قبول د جواب ورکولو دپاره د هغې تېرېدل لازم دی له ایجاب څخه تیرشي.

۶۱۲ ماده:

د قبول ځواب باید په یوه ټاکلی موده کښې چه ایجاب کوونکی ته ورسیدای شي ولېږل شي. او که ځواب د مودی له تیریدونه وروسته ورسپړی، عقد نه تاپه کیږي. مگر که معلوم شي چه د قبول جواب په ټاکلی لازمه موده کښې ور رسول شوی دی نو ایجاب کوونکی مجبور دی چه د ځواب د ځنډیدو په خصوص کښې فوراً مقابل جانب ته د عقد د نه تړلو خبر

فوراً واقع نشده باشد. عقدیکه ذریعه وسایل مخابراتی از قبیل تیلیفون وقوع می یابد، در حکم عقدیست که حضوراً به عمل آمده باشد.

ماده ۶۱۱:

برای ایجابی که بصورت تحریر واقع می شود اگر مدت تعیین نشده باشد، ایجاب کننده نمی تواند قبل از انقضای مدتی که عرفاً برای تفکر و دادن جواب قبول از جانب قبول کننده مرور آن لازم است از ایجاب منصرف شود.

ماده ۶۱۲:

جواب قبول باید در ظرف مدت معینی که به ایجاب کننده رسیده بتواند فرستاده شود. اگر جواب بعد از مرور این مدت توصل ورزد، عقد صورت نمی گیرد ولی در صورتی که معلوم شود که جواب قبول در ظرف مدت معین لازمه داده شده است، ایجاب کننده مجبور است راجع به تأخیر جواب فوراً بجانب مقابل از عدم انعقاد عقد خبر دهد و الا

ورکری او که نه دا عقد تارپه کیږي.

ماده ۶۱۳:

د مقابل جانب محض سکوت قبول نه بلل کیږي، مگر په دی صورت چه دوه تاجران یوله بله سره دائمی تجارتی مناسبات ولری او یا یوله دی دوو تاجرانو څخه بل خپل ته مراجعه او هغه یې په خپل نامه د ځینو معاملاتو د اجراء دپاره وکیل گرځولی وی هغه ایجاب چه له دوی څخه د یوه له خوا بل ته واقع کیږي نو مقابل طرف باید ژر تر ژره هغه ایجاب ته ځواب ورکړی او که نه سکوت یې قبول بلل کیږي. هغه طرف چه ایجاب ردوی، د هغو مالونو په باره کښې چه د ایجاب د تبلیغ په وخت کښې هغه ته لیږل شوی دی مکلف دی هغه تدبیرونه چه په (۷۶۲ - ۷۶۳) مادو کښې بیان شوی دی ونیسی.

ماده ۶۱۴:

که د قبول ځواب له ایجاب سره موافق نه وی عقد نه تارپه کیږي. په دی صورت قبول د نوی ایجاب تقاضا کوی.

عقد مذکور منعقد می گردد.

ماده ۶۱۳:

سکوت محض جانب مقابل قبول گفته نمی شود، ولیکن در صورتی که دو تاجر با هم دیگر مناسبات تجارتی دائمی داشته باشند و یا یکی از این دو تاجر بدیگر خود مراجعه و او را بنام خود به اجرای بعضی معاملات به وکالت گماشته باشد، ایجابی که از طرف یکی از ایشان بدیگری واقع می شود، باید طرف مقابل فوراً به ایجاب مذکور جواب بدهد و الا سکوت او قبول شمرده می شود. طرفی که ایجاب را رد می کند، راجع به اموالیکه در اثنای تبلیغ ایجاب به او فرستاده شده است، مکلف است تدابیری را که در مواد (۷۶۲ - ۷۶۳) بیان شده است اتخاذ کند.

ماده ۶۱۴:

اگر جواب قبول موافق به ایجاب نباشد عقد منعقد نمی گردد. درین صورت قبول ایجاب جدید را اقتضاء می کند.

ماده ۶۱۵:

لپاره ددی چه په ایجاب یا قبول پوری مربوط تلگرام داعتبار و بلل شي نو لازم دی چه په اثبات ورسیږی چه د لیږونکی شخص لاس لیک ورباندی شته دی او یا تلگرام دهغه په اجازه صادر شوی دی.

ماده ۶۱۵:

برای اینکه تلگراف مربوط به ایجاب یا قبول معتبر شده بتواند لازم است به اثبات برسد که دارای امضای شخص فرستنده است و یا تلگرام به اجازه او صادر شده است.

ماده ۶۱۶:

هغه ایجاب چه په لیکنه سره کیږي ایجاب کوونکی ته د قبول د ځواب د رسیدو له نېټې څخه عقد تاپه کیږي. مگر که ایجاب کوونکی د قبول د ځواب له رسیدو څخه پخوا او یا په عین زمان کښې د قبول کوونکی له اوونیتو څخه خبر شي، ایجاب بی اثره کیږي.

ماده ۶۱۶:

ایجابیکه تحریراً به عمل می آید، از تاریخ وصول جواب قبول به ایجاب کننده عقد منعقد میشود. لیکن اگر ایجاب کننده قبل از رسیدن جواب قبول و یا در عین زمان از انصراف قبول کننده واقف شود، ایجاب بلا اثر می شود.

ماده ۶۱۷:

هغه عقد چه د مخاږي په ذریعه وشي، د قبول د ځواب د لیږلو له نېټې څخه تړل کیږی او د اعتبار وړ بلل کیږی. لکه چه په (۶۱۳) ماده کښې مقرر شویده، په هغه صورت چه قبول په صراحت سره لازم نه دی، عقد مخاطب ته د

ماده ۶۱۷:

عقدیکه ذریعه مخاږه واقع شود از تاریخ ارسال جواب قبول منعقد و معتبر دانسته می شود. طوری که در ماده (۶۱۳) مقرر شده، در صورتی که قبول به صراحت لازم نباشد، عقد از تاریخ رسیدن ایجاب

ایجاب د رسیدو له نېټې څخه د اعتبار وړ دی.

۶۱۸ ماده:

د یوه تاجر فوت یا د اهلیت سلبیدل دده د تجارتی معاملاتو په خصوص کښې په ایجاب او قبول کښې د بطلان مستلزم نه کیږي، مگر داچه د هغه په خلاف دوی تصریح کړی وی او یا د معاملی له ماهیت څخه استدلال وشي.

۶۱۸ ماده:

فوت و یا سلب اهلیت یک تاجر در ایجاب یا قبول او راجع به معاملات تجارتی اش مستلزم بطلان نمی گردد، مگر اینکه بر خلاف آن تصریح نموده باشند و یا از ماهیت معامله استدلال شود.

دوه یمه برخه

د تجارتی عقودو تفسیر

۶۱۹ ماده:

که د عبارت معنی چه په یوه تجارتی معامله کښې لیکل کیږي واضح او منطقی وی، د هغه ظاهری معنی ته اعتبار ورکاوه کیږي او که د مقصد منافی عبارت څرگنده وی نو پدی صورت مقصد ته اعتبار ورکاوه کیږي.

۶۲۰ ماده:

په دی صورت چه عبارت د متعددو تعبیرونو امکان ولری نو د طرفینو مشترک مقصد د بلی معاوولی له مندرجاتو یا له هغه

حصه دوم

تفسیر عقود تجارتی

۶۱۹ ماده:

اگر معنی عبارتیکه در یک معامله تجارتی تحریر می شود واضح و منطقی باشد، بمعنای ظاهری آن اعتبار داده می شود. اگر عبارتی منافی مقصد بدیهی باشد، در این صورت به مقصد اعتبار داده می شود.

۶۲۰ ماده:

در صورتی که عبارت امکان تعبیرات متعددی را داشته باشد، مقصد مشترک طرفین از مندرجات دیگر معاوله با عرف

عرف او عاداتو او احوالو څخه چه د مقاولی د تنظیم په وخت کښې موجود وی او یا نظر د پخوانیو تطبیقاتو سوابقو ته ټاکل کیږي.

ماده ۶۲۱:

په دی صورت چه عبارت متعدده او مشترکه معنی ولری، د هری معنی افاده کولو ته چه نزدی وی، تفسیر یې په همغی معنی سره کیږي.

ماده ۶۲۲:

په دی صورت چه د مقاولی عبارت په ډیرو معنی گانو سره تعبیر شي او له (۶۲۰) مادی سره سم حقیقی مقصد و نه ټاکل شي نو مقاوله د متعهد بر له او د متعهد له بر علیه تفسیر کیږي.

ماده ۶۲۳:

د قانونی احکامو او تجارتی عرف اعتبار په تجارتی معاملاتو کښې مؤثر دی بېله هغه وخته څخه چه صراحتاً دواړو خواوو د هغه په خلاف موافقت کړی وی.

و عادات و تعاملات و احوالیکه در زمان تنظیم مقاوله موجود باشد و یا نظر به سوابق تطبیقات در گذشته، تعیین می شود.

ماده ۶۲۱:

در صورتی که عبارت معنی متعدد و مشترک داشته باشد، به هر معنی که قرینه افاده نماید، به همان معنی تفسیر می شود.

ماده ۶۲۲:

در صورتیکه عبارت مقاوله به معنی متعددی تعبیر شود و مطابق حکم ماده (۶۲۰) مقصد حقیقی طرفین تعیین شده نتواند، مقاوله به له متعهد و علیه متعهد له تفسیر می گردد.

ماده ۶۲۳:

اعتبار عرف تجارتی و احکام قانونی در معاملات تجارتی مؤثر است مگر اینکه صراحتاً جانبین بر خلاف آن موافقت نموده باشند.

درپیمه برخه

د تجارتی عقودو د ثبوت وسیلی

ماده ۶۲۴:

محکمه د تجارتی اسنادو او مقالاتو په اسناد د عقد په ثبوت حکم صادر وی او په دی صورت چه په دی قانون کښې بل حکم موجود نه وی د شاهدانو له شاهی نښو او اماراتو څخه استفاده کولای شي. د مدعی به اندازه په دی قاعده کښې د محکمی په نزد فرق نه کوی.

ماده ۶۲۵:

پوروری ته د یوه سند اعاده په دی صورت چه د هغه په خلاف ثابت نشي د سند د بدل دور کړی دلیل بلل کیږي.

ماده ۶۲۶:

که د یوی تجارتی معاملی سند یا مقاوله چه اثبات ئی په سند پوری اړه ونه لری ابهام ولری محکمه کولای شي چه د شهادت دقرینو او اماراتو له مخې حکم صادر کړی.

ماده ۶۲۷:

اقرار د تجزیې وړ نه دی نوځکه لږم دی هغه بیان چه مدعی علیه ئی

حصه سوم

وسائل ثبوت عقود تجارتی

ماده ۶۲۴:

محکمه با اسناد به اسناد و مقاولات تجارتی بر ثبوت عقد، حکم صادر می نماید و در صورتی که حکم دیگری در این قانون موجود نباشد، از شهادت شهود، قرائن و امارات استفاده میتواند. اندازه مدعی به درین قاعده نزد محکمه فرقی نمیکند.

ماده ۶۲۵:

اعاده یک سند به مدیون در صورتی که خلاف آن ثابت نشود، دلیل تأدیه بدل سند محسوب می شود.

ماده ۶۲۶:

سند یا مقاوله یک معامله تجارتی ای که اثبات آن لږم به سند نبوده ابهام داشته باشد، محکمه می تواند از روی شهادت قرائن و امارات اصدار حکم نماید.

ماده ۶۲۷:

اقرار قابل تجزیه نیست بنابراین لږم است بیانی که مدعی علیه

کوی یادی ټول رد او یا دی ټول
ومنلی شي.

۶۲۸ ماده:

په دی صورت چه تحریری مقاوله
موجوده نه وی نو هغه څوک چه
صراحتاً یا ضمناً بیجک قبلوی،
داسی گنل کیږي چه د هغه
مندرجات یې هم قبول کړي دی.
هغه څوک چه بیجک اخلی نو که د
هغه د اخیستلو له نېټې څخه د
شلو ورځو په موده کښې د هغه په
محتویاتو اعتراض ونکړي، داسی
معلومېږي چه د هغه محتویات یې
قبول کړي دی.

می کند یا تماماً رد یا قبول
شود.

۶۲۸ ماده:

در صورتی که مقاوله تحریری وجود
نداشته باشد، شخصی که یک
بیجک را صراحتاً یا ضمناً قبول
می کند، چنان شمرده می شود که
مندرجات آنرا هم قبول نموده
است. شخصی که بیجک
می گیرد، اگر از تاریخ گرفتن
آن در مدت بیست روز اعتراضی
در محتویات آن نکند، چنان
تلقى می شود که مندرجات آن
را قبول نموده است.

درېیم فصل
تجارتی بیع
لومړۍ برخه
عمومی احکام

فصل سوم
بیع تجارتی
حصه اول
احکام عمومی

۶۲۹ ماده:

د میبعی او قیمت په نسبت د
طرفینو رضا د بیع انعقاد بلل
کیږي. د جاری قیمت اطلاع او د
کتلاک لېږل او یا د پلورنۍ عرضه
چه بی د شیانو د ماهیت او اندازی
او قیمت له ټاکلو کیږي ایجاب نه

۶۲۹ ماده:

رضای طرفین به نسبت میبعه و
قیمت انعقاد، بیع دانسته
می شود. اطلاع قیمت جاریه و
ارسال کتلاک و یا عرضه فروش
که بدون تعیین ماهیت و مقدار و
قیمت اشیاء بعمل می آید،

بلل کیري.

ایجاب شمرده نمی شود.

ماده ۶۳۰:

ماده ۶۳۰:

که بایع د بل چا مال پلورلی وی
پیرودونکی د هغه مالک کیدای
نشي مگر بایع مکلف دی چه مال
وپیری او پیرودونکی ته یې
ورتسليم کړي او یا که زیانونه
زیات پېښ شوی وی، هغه دی
ورکړی.

اگر بایع مال غیر را فروخته
باشد، مشتری مالک آن شده
نمی تواند، ولی بایع مکلف است
که یا مال را خریداری و به
مشتری تسلیم نماید و یا اگر
خساراتی بیشتری وارد شده
باشد، آنرا جبران کند.

ماده ۶۳۱:

ماده ۶۳۱:

که یو تاجر د بل چا
منقوله مال خرڅ او تسلیم کړی،
په دی صورت چه پیرودونکی د
هغه په حقیقت علم ونلری، د
مبیعی مالک بلل
کیري.

اگر یک تاجر اموال منقوله
شخص دیگری را فروش و تسلیم
نماید، در صورتی که مشتری
بر حقیقت آن علم نداشته
باشد، مالک مبیعه دانسته
می شود.

که دا ثابت شي چه مبیعه ورک
شوی یا غلا شوی مالونه دی، د
پیرودونکی مالکیت سلبیږي.

اگر ثابت شود که مبیعه اموال
مفقوده و یا مسروقه بوده باشد،
مالکیت مشتری سلب می گردد.

ماده ۶۳۲:

ماده ۶۳۲:

د هغو تجارتی مالونو بیع چه
د عقد په وخت کېږي موجود نه
وی او د تسلیم په وخت کېږي د
تدارک وړ وی، معتبر دی.

بیع اموال تجارتی که در
زمان عقد موجود نبوده و در
وقت تسلیم قابل تدارک
باشد، معتبر است.

ماده ۶۳۳:

ماده ۶۳۳:

که د عقد په وخت کېږي د

اگر در حین عقد احتمال

دواړو خواوو نه د مال د اتلاف احتمال په نظر کښې نیولی شوی وی دهغه بیع جائزه ده د احتمال د تحقیق په صورت پیروونکی د قیمت د استرداد حق نه لری.

۶۳۴ ماده:

ټول هغه مصارف چه د بیعی په تسلیم پورې اړه لری لکه وزن او اندازه پلورونکي پورې مربوط دی او تسلیم پورې مربوط مصارف لکه د تحویل او حمل او نقل، پیروونکی پورې اړه لری مگر داچه په مقاوله او یا تجارتی عرف او تعامل کښې د هغه په خلاف قبول او معمول وی.

۶۳۵ ماده:

که پیروونکی ته له بل محل څخه د مبیعی لیږل لازم وی او د لیږلو د صورت په باره کښې د پیروونکی له خوا کوم شرط نه وی ایښودل شوی، پلورونکی به په دی حال کښې د مالونو د حمل او نقل د وسیلو په ټاکلو او د هغو په ساتنه کښې لکه پیروونکی اقدام کوی.

اتلاف مال از طرف جانبین در نظر گرفته شده باشد، بیع آن جایز است در صورت تحقق احتمال مشتری حق استرداد قسیمت را ندارد.

۶۳۴ ماده:

تمام مصارف متعلق به تسلیم مبیعه مثل وزن و اندازه به بایع مربوط و مصارف متعلق به تسلیم از قبیل مصارف تحویل و حمل و نقل به مشتری عاید است مگر این که در مقاوله و یا عرف و تعامل تجارتی بر خلاف آن قبول و معمول باشد.

۶۳۵ ماده:

اگر ارسال مبیعه از محل دیگری به مشتری لازم باشد و راجع به صورت ارسال از طرف مشتری شرطی گذاشته نشده باشد، بایع درین حال در انتخاب وسایل حمل و نقل اموال و حفاظه آن مثل مشتری اقدام می نماید.

ماده ۶۳۶:

د پیرودونکی د استوگنې ځای ته او یا بل ځای ته د پلورونکي له خوا د مبيعي ليرېل چه په مقاوله کښې تصريح شوی دی، د تسليم په حکم کښې دی مگر که پلورونکی مبيعه د بل چاپه لاس ليرېلی وي او هغه ته يې امر کړی وي چه که پیرودونکی د هغه لارمه قيمت او یا تأمینات ورنکړي نو مبيعه دی نه ورتسليموی، نو یواځې د مبيعي ليرېل تسليم نه بلل کيږي.

ماده ۶۳۷:

د مبيعي د کنسانمينت (محموله) ليرېل او یا نظر د پلورونکي موافقي ته په مبيعه باندی د پیرودونکي د مارک لگول په دی صورت چه مال د وچي، بحر، سیند او کول له لاری د حمل او نقل په حال کښې وی، د تسليم په حکم کښې دی.

ماده ۶۳۸:

که پیرودونکی مالونه چه د عمده فروشي له حیثه د هغو اندازه ټاکلی وی، پیرودلی وي د هغو د

ماده ۶۳۶:

ارسال مبيعه از طرف بايع به اقامتگاه مشتری و یا ارسال آن در یک محل ديگريکه درمقاوله تصريح شده است، در حکم تسليم است ولی اگر بايع مبيعه را توسط شخص فرستاده و به او امر نموده باشد که اگر مشتری قيمت آنرا و یا تأمینات لارمه را ندهد مبيعه را تسليم نکند، صرف فرستادن مبيعه تسليم دانسته نمی شود.

ماده ۶۳۷:

ارسال محموله (کنسانمينت) مبيعه و یا نظر به موافقه بائع وضع مارک مشتری بالای مبيعه در صورتی که امتعه از طريق خشکه، بحر، دریا و کول در حال حمل و نقل باشد، در حکم تسليم است.

ماده ۶۳۸:

اگر مشتری اموالی را که از حیث عمده فروشي مقدار آن معین باشد، خریده باشد، به تسليم یک

یوی برخی په تسلیم نشي مجبور کیدلای مگر که پیروونکی تدریجی تسلیم قبول کړی وی نو پلورونکی د پاتی برخی په تسلیم مجبورولی شي او د پاتی مال د نه تسلیمیدو پواسطه عقد فسخ کړی او هغه خساره چه له دی لاری ورته اوونستی ده وغواړی.

ماده ۶۳۹:

پیروونکی کولای شي چه د مبیعی انوایس او که قیمت ورکړی شوی وی په انوایس کښې د هغه درج وغواړی.

ماده ۶۴۰:

د عقد له تکمیل څخه وروسته کومه خساره چه مبیعی ته پېښېږی که څه هم اتفاقاً وی په پیروونکی پورې اړه لری او که خساره د پلورونکی له تقصیر او حیلې او یا د مبیعی له عیبونو څخه پیدا شوی وی نو په پلورونکی پورې اړه لری.

ماده ۶۴۱:

د عقد له تکمیل څخه وروسته په لاندینو احوالاتو کښې کومه خساره چه مبیعی ته ورسېږی په

قسمت آن اجبار شده نمی تواند ولی اگر مشتری تسلیم تدریجی را قبول نموده باشد، بایع را به تسلیم قسم باقیمانده مجبور می تواند و یا بواسطه عدم تسلیم باقیمانده مال عقد را فسخ و خساره را که ازین حیث متحمل شده است، مطالبه نماید.

ماده ۶۳۹:

مشتری می تواند که انوایس مبیعه را و اگر قیمت تأدیه شده باشد، درج آن را در انوایس تقاضا نماید.

ماده ۶۴۰:

بعد از تکمیل عقد خساره که به مبیعه واقع می شود، ولو اتفاقاً باشد، عائد به مشتری است. اگر خساره ناشی از تقصیر و یا حيلة بایع و یا معایب مبیعه باشد، مربوط به بایع است.

ماده ۶۴۱:

در احوال ذیل بعد از تکمیل عقد خساره که به مبیعه برسد، به بایع

پلورونکی پوری اړه لری:

اول: که مبیعه مشخصه او ټاکلی نه وی او د هغې د ماهیت دپاره کومی داسی علامی چه له نورو همجنس شیانو څخه تفریق او بیلی شي، وضع شوی نه وی.

دوهم: هغه مبیعه چه د تسلیم دپاره د هغې ټول شمیر او اندازه کول لازم دی پخوا له ټول شمیر څخه تغییر او یا تلف شوی وی (مگر که پیروونکی سره له اخطاره په ټول شمیر او اندازه کولو کښې حاضر شوی نه وی او یایې کوم شخص له خپلی خوا لیرلی نه وی، خساره په پیروونکی پوری اړه لری).

دریم: که د مبیعی تسلیم په راتلونکی آینده پوری شرط شوی وی.

څلورم: د مبیعی د تسلیمولو دپاره د پیروونکی د آماده گی په حال کښې که پلورونکی سره له اخطاره مبیعه نه وی ور تسلیم کړی.

۶۴۲ ماده:

هغه خساره چه د نقلیه کمیسه کار یا د حمل او نقل ورکوونکی په

مربوط است:

اول: اگر مبیعه مشخص و معین نبوده و برای اثبات ماهیت آن علامی که از دیگر اشیای هم جنس تفریق و تمیز شود، وضع نشده باشد.

دوم: اگر مبیعه که برای تسلیم وزن، تعداد و اندازه نمودن آن لازم است قبل از وزن تعداد تغییر و یا تلف شده باشد (ولی اگر مشتری با وجود اخطار در وزن تعداد و اندازه نمودن حاضر نشده باشد و یا شخصی را از طرف خود نفرستاده باشد خساره عاید به مشتری است).

سوم: اگر تسلیم مبیعه به آینده شرط شده باشد.

چهارم: در حال آماده بودن مشتری برای تسلیم گرفتن مبیعه، اگر بایع با وجود اخطار مبیعه را تسلیم نداده باشد.

ماده ۶۴۲:

خساره که از رهگذر حمل و نقل مبیعه ذریعه کمیسه کار

ذریعه د مبیعی د حمل او نقل له لاری پېښېږي، هغو ته د پلورونکي له خوا د مبیعی د تسلیم نېټې له سره په پیروونکي پورې اړه لری. که د مبیعی د حمل او نقل د طرز په خصوص کښې کوم شرط موجود وی، پلورونکي مکلف دی چه ددی شرط مراعات وکړي.

بی د معقول او مستند عذر څخه د تخلف په صورت کښې د هغه ضرر چه پیروونکي ته رسیږي، مسئول دی.

که د مال د لېږلو محل نظر د طرفینو مقصد ته د تسلیم محل ګڼل شوی وی، په دی صورت کوم زیان چه د حمل او نقل په وخت کښې پېښېږي، په پلورونکي پورې اړه لری.

که پلورونکي یواځې د حمل او نقل مصارف په غاړه اخلي نو هغه محل چه مبیعه هلته وړله کیږي، د تسلیم محل نه ګڼل کیږي.

۶۴۳ ماده:

د قیمت معلوم والی یا د هغه د معلومولو صورت لازم دی په داسی حال کښې چه په دی صورت کښې

نقلیه یا حمل و نقل دهندۀ عاید می گردد، سر از تاریخ تسلیم مبیعه از طرف بایع به آنها مربوط به مشتری است. اگر راجع به طرز حمل و نقل مبیعه کدام شرط موجود باشد، بایع مکلف است این شرط را مراعات کند.

در صورت تخلف بدون عذر معقول و مستند از ضرری که به مشتری می رسد، مسئول خواهد بود.

اگر محل ارسال امتعه نظر به مقصد طرفین؛ محل تسلیم شمرده شده باشد، در این صورت خساره که در اثنای حمل و نقل وقوع می یابد، مربوط به بایع است.

اگر بایع محض مصارف حمل و نقل را به عهده می گیرد؛ محلی که مبیعه به آنجا نقل داده می شود، محل تسلیم محسوب نمی شود.

۶۴۳ ماده:

معین بودن قیمت و یا صورت تعیین آن لازم است. در حالیکه قیمت به این صورت تعیین

بیعه نه وی ټاکلې شوی او مبیعه هم تسلیم شوی نه وی نو د عقد په محل او زمان کښې مروجہ نرخ د قیمت په حیث اساس ګرځول کیږي. که د عقد په محل او زمان کښې مروجہ نرخ متعدد وی، پیروونکی مجبور دی چه اوسط نرخ تأدیه کړي.

ماده ۶۴۴:

د مقاولی په ذریعه د قیمت د ټاکلو د حق سپارل دریم کس ته مجاز دی. او که دریم کس د کوم علت له مخې قیمت ونه ټاکه، پیروونکی مجبور دی چه دپلورلو د ورځې مروج نرخ او که د هغې ورځې نرخ متعدد وی، منځنۍ نرخ ورکړي. که مروج نرخ وجود ونه لری نو قیمت د محکمی له خوا ټاکل کیږي.

ماده ۶۴۵:

پیروونکی چه قیمت نه وی ورکړي او د عقد د نېټې او د تسلیم په منځنۍ موده کښې افلاس وکړي، سره له دی چه پلورونکی مال په وعده ورکړی وی (مګر معتبر تأمینات یې نه وی اخیستی) حق لری چه مبیعه

نشده و مبیعه هم تسلیم نشده باشد، نرخ مروجہ در محل و زمان عقد بحیث قیمت اساس قرار داده می‌شود. اگر نرخ مروجہ در زمان و محل عقد متعدد باشد، مشتری مجبور است که اوسط نرخ را تأدیه کند.

ماده ۶۴۴:

تفویض حق تعیین قیمت ذریعۀ مقاوله به شخص ثالث مجاز است. اگر شخص ثالث نظر به علتی قیمت را تعیین ننمود، مشتری مجبور است که نرخ رایج روز فروش را و اگر نرخ همان روز متعدد باشد اوسط آن را بپردازد. اگر نرخ رایجه وجود نداشته باشد، قیمت از طرف محکمه تعیین می‌شود.

ماده ۶۴۵:

مشتری ایکه قیمت را تأدیه ننموده و در ظرف مدت بین تاریخ عقد و تسلیم ورشکست شود، با آنکه باایع تأدیه وجه را تأجیل کرده باشد (ولی تأمینات معتبر نګرفته باشد) حق دارد مبیعه را تسلیم

تسلیم نکری.

ندهد.

ماده ۶۴۶:

ماده ۶۴۶:

که د قیمت ټاکل د مبیعی په تول پورې مشروط وی (په دی صورت چه د هغه په خلاف مقاوله یا عرف او عادات موجود نه وی)، د ظرف تول له هغه وضع کیږي. او دا چه د ظرف تول نسبت د مبیعی حقیقی تول ته او یا نظر یوی ټاکلی اندازی او مقیاس ته تثبیت شي او یا له مبیعی څخه یوه اندازه تول د ظرف د تول په حیث وضع شي او یا هغه مال چه تسلیم یږي هغه خرابه او بیکاره برخه کمه شي، د قرارداد په اساس او که قرارداد نه وو نو د عرف له مخې چه د تسلیم په محل کښې جاری دی ټاکل کیږي.

اگر تعیین قیمت نظر به وزن مبیعه مشروط باشد (در صورتی که برخلاف آن مقاوله و یا عرف و عادات موجود نباشد)، وزن ظرف از آن وضع می شود. اینکه وزن ظرف نسبت به وزن حقیقی مبیعه و یا نظر به یک مقیاس و مقدار معین تثبیت شود و یا یک مقدار از وزن مبیعه بحیث وزن ظرف وضع و یا قیمت همان قسمت خراب شده و بیکاره امتعه که تسلیم می شود تنقیص گردد، به اساس قرارداد و در صورت عدم قرارداد، از روی عرفی که در محل تسلیم جاری است، تعیین می شود.

ماده ۶۴۷:

ماده ۶۴۷:

د مال د ټول قیمت له ورکړې نه پخوا پیروونکی ته د مبیعی د ملکیت د نه انتقال په خصوص کښې د قید شرط معتبر دی. د مبیعی خساره چه له دی شرط لاندې ورتسلیم یږي، د تسلیم د نېټې له سره په پیروونکی پوری

قبل از ادای تمام قیمت مال قید شرط دائر بر عدم انتقال ملکیت مبیعه به مشتری معتبر است. خساره مبیعه که تحت این شرط تسلیم داده می شود، سر از تاریخ تسلیم به مشتری عاید

ارپه لری.

ماده ۶۴۸:

که د مبیعی قیمت نظر بورس یا د بازار نرخ ته مقید شوی وی، په دی صورت چه د هغه په خلاف کوم قرارداد موجود نه وی، د تعهد د محل او زمان د بازار یا بورس منځنی متوسط نرخ اساس نیول کیږي او که ددی نرخ ټاکل ممکن نه وی، د مماثلو پلورنو منځنی متوسط نرخ چه د تعهد په محل او وخت کښې موجود وی، قبلېږی.

ماده ۶۴۹:

د مبیعی د تسلیم په صورت د زیان او ضرر په نامه د مبیعی د قیمت ټکټ پولی د تسلیم له نېټې او که له تسلیم اخیستلو څخه امتناع شوی وی د اطلاع له نېټې نه وروسته د غوښتنې ورپه.

ماده ۶۵۰:

نظر د قرارداد ماهیت یا د طرفینو مقصد او یا د مبیعی جنس ته که د تعهد اجراء په مختلفو ډولود ویش وړ وی که یوه طرف

است.

ماده ۶۴۸:

اگر قیمت مبیعه نظر به نرخ بورس و یا بازار مقید شده باشد، در صورتی که خلاف آن قراردادی موجود نباشد، نرخ وسطی بورس و یا بازار محل و زمان اجرای تعهد اساس اتخاذ می شود و اگر تعیین این نرخ ممکن نباشد، نرخ وسطی فروشهای مماثل که در محل و زمان اجرای تعهد موجود است، قبول می شود.

ماده ۶۴۹:

تکت پولی قیمت مبیعه بنام جبران ضرر و زیان در صورت تسلیم مبیعه از تاریخ تسلیم و اگر از تسلیم گرفتن امتناع شده باشد، از تاریخ اطلاع به بعد قابل مطالبه است.

ماده ۶۵۰:

نظر به ماهیت قرارداد و یا مقصد طرفین و یا جنس مبیعه اگر اجرای تعهد به اقسام مختلفه قابل تقسیم باشد، اگر یکی از طرفین

یوه برخه تعهد نه وی اجراء کړی، کولای شي چه عقد فسخ کړی.

۶۵۱ ماده:

په هغو مبايعاتو کښې چه د نمونې له مخې کيږي، له نمونې سره د مبيعي د مطابقت اثبات په پلورونکي پوري اړه لري مگر که نمونه په هغه وخت کښې چه د پيږودونکي په لاس کښې وي خرابه يا تلف شي، په هغه وخت کښې له نمونې سره د مبيعي د نه مطابقت اثبات په پيږودونکي پوري اړه لري.

۶۵۲ ماده:

که د پيږودونکي پيږودنه له کتنې او تجربي او خوښولونه په وروسته پوري مقيده کړي وي، جائز دی.

۶۵۳ ماده:

که مبيعه دکتني او تجربي دپاره پيږودونکي ته ورتسليم شوي وي، پيږودونکي مجبور دي چه نظر قرارداد ته او که قرارداد نه وو، په هغه موده کښې چه عرفاً ټاکلي شوي ده خپله قبولي يا نه قبولي د مبيعي په باره کښې بيان کړي. او که په قرارداد او عرف کښې

یک قسمت تعهد را اجراء نکرده باشد، می تواند عقد را فسخ کند.

ماده ۶۵۱:

در مبايعاتي که به اساس نمونه بعمل می آيد، اثبات مطابقت مبيعه با نمونه متعلق بايع است. ولي اگر نمونه در اثنائي که بدست مشتري بوده خراب و يا تلف شود، آنگاه اثبات عدم مطابقت مبيعه با نمونه تعلق به مشتري دارد.

ماده ۶۵۲:

اگر مشتري خريد را بعد از معاينه و تجربه و پسند مقيد ساخته باشد، جائز است.

ماده ۶۵۳:

اگر مبيعه برای معاينه و تجربه به مشتري تسليم داده شده باشد، مشتري مجبور است نظر به قرارداد و در حال عدم قرارداد، در مدتي که عرفاً معين است، قبولي و يا عدم قبولي خود را راجع به مبيعه بيان کند. و اگر در قرارداد و عرف مدت

موده تا کالی نه وی نو پلورونکی مناسب مهلت تاکی او پیروونکی د مبیعی قبلولو یا ردولو ته غواړی.

که پیروونکی په دی موده کښې خواب نه وی ورکړی، داسی گڼل کیږي چه مبیعه یې قبوله کړې ده.

که پیروونکی د خپل خیار حق صراحتاً ساتلی نه وی یا ټول یا یوه برخه قیمت یې ورکړی وی او یا یې مبیعه غیر له هغه صورت څخه چه د تجربی دپاره لازمیږی په بل شکل تصرف کړی وی، بیه تکمیلیږی.

۶۵۴ ماده:

په هغې بیه کښې چه له (۶۵۲) مادی سره سمه پېښېږی که پیروونکی د قرارداد یا عرف په تا کالی موده کښې خپله قبولی یا نه قبولی نه وی خرگنده کړی، بیه منعقد نه بلله کیږي.

که په قرارداد یا عرف کښې کومه موده تا کالی نه وی، پلورونکی مناسب مهلت تاکی او پیروونکی د خپل خیار د حق

معین نباشد، بائع مهلت مناسبی را تعیین و مشتری را به قبول و یا رد مبیعه دعوت می کند.

اگر مشتری در مدت مذکور جواب نداده باشد، چنین محسوب می شود که مبیعه را قبول کرده است.

اگر مشتری حق خیار خویش را صراحتاً محافظه ننموده باشد و تمام و یا یک قسمت قیمت را تأدیه و یا مبیعه را غیر از صورتی که برای تجربه لازم می آید بشکل دیگری تصرف کرده باشد، بیع تکمیل می شود.

ماده ۶۵۴:

در بیعی که مطابق ماده (۶۵۲) واقع می شود، اگر مشتری در ظرف مدت معین قرارداد و یا عرف قبولی و یا عدم قبولی خود را اظهار نکرده باشد، بیع غیر منعقد محسوب می شود.

اگر در قرارداد و یا عرف کدام مدتی معین نباشد، با بیع مهلت مناسب تعیین کرده مشتری را به استعمال حق خیارش دعوت

استعمال ته غواړی. که پیرودونکی په دی موده کښې سکوت کړی وی، بیه منعقد نه بلله کیږي.

۶۵۵ ماده:

که بیه د ذکر شوی قرارداد له اصولو سره موافقه وی، پیرودونکی مجبور دی په هغه موده کښې چه د قرارداد او یا عرف له مخې ټاکلی شوی ده مبیعه تسلیم کړی.

که پیرودونکی دا مکلفیت په ځای نکړی او قیمت یې ورکړی وی نو پیرودونکی ته د کیفیت له اخطار نه وروسته پلورونکی کولای شي چه له تجارتی محکمی څخه د مبیعی د ساتنې دپاره امین شخص وغواړی. ددی غوښتنې په اثر محکمه بی د پیرودونکی له جلبه سمدستی امین شخص ټاکي.

او که د امین له دریدو او د تسلیم له ځنډیدو څخه مصارف او خساره پېښه شي، د هغې جبران د پیرودونکی په غاړه دی. که د مبیعی ماهیت د سپارلو وړ نه وی یا ژر تر ژره خرابی پیدا کوی یا د هغې ساتنه نظر قیمت ته زیات

می کندی. اگر مشتری در این مدت سکوت کرده باشد، بیع غیر منعقد محسوب می شود.

ماده ۶۵۵:

اگر بیع بشرائط متذکره قرارداد و قانون موافق باشد، مشتری مجبور است در ظرف مدتی که به اساس قرارداد و یا عرف معین است، مبیعه را تسلیم بگیرد.

اگر مشتری این مکلفیت را ایفاء ننموده و قیمت را تأدیه کرده باشد، باید بعد از اخطار کیفیت به مشتری می تواند از محکمه تجارتی برای محافظه مبیعه شخص امین را مطالبه کند. در اثر این خواهش محکمه بدون جلب مشتری فوراً شخص امین را تعیین می کند.

و اگر نصب امین و یا تأخیر تسلیم، مصارف و خساره ایجاد نماید، جبران آن به ذمت مشتری است. هرگاه ماهیت مبیعه مساعد به تودیع نبوده و یا سریع الفساد باشد یا محافظه آن نظر به قیمت به

مصرف غواپی یا د مخکې کړایې ورکولو ته اړتیا ولری نو پلورونکی وروسته له هغه چه پیروونکی ته د امکان په صورت د موضوع اطلاع ورکړی، کولای شي د هغې اجازې له مخې چه له محکمی څخه یې په لاس راوړی بی د پیروونکی له غوښتنې مبیعه په ښکاره مزایده سره وپلوری.

او که مبیعه په بورس یا بازار کښې مروج نرخ ولری، پلورونکی حق لری چه د محکمی په اجازه بی له ښکاره مزایدی (ډیروني) په همغه نرخ وپلوری.

مبیعه چه په دی صورت پلورله کیږي د پلورنی د مصارفو له وضع نه وروسته دی د پلورونکی له خوا د پیروونکی په نامه بانک ته او که بانک نه وو نو د محکمی په اجازه دی په یو بل امین محل کښې وسپارله شي.

وروسته له هغه چه مبیعه یوه امین شخص ته او یا د هغې قیمت یوه امین محل ته وسپارل شو نو ژرتر ژره دی قضیه د پلورونکی له خوا پیروونکی ته د قضیې اطلاع ورکړی.

مصارف گزاف و یا تأدیه به اجرت ارضیه محتاج باشد، بايع بعد ازین که موضوع را به مشتری در صورت امکان اطلاع نماید، می تواند به اساس اجازه که از محکمه حاصل می کند، مبیعه را بدون دعوت مشتری بصورت مزایده علنی به فروش برساند.

در صورتی که مبیعه در بورس یا بازار نرخ مروج داشته باشد، بايع حق دارد به اجازه محکمه بدون مزایده علنی به همان نرخ بفروشد.

مبیعه که به این صورت به فروش میرسد، قیمت آن بعد از وضع مصارف فروش از جانب بايع بنام مشتری به بانک و در صورت عدم وجود بانک، به اجازه محکمه در یک محل امین دیگری تودیع شود.

بعد از اینکه مبیعه به شخص امین و یا قیمت آن به یک محل امین تودیع گردید، فوراً قضیه از طرف بايع به اطلاع مشتری رسانیده شود.

ماده ۶۵۶:

په دی صورت چه پیروونکی قیمت د قرارداد یا د عرف په ټاکلی وخت کښې ورنکړی نو پلورونکی څرنگه چه د قیمت دعوی کولای شي، په هغه شان حق لری چه د اطلاعیې یا راجستری لیک په اساس مناسب مهلت وټاکې او پیروونکی د تعهد په ځای کولو دپاره وغواړی که پیروونکی ددی مهلت په موده کښې قیمت ورنکړی پلورونکی کولای شي چه له (۶۵۵) مادی سره سم مبیعه وپلوری او د هغې له بدل څخه قیمت استفاء او د مبیعی د قیمت او د پلورنی د بدل ترمنځ تفاوت له پیروونکی څخه وغواړی. که مبیعه په بورس یا بازار کښې مروج نرخ ولری نو پلورونکی بی له دی چه د مبیعی په پلورنه مجبور وی، کولای شي چه د مبیعی د قیمت او نرخ ترمنځ تفاوت چه د مهلت په پای کښې په بورس یا بازار کښې موجود دی، له پیروونکی څخه وغواړی.

ماده ۶۵۷:

که پلورونکی مبیعه د قرارداد یا

ماده ۶۵۶:

در صورتی که مشتری قیمت را در زمان معین قرارداد و یا عرف تأدیه نکند، باایع طوریکه دعوی قیمت را می تواند؛ همچنان حق دارد به اساس اطلاعیه و یا مکتوب راجستری مهلت مناسب تعیین و مشتری را به ایفای تعهد دعوت نماید اگر مشتری در ظرف این مهلت قیمت را تأدیه نکند، باایع می تواند مطابق به ماده (۶۵۵) مبیعه را فروخته و از بدل آن قیمت را استیفاء و تفاوت بین بدل فروش و قیمت مبیعه را از مشتری مطالبه نماید.

اگر مبیعه در بورس و یا بازار دارای نرخ مروجی باشد، باایع بدون اینکه مجبور به فروش مبیعه باشد می تواند تفاوت بین قیمت مبیعه و نرخ را که در خاتمه مهلت در بورس و یا بازار موجود است، از مشتری طلب کند.

ماده ۶۵۷:

در صورتی که باایع مبیعه را در

زمان معیننه قرارداد و یا عرف تسلیم نکند، مشتری با اطلاعیه و یا مکتوب راجستری بایع را در ظرف یک مدت مناسب به تسلیم دادن مبیعه دعوت می‌کند.

اگر در انقضاء این مهلت بایع مبیعه را تسلیم نکند، مشتری می‌تواند به محکمه مراجعه نموده فسخ قرارداد را با خساره وارده و فایده که از آن محروم مانده است، از بایع طلب کند. اگر مشتری بخواهد می‌تواند مستقیماً و یا توسط محکمه امتعه را از شخص ثالث بخرد و بدلی را که تأدیه نموده است، اگر از قیمت مبیعه زیاده تر باشد، این زیادت را از بایع اول مطالبه کند.

در صورتی که مبیعه در بورس و یا بازار نرخ مروجی داشته باشد، مشتری بدون اشتراء مبیعه از شخص ثالث نیز می‌تواند تفاوت بین نرخ مروج قیمت مبیعه را از بایع تقاضا کند.

هم درین صورت و هم در حال مبیعه از شخص ثالث، حق

عرف به تاکلی موده کنبی تسلیم نکری نو پیرو دونکی له اطلاعی یا له راجستری لیک سره پلورونکی به یوه مناسبه موده کنبی د مبیعی د تسلیم ورکولو دپاره وغواری.

که ددی مهلت به تیریدو کنبی پلورونکی مبیعه تسلیم نکری نو پیرو دونکی کولای شی چه محکمی ته مراجعه وکری او د قرارداد فسخ سره له پیینی شوی خساری او هغی گتبی چه له لاسه بی وتلی ده له پلورونکی خخه و غواری. که پیرو دونکی وغواری کولای شی چه مخامخ یا د محکمی به واسطه مال له دریم شخص خخه وپیری او هغه بدل چه ورکری بی دی که د مبیعی له قیمت خخه زیات وی، دا زیاتوالی له لمپی پلورونکی خخه وغواری.

که مبیعه به بورس یا به بازار کنبی مروجی نرخ ولری نو پیرو دونکی له دریم شخص خخه بی د مبیعی له پیرو دلو هم کولای شی چه د مروج نرخ تفاوت د مبیعی قیمت له پلورونکی خخه وغواری.

هم به دی صورت او هم د مبیعی به حال کنبی له دریم شخص خخه

د هغې خساری غوښتنې حق چه
پیروونکی هغه په غاړه اخیستی
ده د (۵۹۱) مادی په اساس ساتلی
دی.

ماده ۶۵۸:

که په بیع کښې نظر د قرارداد
صراحت ته او یا نظر د مبیعی
جنس او ماهیت او د پیروونکی
مقصد ته پیروونکی او پلورونکی
مجبور دی چه خامخا په ټاکلی
موده کښې تعهد په ځای کړی، په
دی صورت چه ددی مودی په پای
کښې تعهد په ځای نکړی، نو بل
طرف د تعهد د نه په ځای کیدو له
وجی بی له اطلاع نه کولای شي چه
د (۶۵۶) او (۶۵۷) مادو له مخې
عقد فسخ کړی او د خسارې تاوان
وغواړی. مگر هغه طرف چه د عقد
د فسخ صلاحیت لری که وغواړی
چه تعهد کټ مټ په ځای شي
مکلف دی چه د ټاکلی مودی په
راتگ یا تیریدو کښې د تعهد په
ځای کول وغواړی.

ماده ۶۵۹:

په تجارتی مبیعاتو کښې که د
تسلیم په وخت کښې د مبیعی کوم
عیب یا نقص یا د هغو د قرارداد د

طلب خساره که مشتری آنرا
متحمل شده است به اساس
ماده (۵۹۱) محفوظ
می باشد.

ماده ۶۵۸:

اگر در بیع نظر به صراحت قرارداد
و یا نظر به جنس و ماهیت مبیعه
و مقصد اشتراء، مشتری و بايع
مجبور باشند که حتماً در ظرف
میعاد معینی ایفای تعهد کنند،
در صورتی که در ختم این مدت
تعهد را ایفا نکرده باشند، طرف
دیگر از باعث عدم ایفای تعهد
بدون اطلاعیه می تواند مطابق
احکام مواد (۶۵۶) و (۶۵۷)
عقد را فسخ و جبران خساره طلب
کند. ولی طرفی که صلاحیت
فسخ عقد را دارد، اگر
بخواهد که تعهد عیناً ایفاء
شود، مکلف است که در حین
حلول یا انقضاء مدت معین
ایفای تعهد را تقاضا
کند.

ماده ۶۵۹:

در مبیعات تجارتی اگر در
حین تسلیم کدام عیب و
نقص مبیعه و یا عدم توافق آن

شرطونو یا نمونی یا قانون سره
عدم توافق څرگند شي پيرونکی
مکلف دی چه د کیفیت څخه په
خلورو ورځو کښې پلورونکی ته
اطلاع ورکړی او که نه وروسته له
هغه چه پيرونکی مبیعه تسلیم
کړه، مکلف دی چه هغه په موده د
دوو هفتو کښې پخپله دی یا دده
نماینده معاینه کړی.

که ددی معاینې په نتیجه کښې
نقص ښکاره شي او یا د قانون او
قرارداد په شرطونو یا نمونی سره د
هغې نه موافقت څرگند شي نو
پيرونکی د خپلی رجوع د حق د
ساتنې دپاره موظف دی چه کیفیت
په دوو هفتو کښې او که پټ عیب
څرگند شي، ډرتړږه پلورونکی ته
اطلاع ورکړی. او که نه داسی
ښکارېږی چه مبیعه یې په موجوده
حال قبوله کړی ده.

۶۶۰ ماده:

پيرونکی حق لری چه پلورونکی
باندی د مبیعی د نقص یا د
قرارداد او یا قانون په ټاکلیو
شرطونو او یا نمونی د نه توافق
له کبله دعوی وکړی. دا حق د
مبیعی د تسلیم له نېټې څخه تر

به شرایط قرارداد و یا نمونه یا
قانون ظاهر شود، مشتری
مکلف است کیفیت را در
ظرف چهار روز به بایع
اطلاع دهد و الا بعد از آنکه
مشتری مبیعه را تسلیم شد،
مکلف است آنرا در ظرف دو
هفته خودش یا نماینده اش
معاینه بنماید.

اگر در نتیجه این معاینه نقصی
ظاهر شود و یا عدم
موافقت مبیعه به شرایط
قانون و یا قرارداد و یا نمونه
آشکار گردد، مشتری برای حفظ
حق رجوع خود موظف است
کیفیت را در ظرف دو هفته و اگر
عیب مخفی کشف شود، بصورت
فوری به بایع اطلاع دهد و الا
چنان استنباط می شود که مبیعه
را بحال موجوده قبول کرده است.

۶۶۰ ماده:

مشتری حق دارد علیه بایع از
رهگذر نقص در مبیعه و یا عدم
توافق به قرارداد و یا شرایط
معینه قانونی و یا نمونه
دعوی کند. این حق از تاریخ
تسلیم مبیعه تا شش ماه اعتبار

شیپرو میاشتو پوری اعتبار لری.
ددی مودی لیرول یا ډیرول په
قرارداد کښې جائز دی.

۶۶۱ ماده:

که معلوم شي چه دقانون او یا
قرارداد له ټاکلیو شرطونو یا
له نمونی سره د مبیعی نه
موافقت د پلورونکی د حیلې په
اثر دی نو د (۶۵۹) او (۶۶۰) مادو
احکام د هغو په باره کښې نه
تطبیقېږي.

۶۶۲ ماده:

که پیروونکی له (۶۵۹) مادی
سره سم په مبیعه کښې عیب پیدا
کړی او یا هغه د کوم علت په اثر د
قرارداد یا د قانون د شرطونو یا له
نمونی سره سم ونه مومی کولای
شي چه لمړی پلورونکی ته مراجعه
وکړی او یا هغه د معاینې دپاره
وغواړی او که پلورونکی په
مناسب وخت کښې حاضر نشي
نو په دی وخت کښې تجارتی
محلی محکمی ته مراجعه کوی او
د پوهو کسانو په حضور معاینه
کېږي. او محکمه د هغې له مخې
لږم حکم صادر وی.

دارد. تزئید یا تنقیص این
مدت در قرارداد جائز
است.

۶۶۱ ماده:

اگر عدم موافقت مبیعه به
شرایط معینه قانون و یا
قرارداد و یا نمونه در اثر
حیله بایع فهمیده شده
بتواند، احکام مواد (۶۵۹) و
(۶۶۰) درباره آن تطبیق
نمی شود.

۶۶۲ ماده:

در صورتی که مشتری مطابق ماده
(۶۵۹) در مبیعه عیبی کشف
کرده و یا آن را در اثر علتی
مطابق شرایط معینه قرارداد
یا قانون و یا نمونه دریافت
نکند، می تواند اولاً به بایع رجوع
و آن را برای معاینه دعوت
نماید و اگر بایع به مدت
مناسب حاضر نشود، درین
حال به محکمه محلی تجارتی
مراجعه و برای نصب اهل خبره
تقاضا و معاینه می شود و
محکمه به همان اساس قرار لږم
را صادر می نماید.

ماده ۶۶۳:

په دی صورت چه مبیعه
پیروونکی ته له بل محل څخه
ورلیږلی شوی وی، که څه هم
پیروونکی له (۶۵۹) مادی سره
سم پلورونکی ته مراجعه کړی وی،
پیروونکی مجبور دی چه مبیعه،
د پلورونکی په مصرف وساتی او
یایې له (۶۵۵) مادی سره سم
امین شخص ته وسپاری.
که مبیعه د ماهیت له مخې د
سپارنی وړ نه وی او یا ژر خرابي
لري وي او یا د هغې د ساتنې
مصرف نظر د هغې قیمت ته
زیات وی او یا د ځای په باره
پوری اړه لری نو پیروونکی
کولای شي چه له (۶۵۵) مادی
سره سم مبیعه وپلوری.

ماده ۶۶۴:

که مبیعه د قرارداد یا د قانون
ټاکلی شرطونه ونه لری، پیروونکی
اختیار لری چه عقد فسخ کړی او
یا له محکمی څخه د قیمت د
تفاوت او خساری ورکړه وغواړی.

ماده ۶۶۳:

در صورتی که مبیعه برای مشتری
از محل دیگری فرستاده شده
باشد، ولو اینکه مشتری مطابق
حکم ماده (۶۵۹) به بائع
مراجعه هم کرده باشد، مشتری
مجبور است مبیعه را به مصرف
بائع محافظه و یا مطابق ماده
(۶۵۵) به شخص امین
بسپارد.
اگر مبیعه ماهیتاً قابل تودیع
نبوده و یا سریع الفساد باشد و یا
مصرف محافظه آن نظر به قیمت
آن زیادتر و یا وابسته به تأدیه
اجرت ارضیه باشد، مشتری
می تواند مطابق ماده (۶۵۵)
مبیعه را به فروش
برساند.

ماده ۶۶۴:

در صورتی که مبیعه شرایط معین
قرارداد و یا قانون را دارا نباشد،
مشتری مخیر است عقد را فسخ و
یا حکم تأدیه تفاوت قیمت و
خساره را از محکمه مطالبه کند.

دوه یمه برخه

**د تجارتی بیع ځینې خصوصی
انواع
د سیف پلورنه**

ماده ۶۶۵:

که یوه بیه د بیړۍ د ټاکلو په اساس چه مبیعه په هغې کښې بارپری شوی وی، په دی صورت د بیع عقد د مقصود محل ته د هغې بیړۍ د رارسیدو په شرط پوری معطله ده.

که پلورونکی د بیړۍ د حرکت موده چه مبیعه پکښې بارپری د مقاولی په ذریعه او یا نظر تجارتی عرف ته ټاکلی نه وی پیروونکی کولای شي چه د بیړۍ د مودی ټاکل وغواړی او یا د عقد فسخ سره د خساری له جبرانه وغواړی.

که د بیړۍ د مودی د ټاکلو دپاره په مقاوله یا عرف کښې صراحت او سابقه موجوده نه وی، پیروونکی کولای شي چه محکمی ته مراجعه وکړی او ددی مودی ټاکل وغواړی او محکمه دی ژر تر ژره اقدام وکړی. که د بیړۍ د حرکت د مودی

حصه دوم

**بعضی از انواع خصوصی بیع
تجارتی
فروش سیف**

ماده ۶۶۵:

اگر یک بیع به اساس تعیین کشتی ایکه مبیعه به آن حمل خواهد شد بعمل آمده باشد، در این صورت عقد بیع بشرط مواصلت کشتی مذکور به محل مقصد موکول می باشد.

اگر بایع مدت حرکت کشتی را که مبیعه در آن حمل می شود ذریعه مقاوله و یا نظر به عرف تجارتی تعیین نکرده باشد، مشتری می تواند تعیین مدت کشتی را تقاضا و یا فسخ عقد را با جبران خساره طلب کند.

اگر برای تعیین مدت کشتی در مقاوله و یا عرف صراحت و سابقه وجود نداشته باشد، مشتری می تواند به محکمه مراجعه و تعیین این مدت را طلب و محکمه مستعجلاً اقدام نماید. اگر برای مدت

دپاره چه د عقد د محل په وخت کښې یا وروسته له هغه ټاکل کيږي او یا د مقصود محل ته د هغې د رسیدلو دپاره موده ټاکلې شوی وی خو بیړۍ په ټاکلې وخت حرکت نه وی کړی او یا په ټاکلې موده کښې د مقصود محل ته نه وی رسیدلې، پیروونکي کولای شي چه د عقد فسخ وغواړي او دعوی وکړي.

پیروونکي کولای شي چه د بیړۍ د رسیدلو موده یو یا خو کرته اوږده کړي.

۶۶۶ ماده:

که مبیعه د سفر په منځ کښې د ضرورت او علت له کبله له هغې بیړۍ څخه چه په ټاکلې ډول په هغې کښې بار شوی دی بلی بیړۍ ته نقل شوی وی، عقد نه فسخ کيږي او دوهمه بیړۍ د لومړۍ په ځای ګڼله کيږي.

۶۶۷ ماده:

په دی صورت چه عقد د مال په رسیدلو مشروط وی او مبیعه د سفر په منځ کښې داسې خساره ومومي چه په نظر کښې نیولی ګټه له منځه تللی وی، عقد فسخ

حرکت کښتی که در حین محل عقد و یا بعداً تعیین می شود و یا برای مواصلت آن به محل مقصود مدت معین شده و کښتی در وقت معینه حرکت نه نموده و یا در ظرف مدت معین به محل مقصود واصل نشده باشد، مشتری می تواند فسخ عقد را مطالبه و دعوی کند.

مشتری می تواند مدت معینه مواصلت کښتی را یک و یا چند بار تمدید نماید.

۶۶۶ ماده:

اگر مبیعه در اثنای سفر از باعث علل مجبره از کښتی ایکه بطور معین در آن حمل شده به کښتی دیگر نقل داده شده باشد، عقد فسخ نگرديده و کښتی دومی بجای اولی محسوب می شود.

۶۶۷ ماده:

در صورتیکه عقد مشروط به مواصلت مال باشد و مبیعه در اثنای سفر طوری خساره مند گردد که منفعت منظور از بین رفته باشد، عقد فسخ

کیږي. له دې صورت نه پرته پیروونکی مجبور دی چه مبیعه در سیدلو په وخت کښې په موجوده حال قبوله کړي. او هغه خساره چه له دې لاری ورته اوړي دپوهو کسانو په تصدیق له قیمت څخه پوره کیږي.

ماده ۶۶۸:

هغه پلورنه چه بر سېره د بیمې په اجرت او د نقلیې په مصرف په بیږي کښې د مال د تسلیم په شرط کیږي، د (سیف) پلورنه بلله کیږي. د نقلیه مصرف عبارت د بندر جرثقیل ته تر تسلیمېدو پورې د مال د نقل له اجرت څخه دی.

د هغه مال خساره چه د (سیف) له مخې پلورل کیږي، په بیږي کښې د بارولو له نېټې څخه په پیروونکي پورې اړه لري.

ماده ۶۶۹:

هغه مال چه د (سیف) په ډول پلورل کیږي، باید د پلورونکي لخوا د شرایطو په اساس او که هغه نه وه نو نظر محلی عرف او عاداتو ته په بیږي کښې باریږي. په دې صورت چه پلورونکی ته دا اختیار وی چه

تبصره:

سیف (C.I.F) مخفف (Cost) قیمت او (Insurance) (Freight) د نقلیه مصرف دی

می گردد. در غیر این صورت، مشتری مجبور است مبیعه را حین مواصلت به حال موجود قبول نماید و خساره که ازین درک متحمل می گردد، به تصدیق اهل خبره از قیمت جبران می شود.

ماده ۶۶۸:

فروشی که به شرط تسلیم مال در کشتی بر علاوه اجرت بیمه و مصرف نقلیه بعمل می آید، فروش (سیف) نامیده می شود. مصرف نقلیه عبارت از اجرت نقل مال الی تسلیم آن به جرثقیل بندر است.

خساره امتعه که به اساس (سیف) فروخته می شود، از تاریخ حمل آن به کشتی به مشتری عاید است.

ماده ۶۶۹:

امتعه که بصورت (سیف) فروخته می شود، باید از طرف بایع به اساس شرایط مقاوله و در صورت عدم آن، نظر به عرف و عادات جاری محلی به کشتی حمل می گردد. در صورتی که بایع مجاز

تبصره:

سیف (C.I.F) مخفف (Cost) قیمت و (Insurance) (Freight) مصرف نقلیه می باشد.

خپل تعهد برخه برخه اجراء کړی، د مال هره برخه چه بار شي، داسی گڼله کیږي چه ځان ځان ته پلورلی شوی دی.

۶۷۰ ماده:

که پلورونکی هغه مال چه پلورلی یې دی (بی مجبره علتونو له استناد څخه) په ټاکلی وخت یا د محل له عرف سره سم یې نه وی بار کړی نو پیروونکی کولای شي چه عقد فسخ کړی. په دی صورت پیروونکی مکلف دی چه ژر تر ژره له خپل تصمیم څخه پلورونکی ته اطلاع ورکړی.

۶۷۱ ماده:

پلورونکی د یوی بحری نقلیه بارنامی (کنسانمینت) له مخې چه د مال د هری برخې دپاره په دی عبارت (بار شوی دی) جوړیږی کولای شي چه د مال د هرې برخې د نقل اثبات وکړی چه له ټاکلیو شرطونو سره سم شوی دی.

که د نقلیه بارنامه (دبارېدو دپاره تسلیم شوی دی) عبارت ولری نو پیروونکی دا دعوی کولای شي چه د مال بارېدل د نقلیه بارنامی

باشد تعهد خود را حصه حصه اجراء نماید، هر حصه امتعه که حمل گردد، چنین محسوب می شود که علیحده فروخته شده است.

۶۷۰ ماده:

اگر بايع امتعه را که فروخته است (بدون استناد علل مجبره) در زمان معين يا مطابق عرف محل حمل نکرده باشد، مشتری میتواند عقد را فسخ نماید. درین صورت مشتری مکلف است فوراً از تصمیم خود به بايع اطلاع دهد.

۶۷۱ ماده:

بايع به اساس یک بارنامه نقلیه بحری (کنسانمینت) که برای هر حصه امتعه به این عباره (حمل شده است) تنظیم می یابد می تواند اثبات نقل هر حصه مال را بنماید که مطابق شرایط معینه بعمل آمده.

اگر بارنامه نقلیه دارای عباره (برای حمل تسلیم گرفته شده است) باشد، مشتری می تواند ادعا نماید که حمل امتعه در

په نېټه نه دی شوی، مگر دا چه د بېرې کپتان په بېرې کښې د بارنامې په نېټه د مال بارېدل تصدیق کړی وی.

۶۷۲ ماده:

که هغه مال چه د (سیف) په صورت پلورل کيږي له یوه داخلي ښار څخه او یا له یوه بندر څخه له یوې بارنامې سره بار شوی وی نو هغه نېټه چه دا مال د نقلیه د لومړنیو وسایلو په ذریعه بار شوی وی د باریدو د نېټې په حیث قبلېږي.

۶۷۳ ماده:

د نقلیه مقاولو د معتادو شرایطو درج (کنسانمینت) په دی باره کښې چه بېرې کولای شي په ځینو بندرونو کښې ودريږي یا لاره تبدیل کړي او یا بار بلی بېرې ته نقل کړي، د پیروونکي په مقابل کښې هم د اعتبار وړ دی.

نو بنا پردی، په دی صورت چه دا تبدلات د مال د حمل او نقل له ایجاباتو څخه وی، هغه خساره چه د هغو په اثر مال ته رسیدلی وی په پیروونکي پوری اړه لري. مگر که خساره د پلورونکي له تقصیر څخه

تاریخ بارنامه نقلیه صورت نغرفته است، مگر اینکه کپتان کشتی حمل مال را در تاریخ بارنامه کشتی تصدیق نموده باشد.

ماده ۶۷۲:

اگر امتعه که بصورت (سیف) فروخته می‌شود از یک شهر داخلی و یا از یک بندر با بارنامه واحدی حمل شده باشد، تاریخی که امتعه مذکور ذریعه اولین وسایل نقلیه حمل گردیده است بحیث تاریخ حمل قبول می‌گردد.

ماده ۶۷۳:

درج شرایط معتاده مقاوله های نقلیه کنسانمینت درباره اینکه کشتی می‌تواند در بعضی بنادر توقف و یا تبدیل راه کند و یا محموله را به کشتی دیگری منتقل نماید، در مقابل مشتری نیز معتبر است.

بنابراین، در صورتی که تبدیلات مذکور از ایجابات حمل و نقل مال باشد، خساره که در اثر آن به امتعه وارد می‌شود، مربوط به مشتری می‌باشد. ولی اگر

پيښه شوی وی نو پيږودونکی کولای شي چه بيع فسخ کړی او پېښ شوی زیان او ضرر وغواړی.

که مال له (۶۷۲) مادی سره سم د کنسانمینت په ذریعه لیږلی شوی وی، باید کنسانمینت داسی تنظیم شي چه د انتقالو مراحل پکښې شامل وی.

۶۷۴ ماده:

د (سیف) پلورونکی مکلف دی چه بار شوی مال (عادی شرطونو سره سم چه د هغو درج د بیمې په مقابلو کښې عادت دی) د بحری خطراتو په مقابل کښې بیمه کړی.

د بیمې قیمت باید د هغې محلی تمام شد د نرخ په اندازه وی چه مال هلته لیږل کیږي. که مال برخه برخه بار شوی وی، باید هره برخه یې ځانگړی بیمه شي. پلورونکی نشي کولای چه پخپله د پيږودونکی په مقابل کښې د بیمه کوونکی وظیفه اجرا کړی.

۶۷۵ ماده:

که د عادی بیمې تصدیقنامه د بیمې مخصوص شرطونه ونه لری او د هغې شرطونه د بیمې له کومی

خساره از تقصیر بايع ناشی شده باشد، مشتری می‌تواند بيع را فسخ و ضرر و زیان وارده را مطالبه نماید.

هرگاه امتعه مطابق ماده (۶۷۲) ذریعه کنسانمینت ارسال گردیده باشد، باید کنسانمینت طوری تنظیم شود که شامل مراحل انتقال باشد.

ماده ۶۷۴:

بايع (سیف) مکلف است امتعه معموله را (مطابق شرائط عادیه که درج آن در مقاولات بیمه معتاد است) در مقابل خطرات بحری بیمه نماید.

قیمت بیمه باید باندازه نرخ تمام شد محلی باشد که امتعه به آنجا فرستاده می‌شود اگر امتعه حصه حصه حمل شده باشد باید هر حصه علیحده بیمه شود بايع نمی‌تواند بالذات در مقابل مشتری وظیفه بیمه کننده را اجرا نماید.

ماده ۶۷۵:

اگر تصدیق نامه بیمه عادی محتوی شرایط مخصوصه بیمه نباشد و شرایط آن طبق یکی از

پالیسی د نمونی سره سم تنظیم نشي، د بیمې د پالیسی قایم مقام کیدای نشي.

۶۷۶ ماده:

په دی صورت چه په مقاوله کښې دهغي په خلاف کوم صراحت موجود نه وی هغه خطرات چه دبیمې په ذریعه تأمین شي عادی خطرات دی اود جنگ خطرات له هغو نه جلادی دمعافیت په شرایطو اودبیمې دبدل دورکړې په طرز کښې دبار یدو د محل جاری عرف او عادات او دشیانو جنس او ماهیت په نظر کښې نیول کیږي. که د (سیف) پلورونکی مبیعه په یوه معروف او معتبر شرکت کښې بیمه کړی وی او وروسته له هغه دبیمې مؤسسه دبیمې دبدل په ورکړه قدرت ونه مومی دپيرونکی په مقابل کښې مسئولیت نه لری.

۶۷۷ ماده:

که د سیف په بیه کښې دواړه خواوی قرارداد وکړی چه پیرونکی د مال وضعیت، تول او وصف چه بیږی کښې د باریدو په وخت کښې وگوری، د اعتبار وړ

نمونه های پالیسی بیمه تنظیم نگردد، نمی تواند قائم مقام پالیسی بیمه واقع شود.

ماده ۶۷۶:

در صورتیکه بر خلاف آن در مقاوله صراحتی موجود نباشد، خطراتیکه توسط بیمه تأمین شود، خطرات عادی بوده و خطر جنگ ماسوای آن است. در شرایط معافیت و طرز تأدیه بدل بیمه عرف و عادات جاریه محل حمل و جنس و ماهیت اشیاء در نظر گرفته می شود. اگر بایع (سیف) مبیعه را در شرکت معروف و معتبری بیمه کرده باشد و بعداً مؤسسه بیمه قادر به تأدیه بدل بیمه نگردد، در مقابل مشتری مسئولیتی ندارد.

ماده ۶۷۷:

اگر در بیع سیف جانبین قرارداد نمایند که مشتری وضعیت وزن و وصف امتعه را در حین حمل به کشتی معاینه کند، معتبر است. در

صورت کشف نقصان، مشتری می‌تواند به محکمه مراجعه و تعیین و تصدیق اهل خبره را مطالبه کند.

ماده ۶۷۸:

بعد از اینکه امتعه حمل گردید، باایع مکلف است که (کنسانمینت) را ظاهر نویسی کرده با مقاوله بیمه و اصل بیجک و عندالایجاب تصدیق نامه راجع به وصف و وزن امتعه ترتیب و به انضمام حواله (چک) به مشتری ارسال نماید.

اگر کشتی حامل امتعه واصل شود و اوراق مربوطه هنوز نرسیده یا بصورت ناقص رسیده باشد، در صورتی که مشتری به باایع مراجعه نماید، باایع مجبور است اسناد صحیحی که مدار اعتبار تسلیم امتعه از طرف مشتری شده بتواند، تهیه و آنرا به مشتری ارسال نماید. مصارفیکه از تأخیر تسلیم اوراق مذکور بعمل می‌آید، متعلق به باایع است.

دی. دنقصان د موندلو په صورت کښې پیرودونکی کولای شي چه محکمی ته مراجعه وکړي او د پوهو کسانو ټاکل او تصدیق وغواړي.

ماده ۶۷۸:

وروسته له هغه چه مال بار شو پلورونکی مکلف دی چه (کنسانمینت) ظاهر نویسی کړي. د بیمې له مقاولی او اصل بیجک سره او د ایجاب په صورت د مال د وصف او تول په خصوص کښې تصدیق نامه ترتیب کړي او د حوالی (چک) په مل یې پیرودونکی ته ولیږي.

که د مال بار شوی بیړی ورسپړي او مربوطه پاڼې نه وی رسېدلی او یا په ناقص صورت رسېدلی وی نو که پیرودونکی پلورونکی ته مراجعه وکړي پلورونکی مجبور دی چه صحیح اسناد چه د پیرودونکی لخوا د مال د تسلیم د اعتبار وړ وگرزیدای شي تهیه کړي او هغه پیرودونکی ته ولیږي هغه مصارف چه ددی پانود تسلیم له ځنډیدو څخه کیږي په پلورونکی پوری اړه لری.

ماده ۶۷۹:

پلورونکی مجبور دی هغه معلومات چه د مارکونو د مال دباریدو او د مال دبار شوی بیړی د نېټې په باره کښې په لاس راوړی، ژر تر ژره پیروونکی ته اطلاع ورکړی.

ماده ۶۸۰:

هغه پانې چه پیروونکی ته لیږلی کیږي باید مکملی او منظمی وی. که د پانې مندرجات د (سیف) د مقاولی له شرطونو سره مطابقت ونکړی، پیروونکی کولای شي چی مقاوله فسخ کړی او زیان او ضرر وغواړی.

ماده ۶۸۱:

پیروونکی مجبور دی وروسته له هغه چه په (۶۸۰) ماده کښې ذکر شوی پانې ده ته تسلیمېږی، وروسته له کتنی په څلورو ورځو کښې د هغو کار قبول یا رد کړی. د پانې د رد په حال کښې که ثابت شي چه رد بي موجب دی، پیروونکی مجبور دی چه د پلورونکی ضرر او زیان ورکړی. ددی په عکس پیروونکی حق

ماده ۶۷۹:

بایع مجبور است معلوماتی را که درباره تاریخ حمل امتعه، مارکها و کشتی حامل امتعه بدست می آرد، فوراً به مشتری اطلاع بدهد.

ماده ۶۸۰:

اوراقیکه به مشتری ارسال می شود باید مکمل و منظم باشد. در صورتی که مندرجات اوراق به شرایط مقاوله (سیف) مطابقت نکند، مشتری میتواند مقاوله را فسخ و طلب ضرر و زیان نماید.

ماده ۶۸۱:

مشتری مجبور است بعد از اینکه اوراق متذکره در ماده (۶۸۰) به او تسلیم می گردد، پس از ملاحظه در ظرف چهار روز کار آنرا قبول و یا رد نماید. در حال رد اوراق اگر ثابت گردد که رد بی موجب بوده است، مشتری مجبور است ضرر و زیان بایع را بپردازد. بر عکس آن مشتری حق دارد

لری چه عقد فسخ کړی او زیان او ضرر یې وغواړی. که پیرودونکی پانې قبولی کړی وی، تر هغه وخته پوری چه د پلورونکی حيله اثبات نشي او یا د پانو له مندرجاتو سره د مال نه مطابقت څرگند نشي، پیرودونکی نشي کولای چه عقد فسخ کړی. که پیرودونکی پانې د ځینو ټاکلیو علتونو له ذکر سره ردی کړی او یا یې د اعتراض له قید سره قبولی کړی وی نشي کولای چه پرته له ټاکلو علتونو بل اعتراض وکړی.

ماده ۶۸۲:

د (سیف) پیرودونکی په (۶۷۲) ماده کښې د ذکر شویو پانو له تسلیم او قبولی څخه وروسته (په دی صورت چه د هغه په خلاف په مقاوله کښې کوم صراحت موجود نه وی) مجبور دی د هغو اسنادو بدل چه د مبیعی د قیمت په خصوص کښې ده ته صادر شوی دی ډر تر څه ورکړی.

ماده ۶۸۳:

د بیړی د رسیدو په وخت کښې نظر کنسانمینت او مقاولی ته او که په مقاوله کښې کوم صراحت

عقد را فسخ و ضرر و زیان آنرا مطالبه نماید. اگر مشتری اوراق را قبول کرده باشد، تا وقتی که حيله بايع به اثبات نرسد و یا عدم مطابقت امتعه به مندرجات اوراق ظاهر نگردد، مشتری نمی تواند عقد را فسخ کند. اگر مشتری اوراق را با ذکر بعضی علل معینه تردید و یا با قید اعتراض قبول نموده باشد، نمی تواند به استثنای علل معینه، اعتراض دیگری بنماید.

ماده ۶۸۲:

مشتری (سیف) پس از تسلیم و قبولی اوراق متذکره ماده (۶۷۲) (در صورتی که برخلاف آن در مقاوله صراحتی موجود نباشد)، مجبور است بدل اسناد را که راجع به قیمت مبیعه به او صادر شده فوراً بپردازد.

ماده ۶۸۳:

در وقت مواصلت کشتی نظر به شرائط کنسانمینت و مقاوله و اگر در مقاوله صراحتی موجود

موجود نه وی، د محلی عرف او عاداتو له مخې مال ایستل کیږي. پیروونکی مکلف دی چه له لمبر او مارک او کنتر مارک او په پانېو کښې د بار بندۍ له شرایطو سره سم له بیړۍ څخه د صادر شوی مال مطابقت وگوري. که د پلورونکي د خطا په اثر د مال تعیین او تشخیص ممکن نه شي، پیروونکی کولای شي چه عقد فسخ کړي.

۶۸۴ ماده:

که د لیږلی مال او د مقاولی د موضوع د مال ترمنځ تفاوت د صفت له حیثه له معمولی اندازې څخه تیری ونکړي پیروونکی مکلف دی چه مال قبول کړي مگر د پوهو کسانو د نظریې له مخې له قیمت څخه د یوی اندازی تنزیل غوښتنه وکړي. هغه اندازه چه له قیمت څخه تنزیل کیږي، که د هغه په خلاف کوم صراحت موجود نه وی، په بندر کښې د جاری عرف او عاداتو له مخې تخلیه، تعیین او تقدیر کیږي.

۶۸۵ ماده:

په دی خصوص کښې د شرط قید

نباشد، قرار عرف و عادات محلی امتعه خارج می شود. مشتری مکلف است مطابقت امتعه صادره از کشتی را با نمبر و مارک و کنتر مارک و شرایط باربندی مندرجه اوراق معاینه نماید. اگر در اثر خطای بایع تعیین و تشخیص امتعه ممکن نگردد، مشتری می تواند عقد را فسخ نماید.

۶۸۴ ماده:

اگر تفاوت بین امتعه مرسوله و امتعه موضوع مقاوله از حیث صفت از اندازه معمول تجاوز نکند، مشتری مکلف است امتعه را قبول ولی می تواند به اساس نظریه اهل خبره تنزیل یک مقدار از قیمت را مطالبه نماید. مقداریکه از قیمت تنزیل می شود، هرگاه بر خلاف آن صراحتی موجود نباشد، نظر به عرف و عادات جاریه در بندر تخلیه، تعیین و تقدیر می شود.

۶۸۵ ماده:

قید شرط مبنی بر اینکه بدل

چه د مال بدل د تخلیسی په وخت کښې د تول له مخې د اعتبار وړ دی، ممکن دی په دی صورت کښې نظر د مقاولی مندرجاتو ته مؤقتي بیجک جوړېږي چه د مال له باریدونه وروسته پیروندونکی ته لیږل کیږي او د مبیعی قیمت په سلو کښې تر ۷۵ څخه تر (نوی) پوری په مربوطه اسنادو کښې چه پیروندونکی ته لیږل کیږي پیش بینی کیږي.

وروسته له هغه چه ددارو خواوو یا د هغو د نمایندگانو په حضور د مقصد په بندر کښې د مال تول تعیین شو، نو قطعی (حقیقی) بیجک جوړېږي.

د دوو بیجکونو ترمنځ تفاوت د مال د قبولی له نېټې څخه په اتو ورځو کښې د پیروندونکی له خوا ورکاوه یا د پلورونکی له خوا اعاده کیږي.

ماده ۶۸۶:

که په مقاوله کښې د (تخمیناً) قید موجود وی، په دی صورت چه مبیعه د بیړی په ټول بار شوی مال شامله وی، په سلو کښې لس او په دی حال کښې چه مبیعه د بیړی له بار شوی مال څخه یوه برخه وی

امتعه در حین تخلیه از روی وزن معتبر است ممکن می باشد. در این صورت نظر به مندرجات مقاوله بیجک مؤقتی تنظیم می گردد که بعد از حمل امتعه بمشتری ارسال می شود و قیمت مبیعه به اندازه فیصد هفتاد و پنج الی نود در اسناد مربوطه که به مشتری ارسال می شود پیش بینی می گردد.

بعد از اینکه در حضور طرفین و یا نمایندگان آنها وزن امتعه در بندر مقصد تعیین گردید، بیجک قطعی (حقیقی) تنظیم میشود.

تفاوت در بین دو بیجک در ظرف هشت روز از تاریخ قبولی امتعه از طرف مشتری تأدیه و یا از طرف بایع اعاده می شود.

ماده ۶۸۶:

اگر در مقاوله قید (تخمیناً) موجود باشد، در صورتی که مبیعه شامل به تمام محموله کشتی باشد، ده فیصد و در حالیکه مبیعه جزئی از محموله کشتی باشد، پنج

نو په سلو کښې پنځه لږی یا زیاتی له هغې اندازی څخه چه مقاوله شوی دی د تسلیم وړ دی. د قطعی اندازی د تعیین په صورت پیروونکی حق لری چه ټول هغه معین مقدار چه په مقاوله کښې ذکر شوی دی وغواړی مگر پلورونکی له طبیعی او بحری خساراتو څخه چه په سفر کښې مبیعی ته پېښېږی مسئول نه دی د لږوالی یا زیاتوالی د اندازی قیمت چه په دواړو احوالو کښې څرگند شي، نظر د محل ورځنې رواج ته له بیړی څخه د مال ایستل تعیین او تسویه کیږي.

که د مال د حقیقی تول تثبیت د هغه دیوې برخې په بحر کښې د لویدلو له حیثه او یا د لمدیدلو په سبب ممکن نشي، مؤقتی بیجک اعتبار لری.

ماده ۶۸۷:

که په مقاوله کښې دا ډول شرطونه پیش بیني شي چه د مال باریدو څخه وروسته خساری یواځې په پلورونکی پوری اړه لری او یا د معاملی عقد د مقصد محل ته په سالم ډول د بهرې تر رسیدلو پوری

فیصد کمتر و یا زیادتر از مقداریکه مقاوله شده قابل تقسیم است. در صورت تعیین مقدار قطعی، مشتری حق دارد تمام مقدار معین را که در مقاوله ذکر شده طلب نماید. ولی بایع از خسارات طبیعی و بحری که در اثناء سفر به مبیعه وارد می‌شود، مسئول نمی‌باشد. قیمت مقدار کمبودی و یا اضافی ای که در هر دو حال ظاهر گردد نظر به رواج روز و محل اخراج امتعه از کشتی تعیین و تسویه می‌شود.

اگر تثبیت وزن حقیقی امتعه از حیث افتادن یک قسمت آن به بحر و یا از سبب تر شدن ممکن نشود، بیجک مؤقتی اعتبار دارد.

ماده ۶۸۷:

اگر در مقاوله شرایطی پیش بینی شود که خسارات بعد از حمل مال منحصراً به بایع مربوط است و یا عقد معامله را ملتوی به وصول کشتی بطور سالم به محل

معطله پاتی کړی او یا پیروونکی د نمونی په خوښولو کښې چه د عقد په وخت کښې تسلیم شوی وی مختار وگنې، په دی حال کښې د (سیف) د پلورنۍ د مقاولی ماهیت تغییر مومی او معامله د هغې بیع په شکل چه د تخلیې په محل کښې د مال په تسلیم پوری مشروطه وی تبدیلیږی.

مقصد قرار دهد و یا مشتری را به پسند و عدم پسند نمونه که در حین عقد تسلیم شده مختار بشناسد، درین حال ماهیت مقاوله فروش (سیف) تغییر خورده و معامله به شکل بیعی که مشروط به تسلیم مال به محل تخلیه است تبدیل می گردد.

څلورم فصل تجارتی پورونه

فصل چهارم قرض تجاری

۶۸۸ ماده:

ددی دپاره چه پور تجارتی وگڼل شي، شرط دی چه تجارتی چارو کښې د صرفیدلو دپاره پور اخیستی شوی وی.

برای اینکه قرض تجارتی محسوب شود، شرط است به مقصد صرف شدن در امور تجارتی استقراض شده باشد.

۶۸۹ ماده:

د جنس پور لکه د نقد غوندی د تجارتی پور په حیث جائز دی.

قرض جنس مانند نقد بحیث قرض تجارتی جائز است.

۶۹۰ ماده:

پور کوونکی مجبور دی کوم شي چه پور اخلی، په ټاکلې وخت یې په همغه نوع او وصف بیرته ورکړی.

قرض کننده مجبور است چیزی را که قرض می گیرد، در وقت معین با همان نوع و وصف اعاده کند.

۶۹۱ ماده:

هغه شخص چه پرته له پوره په بل کوم سبب د پول یا جنس په ورکړه مجبور وی کولای شي چه پول یا جنس د تجارتی پور په شکل له پوروال سره فیصله کړی.

۶۹۱ ماده:

شخصی که غیر از قرض بنابر سبب دیگری به دادن پول و یا جنس مجبور باشد، می تواند پول و یا جنس را بشکل قرض تجارتی با دائن فیصله کند.

۶۹۲ ماده:

تجارتی پور تل د ټکټ پولی تابع دی مگر دا چه د هغه په خلاف د دواړو خواوو په منځ کښې فیصله شوی وی.

۶۹۲ ماده:

قرض تجارتی همیشه تابع تکت پولی است مگر اینکه بر خلاف آن بین طرفین فیصله شده باشد.

۶۹۳ ماده:

که د ټکټ پولی اندازه په قرارداد کښې ټاکلی شوی نه وی، داسی بلل کیږي چه دواړو خواوو د قانونی ټکټ پولی په ورکړه موافقت کړی دی.

۶۹۳ ماده:

اگر مقدار تکت پولی در قرار داد تعیین نشده باشد، چنین معلوم می شود که طرفین به تأدیه تکت پولی قانونی موافقت نموده اند.

۶۹۴ ماده:

که د پور موده له یوه کال څخه لږه وی، ټکټ پولی د پور د بیرته ورکولو په ورځ ورکوله کیږي او که موده له یو کال څخه زیاته وی، د ټکټ پولی ورکړه د کال په پای کښې لږمیری مگر داچه دواړو خواوو د هغه په خلاف موافقه کړی وی.

۶۹۴ ماده:

اگر مدت قرض کمتر از یک سال باشد، تکت پولی در روز اعاده قرض پرداخته می شود و اگر مدت از یک سال متجاوز باشد، تأدیه تکت پولی در آخر سال لازم میاید مگر این که طرفین بر خلاف آن موافقه نموده باشند.

ماده ۶۹۵:

که ددواړو خواوو په منځ کښې د ورکړې موده ټاکلې شوی وی، پوروال نشي کولای چه د وعدې له رسیدلونه پخوا پورورپی په ورکړه مجبور کړی.

ماده ۶۹۵:

اگر در بین طرفین مدت تأدیه تعیین گردیده باشد، دائن نمی تواند مدیون را قبل از به سر رسیدن وعده به تأدیه اجبار نماید.

ماده ۶۹۶:

د جنس اندازه او قیمت چه د تجارتی چارو دپاره پور کيږي، ددی قانون د (۶۰۹) مادې د ثبوتیه اسبابو په ذریعه د اثبات وړ دی.

ماده ۶۹۶:

مقدار و قیمت جنسی که برای امور تجارتی قرض می شود، ذریعۀ اسباب ثبوتیه ماده (۶۰۹) این قانون قابل اثبات است.

پنځم فصل تجارتی رهن

فصل پنجم رهن تجارتی

ماده ۶۹۷:

ددی دپاره چه تجارتی رهن و گڼل شي لازم دی چه د تجارت په مقصد شوی وی.

ماده ۶۹۷:

برای اینکه رهن تجارتی محسوب شود لازم است که به مقصد تجارتی بعمل آمده باشد.

ماده ۶۹۸:

عقد کوونکی کولای شي چه په اتفاق سره قرار وکړی چه گرو شوی مال دی دریم شخص ته وسپارل شي.

ماده ۶۹۸:

عاقدين می توانند بالاتفاق قرار دهند که مال مرهون به شخص ثالث تودیع شود.

ماده ۶۹۹:

د تجارتی رهن ثبوت ددی اصولنامی له (۶۲۴) مادی سره سم کیږي. که د رهن پور له (پنځو سوو افغانو) څخه زیات وی، باید د تجارتی ثبت په دائره کښې ثبت او تصدیق شي.

ماده ۷۰۰:

د براتونو، حجتونو او نورو تجارتی اسنادو رهن جائز دی د نوم لرونکو اسنادو رهن د مربوطه شرکت په دفتر کښې ثبت او قید کیږي.

ماده ۷۰۱:

پوروال له مرهون مال څخه دخپل حق په استیفا کښې نظر نورو پوروالو ته ترجیحاً وړاندی دی. په مرهون مال کښې د پوروال د ترجیح حق یواځې په دی صورت چه مرهون مال پخپله دپوروال په لاس کښې یا د طرفینو په اتفاق د دریم شخص په لاس کښې وی، معتبر دی.

په دی حال کښې چه گرو شوی مالونه د پوروال او کمیشن کار په مغازه یا د گمرک په تحویل خانو

ماده ۶۹۹:

ثبوت رهن تجارتی مطابق ماده (۶۲۴) این قانون بعمل می آید. اگر دین رهن متجاوز از (پنج صد افغانی) باشد، باید به دائرة ثبت تجارتی ثبت و تصدیق شود.

ماده ۷۰۰:

رهن برات ها، حجت ها و دیگر اسناد تجارتی جایز است. رهن اسناد با نام در دفاتر شرکت مربوط ثبت و قید می شود.

ماده ۷۰۱:

داین در استیقای حق خود از مال مرهون نظر به داینین دیگر ترجیحاً مقدم است. حق ترجیح داین در مال مرهون تنها در صورتی که مال مرهون در دست خود داین و یا به اتفاق طرفین در دست شخص ثالث باشد، معتبر است.

در حالی که اموال مرهونه در مغازه های داین و کمیشن کار و یا در تحویل خانه های گمرک

کسب‌ی موجود وی، داسی گنجل
کیرې چه د پوروال په تصرف کسبې
دی. همدا ډول که د گرو شویو
مالونو له رسیدلو څخه پخوا په یوه
بارنامه کسبې چه پوروال ته ورکړې
شوی ده او یا د حمل او نقل په یوه
مقاوله نامه کسبې چه قید شوی وی
چه (په مقابل کسبې تضمین ورکړې
شوی دی) نو گرو شوی مالونه د
پوروال په تصرف کسبې فرضیږی.

۷۰۲ ماده:

پوروال مجبور دی چه د گرو مال د
بڼې ساتنی دپاره لږم تدبیرونه
ونیسی پوروال مکلف دی چه د
خپل حق د استیفا دپاره د وعدی
په راتگ کسبې قانوني اقدامات
وکړی.

پوروړی مکلف دی چه برسیره
په خپل پور ټول هغه مصارف
چه پوروال د گرو مال د ساتنی
دپاره گاللی دی هم ورکړی.
همدا ډول باید پوروال د هغو
مصارفو حسابونه چه په دی مقصد
یې کړی دی پوروړی ته ورکړی.

۷۰۳ ماده:

په دی صورت چه د هغه په خلاف
کوم شرط مقرر شوی نه وی،

موجود باشد، چنان
محسوب می‌شود که در تحت
تصرف دائن است. همچنین اگر
قبل از وصول اموال مرهونه به
یک بارنامه که به داین داده شده
است و یا در یک مقاوله نامه
حمل و نقل قید شده باشد
که (در مقابل تضمین داده شده
است)، اموال مرهونه در تصرف
دائن فرض می‌شود.

ماده ۷۰۲:

داین مجبور است برای حسن
محافظه مال مرهون تدابیر لږمه
را اتخاذ نماید. دائن مکلف است
در حلول وعده برای استیفاء حق
خود اقدامات قانونی را بعمل
بیاورد.

مدیون مکلف است که علاوه از
دین خود تمام مصارفی را که داین
برای حفاظه مال مرهون متحمل
شده نیز تأدیه بدارد.
همچنان باید دائن حسابات
مصارفی را که به این مقصد
نموده؛ به مدیون بدهد.

ماده ۷۰۳:

در صورتی که بر خلاف آن شرطی
مقرر نشده باشد، دائن مکلف

پوروال مکلف دی چه دتولو هغو حقوقو چه پوروپی یې د اسهامو په شیانو او د مرهون پور په اسناد ولری حمایه وکړی.

۷۰۴ ماده:

که د مرهون پور د اسنادو او د اسهامو د شیانو قیمت په سلو کښې له لسو نه زیات تنزل وکړی، پوروال کولای شي چه د هغو پوره کول له پوروپی څخه وغواړی، مگر دا چه د هغه په خلاف د دواړو خواوو په منځ کښې موافقه شوی وی.

په دی صورت چه پوروپی دا غوښتنه قبوله نکړی او یایی په قبول کښې ځنډ وکړی پوروال کولای شي مرهون مال له (۶۵۵) مادی سره سم وپلوری.

۷۰۵ ماده:

د مماثلو شیانو او یا د پور اسنادو او اسهامو د گرو په حال کښې که دهغو مثل ورکړ شي، په دی مورد کښې رهن هم جاری دی.

۷۰۶ ماده:

په دی صورت چه پوروپی د وعدی د پوره کیدو په وخت

است تمام حقوقی را که مدیون بالای اشیاء اسهام و اسناد قرض مرهون داراست، حمایه کند.

۷۰۴ ماده:

اگر قیمت اشیاء سهام و اسناد قرض مرهونه زیاده از ده فیصد تنزل کند، دائن می‌تواند تکمیل آنرا از مدیون تقاضا نماید، مگر اینکه برخلاف آن بین طرفین موافقه شده باشد.

در صورتی که مدیون این خواهش را قبول نکند و یا در قبول آن تأخیر نماید، داین می‌تواند مال مرهون را مطابق ماده (۶۵۵) به فروش برساند.

۷۰۵ ماده:

در حال رهن اشیاء مماثل و یا سهام و اسناد قرض اگر مثل آنها داده شود حکم رهن در این مورد نیز جاری است.

۷۰۶ ماده:

در صورتی که مدیون در مدت به سر رسیدن وعده

تمام دین را که ذریعه رهن بدست آورده است تأدیه نکند، داین می‌تواند در فروش مال مرهون اقدام ورزد.

برای این مقصد داین به محکمه تجارتی مربوط مراجعه و اجازه فروش مال مرهون را خواهش می‌دارد.

در اثر این خواهش کیفیت فوراً ذریعه محکمه به مدیون و اگر رهن بحساب مدیون از طرف شخص ثالث بعمل آمده باشد، به شخص ثالث نیز تبلیغ می‌شود که اگر اعتراضی داشته باشند، در ظرف سه روز اطلاع دهند.

بعد از مرور سه روز اگر از طرف مدیون و یا شخص ثالث اعتراضی وارد نشود، محکمه تجارتی درباره فروش مال مرهون قراری اتخاذ می‌کند اگر درباره فروش دو مقاوله نامه قیودی موجود باشد، مطابق آن و الا مطابق ماده (۶۵۵) در فروش مال اقدام می‌شود.

کبنی پول هغه پور چه د رهن په ذریعه یې په لاس راوړی دی ورنکړی، پوروال کولای شي د مرهون مال په پلورنه کبنی اقدام وکړي.

ددی مقصد دپاره پوروال مربوطی تجارتی محکمې ته مراجعه کوی او د مرهون مال دپلورنی اجازه غواړی.

ددی غوښتنې په اثر کیفیت ژرترژره د محکمې په ذریعه پوروی ته او که رهن د پوروی په حساب د دریم شخص له خوا شوی وی دریم شخص ته هم تبلیغ کیږي چه که کوم اعتراض ولری په دریو ورځو کبنی اطلاع ورکړي.

وروسته له دریو ورځو تېرېدو څخه که د پوروی له خوا او یا ددریم شخص له خوا کوم اعتراض ونکړی شي نو تجارتی محکمه د مرهون مال دپلورنی په خصوص کبنی امر ورکوی. که د پلورنی په باره کبنی په مقاوله نامه کبنی کوم قید موجود وی، د هغه سره سم او که نه له (۶۵۵) مادی سره سم د مال په پلورنه کبنی اقدام کیږي.

دا قرار تر هغه وخت پورې چه پوروی یا هغه دریم شخص ته چه د پوروی په حساب یې رهن ورکړی وی تبلیغ ونشي، اجراء کیدای نشي.

په تبلیغ کښې محل، ساعت او دپلورنی د اجراء ورځ (او داچه که د محکمې په قرار باندی د تبلیغ له نېټې څخه په دریو ورځو کښې دننه د پوروال له خوا په محکمه کښې کوم اعتراض پېښ نشي، قطعیت به ومومی) ذکر کیږي.

د اعتراض د وقوع په صورت د اعتراض نامې د رسیدو له نېټې څخه په اتو ورځو کښې محکمه مؤظفه ده چه په مسئله کښې غور وکړی او خپل قرار صادر کړی.

۷۰۷ ماده:

په دی حال کښې چه پوروی یا هغه شخص چه د پوروی په حساب یې رهن ورکړی وی د محکمې په منطقه کښې د استوگني ځای نه لری او یا ئې د استوگني ځای نه وی تعیین کړی نو تبلیغ د محکمې د محل په جریده کښې خپریږی. که د محکمې په محل کښې جریده

این قرار تا وقتی که به مدیون ویا شخص ثالثی که به حساب مدیون رهن داده باشد تبلیغ نگردد، اجراء شده نمی تواند.

در تبلیغ محل ساعت و روز اجرای فروش (و اینکه اگر بر علیه قرار محکمه از تاریخ تبلیغ در ظرف سه روز از طرف داین در محکمه اعتراضی واقع نشود، قطعیت پیدا خواهد کرد) ذکر می شود.

در صورت وقوع اعتراض از تاریخ وصول اعتراض نامه در ظرف هشت روز محکمه مؤظف است به مسئله رسیدگی و قرار خود را صادر کند.

ماده ۷۰۷:

درحالی که مدیون و یا شخصی که به حساب مدیون رهن داده باشد در داخل حوزه اقامتگاه نداشته و یا اقامتگاهی تعیین نکرده باشد، تبلیغ در جریده محل محکمه نشر می شود. اگر در محل محکمه جریده

نباشد، تبلیغ در موضع مناسب محکمه تعلیق می‌گردد. مدت معینه ماده (۷۰۶) راجع به اعتراض را به سبب بعد مسافه نمی‌توان تزیید کرد.

ماده ۷۰۸:

حقوقی که مطابق مواد سابقه به داین داده شده است در صورت وفات و افلاس مدیون و یا شخصی که به حساب مدیون رهن داده باشد از بین نمی‌رود.

ماده ۷۰۹:

تعیین چنان شرطی که داین را از استیفای دین از مال مرهون محروم و یا در فروش از استفاده مراسم قانونی ممنوع سازد (در حال عدم تأدیه دین از طرف مدیون)، باطل است.

ماده ۷۱۰:

معاملات رهن امتعه که به مکازین عمومی (گدام) تودیع می‌شود، تابع احکام فصل مخصوص این قانون است که راجع به مکازین های

نه وی نو تبلیغ د محکمی په مناسب خای کنبی خړول کیږي. د (۷۰۶) مادی ټاکلی موده د اعتراض په خصوص کنبی د مسافی د لیرې والی په سبب زیاتیدای نشي.

ماده ۷۰۸:

هغه حقوق چه له پخوانیو موادو سره سم پوروال ته ورکړی شوی دی، د پوروپی یا د هغه شخص د وفات په صورت چه د پوروپی په حساب یې رهن ورکړی وی له منځ څخه نه ځي.

ماده ۷۰۹:

دداسی شرط ټاکل چه پوروال له مرهون مال څخه د پور له استیفا څخه محروم او یا په پلورنه کنبی د قانونی مراسمو له استفادی څخه منع کړی (د پوروپی له خوا د پور د نه ورکړی په حال کنبی) باطل دی.

ماده ۷۱۰:

د هغه مال د رهن معاملات چه مکازین (گدام) ته سپارل کیږي ددی اصولنامی د مخصوص فصل د احکامو تابع دی چه د عمومی مکازینونو په خصوص

کنبی بحث کوی.

عمومی بحث می کند.

شپیم فصل د طلباتو حواله

۷۱۱ ماده:

پوروال کولای شي چه بی د پوروپی له موافقی څخه د خپل طلب حواله بل چاته ورکړی، مگر داچه د معاملی د ماهیت او یا د مقاولې د شرطونو له مخې ممنوع وی.

هغه شخص چه طلب دده په حواله شوی دی د حوالی له نېټې څخه حقوقاً د حواله ورکوونکی شخص حیثیت مومی.

که د سند په متن کنبی د طلب د نه حواله کولو په خصوص کنبی کوم قید موجود نه وی او دریم شخص حواله قبوله کړی نو حواله کوونکی دا ادعا نشي کولای چه ده له خپل لمړنی پوروال سره د طلب د نه حواله کولو په خصوص کنبی کوم شرط ایښی و.

۷۱۲ ماده:

دهغه طلب حواله چه علت ئی فعلاً موجود وی مگر په راتلونکی وخت

فصل ششم حواله طلبات

۷۱۱ ماده:

داین می تواند بدون موافقه مديون طلب خود را بدیگری حواله دهد، مگر اینکه نظر به ماهیت معامله و یا شرایط مقاوله ممنوع باشد.

شخصی که طلب به او حواله شده، از تاریخ حواله حقوقاً حیثیت شخص حواله دهنده را دارا می شود.

اگر در متن سند راجع به حواله نکردن طلب قیدی وجود نداشته باشد و شخص ثالث حواله را قبول نماید، در مقابل حواله گیرنده نمی تواند ادعا کند که او با داین اولی خود راجع به حواله نکردن طلب شرطی گذاشته بود.

۷۱۲ ماده:

حواله طلبی که علت آن فعلاً موجود ولی در آینده تحقق

کښې تحقق کوی جائز دی.

۷۱۳ ماده:

ترهغه وخته پوری چه د طلب حواله په لیکنه سره ونشي له اعتبار څخه ساقطه ده.

۷۱۴ ماده:

پخوا له هغه چه د طلب د حوالی د پوروال له خوا پورپری ته اطلاع ورکړه شي که پورپری پورلومړنی پوروال ته ورکړی دهغه شخص په مقابل کښې چه پورهغه ته ور حواله شوی دی، بری دی.

۷۱۵ ماده:

که په دی باره کښې چه پور په کوم شخص پورې اړه نیسی اختلاف پیدا شي، پورپری کولای شي هغه مبلغ چه پور ورباندی دی حقیقی پوروال ته چه ثابت شي یا امین شخص ته د محکمی په ذریعه وسپاری.

که چېرې پورپری سره له دی چه لدی اختلافه خبر وی خپل پور پرته له هغه چا چه حقیقی خاوند دی بل ته ورکړی، د حواله ورکړی شوی شخص په مقابل کښې یې غاړه نشي خلاصیدای.

می نماید جایز است.

ماده ۷۱۳:

تا وقتی که حواله طلب تحریراً صورت نگیرد از اعتبار ساقط است.

ماده ۷۱۴:

قبل از آنکه حواله طلب از طرف داین به مدیون اطلاع گردد اگر مدیون دین را به داین اولی تأدیه کند در مقابل شخصی که طلب باو حواله داده شده است بری می باشد.

ماده ۷۱۵:

اگر درباره اینکه طلب به کدام شخص عاید است اختلافی موجود شود، مدیون می تواند مبلغی را که مقروض است به داین حقیقی که ثابت شود و یا شخص امین توسط محکمه تودیع نماید.

هرگاه مدیون با وجود معلومات از اختلاف مذکور دین خود را بغیر از شخصی که صاحب حقیقی است تأدیه نماید، در مقابل شخص حواله داده شده بری شده نمی تواند.

که د پور د اړی لرلو په خصوص کښې دعوی څرگنده شوی او موده تیره شوی وی، هریو طرف کولای شي چه پوروړی دی ته اړ کړی چه د پور اندازه رسماً و سپاری.

۷۱۶ ماده:

که پوروړی له حوالی څخه خبر شي، کولای شي چه د هغه اعتراض حق چه د لمړنۍ پوروال په مقابل کښې یې لری کټ مټ د هغه چا په مقابل کښې چه پور هغه ته ورحواله شوی دی هم استعمال کړی. که چېرې پوروړی په پوروال باندی داسی پور ولری چه وعدیې لانه وی پوره شوی، کولای شي چه دا پور له هغه شخص سره چه پور هغه ته ورحواله شوی دی، حساب کړی.

۷۱۷ ماده:

د رجحان او نورو فرعی حقوقو حواله او طلب چه له پور څخه پیدا کیږي هم شامل دی مگر که دا حقوق خاص په پوروال پوری منحصر وی نو په حواله کښې ئې نشی راتلای. پوروال مکلف دی د پور سند هغه

اگر درباره ارتباط دین دعوی بظهور رسیده و میعاد منقضی گردیده باشد، هریک از طرفین می تواند مدیون را وادار سازد که مقدار دین را رسماً تودیع نماید.

ماده ۷۱۶:

در صورتی که مدیون از حواله اطلاع حاصل نماید، می تواند حق اعتراضی را که در مقابل داین اولی دارا می باشد عیناً در مقابل کسی که طلب به او حواله داده شده است نیز استعمال نماید. هرگاه مدیون در مقابل داین دارای طلبی بوده باشد که هنوز میعاد آن به سر نرسیده، می تواند این طلب را در مقابل شخصی که طلب به او حواله داده شده است محاسبه نماید.

ماده ۷۱۷:

حواله و طلب حق رجحان و سایر حقوق فرعی را که از طلب ناشی می شود نیز شامل می باشد، ولی اگر این حقوق منحصر شخص داین باشد، حواله نمی تواند آن را دربر بگیرد. داین مکلف است سند طلب را

به کسی که طلب به او حواله گردیده و سایر وسایل ثبوتیه را تهیه و تسلیم نماید و برای اینکه شخص حواله گیرنده بتواند از مدیون استیفاء دین نماید، معلومات لازم را به او اعطاء کند.

تکت پولی هائیکه بر حواله مترتب می شود، به اصل طلب قابل تأدیه است.

ماده ۷۱۸:

اگر حواله طلب در مقابل عوض اجرا گردیده باشد، شخصی که طلب را حواله داده است باید ضامن موجودیت طلب باشد.

ولی اگر حواله دهنده صراحتاً تعهد نکرده باشد، مسئول عسرت مالی مدیون نیست.

اگر یک شخص طلب خود را که بالای دیگری دارد بلا عوض انتقال داده باشد، از عدم وجود و یا حصول طلب مسئول نمی شود.

ماده ۷۱۹:

اگر شخص طلبی را که بالای شخص دیگری دارد بغرض ادای

چاته چه پور هغه ته حواله شوی او نور ثبوتیه مسایل تهیه او تسلیم کری او ددی دپاره چه حواله اخیستونکی شخص وکولای شي له پوروپی خخه پور واخلی، لازم معلومات هغه ته ورکړی.

هغه ټکټ پولی چه په حواله باندي مرتب کیږي، له اصل پور سره د ورکړی وړ دی.

ماده ۷۱۸:

که د پور حواله د عوض په مقابل کښې اجرا شوی وی نو هغه څوک چه د پور حواله یې ورکړی ده باید د پور د موجودیت ضامن وی.

مگر که حواله ورکوونکی صراحتاً تعهد نه وی کړی، د پوروپی د مالی عسرت مسئول نه دی.

که یوه شخص خپل پور ته چه په بل چایې لری بي له عوضه انتقال ورکړی وی، د پور له نه وجود یا د طلب له حصول خخه نه مسئول کیږي.

ماده ۷۱۹:

که کوم شخص هغه پور چه په بل چا یې لری د پور د ادا کولو په

غرض پوروال ته حواله کړی او هغه اندازه چه باید له پور څخه یې وضع شي ټاکلی نه وی نو هغه څوک چه حواله ورکړی شوی ده مکلف دی چه هغه مبلغ چه حقیقتاً یې له پوروړی څخه اخیستی دی په خپل پور کښې محسوب کړی.

۷۲۰ ماده:

هغه څوک چه د پور حواله ورکوی که د حواله اخیستونکی په مقابل کښې ضامن وی، باید چه د پور د طلب بدل او ټکټ پولی چه د حوالی په مقابل کښې یې اخیستی دی سره د حوالی او د دعوی له مصارفو (که یې په پور وړی کړی وی او بی نتیجې پاتی شوی وی) بیرته ورکړی.

دین به دائن خود حواله داده و مقداری را که باید از دینش وضع شود تعیین نکرده باشد، کسیکه طلب به او حواله داده شده مکلف است مبلغی را که حقیقتاً از مدیون اخذ نموده به دین خود محسوب کند.

۷۲۰ ماده:

شخصی که طلب را حواله می دهد اگر در مقابل حواله گیرنده ضامن باشد، باید بدل طلب و تکت پولی را که در مقابل حواله گرفته با مصارف حواله و دعوی (اگر علیه مدیون اقامه نموده و بی نتیجه مانده باشد) اعاده کند.

اووم فصل جاری حساب

۷۲۱ ماده:

جاری حساب عبارت له هغې مقاولې څخه دی چه د هغې په اساس عاقدین طرفونه په متقابل ډول داسی قبلوی چه خپل هغه پورونه چه نقد و پولونو څخه یا له

فصل هفتم حساب جاری

۷۲۱ ماده:

حساب جاری عبارت از مقاوله ایست که به اساس آن طرفین عاقدین متقابلاً قبول می کنند که طلبات خود را از یکدیگر چه ناشی از پول نقد و چه متولد از

هغو مالونو څخه پيدا کيږي چه ملکيت يې د انتقال وړ وي، په انفرادي صورت يو له بله نه غواړي بلکه حساب قلم په قلم په دبت او کريدت کي معامله کوي او د حساب پاتي يوله بله غواړي.

۷۲۲ ماده:

د جاري حساب د مقاولي احکام په لاندې ډول دی:

۱- د هغو مالونو ملکيت چه د جاري حساب په ضمن کښي د ورکړي (دبت) په حساب قيد يږي اخیستونکي ته منتقل کيږي.

۲- په دی حال کښي چه د دواړو خواوو ترمنځ د جاري حساب د مقاولي له عقد څخه پخوا کومه معامله چه په جاري حساب قيد شوی وي (تر هغه وخته پورې چه د هغه په خلاف شرط شوی نه وي) پخوانۍ معامله تجدید شوی گڼله کيږي.

۳- تجارتي سند په جاري حساب په هغه وخت کښي اجرا کېدای شي چه ورکړه يې مسلمه وي.

۴- د کريدت او دبت پاتي حسابونه چه يو له بله وضع کيږي، د هغو ورکړه ضروري ده.

اموالی که ملکيت آن قابل انتقال باشد، بصورت انفرادی از همدیگر مطالبه نمی نمایند، بلکه حساب را قلم به قلم به دبت و کريدت معامله و بقیه حساب را از یکدیگر تقاضا می کنند.

ماده ۷۲۲:

احکام مقاوله حساب جاری قرار ذیل است:

۱- ملکيت اموالیکه در ضمن حساب جاری به حساب داد (دبت) قيد می گردد بطرف گیرنده منتقل می شود.

۲- در حالیکه قبل از عقد مقاوله حساب جاری در بین طرفین معامله به حساب جاری قيد شده باشد (تا وقتی که خلاف آن شرط نشده باشد) معامله سابقه تجدید شده محسوب می گردد.

۳- سند تجارتي به حساب جاری وقتی صورت گرفته می تواند که تأدیه آن مسلم باشد.

۴- بقیه حسابات کريدت و دبت که از هم وضع می گردد، واجب التأدیه می باشد.

۵- هغه مبلغ چه دیوه تن د کړیدت په ستون کښې قید شوی وی له همغی نېټې څخه د کړیدت کوونکی په گټه او د دبت په ضرر چه د ټکټ پولی تابع دی محسوبیږی.

۷۲۳ ماده:

که د هغه تجارتی سند بدل چه د (۷۲۲) مادی په دریمه فقره کښې ذکر دی تحصیل نشي، مالک ته بیرته ورکول کیږي او قید یې حذفیږی.

۷۲۴ ماده:

ددواړو خواوو په منځ کښې جاری حساب د کمیشن او د هغه د متفرعه مصارفو د غوښتنې نه مانع کیږي.

۷۲۵ ماده:

جاری حساب په هغې نېټې کښې چه د مقاولی یا عرف له مخې ټاکلی دی، تاړه کیږي او د دبت او کړیدت ترمنځ توپیر تثبیتیږی. که په دی باره کښې مقاوله یا تجارتی عرف موجود نه وی، د هر کال د حوت په پای کښې ددواړو خواوو دپاره د جاری حساب تړلو

۵- مبلغیکه در ستون کړیدت یک نفر قید شده باشد، از همان تاریخ به مفاد کړیدت کننده و به ضرر دبت که تابع تکت پولی می باشد محسوب می گردد.

ماده ۷۲۳:

اگر بدل سند تجارتی که در فقره سوم ماده (۷۲۲) ذکر است تحصیل نشود به مالک اعاده و قید آن حذف می شود.

ماده ۷۲۴:

موجودیت حساب جاری بین طرفین، مانع تقاضای کمیشن و مصارف متفرعه آن نمی گردد.

ماده ۷۲۵:

حساب جاری در تاریخی که به اساس مقاوله و یا عرف معین است، بسته شده و تفاوت بین دبت و کړیدت تثبیت می شود. اگر در این باره مقاوله و یا عرف تجارتی موجود نباشد، اخیر حوت هر سال برای جانبین بحیث تاریخ بسته شدن حساب

د نېټې په حیث اعتبار لری.

۷۲۶ ماده:

پاتی حساب چه د دېت او کریدت په نتیجه کښې تثبیت کیږي له همغې نېټې څخه د ټکټ پولی تابع دی.

۷۲۷ ماده:

دواړه خواوې کولای شي چه په پانگه باندې د ټکټ پولی په تبدیل او د ټکټ پولی او د جاری حساب د وخت په ټاکلو او دکمیشن په اندازه کښې مقاوله وکړی.

۷۲۸ ماده:

هغه روپی او مالونه چه د ټاکلی کار او ځانگړی کار کښې د مصرف په مقصد ورکول کیږي په جاری حساب کښې نه داخلېږی.

۷۲۹ ماده:

د دېت او کریدت ټول قلمونه چه په جاری حساب کښې داخل دی، د تجزیې وړ نه دی. د حساب له ترلونه پخوا هیڅ یو طرف پوروال او پوروړی نه گڼل کیږي. د دواړو خواوو حقوقی وضعیت

جاری اعتبار دارد.

۷۲۶ ماده:

باقی حساب که در نتیجه دېت و کریدت تثبیت می شود، از همان تاریخ تابع تکت پولی می باشد.

۷۲۷ ماده:

طرفین می توانند در تبدیل تکت پولی به سرمایه و تعیین زمان میزان حساب جاری و تکت پولی و اندازه کمیشن مقاوله نمایند.

۷۲۸ ماده:

نقود و اموالی که به مقصد صرف در کار معین و یا جداگانه تسلیم داده می شود داخل حساب جاری نمی گردد.

۷۲۹ ماده:

تمام اقلام دېت و کریدت که در حساب جاری داخل است، قابل تجزیه نمی باشد. قبل از بسته شدن حساب هیچ یکی از طرفین داین و مدیون شمرده نمی شود. وضعیت حقوقی طرفین را تنها

یواخی د حساب قطع ټاکي.

۷۳۰ ماده:

د هغو نقودو او مالونو حجر چه په جاری حساب کښې داخل وی هغه وخت اعتبار لری چه پاتی حساب د قطع کیدو په وخت کښې د محجور د حساب په گټه خرگند شوی وی.

۷۳۱ ماده:

د جاری حساب مقاولی نظر لاندنیو علتو ته اصولاً فسخ بلل کیږي:
۱- د مقاولی د ټاکلی مودی ختم.
۲- د دواړو خواوو په موافقه.
۳- د یوه طرف له خوا د مقاولی فسخ په دی صورت چه په مقاوله کښې نه وی منع شوی.
۴- د یوه طرف افلاس.

۷۳۲ ماده:

د یوه طرف د فوت یا محجوریت په صورت کښې بل طرف حق لری چه محکمی ته په مراجعی سره د جاری حساب د مقاولی فسخ وغواړی.

۷۳۳ ماده:

د جاری حساب مقاوله یواخی له تجارتی اسنادو سره اثباتیدای شي.

قطع حساب تعیین می نماید.

۷۳۰ ماده:

حجر نقود و اموال داخل حساب جاری وقتی اعتبار دارد که بقیه حساب در وقت قطع شدن به نفع حساب محجور ظهور کرده باشد.

۷۳۱ ماده:

مقاولات حساب جاری نظر به علل ذیل قانوناً فسخ شمرده می شود:
۱- ختم مدت معینه مقاوله.
۲- به موافقه طرفین.
۳- فسخ مقاوله از جانب یکی از طرفین در صورتی که در مقاوله منع نشده باشد.
۴- افلاس یکی از طرفین.

۷۳۲ ماده:

در صورت فوت و یا محجوریت یکی از طرفین، طرف دیگر حق دارد که با مراجعه به محکمه فسخ مقاوله حساب جاری را تقاضا نماید.

۷۳۳ ماده:

مقاوله حساب جاری تنها با اسناد تجارتی اثبات شده می تواند.

ماده ۷۳۴:

په جاری حساب کښې د دبت او کريدت قيد د هغه عقد حق چه دبت او کريدت پيدا کوی او يا هغه حقوق چه طرفين يې ددی معاملي د دعوی او مدافعی په متعلق لری نه ساقطوی. که عقد يا معامله باطله کړه شي نوهغه قلم چه په هغې پوری اړه لری له حساب څخه وضع کيږي که په عقد کښې په خلاف ددی کوم شرط موجود وی له هغه سره سم تگ کيږي.

ماده ۷۳۵:

د ټکټ پولی د پاتو او د جاری حساب د تصفيې چه ددواړو خواوو په رضا او يا د قانون په حکم ټاکلی کيږي او يا سهو او تکرار او د حقيقت په خلاف د قلمونو درجولو دعوی له پنځو کالو له تيريدونه وروسته ساقطيږي.

اتم فصل

عمومي گدامونو ته سپارنی

ماده ۷۳۶:

هغه محلوله چې د خلقو ذخيري او

ماده ۷۳۴:

قيد دبت و کريدت در حساب جاری حق عقديکه دبت و کريدت را بوجود می آورد و يا حقوقی را که طرفين متعلق به دعوی و مدافعه اين معامله دارند، ساقط نمی سازد. اگر عقد و يا معامله ابطال شود قلم مربوط به آن از حساب وضع می شود. اگر در عقد بر خلاف شرطی وجود داشته باشد مطابق آن رفتار می شود.

ماده ۷۳۵:

دعاوی تصفيه حساب جاری و بقايای تکت پولی که به رضای جانبين و يا حکم قانون تعيين می شود و يا سهو و تکرار و درج اقلام خلاف حقيقت بعد از مرور پنج سال ساقط می شود.

فصل هشتم

توديعات به گدام های عمومی

ماده ۷۳۶:

محل هایی که ذخاير و امتعه مردم

مالونه د ودیعی یا رهن په صورت قبلوی او په مقابل کښې یې اصولي رسیدونه خپلو معامله لرونکو ته ورکوی عمومی گدامونه بلل کیږي.

۷۳۷ ماده:

د عمومی گدامونو احکام د هغو محلونو په باره کښې چې بی د سند، له ورکولو یواځې د مالونو د ودیعی د قبلولو د پاره افتتاح کیږي نه تطبیق کیږي.

۷۳۸ ماده:

د قبض سند چې عمومی گدامونو ته د مودوعه ذخیرو او مالونو په مقابل کښې ورکول کیږي باید دا لاندی تشریحات ولری:

- ۱- د تودیع کوونکی نوم او کسب او د استوگنې ځای.
- ۲- د هغه گدام نوم چې شیان ورته سپارلی شوی دی.
- ۳- د سپارل شویو شیانو د جنس د پیژندلو او اندازې او قیمت د پاره لژمه خصوصیات.
- ۴- د سپارل شویو شیانو د مالیو محصولات او د گمرک د رسومو ورکول او یا نه ورکول او هغه توضیحات چې آیا مالونه

را بصورت ودیعه یا رهن قبول کرده ودر مقابل آن رسیدهای اصولی بمعامله داران خود می دهند گدام های عمومی نامیده می شوند.

ماده ۷۳۷:

احکام گدام های عمومی درباره محل هایی که بدون دادن سند تنها برای قبول ودیعه اموال افتتاح می گردد تطبیق نمی شود.

ماده ۷۳۸:

سند قبض که در مقابل امتعه و ذخایر مودوعه به گدام های عمومی داده می شود باید دارای تشریحات ذیل باشد:

- ۱- اسم و شغل و اقامتگاه تودیع کننده.
- ۲- اسم گدام که اشیا به آن تودیع شده است.
- ۳- خصوصیات لژمه برای فهمیدن جنس، مقدار و قیمت اشیا مودوعه.
- ۴- تأدیه و یا عدم تأدیه مالیات و محصولات و رسوم گمرک اشیا مودوعه و توضیحاتی که آیا اموال بیمه

بیمه شوی دی که نه، د بیمې په صورت د هغو د خصوصیاتو ذکر.

ماده ۷۳۹:

د رهن (ورانت) سند هم کټ مټ د (۷۳۸) مادی داخل تشریحات لری او د قبض له سند سره ضمیمه کیږي.

ماده ۷۴۰:

د معاملاتو د سندونو کاپی په اصولی صورت د عمومی گدامونو د پاڼو په جمله کښې په مرتب ډول ساتلی کیږي.

ماده ۷۴۱:

د قبض او ورانت سند د تودیع کوونکی یا دریم شخص په نامه چې د تودیع کوونکی له خوا ټاکل کیږي جوړیږي.

ماده ۷۴۲:

د قبض او ورانت د سند حامل کولای شي چې سپارلی شوی شيان د رسید په تفریق وغواړي او یا د هر جنس په تفریق خپل عمومی رسید وغواړي په دی صورت د اسنادو جوړولو مصارف د تقاضا کوونکی په غاړه دی او هغه عمومی رسید چې پخوا یې په لاس

شده است یا نه، در صورت بیمه ذکر خصوصیات آن.

ماده ۷۳۹:

سند رهن (ورانت) نیز عیناً دارای تشریحات مندرجۀ ماده (۷۳۸) بوده وبه سند قبض ضمیمه می شود.

ماده ۷۴۰:

کاپی اسناد معاملات بصورت اصولی در جمله اوراق گدام های عمومی مرتب و حفظ می گردد.

ماده ۷۴۱:

سند قبض و ورانت به نام تودیع کننده و یا شخص ثالث که از طرف تودیع کننده تعیین می گردد تنظیم می شود.

ماده ۷۴۲:

حامل سند قبض و ورانت می تواند اشیاء مودوعه را به تفریق رسید مطالبه نماید و یا رسید عمومی خود را به تفریق هر جنس رسید تقاضا کند دراین صورت مصارف تهیه اسناد بذمه تقاضا کننده است و رسید عمومی که قبلاً اخذ داشته است

راوړې دى باطلېږي.

باطل می شود.

ماده ۷۴۳:

د قبض او (ورانت) سند ځانځانته او يا په ګډه سره د شاليکنې (ظهر نویسی) په صورت د انتقال وړدی. شاليکنه باید د هغې ورځې نېټه ولری چې اجراء شوی ده.

سند قبض و (ورانت) علیحده علیحده و یا مشترکاً بصورت ظهر نویسی قابل انتقال است ظهر نویسی باید دارای تاریخ همان روزی باشد که اجرا شده است.

ماده ۷۴۴:

له شاليکنې څخه لاندینی احکام پیدا کیږي:
۱- د قبض او (ورانت) د سند ګډه شاليکنه د مالونو ملکیت منتقل کوی.
۲- یواځې د وړانت په شاليکنه د مالونو د ګروې باعث هغه چاته کیږي چې وړانت ورته نقل شوی دی.
۳- یواځې د قبض د سند په شاليکنه (په دی شرط چې د وړانت د حامل حق محفوظ پاتی شي) د سپارل شویو مالونو او ذخیرو ملکیت انتقالوی.

از ظهر نویسی احکام ذیل بوجود می آید:
۱- ظهر نویسی مشترک سند قبض و (ورانت) ملکیت اموال را منتقل می سازد.
۲- تنها ظهر نویسی وړانت باعث ګروې اموال به شخصی می گردد که وړانت باو انتقال یافته است.
۳- تنها ظهر نویسی سند قبض (بشرطیکه حق حامل وړانت محفوظ بماند) ملکیت امتعه و ذخایر مودوعه را انتقال می دهد.

ماده ۷۴۵:

د وړانت په شاليکنه باید د پور او د ټکټ پولی اندازه او د

ماده ۷۴۵:

ظهر نویسی وړانت باید محتوی مقدار دین و تکت پولی و

مودی د راتگ نېټه ولری.

ماده ۷۴۶:

د وړانت د په شالیکنی تشریحات کټ مټ د قبض په سند کښې هم داخل او په شالیکونکی یې لاس لیکوی.

ماده ۷۴۷:

وړانت او د قبض سند په ګډه سره د سپینی شالیکنی په صورت ظهر نویسی کیدای شي. دا ډول په شالیکنه د په شالیکونکی حقوق حامل ته منتقل کوی.

ماده ۷۴۸:

په عمومی ګدامونو کښې د سپارل شویو ذخیرو او مالونو تر مراقبت لاندی نیول، توقیف یا رهن جائز نه دی. مګر د وړانت او د قبض د سند د ضیاع او یا د میراث او افلاس له مخې د اختلاف په صورت چې په دی حال کښې د محکمی په امر او قرار رفتار کیږي.

ماده ۷۴۹:

د قبض د یوه سند حامل چې له وړانت څخه جلا شوی وی کولای

تاریخ حلول موعده باشد.

ماده ۷۴۶:

تشریحات ظهر نویسی وړانت عیناً در سند قبض نیز درج و ظهر نویسی امضا می نماید.

ماده ۷۴۷:

وړانت و سند قبض مشترکاً بصورت ظهر نویسی سفید می تواند ظهر نویسی شود. اینگونه ظهر نویسی حقوق ظهر نویس را به حامل منتقل می سازد.

ماده ۷۴۸:

تحت مراقبت گرفتن توقیف و یا رهن اموال و ذخائر مودوعه به ګدام های عمومی جایز نمی باشد، مګر در صورت ضیاع وړانت و سند قبض و یا اختلاف از رهگذر میراث و افلاس که در این صورت به امر و قرار محکمه رفتار می شود.

ماده ۷۴۹:

حامل یک سند قبض که از وړانت تفریق گردیده باشد می

شي هغه پور چې د وړانت په ذریعه
تأمين شوی وی سره د هغو له ټکټ
پوليو د مودی تر رسيدلو عمومي
گدامونو ته وسپاری او د وعدی له
رسيد لونه پخوا شيان له گدامونو
خخه وباسی.
هغه مبلغ چې سپارل کيږي د
وړانت د اعادی په مقابل کښي
حامل ته ورکول کيږي.

۷۵۰ ماده:

د قبض هغه سند چې له وړانت
خخه جلا شوی وی حامل يې که
وغواړي کولای شي عمومي گدام
ته د سپارل شويو مالونو او ذخيرو
يوه برخه سره د يوی متناسبی
اندازی پيسو له سپارنې هغو ټولو
پورونو ته چې د مالونو له همغی
برخی خخه په لومړۍ مرحله کښي
د گدامونو تر مسئوليت لاندی
تأمين شوی دی بيرته واخلي.

۷۵۱ ماده:

د وړانت حامل په دی صورت چې د
ده د طلب د مودی په پسر رسيدلو
کښي تسويه نه وی شوی لکه د
برات د حامل غوندی کولای شي
گرو مال د تجارتی رهن له احکامو
سره سم له اعتراض خخه لس

تواند دینسی را که ذریعه
وړانت تأمين گردیده با تکت
پولی های آن تا حلول موعد به
گدام های عمومی توديع و قبل
از حلول وعده اشيا را از مکازين
خارج نماید.
مبلغی که توديع ميشود در
مقابل اعاده وړانت به حامل
آن داده می شود.

۷۵۰ ماده:

سند قبضی که از وړانت
تفريق شده حامل آن اگر
بخواهد می تواند یک
قسمتی از اموال و ذخایر
مودوعه به گدام عمومی را
با توديع یک مقدار پول
متناسب به مجموع دیونی که از
همان قسمت اموال در اول
مرحله تحت مسئوليت مکازين
تأمين شده است واپس بگيرد.

۷۵۱ ماده:

حامل وړانت در صورتی که در
بسر رسيدن موعد طلب او
تسويه نشده باشد مانند
حامل برات می تواند مال
مرهون را طبق احکام رهن
تجارتی ده روز بعد از اعتراض

ورځې وروسته وپلوري.

ماده ۷۵۲:

په (۷۴۸) ماده کښې داخل احوال د پلورنې مانع نه کيږي. مگر قيمت تر قطعې قرار پورې په گدام کښې د وديعې په حيث پاتې کيږي.

ماده ۷۵۳:

د گدام اجوره او هغه مصارف چې د مالونو او ذخيرو د گمرکي او نورو محصولاتو د ورکړې د پاره د عمومي گدامونو له خوا کيږي له مرهون مال څخه په استيفا کښې د اوليت حق لري.

ماده ۷۵۴:

هغه پول چې له مرهون مال څخه په لاس راځي وروسته د (۷۵۳) مادې د ذکر شويو مصارفو او اجوري له وضع نور د سند له حامل سره د معاملې د تسويې د پاره په گدام کښې پاتې کيږي.

ماده ۷۵۵:

د وړانت حامل هغه وخت کولای شي پورورې او يا د هغه په شاليکونکي ته مراجعه وکړي چې

بفروش برساند.

ماده ۷۵۲:

احوال مندرجه ماده (۷۴۸) مانع فروش نمی‌شود اما قيمت الی قرار قطعې بحيث وديعه در گدام می ماند.

ماده ۷۵۳:

اجوره گدام و مصارفيکه برای تأديه محصولات گمرکي و يا سائر محصولات اموال و ذخاير از جانب گدام های عمومي می‌شود در استيفا از مال مرهون حق اوليت دارد.

ماده ۷۵۴:

پولی که از مال مرهون بدست می‌آید بعد از وضع مصارف و اجوره متذکره ماده (۷۵۳) بقیه برای تسويه معامله با حامل سند در گدام می ماند.

ماده ۷۵۵:

حامل وړانت وقتی می تواند به مدیون و یا به ظهر نویس های آن مراجعه نماید که فروش مال

د مړهون مال پلورنه د هغه د پور
بسه ونکړي.

ماده ۷۵۶:

د قبض او (ورانت) حامل د هغې
زمانې د تیریدو تابع دی چې د
برات په خصوص کښې مقرر
شویده په شالیکونکي ته د
مراجعی د پاره د ذخیرو او مالونو
د پلورنې ورځ د زمانې د تیریدو
مبدأ حسابیږي.

ماده ۷۵۷:

د هغه وړانت حامل چې اعتراض
یې نه دی کړی او یا یې په قانوني
موده کښې د مړهونو مالونو په
پلورنه اقدام نه وی کړی د
شالیکونکو په مقابل کښې خپل
ټول حقوق له لاسه باسی مگر د
پوروپي په برابر دده د دعوی حق
پاتی کیږي.

ماده ۷۵۸:

هغه حامل چې د قبض سند یا
ورانت ضایع کوی د ملکیت د
اثبات او ضمانت ورکولو په شرط
کولای شي چې د تجارتی واک
لرونکی محکمې له اجازې او په
محلی جريدو کښې له اعلان او له

مړهون طلب او را کفایت
نکند.

ماده ۷۵۶:

اسناد قبض و (ورانت) تابع آن
مرور زمانی می باشد که در
خصوص برات مقرر شده است
برای مراجعه به ظهرویس ها
مبدأ مرور زمان روز فروش
اموال و ذخایر حساب
می شود.

ماده ۷۵۷:

حامل وړانتی که اعتراض
نموده و یا در مدت قانونی
بفروش اموال مړهون اقدام
نکرده باشد همه حقوق خود
را در مقابل ظهرویس ها
ضایع می کند اما در برابر
مدیون حق دعوی او باقی
می ماند.

ماده ۷۵۸:

حاملی که سند قبض و یا وړانت
را ضایع می کند بشرط اثبات
مالکیت و دادن ضمانت می تواند
پس از اجازه محکمه صلاحیتدار
تجارتی و بعد از اعلان به جراید
محلی و مرور مدتی که برای

هغې موده، تیریدو نه وروسته چې د اعتراض د پاره ټاکلی شوی ده د هغو مثنی و غواړي که د له لاسه وتلي وړانت وعده سرته رسیدلی وی د حامل د غوښتنې په اساس محکمه کولای شي چې د پور د تسویې د پاره اجازه ورکړي. که اجازه په گدام او وړانت پورې اړه ولری نو کیفیت هم گدام او هم لمړنی پورورې ته ابلاغیږي. د گدام خاوند او پوړی کولای شي چې د محکمې د اجازې په مقابل کښې اعتراض وکړي.

په دی صورت محکمه د اعتراض په باره کښې فوراً حکم صادروي، که حکم د پور وال په گټه وی په مؤقت ډول تر اجرا لاندی نیول کیږي مگر تر هغه وخته پوری چې د محکمې اعلان قطعیت مومی هغه مبلغ چې د مرهون مال له پلورنې څخه په لاس راځی د محکمې په امر په یوه مصئون محل کښې اینښودلی کیږي.

ماده ۷۵۹:

د عمومی گدامونو د تأسیس او د سپارنې وړمالو نو اصول او شرطونه د مخصوصو لایحو او

اعتراض تعیین شده مثنی آنرا مطالبه نماید اگر وعده وړانت ضایع شده بسر رسیده باشد به اساس تقاضای حامل محکمه می تواند درباره تسویه دین اجازه بدهد اگر اجازه متعلق به گدام و وړانت باشد کیفیت هم بگدام و هم به مدیون اولی ابلاغ می شود مالک گدام و مدیون می توانند در مقابل اجازه محکمه اعتراض نمایند.

در این صورت محکمه درباره اعتراض فوراً حکم صادر می کند اگر حکم به نفع دائن باشد مؤقتاً تحت اجرا گرفته می شود ولی تا وقتی که اعلام محکمه کسب قطعیت می کند مبلغیکه از فروش مال مرهون حاصل می شود بامر محکمه به محل مصئون تودیع می شود.

ماده ۷۵۹:

اصول و شرایط تأسیس گدام های عمومی و اموال قابل تودیع به اساس هدایت یا لایحه های

هدایت په اساس ټاکل کیږي.

نهم فصل تجارتی وکالت

ماده ۷۶۰:

د تجارتی وکالت موضوع د مؤکل په نامه او حساب سره د تجارتی معاملاتو اجرا ده تجارتی وکالت بی اجرته اجرا کیدای نشي.

ماده ۷۶۱:

تجارتی وکالت که څه هم عمومی الفاظ او تعبیرات ولری ترهغه وخته چي مخصوص صراحت موجود نه وی په غیر تجارتی معاملاتو کښي شاملېدای نشي.

که وکیل د ځينو مربوطو کارونو په باره کښي له خپل مؤکل څخه په یوه کار کښي هدایت اخیستی وی د هغه کار په پاتی برخو کښي د هغه وکالت پخپل اعتبار پاتی دی.

وکالت د یوه ټاکلی کار دپاره ورکول کیږي ټول هغه معاملات چي د دی کار د اجرا د پاره لارم دی بی له ځانگړی یادونی په دغه وکالت کښي شامل دی.

مخصوصه تعیین می شود.

فصل نهم وکالت تجارتی

ماده ۷۶۰:

موضوع وکالت تجارتی اجرای معاملات تجارتی است بنام و حساب مؤکل وکالت تجارتی بلا اجرت اجرا شده نمی تواند.

ماده ۷۶۱:

وکالت تجارتی ولو اینکه محتوی الفاظ و تعبیرات عمومی باشد تا وقتی که صراحت مخصوص موجود نباشد نمی تواند شامل معاملات غیر تجارتی باشد.

اگر وکیل درباره بعضی از امور مربوطه به یک کار از مؤکل خود هدایت گرفته باشد وکالت در قسمت های متباقیه همان کار بر اعتبار خود باقی است.

وکالت برای یک کار معین داده می شود همه معاملات را که برای اجرای این کار لازم است بدون تذکر جداگانه در بر می گیرد.

ماده ۷۶۲:

تاجر کولای شي هغه وکالت چې ده ته سپارل کیږي قبول یا رد کړي مگر د تردید په حال کېنې مجبور دی چې:

اول: بی د وخت له فوته د کیفیت اطلاع ورکړي.

دوهم: مؤکل ته د تردید د خبر تر رسیدلو پوری د مال د ساتنې او له خسارې څخه د مؤکل د گوښې دپاره لږم تدبیرونه ونیسي. د دی په عکس د پېښې شوی خساری په جبران مجبور دی.

ماده ۷۶۳:

که مؤکل د تردید د خبر رسیدلونه وروسته په یو زمان کېنې چې متناسبه مسافه وی کوم بل شخص ونه ټاکي وکیل کولای شي چې له (۶۵۵) مادی سره سم محکمی ته مراجعه وکړي او د مالونو د ساتنې د پاره د یوه امین شخص ټاکل وغواړي برسیره په هغه تقاضا وکړي چې د مصارفو په اندازه له مربوطو مالونو څخه د پلورنې اجازه ورکړي.

ماده ۷۶۲:

تاجر می تواند وکالتی را که باو سپرده می شود قبول و یا تردید کند ولی در حال تردید مجبور است:

اول: کیفیت را بدون فوت وقت اطلاع دهد.

دوم: الکی وصول خبر تردید به مؤکل تدابیر لږمه را برای محافظه اموال و وقایه مؤکل از خساره اتخاذ نماید بر عکس آن مجبور به جبران خساره متولده است.

ماده ۷۶۳:

اگر مؤکل بعد از وصول خبر تردید در یک زمانیکه بمسافه متناسب باشد شخص دیگری را تعیین ننماید وکیل می تواند بر طبق ماده (۶۵۵) به محکمه مراجعه و تعیین شخص امین را برای محافظه اموال خواهش نماید و علاوه تقاضا کند که اندازه مصارف اجازه فروش را از اموال مربوطه اعطا کند.

ماده ۷۶۴:

که وکیل واضحی علامی ووینی چپی په سفر کښې د مالونو په خساره دلالت کوی مکلف دی ترڅو د شیانو په نقل ورکوونکی باندی د مؤکل د دعوی د تأمین د پاره خساری کشفی کړی او د مالونو د ساتنې د پاره تر ووسی پوری لازم تدبیرونه ونیسی. د شیانو د کامله تلفیدو د خطر د وجود په صورت دی د محکمی په اجازه له (۶۵۵) مادی سره سم هغه وپلوری او کیفیت دی بی له ځنډه مؤکل ته اطلاع ورکړی که نه وکیل د خپلی بی پروایي له کبله د پېښې شوی خساری په ورکړه مجبور دی.

ماده ۷۶۵:

که چېرې هغه مالونه چې د پلورنې په مقصد وکیل ته ورلیږل کیږي ژر فاسدیږی یا تغییر مومی چې د قیمت د ټیټوالی خطر ایجاب کړی او له مؤکل څخه د اجازی غوښتلو وخت مساعد نه وي او یا پخپله مؤکل په اجازه ورکولو کښې ځنډ وکړی وکیل د واک لرونکی محکمی په امر له

ماده ۷۶۴:

اگر وکیل علائم واضحی مشاهده نماید که دال بر خساره اموال در اثنای سفر باشد مکلف است تا برای تأمین دعوی مؤکل علیه نقل دهنده اشیاء خسارات را کشف و تدابیر لازمه را حتی الامکان برای محافظه اموال اتخاذ نماید در صورت وجود خطر تلف شدن کامل اشیاء مطابق ماده (۶۵۵) به اجازه محکمه آنرا بفروش رسانیده و کیفیت را بلا معطلی به مؤکل اطلاع بدهد بر عکس وکیل به جبران خساره متولده از اهمال خود مسئول است.

ماده ۷۶۵:

هرگاه اموالیکه بمقصد فروش بوکیل فرستاده می شود سریع الفساد و یا معروض به تغییراتی باشد که خطر تنزیل قیمت ایجاب کند و برای استیذان از مؤکل وقت مساعد موجود نباشد و یا خود مؤکل در دادن اذن معطلی کند وکیل باساس امر محکمه ذی صلاحیت مطابق

(۶۵۵) مادی سره سم د مالونو په پلورنه کښې اقدام کوی.

۷۶۶ ماده:

وکیل مجبور دی د ټولو هغو احوالو څخه چې د وکالت د تعدیل او یا رفع باعث شوی وی مؤکل ته اطلاع ورکړی.

۷۶۷ ماده:

وکیل په هغو شیانو کښې له پېښو شویو خسارو څخه چې د مؤکل په حساب له ده سره وی په دی صورت مسئول دی چې پېښې شوی خساری د فوق العاده احوالو او یا د مجبره اسبابو او یا پخپله په شیانو کښې د موجوده نقصانو په اثر نه وی پیدا شوی.

۷۶۸ ماده:

وکیل موظف دی چې په مناسب او معقول وخت کښې د مؤکل روپی واخلی او وروپې لیرې او که دا وظیفه اجراء نکړی نو مجبور دی چې له همغی نېټې څخه ټکټ پولی ورکړی او د ایجاب له مخې پېښه شوی خساره جلا ورکړی.

ماده (۶۵۵) در فروش اموال اقدام می نماید.

ماده ۷۶۶:

وکیل مجبور است تمام احوالی را که باعث تعدیل و یا رفع وکالت شده باشد به مؤکل اطلاع دهد.

ماده ۷۶۷:

وکیل از خسارات وارده در اشیائی که بحساب مؤکل در نزد او می باشد در صورتی مسئول است که خسارات وارده در اثر احوال فوق العاده و یا اسباب مجبره و یا نقائص موجوده در خود اشیاء بوجود نیامده باشد.

ماده ۷۶۸:

وکیل موظف است در زمان معقول و مناسب پول مؤکل را تسلیم و ارسال نماید و اگر این وظیفه را ایفا نکند مجبور است از همان تاریخ تکت پولی تأدیه و عند الإیجاب خساره وارده را جداگانه جبران نماید.

ماده ۷۶۹:

وکیل نشی کولای چپ د مؤکل له صریح او قطعی امر و نوخه مخالفت وکړی او که نه په هغې خساری ورکولو باندی مجبور یږی چې له دی لارې پیدا کیږی مگر که د وکالت اجراء نظر د مؤکل امر یې ته د مؤکل د پاره کلی خساره پیښوی د مؤکل په اجازه معامله ځنډولی شي.

ماده ۷۷۰:

په هغو معاملاتو کښې چې د مؤکل صریح هدایت موجود نه وی وکیل معامله د مؤکل تر هدایت پورې ځنډولی شي مگر که د کار فوریت د مؤکل تر استیذان پورې وخت ونه لری او یا وکیل اجازه ولری ترڅو د گتورو شرایطو په دائره کښې حرکت وکوی په دی حال کښې کولای شي چې په ډیر فکر سره خپله معامله اجراء کړی.

ماده ۷۷۱:

وکیل مجبور دی چې وروسته د وکالت له اجراء کولونه بی له ځنډه مؤکل ته اطلاع ورکړی که وکیل د خپل وکالت له حدودو څخه تیری

ماده ۷۶۹:

وکیل نمی تواند به او امر صریح و قطعی مؤکل مخالفت کند بر عکس مجبور به جبران خساره می شود که ازین حیث تولید می گردد ولی اگر اجرای وکالت نظر به امریه مؤکل خساره کلی را برای مؤکل محقق می گرداند به استیذان مؤکل معامله را تأخیر داده می تواند.

ماده ۷۷۰:

در معاملاتى كه هدايت صریح مؤكل موجود نباشد وکیل معامله را تا هدايت مؤكل تأخیر داده می تواند ولی اگر فوریت کار برای استیذان مؤكل مساعد نباشد ویا وکیل اجازه داشته باشد تا در دائره شرایط مفیده حرکت کند درین حال می تواند با بصیرت معامله را اجراء نماید.

ماده ۷۷۱:

وکیل مجبور است بعد از ایفای وکالت کیفیت را بلا تأخیر به مؤکل اطلاع دهد اگر وکیل از حدود وکالت خود

کړې وي نوکه مؤکل له معاملې څخه له اطلاع وروسته په لږم وخت کښې ځواب ورنکړې داسې گڼل کېږي چې موافقه یې کړې ده.

۷۷۲ ماده:

که وکیل هغه مبلغ چې د مؤکل په حساب یې اخیستی دی د ټاکلې مقصد د پاره استعمال نکړي په هغه ډول چې د روپو د اخیستلو له نېټې نه د ټکټ پولې په ورکړې مجبور دی په همدې شان د وکالت د نه اجرا کولو د خساری له جبران څخه هم مسئول دی او که حيله او چل یې کړي وی تر جزائې تعقیباتو لاندې به هم راشي.

۷۷۳ ماده:

که دریم کسان چې له وکیل سره مقاوله تړلې ده وکالت نامه وغواړي وکیل مجبور دی چې هغه ورته ښکاره کړي او که نه دریم کسان کولای شي چې له عقد څخه رجوع وکړي که وکیل اثبات کړي چې دریم کسان د عقد په وخت کښې د مؤکل له هدایت څخه خبر وو نو له عقد څخه رجوع نشي کولای.

تجاوز کرده باشد در صورتی که مؤکل بعد از اطلاع از معامله در زمان لږمه جواب ندهد مثل این است که موافقه کرده است.

ماده ۷۷۲:

اگر وکیل مبلغی را که بحساب مؤکل گرفته برای مقاصد معینه استعمال ننماید طوری که از تاریخ گرفتن پول مجبور به پرداخت تکت پولی است همچنین مسئول جبران خساره عدم ایفای وکالت هم می باشد و اگر حيله و خدعه بکار برده باشد مورد تعقیبات جزائیه نیز قرار خواهد گرفت.

ماده ۷۷۳:

اشخاص ثالث که با وکیل مقاوله عقد نموده اند وکالت نامه مطالبه نمایند وکیل مجبور است آنرا ارائه نماید و الا اشخاص ثالث می توانند از عقد رجوع کند اگر وکیل اثبات کند که اشخاص ثالث در حین عقد از هدایات مؤکل بوکیل مطلع بوده اند از عقد رجوع نمی توانند.

ماده ۷۷۴:

که د هغه چا وکالت چې د یوه شخص د وکیل یا ممثل په حیث حرکت کوی حقیقت پیدا نکړی او یا هغه معامله چې له واک څخه د باندی یې اجراء کړی ده د مؤکل له خوا تصویب نشي پخپله دی د هغې معاملی مسئول دی.

ماده ۷۷۴:

اگر وکالت کسیکه بحیث وکیل و یا ممثل یک شخص حرکت می‌کند حقیقت پیدا نکند و یا معامله را که خارج صلاحیت انجام نموده است از طرف مؤکل تصویب نشود بالذات مسئول همان معامله است.

ماده ۷۷۵:

مؤکل مکلف دی چې وکیل د پاره د وکالت د اجراء لارم وسایل راغونډ کړی مگر دا چې په مقاوله کښې د هغه په خلاف قبول شوی وی.

ماده ۷۷۵:

مؤکل مکلف است و سائل لارمه اجرای وکالت را برای وکیل فراهم سازد مگر اینکه خلاف آن در مقاوله قبول شده باشد.

ماده ۷۷۶:

د وکالت اجرت په دی صورت چې مقاوله ترمنځ نه وی د محکمی له خوا نظر د وکالت عرف او احوالو او شرایطو ته ټاکل کیږي.

ماده ۷۷۶:

اجرت وکالت در صورت عدم وجود مقاوله از طرف محکمه نظر به عرف و احوال و شرایط وکالت تعیین می شود.

ماده ۷۷۷:

د وکالت د اجراء په ضمن کښې له مؤکل څخه د وکیل طلبات په دی صورت مرجع دی چې دا طلبات د وکالت موضوع د مال او یا د وکالت د اجرت په مقابل کښې پیشکی روپی استقراض او برات

ماده ۷۷۷:

طلبات وکیل از مؤکل در ضمن اجرای وکالت در صورتی مرجع است که این طلبات پول پیشکی استقراض و برات صادر شده در مقابل مال موضوع وکالت و یا اجرت

صادر شوی وی او هغه روپی چې د وکالت د موضوع په خصوص کښې په نورو شکلونو پور اخیستل کیږي پيدا شوی وی. که د مؤکل شیان د وکیل له خوا پلورل شوی وی کولای شي چې مربوط مصارف د شیانو له قیمت څخه مرجحاً تحصیل کړي.

۷۷۸ ماده:

لپاره د دی چې په (۷۷۷) ماده کښې ذکر شوی ترجیح صورت ونیولی شي لږم دی ترڅو خپل طلبات چې په مؤکل یې لری د محکمی په ذریعه مؤکل ته تبلیغ کړي او په تبلیغ کښې زیات کړي چې که مؤکل په پنځو ورځو کښې خپل پور تسویه نکړي د هغو مالونو په پلور نه کښې چې د ترجیح حق لری اقدام کوی مؤکل حق لری چې په دی تبلیغ اعتراف وکړي او وکیل محکمی ته وغواړي، مؤکل مجبور دی له هغې نېټې څخه چې ده ته یې تبلیغ شوی دی دا اعتراض په موده د درې ورځو کښې د محکمی په ذریعه وکیل ته ورسوی. که مؤکل د وکیل د استوگنې په

وکالت و مبالغیکه به اشکال دیگر راجع بموضوع وکالت قرض گرفته می شود تولید شده باشد. اگر اشیای مؤکل از طرف وکیل فروخته شده باشد مصارف مربوط را می تواند از قیمت اشیای مرجحاً تحصیل نماید.

۷۷۸ ماده:

برای اینکه ترجیح متذکره ماده (۷۷۷) صورت گرفته بتواند لازم است تا وکیل طلبات خود را که بالای مؤکل دارد ذریعه محکمه به مؤکل تبلیغ بدارد و در تبلیغ علاوه نماید که اگر در ظرف پنج روز مؤکل دین خود را تسویه ننماید بفروش اموالیکه حق ترجیح دارد اقدام می ورزد مؤکل حق دارد باین تبلیغ اعتراض و وکیل را به محکمه دعوت نماید. مؤکل مجبور است این اعتراض را در ظرف سه روز از تاریخ تبلیغی که به او شده توسط محکمه به اطلاع وکیل برساند. اگر مؤکل در محل اقامتگاه وکیل

محل کنبې استوگنځۍ ونه لری د
اعتراض موده په لاندی ډول
اوږدېږي:

که د مؤکل د استوگنې ځای د
محکمې په حوزه کنبې وی د
اعتراض موده شل ورځی او که
مؤکل په کوم یوه ولایت کنبې
اوسېږي د اعتراض موده یې
خلوېښت ورځې ده.

که مؤکل په د باندینو ملکونو
کنبې استوگنه ولری د اعتراض
موده یې عبارت له هغو مودو
خخه ده چې د حقوقی محاکماتو په
اصولو کنبې مقرر شوی ده.
د مودی د تیریدو یا د اعتراضاتو
د تردید په صورت وکیل کولای
شي چې د څېړنې موضوع مالونه د
(۶۵۵) مادی له احکامو سره سم
ویلوری.

۷۷۹ ماده:

د یوه معین کار د پاره د متعددو
وکیلانو د ټاکلو په حال کنبې که د
هغو د عمل اشتراک د ټاکلو په
حال کنبې که د هغو د عمل
اشتراک تصریح شوی نه وی
نوهریود بل د نشتوالی په صورت
د معاملی د اجرا واک لری او که د

کدام اقامتگاهی نداشته باشد
مدت اعتراض قرار ذیل تمدید
می شود:

هرگاه محل اقامت مؤکل در
حوزه محکمه باشد مدت
اعتراض بیست روز و اگر مؤکل
در یکی از ولایات مقیم باشد
مدت اعتراض چهل روز
است.

اگر مؤکل در ممالک اجنبیه
اقامت داشته باشد مدت
اعتراض عبارت از مدت های
است که در اصول محاکمات
حقوقی مقرر شده است.
در صورت مرور مدت و یا تردید
اعتراضات وکیل می تواند اموال
موضوع بحث را بر طبق احکام
ماده (۶۵۵) بفروشد
رساند.

۷۷۹ ماده:

در حال تعیین وکلای متعدد
برای کار معین هرگاه اشتراک
عمل آنها تصریح نشده
باشد هر کدام در صورت
عدم وجود دیگری
صلاحیت اجرای معامله
را دارد اگر اشتراک عمل

وکیلانو د کار اشتراک تصریح شي او د هغو د ځینو له خوا وکالت قبول نشي هغه وکیلان چې اکثریت لری کولای شي چې وکالت قبول کړي او معامله پای ته ورسوي.

۷۸۰ ماده:

که مؤکل بی له معقول سبب څخه وکیل عزل کړي او یا هغه کار چې د وکیل له خوا تعهد شوی دی د وکیل د گوښه توب او استعفی په اثر تکمیل نشي نو هغه طرف چې د دی امر باعث کیږي مکلف دی چې د مقابل طرف د خساری تاوان ورکړي.

۷۸۱ ماده:

که د وکیل او یا مؤکل د افلاس، وفات او یا تقصیر په اثر وکالت خاتمه ومومي نو وکیل یا هغه چاته چې د هغه قایم مقام کیږي د کار د تکمیل د اجرت په تناسب حق الزحمه ورکوله کیږي.

وکلاء تصریح شود و از طرف بعضی آنها وکالت قبول نگردد وکلائی که اکثریت دارند می توانند وکالت را قبول و معامله را انجام دهند.

۷۸۰ ماده:

در صورت عدم سبب معقول اگر مؤکل وکیل را عزل نموده و یا کاری که از طرف وکیل تعهد گردیده است در اثر کناره گیری و استعفای وکیل تکمیل نشود طرفی که باعث این امر می شود مکلف است خساره طرف مقابل را جبران نماید.

۷۸۱ ماده:

اگر در اثر افلاس یا وفات و یا تقصیر مؤکل و یا وکیل وکالت خاتمه یابد به وکیل و یا کسی که قایم مقام آن می شود به تناسب اجرت تکمیل کار حق الزحمه داده می شود.

لسم فصل کمیشن کاری

۷۸۲ ماده:

هغه څوک چې تجارتی معاملات په خپل نامه او د معاملی د خاوند (آمر) په حساب د یو اجرت په مقابل کښې د عادتی کسب په حیث اجرا کوی (کمیشن کار) او هغه مقاوله چې د معاملی د خاوند او د کمیشن کار ترمنځ ترله کیږي (د کمیشن مقاوله) بلله کیږي.

۷۸۳ ماده:

که د معاملې خاوند د هغې اجراء په خپل نامه صراحتاً شرط ایښی وی دا مقاوله د تجارتی وکالت د احکامو تابع ده.

۷۸۴ ماده:

که په دی فصل کښې د آمر او کمیشن کار د متقابل حقوقو او وجایبو په خصوص کښې مخصوص احکام موجود نه وی نود وکالت احکام تطبیق کیږي.

۷۸۵ ماده:

د کمیشن له معاملی څخه پیدا شوی حقوق او وجایب

فصل دهم کمیشن کاری

۷۸۲ ماده:

شخصی که معاملات تجارتی را بنام خود و بحساب صاحب معامله (آمر) در مقابل یک اجرت بحیث کسب معتاده اجرا می کند (کمیشن کار) و مقاوله که در بین صاحب معامله و کمیشن کار منعقد می گردد (مقاوله کمیشن) نامیده می شود.

۷۸۳ ماده:

اگر صاحب معامله اجرای آنرا بنام خود صراحتاً شرط گذاشته باشد این مقاوله تابع احکام وکالت تجارتی است.

۷۸۴ ماده:

هرگاه در این فصل احکام مخصوصه راجع به حقوق و وجائب متقابله آمر و کمیشن کار موجود نباشد احکام وکالت تطبیق می شود.

۷۸۵ ماده:

حقوق و وجائب ناشی از معامله کمیشن منحصراً

خاص په کمیشن کار پوری اړه لری
نه په امر او دریم شخص پوری.

ماده ۷۸۶:

کمیشن کار مکلف دی هغه
کارونه چې صراحتاً یا ضمناً
یې قبول کړی دی اجرا او ترسره
کړی. هغه کمیشن کار چې بی د
(۷۸۹ او ۷۹۰) مادو داخلو
قانونیه اسبابو له استناده
محول شوی چاری نه اجرا کوی
مجبوری چې د امر د خسارو
تاوان ورکړی.

ماده ۷۸۷:

د امر فوت د کمیشن د مقاولی د
فسخ باعث نگرځي حقوق او
وجایب ورثی ته منتقل کیږي.

ماده ۷۸۸:

امر نشي کولای د کمیشن له
داسی مقاولی څخه چې د کمیشن
کار له خوا قبوله شوی وی رجوع
وکړی.

ماده ۷۸۹:

که محققه وی چې د کمیشن د
موضوع اجرا د بل چاپه ذریعه
ممکن نه ده او یا د بل شخص په
ذریعه د امر د پاره مشکلات او

متعلق به کمیشن کار است نه
امر و اشخاص ثالث.

ماده ۷۸۶:

کمیشن کار مکلف است
اموری را که صراحتاً و یا
ضمناً قبول کرده است اجرا و
اکمال نماید کمیشن کاریکه
بدون استناد به اسباب قانونیه
مندرجه مواد (۷۸۹ و ۷۹۰)
امور محوله را اجرا و انجام نمی
کند مجبور است خسارات
امر را جبران کند.

ماده ۷۸۷:

فوت امر باعث فسخ مقاوله
کمیشن نمی گردد حقوق و وجایب
به ورثه منتقل می شود.

ماده ۷۸۸:

امر نمی تواند از چنان
مقاوله کمیشن که از طرف
کمیشن کار قبول شده رجوع
نماید.

ماده ۷۸۹:

اگر محقق باشد که اجرای
موضوع کمیشن بذریعه کسی
دیگر ممکن نباشد و یا توسط
شخص دیگر برای امر مشکلات و

خساره پیدا کړی نو کمیشن کار نشي کولای چې له خپلی مقاولی څخه رجوع وکړی.

۷۹۰ ماده:

په دی صورت چې د کمیشن د مقاولی د مقرراتو اجرا په روپوړی تړلی وی او امر په پوره اندازه نه وی لیرلی او یا دا چې بیان یې کړی وی چې مقتضی روپی دی د کمیشن کار له خوا ورکړلی شي مگر د هغو د ورکړی کیفیت د کمیشن کار د امر له خوا تصریح شوی نه وی کمیشن کار کولای شي چې تل د کمیشن له مقاولی څخه رجوع وکړی او یا د مقاولی اجرا تال کړی.

۷۹۱ ماده:

که د کمیشن د مقاولی د مالونو اټکلی قیمت په دومره اندازه لږ وی چې د نقلیه وسایلو بسنه ونکړی نو کمیشن کار مجبور دی چې بی له تاله امر ته د دغه کیفیت اطلاع ورکړی برسېره په دی د دی مالونو د تسلیمی د پاره کولای شي چې له (۶۵۵) مادی سره سم له محکمی څخه د یوه امین شخص ټاکل وغواړی.

خساره تولید کړی کمیشن کار نمی تواند از مقاوله خود رجوع نماید.

۷۹۰ ماده:

در صورتیکه اجرای مقررات مقاوله کمیشن وابسته به پول بوده و امر به اندازه کافی نفرستاده باشد و یا اینکه بیان نموده باشد که پول مقتضی از طرف کمیشن کار داده شود و لی چگونگی تأدیه آن از طرف امر کمیشن کار تصریح نشده باشد کمیشن کار می تواند همیشه از مقاوله کمیشن رجوع و یا اجرای مقاوله را به تعویق اندازد.

۷۹۱ ماده:

اگر قیمت تخمینی اموال موضوع مقاوله کمیشن به اندازه کم باشد که مصارف نقلیه را تکافو نکند کمیشن کار مجبور است کیفیت را بدون معطلی به امر اطلاع دهد. بر علاوه برای تسلیمی اموال مذکور می تواند تعیین شخص امین را از محکمه بر طبق ماده (۶۵۵) مطالبه نماید.

ماده ۷۹۲:

کمیسیون کار مکلف دی په هغو معاملاتو چي د هغو د اجرا تعهد کوی داسی دقت او بیداری په کار واچوی چي له یوه بڼه تاجر څخه په خپلو شخصی چارو کښي څرگندیري د مؤکل د گټو ساتنه، د امرونو په ځای کول مؤکل ته د تصمیم نیولو د پاره په مناسب وخت او زمان کښي د معاملی د مقتضی مطالبو اطلاع او په تیره بیاد کمیسیون او په اسنادو او تسلیمی باندی د مستند حساب د ورکولو په خصوص کښي اطلاع او د حاصلو گټو بی له ټاله لیرل د کمیسیون کار د وظیفو جزء دی.

ماده ۷۹۳:

که کمیسیون کار سره له دا ډول تیری او د صلاحیت د بد استعماله معامله پایته ورسوی چي د مؤکل په ضرر تمامه شي دا معامله په خپله د کمیسیون کار په باره کښي اعتبار لری مگر هغه دی ته نشي اړ کولای چي د (۷۹۶ او ۷۹۷) مادو د ذکر شویو شرایطو په اساس معامله په خپل حساب قبوله کړی.

ماده ۷۹۲:

کمیسیون کار مکلف است در معاملاتیکه اجرای آن را تعهد می نماید دقت و بصیرتی را بکار ببرد که یک تاجر خوب در امور شخصی خویش ابراز می دارد حفظ منافع مؤکل، ایفای اوامر اطلاع مطالب مقتضی معامله در وقت و زمان منافع برای اتخاذ تصمیم به مؤکل و بالخاصه اطلاع راجع به کمیسیون و اعطای حساب مستند به اسناد تسلیمی و یا ارسال بلا معطلی منافع حاصله جزء وظایف کمیسیون کار است.

ماده ۷۹۳:

اگر کمیسیون کار با تجاوز و یا سوء استعمال صلاحیت معامله را انجام دهد که به ضرر مؤکل تمام شود این معامله در مورد خود کمیسیون کار اعتبار دارد ولی آمر را وادار ساخته نمی تواند که با اساس شرایط متذکره مواد (۷۹۶ و ۷۹۷) معامله را بحساب خود قبول کنند.

ماده ۷۹۴:

د مؤکل له امرونو او هدایاتو څخه د کمیشن کار د تخلف په اثر د عقد د باطلو ادعا خاص په آمر پوری اړه لری په کمیشن کار او دریمو کسانو پوری تعلق نه لری.

ماده ۷۹۴:

ادعای بطلان عقد در اثر تخلف کمیشن کار از اوامر و هدایات مؤکل منحصر به آمر بوده به کمیشن کار و اشخاص ثالث تعلق ندارد.

ماده ۷۹۵:

تر هغه وخته پوری چې آمر امر نه وی ورکړی کمیشن کار مجبور نه دی چې د کمیشن د مقاولې د موضوع مالونه بیمه کړی.

ماده ۷۹۵:

تا وقتیکه آمر امری نداده باشد کمیشن کار مجبور نیست اموال موضوع مقاوله کمیشن را بیمه بنماید.

ماده ۷۹۶:

که کمیشن کار د هغو مالونو چې پیرو دل کیږي د جنس او ټاکلیو اوصافو په خصوص کښې د آمر له هدایاتو څخه تخلف وکړي آمر مجبور ندی چې هغه قبول کړی. که د کمیشن کار له خوا له هغې اندازی څخه چې آمر ټاکلی ده په پیرو دلو کښې زیات مخالفت وکړي مؤکل کولای شي چې هغه زیادت کمیشن کار ته پرېږدي او ټاکلی اندازه قبوله کړی.

ماده ۷۹۶:

اگر کمیشن کار از هدایات آمر در باره جنس و اوصاف معینه اموالیکه خریداری می شود تخلف ورزد آمر مجبور نیست آنرا قبول کند. اگر تخلف در خریداری زیاد تر از آنچه آمر معین کرده از طرف کمیشن کار بعمل آید مؤکل می تواند زیادت را به کمیشن کار واگذاشته و مقدار معینه را قبول نماید.

ماده ۷۹۷:

که کمیشن کار د مقاولی د موضوع مالونه له ټاکلی قیمت څخه ټیټ وپلوری او یا یې له ټاکلی قیمت څخه لوړ وپیری او آمر ونه غواړی چې دا معامله په خپل حساب کښې قبوله کړی پدی صورت کښې مکلف دی چې د خبر د رسید لو سره سم د خپلی قبولی یا نه قبولی څخه کمیشن کار ته اطلاع ورکړی او که داسې ونکړی داسی گڼل کیږي چې معامله یې قبول کړی ده، سره له دی کمیشن کار د کار د اجرا په ترڅ کښې وویای چې د قیمت تفاوت جلاور کوی، آمر د اجرا شوی معاملی په قبولولو مکلف دی.

که کمیشن کار د آمر له ټاکلی قیمت څخه مخالفت وکړی او آمر له دی لاری په خساره اخته شوی وی آمر کولای شي چې د خساری تاوان وغواړی.

ماده ۷۹۸:

که کمیشن کار نظر د آمر ټاکلیو شرایطو ته معامله په مساعدو شرایطو پای ته رسولی وی اضافه گټې په آمر پوری اړه

ماده ۷۹۷:

اگر کمیشن کار اموال موضوع مقاوله را نازل تر از قیمت معینه فروش و یا بلندتر از قیمت معینه خریداری کند آمر نخواهد این معامله را بحساب خود قبول نماید در این صورت مکلف است به مجرد وصول خبر قبول و یا عدم قبول خود را به کمیشن کار اطلاع دهد اگر چنین نکند طوری محسوب می شود که معامله را قبول کرده است، معذک اگر کمیشن کار در ضمن اجرای عمل اظهار نماید که تفاوت قیمت را علیحده می پردازد آمر مکلف به قبول معامله اجراء شده است.

اگر کمیشن کار از قیمت معینه آمر مخالفت کرده آمر از این حیث دچار خساره شده باشد آمر می تواند جبران خساره را مطالبه نماید.

ماده ۷۹۸:

هرگاه کمیشن کار نظر بشرايط معينه آمر معامله را با شرايط مساعد ترى انجام داده باشد منافع اضافی متعلق به آمر

لری.

۷۹۹ ماده:

هغه حسابو نه چې کمیشن کار یې ورکوی باید د دفتر وټولنه مندرجاتو سره مطابقت ولری. هغه کمیشن کار چې خپل امر ته د حقیقت په خلاف د حساب پانه ورکوی او یا په دی پانه کښې د شیانو نرخ او د منعقدہ مقاولاتو شرایطو ته د بدنیت له مخې تغییر ورکوی او غیر واقعی مصارف او یا له حقیقی اندازی څخه زیات مخارج قید وی د ده د اجرت غوښتنې حق ساقط او د اجرا شویو معاملاتو له نتایجو څخه شخصاً مسئولیږي.

۸۰۰ ماده:

هغه کمیشن کار چې بی د امر له اجازی دریمو کسانو ته پیشکی پیسی او یا اعتبار ورکوی داسی گڼل کیږي چې قبوله کړی یې ده چې گټه او ضرر د معاملی په ده پوری اړه لری.

که د معاملی د اجراء په محل کښې تجارتی عرف مقتضی وی چې د قیمت د ورکړې د پاره دی پیروونکی ته مهلت ورکړشي

است.

۷۹۹ ماده:

حساباتی را که کمیشن کار می دهد باید با مندرجات دفاتر مطابقت داشته باشد. کمیشن کاری که به امر خود بر خلاف حقیقت ورقه حساب داده و یا در این ورقه نرخ اشیا و شرایط مقاولات منعقدہ را با سوء نیت تغییر می دهد و مصارف غیر و یا مخارج اضافہ از مقدار حقیقی را قید می نماید حق مطالبه اجرت او ساقط و از نتایج معاملات اجرا شده شخصاً مسئول می شود.

۸۰۰ ماده:

کمیشن کاری که بدون اجازه امر به اشخاص ثالث پول پیشکی و یا اعتبار می دهد چنان محسوب می گردد که قبول کرده که نفع و ضرر معامله به او متعلق است.

اگر در محل اجرای معامله عرف تجارتی مقتضی باشد که برای تأدیه قیمت بمشتری مهلت داده شود در حالیکه

په دی حال کښې چې د هغه په خلاف د آمر امرنه وی کمیشن کار کولای شي چې پخپله مهلت ورکړی.

۸۰۱ ماده:

کمیشن کار که څه هم په پور ورکولو اجازه ولری نشي کولای په هغو کسانو چې په ناتوانی او بد معامله گۍ مشهور دی د آمر مال وپلوری.

۸۰۲ ماده:

هغه کمیشن کار چې د آمر په اجازه د هغه مالونه په پور سره پلوری مکلف دی چې د معاملی له اجراء نه وروسته د پیروونکو د نومونو څخه آمر ته اطلاع ورکړي او که داسی ونکړی نو دا پلورنه نقدی بلله کیږي.

۸۰۳ ماده:

هغه کمیشن کار چې د برات پیرونده یې په غاړه اخیستی وی باید د برات د شالیکنې په وخت کښې بی له کوم قید او شرط څخه هغه آمر ته منتقل کړی.

۸۰۴ ماده:

کمیشن کار له دریمو کسانو سره

بر خلاف آن آمر آمر نباشد کمیشن کار می تواند مهلت را بالذات اعطا نماید.

۸۰۱ ماده:

کمیشن کار اگر بفروش نسبیة مجاز هم باشد نمی تواند به اشخاصی که به عدم اقتدار مالی و بد معامله گۍ معروف اند مال آمر را به فروش برساند.

۸۰۲ ماده:

کمیشن کاریکه به اجازه آمر اموال او را به صورت نسبیة می فروشد مکلف است به تعقیب اجرای معامله اسامی مشتریان را به آمر اطلاع نمایند و بر عکس فروش مذکور نقدی محسوب می شود.

۸۰۳ ماده:

کمیشن کاریکه خرید برات را بډمه گرفته باشد باید حین ظهر نویسی برات بدون کدام قید و شرط آنرا به آمر منتقل سازد.

۸۰۴ ماده:

کمیشن کار از لحاظ دیون

د مربوطو پور ونو له وجې چې د ده معامله ورسره ده د آمر په مقابل کښې مسئول نه دی. مگر که د هغه په خلاف تجارتی عرف یا مقاوله موجوده وی نو کمیشن کار د دریمو کسانو په درجه مسئول دی په دی صورت کمیشن کار د دی مسئولیت په مقابل کښې د یوه خانګړې اجرت د اخیستلو مستحق دی.

۸۰۵ ماده:

کمیشن کار وروسته د تعهد کړې معاملې له اکمال څخه د اجرت د غوښتنې حق لری په هغې معاملې کښې چې د کمیشن کار له خوا اداره شوی وی مگر په خپله په آمر پوری د مربوطو عواملو په اثر نتیجې ته نه رسیږي هم د اجرت د غوښتنې حق لری د هغو معاملاتو د پاره چې د نورو علتونو په نتیجه کښې بی اجراً پاتی کیږي کمیشن کار کولای شي د هغه زیار په اندازه چې ایستلی یې دی نظر محلي عرف سره سم تاوان وغواړی.

۸۰۶ ماده:

کمیشن کار کولای شي چې پخوا د کمیشن کاری د وظیفې له اکمال

مربوط به اشخاص ثالث که طرف معامله اش می باشد در مقابل آمر مسئول نیست ولی اگر بر خلاف آن مقاوله و یا عرف تجارتی موجود باشد کمیشن کار بدرجه اشخاص ثالث مسئول می باشد در اینصورت کمیشن کار در برابر این مسئولیت باخذ یک اجرت علیحده مستحق می باشد.

۸۰۵ ماده:

کمیشن کار بعد از اکمال معامله متعهد حق مطالبه اجرت را دارد در معامله ای که از طرف کمیشن کار اداره شده ولی در اثر عوامل مربوط به شخص آمر به نتیجه نمی رسد نیز حق طلب اجرت را دارا می باشد برای معاملاتی که در نتیجه علل دیگری عقیم می ماند کمیشن کار می تواند باندازه زحمتی که متحمل شده نظر به عرف محلی تقاضای جبران نماید.

۸۰۶ ماده:

کمیشن کار می تواند پول های پیشکی و مصارف را با تکت

پولی آن قبل از اكمال وظیفه کمیشن کاری مطالبه کند در این صورت مجبور است حسابی مستند به اسناد به آمر بدهد.

مصرف نقلیه و گدام در جزء مصارف کمیشن کار قابل قلمداد است، ولی اجرت مستخدمین (مامورین) در آن شامل شده نمی تواند.

ماده ۸۰۷:

کمیشن کار یک به بیع و شرای اوراق بهادار و یا امتعه دارای نرخ معین در بورس و یا بازار را متعهد شده باشد در حالیکه بر خلاف آن امر آمر موجود نباشد می تواند چیزی را که می خرد به صفت بایع از مال خود اعطاء و شی را که می فروشد به حیث مشتری برای خود اخذ نماید در این صورت کمیشن کار مجبور است که نظر به نرخ معینه بورس و یا بازار حساب بدهد تاریخ اطلاع ایفای وظیفه کمیشن کاری به این صورت به آمر تاریخ اجرای معامله محسوب

نه پیشکی پیسی او مصارف سره د هغو له ټکټ پولی و غواړی په دی صورت کښې دی مجبور دی چې په اسنادو مستند حساب آمر ته ورکړی.

د نقلیه او گدام مصرف د کمیشن کار د مصارفو په جزء کښې د قلمداد وړ دی، مگر د مستخدمینو (مامورینو) اجرت په هغه کښې شاملیدای نشي.

۸۰۷ ماده:

هغه کمیشن کار چې د بیه لرونکو پانې او یا د ټاکلی نرخ لرونکو مالونو پلورونه او پیروونه یې په بورس یا بازار کښې په غاړه اخیستی وی په دی حال کښې چې د هغه په خلاف د آمر امر موجود نه وی کولای شي کوم شي چې پیری د پلورونکی په صفت له خپل مال څخه ورکړی او کوم شي چی پلوری د پیروونکی په حیث یې ځانته واخلي په دی صورت کمیشن کار مجبور دی چې د بورس یا بازار د ټاکلی نرخ له مخې حساب ورکړی په دی صورت آمر ته د کمیشن کاری د وظیفی په ځای کولو د اطلاع نېټه د معاملی د اجراء نېټه

بلله کیرې د نورو خصوصیاتو په باره کښې د تجارتی بیعی احکام تطبیق کیرې.

د مقاولی په ذریعه د دی مادی حکم په امر باندي تعدیلیدای نشي.

۸۰۸ ماده:

په دی صورت چې د کمیشن کاری معامله د (۸۰۷) مادی په ترتیب اجرا شي کمیشن کار د کمیشن او عادی مصارفو اخیستلو مستحق دی.

۸۰۹ ماده:

کمیشن کار کولای شي چې خپل طلب د (۷۷۷) مادی له مخې له هغو پیسو څخه چې د معاملی د اجرا په نتیجه کښې یې د امر په حساب په لاس راوړی دی (دده د امر د پوروالو په مقابل کښې) ترجیحاً پوره کړی.

۸۱۰ ماده:

که کمیشن کار د کمیشن معامله چې له (۸۰۷) مادی سره اجرا کړی ده بی د هغه شخص له تصریح څخه چې معامله یې ورسره کړی ده امر ته اطلاع ورکړی امر حق لری

می شود. درباره خصوصیات دیگر احکام بیع تجارتی تطبیق می شود.

حکم این ماده توسط مقاوله بر علیه امر تعدیل شده نمی تواند.

ماده ۸۰۸:

در صورتی که معامله کمیشن کاری به ترتیب ماده (۸۰۷) اجرا شود کمیشن کار مستحق اخذ کمیشن و مصارف عادی می باشد.

ماده ۸۰۹:

کمیشن کار می تواند طلب خود را به اساس ماده (۷۷۷) از مبالغه که در نتیجه اجرای معامله به حساب امر تحصیل می کند (در مقابل امر و دائنین او) ترجیحاً استیفاء نماید.

ماده ۸۱۰:

اگر کمیشن کار معامله کمیشن را که بر طبق ماده (۸۰۷) اجرا نموده بدون تصریح شخص طرف معامله به امر اطلاع نماید امر حق دارد این

چې دا د پلورنې او پیرودنې معامله د کمیشن کار په حساب اجرا شوی وگڼي.

۸۱۱ ماده:

تر هغه وخته پورې چې کمیشن کار ته صریحاً اجازه نه وی، نشي کولای چې د خپل امر د مال مارک تبدیل کړي.

۸۱۲ ماده:

که یوه معامله د متعددو آمرینو د مالونو په باره کښې اجرا شي کمیشن کار موظف دی چې خپلو دفترونو کښې د مالونو مالک په صریح صورت قید کړي.

معامله بیع و شراء را به حساب کمیشن کار اجرا شده تلقی کاند.

۸۱۱ ماده:

تا وختیکه کمیشن کار صریحاً مجاز نباشد نمی تواند مارک امتعه امر خویشرا تبدیل کند.

۸۱۲ ماده:

اگر یک معامله درباره اموال آمرین متعدد اجرا گردد کمیشن کار موظف است در دفاتر خویش مالک اموال را بصورت صریح قید نماید.

یولسم فصل د نقلیاتو کمیشن کاري

۸۱۳ ماده:

هغه څوک چې په خپل نامه او د امر په حساب یې د تجارت د مال د حمل او نقل کسب غوره کړی وی د نقلیاتو کمیشن کار بلل کیږي. د نقلیاتو په کمیشن کاري کښې په هغو حالاتو کښې چې په دی فصل کښې تصریح شوی نه وی د کمیشن په مقاوله پورې مربوط

فصل یازدهم کمیشن کاري نقلیات

۸۱۳ ماده:

شخصی که بنام خود و حساب امر حمل و نقل مال التجاره را بحیث پیشه اتخاذ کرده باشد کمیشن کار نقلیات نامیده می شود. در کمیشن کاري نقلیات در حالاتیکه در این فصل تصریح نشده باشد مقررات مربوط به مقاوله کمیشن و بالخاصه

مقررات او خاص بیا د مالونو د قبض او ساتنی او بیمې په خصوص کښې احکام تطبیق کیږي.

۸۱۴ ماده:

د نقلیاتو کمیشن کار نشي کولای چې له هغه اجرت نه زیات چې له وړونکی سره یې قرارداد کړی دی د امر په حساب قید کړی.

۸۱۵ ماده:

د نقلیاتو کمیشن کار د اجرت د غوښتنې حق هغه وخت پیدا کوی چې مالونه یې نقل کونکی ته تسلیم کړی وی.

۸۱۶ ماده:

د نقلیاتو د سند یا د هغه علم او خبر چې د نقلیاتو د سند قایم مقام وی او دغه رنگه گدام او مکازینو ته د مالونو د سپارنی د قبض درسید ښکاره کول د کمیشن کار په لاس کښې د مالونو د اثبات وسیله ده دغه مالونه د نقلیاتو د لگښتونو او د کمیشن د اجرت او د پیشکی پیسو له حیثه له کمیشن کار سره د گروې په حیث گڼل کیږي.

احکام راجع به قبض و محافظه و بیمه اموال تطبیق می گردد.

ماده ۸۱۴:

کمیشن کار نقلیات نمی تواند بیش از اجرتی را که با نقل دهنده قرارداد کرده به حساب آمر قید کند.

ماده ۸۱۵:

کمیشن کار نقلیات وقتی حق مطالبه اجرت را پیدا می کند که اموال را به نقل دهنده تسلیم کرده باشد.

ماده ۸۱۶:

ارایه سند نقلیات علم و خبری که قایم مقام سند نقلیات باشد رسید قبض تودیع اموال به گدام و مکازین وسیله اثبات اموال بدست کمیشن کار است از حیث مصارف نقلیات و اجرت کمیشن کار است از حیث مصارف نقلیات و اجرت کمیشن و پولهای پیشکی این اموال در نزد کمیشن کار بحیث گروی دانسته می شود.

ماده ۸۱۷:

که متعدد و کمیشن کارانو یوله بل نه وروسته د مالونو په نقل کښې وساطت کړی وی نو هغه کمیشن کاران چې وروسته یې وساطت کړی دی مجبور دی چې له دوی نه د پخوا کمیشن کارانو حقوق او خاص بیاد هغوی د رهن حق په هغو مالونو باندی چې نقل ورکړی شوی دی تأمین کړی.

که د یوه کمیشن کار طلب د وروستی کمیشن کار له خوا تأمین شي د لومړی کمیشن کار د رهن حق وروستی کمیشن کار ته نقل کیږی.

ماده ۸۱۸:

په دی صورت چې د نقلیاتو کمیشن کار د نقل ورکوونکی اجرت ورکړی حقوق یې په خپله ده ته نقلیږي.

ماده ۸۱۹:

په دی صورت چې د هغه په خلاف کومه مقاوله موجوده نه وی د نقلیاتو کمیشن کار کولای شي چې مالونه د خپلو وسایلو په ذریعه نقل کړی.

ماده ۸۱۷:

هرگاه کمیشن کاران متعدد یکی بعد دیگر در نقل اموال وساطت نموده باشند کمیشن کارانیکه مؤخرأً وساطت نموده اند مجبورند حقوق کمیشن کاران پیش تر از خود را مخصوصاً حق رهن آنها را بر اموالیکه نقل داده شده تأمین نمایند.

اگر طلب یک کمیشن کار از طرف کمیشن کار متعاقب تأمین شود حق رهن کمیشن کار اولی به کمیشن کار متعاقب انتقال می یابد.

ماده ۸۱۸:

در صورتی که کمیشن کار نقلیات اجرت نقل دهنده را تأدیه نماید حقوق او بخودش انتقال می کند.

ماده ۸۱۹:

در صورتی که بر خلاف آن مقاوله موجود نباشد کمیشن کار نقلیات میتواند اموال را ذریعه وسایل خود نقل دهد.

که د آمر د غوښتنې له امله د نقلیاتو کمیشن کار علم او خبر د هغه په نامه سره تنظیم او صادر کړی وی او یا د نقلیې اجرت او مصارف یې په یوه ټاکلې مبلغ په مقطوع صورت فیصله کړی وی په دی حال کښې د خپل آمر په مقابل کښې حقوقاً د نقل ورکوونکي حیثیت پیدا کوی.

۸۲۰ ماده:

د نقلیاتو د کمیشن کار مسئولیت وروسته له هغې نېټې څخه چې مالونه د مرسل الیه له خوا اخیستل شوی وی له یو کال نه وروسته ساقطیږي.

که هغه ټول مالونه چې د نقل تعهد یې شوی وی ضایع شوی وی نود زمانی تیریدل له هغې نېټې څخه شروع کیږي چې مالونه سپارل کیده.

که مالونه د کمیشن کار دچم او جیلی په اثر ورک ښوول شوی وی او یا خراب او ناقص شي یا ناوخته ورسپارل شوی وی د کمیشن کار مسئولیت په پورتنیو ټاکلیو مودو کښې نه ساقطیږي.

هرگاه کمیشن کار نقلیات علم و خبر را نظر به تقاضای آمر بنام او تنظیم و صادر نموده باشد و یا اجرت نقلیه و مصارف را بیک مبلغ معین بصورت مقطوع فیصله کرده باشد درین حال در مقابل آمر خود حقوقاً حیثیت نقل دهنده را پیدا می کند.

ماده ۸۲۰:

مسئولیت کمیشن کار نقلیات یک سال بعد از تاریخی که اموال از طرف مرسل الیه تسلیم گرفته می شود ساقط می گردد.

اگر اموالیه که نقل آن تعهد شده کاملاً ضایع شده باشد مرور زمان از تاریخی که اموال تسلیم داده می شد آغاز می گردد.

هرگاه اموال در اثر حیلۀ کمیشن کار گم شده وانمود شده و یا ناقص و خراب گردد و یا ناوقت تر تسلیم داده شده باشد مسئولیت کمیشن کار در ظرف مدتهای معینه فوق ساقط نمی گردد.

دوولسم فصل
نقلیات
لومړۍ برخه
عمومی احکام

۸۲۱ ماده:

د نقل ورکونکي له خوا د اجرت په مقابل کښې په وچه او دریاب او فضا کښې د مالونو او یا اشخاصو د حمل او نقل تعهد د نقلیاتو د مقاولی په نامه بلل کیږي.

۸۲۲ ماده:

د دی فصل مقررات په هغو کسانو چې د نقلیاتو معاملی یې خپل کسب نه وی گرځولی او په عارضی صورت د مالونو او اشخاصو په نقلو لو کښې تعهدونه وکړي هم تطبیق کیږي.

۸۲۳ ماده:

ټولی هغه دعوی چې د نقل له مقاولی څخه پیدا کیږي د نقلیاتو د خلاف حقیقت اجرت د استرداد د دعوی په شمول د یوه کال له تیرېدلو څخه وروسته ساقطیږي. دا موده د مالونو په نقل کښې د سپار لوله ورځې او د اشخاصو په نقل کښې د رسیدلوله نېټې

فصل دوازدېم
نقلیات
حصه اول
احکام عمومی

۸۲۱ ماده:

تعهد حمل و نقل اموال و یا اشخاص در خشکه و دریا و فضاء در مقابل اجرت از طرف نقل دهنده بنام مقاوله نقلیات خوانده می شود.

۸۲۲ ماده:

مقررات این فصل بر اشخاصی که معاملات نقلیات را پیشه خود نساخته و بصورت عارضی در نقل اموال و اشخاص تعهداتی بنمایند نیز تطبیق می گردد.

۸۲۳ ماده:

تمام دعاوی ناشی از مقاوله نقل با شمول دعوی استرداد اجرت خلاف حقیقت نقلیات بعد از مرور یک سال ساقط می گردد. این مدت در نقل اموال از روز تسلیم و در نقل اشخاص از تاریخ موصلت شروع

خخه شروع کیری. که مالونه ټول ضایع شوی وی او یا اشخاص نه وی رسیدلی نودمودی تهرېدل له هغې نېټې څخه چې مالونه تسلیمیدل او اشخاص رسیدل حسابیږي.

که ثابت شي چې مالونه د نقل ورکوونکي د چم او د حیلې له مخې ضایع شوی دی یا یې نقص کړی دی یا ناوخته سپارل شوی دی نو د نقل د ورکوونکي مسئولیت په پورتنیو مودو کېنې نه ساقطیږي.

می شود اگر اموال تماماً ضایع گردیده و یا اشخاص مواصلت ننموده باشند مدت مرور زمان از تاریخی که اموال تسلیم و اشخاص مواصلت می نمود حساب می گردد.

اگر ثابت شود که اموال از رهگذر حيله نقل دهنده ضایع شده یا نقص نموده و یا ناوقت تر تسلیم شده مسئولیت نقل دهنده در ظرف مدتهای فوق ساقط نمی شود.

دوه یمه برخه د مالونو نقل

۸۲۴ ماده:

په دی صورت چې نقل ورکوونکي تقاضا کړی وی لپرونکي مکلف دی چې د نقلیې سند په دوو نسخو کېنې ورکړی ممکن دی چې د نقلیې مقاوله د دواړو خواوو په موافقه بی د نقلیې له سنده نقل ورکوونکي ته د مالونو په تسلیمي سره وشي.

۸۲۵ ماده:

د نقلیاتو سند باید د لاندی

حصة دوم نقل اموال

۸۲۴ ماده:

در صورتی که نقل دهنده تقاضا کرده باشد مرسل مکلف بدادن سند نقلیه در دو نسخه می باشد ممکن است مقاوله نقلیه بموافقه طرفین بدون سند نقلیه با تسلیمی اموال به نقل دهنده بعمل آید.

۸۲۵ ماده:

سند نقلیات باید محتوی

شرایط ولری:

- ۱- د مرسل الیه آدرس د مالونو د لېږنې ځای، د مال د تحویلی په خصوص کښې شرح مېنې په (امر) او یا د اقتضا له مخې (حامل ته).
- ۲- د ظرفیت د تول قید او د مالونو شمیر او که مالونه د پاکټ په صورت وی د پاکټ لمبرونه سره د باربندي له علامو او وصف.
- ۳- د مرسل هویت او د استوگنې ځای.
- ۴- د نقل ورکوونکي هویت او د استوگنې ځای.
- ۵- د نقلیاتو د اجرت اندازه او که اجرت یې ورکړی وی د هغه توضیح.
- ۶- د نقل ورکولو د اجراء موده.
- ۷- نور هغه خصوصیات چې د طرفینو په منځ کښې ټاکل شوی وی.
- ۸- هغه ضرر او مسئولیت چې د دی شرایطو د کوم یوه له نه درجېدو څخه پېښ شي او یا له دی پاس موادو څخه یو سهواً درج نشي او یا له حقیقت څخه مخالف قید شي په لېږونکي پوری اړه لری. که هغه مالونه چې نقل کول کیږي

شرایط ذیل باشد:

- ۱- آدرس مرسل الیه محل ارسال اموال شرحی دایر بر تحویلی مال مېنې بر (امر) و یا عند الاقتضاء به (حامل).
- ۲- قید وزن ظرفیت، و عدد اموال، و اگر اموال بصورت پاکټ باشد نمبرهای پاکټ با علامات و وصف باربندي.
- ۳- هویت و اقامتگاه مرسل.
- ۴- هویت و اقامتگاه نقل دهنده.
- ۵- مقدار اجرت نقلیات و اگر اجرت پرداخته شده باشد توضیح آن.
- ۶- مدت اجرای نقل دادن.
- ۷- خصوصیات دیگریکه در بین طرفین قرارداد شده باشد.
- ۸- ضرر و مسئولیتی که از رهگذر عدم درج یکی از این شرایط وارد شود و یا یکی از مواد فوق سهواً درج نشود و یا مخالف حقیقت قید شود عاید به مرسل است. اگر اموالیکه نقل داده می شود

لکه باروت او نور چاودیدونکی مواد خطرناک وی نو هغه لیپرونکی چي د کیفیت اطلاع نه ورکوی د هغې خساری په تاوان ورکولو باندی مجبور دی چي ددی له امله پېښیږي.

۸۲۶ ماده:

لیپرونکی مجبور دی چي گمرکی پانې او نور اسناد چي د مالونو د نقل د پاره په کار کیږي نقل کوونکی ته وسپاری که چېری دا پانې او اسناد منظم او له حقیقت سره سم تکمیل نه وی نو لیپرونکی یې مسئول دی.

۸۲۷ ماده:

که د نقلیاتو سند تنظیم شوی نه وی نقل ورکوونکی د لیپرونکی د غوښتنې په صورت کې مکلف دی هغه علم او خبر چي په هغه کښې د نقلیاتو د سند خصوصیات درج وی ترتیب اولاس لیک کړی او لیپرونکی ته یې وروسپاری.

۸۲۸ ماده:

د نقلیاتو د سند یوه نسخه د لیپرونکی ترلاسلیک وروسته نقل ورکوونکی ته سپارل کیږي

خطرناک از قبیل باروت و مواد انقلابیه باشد مرسلیکه این کیفیت را به اطلاع نمی رساند مجبور به جبران خساره است که ازین رهگذر وارد می شود.

ماده ۸۲۶:

مرسل مجبور است اوراق گمرکی و اسناد دیگر را که برای نقل اموال بکار می آید به نقل دهنده تودیع کند هرگاه این اوراق و اسناد منظم و به حقیقت موافق و تکمیل نباشد مرسل از آن مسئول است.

ماده ۸۲۷:

اگر سند نقلیات تنظیم نگردیده باشد نقل دهنده در صورت درخواست مرسل مکلف است علم و خبری که در آن خصوصیات سند نقلیات درج باشد ترتیب و امضاء نموده بمرسل تسلیم نماید.

ماده ۸۲۸:

یک نسخه سند نقلیات بعد از امضاء از طرف مرسل به نقل دهنده تودیع و با

اموال یکجا فرستاده می‌شود نسخه دیگر بامضای نقل دهنده به مرسل اعاده می‌گردد.

اگر سند نقلیات محرر به امر و یا حامل باشد ظهر نویسی و یا تسلیمی آن حکم نقل ملکیت اموال را دارد. شکل و نتایج ظهر نویسی تابع همان احکامی است که درباره اسناد تجارتي وضع شده است.

ماده ۸۲۹:

اگر نقل دهنده درباره وضعیت اموال و اخذ اشیاء در سند نقلیات و یا در ورقه علیحده که به موجب اشیاء را قبول کرده شرحی قید نکرده باشد چنین محسوب می‌شود که عدم وجود نقص ظاهری اموال را تصدیق کرده است.

معذالک اگر نقل دهنده اموال را بدون اعتراض هم قبول کرده باشد می‌تواند ادعا و اثبات کند که نقایص غیر ظاهر و غیر قابل ادراک در آن وجود داشته

او له مالونو سره یو ځای لیرل کیږي بله نسخه یې د نقل ورکوونکی په لاس لیک سره لیرونکی ته اعاده کیږي.

که د نقلیاتو سند په امر او یا حامل لیکلی شوی وی د هغه په شالیکنه او یا تسلیمی د مالونو د ملکیت د نقل حکم لری. په شا د لیکنی شکل او نتیجی د هغو احکامو تابع دی چې د تجارتي اسنادو په باره کښې وضع شوی دی.

ماده ۸۲۹:

که نقل کوونکی د مالونو د وضعیت او د شیانو د اخیستلو په باره کښې د نقلیاتو په سند او یا په بیله پاڼه کښې چې د هغو له مخې یې شیان قبول کړی وی کومه شرح نه وی قید کړی داسی گڼل کیږي چې د مالونو د ظاهری نقص نشتوالی یې تصدیق کړی دی.

سره له دی که نقل کوونکی مالونه بی له اعتراضه هم قبول کړی وی کولای شي چې دا دعوی او اثبات وکړي چې پټ او نه لیدونکی نقصانونه په هغو کښې موجود

دی.

باشد.

۸۳۰ ماده:

۸۳۰ ماده:

نقل ورکونکی مجبور دی له هغه امر سره سم چې د مالونو د لیږنې په باره کښې ده ته ورکړی شوی دی تګ وکړې پرته له فوق العاده او مجبره احوالو چې پخپله دی د احوالو په اقتضا سره اقدام کولای شي.

نقل دهنده مجبور است مطابق امری که در باره ارسال اموال باو داده شده است رفتار نماید باستثنای احوال فوق العاده و مجبره که خودش باقتضای احوال اقدام می‌تواند.

۸۳۱ ماده:

۸۳۱ ماده:

که چېرې د شيانو نقل د هغه فوق العاده حالت او مجبره سبب په اثر چې په دواړو خواوو پورې اړه نلری امکان ونه لری او یا وځنډیږی نو نقل ورکونکی ته اطلاع ورکړی.

هرگاه نقل اشیاء باثر حالت فوق العاده و سبب مجبره که بطرفین ارتباط نداشته باشد ممکن نگردد و یا بتأخیر افتد نقل دهنده مجبور است کیفیت را فوراً بمرسل اطلاع دهد.

پدی صورت کی لیږونکی کولای شي چې د نقلیاتو د سند نسخه چې نقل ورکونکی لاس لیک کړیدی اعاده کړی او هغه تسویه چې په (۸۳۴) ماده کښې پیش بینې شوی ده معموله کړی او مقاوله فسخ کړی.

در این صورت مرسل می‌تواند نسخه سند نقلیات را که نقل دهنده امضاء کرده است اعاده کند و تسویه را که در ماده (۸۳۴) پیش بینې شده معمول داشته و مقاوله را فسخ نماید.

۸۳۲ ماده:

۸۳۲ ماده:

لیږونکی لکه چې له (۸۳۴) او

مرسل چنانچه (مطابق مواد -

۸۳۴ و ۸۳۵) حق دارد با پرداخت غرامت نقلیات را معطل و اشیاء را استرداد کند همچنان صلاحیت دارد بدون از مرسل الیه اشیاء را بدیگری تسلیم و یا طور دیگری در آن تصرف نماید ولی نقل دهنده از تاریخی که اشیاء به محل مطلوبه واصل شده و مرسل الیه تقاضای تسلیمی آن را کرده باشد یا از روزیکه مرسل الیه سند نقلیات را تسلیم شده و یا نقل دهنده مرسل الیه را مطلع نموده باشد نقل دهنده مکلف با اجرای اوامر مرسل نمی باشد.

اگر سند نقلیات در وجه حامل و یا محرر بامر باشد نقل دهنده تنها مکلف به اجرای اوامر شخصی است که سند نقلیات امضا شده از طرف نقل دهنده را ارائه و تسلیم نماید.

ماده ۸۳۳:

اگر نظر به هدایات جدید مرسل و یا مرسل الیه مسافه که طی می شود و یا مدت نقل زیاد شود نقل دهنده حق دارد

(۸۳۵) مادی سره سم حق لری (د) تاوان ورکولو سره) نقلیات تال او شیان مسترد کری همدا ډول واک لری چې بی له مرسل الیه څخه شیان بل ته تسلیم کری او یا په بل ډول په هغو کښې تصرف وکړي. مگر نقل ورکوونکی له هغې نېټې څخه چې شیان مطلوبه محل ته رسیدلی او مرسل الیه د هغو د تسلیمی تقاضا کری وی او یا له هغې ورځې څخه چې مرسل الیه د نقلیاتو سند تسلیم کری او یا نقل ورکوونکی مرسل الیه خبر کری وی نو نقل ورکوونکی د لیږونکی د امرونو په اجرا مکلف نه دی.

که د نقلیاتو سند د حامل په وجه یا محرر په امر وی نو نقل ورکوونکی یواځې د هغه شخص د امرونو په اجرا مکلف دی چې د نقلیاتو لاس لیک شوی سند د نقل ورکوونکی له خوا ښکاره او تسلیم کری.

۸۳۳ ماده:

که د مرسل یا مرسل الیه د نویو هدایاتو له مخې هغه مسافه چې وهله کيږي او یا د نقل موده زیاته شي نقل ورکوونکی حق لری چې د

مسافې او مودی د زیاتوالي په تناسب هغه کرایه او مصارف و غواړي چې په دی لاره کې یې ګاللی وی.

۸۳۴ ماده:

که سفر د فوق العاده احوالو او مجبره اسبابو له مخې چې په دی دواړو طرفو باندې اړه نه لري قطع شي نو نقل ورکوونکی د مسافې د قطع د باړې د هغو مصارفو لاس ته راوړلو په نسبت چې ګاللی یې دی د غوښتنې حق لري.

که د فوق العاده احوالو او مجبره اسبابو له امله په وړلو سره پیل نه وي شوی نو وړونکی د اجرت حق نلري لیکن حق لري چې د وړلو، تشونو او نورو هغو ضروري لګښتونو غوښتنه وکړي چې ګاللی یې دی.

۸۳۵ ماده:

که باریدل د مرسل الیه په تقاضا قطع شوی وي لاندنۍ مواد اجرا کېږي:

۱- که د نقلیې وسیله پخوا له حرکت څخه توقیف شي مرسل د مقررې اجورې نیمايي او د باریدو او خالی کولو مصارف سره له هغو

په تناسب زیادت مسافه و مدت اجرت کرایه و مصارفی را که در این راه متحمل شده است تقاضا نماید.

۸۳۴ ماده:

اگر سفر نظر به احوال فوق العاده و اسباب مجبره که به هیچ یکی از طرفین مربوط نباشد قطع گردد نقل دهنده حق طلب کرایه را نسبت به قطع مسافه و استیفاء مصارفی را که متحمل گشته دارا می باشد.

اگر در اثر احوال فوق العاده و اسباب مجبره به نقل شروع نشده باشد نقل دهنده مستحق اجرت نمی گردد ولی حق دارد مصارف حمل و نقل و غیره مصارف ضروری را که متحمل شده مطالبه نماید.

۸۳۵ ماده:

اگر حمل به تقاضای مرسل الیه قطع شده باشد مواد ذیل اجرا می شود:

۱- اگر وسیله نقلیه قبل از حرکت توقیف شود مرسل نصف اجوره مقرر و مصارف حمل و تخلیه را با مصارف

نورو ضروری مصارفو چي د نقل ورکونکي له خوا شوی وی متحمل کیږي.

۲- که نقلیه وسیله وروسته له حرکت ته پال شوی وی مرسل مکلف دی چي د نقلیه ټول اجرت او د تخلیې مصارف سره له هغو مصارفو چي د مال په اعاده کښې له ده نه شوی وی په غاړه واخلي.

۸۳۶ ماده:

نقل ورکونکي مکلف دی چي مالونه د مقاولی د مقرری مودی یا تجارتی عرف له مخې او که داسی نه وی په یوه معقوله موده کښې نقل کړي.

۸۳۷ ماده:

که مالونه وروسته له ټاکلی مودی ورسپړي د معاملی مربوط طرف کولای شي چي د تأخیر د مودی په تناسب د نقلیې په اجرت کښې د تنزیل ادعا وکړي. که د تأخیر موده د مقاولې له ټاکلی مودی څخه یو په دوه تیری وکړي نو د نقلیاتو د اجرت ټول حق ساقطیږي او نقل ورکونکي له هغو خسارو څخه چي له دی سببه په اثبات ورسپړي مسئول دی. هغه

ضروری دیگریکه از طرف نقل دهنده بعمل آمده باشد متحمل می شود.

۲- اگر وسیله نقلیه بعد از حرکت معطل شده باشد مرسل مکلف است تمام اجرت نقلیه و مصارف تخلیه را با مصارفیکه در اعاده اموال بوی بعمل آمده تحمل کند.

ماده ۸۳۶:

نقل دهنده مکلف است اموال را نظر بمدت مقررہ مقاوله و یا عرف تجارتی و در صورت عدم آن در ظرف یک مدت معقول نقل بدهد.

ماده ۸۳۷:

اگر اموال بعد از مدت معین واصل گردد طرف مربوط معامله میتواند به تناسب مدت تأخیر ادعای تنزیل را در اجرت نقلیه بنماید. هرگاه مدت تأخیر از دو چند مدت معینه مقاوله تجاوز نماید حق اجرت نقلیات تماماً ساقط می شود و نقل دهنده از خساراتیکه از ین سبب باثبات برسد مسئول است مقرراتیکه

مقررات چي د نقل ورکونکي د نه مسئوليت په خصوص کښي په مقاوله کښي درج شي کان لم یکن گڼل کيږي که د نقل ورکونکي اثبات کړي چي د معطلۍ سبب مرسل او مرسل اليه او يا مجبره او فوق العاده سبب دی د مالونو د رسيدو له تاخير څخه مسئول نه دی.

د تاخير د پاره د نقلیه وسایطو ورکه يانه کفاف نبودل عذر نه بلل کيږي.

راجع بعدم مسئوليت نقل دهنده در مقاوله درج گردد کان لم یکن است. اگر نقل دهنده اثبات کند که سبب معطلی مرسل و مرسل اليه و يا سبب مجبره فوق العاده بوده است از تاخير وصول اموال مسئول نمی شود.

وانمود فقدان و يا عدم کفاف وسایط نقلیه برای تاخير عذر شمرده نمی شود.

۸۳۸ ماده:

نقل ورکونکي د مالونو د تسليم له نېټې څخه مرسل اليه ته د ورتسليمولو تر نېټې پوري د هرډول پښ شويو ضايعاتو او خساراتو مسئول دی. مگر که نقل ورکونکي د هغو ضايع کيدل او خساري په لاندنيو دلايلو ثابت کړي له مسئوليت څخه وزي:

۱- فوق العاده احوال او مجبره سبب.

۲- په مالونو کښي ذاتي عيونه او نقصانونه او يا د هغو باربندي.

۸۳۸ ماده:

نقل دهنده از تاريخ تسليم اموال الي تاريخ تسليم آن به مرسل اليه از هر نوع ضايعات و خسارات وارده مسئول است.

ولي اگر نقل دهنده ضياع و خساره را به دلايل ذيل ثابت کند از مسئوليت بري می گردد:

۱- احوال فوق العاده و سبب مجبره.

۲- ثبوت معايب و نقايص ذاتي در اموال و يا باربندي آن.

۳- د هغې ضیاع- خساری ثبوت چې د مرسل او یا مرسل الیه له اعمالو او هدایاتو څخه وی یواځې د دریمې فقرې په ضیاع او خساره کښې که مال ټول ضایع شوی هم وی نقل ورکوونکی په پوره ډول د اجوری مستحق دی، په (۱) او (۲) موادو کښې که د مالونو یوه برخه تلف شوی وی نقل ورکوونکی د پاتې برخې د اجوری اخیستلو مستحق دی.

۸۳۹ ماده:

د نقل ورکوونکی مسئولیت د مالونو په نقل کښې له هغې نېټې څخه شروع کیږي چې په دی مقصد یې د مالونو په بارولو پیل کړی وی.

۸۴۰ ماده:

په هغو شیانو کښې چې حجم او ټول یې کمېږي نقل ورکوونکی کولای شي چې د هغو تناقض فیصدی اندازه د مخه وټاکي او معامله کوونکی موافقه په لیکنه سره لاس ته راولی.

په دی صورت چې مالونه په انډیو کښې تقسیم شوی وی دا مسئولیت دوی هر یوه ته

۳- ثبوت ضیاع خساره که ناشی از اعمال و هدایات مرسل و یا مرسل الیه بوده باشد. تنها در ضیاع و خساره فقره سوم اگر مال تماماً ضایع هم شود نقل دهنده بصورت پوره مستحق اجوره می باشد در موارد (۱) و (۲) اگر قسمتی از اموال تلف شده باشد نقل دهنده مستحق اخذ اجوره قسمت متباقی می باشد.

ماده ۸۳۹:

مسئولیت نقل دهنده در نقل اموال از تاریخیکه اموال را بدان مقصد تسلیم می شود آغاز می یابد.

ماده ۸۴۰:

در اشیائیکه در اثنای نقل حجم و وزن آن کم می شود نقل دهنده می تواند مقدار فیصدی تناقض آنرا قبلاً معین و موافقه طرف معامله را کتباً حاصل کند.

در صورتی که اموال در بسته ها تقسیم شده باشد این مسئولیت برای هر کدام آنها

خانگړې تحديديدای شي.

که مرسل یا مرسل الیه اثبات کړي چې لږوالی د شيانو د ماهيت څخه نه دی پيدا شوی بلکه د بل علت په اثر پيدا شوی دی او یا لږوالی له هغې اندازې څخه کم دی چې ټاکلی شوی ده. پدې وخت کېنې د مسئوليت د تحديد موضوع بی تاثیر پاتی کېږي.

۸۴۱ ماده:

نقل ورکوونکی د نورو ټولو هغو نقل ورکوونکو سره د ده قاييم مقام کېږي او هغو کسانو سره چې له ده سره مرسته کوی او یا هغو کسانو سره چې د مالونو نقل يې هغوته سپارلی دی مرسل الیه ته د شيانو تر تسليمی پوری مسئول دی.

۸۴۲ ماده:

د شيانو د ضياع خساره نظر د نقلیاتو د سند مندرجه قيمت ته او که د نقلیاتو په سند کېنې قيمت نه وي ذکر شوی نظر د مال جاری قيمت ته د تسليم په محل کېنې ټاکل کېږي.

د شيانو د خساری ضرر نظر د هغه لومړنی قيمت توپيره

جداگانه تحديد شده باشد.

اگر مرسل و یا مرسل الیه اثبات کند که کمبودی از ماهيت اشیاء نشئت نکرده بلکه در اثر علت دیگری بوجود آمده و یا کمبود کمتر از آن مقداری است که معین شده، آنگاه موضوع تحديد مسئوليت بی تأثیر می ماند.

۸۴۱ ماده:

نقل دهندۀ از افعال و خطا های تمام نقل دهندگان دیگر که قاييم مقام او می شود و آنهايیکه با وی معاونت می کنند و یا کسانیکه نقل اموال را به آنها سپرده است الی تسليمی اشیاء بمرسل الیه مسئول می باشد.

۸۴۲ ماده:

خسارۀ ضياع اشیاء نظر به قيمت مندرجۀ سند نقلیات و اگر در سند نقلیات قيمت ذکر نشده باشد نظر بقیمت جاری مال در محل تسليم تعیین می گردد.

ضرر خساره اشیاء نظر به تفاوت قيمت اولی که

قبل از تسلیمی مال در محل تسلیم وجود داشت و قتی که بعد از خساره اموال در محل تسلیم مروج است تثبیت می گردد.

ماده ۸۴۳:

در صورت ضیاع و یا خساره مند شدن اشیاء نقل دهنده قیمت های را که قبول کرده تضمین می کند ضرر اموال مسافری که بدون اظهار ماهیت و قیمت به نقل دهنده تودیع میکند نظر به احوال خصوصیه هر واقعه و شخص تعیین و تثبیت می شود.

نقل دهنده از ضرر و ضیاع اشیاء ذی قیمت نقود، حجت، سهام، سندات قرض و دیگر اوراق و اسنادیکه در حین تودیع با او اطلاع داده نمی شود مسئول نمی باشد.

معدلک در صورتی که حیل و یا تقصیر فاحش نقل دهنده در ضیاع و ضرر به ثبوت رسد مکلف بتأدیه تمام آن می

چپ د مال له تسلیمی خخه پخوایی د تسلیم په محل کنبی وجود درلود او هغه قیمت چپ د مالونو له خساری خخه وروسته د تسلیم په محل کنبی مروج دی تثبیتپری.

ماده ۸۴۳:

د شیانو د ضیاع او زیانمنیدو په صورت نقل کوونکی د هغو قیمتونو چپ منلی یې دی تضمین کوی د مسافرینو د مالونو ضرر چپ بی د ماهیت او قیمت له اظهاره نقل ورکوونکی ته سپاری نظر د هری پېښې او شخص خصوصی احوالوته تعیین او تثبیتپری.

نقل ورکوونکی د قیمت لرونکو شیانو له ضیاع او ضرر خخه لکه نقدی، حجت، سهمونه د پور سندونه او نوری هغه پانې او سندونه چپ د سپارنی په وخت کنبی د هغې اطلاع نه ورکوله کیږي مسئول نه دی.

سره له دی په دی صورت چپ په ضیاع او ضرر کنبی د نقل ورکوونکی حیل و یا فاحش تقصیر ثابت شي د هغو ټولو په

ورکړه مکلف دی.

باشد.

ماده ۸۴۴:

ماده ۸۴۴:

هغه نقل ورکوونکی چې له لومړي نقل ورکوونکي څخه وروسته د شيانو نقل ته ملاتړي په ټولو هغو پورونو کښې چې د منقولو مالونو او د نقلیې د سند له تسلیم څخه وروسته پیدا کيږي د لومړي نقل ورکوونکي قایم مقام دی او کولای شي چې د نقلیې په سند او یا په یوه بله پاڼه کښې د هغو شيانو د وضع کیفیت چې په تسلیم ورکړ شوی دی درج او قید کړي که یې رعایت ونکړي نو د (۸۲۹) مادې حکم ورباندې تطبیق کيږي.

نقل دهنده گانیکه بعد از نقل دهنده اول به نقل اشیاء مبادرت می ورزند در تمام دیونیکه پس از تسلیم اموال منقول و سند نقلیه بوجود می آید قایم مقام نقل دهنده اول می باشند و می توانند در سند نقلیه و یا یکورقه دیگر چگونگی وضع اشیائرا که تسلیم داده شده است درج و قید نمایند در عدم رعایت حکم ماده (۸۲۹) تطبیق می شود.

ماده ۸۴۵:

ماده ۸۴۵:

نقل ورکوونکی مجبور دی د هغو شيانو له رسیدو څخه چې نقل ورکاوه کيږي مرسل ته اطلاع ورکړي.

نقل دهنده مجبور است از وصول اشیائیکه نقل داده می شود به مرسل اطلاع دهد.

ماده ۸۴۶:

ماده ۸۴۶:

نقل ورکوونکی مجبور دی هغه هدایات چې د شيانو له رسیدو څخه پخوا د شيانو د ساتنې په خصوص کښې د مرسل الیه له خواده ته ورکړي شوی دی اجراء

نقل دهنده مجبور است هدایاتی را که قبل از وصول اشیاء از طرف مرسل الیه راجع به محافظت اشیاء به اوداده می شود اجراء

کری.

مرسل الیه کولای شی چی د شیانو له رسیدو نه وروسته او یا په هغه صورت چی د نقلیه سند او یا دا ډول علم او خبر حامل وی چی هغه د سند قایم مقام واقع شی وروسته د مالونو د رسیدود نېټې له تیریدود هغو ټولو حقوق سره د خساری او تاوانه که د ده د پاره وی او که د دریمو کسانو د پاره له نقل کوونکی څخه وغواړی.

د نقلیه د یوه سند حامل محرر په حامل او یا محرر په امر د مرسل الیه په حیث گڼل کیږي.

۸۴۷ ماده:

په دی صورت چی په خلاف یې مقاوله موجوده نه وی د نقلیه اجرت سره له نورو مصارفو په ټاکل شوی حساب کښې د شیانو له تسلیمی نه وروسته د نقلیاتو د سند له مخې د مرسل الیه له خوا ورکول کیږي.

۸۴۸ ماده:

هغه څوک چی د نقل شویو شیانو د تسلیمی د پاره رجوع کوی په دی صورت چی ونشي کولای خپله اجوره ورکړی نقل

نماید.

مرسل الیه می تواند بعد از وصول اشیاء و یا در صورتی که حامل سند نقلیه و یا علم و خبری باشد که قایم مقام سند واقع گردد بعد از مرور تاریخ وصول اموال تمام حقوق آنرا بشمول دعوای جبران خساره که خواه بر له او و یا بر له اشخاص ثالث باشد از نقل دهنده مطالبه نماید.

حامل یک سند نقلیه محرر بحامل و یا محرر بامر بحیث مرسل الیه تلقی می شود.

۸۴۷ ماده:

در صورتی که خلاف آن مقاوله موجود نباشد اجرت نقلیه با مصارف دیگر بعد از تسلیمی اشیاء در محل مقصود نظر به سند نقلیات از جانب مرسل الیه تأدیه می شود.

۸۴۸ ماده:

شخصی که برای تسلیمی اشیاء نقل شده رجوع می کند در صورتی که نتواند بدهی خود را تأدیه بدارد نقل دهنده

ورکونکی په تسلیم مجبور نه دی که د اجوری په اندازه کښې اختلاف پېښ شي نو مرسل الیه هغه اندازه چې د پورپه ډول یې په ځان قبوله کړې ده تسویه کوی او د پاتی اجرت په خصوص کښې که هغه یوه معتبر بانک ته او یا امین شخص ته وسپاری په دی حال کښې نقل ورکونکی د شیانو په تسلیم مجبورېږي.

نقل ورکونکی مجبور نه دی چې د نقلیاتو د سند د دوهمې نسخې له اعادی څخه پخوا که په نوم لیکل شوی وی او که د حامل په وجه او که په امر لیکلی وی شیان تسلیم کړي.

۸۴۹ ماده:

نقل ورکونکی کولای شي چې د هغو ټولو طلباتو د په لاس راوړلو دپاره چې د نقلیه له مقاولی څخه پیدا کېږي مالونه وساتي که نقل ورکونکی متعدد دوی نو وروستنی نقل ورکونکی د لومړنیو نقل ورکونکو حقوق ساتی هغه مبلغ چې د (۸۴۸) مادې له مخې د مرسل الیه له خوا امانت سپارلی

مجبور به تسلیم اشیاء نمی باشد اگر در مقدار بدهی اختلافی واقع شود مرسل الیه مقداری را که بحیث قرض بدمه خود قبول دارد تسویه می نماید و راجع به اجرت باقیمانده اگر آنرا به یک بانک معتبر و یا شخص امنیتی تودیع نماید در اینحال نقل دهنده مجبور بتسلیم اشیاء می گردد.

نقل دهنده مجبور نیست قبل از اعاده نسخه ثانی سند نقلیات که خواه محرر به نام و خواه در وجه حامل و یا محرر به امر بوده و دارای امضاء وی باشد اشیاء را تسلیم نماید.

۸۴۹ ماده:

نقل دهنده می تواند برای حصول تمام طلباتیکه از مقاوله نقلیه نشئت می نماید اموال را نگاه دارد. اگر نقل دهنده گان متعدد باشند نقل دهنده آخرین حقوق نقل دهنده گان اولی را صیانت می کند مبلغی که نظر به ماده (۸۴۸) از جانب مرسل الیه به امانت تودیع می گردد از

کیږي نظر د نقل ورکوونکی د ساتنې حق ته د شيانو حکم لری.

۸۵۰ ماده:

که وروستنی نقل ورکوونکی شیان بی د (امانت ته د طلباتو د سپارنې له تقاضا) څخه او بی د خپل او د پخوا نیو نقل ورکوونکو او د مرسل د حق له په لاس راوړلو څخه تسلیم کړی نودلگېدلو پیسو او د لومړنیو نقل ورکوونکو او یا د مرسل د پورونو مسئول گڼل کیږي. مگر په مرسل الیه باندې پخپله د ده د رجوع حق به ساتلی پاتی شي.

۸۵۱ ماده:

که د شيانو د تسلیم په وخت کښې هغه خارجی علامې چې په خساره دلالت وکوی موجودی هم نه وی مرسل الیه حق لری چې د هغو اوضاع او اوصاف د نقل ورکوونکی په حضور او یا د تجارتي محکمې په ذریعه د تسلیم په ځای کښې معاینه کړی دا حق نقل ورکوونکی هم لری.

ددې ډول معاینې مصارف په هغه طرف پوری اړه لری چې د معاینې غوښتنه کوی مگر که هغه مصارف چې د مرسل الیه له خوا تسویه

نقطه نظر حق نگهداری نقل دهنده حکم اشیاء را دارد.

۸۵۰ ماده:

اگر نقل دهنده آخرین اشیاء را بدون (تقاضای تودیع طلبات به امانت) واستیفاء حق خودش و نقل دهنده گان ماقبل و یا مرسل را تسلیم نماید. از مبالغ صرف شده و یا دیون مرسل و یا نقل دهندگان اولی مسئول شمرده می شود. ولی حق رجوع خود او به مرسل الیه محفوظ خواهد ماند.

۸۵۱ ماده:

اگر در حین تسلیم اشیاء علامات خارجی که دلالت بر خساره کند موجود هم نباشد مرسل الیه حق دارد اوضاع و اوصاف آن را در حضور نقل دهنده و یا ذریعه محکمه تجارتی محل تسلیم معاینه کند این حق را نقل دهنده نیز دارا می باشد.

مصارف اینطور معاینه مربوط به طرفی است که تقاضای معاینه را می نماید ولی اگر مصارفی که از طرف

کیرې اصلاً په نقل ورکوونکې پورې اړه ولری او د نقلیه له ضیاع او خساری څخه پیدا شوی وی له نقل ورکوونکې څخه اخیستل کېدای شي.

۸۵۲ ماده:

د تاوان دعوی چې په نقل ورکوونکې باندې اقامه کیرې ممکن دی چې په لومړنیو او یا وروستیو نقل ورکوونکو باندې هم وشي که ثابت شي چې ضیاع او خساره په هغه وخت کېږي پېښه شویده چې بل نقل ورکوونکې مال تسلیم کړی وو نو د مالو نو د انتقال په لړ کېږي به دعوی ده ته متوجه شي.

که کوم نقل ورکوونکې د هغو چارو په سبب چې په هغو سره مسئول نه بلل کیرې د یوی خساری تاوان گاللی وی یا له دی جهته د دعوی تقاضا ورباندې شوی وی نو په لومړنیو نقل ورکوونکو چې په دی لړ کېږي مسئولیت لری د رجوع حق ساتلی دی.

که هغه نقل ورکوونکې چې باید له خساری او ضیاع څخه

مرسل الیه تسویه می شود اصلاً متعلق به نقل دهنده بوده و از ضیاع و خساره نقلیه ناشی باشد از نقل دهنده گرفته شده می تواند.

ماده ۸۵۲:

دعاوی غرامت که علیه نقل دهنده اقامه می شود ممکن است که علیه نقل دهنده گان اولی و یا آخری هم به عمل آید اگر ثابت شود که خساره و ضیاع در مدتی صورت گرفته که نقل دهنده دیگری مال را تسلیم شده بود در سلسله انتقال اموال دعوی علیه او متوجه خواهد شد.

اگر نقل دهنده به سبب اعمالیکه به آن مسئول شمرده نمی شود خساره را جبران کرده باشد یا از این جهت مورت تقاضا و دعوی واقع شده باشد حق رجوع او به نقل دهنده ما قبل و یا نقل دهندگان دیگر که بدین سلسله مسئولیت دارنده محفوظ می باشد.

اگر نقل دهنده که باید از خساره و ضیاع مسئول باشد

مسئول وی معلوم نکړی شي پيښ شوې زیان د ټولو نقل ورکوونکو په منځ کښې د دوی د اجرت د برخی په تناسب ویشل کیږي.

سره له دې که نقل ورکوونکی ثابت کړي چې پېښه شوی خساره د نقل د هغې مودی په وخت کښې چې په ده پورې یې اړه درلوده نه ده پېښه شوی د خساری په تاوان کښې له گډون څخه معاف دی.

۸۵۳ ماده:

په دې صورت چې نقل ورکوونکی مرسل الیه پیدا نکړي او یا مرسل الیه د شیانو له قبولی څخه منع راوړي او یا د مال په قبولی کښې ځنډ وکړي یا یو بل دا ډول سبب چې د تسلیم مانع شي پيښ شي نقل ورکوونکی مکلف دی چې ژر تر ژره کیفیت مرسل الیه ته ابلاغ کړي او ځواب ته یې انتظار وباسي که مرسل الیه ته د ابلاغ امکان نه وي او یا مرسل الیه په ځواب کښې معطلی وکړي او یا داسی هدایت ورکړي چې د هغه اجرا ممکنه نه وي نقل ورکوونکی کولای شي چې محلی تجارتی محکمی ته مراجعه

تعیین شده نتواند ضرر وارده در بین همه نقل دهندگان متناسب به حصه اجرت ایشان تقسیم می شود.

معذلك اگر نقل دهنده ثابت کند که خساره وارده در مدت نقل مربوط او بوقوع نه پیوسته از اشتراك در جبران خساره معاف است.

۸۵۳ ماده:

در صورتی که نقل دهنده مرسل الیه را پیدا نکند و یا مرسل الیه از قبولی اشیاء امتناع ورزد و یا در قبولی مال معطلی کند و یا یک سبب دیگری که مانع تسلیم شود بوقوع آید نقل دهنده مکلف است فوراً کیفیت را بمرسل ابلاغ و بجواب او انتظار بکشد اگر امکان اطلاع بمرسل موجود نباشد و یا مرسل در جواب معطلی کند و یا هدایتی دهد که اجرای آن غیر ممکن باشد نقل دهنده می تواند به محکمه تجارتی محلی مراجعه و اشیاء را

و کړې او شيان د محکمی په تشخیص امین شخص ته تسلیم کړی هغه خطر او ضرر چې دا ډول شيان ورسره مخامخ کيږي په مرسل پوری اړه لری شيان ژر فاسدیدونکی وی او د اطلاع په موده کښې د ضرر پېښېدل په مرسل پوری مضمروی نو نقل ورکونکی به له (۶۵۵) مادی سره سم تگ کوی او د نقلیاتو اجوره او واقعی مصارف به د هغو له حاصل څخه پوره کوی نقل ورکونکی موظف دی چې په ډیره لنډه موده کښې د موضوع له کیفیت څخه مرسل او مرسل الیه ته اطلاع ورکړي او که داسی ونکړي نو د ضرر تاوان ورځنې غوښتل کیدای شي.

۸۵۴ ماده:

د (۸۵۳) مادی د اوضاع د وجود په صورت نقل ورکونکی مجبور دی چې د شيانو په نقل او د مالک د گټو په ساتنه کښې له چالاکۍ او بیداری څخه کار واخلی او که داسی نشي نو د هغې خساری په تاوان ورکولو چې له همدی لاری مالک ته رسيږي مکلف دی.

به تشخیص محکمه به شخص امین تسلیم دهد. خطر و ضرریکه این گونه اشیاء به آن مواجه می باشد متعلق به مرسل است. اشیاء سریع الفساد بوده و در مدت اطلاع وقوع ضرر به مرسل مضرر باشد نقل دهنده بر طبق حکم ماده (۶۵۵) رفتار و اجوره نقلیات و مصارف واقعی را از حاصل آن استیفاء می کند نقل دهنده موظف است تا در کوتاه ترین مدت از کیفیت موضوع به مرسل و مرسل الیه اطلاع دهد در غیر این صورت مورد تقاضای جبران ضرر واقع شده می تواند.

ماده ۸۵۴:

در صورت وجود اوضاع ماده (۸۵۳) نقل دهنده مجبور است در نقل اشیاء و حفاظه منافع مالک از سرعت و بصیرت کار بگیرد در غیر آن به جبران خساره که از این حیث به مالک می رسد مکلف می باشد.

ماده ۸۵۵:

د نقلیاتو د اجورې تسویه او د شیانو بلا شرطه قبولی په نقل ورکونکي د دعوی حق ساقطوی. سره له دې که د شیانو خساره له قبولی څخه پخوا د هغو کارپوهانو په ذریعه چې محکمې ټاکلې وې تثبیت شوی وی په نقل ورکونکي باندی د مرسل الیه د دعوی حق نه ساقطیږي. که د شیانو د قبولی په وخت کښې د هغو د ضیاع او یا نقص پیژندلو امکان نه وی د نقلیاتو د اجورې تر تسویې او قبولی وروسته هم نظر لاندی موادو ته په نقل ورکونکي باندی د دعوی حق ساتلی پاتې کیږي:

- ۱- که دا اثبات شي چې دغه ضیاع او خساره د هغې مودی په منځ کښې چې شیان نقل ورکونکي اخیستی او مرسل الیه ته یې تسلیم کړی پېښه شوی ده.
- ۲- که د شیانو معاینه او تدقیق د هغو په ضرر باندی له پوهیدلو او قبولی څخه اته ورځې وروسته د پوهو کسانو په ذریعه شوی وی په دی صورت چې ضرر او خساره د

ماده ۸۵۵:

تسویه اجوره نقلیات و قبولی بلا شرط اشیاء حق دعوی را علیه نقل دهنده ساقط می گرداند. معذک اگر خساره اشیاء قبل از قبولی توسط اهل خبره ایکه محکمه تعیین کرده تثبیت شده باشد حق دعوی مرسل الیه علیه نقل دهنده ساقط نمی شود اگر حین قبولی اشیاء امکان فهمیدن ضیاع و یا نقص آن موجود نباشد بعد از قبولی و تسویه اجوره نقلیات نیز نظر به مواد آتی حق دعوی علیه نقل دهنده محفوظ می ماند:

- ۱- اگر اثبات شود که ضیاع و خساره در بین مدتی که اشیاء را نقل دهنده اخذ و به مرسل الیه تسلیم کرده واقع شده.
- ۲- اگر معاینه و تدقیق اشیاء هشت روز بعد از فهمیدن ضرر و قبول اشیاء توسط اهل خبره شده باشد. در صورتی که خساره و ضرر ناشی از حيله و

نقل ورکونکی له حیلې او فاحش
تقصیر څخه پیدا شوی وی نوموړی
نشي کولای چې د دعوی د حق د
سقوط ادعا وکوی.

یا تقصیر فاحش نقل دهنده
باشد نامبرده نمی تواند
ادعای سقوط حق دعوی را
بنماید.

در پیمه برخه د اشخاصو ترانسپورت

حصه سوم ترانسپورت اشخاص

۸۵۶ ماده:

مسافرين مكلف دي هغه اصول
چې نقل ورکونکي يې د نقلیه
خدمتونو د تنظيم د پاره وضع کوی
رعایت کړی.

۸۵۶ ماده:

مسافرين مکلف اند اصولی را که
نقل دهنده برای تنظیم
خدمات نقلیه وضع می کند
رعایت نمایند.

۸۵۷ ماده:

که سفر وروسته له عقد او پخوا
له حرکت څخه معطل شي
لاندنی احکام تطبیق کیږي:
۱- که مسافر په ټاکلی وخت د
حرکت ځای ته ونشي رسید لای
نودا حق لری چې په نورو هغو نقلیه
وسائلو کښې چې وروسته ځي
حرکت وکړي.
۲- که مسافر له تگ څخه
منصرف شي د کرایي د بیرته
اخیستلو حق نلری.
۳- که سفر د فوت یا مریض او یا
مجبوره علتونو له مخې معطل

۸۵۷ ماده:

اگر سفر بعد از عقد و قبل از
حرکت معطل گردد احکام
ذیل تطبیق می شود:
۱- اگر مسافر در وقت معینه در
محل حرکت حاضر شده
نتواند حق دارد به وسایل نقل
دهنده متعاقب حرکت
نماید.
۲- اگر مسافر از عزیمت
انصراف کند مستحق استرداد
کرایه شمرده نمیشود.
۳- اگر سفر از رهگذر فوت یا
مریضی و یا علل مجبره معطل

شود مقاوله کرایه مسترد میگردد.
۴- اگر سفر نظر به علل مجبره متعلق به لوازم نقلیه و یا بدون تقصیر طرفین اجرا شده نتواند عقد (بدون اینکه طرفین مجبور به پرداخت جبران باشند) فسخ می گردد ولی اگر نقل دهنده کرایه را قبلاً اخذ کرده باشد در این حال مجبور به اعاده است.

۵- اگر سفر در اثر عمل و تقصیر نقل دهنده معطل گردیده باشد مسافر می تواند کرایه پرداخته شده را استرداد و طلب جبران خساره نماید.

ماده ۸۵۸:

اگر سفر بعد از عقد و حرکت دچار انقطاع گردد (بشرطیکه مقاوله ای بر خلاف آن نشده باشد) احکام ذیل تطبیق می شود.

۱- اگر مسافر در ضمن راه به خواهش خود از حرکت منصرف شود مجبور به تأدیه تمام کرایه است.

شیء کرایه مقاوله مستردی.
۴- که سفر نظر مجبره علتو ته په نقلیه لوازمو پورې اړه ولری او یا بی د دواړو خواوو له تقصیره اجرا نشي نو عقد (بی له دی چې دواړه خواوی د تاوان په ورکولو مجبوری شي) فسخ کیږي مگر که نقل ورکوونکی لاله پخوا څخه کرایه اخیستی وی په دی حال کښې په بیرته ورکولو باندی مجبور دی.

۵- که سفر د نقل ورکوونکی د عمل او تقصیر په اثر معطل شوی وی مسافر کولای شي چې ورکړی شوی کرایه بیرته واخلی او د خسارې تاوان وغواړي.

ماده ۸۵۸:

که سفر وروسته له عقد او حرکت څخه له انقطاع سره مخامخ شي (په دی شرط چې د هغه په خلاف کومه مقاوله نه وی شوی) لاندی احکام تطبیق کیږي:

۱- که مسافر په لیار کښې په خپله خوښه له حرکت څخه منصرف شي نو د ټولی کرایه په ورکړه مجبور دی.

۲- که نقل ورکونکی د سفر له دوام څخه منصرف شي او یا مسافر د نقل ورکونکی د تقصیر په اثر په نیمه لاره کښې په توقف مجبور شي په کرایه ورکولو مجبور نه دی.

او که مسافر ټوله کرایه لاله پخوا څخه ورکړې وي کولای شي چې هغه ټوله بېرته واخلې او د خسارې تاوان وغواړي.

۳- که سفر د شخصي سبب له مخې چې په مسافر پورې اړه ولری او یا د مجبره علتونو له لاری وی چې په نقلیه وسایلو پورې اړه ولری دانقطاع سره مخامخ شي د وهلی شوی مسافری په تناسب کرایه ورکوله کیږي. په دی صورت کښې یو وبل ته د خساری د تاوان په ورکولو هیڅ یو طرف نه مجبورېږي.

۸۵۹ ماده:

که نقل ورکونکی د سفر په وخت کښې په داسی محل کښې چې د ده په تعرفه کښې نه وی توقف وکړي او یا ټاکلی لاره پرېږدي په بله داسی لاره روان شي او یا په بل صورت چې د مقصود محل ته

۲- اگر نقل دهنده از دوام سفر منصرف و یا مسافر در اثر تقصیر نقل دهنده مجبور به توقف در نیمه راه شود مجبور به تأدیه کرایه نمی باشد.

و اگر مسافر کرایه را قبلاً پرداخته باشد می تواند تمام آنرا استرداد و طالب جبران خساره شود.

۳- اگر سفر از رهگذر سبب شخصی که مربوط به مسافر باشد و یا علل مجبره که متعلق به وسایل نقلیه باشد دچار انقطاع گردد کرایه متناسب به مسافه قطع شده پرداخته میشود. در این صورت هیچ یکی از طرفین مجبور بجران خساره بدیگری نیست.

۸۵۹ ماده:

اگر نقل دهنده در اثنای سفر در محلی که در تعرفه آن نباشد توقف نماید و یا از راه معینه انحراف و راه دیگری را تعقیب کند یا به صورت دیگری مواصلت راه بمحل

رسیدلی وځنډیږي مسافر حق لری چې مقاوله فسخ کړي او د خساری تاوان وغواړي. که نقل ورکوونکی برسیره په مسافرینو نورشیان او مالونه هم نقلوی کیدای شي هغه موده چې د مالونو او شیانو د تخلیه کولو دپاره پکار ده معطل شي د دی مادی حکم په دی صورت د تطبیق وړدی چې د هغه په خلاف کوم قرارداد موجود نه وی.

۸۶۰ ماده:

که سفر د حکومت د امر او یا د نقلیه وسایلو د ضروری ترمیم او یا د هغو خطراتو له مخې چې د حرکت د دوام مانع شي وځنډیږي (په دی صورت چې د دواړو خواوو په منځ کېنې خصوصي عقد موجود نه وی) لاندنی احکام تطبیق کیږي:

- ۱- که مسافر ونه غواړي چې د مانع تر رفع کیدو او د ترمیم تر ختم پوری انتظار وباسي نوکولای شي چې د قطع شوی مسافری په تناسب د نقلیه باړې له ورکولونه وروسته مقاوله فسخ کړي.
- ۲- که مسافر وغواړي چې

مقصود به تأخیر بیاندازد مسافر حق دارد مقاوله را فسخ و طلب جبران خساره نماید. اگر نقل دهنده بر علاوه مسافرین اشیاء و امتعه دیگری را نیز نقل می‌دهد می‌توانند مدتی را که مقتضی تخلیه امتعه و اشیاء است معطل شود. حکم این ماده در صورتی قابل تطبیق است که بر خلاف آن قراردادی وجود نداشته باشد.

۸۶۰ ماده:

اگر سفر نظر به امر حکومت یا ترمیم ضروریه وسایل نقلیه و یا خطراتی که مانع دوام حرکت گردد بتأخیر افتد (در صورتی که در بین طرفین عقد خصوصی موجود نباشد) احکام ذیل تطبیق می‌گردد:

- ۱- اگر مسافر نخواهد انتظار رفع مانع و ختم ترمیم را بکشد می‌تواند بعد از پرداختن کرایه نقلیه متناسب بمسافه قطع شده مقاوله را فسخ کند.
- ۲- اگر مسافر بخواهد انتظار

انتظار وباسی نو همغه
تاکلی باره به ورکری مگر
که د نقلیه په باره کښې خورا
که هم شامله وی مسافر د توقف په
مودو کښې د خوراکي مصرف له
خانه کوی.

۸۶۱ ماده:

مسافر د خپلو بگاڅ او
شخصي شيانو د باره (که د هغه
په خلاف مقاوله موجوده نه وی) په
ځانگړي باره ورکولو مجبور نه
دی.

نقل ورکوونکی د مسافرینو شيانو
ته له خساري او ضیاع پېښیدو
څخه د (۸۳۸) او (۸۴۳) مادو
دا حکامو له مخې مسئول دی.

نقل ورکوونکی د هغو شيانو له
ضیاع څخه چې پخپله له مسافرینو
سره وی مسئول نه دی.

۸۶۲ ماده:

نقل ورکوونکی حق لری چې د
خپلی باری او د مسافر د
خوراکي د مصارفو د پوره کولو
دپاره د ده بگاڅ توقیف کړی.

۸۶۳ ماده:

نقل ورکوونکی د سفر په وخت
کښې له هغو پېښو څخه چې

بکشد همان کرایه معینه را
خواهد پرداخت ولی اگر در کرایه
نقلیه خوراکه هم شامل باشد
مسافر در مدت توقف مصرف
خوراک خود را شخصاً تحمل
می کند.

۸۶۱ ماده:

مسافر برای باگاڅ و اشیاء
شخصی خویش (اگر بر خلاف آن
مقاوله موجود نباشد) مجبور به
پرداخت کرایه جداگانه
نیست.

نقل دهنده از خساره و ضیاع
وارد به اشیاء مسافرین نظر
به احکام متذکره مواد (۸۳۸)،
(۸۴۳) مسئول می باشد.

نقل دهنده از ضیاع
اشیائی که نزد خود مسافرین
است مسئول نیست.

۸۶۲ ماده:

نقل دهنده حق دارد برای
استیفاء کرایه و مصارف
خوراکه مسافر باگاڅ وی را
توقیف نماید.

۸۶۳ ماده:

نقل دهنده در اثنای سفر از
حوادثی که بمسافرین واقع

مسافرینوته رسیږي (په دی شرط) چې ثابت نشي چې پېښه د نقل ورکونکي له عمل او تقصیر او یا هغو اشخاصو څخه چې مستقیماً په ده پورې اړه لری صادره شوی ده) مسئول نه دی.

۸۶۴ ماده:

که مسافر د سفر په منع کښې مړ شي نقل ورکونکي د ورثي د منافعو بگاړ او متعلقه شيانو د ساتنې دپاره صالحه اشخاصوته د هغو تر تسلیم پورې موظف دی. که د مړي له مربوطینو څخه کوم یوهلته موجود وی د دی معاملی د اجراء د مراقبت د پاره مداخله کولای شي او د مړي د مال د موجودی په خصوص کښې له نقل کوونکي څخه اظهار نامه غوښتی شي.

۸۶۵ ماده:

په نقلیه وسیله کښې دننه انتظام د نقل ورکونکي وظیفه ده د نقل ورکوونکي دا وظیفه ده ترڅو مراقبت وکړي چې مسافرین هغه شیان چې مسافر ینوته زحمت او خساره پېښوی له ځان سره بارنکړي د دی په عکس که له دی

می شود (بشرطیکه ثابت نشود که واقع از عمل و تقصیر نقل دهنده و یا اشخاصی که مستقیماً بوی مربوط اند صادر شده) مسئول نمی باشد.

۸۶۴ ماده:

اگر مسافر در اثنای سفر وفات کند نقل دهنده برای صیانت منافع ورثه باگاړ و اشیای متعلقه او الی زمان تسلیم آن به اشخاص صالحه موظف می باشد. اگر یکی از مربوطین متوفی در آنجا وجود داشته باشد برای مراقبه اجرای این معامله می تواند مداخله و از نقل دهنده راجع بموجودی ما ترک متوفی اظهارنامه ای تقاضا کند.

۸۶۵ ماده:

انتظام داخل وسیله نقلیه وظیفه نقل دهنده است نقل دهنده موظف است تا مراقبت کند که اشخاص چیـزهایـرا که باعث تولید زحمت و خساره به مسافرین می شود با خود حمل ندارند. بر عکس اگر ازین

رویی خخه مسافرینو ته خساره
ورسیرې نقل ورکوونکی په تاوان
ورکولو مجبور دی.

رویه به مسافرین خساره برسد
نقل دهنده مجبور بجبران
است.

د یار لسم فصل بیمه لومړۍ برخه د بیمې عمومي احکام

فصل سیزدهم بیمه حصه اول احکام عمومي بیمه

۸۶۶ ماده:

بیمه یو عقد دی چې د بیمې
مؤسسه یې د اجرت په مقابل
کښې د افرادو د خسارو او
ضایعاتو تاوان چې د مجبره
اسبابو او ټاکلیو پیښو نه پیدا
شوی وی (په یوه اندازه پیسو
ورکولو تعهد کوی).

۸۶۶ ماده:

بیمه عقدی است که مؤسسه
بیمه در مقابل اجرت جبران
خسارات و ضایعات افراد را که
ناشی از وقوع حوادث معینه و
اسباب مجبره باشد (باعطای
یک مقدار پول) تعهد
می کند.

۸۶۷ ماده:

د بیمې دا اختلافاتو په
خصوص کښې د دی اصولنامې
احکام (په دی صورت چې د بیمې
په مقاوله کښې د هغو په خلاف
کوم صراحت نه وی). تطبیق کیږي.

۸۶۷ ماده:

در مورد اختلافات بیمه
احکام این قانون (در
صورتی که بر خلاف آن در
مقاوله بیمه صراحتی
نباشد) تطبیق می گردد.

دوه یمه برخه د مالونو بیمه

۸۶۸ ماده:

مالونه د مالک، د مالک د پوروال، د مرتهن، مستاجر او ټولو هغو کسانو له خوا چې په ساتنه کېنې یې واقعاً ذینفع وی او یا د دوی د وکیل او نماینده له خوا بیمه کیدای شي.

۸۶۹ ماده:

یو شخص کولای شي چې د بل شخص په نامه او حساب د بیمې مقاوله وکړي مگر که دا شخص دا واک ونه لري چې د هغه چاله خوا چې د هغه په نامه او حساب یې عمل کړی دی نمایندګي وکړي نو د بیمې د (برینیوم) له اجرت څخه شخصاً مسئول دی.

هغه شخص چې د ده په نامه او حساب د بیمې مقاوله تړله کیږي نوکه د خطر له پېښیدو نه پخوا یا وروسته یې بیمه قبوله کړی وی له بیمې نه استفاده کولای شي.

۸۷۰ ماده:

هغه بیمه چې په وکالت سره منعقده کیږي که د مؤکل لخوا

حصه دوم بیمه اموال

۸۶۸ ماده:

اموال از طرف مالک داین، مالک مرتهن، مستاجر و تمام کسانیکه در محافظه آن واقعاً ذینفع باشند و یا وکیل و نماینده آنها بیمه شده می تواند.

۸۶۹ ماده:

یک شخص می تواند بنام و حساب شخص دیگری مقاوله بیمه را عقد نماید ولی اگر آن شخص صلاحیت نداشته باشد از کسیکه بنام و حساب او عمل کرده است نمایندګی نماید از اجرت (برینیوم) بیمه شخصاً مسئول می باشد.

شخصی که بنام و حساب او مقاوله بیمه عقد میشود اگر قبل و یا بعد از وقوع خطر بیمه را قبول کرده باشد از بیمه استفاده می تواند.

۸۷۰ ماده:

بیمه ای که بالوکاله منعقد می گردد اگر از طرف مؤکل قبول

قبوله شي داسی گڼله کيږي چې وکیل د وکالت له شرطونو سره سم تگ کړی دی.

که موکل د بیمې د شرطونو په خصوص کښې کوم هدایت نه وی ورکړی وکیل موظف دی چې د بیمې مقاوله، له هغو شرایطو سره سمه چې د بیمې د مقاولې د اجراء په ځای کښې عرف او رواج ولری وتری. که د بیمې له شرایطو څخه ونشي پوهیدای چې مقاوله د بل شخص په نامه او حساب ترلی شوی ده داسی گڼله کيږي چې مقاوله د عاقد شخص په نامه او حساب منعقد شوی ده.

۸۷۱ ماده:

پوروال کولای شي چې خپل پور له ورکړې څخه د پوروړی د عجز د احتمال په مقابل کښې بیمه کړی. پدی صورت (که په خلاف یې کومه مقاوله موجوده نه وی) د بیمې مؤسسه داغوبتنه او مطالبه کولای شي چې پوروال په لومړی سرکښې د پوروړی مال ته مراجعه وکړي او یا د هغه د مال له پلورنې څخه خپل پور لاس ته راوړي.

شود چنین محسوب می گردد که وکیل بر وفق شرایط وکالت رفتار نموده است.

اگر موکل راجع به شرایط بیمه هدایتی نداده باشد وکیل موظف است مقاوله بیمه را بر طبق شرائطیکه عرفاً در محل اجرای مقاوله بیمه مروج است منعقد نماید. اگر از شرایط مقاوله بیمه استفهام شده نتواند که مقاوله بنام و حساب شخص دیگری منعقد گردیده است چنین محسوب می شود که مقاوله بنام و حساب شخص عاقد منعقد شده است.

ماده ۸۷۱:

داین می تواند دین خود را در مقابل احتمال عجز مدیون از تأدیه بیمه نماید. در این صورت (هرگاه بر خلاف آن مقاوله ای موجود نباشد) مؤسسه بیمه می تواند مطالبه نماید که داین در وهله اول به اموال مدیون مراجعه و با فروش آن استیفای دین خویش را بنماید.

ماده ۸۷۲:

هغه پوروال چې د پوروړی منقول او غیر منقول مالونه یې تر مراقبت لاندې نیولی یا په گرو اخیستی وی او یا دی مالونو ته په مراجعه کښې د امتیاز حق ولری که دا مالونه بیمه شوی وی هغه تاوان چې د خساری پېښیدلو په صورت ورکاوه کیرې د بیمه شویو مالونو عوض چې د پوروالاتو په طلباتو پورې اړه لری محسوبیږي.

ماده ۸۷۳:

که هغه امتیاز چې پور والان یې په بیمه شوی مال لری متفاوت وی نوکه دهغه پوروال د پور د اداء د پاره چې امتیاز یې وروستی دی د مال قیمت کفاف ونکړی نشي کولای چې د هغه مال بیمې ته اقدام وکړي.

ماده ۸۷۴:

هغه خسارې چې له قانون څخه د مخالفو چارو او یا له ښو آدابو او عمومي اخلاقو د مخالفت څخه پیدا شوی وي بیمه کیدی نشي.

ماده ۸۷۵:

د بیمه کیدونکو د بیمې په مقاوله

ماده ۸۷۲:

داینیکه اموال منقول و غیر منقول مدیون را تحت مراقبه و یا به گرو گرفته و یا در مراجعه به این اموال دارای حق امتیازی باشد اگر این اموال بیمه شده باشد غرامتی که در صورت وقوع خساره تأدیه می گردد عوض اموال بیمه شده که به طلبات دائنین متعلق است محسوب می شود.

ماده ۸۷۳:

اگر امتیازی که دائنین به مال بیمه شده دارند متفاوت باشد در صورت عدم کفاف قیمت مال برای ادای طلبات داینیکه امتیاز او مؤخر است نمی تواند به بیمه آن مال اقدام نماید.

ماده ۸۷۴:

خسارات ناشی از اعمال خلاف قانون و یا مغایر آداب حسنه و اخلاق عمومی بیمه شده نمی تواند.

ماده ۸۷۵:

در عقد مقاوله بیمه شونده و یا

کښې او یا هغه شخص چې په مشروط ډول له بیمې څخه ګټه اخلي که د تهلکې له پېښې نه خبر وي او یا د بیمې مؤسسه د تهلکې د پېښې له نه امکان څخه مطلع وي نو د بیمې مقاوله باطله ګڼله کیږي. په لومړنۍ صورت کښې د بیمې مؤسسه کولای شي چې د بیمې اجوره وغواړي.

۸۷۶ ماده:

د بیمې مؤسسه فقط د هغه ضرر په تاوان چې په رښتیا سره بیمه کېدونکي ته رسیدلی وي مکلفه ده نوکه د بیمې بدل د مال له قیمت څخه تیری وکړي بیمه کېدونکي له زیات قیمت څخه استفاده نشي کولای.

که د بیمې بدل د دی قاعدې له مخې نظر د مال قیمت ته لږ شي د بیمې اجوره هم ټیټېږي او د اجورې زیاته تحصیل شوی برخه بیرته ورکوله کیږي. مګر که د بیمې قیمت د کارپوهو کسانو له خوا (چه د دواړو خواوو په اتفاق ټاکلی شوی وي) لاله پخوا څخه اندازه شوی او دواړو خواوو هغه قبول کړي وی د بیمې مؤسسه نشي

شخصی که بطور مشروط از بیمه منتفع می گردد اگر از وقوع تهلکه واقف بوده باشد و یا مؤسسه بیمه از عدم امکان وقوع تهلکه مطلع باشد مقاوله بیمه باطل محسوب می گردد. در صورت اول الذکر مؤسسه بیمه میتواند اجوره بیمه را مطالبه نماید.

ماده ۸۷۶:

مؤسسه بیمه فقط به جبران ضرری که حقیقتاً به بیمه شونده رسیده مکلف می باشد بنابراین اگر بدل بیمه از قیمت مال تجاوز نماید بیمه شونده از قیمت اضافی استفاده نمی تواند.

اگر بدل بیمه نظر باین قاعده نسبت به قیمت مال کمتر گردد اجوره بیمه نیز تنزیل و قسمت تحصیل شده اضافی اجوره اعاده می گردد اما اگر قیمت بیمه از جانب اهل خبره (که به اتفاق طرفین انتخاب شده) بدو تقدیر و طرفین آنرا قبول کرده باشند مؤسسه بیمه نمی

کولای چي د دی قیمت په نسبت
اعتراض وکړي.

۸۷۷ ماده:

د بیمې مؤسسه هر وخت که
وغواړي کولای شي چي د قیمت د
تحقیق دپاره بیمه شوی مال معاینه
کړي.

۸۷۸ ماده:

هغه مال چي ټول قیمت یې د یوې
مؤسسې له خوا بیمه شوی وی د
همغې مؤسسې له خوا د عین
خطراتو په مقابل کېنې بیا بیمه
کیدای نشي که د بیمه شوی مال
ټول قیمت په پخوانۍ مقاوله کېنې
ونشي ټاکلی د پاتې مال د قیمت د
پاره یو یا څو ځلې بیمه جائزه ده
پدی صورت د بیمې مؤسسې چي
وروسته له هغه یې مال بیمه کړی
وی له پاتې قیمت څخه د مقاولی د
نېټې په اعتبار مسئولی دی.
هغه مقاولی چي په عین یوه ورځ
کېنې شوی وی داسی گڼلی کیږي
چي په یوه زمان کېنې منعقدی
شوی دی.

۸۷۹ ماده:

که یو مال د متعددو مؤسسو له

تواند نسبت به این قیمت اعتراض
نماید.

۸۷۷ ماده:

مؤسسۀ بیمه هر وقتیکه خواسته
باشد می تواند برای تحقیق قیمت
مال بیمه شده را معاینه
نماید.

۸۷۸ ماده:

مالیکه تمام قیمت آن از جانب یک
مؤسسه بیمه شده باشد از طرف
همان مؤسسه در برابر عین
خطرات دوباره بیمه شده
نمی تواند اگر تمام قیمت مال بیمه
شده در مقاوله قبلی معین شده
نتواند برای قیمت بقیه مال یک و
یا چند مرتبه جائز است. به این
صورت مؤسسات بیمه که بعداً
مال را بیمه کرده باشند از قیمت
باقی مانده باعتبار تاریخ مقاوله
مسئول می گردند.

۸۷۹ ماده:

اگر یک مال از جانب مؤسسات

خوا اوپه عین زمان کښې د عین خطراتو د پاره بیمه شوی وی منعقدی شوی مقاولی د بیمه شوی مال د قیمت په اندازه اعتبار لری پدی صورت د بیمې هره یوه مؤسسه نظر مجموعی قیمت ته د مال د بدل په تناسب مسئوله بلله کیږي.

۸۸۰ ماده:

که یو مال د خپل قیمت یواځې د یوی برخې د پاره بیمه شوی وی د قسمی خساری د پېښې په حال کښې (پدی شرط چې د هغه په خلاف مقاوله نه وی شوی)، د بیمې مؤسسه د مال د هماغی برخې د قیمت د تاوان مسئوله ده چې بیمه شوی ده.

۸۸۱ ماده:

هغه مال چې ټول قیمت یې بیمه شوی وی په لاندنیو احوالو کښې د عین خطراتو د پاره د هغه بیمه جائزه ده:

۱- پدی صورت چې د مربوطه بیمې د مؤسساتو رضایت حاصل شوی وی پدی حال کښې د بیمې ټولې مقاولې داسی فرضیږي چې په یوه زمان کښې عقد شوی دی.

متعدد و در عین زمان برای عین خطرات بیمه شده باشد مقاولات منعقد به اندازه قیمت مال بیمه شده اعتبار دارد. باین صورت هر یکی از مؤسسات بیمه نظر به قیمت مجموعی بتناسب بدل مال مسئول شمرده می شوند.

۸۸۰ ماده:

اگر یک مال تنها برای یک قسمت قیمت خود بیمه شده باشد در حال وقوع خساره قسمی (بشرطیکه خلاف آن مقاوله نشده باشد) مؤسسه بیمه مسئول جبران قیمت همان قسمت مال است که بیمه گردیده.

۸۸۱ ماده:

مالیکه تمام قیمت آن بیمه شده باشد در احوال ذیل برای عین خطرات بیمه آن جائز است.

۱- در صورتی که رضایت مؤسسات بیمه مربوط حاصل شده باشد در این صورت همه مقاولات بیمه چنان فرض می شود که در یک

او د خسارې د پېښېدو په صورت د هغې تاوان په هغه نسبت چې په (۸۷۹) ماده کېني ذکر شوی دی د بیمې د مؤسساتو له خوا ورکول کېږي.

۲- که بیمه کوونکی د بیمې د لومړنۍ مؤسسې حقوق د بیمې وروستۍ مؤسسې ته انتقال کړي وی او یا یې له هغو نه ابراء کړي وی باید د دی انتقال صورت د وروستۍ بیمې په مقاوله کېني تصریح شي او که داسې نشي نودغه مقاوله به اثره بلله کېږي.

۳- که شرط شوی وی چې د وروستۍ بیمې مؤسسه د هغه تاوان مسئوله ده چې د پخوانۍ بیمې مؤسسې هغه نه دی ورکړی، نو پدی صورت کېني باید کیفیت په وروستۍ مقاوله کېني لکه د لومړي مقاولې په شان تصریح او ښکاره شي.

۸۸۲ ماده:

بیمه کیدونکی د بیمې د مقاولی د عقد په وخت کېني مجبور دی چې د ټولو هغو خصوصیاتو څخه چې د بیمې د اجرت له زیاتوالی او مقاولی څخه د براءت موجب

زمان عقد شده و در صورت وقوع خساره جبران آن به نسبتی که در ماده (۸۷۹) ذکر شده از طرف مؤسسات بیمه تأدیه می گردد.

۲- اگر بیمه کننده حقوق مؤسسه بیمه مقدم را به مؤسسه بیمه مؤخر انتقال داده و یا از آن ابراء نموده باشد باید صورت این انتقال در مقاوله بیمه مؤخر تصریح شود بر عکس آن مقاوله بی اثر تلقی می گردد.

۳- اگر شرط شده باشد که مؤسسه بیمه مؤخر مسئول جبران است که مؤسسه بیمه مقدم آنرا تأدیه نکرده است، در این صورت نیز باید کیفیت در مقاوله نامه مؤخر بر طبق مقاوله مقدم تصریح گردد.

ماده ۸۸۲:

بیمه شونده در زمان عقد مقاوله بیمه مجبور است تمام خصوصیات را که موجب براءت از مقاوله و یا تزئید اجرت بیمه گردد به مؤسسه بیمه

وگرځې د بیمې مؤسسې ته اطلاع ورکړې د بیمه کیدونکي سکوت او ناقص او له حقیقت نه خلاف ځواب د بیمې د مؤسسې نه خبرول د مقاولی د فسخ باعث ګرځي. مګر که په حقیقت باندې د خبریدو له نېټې څخه په دریو میاشتو کښې د بیمې مؤسسه د خپلې فسخ حق استعمال نکړي دا حق یې ساقطیږي د بیمه کیدونکي له خوا د بد نیت د ثبوت په صورت د بیمې مؤسسه د اجرت اخیستلو حق لري.

پرتله له هغو مواردو چې د بیمه کیدونکي له خوا د بیمې د پوښتنو په مقابل کښې د بیمې د مقاولی په مربوطه لست کښې ځانه پری شوی ځواب او تعهد ورکول کېږي نور هیڅ ډول مسئولیت بیمه کیدونکي ته نه متوجه کیږي.

۸۸۳ ماده:

که د خطر د وقوع امکان د بیمې د مؤسسې د مسئولیت له ښکاره کیدونه پخوا او بی د بیمه کیدونکي او یا هغه چا له د خل او تأثیر څخه چې د هغه ګټه اخیستل له بیمې څخه مشروط دی له منځه

اطلاع دهد سکوت و یا جواب ناقص و خلاف حقیقت بیمه شونده علی الرغم سوال مؤسسه بیمه و عدم وقوف مؤسسه بیمه از حقیقت باعث فسخ مقاوله می گردد. ولی اگر در ظرف سه ماه از تاریخ اطلاع به حقیقت مؤسسه بیمه حق فسخ خود را استعمال نکند این حق ساقط می شود در صورت ثبوت سوء نیت از طرف بیمه شونده مؤسسه بیمه در اخذ اجرت مستحق می باشد.

باستثنای مواردیکه در لست مربوط مقاوله بیمه در مقاوله سئالات مؤسسه بیمه از طرف بیمه شونده ځانه پری شده جواب و تعهد داده می شود دیگر هیچگونه مسئولیتی به بیمه شونده متوجه نمی گردد.

۸۸۳ ماده:

اگر امکان وقوع خطر قبل از ظهور مسئولیت مؤسسه بیمه و بدون از دخل و تأثیر بیمه شونده و یا کسیکه انتفاع او از بیمه مشروط است از بین برود، مؤسسه

بیمه مستحق اجرت
نمی شود.

ماده ۸۸۴:

بیمه شونده می تواند قبل از وقوع مسئولیت مؤسسه بیمه مقاوله را تماماً و یا قسمی فسخ کند، در این صورت مؤسسه بیمه مستحق نصف اجرت می شود.

ماده ۸۸۵:

در صورتی که بر خلاف آن شرطی موجود نباشد مؤسسه بیمه ضامن جبران خساراتیست که از اعمال غیر ارادی بیمه شونده یا کسی که بصورت مشروط از بیمه نفع میبرد یا آنهاست که مؤسسه بیمه حقوقاً مسئول اعمال شان می باشد بوجود می آید.

ولی به هیچ صورت مؤسسه بیمه مجبور نیست خساراتی را جبران کند که از حیلۀ بیمه شونده و یا کسی که بصورت مشروط از بیمه نفع می برد نشئت نموده باشد.

ولا شی د بیمی مؤسسه د اجرت
حق نه لری.

ماده ۸۸۴:

بیمه کیدونکی کولای شی د بیمی د مؤسسه د مسئولیت له وقوع څخه پخوا ټوله مقاوله یا د مقاولی یوه برخه فسخ کړی په دی صورت د بیمی مؤسسه د نیم اجرت مستحقه کیږي.

ماده ۸۸۵:

په داسی صورت کښې چې په خلاف یې کوم شرط موجود نه وی د بیمی مؤسسه د هغو خسارو د تاوان ضامن ده چې د بیمه کېدونکی یا هغه چا د غیر ارادی اعمالو څخه چې په مشروط صورت له بیمی څخه گټه وړی یا د هغو کسانو د غیر ارادی اعمالو څخه چې د بیمی مؤسسه د دوی د اعمالو حقوقاً مسئوله ده پیدا کیږي.

مگر په هیڅ صورت د بیمی مؤسسه مجبوره نه ده چې د هغو خسارو تاوان ورکړی چې د بیمه کېدونکی یا هغه چاله حیلې څخه پیدا شوی وی چې په مشروط ډول له بیمی څخه گټه وړی.

همداډول په دی صورت چې په خلاف یې په مقاوله کښې تصریح نه وی شوی د بیمې مؤسسه په هغه عیب کښې چې په بیمه شوی مال کښې پېښېږي په تاوان ورکو لو مجبوره نه ده.

۸۸۶ ماده:

بیمه کېدونکی مجبور دی چې د هغه خطر د خبرېدو له نېټې څخه چې بیمه په هغه پوری اړه لری په پنځو ورځو کښې د بیمې مؤسسه خبره کړی. برسيره په هغه بیمه کېدونکی مکلف دی چې د خساری د پېښیدو د مخ نیوی او یا تنقیص او تخفیف په خصوص کښې لږم تدبیرونه ونیسی. هغه شرطونه چې له دی اساس نه مخالف د بیمه کېدونکی په پلو په مقاوله نامه کښې داخليږي داسی دی لکه چې هیڅ نه وی. که د نیول شویو تدبیرونه مصارف بی تاثیر پاتی شوی هم وی د بیمې مؤسسه د هغو په ورکړه مکلفه ده مگر که بیمه د مال په ټول قیمت اړه ونلری نومصارف د بیمې د بدل په تناسب، د مال له مجموع قیمت سره ورکول کیږي.

همچنین در صورتی که خلاف آن در مقاوله تصریح نشده باشد مؤسسه بیمه در عیب که در مال بیمه شده بوقوع می آید مجبور بجزبران نمی باشد.

۸۸۶ ماده:

بیمه شونده مجبور است در ظرف پنج روز از تاریخ وقوف به خطریکه بیمه به آن تعلق دارد مؤسسه بیمه را مطلع سازد. علاوه بر آن بیمه شونده مکلف است راجع به جلوگیری از وقوع خساره و یا تنقیص و تخفیف آن تدابیر لازم را اتخاذ نماید. شروطیکه مخالف این اساس برله بیمه شونده در مقاوله نامه درج می شود کان لم یکن است اگر مصارف تدابیر متاخذ به بی تاثیر هم مانده باشد مؤسسه بیمه مکلف به تأدیه آن است ولی اگر بیمه به مجموع قیمت مال تعلق نداشته باشد مصارف به تناسب بدل بیمه با مجموع قیمت مال پرداخته می شود.

ماده ۸۸۷:

که بیمه کیدونکی سره له تثبیت په ډیر سخت تقصیر او حيله د (۸۸۶) مادی د مکلفیتونو رعایت ونکړی د خپلی بیمې حقوق له لاسه ورکوي.

ماده ۸۸۸:

که یو مال له (۸۷۹) مادی سره سم د بیمې د متعددو مؤسسو له خوا بیمه شوی وی د خساری د پېښېدو په حال کېنې بیمه کوونکی مجبور دی چې په (۸۸۶) ماده کېنې په ټاکلی موده کېنې د بیمې هری یوی مؤسسې ته د خساری او هغو مقاولاتو د کیفیت څخه چې د همدی مال په باره کېنې یې عقد کړی دی اطلاع ورکړی.

ماده ۸۸۹:

په دی صورت چې د هغه په خلاف مشروط شوی نه وی د بیمې هره مؤسسه د هغو خسارو مسئوله ده چې د تلفېدو او تغییر په لحاظ د بیمې د موضوع شیانوته رسیدلی وی پرته د جنگ او عصیان له حالته.

ماده ۸۸۷:

اگر بیمه شونده با تثبیت به حيله و یا تقصیر سنگین رعایت مکلفیتهای ماده (۸۸۶) را نکند حقوق بیمه خود را از دست می دهد.

ماده ۸۸۸:

اگر یک مال مطابق ماده (۸۷۹) از طرف مؤسسات متعدد بیمه، بیمه شده باشد در حال وقوع خساره بیمه کننده مجبور است در ظرف مدت معینه ماده (۸۸۶) بهر یک از مؤسسات بیمه کیفیت خساره و مقاولاتی را که درباره همین مال عقد نموده اطلاع نماید.

ماده ۸۸۹:

در صورتی که خلاف آن مشروط نشده باشد هر مؤسسه بیمه مسئول خساراتی است که از لحاظ تلف و تغییر بر اشیاء موضوع بیمه وارد شده باشد باستثناء حالت جنگ و عصیان.

۸۹۰ ماده:

که کوم یو له هغو خطراتو نه چې له (۸۸۹) مادی سره سم د بیمې مؤسسه د هغو مسئوله ده له مقاوولی څخه استثنا شوی وی او کومه خساره چې له دغو خطراتو څخه پېښه شي د دی اثبات چې پېښه شوی خساره له استثنایې خطراتو څخه پیدا شوی ده د بیمې په مؤسسه پورې اړه لری.

۸۹۱ ماده:

په دی صورت چې د هغو په خلاف مشروط نه وی د بیمې مؤسسه له هغو خطراتو څخه چې د عقد د وقوع له نېټې نه پیدا کیږي مسئوله ده. که د دی مسئولیت د دوام موده په مقاوله کښې تصریح شوی نه وی نود محلی عرف له مخې د محکمې له خوا ټاکله کیږي.

۸۹۲ ماده:

د بیمې مؤسسه له هغې نېټې څخه چې د بیمې مسئولیت شروع کیږي د اجرت مستحقه ده.

۸۹۳ ماده:

د بیمې اجرت ممکن دی په

۸۹۰ ماده:

هرگاه یکی از خطراتی که مطابق ماده (۸۸۹) مؤسسه بیمه مسئول آن است از مقاوله استثناء شده باشد و خساره ای از آنجهت وارد شود اثبات اینکه خساره واقعه از خطرات استثنائیه بوجود آمده مربوط به مؤسسه بیمه می باشد.

۸۹۱ ماده:

در صورتی که برخلاف آن مشروط نباشد مؤسسه بیمه از خطراتیکه از تاریخ وقوع عقد بعمل می آید مسئول است اگر مدت دوام این مسئولیت در مقاوله تصریح نشده باشد باساس عرف محلی از طرف محکمه تعیین می شود.

۸۹۲ ماده:

مؤسسه بیمه از تاریخی که مسئولیت بیمه شروع می شود مستحق اجرت می باشد.

۸۹۳ ماده:

اجرت بیمه ممکن است به

نقد و پیسو په هغه جنس چې نقداً د تقدیر وړدی په نقد ډول او یا په میاشتنيو او کالنيو قسطو ورکړي. مگر که د هغه په خلاف موافقه نه وی شوی د بیمې اجرت په هغه وخت کې چې د بیمې مسئولیت شروع کېږي نقداً د ورکړې وړ دی.

۸۹۴ ماده:

که د بیمې اجرت او د هغې د ورکړې صورت فیصله شوی نه وی نو د محلی عرف او مقتضیاتو له مخې د محکمې له خوا ټاکل کېږي.

۸۹۵ ماده:

د بیمې بدل نظر د بیمه شوی مال قیمت ته تثبیت کېږي. که د مال قیمت د بیمې له بدل څخه زیات وی نو بدل په دی صورت کاوه کېږي چې بیمه شوی مال ټول تلف شوی وی د تاوان اندازه د مال یوې برخې د اتلاف په صورت (که په خلاف یې مقاوله نه وی شوی) د بیمې بدل د مال د ټول قیمت په تناسب ټاکل کېږي.

پول نقد به جنسي که نقداً قابل تقدیر باشد نقداً و یا به اقساط ماهانه و سالانه تأدیه شود ولی اگر بر خلاف آن موافقه نشده باشد اجرت بیمه در وقتی که مسئولیت بیمه شروع می شود نقداً قابل پرداخت است.

۸۹۴ ماده:

اگر اجرت بیمه و طرز تأدیه آن فیصله نشده باشد نظر به عرف و مقتضیات محلی از طرف محکمه تعیین می شود.

۸۹۵ ماده:

بدل بیمه نظر به قیمت مال بیمه شده تثبیت می شود. اگر قیمت مال از بدل بیمه اضافه باشد بدل در صورتی پرداخته می شود که مال بیمه شده تماماً تلف شده باشد مقدار جبران در صورت اتلاف قسمی مال (اگر بر خلاف آن مقاوله نشده باشد) بدل بیمه به تناسب مجموع قیمت مال تعیین می شود.

ماده ۸۹۶:

که د هغه مال قیمت چې بیمه شوی دی په مقاوله نامه کښې نه وی قید شوی بیمه کوونکی مجبور دی چې د مال قیمت د خطر د وقوع په حال کښې اثبات کړي په دی صورت چې محکمه یې لږم وېولی د خپل قناعت د پاره کولای شي چې بیمه کوونکی ته قسم ورکړي که بیمه کوونکی ادعا وکړي چې د بیمه شوی مال قیمت په مقاوله کښې د لیکلی شوی قیمت نه لږدی مجبور دی چې خپله ادعا اثبات کړي. مگر که د بیمه شوی مال قیمت پخوا د خطر له وقوع څخه د کارپوهو کسانو په ذریعه (چه د دواړو خواوو په انتخاب ټاکل کیږي) اټکل شوی او د بیمه کوونکی حیل په هغه خصوص کښې په اثبات ونه رسیږي د بیمې مؤسسه نشي کولای چې د دی قیمت په خصوص کښې اعتراض وکړي.

ماده ۸۹۷:

وروسته له هغه چې د بیمې مؤسسه د بیمې بدل ورکړی حقوقاً د بیمه کوونکی قایم مقام ګرځي.

ماده ۸۹۶:

اگر قیمت مالی که بیمه شده در مقاوله نامه قید نشده باشد بیمه کننده مجبور است قیمت مال را در حال وقوع خطر اثبات نماید در صورتی که محکمه لازم داند برای قناعت خود می تواند بیمه کننده را قسم بدهد اگر بیمه کننده ادعا نماید که قیمت مال بیمه شده کمتر از قیمت نوشته شده در مقاوله می باشد مجبور است ادعای خود را اثبات نماید. ولی اگر قیمت مال بیمه شده قبل از وقوع خطر ذریعۀ اهل خبره (که بانتخاب جانبین معین می شود) تخمین شده و حیلۀ بیمه کننده در آن خصوص باثبات نرسد مؤسسۀ بیمه نمی تواند راجع به این قیمت اعتراض نماید.

ماده ۸۹۷:

بعد از آنکه مؤسسه بیمه بدل بیمه را تأدیه نماید حقوقاً قایم مقام بیمه کننده

می گردد. بنابراین اگر بیمه کننده در مقابل اشخاص ثالث حق دعوی خساره را داشته باشد این حق به تناسب وجهی که مؤسسه بیمه تعهد تأدیه می کند به مؤسسه بیمه انتقال می یابد.

اگر بیمه کننده حقوق خود را که مطابق فقره اول فوق به مؤسسه بیمه منتقل می گردد اخلال کند و یا موجبات اخلال آنرا فراهم نماید در مقابل مؤسسه بیمه مسئول می باشد.

ماده ۸۹۸:

مقاوله بیمه با اساس (پالیسی بیمه) و یا تحریریه که قایم مقام مقاوله باشد اثبات می شود مقاوله بدو نسخه تنظیم می گردد و بر علاوه قید تاریخ و امضاء طرفین محتوی مواد آتی می باشد:

۱- اسم و اقامتگاه مؤسسه بیمه و بیمه شونده.

۲- موضوع بیمه.

۳- جبران خطراتیکه مؤسسه بیمه تعهد نموده

نوپه دی اساس که بیمه کوونکی د دریمو کسانو په مقابل کښې د خساری د دعوی حق ولری دا حق د ځینو روپو په تناسب چې د بیمې مؤسسه یې د ورکړې تعهد کوی د بیمې مؤسسې ته انتقال مومی.

که بیمه کوونکی خپل حقوق چې له پاس لومړۍ فقری سره سم د بیمې مؤسسې ته منتقل کیږي اخلال کړی او یا د هغو د اخلال موجبات راغونډ کړی د بیمې د مؤسسې په مقابل کښې مسئول دی.

ماده ۸۹۸:

د بیمې مقاوله د بیمې د (پالیسی) په اساس او یا د هغې لیکنی په اساس چې د مقاولی قایم مقام وی اثباتیږي. مقاوله په دوو نسخو کښې تنظیمیږي او برسيره په هغه لاندنیو موادو کښې د دواړو خواوو لاسلیک او د نېټې قید داخل وی:

۱- د بیمې د مؤسسې او د بیمه کیدونکی نوم او د رسیدلو ځای.

۲- د بیمې موضوع.

۳- د هغو خطراتو تاوان چې د بیمې مؤسسې یې تعهد کړی وی.

سره د هغو د شروع او د ختم له نېټې.

۴- د بیمې بدل.

۵- د بیمې د اجرت د ورکړې اندازه وخت او محل.

۶- ټول هغه احوال او عوامل چې د بیمې د مؤسسې د متعهده خطراتو ماهیت وټاکلی شي.

تبصره:

د بیمې مقاوله د بیمه کوونکي په نامه یا امر او یا د هغې په حامل تنظیم کیدای شي.

۸۹۹ ماده:

په دې صورت چې په خلاف یې مشروط نه وی د بیمې مؤسسه مجبوره ده چې د بیمې مقاوله په مستقیم ډول د بیمه کوونکي او یا د ده د وکیل او د بیمې د مؤسسې ترمنځ منعقد شوی د عقد له نېټې څخه په (۲۴) ساعتو کښې او که مقاوله د دلال په ذریعه عقد شوی وی د عقد له نېټې څخه منته په لسو ورځو کښې بیمه کوونکي ته وسپاری د دې په عکس بیمه کوونکي کولای شي چې د بیمې له مؤسسې او هغه د لال څخه چې منځګړیتوب

پا تاریخ ابتداء و ختم آن.

۴- بدل بیمه.

۵- مقدار و زمان و محل تادیه اجرت بیمه.

۶- تمام احوال و عواملیکه ماهیت خطرات متعهده مؤسسه بیمه را تعیین بتواند.

تبصره:

مقاوله بیمه باسم یا امر بیمه کننده و یا به حامل آن تنظیم شده می تواند.

ماده ۸۹۹:

در صورتی که خلاف آن مشروط نباشد مؤسسه بیمه مجبور است مقاوله بیمه را مستقیماً بین بیمه کننده و یا وکیل او و مؤسسه بیمه منعقد گردیده در ظرف بیست و چهار ساعت از تاریخ عقد و اگر مقاوله توسط دلال عقد شده باشد منته در ظرف ده روز از تاریخ عقد به بیمه کننده تفویض نماید. بر عکس آن بیمه کننده می تواند از مؤسسه بیمه و دلالیکه وساطت نموده ضرر و

یې کړې دی خپل پینښ شوی زیان
او ضرر وغواړي.

۹۰۰ ماده:

د بیمې مؤسسه کولای شي هغه
مال چې بیمه کوی یې تر هر شرط
لاندې چې وغواړي سر له سره بیمه
کړي همدا ډول بیمه کوونکی هم د
بیمې اجرت بیمه کولای
شي.

۹۰۱ ماده:

د بیمې اجرت د بیمه کوونکي په
استوګنځي کښې ورکول کیږي
مګر که د بیمې د مؤسسې او یا
د هغې د نماینده په استوګنځي
کښې د بیمې د اجرت د ورکړې په
خصوص کښې کوم شرط په مقاوله
کښې موجود وی معتبر دی.
مګر د دی شرط په خلاف که د
بیمې اجرت بالفعل د بیمه
کوونکي په استوګنځي
کښې ورکړی شوی وی د بیمې
د مؤسسې په استوګنځي کښې د
بیمې د اجرت د ورکړې شرط بی
اثره دی.

۹۰۲ ماده:

په دی صورت چې بیمه

زیان وارده خود را مطالبه
نماید.

۹۰۰ ماده:

مؤسسه بیمه میتواند مالی
را که بیمه می نماید تحت هر
شرطیکه بخواهد مجدداً
بیمه نماید، هم چنان بیمه
کننده نیز اجرت بیمه را بیمه
میتواند.

۹۰۱ ماده:

اجرت بیمه در اقامتگاه بیمه
کننده تأدیه می شود ولی اگر
در مقاوله شرطی دائر بر
تأدیه اجرت بیمه در
اقامتگاه مؤسسه
بیمه و یا نماینده آن
موجود باشد معتبر است.
ولی علی الرغم این شرط
اگر اجرت بیمه بالفعل
در اقامتگاه بیمه کننده
تأدیه شده باشد شرط
تأدیه اجرت بیمه در
اقامتگاه مؤسسه بیمه بی
اثر است.

۹۰۲ ماده:

در صورتی که بیمه کننده

کوونکی د بیمې اجرت د
مقاولی په وخت کښې نه وی
ورکړی او اجرت ملتوی او یا د
اقساطو تابع شوی وی نوکه
بیمه کوونکی دغه اجرت او یا
د هغه قسط د مودی د تېرېدونه
وروسته نه وی ورکړی نو د بیمې
مؤسسه یو رسمی اخطار د
راجستري لیک په مل هغه ته
ورلېږي د اجرت یا اقساطو د نه
ورکړې په صورت د یو میاشتي
په مودی کښې د بیمې مقاوله
فسخ گڼله کیږي.

هغه شرط چې د دی حکم په خلاف
پر بیمه کوونکی باندی په مقاوله
کښې درج شي باطل دی.

۹۰۳ ماده:

د بیمې په مقاولاتو کښې چې د
ډیرو کلو د پاره منعده کیږي که د
بیمې د اجرت د اندازی په ټاکلو
کښې داسی مخصوص عوامل چې
د خطر وخامت زیاتوی په نظر
کښې نیولی شوی وی په دی
حال کښې چې دا عوامل وروسته
له منځه ووزی بیمه کوونکی کولای
شي چې د مربوطو کلو د پاره د
اجرت تخفیف وغواړي.

اجرت بیمه را در حین مقاوله
نداده باشد و با اجرت ملتوی
و یا تابع به اقساط
گرددیده باشد اگر بیمه کننده
این اجرت و یا قسط آن را در
انقضاء مدت تأدیه نکرده باشد
مؤسسه بیمه یک اخطار رسمی
ذریعه مکتوب راجستري باو
ارسال می کند در صورت
عدم تأدیه اجرت و یا
اقساط در ظرف یک ماه
مقاوله بیمه فسخ شمرده
می شود.

شرطیکه بر خلاف این حکم
علیه بیمه کننده در مقاوله
درج گردد باطل است.

۹۰۳ ماده:

در مقاولات بیمه که برای
سنوات متعدده منعقد
می گردد اگر در تعیین مقدار
اجرت بیمه عوامل مخصوصه
که وخامت خطر را تزئید
میکنند در نظر گرفته شده
باشد در صورتی که این عوامل
بعداً از بین برود بیمه کننده
می تواند تخفیف اجرت را برای
سالهای مربوط مطالبه نماید.

ماده ۹۰۴:

که د هغو خطراتو له ختم نه پخوا چې بیمه په هغو پوری اړه لری د بیمې مؤسسه او په دی صورت چې د بیمې اجرت لاته وی ورکړی شوی بیمه کوونکی افلاس وکړې او یا په بل صورت له ورکړی څخه عاجز راشي مقابل طرف کولای شي چې د ده ټولی دارایی ته مراجعه وکړې او د تعهد په اجرا کښې تأمینات وغواړی، که د تقاضا د وقوع له نېټې څخه په دری ورځو کښې تأمینات ورنکړل شي نو هغه طرف چې د مقابله خوايې ټولی دارایی ته مراجعه کړی ده کولای شي چې مقاوله فسخ کړی.

ماده ۹۰۵:

که د مقاولی د مودی په منځ کښې هغه څوک چې مال یې بیمه شوی دی د کوم علت په اثر تبدیل شوی وی په دی صورت چې د هغه په خلاف په مقاوله کښې مشروط نه وی ټول هغه حقوق او وجایب چې له بیمې څخه پیدا شوی وی له هغې نېټې څخه چې مال په ده پوری اړه لری نوی خاوند ته انتقال مومی مگر د بیمې مؤسسه کولای

ماده ۹۰۴:

اگر قبل از ختم خطراتیکه بیمه بآن تعلق دارد مؤسسه بیمه و یا در صورتی که اجرت بیمه هنوز تأدیه نشده باشد بیمه کننده افلاس کند و یا به نحو دیگری از تأدیه عاجز آید طرف مقابل میتواند به مجموع دارائی او مراجعه و در اجرای تعهد تأمینات بخواهد اگر در ظرف سه روز از تاریخ وقوع تقاضاء تأمینات داده نشود طرفیکه به مجموع دارائی طرف مقابل مراجعه کرده است میتواند مقاوله را فسخ نماید.

ماده ۹۰۵:

اگر در اثناء مدت مقاوله کسیکه مال او بیمه شده در اثر علتی تبدیل شده باشد در صورتی که بر خلاف آن در مقاوله مشروط نباشد تمام حقوق و وجایب ناشی از بیمه از تاریخیکه مال باو تعلق دارد به صاحب جدید انتقال می یابد. ولی مؤسسه بیمه می تواند برای اجرت بیمه

شي چي د بيمې د اجرت د پاره د مال لومړي مالک ته مراجعه وکړي.

۹۰۶ ماده:

که بیمه کوونکی بی د بیمې د مؤسسې له موافقې نه د خطراتو محل او یا د بیمه شوی مال وضعیت چې د مقاولې په وخت کښې یې درلود تبدیل کړی او یا دا تبدلات داسې ماهیت ولری چې د هغه د وجود په صورت د مقاولې په وخت کښې د اجرا مانع او یا د بیمې له خوا تر درندو شرایطو لاندې د مقاولې د اجراء باعث شي د بیمې مؤسسه کولای شي چې مقاوله فسخ کړی نوهغه څوک چې دا تبدلات پیدا کوی که په اتو ورځو کښې کیفیت د بیمې ادارې ته ابلاغ کړی او د بیمې مؤسسه په همغو اتوو ورځو کښې د خپلې فسخ حق استعمال نکړی بیمه دوام کوی.

۹۰۷ ماده:

که د بیمې د اجرت مبلغ تردوو کالو پورې ورکړی شوی نه وی له بیمه شوی مال نه ترجیحاً اخیستل کيږي. په دی باره کښې د ترجیح حق نسبت نورو مرجحه پورونو ته

بمالک اول مال مراجعه نماید.

۹۰۶ ماده:

اگر بیمه کننده بدون موافقه مؤسسه بیمه محل خطرات و یا وضعیت مال بیمه شده را که در زمان مقاوله داشت تبدیل نماید و این تبدلات دارای ماهیتی باشد که در صورت وجود آن در حین مقاوله مانع اجرا و یا تحت شرایط سنگین تری باعث اجرای مقاوله از طرف بیمه شود مؤسسه بیمه می تواند مقاوله را فسخ نماید کسی که این تبدلات را بوجود می آورد اگر در ظرف هشت روز کیفیت را به اداره بیمه ابلاغ کند در صورتی که مؤسسه بیمه در ظرف همان هشت روز حق فسخ خود را استعمال ننماید بیمه دوام می کند.

۹۰۷ ماده:

مبلغ اجرت بیمه اگر تا دو سال تأدیه نشده باشد از مال بیمه شده ترجیحاً استیفا می شود حق ترجیح درین باره نسبت به دیون مرجحه دیگر

لومړۍ دۍ.

در بیمه برخه
د سوځېدلو بیمه

مقدم تر است.

حصه سوم
بیمه حریق

۹۰۸ ماده:

د بیمې مؤسسه د هغو ټولو خسارو د تاوان ضامنه ده چې بیمه شوی منقولو او غیر منقولو مالونو ته د سوځېدلو له لارې پېښ شي. د بیمې مؤسسه د قصدی سوځو لو د خساری د تاوان چې بیمه کوونکی پکښې اصلاً یا فرعاً دخل لری ضامنه کیدای نشي.

۹۰۹ ماده:

دا لاندی خساری په دی صورت چې د هغو په خلاف مقاوله موجوده نه وی د هغو خسارو حکم لری چې له اور اخیستو څخه پیدا کیږي: ۱- له هر هغه ډول وسائلو نه پیدا شوی مصارف چې د اور مړ کولو په غرض استعمالیږي لکه د تاو، لوگی او بخار د مخنیوی مصارف یا د نجات د پاره نور تدبیرونه لکه د بیمه شوی شیانو نقل له یوه ځای څخه بل ځای ته یا د بیمه شوی کوټو د ټول یا لږ بدل چې د لزوم په

۹۰۸ ماده:

مؤسسه بیمه ضامن جبیړه تمام خساراتی است که از رهگذر حریق به اموال منقول و غیر منقول بیمه شده عاید شود. مؤسسه بیمه ضامن جبیړه خساره حریق قصدی که بیمه کننده اصلاً و یا فرعاً در آن ذیدخل باشد شده نمی تواند.

۹۰۹ ماده:

خسارات آتی در صورتیکه بر خلاف آن مقاوله موجود نباشد حکم خساراتی را دارد که از حادثه حریق نشئت می کند: ۱- مصارف ناشی از هر نوع وسائلیکه بغرض ان طفای حریق استعمال می شود مثل مصرف جلوگیری از حرارت، دود، بخار یا تدابیر دیگر برای نجات مثل نقل اشیاء بیمه شده از یک محل به محل دیگر یا انهدام کلی و یا قسمی عمارت بیمه شده که در صورت لزوم به مقصد جلوگیری

صورت داور د خپرېدو د مخنیوی په مقصد مصرف کیږي.

۲- هغه خساری چې له اور، ټکي، چاودنې او ددی په شان نورو پېښونه پیدا شوی وی که څه هم داور باعث نه وی شوی.

۹۱۰ ماده:

هغه مقاوله چې د حریق په مقابل کښې د منقولو او غیر منقولو مالونو په خصوص کښې تړله کیږي برسیره د (۸۹۸) مادې په خصوصیاتو باید د لاندې معلومات ولری:

۱- د هغې ودانۍ ځای او د جوړښت ډول او استعمال طریقه چې بیمه کیږي.

۲- په دی صورت چې د بیمې موضوع شیان وی نو د هغې ودانۍ محل چې د اشیان پکښې موجود وی د هغه د ودانۍ د طرز او استعماله سره.

۹۱۱ ماده:

قسمی خساره چې یوی بیمه شوی ودانۍ ته داور له پېښې څخه رسیږي د سوځېدو له پېښې نه پخوا د ودانۍ د قیمتونو او پس له هغه د مقایسې په اساس تثبیت

از توسعه حریق صورت می گیرد.

۲- خسارات ناشی از آتش، صاعقه، انفلاق، حوادث مشابه آن ولو اینکه باعث حریق هم نشده باشد.

ماده ۹۱۰:

مقاوله که در خصوص بیمه اموال منقول و غیر منقول در مقابل حریق منعقد می گردد بر علاوه خصوصیات ماده (۸۹۸) باید محتوی معلومات ذیل باشد:

۱- محل و نوع تعمیر و طرز استعمال عمارتیکه بیمه می شود.

۲- در صورتی که موضوع بیمه اشیاء باشد محل عمارتیکه این اشیاء در آن موجود می باشد با طرز تعمیر و استعمال آن.

ماده ۹۱۱:

خساره قسمی که بیک عمارت بیمه شده از حادثه حریق عاید می شود با اساس مقایسه قیمت های عمارت پیش از حادثه حریق و بعد از آن تثبیت

کیرې.

هغه خساره چې د یوې بیمه شوی ودانۍ له اور اخیستلو څخه پیدا کیرې په هغه ترتیب چې بدل یې ورکړی شي جبران کیرې که د یوې ټولې ودانۍ جوړول یا یې ترمیمول چې کامله یا یوه برخه یې سوځیدلې وی د مقاولې په اساس ټاکلې شوی وی په یوه موده کښې چې د دواړو خواوو اتفاق ورباندې حاصل شي کیرې او که د دواړو خواوو اتفاق ورباندې رانشي نوموده د محکمې له خوا ټاکله کیرې که چېرې مصارف د بیمې د مؤسسې له خوا ورکړل شي بیمه کوونکې یې په جوړولو او ترمیمو لو مکلف دی. او د بیمې مؤسسه حق لری د هغو مصارفو د طرز چې په ورکړه یې مجبوره ده مراقبت وکړې.

۹۱۲ ماده:

هغه څوک چې د بل شخص په حساب د یوه مال په خصوص کښې د تصرف حق ولری کولای شي چې د حریق د خطراتو په مقابل کښې ټول یا یوه برخه بیمه کړی. دغه راز هغه څوک چې په هر صفت مال په

می گردد.

خساره ناشی از حریق یک عمارت بیمه شده به ترتیبی که بدل آن تأدیه گردد جبران می شود. اگر تعمیر و یا ترمیم یک عمارتیکه کاملاً و یا قسمیاً حریق گردیده به اساس مقاوله تعیین شده باشد در ظرف یک مدتیکه اتفاق طرفین حاصل شود بعمل می آید. در صورت عدم اتفاق طرفین مدت از طرف محکمه تعیین می گردد. هرگاه مصارف از طرف مؤسسه بیمه داده شود بیمه کننده مکلف به ترمیم و تعمیر است. و مؤسسه بیمه حق دارد طرز مصارف را که مجبور به تأدیه آن می باشد مراقبه نماید.

ماده ۹۱۲:

کسیکه بحساب شخص دیگری حق تصرف را راجع بمالی واجد است می تواند آن را در مقابل خطرات حریق کلی یا قسمی بیمه نماید هم چنین کسیکه به هر صفتی ذوالیید

لاس کنبې ولری کولای شي چې د سوځیدلو د خطراتو په مقابل کنبې چې د ده له شخصی قصور څخه پیدا شوی او د بل شخص په مقابل کنبې د ده د حقوقی مسئولیت موجب وی بیمه کړی.

۹۱۳ ماده:

د (۹۱۲) مادې د تحقق په صورت د بیمې له هغه جبران څخه چې د بیمې مؤسسه د بیمه کوونکي په مقابل کنبې د هغه په ورکړه مجبوره ده د استیفا صلاحیت خاص په هغو کسانو پوری اړه لری چې بیمه کوونکي د هغو په مقابل کنبې مسئول دی د بیمه کوونکي پوروالان نشي کولای چې د بیمې لدی جبران څخه استفاده وکړي.

۹۱۴ ماده:

پدی صورت چې په خلاف یې کومه مقاوله موجوده نه وی بیمه کوونکي حق لری هغه شیان چې زیانمن شوی دی د بیمې مؤسسې ته پریږدی او بدل یې وغواړی.

مالی باشد می تواند در مقابل خطرات سوختن که در نتیجه قصور شخصی او نشئت کرده و موجب مسئولیت حقوقی او در مقابل شخص دیگری باشد بیمه کند.

ماده ۹۱۳:

در صورت تحقق ماده (۹۱۲) صلاحیت استیفاء از جبران بیمه مؤسسه بیمه مجبور به پرداخت آن در مقابل بیمه کننده منحصر باشخاص است که بیمه کننده در مقابل آن مسئول می باشد دائنین بیمه کننده نمی توانند از این جبران بیمه استفاده نمایند.

ماده ۹۱۴:

در صورتی که بر خلاف آن مقاوله موجود نباشد بیمه کننده حق دارد اشیائی را که خساره مند شده به مؤسسه بیمه ترک و بدل آن را مطالبه نماید.

خلورمه برخه
د ترانسپورت بیمه

۹۱۵ ماده:

د هغو شيانو په بیمه کښې چې په وچه او يا غير له بحر څخه په اوبو کښې چلند کوي که په خلاف يې مقاوله موجوده نه وي د بیمې مؤسسه له هغې نېټې څخه چې شيان نقل ورکوونکی ته ورتسليميږي بيا ترهغه وخته پوري چې د نقل ورکوونکی له خوا مرسل اليه ته ورتسليميږي له هغو خسارو څخه چې د هر علت په اثر پېښې شي مسئول دی.

۹۱۶ ماده:

د بیمې بدل برسیره د بیمه شوی مال په محلی قیمت نقل ورکوونکی ته د تسلیم په وخت کښې د نقلیاتو اجرت اونور هغه مصارف دی چې د مقصود ځای ته د مال د رسیدو د پاره لږميږي. منصفانه او له عرف سره سم مفاد مقصود ځای ته د مال د رسیدو په حال کښې پدی شرط چې د بیمې په مقاوله کښې جلا درج شي، کولای شي د بیمې په بدل کښې داخل شي.

حصه چهارم
بیمه ترانسپورت

۹۱۵ ماده:

د بیمه اشیائیکه در خشکه و یا در آبهای غیر از بحر نقل داده می‌شود هرگاه بر خلاف آن مقاوله موجود نباشد مؤسسه بیمه از تاریخیکه اشیاء به نقل دهنده تسلیم داده می‌شود الی زمانیکه از طرف نقل دهنده به مرسل اليه تسلیم می‌گردد از خساراتیکه در اثر هر علتی معروض شود مسئول است.

۹۱۶ ماده:

بدل بیمه بر علاوه قیمت محلی مال بیمه شده در زمان تسلیم به نقل دهنده شامل اجرت نقلیات و دیگر مصارفاتی است که برای وصول مال به محل مقصود لازم می‌گردد. مفاد منصفانه و مطابق بعرف را در حال وصول مال به محل مقصود بشرطیکه علیحده در مقاوله بیمه درج گردد می‌توان داخل بدل بیمه نمود.

۹۱۷ ماده:

د نقلیاتو د بیمې مقاوله برسيره د (۸۹۸) مادی په ټاکلیو خصوصیاتو دا لاندنی مواد هم لری:

۱- هغه وسیلې چې د هغو په ذریعه مال نقلیږي او هغه لار چې د نقل په وخت کې تعقیبولی شي.
۲- د نقل ورکونکی نوم او تجارتی عنوان.

۳- که چېرې د مرسل الیه او نقل ورکونکی له خوا د نقل د پاره کومه موده ټاکلی شوی وی ددی مودی قید.

۴- نقل ورکونکی ته د شیانو د تحویلی ځای او مرسل الیه ته د تسلیم ځای.

۹۱۸ ماده:

د بیمې مؤسسه د هغو خسارو د تاوان ضامن ده چې د نقلیاتو د اجراء د مؤظفو مامورینو له حیلې او تقصیر څخه پېښې شي.

۹۱۹ ماده:

که نقلیات مؤقتاً قطع شي او یالار او د نقلیاتو وسیله تبدیله شي د بیمې مقاوله نه فسخ کیږي.

۹۱۷ ماده:

مقاوله بیمه نقلیات بر علاوه خصوصیات معینه ماده (۸۹۸) محتوی مواد آتی نیز می باشد:

۱- وسائلی که مال ذریعه آن نقل می شود و راهیکه در اثنای نقل تعقیب می گردد.
۲- اسم و عنوان تجارتی نقل دهنده.

۳- هرگاه از طرف مرسل الیه و نقل دهنده برای نقل مدتی معین شده باشد قید این مدت.

۴- محل تحویلی اشیاء به نقل دهنده و محل تسلیم به مرسل الیه.

۹۱۸ ماده:

مؤسسه بیمه ضامن جبران خساراتی می باشد که از حيله و تقصیر مامورین مؤظف اجرای نقلیات بوقع می آید.

۹۱۹ ماده:

اگر نقلیات مؤقتاً قطع گردد و یا راه و وسیله نقلیات تبدیل شود مقاوله بیمه فسخ نمی شود.

پنجمه برخه
د حیات بیمه

۹۲۰ ماده:

د یوه شخص حیات یاد ده له خوا او یا د دریم شخص له خوا بیمه کیدای شي، مگر د بیمې د عقد د صحت د پاره شرط دی چې دریم شخص د بیمه شوی سړی د ژوند په اوږدو کښې ګټه ولری، د محجور او یا لیونی د صحت حیات د بیمې مقاوله جائزه ده مگر د دوی په مړینې پوری مشروط او مقیده بیمه ترل باطل دی په دواړو صورتو کښې که چیرې فوت واقع شي نو د بیمې د اجرت نیمایې چې د مړینې له نېټې څخه له بیمه کوونکي څخه اخیستی شوی دی بیرته ورکاوه کیږي.

۹۲۱ ماده:

د بیمې مؤسسه کولای شي چې د یو شخص د فوت احتمال په یوه ټاکلی موده او یا د مقاولې په ټاکلیو احوالو او شرایطو کښې دده د ټاکلی مودی زیاتوالی بیمه

حصة پنجم
بیمه حیات

۹۲۰ ماده:

حیات یک شخص یا از طرف خودش و یا از جانب یک شخص ثالث بیمه شده می تواند، ولی برای صحت عقد بیمه شرط است که شخص ثالث در دوام حیات بیمه شونده ذینفع باشد مقاوله بیمه حیات صحت محجور و یا مجنون جایز است ولی انعقاد بیمه مشروط و مقید به فوت آنها به باطل می باشد در هر دو صورت هرگاه فوت واقع شود مناصفه اجرت بیمه که تا تاریخ وفات از بیمه کننده گرفته شده است مسترد می گردد.

۹۲۱ ماده:

مؤسسه بیمه می تواند احتمال فوق یک شخص را در یک مدت معین و یا در احوال و شرایط معینۀ مقاوله ما زاد مدت معینه او را بیمه

کری.

۹۲۲ ماده:

د حیات د بیمې په مقاوله کښې بر سیره د (۸۹۸) مادی په داخلو خصوصیاتو د هغه چا چې د حیات بیمه کیږي نوم، سن کسب او د روغتیا درجه دی داخله شي، دامقاوله ممکنه ده په نوم او یا امر لیکل شوی وی مگر د حامل په وجه کیدای نشي.

۹۲۳ ماده:

هغه څوک چې د ده حیات بیمه شوی دی که چېرې د مقاولې په وخت کښې مړشي بیمه اعتبار نلری.

۹۲۴ ماده:

د بیمې د اجرت د نه ورکړې په صورت د (۹۰۲) مادی حکم معتبر دی او د بیمې مؤسسه اړه نه ده چې لدی حیثه دعوی وکړي. که بیمه کېدونکی د دریو کالو د پوره کیدو څخه د مخه له بیمې څخه رجوع وکړي ترڅو چې خپل تعهد اجرا کړی نشي کولای هغه اجرت یا بدل چې ورکړی یې دی د بیمې له مؤسسې

نماید.

۹۲۲ ماده:

د مقاوله بیمه حیات علاوه بر خصوصیات مندرجه ماده (۸۹۸) اسم، سن پیشه و درجه صحتمندی کسبیکه بیمه حیات می شود درج گردد این مقاوله ممکن است محرر باسم و یا امر باشد ولی در وجه حامل شده نمی تواند.

۹۲۳ ماده:

شخصی که حیات او بیمه شده هرگاه در حین مقاوله وفات نماید بیمه اعتبار ندارد.

۹۲۴ ماده:

در صورت عدم تأدیه اجرت بیمه حکم ماده (۹۰۲) معتبر بوده و مؤسسه بیمه احتیاج ندارد از این حیث اقامه دعوی کند. اگر بیمه شونده قبل از ختم سه سال از بیمه رجوع کند تا تعهد خود را اجرا نماید نمی تواند اجرت و یا بدلی را که داده است از مؤسسه بیمه مطالبه

نه و غواړی.

که چیرې بیمه کیدونکی وروسته له هغه چې له درې کاله اجرت نه زیات یې ورکړی وی او له بیمې نه رجوع وکړې کولای شي چې د مصرف له تخفیف نه وروسته د پاتې (۲ پر ۳) ټول اجرت په سلو کښې یو معادل و غواړی.

۹۲۵ ماده:

د هغه چې انتحار چې د وفات د خطر په مقابل کښې خپل حیات بیمه کوی د بیمې مؤسسې ته د ورکړې موجب نه ګرځي. مګر که دغه انتحار تر هغو احوالو لاندې وي چې ارادی او ادراک سلبوونکی وي نو د بیمې اعتبار ته کوم خلل نه پېښېږي.

هغه څوک چې ګټه یې له بیمې څخه په مشروط صورت وي که د بیمه کیدونکي شخص په قتل کښې اصلاً یا فرعاً دې دخل وی محکوم شوی وي له بیمې څخه استفاده نشي کولای او په محکوم پورې مربوطه وجه د مقتول په ورثه پورې تعلق نیسي.

نماید.

هرگاه بیمه شونده بعد از اینکه زیادتراً از سه سال اجرت را تأدیه کرده از بیمه رجوع نماید می تواند بعد از تخفیف مصرف معادل به فیصد یک مجموع اجرت (۲ بر ۳) متباقی را مطالبه نماید.

ماده ۹۲۵:

انتحار کسی که حیات خود را در مقابل خطر وفات بیمه می کند موجب تأدیه ای برای مؤسسه بیمه نمی گردد. ولی اگر انتحار تحت احوالیکه سالب اراده و ادراک است بوقوع آمده باشد باعتبار بیمه خللی وارد نمی شود.

کسی که انتفاع او از بیمه بصورت مشروط باشد اگر در قتل شخص بیمه شونده اصلاً و یا فرعاً ذیدخل بوده محکوم شده باشد از بیمه استفاده نمی تواند و وجه مربوط به محکوم به ورثه مقتول تعلق می گیرد.

۹۲۶ ماده:

یو شخص لکه څرنگه چې کولای شي خپل حیات په هغه مبلغ سره چې زړه یې وی بیمه کړی د بیمې د متعددو مؤسسو په ذریعه بې لډی چې ځان د بیمې د بدل په مقدار مقید کړی بیمه کولی شي.

۹۲۷ ماده:

د بیمې له مؤسسې څخه د حیات د بیمې له مقاولې نه د پیدا شوی گټو او له حقوقو څخه د استیفا او د غوښتنې صلاحیت چې د دریم شخص په گټه عقد کیري مستقیماً په همغه شخص پوری اړه لری. که د بیمې په مقاوله کښې د دریم شخص د وراثت په نسبت تصریح هم شوی وی له لمړۍ فقرې سره سم دا شخص د بیمې د مؤسسې په مقابل کښې د حقوقو او گټو لرونکی دی. میره او ماندینه کولای شي د عین مقاولی له مخې یو د بل په حیات دوه متقابلې بیمې عقد کړی.

۹۲۸ ماده:

بیمه کیدونکی لکه څنگه چې

۹۲۶ ماده:

یک شخص طوریکه می تواند حیات خود را با مبلغی که خواسته باشد بیمه نماید توسط مؤسسات متعدد بیمه نیز بدون مقید بودن به مقدار بدل بیمه می تواند.

۹۲۷ ماده:

صلاحیت مطالبه و استیفاء حقوق و منافع ناشی از مقاوله بیمه حیات از مؤسسه بیمه که به نفع یک شخص ثالث عقد می شود مستقیماً مربوط به همان شخص است. اگر در مقاوله بیمه نسبت وراثت شخص ثالث تصریح هم شده باشد مطابق فقره اول مستقیماً شخص مذکور در مقابل مؤسسه بیمه دارای حقوق و منافع می باشد. زوج و زوجه می توانند به اساس عین مقاوله بر حیات یک دیگر دو بیمه متقابل عقد نمایند.

۹۲۸ ماده:

بیمه شونده طوری که

می‌تواند شخص دارای حق انتفاع از بیمه را در حین مقاوله تعیین نماید. بعد از انعقاد مقاوله نیز تعیین می‌تواند. بیمه شونده می‌تواند بعد از تعیین شخصی که انتفاع او از بیمه مشروط می‌باشد وی را تبدیل بکند ولی اگر بیمه شونده در مقاوله بیمه تعهد کرده باشد که حق تبدیل را ندارد و مقاوله را به شخصی که انتفاع او از بیمه مشروط است تسلیم داده باشد نمی‌تواند آن شخص را تبدیل کند.

ماده ۹۲۹:

در حال افلاس و یا تصفیه معاملات مؤسسه بیمه حق مطالبه آنهایی که هنوز به اساس مقاولات معتبر بیمه ذینفع می‌باشند منحصر به اعاده اجرت بدون تکت پولی است که الی روز صدور حکم افلاس و یا تصفیه برای هر مقاوله تأدیه شده است.

کولای شی له بیمی خخه د گتهی اخیستلو د حق لرونکی د مقاولی په وخت کی وټاکي د مقاولی له ترلونه وروسته یې هم ټاکلی شي. بیمه کیدونکی کولای شي وروسته د هغه شخص له ټاکلو چي گته اخیستل یې له بیمی خخه مشروط وی هغه تبدیل کړي مگر که بیمه کیدونکی د بیمی په مقاوله کښي تعهد کړی وی چي د تبدیل حق نه لری او مقاوله یې هغه شخص ته چي گته اخیستل یې له بیمی خخه مشروط دی ورتسلیم کړی وی نونشي کولای چي هغه شخص تبدیل کړي.

۹۲۹ ماده:

د بیمی د مؤسسې د معاملاتو د تصفیې او یا افلاس په حال کښي د هغو کسانو د غوښتنې حق چي تر اوسه د بیمی د معتبرو مقاولو په اساس د نفع خاوند دی بيله ټکت پولی خخه داجرت په اعاده منحصر دی چي د هرې مقاولی د پاره د تصفیې او یا دافلاس د حکم د صدور تر ورځې پوري ورکړی شوی دی.

۹۳۰ ماده:

بیمه کیدونکی بی د بیمې د مؤسسې له اطلاع نه کولای شي په افغانستان او د دنیا په نورو خواوو کښې په هوا، بحر او وچه کښې مسافرت وکړي.

د حیات د بیمې مقاوله د صلح په وخت کښې او د هغو سفربریو په ترڅ کښې چې مسلح سوقيات پکښې وی او یا د داخلي جگړو، اغتشاش او عصیان او ملکي بحرانو په وخت کښې معتبره ده یواځې له یوه پردی دولت سره د جنگ پېښیدو په وخت کښې (بدی صورت چې په خلاف یې کوم شرط نه وي) مقاوله منقطع کیږي بدی حال کښې هغه اجرت چې د وفات د پېښېدو په پېش بینې کښې تحصیل شوی وی بی له ټکټ پولې څخه اعاده کیږي.

۹۳۱ ماده:

د بیمې عقد د تونتین (Tontine) یعنی د شریکانو له خوا په معینو اقساطو سره دی د پاره تأدیه کول چې د هغو اشخاصو په منځ کښې چې ژوندی دی په ټاکلی نېټه ویشلی شي.

۹۳۰ ماده:

بیمه شونده بدون اطلاع مؤسسه بیمه می تواند در افغانستان و در هر طرف دنیا در هوا، بحر و خشکه مسافرت نماید.

مقاوله بیمه حیات در وقت صلح و در اثنای سفر بری هائیکه شامل سوقيات مسلح باشد و یا در حین وقوع عصیان، اغتشاش، محاربات داخلی و بحرانات ملکی معتبر می باشد تنها در حین وقوع محاربه با یک دولت اجنبی (در صورتیکه بر خلاف آن شرطی نباشد) مقاوله منقطع می گردد در این حال اجرتیکه در پیش بینی وقوع وفات تحصیل شده باشد بدون تکت پولی اعاده می شود.

۹۳۱ ماده:

عقد بیمه باساس تونتین (Tontine) یعنی تأدیه به اقساط معین از طرف شرکاء باین مقصد که آنهایکه حیات دارند در تاریخ معینی تقسیم شود.

شپږمه برخه
د پېښو بیمه

۹۳۲ ماده:

د پېښې په مقابل کښې بیمه عبارت له هغې مقاولی څخه ده چې د هغې له مخې د بیمې مؤسسه تعهد کوی چې د یوه ټاکلی اجرت د ورکړې په مقابل کښې د یوې حادثې د پېښېدو په حال کښې لکه مریضې یا د مادی گټو او کار او عمل مخله عارضه او یا د هغه تصادف په اثر چې ماهیت او نوعیت یې تعریف شوی وی د بیمه کیدونکی وفات او یا د بیمه کیدونکی د کار له قدرت او امکان څخه مؤقتی یا دائمی محرومیت ټاکلی پانگه یا عاید ورکوی دا ورکړه دی یا بیمه شوی ته وشي یا دی هغو وارثینو او متعددو ټاکلیو اشخاصو ته وشي چې حقوقاً د ده قایم مقام گرزیدلی وی.

پېښه دی لکه څنگه چې ممکنه ده په مستقیم ډول د بیمه کیدونکی له خوا منعقد شې همدادول دریم شخص کولای شي چې د یوه

حصه ششم
بیمه حوادث

۹۳۲ ماده:

بیمه در مقابل حادثه عبارت از مقاوله ایست که باساس آن مؤسسه بیمه تعهد می کند که در مقابل تأدیئه یک اجرت معین در حال وقوع یک حادثه مثل مریضی یا عارضه مخل منافع مادی و کار و عمل و یا وفات بیمه شونده در اثر تصادفیکه ماهیت و نوعیت آن تعریف شده باشد و یا محرومیت مؤقتی یا دائمی بیمه شونده از قدرت و امکان کار سرمایه معین یا عایدی تأدییه می دارد این تأدییه یا به بیمه شونده بعمل آید یا به وارثین و اشخاص معین و متعددی که حقوقاً قایم مقام او گردیده باشند.

حادثه طوریکه ممکن است مستقیماً از طرف بیمه شونده منعقد شود همچنین شخص ثالثی می تواند بر له یک شخص و یا

شخص او یا د متعددو اشخاصو په گټه عقد وتړی د یوه هیئت او جمعیت په خصوص کښې د حادثې د بیمې مقاوله هم ممکنه ده په دی خصوص کښې د هغو کسانو د نومونو چې د حادثې په مقابل کښې بیمه کیرې تصریح ضرور نه ده یواځې د کسب او یا ماموریت ذکر کافي دی.

۹۳۳ ماده:

د حوادثو بیمې څنگه چې ممکنه ده د هغو ضررونو د تاوان په باره کښې وی چې بیمه کېدونکی د حادثې په نتیجه کښې د هغو سره مخامخ کیرې عقد شي د هغو تاوانو د تلافی په مقصد چې بیمه کېدونکی د حادثې په اثر بل ته د تاوان په ورکو لو مجبور دی هم ممکن دی.

۹۳۴ ماده:

د حوادثو په بیمو کښې د بیمې مؤسسه مجبوره ده چې لاندنۍ حادثې د کال د وقوع په وخت کښې په مقاوله کښې مندرجه تاوان په لاندی ډول ورکړی:

۱- په دی صورت چې حادثه د

اشخاص متعدد به عقد آن بپردازد. مقاوله بیمه حادثه راجع بیک هیئت و جمعیت نیز ممکن است. در این صورت ضرور نیست اسامی اشخاصی که در مقابل حادثه بیمه میشوند تصریح گردد فقط ذکر پیشه و یا ماموریت کافی است.

۹۳۳ ماده:

بیمه های حوادث طوری که ممکن است درباره جبران ضررهائیکه بیمه شونده در نتیجه حادثه معروض آن می گردد عقد شود بمقصد تلافی غراماتیکه بیمه شونده در اثر حادثه مجبور تسویه آن بدیگری می باشد نیز ممکن است.

۹۳۴ ماده:

در بیمه های حوادث مؤسسه مجبور است در حین وقوع سنه حادثه ذیل غرامت مندرجه در مقاوله را قرار آتی بپردازد:

۱- در صورتی که حادثه باعث

موت گردد خواه فوت آنی باشد خواه در ظرف یکسال از تاریخ وقوع حادثه بعمل آمده باشد.

۲- در حالیکه حادثه موجب معلولیت دائمی شده باشد.

۳- در صورتی که حادثه سبب محرومیت مؤقتی از قدرت کار شده باشد به بیمه شونده به حساب روزانه الی دوام مدت محرومیت جبران داده می شود.

ماده ۹۳۵:

در صورتی که بر خلاف آن شرط نشده باشد مؤسسه بیمه مجبور است بر علاوه غرامت مندرجه در مقاوله اجرت تداوی را که بیمه شونده حقیقتاً صرف کرده است نیز تأدیه نماید.

ماده ۹۳۶:

اخذ تضمینات بیمه شونده از مؤسسه بیمه در نتیجه خطای شخص ثالث حق مراجعه بیمه شونده را به شخص ثالث ساقط نمی سازد شخص ثالث مجبور است بدون در نظر

مرگ باعث شی که مرگ ژر وی او که به موده د یو کال کنی د حادثی د وقوع له نبتی خخه پینن شوی وی.

۲- په دی حال کنی چي حادثه د دایمی معلولیت موجب شوی وی.

۳- په دی صورت چي حادثه د کار له قدرت خخه د مؤقتی محرومیت سبب شوی وی بیمه کیدونکی ته به په ورځنی حساب د محرومیت د مودی تر دوام پوری تاوان ورکاوه کیږي.

ماده ۹۳۵:

په دی صورت چي په خلاف یې شرط شوی نه وی د بیمې مؤسسه مجبوره ده برسیره د مقاولی په مندرجه تاوان د تداوی اجرت چي بیمه کیدونکی په رښتیا سره صرف کړی وی هم ورکړی.

ماده ۹۳۶:

د بیمې له مؤسسي خخه د بیمه کیدونکی د تضمیناتو اخیستل د دریم شخص د خطا په نتیجه کنی په دریم شخص باندی د بیمه کیدونکی د مراجعی حق نه ساقطوی. دریم شخص مجبور دی

چې بی د بیمې په نظر کښې نیولو
په حادثه اخته شوی شخص ته د
ضرر تاوان ورکړی.
د حادثو د بیمې په نورو مسایلو
کښې د حیات د بیمې راغلی
احکام تطبیق کیږي.

گرفتن بیمه ضرر شخص
معروض به حادثه را جبران
کند.
در مسایل دیگر بیمه
حوادث احکام وارد بیمه
حیات تطبیق می شود.

اوومه برخه زراعتی بیمه

حصه هفتم بیمه زراعتی

۹۳۷ ماده:

هر ډول ربېل شوی او یا ولاړ
محصول د کال په هر وخت کښې
بیمه کېدای شي.

هر نوع محصول درو شده و
یا درو نشده در هر وقت سال
بیمه شده می تواند.

۹۳۸ ماده:

زراعتی بیمې د هغې زمانې د
پاره چې عقد کیږي اعتبار لری
چې د خسارو د تاوان له ورکولو نه
وروسته هم بیمه د یوې دوهمې
خساری په مقابل کښې دوام کوی.
خساری د ممیز په ذریعه چې
له دواړو خواوو نه ټاکل کیږي
اندازه او تشبیت کیږي.

بیمه های زراعتی برای
زمانیکه عقد می شود
اعتبار دارد که بعد از جبران
خسارات نیز بیمه در مقابل
یک خساره ثانی دوام می کند.
خسارات ذریعه ممیز که از
جانب طرفین گماشته می شود
تقدیر و تشبیت می گردد.

۹۳۹ ماده:

د زراعتی بیمې په شرکتو کښې د
بیمې د دوام موده چې د متقابله

مدت دوام بیمه در شرکت های
بیمه زراعتی که باساس اعتماد

متقابله دایر می گردد مدت دوام شرکت است ولی هم شرکت و هم سهامداران می توانند در ختم هر سال مقاوله را فسخ نمایند شرائطیکه بر خلاف این حکم وضع می شود کان لم یکن است.

ماده ۹۴۰:

بیمه تمام حیوانات زراعتی و اهلی در مقابل هر نوع مرض ساری و حادثه جائز است.

حصه هشتم بیمه سرقت

ماده ۹۴۱:

به منظور حمایه اشخاص از سرقت و یا اشخاصی که در اثر سرقت معروض خساره و مسئولیت مالی قرار می گیرند ممکن است علیه سرقت مقاوله بیمه عقد نمود.

اعتماد په اساس دایری کیږي د شرکت د دوام موده ده مگر هم شرکت او هم سهم لرونکی کولای شي چې د هر کال په پای کښې مقاوله فسخ کړي هغه شرایط چې د دی حکم په خلاف وضع کیږي اعتبار نه لري.

ماده ۹۴۰:

د ټولو زراعتی او اهلی حیواناتو بیمه د هر ډول پوری کیدونکی ناروغی او حادثې په مقابل کښې جائزه ده.

اټمه برخه د غلا بیمه

ماده ۹۴۱:

له غلا څخه د اشخاصو د ساتنې په منظور او یا هغه اشخاص چې د غلا په اثر په خساره او مالی مسئولیت اخته کیږي ممکنه ده چې په غلا باندې د بیمې مقاوله وتری.

نهمه برخه
د زمانی تېرېدل

حصه نهم
مرور زمان

ماده ۹۴۲:

هر ډول دعوی چې د بیمې له
مقاولی څخه پیداکېږي د اختلاف
د پېښېدو له نېټې نه وروسته له
دوو کالو څخه ساقطېږي.

ماده ۹۴۳:

وروسته د دی اصولنامې له
خپرېدو څخه لاندې نوری
اصولنامې لغوه او دا اصولنامه د
هغو په ځای د اجرا وړده:

- ۱- د تجارتی د فترونو اصولنامه.
- ۲- د دلالي اصولنامه.
- ۳- تجارتی اصولنامه.
- ۴- د تجارت د ثبت اصولنامه.

ماده ۹۴۴:

دا اصولنامه د خپرېدو له نېټې
څخه دوي میاشتي وروسته
داعتبار وړده.

ماده ۹۴۵:

د دی اصولنامې په اجراء او تطبیق
د ملی اقتصاد وزارت موظف دی.
دنورو مملکتی اصولو په جمله
کښې د دی اصولنامې د اجراء او

ماده ۹۴۲:

هر نوع دعوائیکه از مقاوله
بیمه بوجود می آید بعد
از دو سال از تاریخ وقوع
اختلاف ساقط می شود.

ماده ۹۴۳:

بعد از نشر این اصولنامه،
اصولنامه های ذیل ملغی
و این قانون جانشین آنها
می باشد.

- ۱- اصولنامه دفاتر تجارتی.
- ۲- اصول نامه دلالي.
- ۳- اصول نامه تجارتی.
- ۴- اصول نامه ثبت تجارتی.

ماده ۹۴۴:

این قانون دو ماه بعد از
تاریخ نشر معتبر می
باشد.

ماده ۹۴۵:

به اجراء و تطبیق این قانون وزارت
اقتصاد ملی موظف است.
انفاذ و اجرای اصولنامه هذا را
در جمله سائر اصولات مملکتی

انفاذ امر او اراده کوود (۱۳۳۴)
لمریز کال د قوس (۲۱) نېټه د
۱۳۷۵ قمری کال د ربیع الثانی د
میاشتې له (۲۹) سره سم.

امر و اراده می نمائیم. مؤرخه
(۲۱) برج قوس (۱۳۳۴) شمسی
مطابق (۲۹) ماه ربیع الثانی
۱۳۷۵ قمری.

تعديلات قانون تجارت

د افغانستان جمهوریت
د جمهور رئیس فرمان

گڼه: ۴۰۰
نیټه: ۱۳۶۷/۴/۸

د تجارت د قانون په (۲۷۷ او ۴۵۸) مادو کې د زیاتوالی او تعدیل د توشیح په هکله د افغانستان د جمهوریت داساسي قانون د (۷۵) مادې د (۲) فقرې د حکم سره سم د تجارت د قانون په (۲۷۷ او ۴۵۸) مادو کې کوم زیاتوالی او تعدیل چې د ۱۳۶۷ د غبرگولی د (۶) نیتۍ په فوق العاده غونډه کې د انقلابي شوری له خوا د (۱۱) گڼې مصوبې په ترڅ کې په دوو مادو کې تصویب شویدی توشیح کوم. دا فرمان په نوموړی قانون کې د زیاتوالی او تعدیل په باب د افغانستان د جمهوریت د انقلابي شوری له مصوبې سره یوځای په رسمي جریده کې د خپریدو لپاره د افغانستان جمهوریت د عدلیې وزارت ته دې واستول شي.

دکتور نجیب الله
د افغانستان جمهور رئیس

فرمان رئیس جمهور
جمهوریت افغانستان

شماره: ۴۰۰
مؤرخ: ۱۳۶۷/۴/۸

درباره توشیح درمورد ایزاد و تعدیل مواد (۲۷۷ و ۴۵۸) قانون تجارت مطابق به حکم فقره (۲) ماده (۷۵) قانون اساسي جمهوري افغانستان، ایزاد و تعدیل مواد (۲۷۷ و ۴۵۸) قانون تجارت را که بتاريخ (۶) جوزای (۱۳۶۷) در جلسه فوق العاده از طرف شوراي انقلابي طی مصوبه شماره (۱۱) بدخل دو ماده به تصویب رسیده، توشیح مي دارم. این فرمان همراه با مصوبه شوراي انقلابي جمهوري افغانستان درباره ایزاد و تعدیل قانون متذکره جهت نشر در جریده رسمي بوزارت عدلیه جمهوري افغانستان گسیل گردد.

دکتور نجیب الله
رئیس جمهور افغانستان

**د افغانستان د جمهوریت
د انقلابي شوری مصوبه**

گڼه: (۱۱)

نیټه: ۱۳۶۷/۳/۶

**مصوبه شوراي انقلابي جمهوري
افغانستان**

شماره: (۱۱)

تاریخ: ۱۳۶۷/۳/۶

د تجارت د قانون په (۲۷۷ او
۴۵۸) مادو کې د زیاتوالی او
تعدیل په هکله

د افغانستان جمهوریت انقلابی
شوری د افغانستان جمهوریت د
اساسی قانون د (۱۴۶) مادې د
حکم پر بنسټ تصویبوی:

د مورد ایزاد و تعدیل
مواد (۲۷۷ و ۴۵۸) قانون
تجارت

شورای انقلابي جمهوري
افغانستان به تاسي از حکم ماده
(۱۴۶) قانون اساسي جمهوري
افغانستان تصویب می دارد:

لومړۍ ماده:

د (۲۷۷ او ۴۵۸) مادو په پای
کې لاندې متن ور زیات شی:

۱- تولیدی او خدماتی خصوصي
تشیثات چی د کورنی او بهرنی
خصوصي پانگه اچونی د قانون پر
اساس د افغانستان په جمهوریت
کی تاسیس او ثبت کیږی د دغه
قانون د حکمونو تابع نه دی.

۲- د لمتد تجارتي شرکت د
سوداگری د وزارت په اجازه
جوړېږي د اجازی په غوښتنلیک
کی لږمه ده چی د ټولو شریکانو
او یا د هغوی د تصدیق شویو

ماده اول:

متن ذیل در اخیر مواد (۲۷۷ و
۴۵۸) ایزاد گردد:

۱- تشیثات خصوصي تولیدی و
خدماتی که به اساس قانون
سرمایه گذاری خصوصي داخلی و
خارجی در جمهوری افغانستان
تأسیس و ثبت می گردد تابع
احکام این قانون نمی باشد.

۲- شرکت لمتد تجارتي به
اجازه وزارت تجارت
تشکیل می یابد، در درخواست
اجازه لازم است که امضاء تمام
شرکاء و یا وکیل های مصدق شان

وکیلانو لاسلیک درج شی.

د لمتد د تجارتی شرکت ټوله پانگه باید په غاړه واخیستله شی او لږ تر لږه نیمایی یی ورکړی شی.

تولیدی او خدماتی خصوصی تشبثات د افغانستان د جمهوریت د کورنی او بهرنی خصوصی پانگه اچونی د قانون سره سم د کورنی او بهرنی خصوصی پانگه اچونه په چارو کی د وزیرانو شوری د اجرائیوی کمیټی د دایمی کمیسیون له منظوری نه وروسته را منځته کیدای شی.

دویمه ماده:

دغه مصوبه د افغانستان د جمهوریت د اساسی قانون د (۸۱) مادی د (۱) فقری د حکم پر بنسټ جمهور رئیس ته دی وړاندی شی او له توشیح نه وروسته نافذه او په رسمی جریده کی دی خپره شی.

درج گردد.

تمام سرمایه شرکت لمتد تجارتی باید تعهد واکلاً نصف آن تصادیه شده باشد.

تشبثات خصوصی تولیدی و خدماتی بر طبق قانون سرمایه گذاری خصوصی داخلی و خارجی جمهوری افغانستان بعد از منظوری کمیسیون دایمی کمیته اجرائیوی شورای وزیران در امور سرمایه گذاری خصوصی داخلی و خارجی تشکیل شده می تواند.

ماده دوم:

این مصوبه متکی بحکم فقره (۱) ماده (۸۱) قانون اساسی جمهوری افغانستان به رئیس جمهور ارايه و بعد از توشیح نافذ و در جریده رسمی نشر گردد.

(تعدیل و ایزاد فوق اصولنامه تجارت در جریده رسمی شماره (۶۷۶) مؤرخ ۱۳۶۷/۷/۲۹ نشر گردیده است.)	(د تجارت د اصولنامی پورتنی زیاتوالی او تعدیل د ۱۳۶۷ هـ.ش کال دتلی د میاشتی په ۲۹ نیټه درسمی جریدی په (۶۷۶) گڼه کې خپور شوی دی.)

قانون شرکت های سهامی و
محدودالمسئولیت



جمهوری
اسلامی افغانستان

شماره: (۱۷۹۲۷)

تاریخ: ۱۳۸۵/۱۱/۱۸

د افغانستان اسلامي
جمهوریت

گڼه: (۱۷۹۲۷)

نېټه: ۱۳۸۵/۱۱/۱۸

محترم سرور دانش وزیر عدلیه!
قانون شرکت های سهامی و
محدودالمسئولیت را که به اساس
مصوبه شماره (۳۵) مؤرخ
۱۳۸۵/۱۰/۲۵ شورای وزیران
بداخل (۱۵) فصل و (۱۴) ماده
تصویب گردیده و از جانب ما به
حيث فرمان تقنینی شماره (۱۰۰)
مؤرخ ۱۳۸۵/۱۰/۲۷ توشیح
گردیده است، به شما ارسال شد،
تا به نشر آن در جریده رسمی
اقدام نمائید.

د عدليې وزیر محترم سرور دانش!
د سهامی او محدود المسئولیتو
شرکتونو قانون چې د وزیرانو د
شوري د ۱۳۸۵/۱۰/۲۵ نېټې د
(۳۵) گڼه مصوبې پر بنسټ په (۱۵)
فصلونو او (۱۴) مادو کې
تصویب او زموږ لخوا د
۱۳۸۵/۱۰/۲۷ نېټې د (۱۰۰)
گڼې تقنینی فرمان په توگه توشیح
شوی دی، تاسوته در واستول شو
خوږي په رسمی جریده کې په
خپرولو اقدام وکړي.

حامد کرزی
رئیس جمهوری اسلامی
افغانستان

حامد کرزی
د افغانستان د اسلامي جمهوریت
رئیس

د سهامی او محدودالمسئولیتو
شرکتونو د قانون د توشیح په
هکله، د افغانستان د اسلامي
جمهوریت د رئیس فرمان

گڼه: (۱۰۰)

نېټه: ۱۳۸۵/۱۰/۲۷

فرمان رئیس جمهوري اسلامي
افغانستان در مورد توشیح قانون
شرکت های سهامی و
محدودالمسئولیت

شماره: (۱۰۰)

تاریخ: ۱۳۸۵/۱۰/۲۷

لومړۍ ماده:

د افغانستان د اسلامي قانون د
(۷۹) مادې د حکم له مخې د
سهامي او محدودالمسئولیتو
شرکتونو قانون چې د وزیرانو د
شوري د (۱۳۸۵/۱۰/۲۵) نېټې د
(۳۵) گڼې مصوبې پربنسټ په
(۱۵) فصلونو او (۱۱۴) مادو کې
تصویب شوی دی، د تقنیني فرمان
په توگه توشیح کوم.

دوه یمه ماده:

د.ا.ا.ج د عدلیې وزیر او په
پارلماني چارو کې د دولت وزیر
موظف دی، دغه قانون د ملي
شوري د لومړنۍ غونډې د جوړېدو
له نېټې څخه د (۳۰) ورځو په ترڅ
کې ملي شوري ته وړاندې کړي.

ماده اول:

به تاسی از حکم ماده (۷۹) قانون
اساسی افغانستان قانون شرکت
های سهامی و محدودالمسئولیت
را که به اساس مصوبه شماره
(۳۵) مورخ ۱۳۸۵/۱۰/۲۵
شورای وزیران بداخل (۱۵) فصل
و (۱۱۴) ماده تصویب گردیده
است، به حیث فرمان تقنینی
توشیح می‌دارم.

ماده دوم:

وزیر عدلیه ج.ا.ا. و وزیر دولت در
امور پارلمانی موظف است این
قانون را در خلال (۳۰) روز از
تاریخ انعقاد نخستین جلسه
شورای ملی به شورای ملی
تقدیم نماید.

درېیمه ماده:

دغه فرمان د توشېح له نېټې څخه
نافذ اوپه رسمي جریده کې دی
خپور شې.

ماده سوم:

این فرمان از تاریخ توشیح
نافذ و در جریده رسمی نشر
گردد.

حامد کرزی

د افغانستان د اسلامي
جمهوریت رئیس

حامد کرزی

رئیس جمهوری اسلامی
افغانستان

قانون شرکت های سهامی و
محدود المسئولیت
فصل اول
احکام عمومی

د سهامی او محدودالمسئولیتو
شرکتونو قانون
لومړی فصل
عمومي حکمونه

هدف

ماده اول:

این قانون درروشنی احکام قانون اساسی افغانستان به منظور تنظیم امورمربوط به طرزایجاد و فعالیت شرکت های سهامی و محدودالمسئولیت، وضع گردیده است.

داشتن جواز

ماده دوم:

هیچ شخص نمی تواند به حیث شرکت سهامی و محدودالمسئولیت بدون داشتن جواز فعالیت و ثبت آن در دفتر ثبت مرکزی، معاملات و اعلانات تجارتي را در افغانستان انجام دهد.

قابلیت تطبیق

ماده سوم:

احکام این قانون بالای شرکت های محدود المسئولیت (لیمتد) قابل

موخه

لومړی ماده:

دغه قانون د افغانستان د اساسي قانون د حکمونو په رڼا کې د سهامی او محدودالمسئولیتو شرکتونو د جوړولو په ډول او فعالیت پورې د اړوندو چارو د تنظیم په منظور ، وضع شوی دی.

د جواز لرل

دوه یمه ماده:

هېڅ شخص نشي کولای د سهامی او محدودالمسئولیت شرکت په توګه د جواز له لرلو او د مرکزي ثبت په دفتر کې د هغه له ثبت پرته په افغانستان کې سوداګریزې معاملې او اعلانونه سرته ورسوي.

د تطبیق وړتیا

درېیمه ماده :

د دی قانون حکمونه پر محدودالمسئولیتو (لېمتد) شرکتونو

باندی د تطبیق وړ دی ، پدی شرط
چې :

- ۱- د محدود المسئولیت شرکت
ونډه وال له دوو تنو څخه لږ او له
پنځوسو تنو څخه زیات نه وي .
- ۲- د محدود المسئولیت شرکت
برخه د عامو ونډو په بازار کې و نه
پلورل او ونه پېرودل شي.
- ۳- د محدود المسئولیت شرکت
ونډه وال د شرکت په پلورنه ،
لېږدونه یا تبادله کې مجاز نه وي .

اصطلاحگانې

خلورمه ماده :

- لاندې اصطلاحگانې پدی قانون
کې دغه مفاهیم افاده کوي :
- ۱- سهامی شرکت: هغه سوداگریز
شرکت چې پانگه یې ټاکلې او په
ونډو وېشل شوې وي او د هر شریک
د مسئولیت برخه د هغه د ونډې په
اندازې پورې محدوده وي.
 - ۲- محدود المسئولیت (لېمتد)
شرکت : هغه سوداگریز شرکت چې
پانگه یې په ونډو نا وېشلی (غیر
منقسمه) وي او د هر شریک
مسئولیت په شرکت کې د موافقه
شوې پانگې په اندازې پورې
محدود وي .

تطبیق می باشد ، مشروط بر
اینکه :

- ۱- سهامداران شرکت محدود
المسئولیت از دو نفر کمتر و از
پنجاه نفر بیشتر نباشند .
- ۲- حصة شرکت محدود -
المسئولیت در بازار سهام عام
خرید و فروش نگردد .
- ۳- سهامداران شرکت
محدود المسئولیت مجاز بفروش ،
انتقال یا تبادله شرکت نباشند .

اصطلاحات

ماده چهارم :

- اصطلاحات آتی دراین قانون
مفاهیم ذیل را افاده می نماید :
- ۱- شرکت سهامی : شرکت
تجارتی ایکه سرمایه آن معین و
منقسم به اسهام بوده و اندازه
مسئولیت هر شریک به اندازه سهم
آن محدود می باشد .
 - ۲- شرکت محدود المسئولیت
(لیمتد) : شرکت تجارتی ایکه
سرمایه آن غیر منقسم به
اسهام بوده و مسئولیت
هر شریک محدود به اندازه
سرمایه توافق شده در شرکت
باشد .

- ۳- اساسنامه : هغه سند دی چې مؤسسین یا د شرکت ونډه وال یې د دی قانون د حکمونو مطابق د خپل فعالیت د مشروعیت په منظور ترتیبوي او لاندی موارد پکې شامل وي :
- اصلي اساسنامه .
- په اساسنامه کې ټول تعدیلونه .
- د دوو یا له دوو څخه د زیاتو شرکتونو د ادغام سند .
- که چېرې اساسنامه د تعدیل یا ادغام د سند پر بنسټ په بل ډول له سره تنظیم شي ، پدی صورت کې د تعدیل سند یا د ادغام سند له هغې سره نه ضمیمه کېږي .
- ۴- مجازې ونډې : هغه ونډې دی چې ټول کورني او بهرني سهامی شرکتونه د هغو د صادرېدو د اجازې لرونکی دی .
- ۵- ونډه : د مقیاس هغه واحد دی چې د یوه سهامی شرکت ونډې پرې منقسمې (وېشل) کېږي .
- ۶- ونډه وال : هغه شخص دی چې د سهامی شرکت د ونډو د ثبت په دفتر کې یې ونډې په نوم ثبت شوې وي او تر هغو حدودو پورې د ونډو دینفع خاوند وي چې د
- ۳- اساسنامه: سندی است که مؤسسین یا سهامداران شرکت طبق احکام این قانون به منظور مشروعیت فعالیت خود آنرا ترتیب و شامل موارد ذیل می باشد :
- اساسنامه اصلی .
- تمام تعدیلات در اساسنامه .
- سند ادغام دو یا بیش از دو شرکت .
- هرگاه اساسنامه به تأسی از سند تعدیل یا ادغام طور دیگری مجدداً تنظیم گردد ، دراین صورت سند تعدیل یا سند ادغام به آن ضمیمه نمی گردد .
- ۴- سهام مجاز: سهامی است که تمام شرکت های سهامی داخلی و خارجی اجازه صدور آن را دارا می باشند .
- ۵- سهم: واحد مقیاسی است که سرمایه یک شرکت سهامی به آن منقسم می گردد .
- ۶- سهامدار: شخصی است که در دفتر ثبت سهام شرکت سهامی ، سهام بنامش ثبت گردیده و مالک دینفع اسهام تا حدودی باشد که در

داوطلبی په سند کې په درج شوو حقوقو کې ثبت شوي، د سهامی شرکت د مرکزي ثبت په دفتر کې درج شوي یا د هغو ونډو ذینفع خاوند وي چې دخپلې رایې ورکونې حق درېیم (ثالث) شخص ته وسپاري.

۷- د ونډو صنف (ټولگی): د ورته ونډو گروپ دی چې یو شان حقوق د هغو ونډه والو ته پرېږدي.

۸- د ونډو گټه: د یوه شرکت له نګه (خالصې) گټې څخه یوه برخه ده چې د ټاکل شوو حقوقو مطابق د ونډو د هر ډول او هر صنف لپاره ونډه والو ته وېشل کېږي.

۹- د بیا پېرودنې وړونډه: هغه ونډه ده چې لرونکی یې حق لري هغه تر خاصو شرایطو لاندې یا پر شرکت باندې وپلوري.

۱۰- د پانګې ونډې: د شرکت په واسطه د وړاندو شوو ټولو ونډو په نوم (اسمي ارزښت، ظاهري ارزښت) ټولیز ارزښت یا بها ده.

۱۱- زېرمه ایزه پانګه: د پانګې ټولګه ده چې له ابتدا څخه تر انتها پورې د شرکت د ونډې پر هر واحد باندې جمع کېږي.

حقوق مندرج سند داوطلبی ثبت شده، در دفتر ثبت مرکزی سهام شرکت سهامی درج بوده و یا مالک ذینفع سهامی باشد که حق رای دهی خویش را به شخص ثالث تفویض نماید.

۷- صنف سهام: گروپ سهام همگون است که حقوق یکسان را به سهامداران آن واگذار می نماید.

۸- مفاد سهام: بخش از منفعت خالص یک شرکت است که مطابق حقوق تعیین شده برای هر نوع و هر صنف سهام، به سهامداران توزیع می گردد.

۹- سهم قابل باز خرید: سهمی است که دارنده آن حق دارد آن را تحت شرایط خاص مجدداً بالای شرکت به فروش برساند.

۱۰- سهام سرمایه: ارزش یا بهای مجموعی اسمی (ارزش اسمی، ارزش ظاهری) کلیه سهام عرضه شده توسط شرکت میباشد.

۱۱- سرمایه ذخیره: مجموع سرمایه است که از ابتدا تا انتها بالای هر واحد سهم شرکت جمع می شود.

- ۱۲- تصدیق: د تأیید دفتر ثبت مرکزی مینی بر انفاذ اساسنامه که بعد از ثبت آن در دفتر ثبت مرکزی صادر می گردد.
- ۱۳- ادعای استثنایی: ادعای سهامدار به نمایندگی از منافع شرکت سهامی است.
- ۱۴- دفتر ثبت مرکزی: اداره ای است که اسناد مربوط به شرکت های سهامی داخلی و خارجی در آن ثبت می گردد.
- ۱۵- محکمه تجارتی: محکمه ذیصلاح تجارتی افغانستان می باشد.
- ۱۶- شرکت سهامی داخلی به مفهوم این قانون عبارت است از: - شرکتی که به اساس قانون بدون نظر داشت ماهیت تجارتی، مجازب صدور سهام باشد.
- مطابق احکام این قانون تشکیل یا به تأسی از قوانین قبلی موجود باشد.
- به اساس اساسنامه، سند تعدیل یا ادغام به یک شرکت سهامی داخلی مبدل گردد.
- شرکت سهامی خارجی که تحت
- ۱۲- تصدیق: د اساسنامې د انفاذ په اړه د مرکزي ثبت د دفتر تائید دی چې د مرکزي ثبت په دفتر کې دهغې له ثبت وروسته صادرېږي.
- ۱۳- استثنایي ادعا: د سهامی شرکت له گټو څخه په استازیتوب د ونډه وال ادعا ده.
- ۱۴- د مرکزي ثبت دفتر: هغه اداره ده چې په کورنیو او بهرنیو سهامی شرکتونو پورې اړوند سندونه پکې ثبتېږي.
- ۱۵- سوداگریزه محکمه: د افغانستان سوداگریزه واکمنه محکمه ده.
- ۱۶- د دی قانون په مفهوم کورنی سهامی شرکت عبارت دی له: - هغه شرکت چې د قانون پر بنسټ د سوداگریز ماهیت له په پام کې نیولو پرته، د ونډو په صادرولو مجاز وي.
- د دی قانون د حکمونو مطابق تشکیل یا د مخکنیو قوانینو له مخې موجود وي.
- د اساسنامې، د تعدیل یا د ادغام د سند پر بنسټ په یوه کورني سهامی شرکت بدل شي.
- بهرنی سهامی شرکت چې د بهرنیو

شرکتونو تر قوانینو لاندی جوړ او د افغانستان په دننه کې فعالیت کوي ، د دی قانون د حکمونو تابع دی .

۱۷- الکترونیک لېږد: ټول ارتباطي ډولونه دی چې جنساً د کاغذ لېږ د بدل نه غواړي او د مرسل الیه د ثبت، د خونديتوب او غوښتنې د شرایطو په پایله کې منځته راشي او مرسل الیه وکولای شي مستقیماً هغه د کاغذ په ډول واړوي .

۱۸- د شفع حق : په یوه شرکت کې، د اضافي ونډو او د ونډې په صادرېدو د تبدیل وړ بهار لرونکو پاڼو د پېرودنې له لارې د مالکیت د ونډې د ابقاء لپاره د ونډه والو حقوق دی ، مخکې تر دی چې هغه ثالثو اشخاصو ته وړاندې شي .

۱۹- د رجحان حق : هغه حق چې د شرکت د اساسنامې په واسطه د ونډو هغه گروپ ته چې ونډه والو ته یو شان حقوق پرېږدي، اختصاصېږي.

۲۰- د رایو تولیت : د باور وړ شخص ته د رایې لېږدېدل یا پرېښودل دی.

۲۱- کارکوونکی: مامور یا هغه

قوانین شرکت های خارجی ایجاد و در داخل افغانستان فعالیت می نماید ، تابع احکام این قانون می باشد .

۱۷- انتقال الکترونیک: تمام اشکال ارتباطی است که جنساً انتقال کاغذ را دربرنداشته و در نتیجه شرایط ثبت، تحفظ و مطالبه مرسل الیه ایجاد گردد و مرسل الیه بتواند مستقیماً آنرا به شکل کاغذ تبدیل نماید .

۱۸- حق شفع: حقوق سهامداران جهت ابقای سهم مالکیت شان در يك شرکت از طریق خریداری سهام اضافی و اوراق بها دار قابل تبدیل به صدور سهم ، قبل از آنکه آنها به اشخاص ثالث عرضه گردد ، می باشد .

۱۹- حق رجحان: حقی که توسط اساسنامه شرکت به گروپ از سهامیکه حقوق يك سان را به سهامداران واگذار می نماید، اختصاص داده می شود .

۲۰- تولیت آرا : انتقال یا واگذاری رای است به شخص قابل اعتماد .

۲۱- کارکن : مامور یا شخصی

شخص دی چې د سهامی شرکتونو یا په هغو پورې د تړلو شرکتونو لخوا په شرکت پورې د اړوندو چارو د اجراء لپاره استخدامېږي . د مدیره هیئت غړي کولای شي په عین وخت کې د مامور دندی سر ته ورسوي.

۲۲- شخص : عبارت دی له :

- کورنی حقیقي شخص: هغه شخص دی چې دافغاني تابعیت لرونکی وي.

- کورنی حکمي شخص: هغه شخص دی چې د مؤسسې، شرکت ، انحصاري مالکیت ، محدودالمسئولیت شرکت، مؤقت گډون (مشارکت) ، مؤقتي پانگونې او اتحادیې یا هرې بلې انتفاعي مؤسسې په ډول د قانون د حکمونو مطابق جوړ شوی وي .

- بهرنی حقیقي شخص: هغه شخص دی چې له افغانی تابعیت په غیر تابعیت ولري.

- بهرنی حکمي شخص : هغه شخص دی چې حقوقي شخصیت یې د افغانستان له قوانینو په غیر قوانینو په چوکاټ کې مشخص شوی وي .

است که ازطرف شرکت های سهامی یا شرکت های وابسته آن جهت اجرای امور مربوط به شرکت استخدام می گردد. اعضای هیئت مدیره می توانند درعین زمان وظایف مامور را انجام دهند.

۲۲- شخص : عبارت است از:

- شخص حقیقی داخلی: شخصی است که دارای تابعیت افغانی باشد.

- شخص حکمی داخلی: شخصی است به شکل موسسه، شرکت، مالکیت انحصاری، شرکت محدود المسئولیت، مشارکت مؤقت، سرمایه گذاری مؤقت و اتحادیه یا هر نوع موسسه دیگر انتفاعی که مطابق احکام قوانین تاسیس گردیده باشد.

- شخص حقیقی خارجی: شخصی است که تابعیت غیر از تابعیت افغانی را داشته باشد.

- شخص حکمی خارجی: شخصی است که شخصیت حقوقی وی در چهار چوب قوانین غیر از قوانین کشور افغانستان مشخص شده باشد.

۲۳- مرکزي دفتر : هغه دفتر دی چې د افغانستان په دننه یا بهر کې موقعیت ولري او پکې د کورني یا بهرني سهامی شرکت اجرائیوي اصلي دفترونه قرار ولري . د دغسې دفتر د نه موجودیت په صورت کې ، هغه ځای دی چې د مدیره هیئت لخوا د افغانستان په دننه یا بهر کې ټاکل کېږي . مرکزي دفتر چې په کلني وروستني رپوټ کې ثبت شوی وي ، د دی قانون د موخو مطابق مرکزي دفتر ګڼل کېږي .

۲۳- دفتر مرکزي: دفتري است که در داخل یا خارج افغانستان موقعیت داشته و در آن دفاتر اصلی اجرائیوی شرکت سهامی داخلی یا خارجی قرار داشته باشد. در صورت عدم موجودیت چنین دفتر، محلی است که توسط هیئت مدیره، در داخل یا خارج از افغانستان تعیین می شود. دفتر مرکزی که در آخرین راپور سالانه ثبت شده باشد مطابق اهداف این قانون دفتر مرکزی پنداشته می شود .

دوه یم فصل

د سهامی شرکت د ثبت شرایط

د سندونو ثبتېدل

پنځمه ماده :

(۱) لاندی سندونه د مرکزي ثبت په دفتر کې ثبتېدی شي :

۱- هغه لیکلی سند چې پکې درج شوی معلومات، د دی قانون د حکمونو مطابق ټاکلي شوی وي .

۲- هغه سند چې په تایپ شوی ډول یا په تور رنګ چاپ شوی وي.

۳- هغه سند چې د نقل اخستلو وړتیا ولري.

ثبت اسناد

ماده پنجم:

(۱) اسناد ذیل در دفتر ثبت مرکزي ثبت شده می تواند :

۱- سندی کتبی که معلومات مندرج آن مطابق احکام این قانون معین گردیده باشد.

۲- سندی که به شکل تایپ شده یا چاپی به رنګ سیاه باشد.

۳- سندی که قابلیت نسخه برداری را داشته باشد.

۴- هغه سند چې د لوستلو وړ وي.
۵- هغه سند چې له رسمي ژبو څخه په يوې (پښتو يا دري) ترتيب شوی وي .
(۲) د بهرنيو شرکتونو اساسنامه په بهرنيو ژبو کېدلی شي، پدې شرط چې پښتو يا دري دقيقه ژباړه ور سره ضميمه وي .

د سند ترتيبدل شپږمه ماده :

د سهامی شرکت سند د لاندې اشخاصو په واسطه ترتيبېږي :
۱- هغه مامور چې له سهامی شرکت څخه په استازيتوب اجرائیوي واک ولري.
۲- د سهامی شرکت مدیره هیئت.
۳- د سهامی شرکت یو یا څو اصلي غړي.
۴- د تصفیې مدیر ، وکیل یا هغه شخص چې د محکمې لخوا د امین په توګه ټاکل کېږي .

د کلني رپوټ ترتيبدل اوومه ماده:

کلنی رپوټ د مدیره هیئت د مامور یا غړي په واسطه د شرکت په نوم ترتيب او د دی قانون د

۴- سندی که خوانا باشد .
۵- سندی که به یکی از لسان های رسمی (پشتو یا دري) ترتيب شده باشد .
(۲) اساسنامه شرکت های خارجی به لسان خارجی بوده می تواند ، مشروط براینکه ترجمه دقیق لسان پشتو یا دري ضمیمه آن باشد .

ترتيب سند ماده ششم:

سند شرکت سهامی توسط اشخاص ذیل ترتيب می گردد:
۱- مامور که به نمایندگی از شرکت سهامی صلاحیت اجرائیوی را داشته باشد .
۲- هیئت مدیره شرکت سهامی .
۳- يك یا چند عضو اصلی شرکت سهامی .
۴- مدیر تصفیه ، وکیل یا شخصی که توسط محکمه به حیث امین تعیین می گردد .

ترتيب راپور سالانه ماده هفتم:

راپور سالانه توسط مامور یا عضو هیئت مدیره بنام شرکت ترتيب و مطابق احکام این قانون ثبت

حکمونو مطابق ثبتېږي .

می گردد .

د مهر او لاسلیک تصدیق
اتمه ماده :

تصدیق مهر و امضاء
ماده هشتم :

د سند ترتیبوونکی د هغه په لاسلیک کولو مکلف دی، خپل نوم او دنده پکې لیکي . لاسلیک د فکس په ډول هم کېدی شي . د شرکت مهر او لاسلیک د منشي یایې د مرستیال په واسطه تصدیق او تاییدېږي .

ترتیب کوننده سند مکلف به امضاء آن بوده، نام و وظیفه خود را در آن درج می نماید . امضاء به شکل فکس نیز بوده می تواند . مهر شرکت و امضاء توسط منشي یا معاون وی تصدیق و تأیید می شود .

د مخصوصې فورمې ترتیبېدل
نهمه ماده :

ترتیب فورمه مخصوص
ماده نهم :

د مرکزي ثبت دفتر کولای شي د اپتیا په صورت کې، د دی قانون د حکمونو مطابق، سند د مخصوصې فورمې په ډول برابر او ترتیب کړی .

دفتر ثبت مرکزی می تواند در صورت ضرورت مطابق احکام این قانون سند را به شکل فورمه مخصوص تهیه و ترتیب نماید .

د فیس ورکول
لسمه ماده :

تادیه فیس
ماده دهم :

هغه سند چې د ثبت لپاره د مرکزي ثبت دفتر ته وړاندی کېږي ، په هغه صورت کې ثبتېدی شي چې ټاکل شوی فیس یې د دی قانون د حکمونو مطابق ورکړی وي .

سندی که جهت ثبت به دفتر ثبت مرکزی ارائه می گردد، در صورتی ثبت شده می تواند که فیس های تعیین شده را مطابق احکام این قانون تأدیه نموده باشد .

الکترونیکی ثبت
یوولسمه ماده:

ثبت الکترونیکی
ماده یازدهم :

د مرکزي ثبت دفتر کولای شي د هر

دفتر ثبت مرکزی می تواند ، ثبت

دول معلوماتو الکترونیکی ثبت چې د دی قانون د حکمونو مطابق مجاز وي، ومني او د اجراء، ثبت، نقل اخستنې او د کمپیوټر په ذریعه د ترلاسه شوو معلوماتو د تصدیق تگلارې تجویز کړی.

د اساسنامې تصحیح دوولسمه ماده :

(۱) د سهامی شرکت مدیره هیئت کولای شي، د هغې اساسنامې چې د مرکزي ثبت په دفتر کې ثبت شوې وي، د تصحیح اجازه ورکړی.

(۲) د دی مادې په (۱) فقره کې د درج شوې اساسنامې تصحیح په لاندې حالتو کې صورت موندلی شي :

۱- هغه اساسنامه چې د ناسمې جملې لرونکې وي .

۲- هغه اساسنامه چې په نیمګړې توګه ترتیب، تأیید، تصدیق، لاسلیک او مهر شوې وي .

(۳) د دی مادې په (۲) فقره کې د درج شوې اساسنامې تصحیح د هغې د اصلاح کېدو د نېټې په درجولو سره د مرکزي ثبت په دفتر کې ثبتېږي.

الکترونیکی هر نوع معلوماتی را که مطابق احکام این قانون مجاز باشد، پذیرفته و روشهای اجرا، ثبت، نسخه برداری و تصدیق معلومات دریافت شده ذریعه کمپیوتر را تجویز نماید.

تصحیح اساسنامه ماده دوازدهم :

(۱) هیئت مدیره شرکت سهامی می تواند، اجازه تصحیح اساسنامه ای را که در دفتر ثبت مرکزی به ثبت رسیده باشد، بدهد .

(۲) تصحیح اساسنامه مندرج فقره (۱) ایین ماده در حالات ذیل صورت گرفته می تواند:

۱- اساسنامه ای که حاوی جمله نادرست باشد .

۲- اساسنامه ای که بصورت ناقص ترتیب، تأیید، تصدیق، امضاء و مهر شده باشد .

(۳) تصحیح اساسنامه مندرج فقره (۲) ایین ماده با درج تاریخ اصلاح آن در دفتر ثبت مرکزی، ثبت می گردد.

(۴) سهامی شرکتونه مکلف دی ، د لسو ورځو په ترڅ کې ، شوي تصحيح د تصديق لپاره د مرکزي ثبت دفتر ته وړاندې کړي ، پرته لدې د منلو وړ نده .

(۴) شرکت های سهامی مکلف اند در خلال ده روز تصحيح وارده را جهت تصديق به دفتر ثبت مرکزی ارائه نمایند ، در غير آن قابل قبول نمی باشد .

د ډیپم فصل د ثبت د تصديق صادرېدل

د تصديق صادرېدل
ديارلسمه ماده :

د مرکزي ثبت دفتر ، په هغه صورت کې د سندونو تصديق صادر وي چې سند د دی قانون د حکمونو مطابق ترتيب او ثبت شوی وي .

د موجودیت تصديق
څوارلسمه ماده :

(۱) هر شخص کولای شي د اړوند شرکت له موجودیت او د هغه له تصديق څخه د ډاډ د ترلاسه کولو لپاره د مرکزي ثبت دفتر ته غوښتنلیک وړاندې کړي . د مرکزي ثبت دفتر مکلف دی د مرکزي ثبت په دفتر کې د ثبت شوی سهامی شرکت د سوابقو په هکله موجود حقایق د غوښتنلیک ورکوونکي په واک کې ورکړي .
(۲) د سهامی شرکت د موجودیت

فصل سوم صدور تصديق ثبت

صدور تصديق
ماده سیزدهم :

دفتر ثبت مرکزي در صورتی تصديق اسناد را صادر می نماید که سند مطابق احکام این قانون ترتيب و ثبت گردیده باشد .

تصديق موجودیت
ماده چهاردهم :

(۱) هر شخص می تواند جهت حصول اطمینان از موجودیت شرکت مربوط و تصديق آن به دفتر ثبت مرکزي درخواست ارائه نماید . دفتر ثبت مرکزي مکلف است حقایقی موجود در مورد سوابق شرکت سهامی ثبت شده در دفتر ثبت مرکزي را بدسترس درخواست دهنده قرار دهد .
(۲) تصديق موجودیت شرکت

تصدیق د لاندی ټکو متضمن دی :	سهامی متضمن نکات ذیل می باشد:
۱- په افغانستان کې د سهامی شرکت فعالیت .	۱- فعالیت شرکت سهامی در افغانستان .
۲- د شرکت نه انحلال یا یې د فعالیت نه درېدل .	۲- عدم انحلال شرکت یا توقف فعالیت آن.
۳- په افغانستان کې د ثبت شوی کورنی یا بهرنی سهامی شرکت نوم.	۳- اسم شرکت سهامی داخلی یا خارجی ثبت شده در افغانستان.
۴- د سهامی شرکت د جوړېدو نېټه او د دوام موده یې، پدې شرط چې د دوام موده یې محدوده وي.	۴- تاریخ ایجاد شرکت سهامی و مدت دوام آن، مشروط بر اینکه مدت دوام آن محدود باشد.
۵- بهرنی سهامی شرکت په هغه صورت کې چې په افغانستان کې د سوداگریزو معاملو د فعالیت د جواز لرونکی وي.	۵- شرکت سهامی خارجی در صورتی که جواز فعالیت معاملات تجارتي در افغانستان را دارا باشد.
۶- د مرکزي ثبت په دفتر کې د اساسنامې د ثبت نېټه .	۶- تاریخ ثبت اساسنامه در دفتر ثبت مرکزی .
د سهامی شرکت د موجودیت شرایط	شرایط موجودیت شرکت سهامی
پنځلسمه ماده :	ماده پانزدهم :
(۱) په افغانستان کې کورنی یا بهرنی سهامی شرکت په هغه صورت کې موجود سهامی شرکت گڼل کېږي چې د لاندی شرایطو لرونکی وي:	(۱) شرکت سهامی داخلی یا خارجی در افغانستان در صورتی که سهامی موجود پنداشته می شود که دارای شرایط ذیل باشد:
۱- د سوداگریز فعالیت د جواز لرل.	۱- داشتن جواز فعالیت تجارتي.

- ۲- د دی قانون د حکمونو مطابق د فیس، ټکټانې، جریمې او نورو مالي مجازاتو ورکړه.
- ۳- د دی قانون د حکمونو مطابق د مرکزي ثبت په دفتر کې د کلنیو رپوټونو ثبت.
- ۴- د هغه نه انحلال یا د فعالیت نه دریدل .
- (۲) که چېرې سهامی شرکت د دی مادی په (۱) فقره کې د درج شوو شرایطو لرونکی نه وي، د مرکزي ثبت دفتر مکلف دی، د هغه د انحلال یا د نه فعالیت موضوع تصدیق کړي.
- (۳) د کورني یا بهرني سهامی شرکت د موجودیت په اړه د مرکزي ثبت د دفتر صادر شوی تصدیق، د قطعي مدرك په توگه پېژندل کېږي.
- ۲- پرداخت فیس، تکتانه، جریمه و سایر مجازات مالی مطابق احکام این قانون.
- ۳- ثبت راپور های سالانه به دفتر ثبت مرکزی مطابق احکام این قانون.
- ۴- عدم انحلال یا توقف فعالیت آن.
- (۲) هرگاه شرکت سهامی واجد شرایط مندرج فقره (۱) این ماده نباشد، دفتر ثبت مرکزی مکلف است، موضوع انحلال یا عدم فعالیت آنرا تصدیق نماید.
- (۳) تصدیق صادر شده دفتر ثبت مرکزی، مبنی بر موجودیت شرکت سهامی داخلی یا خارجی به حیث مدرك قطعی شناخته می شود.

فصل چهارم پرداخت فیس

جمع آوری فیس ماده شانزدهم :

- (۱) دفتر ثبت مرکزی مکلف است، فیس های ثبت مندرج این قانون را جمع آوری و به حساب واردات

خلورم فصل د فیس ورکړه

د فیس ټولول شپاړسمه ماده :

- (۱) د مرکزي ثبت دفتر مکلف دی، پدی قانون کې د ثبت درج شوی فیسونه راټول او د دولت د

وارداتو په حساب يې بانک ته تحويل کړی او له ورکړې څخه يې اړوندی مرجع ته ډاډ ورکړی.

د تصدیق د اعتبار نېټه اوولسمه ماده :

(۱) د مرکزي ثبت د دفتر لخوا صادر شوی تصدیق د هغه د صادرېدو له نېټې څخه نافذ دی ، خو دا چې د شرکت په اساسنامه کې بل ډول تصریح شوی وي .

(۲) نور سندونه له رسېدو او د مرکزي ثبت د دفتر په واسطه د هغو له ثبت سره سم نافذ گڼل کېږي ، خو دا چې پدې قانون کې بل ډول تصریح شوی وي .

(۳) هغه تصدیقونه چې د انفاذ د وروستۍ نېټې لرونکي وي، د هغو له صادرېدو وروسته نافذ گڼل کېږي .

(۴) هغه تصدیقونه چې د انفاذ وروستۍ نېټه پکې درج شوې وي، په هغه صورت کې چې لدغې نېټې د مخه د اساسنامې لاسلیک کوونکي د مرکزي ثبت دفتر ته د هغو د فسخ غوښتنلیک وړاندې او د مرکزي ثبت دفتر، د هغه په ثبتولو اقدام وکړی، تصدیقونه له

دولت تحويل بانک نموده و از پرداخت آن به مرجع مربوط اطمینان دهد.

تاریخ اعتبار تصدیق ماده هفدهم :

(۱) تصدیق صادر شده توسط دفتر ثبت مرکزی از تاریخ صدور آن نافذ می باشد ، مگر اینکه در اساسنامه شرکت طور دیگری تصریح شده باشد .

(۲) سائر اسناد به مجرد وصول و ثبت آن توسط دفتر ثبت مرکزی نافذ شمرده می شود ، مگر اینکه در این قانون طور دیگری تصریح شده باشد .

(۳) تصدیق هایی که دارای تاریخ انفاذ مؤخر باشد ، بعد از صدور آنها نافذ پنداشته می شود .

(۴) تصدیق هایی که تاریخ انفاذ مؤخر در آن درج شده باشد ، در صورتی که قبل از این تاریخ امضاء کنندگان اساسنامه به دفتر ثبت مرکزی درخواست فسخ آنها را ارائه و دفتر ثبت مرکزی به ثبت آن اقدام نماید ، تصادیق از اعتبار ساقط

اعتبارہ لوہږي .

می گردد .

پنځم فصل

د سهامی شرکت د جوړېدو ډول

د سهامی شرکت جوړېدل

اتلسمه ماده :

کورنی سهامی شرکت د قانوني معاملو د سرته رسولو لپاره د دی قانون او اړوندی اساسنامې د حکمونو مطابق جوړ او پانگه یې ټاکلې او په ونډو وېشل شوې وي او د هر شریک مسئولیت د هغه د ونډې په اندازه محدود وي.

د سهامی شرکت فعالیت

نولسمه ماده :

سهامی شرکت د حکمي شخصیت په توگه د غیر محدودی مودی لپاره فعالیت کوي ، د خپلواک شخصیت د ټولو هغو واکونو لرونکی دی چې د سوداگریزو معاملو او نورو چارو د سرته رسولو لپاره په قانوني توگه فعالیت کوي ، خو دا چې د شرکت په اساسنامه کې بل ډول تصریح شوی وي .

فصل پنجم

طرز ایجاد شرکت سهامی

ایجاد شرکت سهامی

ماده هجدهم :

شرکت سهامی داخلی جهت انجام معاملات قانونی مطابق احکام این قانون و اساسنامه مربوط ایجاد و سرمایه آن معین و منقسم به سهام بوده و مسئولیت هر شریک به اندازه سهم آن محدود می باشد .

فعالیت شرکت سهامی

ماده نهم :

شرکت سهامی به حیث شخصیت حکمی برای مدت غیر محدود فعالیت نموده ، دارای تمام صلاحیت های شخصیت مستقل می باشد که برای انجام معاملات تجارتی و سایر امور به شکل قانونی فعالیت می نماید ، مگر اینکه در اساسنامه شرکت طور دیگری تصریح شده باشد .

د سهامی شرکت غړیتوب

شلمه ماده :

هغه شخص کولی شي د سهامی شرکت اصلي غړیتوب ترلاسه کړي چې د شرکت اساسنامه یې لاسلیک او هغه یې د مرکزي ثبت په دفتر کې ثبت کړي وي .

د سهامی شرکت اساسنامه

یو ویشتمه ماده :

(۱) د سهامی شرکت اساسنامه د لاتدی موادو لرونکې ده :

۱- د سهامی شرکت عنوان .

۲- د شرکت د اصلي غړو او مدیره هیئت نوم او آدرس .

۳- په افغانستان کې د ثبت شوی دفتر آدرس او د هغه د مسئول استازي نوم .

۴- د هغو ونډو شمېر او ډولونه چې سهامی شرکت یې د صادرولو اجازه لري .

۵- د سهامی شرکت د دوام د مودی ذکرول (دغه موده غیر محدودده ده ، خو دا چې اساسنامې د هغه موده محدودده کړې وي) .

(۲) د دی مادی په (۱) فقره کې پر

عضویت شرکت سهامی

ماده بیستم :

شخصی می تواند عضویت اصلی شرکت سهامی را کسب نماید که اساسنامه شرکت را امضاء و آنرا به دفتر ثبت مرکزی به ثبت رسانیده باشد .

اساسنامه شرکت سهامی

ماده بیست و یکم:

(۱) اساسنامه شرکت سهامی حاوی مواد ذیل می باشد :

۱- عنوان شرکت سهامی .

۲- اسم و آدرس اعضای اصلی شرکت و هیئت مدیره .

۳- آدرس دفتر ثبت شده در افغانستان و اسم نماینده مسئول آن .

۴- تعداد و انواع سهامی که شرکت سهامی اجازه صدور آنرا دارد .

۵- ذکر مدت دوام شرکت سهامی (این مدت غیر محدود می باشد ، مگر اینکه اساسنامه مدت آنرا محدود ساخته باشد) .

(۲) علاوه بر مواد مندرج فقره (۱)

این ماده، ذکر موارد ذیل نیز در اساسنامه ضروری پنداشته می شود:

- ۱- احکام مبنی بر تعیین یا رد حق تقدم سهم داران برای کسب سهام صادر نشده.
- ۲- هدف ایجاد شرکت.
- ۳- ارزش اسمی سهام سرمایه.
- ۴- حدود مسئولیت اعضای هیئت مدیره.
- ۵- سائر احکام ضروری که مخالف احکام این قانون نباشد.

امضاء اساسنامه

ماده بیست و دوم:

- (۱) شرکت سهامی زمانی ایجاد می گردد که اساسنامه آن از طرف اعضای اصلی یا شخصی که طبق قرارداد به وی تفویض صلاحیت شده، امضا و در دفتر ثبت مرکزی ثبت گردیده باشد.
- (۲) تشکیل شرکت سهامی بشمول عنوان و آدرس ثبت شده آن طبق احکام قانون اعلان و نشر می گردد.

درج شوو موادو بر سپره د لاندی مواردو ذکرول هم په اساسنامه کې اړین گڼل کېږي:

- ۱- د نه صادر و شوو ونډو د ترلاسه کولو لپاره د ونډه والو د لومړیتوب د حق د ټاکلو یا رد په اړه حکمونه.
- ۲- د شرکت د جوړېدو موخه.
- ۳- د پانگې د ونډو اسمي ارزښت.
- ۴- د مدیره هیئت د غړو د مسئولیت حدود.
- ۵- نور هغه اړین حکمونه چې د دی قانون د حکمونو مخالف نه وي.

د اساسنامې لاسلیک

دوه ویشتمه ماده:

- (۱) سهامی شرکت هغه وخت جوړېږي چې اساسنامه یې د اصلي غړو یا هغه شخص لخوا چې د قرار داد مطابق واک ورته سپارل شوی، لاسلیک او د مرکزي ثبت په دفتر کې ثبت شوې وي.
- (۲) د سهامی شرکت تشکیلېدل د هغه د ثبت شوی عنوان او آدرس په شمول، د قانون د حکمونو مطابق اعلان او خپرېږي.

د شرکت له جوړېدو د مخه فعالیت درویشتمه ماده :

هغه اشخاص چې د شرکت له جوړېدو د مخه ځان د سهامی شرکت د وکیل یا استازي په توګه بنسټي او فعالیت کوي ، له هغو څخه د راپیدا شوو هر ډول ژمنو مسئول دی . هر ډول ژمنه ، پداسې حالت کې چې د معاملې لوری پوهېده چې سهامی شرکت د دی قانون تر حکمونو لاندې ندی جوړ شوی ، لدی امر څخه مستثني ده .

د مدیره هیئت فعالیت څلېریشتمه ماده :

(۱) مدیره هیئت د شرکت له جوړېدو وروسته په خپل فعالیت پیل کوي او خپلې غونډې د افغانستان په دننه یا بهر کې، د دی قانون د حکمونو مطابق دایرولای شي .

(۲) د شرکت اصلي غړي کولای شي، خپلې غونډې د قانون د حکمونو مطابق، د افغانستان په دننه یا بهر کې دایرې کړي .

(۳) د شرکت اصلي غړي کولای شي د حضورې غونډې له داېرېدو

فعالیت قبل از ایجاد شرکت ماده بیست و سوم :

اشخاصی که قبل از ایجاد شرکت خود را به حیث وکیل یا نماینده شرکت سهامی وانمود و فعالیت می نمایند ، مسئول هر نوع تعهدات ناشی از آن می باشند . هر نوع تعهد در حالتی که طرف معامله میدانست که شرکت سهامی تحت احکام این قانون تشکیل نگردیده است ، از این امر مستثنی است .

فعالیت هیئت مدیره ماده بیست و چهارم :

(۱) هیئت مدیره بعد از ایجاد شرکت به فعالیت خود آغاز نموده و جلسات خود را در داخل یا خارج افغانستان مطابق احکام این قانون دایر نموده می تواند .

(۲) اعضای اصلی شرکت می توانند جلسات خود را در داخل یا خارج افغانستان مطابق احکام این قانون دایر نمایند .

(۳) اعضای اصلی شرکت می توانند بدون تدویر جلسه

پرتہ، د دی قانون د حکمونو مطابق خپل تصمیمونه ونیسي، پدی شرط چې د اصلي غړو لیکلې موافقه او لاسلیک یې اخیستی وي.

حضورى تصامیم خود را مطابق احکام این قانون اتخاذ نمایند، مشروط براینکه موافقه کتبی و امضای اعضای اصلی را حاصل نموده باشند.

شپږم فصل کورني (داخلي) قواعد

فصل ششم قواعد داخلی

د کورنیو قواعدو وضع کېدل پنځه ویشتمه ماده:

د سهامی شرکت اصلي غړي یا مدیره هیئت کولای شي د اړوندی اساسنامې د حکمونو د لښه تطبیق په منظور، کورني قواعد وضع کړي، پدی شرط چې د اړوندی اساسنامې او د دی قانون له حکمونو سره متناقض نه وي.

وضع قواعد داخلی ماده بیست و پنجم:

اعضای اصلی یا هیئت مدیره شرکت سهامی می تواند به منظور تطبیق بهتر احکام اساسنامه مربوط قواعد داخلی را وضع نماید، مشروط براینکه متناقض با احکام اساسنامه مربوط و این قانون نباشد.

د شرکت عنوان

شپږ ویشتمه ماده:

سهامی شرکتونه کولی شي د (Corp) سهامی شرکت، (Inc) شرکت، (Co) کمپنی، (Ltd) لېمټد له کلیمو څخه یوه یا یې د انګلیسي معادل مخففونه په خپل عنوان کې غوره کړي.

عنوان شرکت

ماده بیست و ششم:

شرکت های سهامی می توانند یکی از کلمات شرکت سهامی (Corp)، شرکت (Inc)، کمپنی (Co)، لیمیتد (Ltd) و یا مخفف های انګلیسی معادل آن را در عنوان خود انتخاب نمایند.

د شرکت د عنوان نه غوره کول

اووه ویشتمه ماده :

شریکان نشي کولای لاندی عنوانونه د خپل شرکت لپاره غوره کړی :

۱- هغه عنوانونه چې د دی قانون د حکمونو مطابق، د سهامی شرکتونو لپاره منع شوی وي .

۲- هغه عنوانونه چې د مرکزي ثبت په دفتر کې د نورو سهامی شرکتونو لپاره غوره او ثبت شوی وي.

۳- د بهرنیو سهامی شرکتونو عنوانونه ، خو دا چې غوره شوی عنوان د بهرنیو سهامی شرکتونو له عنوانونو څخه تشخیص او تفکیک شي .

د سوداگریزو دفترونو لړل

اته ویشتمه ماده :

سهامی شرکت په افغانستان کې، د لاندی موادو په پام کې نیولو باندی مکلف دی :

۱- د هغه سوداگریز دفتر لړل چې د مرکزي ثبت په دفتر کې ثبت شوی وي .

۲- د ثبت شوی دفتر په ځای کې د

عدم انتخاب عنوان شرکت

ماده بیست و هفتم :

شرکاء نمی توانند عناوین ذیل را برای شرکت خود انتخاب نمایند :

۱- عناوینی که مطابق احکام قانون برای شرکت های سهامی ممنوع گردیده باشد .

۲- عناوینی که در دفتر ثبت مرکزی برای سائر شرکت های سهامی انتخاب و ثبت شده باشد .

۳- عناوین شرکت های سهامی خارجی ، مگر اینکه عنوان انتخاب شده از عناوین شرکت های خارجی تشخیص و تفکیک شده بتواند .

داشتن دفاتر تجاری

ماده بیست و هشتم :

شرکت سهامی در افغانستان مکلف به رعایت مواد ذیل می باشد :

۱- داشتن دفتر تجاری که در دفتر ثبت مرکزی ثبت گردیده باشد .

۲- داشتن نماینده مسئول شخص

حقیقی شخص یا سهامی شرکت د
مسئول استازی لرل .

د استازی مکلفیت

نهه ویستمه ماده :

(۱) د شرکت استازی مکلف دی ،
د پراوونو په تېرولو ، اعلان یا
هغې غوښتنې پورې اړوند
خدمتونه چې اجراء کېدل یې د
قانون د حکم پر بنسټ په سهامی
شرکت پورې مربوط وي ، له
سهامی شرکت څخه په استازیتوب
تر لاسه او هغه مالونه چې د مسئول
استازی له لارې سهامی شرکت ته
برابریږي ، د سهامی شرکت په
وړوستنې آدرس واستوي .

(۲) که چېرې شرکت د دعوي مورد
وگرځي او د هغه مسئول استازی
پیدا نشي ، مسئول شخص د
مرکزي ثبت د دفتر له لارې ، د ثبت
د کتاب له مخې تثبیت او لټول
کېږي .

حقیقی یا شرکت سهامی داخلي
در محل دفتر ثبت شده .

مکلفیت نماینده

ماده بیست و نهم :

(۱) نماینده شرکت مکلف است
خدمات مربوط به طی مراحل ،
اعلان یا تقاضایی را که به اساس
حکم قانون ، اجرای آن
به شرکت سهامی مربوط
باشد ، به نمایندگی از شرکت
سهامی دریافت و اموالیکه
از طریق نماینده مسئول به شرکت
سهامی فراهم می گردد ، به
آخرین آدرس شرکت سهامی
ارسال نماید .

(۲) هرگاه شرکت مورد دعوی
قرار گیرد و نماینده مسئول آن
دریافت شده نتواند ، شخص
مسئول از طریق دفتر ثبت مرکزی
برویت کتاب ثبت ، تثبیت و مورد
جستجو قرار می گیرد .

اووم فصل د ونډو صادرېدل

د عوض په بدل کې د ونډو صادرېدل

دیرشمه ماده :

سهامي شرکت کولای شي په خپلې پانگې پورې اړوندی ونډې ، د مدیره هیئت په اجازه، د هغه عوض په بدل کې چې شرکت ته مادی، غیر مادی شتمني یا گټه (نغدی پیسې ، د سرته رسېدلو خدمتونو ژمنه ، یا د راتلونکو خدمتونو قرار داد) پکې شامل وي، صادري کړی .

د ونډو په بدل کې د عوض ترلاسه کول

یو دیرشمه ماده:

که چېرې مدیره هیئت په ښه نیت تثبیت کړی هغه عوض چې د ونډو د صادرېدو په وړاندې ترلاسه شوی دی یا به ترلاسه شي، په کافي حد کې دی، پدی صورت کې د مدیره هیئت تصمیمونه تر هغو حدودو پورې چې ونډې په معتبر صورت سره او بشپړې

فصل هفتم صدور سهام

صدور سهام در بدل عوض

ماده سی ام:

شرکت سهامی می تواند سهام مربوط به سرمایه خود را به اجازه هیئت مدیره در بدل عوضی که شامل دارایی مادی، غیرمادی یا منفعت (پول نقد، تعهد خدمات انجام شده یا قرارداد خدمات مستقبل) به شرکت باشد، صادر نماید.

حصول عوض در بدل سهام

ماده سی و یکم :

هرگاه هیئت مدیره با حسن نیت تثبیت نماید عوضی که در مقابل صدور سهام حصول گردیده و یا حصول خواهد شد، به حد کافی می باشد، در این صورت تصمیم هیئت مدیره در مورد تکافوی عوض تا حدودی که سهام

ورکړل شوې وي، د عوض دېسني (کفايت) په هکله، پرېکنده (قاطع) او وروستني دی .
که چېرې سهامې شرکت، د ونډې پيسې ترلاسه کړي، پدې صورت کې صادري شوې ونډې د هغو په وړاندې بشپړې ورکړل شوې گڼل کېږي .

د ونډو وړاندې کېدل

دوه دیرشمه ماده :

د سهامې شرکت ونډه وال کولای شي، خپلې ونډې د هغو قواعدو له په پام کې نیولو سره چې د مرکزي ثبت د دفتر یا نورو واکمنو مراجعو لخوا ترتیبېږي، خلکو ته وړاندې او پلوري .

اتم فصل

مدیره هیئت

د شرکت مدیره هیئت

دري دیرشمه ماده :

(۱) د سهامې شرکت مدیره هیئت، د اساسنامې، کورنیو (داخلي) قواعدو او د ونډه والو تر منځ د موافقو مطابق، د سهامې شرکت د چارو د لارښوونې او تنظیم

بصورت معتبر صادر وکاملاً تأدیه شده باشد، قاطع و نهایی می باشد.

هرگاه شرکت سهامی، پول سهم را حصول نماید، در این صورت سهام صادرشده در مقابل آن کاملاً تأدیه شده، پنداشته می شود.

عرضه سهام

ماده سی و دوم :

سهمداران شرکت سهامی می توانند سهام خود را با نظرداشت قواعدی که ازطرف دفتر ثبت مرکزی یا سایر مراجع ذیصلاح ترتیب می گردد، به مردم عرضه و بفروش برسانند.

فصل هشتم

هیئت مدیره

هیئت مدیره شرکت

ماده سی و سوم :

(۱) هیئت مدیره شرکت سهامی مطابق اساسنامه، قواعد داخلی و توافقات میان سهامداران، مرجع با صلاحیت رهبری و تنظیم امور شرکت

واکمنه مرجع ده .

(۲) مدیره هیئت واک لری خو په اساسنامه کې د درج شوو محدودیتونو له په پام کې نیولو سره، هر ډول قانونی سندونه اجراء او له سهامی شرکت څخه استازیتوب وکړی .

د مدیره هیئت د غړو د غوره کېدو شرایط

خلور دیرشمه ماده :

(۱) هغه شخص د مدیره هیئت د غړي په توګه ټاکل کېدی شي چې د لاسدی شرطونو لرونکی وي:
۱- د اتلس کلنې سن بشپړول.
۲- د محکمې د حکم پر بنسټ له مدني حقوقو څخه نه محرومیت.
۳- نور هغه شرطونه چې په اساسنامه کې اټکل شوی وي .
(۲) مدیره هیئت له یوه یا زیاتو غړو څخه جوړ دی چې اقل او اکثر حد او نور اړوند شرطونه یې د شرکت په اساسنامه یا کورنیو قواعدو کې مشخصېږي .

د مدیره هیئت د غړو ټاکل

پنځه دیرشمه ماده :

(۱) د مدیره هیئت غړي ، د سهامی شرکت د اساسنامې

سهامی می باشد .

(۲) هیئت مدیره صلاحیت دارد تا با نظر داشت محدودیت های مندرج اساسنامه، هر نوع اسناد قانونی را اجرا و از شرکت سهامی نمایندگی نماید .

شرایط انتخاب عضو هیئت مدیره

ماده سی و چهارم :

(۱) شخصی به صفت عضو هیئت مدیره تعیین شده می تواند که واجد شرایط ذیل باشد:
۱- اكمال سن هجده سالگی .
۲- عدم محرومیت از حقوق مدنی به اساس حکم محکمه.
۳- سایر شرایطی که در اساسنامه پیش بینی گردیده باشد .
(۲) هیئت مدیره متشکل از يك عضو یا بیش از آن می باشد که حد اقل و اکثر آن و سایر شرایط مربوط در اساسنامه یا قواعد داخلی شرکت مشخص می گردد .

تعیین اعضای هیئت مدیره

ماده سی و پنجم :

(۱) اعضای هیئت مدیره مطابق اساسنامه شرکت سهامی در

مطابق، په هره کلنۍ غونډه کې د ونډه والو لخوا ټاکل کېږي.

(۲) د سهامی شرکت ونډه وال یا مدیره هیئت کولای شي، د اساسنامې یا کورنیو قواعدو د حکمونو مطابق، د مدیره هیئت غړي وټاکي او بدل یې کړي.

د مدیره هیئت د تصدی دوره

شپږ دیرشمه ماده :

(۱) د سهای شرکت د لومړني مدیره هیئت (مؤسسینو) د تصدی دوره، د ونډوالو په لومړۍ غونډه کې چې پکې د مدیره هیئت غړي غوره کېږي، پای ته رسیږي.

(۲) د مدیره هیئت د غړو د تصدی دوره، د ونډه والو لخوا ټاکل کېږي او له دریو کلونو زیاتېدی نشي.

(۳) د مدیره هیئت غړي چې په تشه کرسی غوره کېږي، د دمخني غړي د تصدی د پاتې دورې لپاره دنده سرته رسوي.

(۴) د مدیره هیئت د غړو د شمېر د زیاتېدو په صورت کې، نوی غړي غوره او د مدیره هیئت د غړو تر وروستیو ټاکنو پورې دندی ته دوام ورکوي.

هرجلسه سالانه از طرف سهامداران تعیین می گردند.

(۲) سهامداران یا هیئت مدیره شرکت سهامی می توانند، طبق احکام اساسنامه یا قواعد داخلی، اعضای هیئت مدیره را تعیین و تغییر دهند.

دوره تصدی هیئت مدیره

ماده سی و ششم :

(۱) دوره تصدی اولین هیئت مدیره شرکت سهامی (مؤسسین) در اولین جلسه سهامداران که در آن اعضای هیئت مدیره انتخاب می گردند، انقضاء می یابد.

(۲) دوره تصدی اعضای هیئت مدیره از طرف سهامداران تعیین می گردد و بیشتر از سه سال بوده نمی تواند.

(۳) عضو هیئت مدیره که در کرسی خالی انتخاب می گردد، برای دوره تصدی باقیمانده عضو قبلی ایفای وظیفه می نماید.

(۴) در صورت افزایش تعداد اعضاء هیئت مدیره، عضو جدید انتخاب و الی انتخابات بعدی اعضای هیئت مدیره به وظیفه ادامه می دهد.

(۵) د مدیره هیئت غړې د تصدی له پایته رسېدو وروسته کولای شي تر هغه وخته دندی ته دوام ورکړي چې په عوض یې بل شخص وټاکل شي یا دا چې د مدیره هیئت د غړو په شمېر کې کموالی راشي .

د مدیره هیئت د غړي استعفي اووه دیرشمه ماده:

د مدیره هیئت غړې کولای شي د استعفي په اړه خپل لیکلی یادښت د مدیره هیئت رئیس ، مدیره هیئت یا سهامی شرکت ته وړاندې کړي . د مدیره هیئت د غړي استعفي ، دیادښت له نېټې څخه د اعتبار وړ ده .

د مدیره هیئت د غړي لرې کېدل اته دیرشمه ماده :

(۱) ونډه وال کولای شي د رایو په اکثریت سره ، د مدیره هیئت یو یا له یوه څخه زیات غړي د دلیلونو په ذکرولو یا پرته له هغو لرې کړي ، خو دا چې د شرکت په اساسنامه یا داخلي قواعدو کې بل ډول تصریح شوی وي .

(۲) د مدیره هیئت د یوه یا له یوه څخه د زیاتو غړو لرې کول ، په هغه خاصه غونډه کې چې پدې

(۵) عضو هیئت مدیره ، بعد از ختم تصدی می تواند تازمانی به وظیفه ادامه دهد که عوض وی شخص دیگری تعیین و یا اینکه در تعداد اعضای هیئت مدیره کاهش بعمل آید .

استعفاء عضو هیئت مدیره ماده سی و هفتم :

عضو هیئت مدیره می تواند یادداشت کتبی خویش را مبنی بر استعفا به رئیس هیئت مدیره ، هیئت مدیره یا شرکت سهامی ارائه نماید . استعفا ی عضو هیئت مدیره از تاریخ یادداشت قابل اعتبار می باشد .

برکناری عضو هیئت مدیره ماده سی و هشتم :

(۱) سهامداران می توانند به اکثریت آراء يك يا بیش از يك عضو هیئت مدیره را با ذکر دلیل یا بدون آن برکنار نمایند ، مگر اینکه در اساسنامه یا قواعد داخلی شرکت طور دیگری تصریح شده باشد .

(۲) برکناری يك يا بیش از يك عضو هیئت مدیره در جلسه خاصی که بدین منظور دایر و در

منظور جوړه او په اجندا کې یې درج شوی وي ، د شرکت د ونډه والو لخوا صورت مومي .

د مدیره هیئت د رئیس ټاکل نهه دیرشمه ماده :

د مدیره هیئت رئیس د مدیره هیئت له منځه او پخپله د هغوی په واسطه د یوه کال مودی لپاره غوره کېږي، خو دا چې په اساسنامه یا داخلي قواعدو کې بل ډول تصریح شوی وي .

د مدیره هیئت تشه کرسی څلوېښتمه ماده :

(۱) که چېرې د مدیره هیئت د غړي کرسی تشه شي یا نوې کرسی جوړه شي ، مدیره هیئت کولای شي په تشه کرسی نوې غړی وټاکي ، پدې صورت کې د مدیره هیئت د نوې غړي د تصدی موده د پاتې وخت تر پایته رسېدو پورې دوام مومي. خو دا چې د شرکت په اساسنامه یا کورنیو قواعدو کې بل ډول تصریح شوی وي .

(۲) په راتلونکې کې د تشې کرسی د موجودیت په صورت کې د غړي د استعفي په دلیل چې د

اجندای آن درج گردیده باشد ، ازطرف سهامداران شرکت صورت می گیرد.

انتخاب رئیس هیئت مدیره ماده سی و نهم :

رئیس هیئت مدیره از میان اعضای هیئت مدیره و توسط خود آنها برای مدت يك سال انتخاب میگردد، مگر اینکه در اساسنامه یا قواعد داخلی طور دیگری تصریح شده باشد.

کرسی خالی هیئت مدیره ماده چهلم :

(۱) هرگاه کرسی عضو هیئت مدیره خالی گردد یا کرسی جدید ایجاد شود ، هیئت مدیره می تواند در کرسی خالی عضو جدید را تعیین نماید ، دراین صورت مدت تصدی عضو جدید هیئت مدیره الی ختم مدت باقیمانده ادامه می یابد ، مگر اینکه در اساسنامه یا قواعد داخلی شرکت طور دیگری تصریح شده باشد.

(۲) در صورت موجودیت کرسی خالی در آینده (به دلیل استعفا عضو که تاریخ

انفاذ نېټه يې راتلونکې ته اړونده شوې وي) مدیره هیئت کولای شي، داستعفي د ټاکلې مودی له تېرېدو دمخه، نوی غړی د هغه په عوض وټاکي، نوی غړی نشي کولای د دمخني غړي د استعفي د مودی تر تېرېدو پورې، کار پیل کړی.

د مدیره هیئت واک

یو څلورېنځمه ماده :

مدیره هیئت کولای شي د اساسنامې د حکمونو له په پام کې نیولو سره هر ډول قانوني سندونه اجراء او لاسلیک کړی او په قانوني معاملو کې له سهامی شرکت څخه استازیتوب وکړی.

د غونډو دایرېدل

دوه څلورېنځمه ماده :

(۱) مدیره هیئت کولای شي عادی (کلنۍ) یا فوق العاده غونډې په هر ځای کې داپرې کړی.

(۲) مدیره هیئت کولای شي د شرکت د مدیره هیئت یو یا ټول غړي په عادی یا فوق العاده غونډو کې د هر ډول ارتباطي وسیلې (تېلفون یا ویدیو کنفرانس) په واسطه چې ټول گډون کوونکي په یوه وخت یو بل واورېدلی یا

انفاذ آن به آینده منوط شده باشد) هیئت مدیره می تواند قبل از انقضای مدت معینه استعفا، عضو جدید را به عوض وی تعیین نماید. عضو جدید نمی تواند الی انقضای مدت استعفاى عضو قبلی به کار آغاز نماید.

صلاحیت هیئت مدیره

ماده چهل و یکم :

هیئت مدیره می تواند با رعایت احکام اساسنامه هرنوع اسناد قانونی را اجرا و امضا نموده و در معاملات قانونی از شرکت سهامی نمایندگی نماید.

تدویر جلسات

ماده چهل و دوم :

(۱) هیئت مدیره می تواند جلسات عادی (سالانه) و یا فوق العاده را در هر محل تدویر نماید.

(۲) هیئت مدیره می تواند يك یا تمام اعضاء هیئت مدیره شرکت را در جلسات عادی یا فوق العاده که توسط هرنوع وسیله ارتباطی (تېلفون یا ویدیو کنفرانس) که تمام اشتراك کنندگان همزمان یکدیگر را استماع یا مشاهده

ولیدلی شی، را وبولی، پدی صورت کی د مدیره هیئت د غرو گپون حضوری گنل کپری، خودا چپی د شرکت په اساسنامه یا کورنیو قواعدو کی بل ډول تصریح شوی وي.

د غونډې له دایرېدو پرته د تصمیم نیول

دري څلوېښتمه ماده :

(۱) هغه موضوعګانې چې د مدیره هیئت د تصمیم نیول ايجابوي، په هغه صورت کې د غونډې له دایرېدو پرته د اعتبار وړ گنل کېږي چې د مدیره هیئت د غرو لیکلې موافقه پکې اخستل شوې وي، خودا چپی د شرکت په اساسنامه یا داخلي قواعدو کې بل ډول تصریح شوی وي.

(۲) د دی مادی په (۱) فقره کې د مدیره هیئت درج شوی تصمیم او د غونډې پېښې د شرکت په سندونو کې ثبتېږي. دغه تصمیم د مدیره هیئت په غونډو کې درأیې اخستنې د حیثیت او اعتبار لرونکی دی.

د غونډو د دایرېدو خبرتیا

څلور څلوېښتمه ماده :

(۱) د مدیره هیئت د عادی یا

بتوانند، دعوت نمایند، دراین صورت اشتراك اعضای هیئت مدیره حضوری پنداشته می شود، مگر این که در اساسنامه یا قواعد داخلی شرکت طور دیگری تصریح شده باشد.

اتخاذ تصمیم بدون تدویر جلسه

ماده چهل و سوم :

(۱) موضوعاتی که ايجاب اتخاذ تصمیم هیئت مدیره را می نماید، در صورتی بدون تدویر جلسه مدار اعتبار پنداشته می شود که موافقه اعضای هیئت مدیره در آن کتباً اخذ شده باشد، مگر اینکه در اساسنامه یا قواعد داخلی شرکت طور دیگری تصریح گردیده باشد.

(۲) تصمیم هیئت مدیره مندرج فقره (۱) این ماده و رویداد جلسه در اسناد شرکت ثبت می گردد. این تصمیم حیثیت و اعتبار رای گیری در جلسات هیئت مدیره را دارا می باشد.

اطلاع تدویر جلسات

ماده چهل و چهارم :

(۱) تاریخ، ساعت و محل تدویر

فوق العاده غونډو د داېرېدو نېټه، ساعت او ځای دهغو له جوړېدو لږ تر لږه دوه ورځې د مخه د غړو خبرتیا ته رسول کېږي، خو دا چې د شرکت په اساسنامه یا کورنیو قواعدو کې بل ډول تصریح شوی وي .

(۲) د مدیره هیئت غړی کولای شي د شرکت د اساسنامې یا کورنیو قواعدو له په پام کې نیولو سره ، د دی مادی په (۱) فقره کې له درج شوې خبرتیا څخه ، په خبرتیا کې له درج شوې نېټې د مخه یا له هغې وروسته په لیکلې توګه انصراف وکړي. د انصراف په اړه سند ، د مدیره هیئت د غړي په واسطه له لاسلیک وروسته ، د شرکت په سندونو کې ثبتېږي .

(۳) که چېرې د مدیره هیئت غړی په غونډه کې ګډون وکړي، دغه امر د خبرتیا له استولو څخه د هغه د انصراف ښکارندوی دی، خو دا چې غړی د غونډې په پیل کې هغې ته له رسېدو سره سم پر هغې باندې اعتراض وکړي او پر موجب یې هر وړاندیز ته چې په غونډه کې صورت مومي، له رایې ورکولو

جلسات عادی یا فوق العاده هیئت مدیره حد اقل در خلال دو روز قبل از انعقاد آن به اطلاع اعضا رسانیده می شود، مگر اینکه در اساسنامه یا قواعد داخلی طور دیگری تصریح شده باشد .

(۲) عضو هیئت مدیره می تواند با رعایت اساسنامه یا قواعد داخلی شرکت از اطلاعیه مندرج فقره (۱) این ماده قبل از تاریخ مندرج در اطلاعیه یا بعد از آن کتباً انصراف نماید . سند مبنی بر انصراف بعد از امضاء توسط عضو هیئت مدیره در اسناد شرکت ثبت میگردد .

(۳) هرگاه عضو هیئت مدیره در جلسه اشتراک نماید، این امر مبین انصراف وی از ارسال اطلاعیه می باشد، مگر اینکه عضو در آغاز جلسه به مجرد رسیدن به آن اعتراض نموده و به موجب آن از رای دهی به هر پیشنهادی که در جلسه صورت می گیرد، خود داری

څخه ډډه وکړي .

نماید .

د غونډو نصاب او تصمیم پنځه څلورېنیمه ماده :

د مدیره هیئت د غونډو نصاب، د مدیره هیئت د غړو د اکثریت حضور دی. د مدیره هیئت په غونډو کې تصمیمونه، په غونډه کې د حاضر و غړو د رایو په اکثریت نیول کېږي، خو دا چې د شرکت په اساسنامه یا داخلي قواعدو کې بل ډول تصریح شوی وي .

نصاب و تصمیم جلسات ماده چهل و پنجم :

نصاب جلسات هیئت مدیره حضور اکثریت اعضای هیئت مدیره می باشد. تصمیم در جلسات هیئت مدیره به اکثریت آرای اعضای حاضر جلسه اتخاذ می گردد، مگر اینکه در اساسنامه یا قواعد داخلی شرکت، طور دیگری تصریح شده باشد.

کمیته

شپږ څلورېنیمه ماده :

(۱) مدیره هیئت کولای شي د اړوندو چارو د پر مخبښلو په منظور د خپلو غړو له منځ څخه کمیته جوړې او د سپارل شوی واک پر بنسټ، له مدیره هیئت څخه استازیتوب وکړي، خو دا چې د شرکت په اساسنامه یا داخلي قواعدو کې اټکل شوی نه وي. هره کمیته د یوه یا له هغه څخه د زیاتو غړو لرونکې ده چې د هغو د کار موده د مدیره هیئت لخوا ټاکل کېږي.

کمیته ها

ماده چهل و ششم :

(۱) هیئت مدیره می تواند بمنظور پیشبرد امور مربوط از میان اعضای خویش کمیته ها را ایجاد و به اساس صلاحیت تفویض شده، از هیئت مدیره نمایندگی نماید، مگر اینکه در اساسنامه یا قواعد داخلی شرکت پیش بینی نشده باشد. هر کمیته دارای يك عضو یا بیش از آن بوده که مدت کار آنها توسط هیئت مدیره تعیین می گردد.

(۲) د دی قانون حکمونه، هغه شان چې پر مدیره هیئت باندی

(۲) احکام این قانون طوریکه بالای هیئت مدیره تطبیق می گردد

- تطبیق‌پری پر کمیته هم د تطبیق و د دی .
- (۳) کمیته‌ی نشی کولای لاندی چارې سرته ورسوي:
- ۱- په ونډه والو پورې اړوندی دندی او واکونه .
- ۲- د مدیره هیئت یا کمیته په تشه کرسی کې د شخص ټاکل .
- ۳- په اساسنامه یا داخلي قواعدو کې د تعدیل وړاندیز .
- ۴- د شرکت د ادغام یا انحلال تصویب.
- بالای کمیته ها نیز قابل تطبیق می‌باشد.
- (۳) کمیته ها نمی توانند امور ذیل را انجام دهند:
- ۱- وظایف و صلاحیت های مربوط به سهامداران .
- ۲- تعیین شخص در کرسی خالی هیئت مدیره یا کمیته ها .
- ۳- پیشنهاد تعدیل در اساسنامه یا قواعد داخلی.
- ۴- تصویب ادغام یا انحلال شرکت.

د مدیره هیئت مسئولیت

اووه څلورېنښتمه ماده :

- (۱) مدیره هیئت د لاندی مسئولیتو لرونکی دی :
- ۱- په بنه توګه د شرکت د ونډه والو د ګټو تأمینول .
- ۲- په ځیر(دقت) او احتیاط سره د سپارل شوې دندی اجراء .
- (۲) د دی مادی په (۱) فقره کې د درج شوو مسئولیتونو د پلي کولو په منظور، د مدیره هیئت غړی په هغه صورت کې کولای شي له معلوماتو، نظریاتو، رپوټونو، مالي صورت حساب او نورو معلوماتو څخه ګټه واخلي چې
- (۱) هیئت مدیره دارای مسئولیت های ذیل می‌باشد:
- ۱- تأمین منافع سهامداران شرکت سهامی به وجه احسن .
- ۲- اجرای وظیفه محوله با کمال دقت و احتیاط .
- (۲) به منظور تحقق مسئولیت های مندرج فقره (۱) این ماده عضو هیئت مدیره در صورتی می‌تواند از معلومات، نظریات، راپورها، صورت حساب مالی و سایر معلومات استفاده نماید تا متیقن گردد که

باوري شي چې لاندی اشخاصو هغه ترتیب او وړاندی کړیدی :

۱- د شرکت د یوه یا له یوه څخه د زیات باوري کارکوونکو لخوا .
۲- د حقوقي سلاکار، محاسبینو، بانکدارانو یا د نورو مسلکي او د تخصص د وړتیا لرونکو افرادو لخوا.

۳- د یوې باوري کمیټې لخوا که څه هم چې د مدیره هیئت غړې نه وي .

(۳) د مدیره هیئت غړی نشي کولای په داسې اشخاصو یا د دی مادی په (۲) فقره کې پر درج شوو معلوماتو باندی ډډه ولگوي چې معلومات یې د حقیقت پر خلاف وي یا هغه شخص چې معلومات یې وړاندی کړیدی، د باور وړ نه وي.

(۴) که چېرې د مدیره هیئت غړی سپارل شوې دندی په ښه نیت او د دی مادی په (۱ او ۲) فقره کې د درج شوو شرطونو مطابق سرته و نه رسوي ، د سهامی شرکت او ونډه والو په وړاندی مسئول دی.

استثنایي ادعا

اته څلورېنښتمه ماده:

(۱) د شرکت په گټه د یوه ونډه

اشخاص ذیل آنرا ترتیب و ارائه نموده است:

۱- ازطرف يك يا بیش از يك کارکن با اعتماد شرکت .
۲- از طرف مشا و ر حقوقی، محاسبین، بانکداران یا سایر افراد دارای شایستگی مسلکی و تخصص.

۲- ازطرف يك کمیته با اعتماد گرچه عضو هیئت مدیره نباشد .

(۳) عضو هیئت مدیره نمی تواند بالای چنان اشخاص و یا معلومات مندرج فقره (۲) این ماده اتکا نماید که معلومات آنها خلاف حقیقت بوده یا شخصی که معلومات را ارائه نموده ، مورد اعتماد نباشد .

(۴) هرگاه عضو هیئت مدیره وظایف محوله را با حسن نیت و مطابق شرایط مندرج فقره های (۱ و ۲) این ماده انجام ندهد ، در برابر شرکت سهامی و سهامداران مسئول می باشد .

ادعای استثنایی

ماده چهل و هشتم:

(۱) ادعای استثنایی توسط يك

وال لخوا د مدیره هیئت د یوه یا له یوه څخه د زیاتو غړو یا مامورینو په وړاندې د کار په سر ته رسولو کې د نه دقت یا د سهامی شرکت د ادارې په چارو کې له دندو څخه د هغوی د نورو سرغړونو په دلیل استثنایي ادعا مطرح کېدی شي .

(۲) ونډه وال هغه وخت کولای شي استثنایي ادعا مطرح کړي چې هغه د شکایت وړ تصمیم یا نه تصمیم په وخت کې د شرکت ونډه وال وي او هم د شرکت گټې په منصفانه توګه تمثیل کړي .

استثنایي ادعا د دعوي د علت د واقع کېدو له وخته د څلورو کلونو له تېرېدو وروسته مطرح کېدی نشي .

(۳) ونډه وال د استثنایي ادعا له پیل د مخه لیکلې غوښتنلیک سهامی شرکت ته وړاندې او په هغه کې د لږمې خپرنې غوښتنه کوي .

پدې صورت کې ، سهامی شرکت د غوښتنلیک له ترلاسه کولو وروسته د (۹۰) ورځو په ترڅ کې ، د خپرنې د پیلولو حکم صادر یا هغه ردوي ، پدې شرط چې خپرنه له هغې نېټې د مخه پیل شي چې

سهمدار به نفع شرکت در مقابل يك يا بیش از يك عضو هیئت مدیره یا مامورین به دلیل عدم دقت در انجام کار یا سایر تخطی ها از وظایف شان در امور اداره شرکت سهامی، مطرح گردیده می تواند .

(۲) سهامدار زمانی می تواند ادعای استثنایی را مطرح نماید که وی در زمان تصمیم و یا عدم تصمیم مورد شکایت سهامدار شرکت بوده و نیز منافع شرکت سهامی را بطور منصفانه تمثیل کند . ادعای استثنایی بعد از گذشت چهار سال از زمان وقوع علت دعوی، مطرح شده نمی تواند .

(۳) سهامدار قبل از آغاز ادعای استثنایی درخواست کتبی را به شرکت سهامی ارائه و در آن تقاضای رسیدگی لارم را می نماید . درینصورت شرکت سهامی در خلال (۹۰) روز بعد از حصول درخواست، حکم آغاز رسیدگی را صادر و یا آنرا رد می کند، مشروط براینکه رسیدگی قبل از تاریخی آغاز گردیده بتواند که

سہامی شرکت ته پدی دوره کې د کتنې وړ ضرر محتمل وي .
(۴) د دی مادی حکمونه هغه مسئولیت چې د قانون پر بنسټ د مدیره هیئت غړي، مامور یا ثالث شخص ته متوجه دی، نه رفع کوي.

د شرکت د شتمنی غیر قانوني وېش نهه څلویښتمه ماده :

(۱) که چېرې د سہامی شرکت د مدیره هیئت غړي، د دی قانون د سلمې مادی او اساسنامې د حکم له په پام کې نیولو پرته، د سہامی شرکت د شتمنی په غیر قانوني وېشلو لاس پورې کړی، مسئول گڼل کېږي. د مدیره هیئت غړي مکلف دی له هر ونډه وال څخه وغواړي چې غیر قانوني ترلاسه شوی مبلغ مسترد کړي، پدی شرط چې ونډه وال د مخه د هغه له غیر قانونیتوب څخه خبرتیا ولري.

(۲) هغه ونډه وال چې د دی مادی په (۱) فقره کې د درج شوی غیر قانوني وېش له امله زیانمن شوی دی، کولای شي خپله دعوي تر دوو

ضرر قابل ملاحظه برای شرکت سہامی درین دوره محتمل باشد .
(۴) احکام این ماده مسئولیتی را که به اساس قانون متوجه عضو هیئت مدیره، مامور یا شخص ثالث است، مرفوع نمی سازد.

توزیع غیر قانونی دارایی شرکت ماده چهل و نهم:

(۱) هرگاه اعضای هیئت مدیره شرکت سہامی بدون نظر داشت حکم ماده صدم این قانون و اساسنامه به توزیع غیر قانونی دارایی شرکت سہامی بپردازد، مسئول شمرده میشود. در این صورت اعضای هیئت مدیره مکلف اند از هر سهامدار تقاضا نمایند که مبلغ حصول شدہ غیر قانونی را مسترد نماید، مشروط براینکه سهامدار قبلاً از غیر قانونی بودن آن آگاهی داشته باشد.

(۲) سهامداریکه بنا بر توزیع غیر قانونی مندرج فقره (۱) این ماده متضرر گردیده، می تواند دعوی خود را الی مدت دو سال

کلونو مودی پورې اقامه کړی .

په معاملو کې د گټو ټکر

پنځوسمه ماده :

که چېرې د مدیره هیئت غړی د یوې معاملې په اجراء کې د گټو ټکر (برخورد) ولري ، مکلف دی ، موضوع د سهامی شرکت مدیره هیئت ته افشاء کړی ، پرته لدی مسئول گڼل کېږي .

(۲) د گټو ټکر د دی مادی د (۱) فقرې په مفهوم په یوه معامله کې د سهامی شرکت د مدیره هیئت د غړي له گټو څخه عبارت دی چې د شرکت یا یې د فرعي شرکت په واسطه اجراء یا وړاندیز شوی، د مدیره هیئت غړی د خپلې ژمنې په وخت کې پخپله یا په هغه پورې تړلی د معاملې یو اړخ وي یا په معامله کې مالي گټې ولري، د مدیره هیئت پر غړي یا یې پر تړلي شخص مالي اغېزې واردې کړی .

(۳) د سهامی شرکت په اړه د مدیره هیئت د غړي د گټو د ټکر معامله د دی مادی د (۱) فقرې په مفهوم هغه معامله ده چې د سهامی شرکت یا یوه فرعي شرکت یا د سهامی شرکت تر کنترول

اقامه نماید .

برخورد منافع در معاملات

ماده پنجاهم :

(۱) هرگاه عضو هیئت مدیره در اجرای معامله ، برخورد منافع داشته باشد ، مکلف است موضوع را به هیئت مدیره شرکت سهامی افشا نماید ، در غیر آن مسئول شناخته می شود .

(۲) برخورد منافع به مفهوم فقره (۱) این ماده عبارت از منافع عضو هیئت مدیره شرکت سهامی در يك معامله است که توسط شرکت یا شرکت فرعی آن اجرا یا پیشنهاد شده ، عضو هیئت مدیره در زمان تعهدش شخصاً یا وابسته وی يك طرف معامله بوده یا منافع مالی در معامله داشته باشد بر عضو هیئت مدیره یا شخص وابسته وی اثرات مالی وارد نماید .

(۳) معامله برخورد منافع عضو هیئت مدیره در رابطه به شرکت سهامی به مفهوم فقره (۱) این ماده معامله ایست که توسط شرکت سهامی یا يك شرکت فرعی یا شرکت تحت کنترول

لاندی شرکت په واسطه اجراء یا وړاندیز شوې او د سهامی شرکت د مدیره هیئت یو غړی په هغې کې د گټو ټکر ولري.

(۴) د دی مادی په (۲) فقره کې د درج شوی ترلي شخص په جمله کې د مدیره هیئت د غړي همسر(مېړه یا ماندینه)، والدین، اولاد، خور، ورور، لمسی، یا د هغوی همسران یا هغه شخص چې د مدیره هیئت له غړي سره شریک کور ولري او په اتحادیه یا مالکیت کې ذینفع وي، یا دا چې د عديم الاهلیت اشخاصو قایم مقام وي.

(۵) افشاء د دی مادی د (۱) فقرې په مفهوم د مدیره هیئت د غړي په واسطه د گټو د ټکر له بشپړ بنکاره کولو څخه عبارت ده چې د گټو د ټکر موجودیت او ماهیت په هغه پورې اړه لري او هغه حقایق چې د اصلي موضوع په اړه خبرتیا لري، بیان کړی.

قضایي خبرنه

یو پنځوسمه ماده :

(۱) معامله په هغه صورت کې د سهامی شرکت، فرعي شرکتونو یا د سهامی شرکت تر کنترول لاندی

شرکت سهامی اجرا یا پیشنهاد شده و يك عضو هیئت مدیره شرکت سهامی در آن برخورد منافع داشته باشد.

(۴) شخص وابسته مندرج فقره (۲) این ماده شامل همسر، والدین، فرزندان، خواهر، برادر، نواسه عضو هیئت مدیره یا همسران آنها یا شخصی که با عضو هیئت مدیره خانه مشترک داشته باشد و در اتحادیه یا مالکیت ذینفع باشد، یا اینکه قایم مقام اشخاص عديم الاهلیت باشد.

(۵) افشاء به مفهوم فقره (۱) این ماده عبارت از برملا ساختن کامل برخورد منافع توسط عضو هیئت مدیره است که موجودیت و ماهیت برخورد منافع به وی تعلق داشته و حقایق را که در رابطه به موضوع اصلی معامله آگاهی دارد، بیان نماید.

رسیدگی قضایی

ماده پنجاه و یکم :

(۱) معامله در صورتی توسط شرکت سهامی، شرکتهای فرعی یا شرکت های تحت کنترول

شرکتونو په واسطه اجراء يا يې د اجراء وړاندیز ورکول کېږي چې د دی قانون د پنځوسمې مادې د حکم له په پام کې نیولو سره د مدیره هیئت د غړي د گټو ټکر جوړ نکړي یا د ونډه وال د ادعا په اثر یا پدې اړه استثنایي ادعا چې د مدیره هیئت غړی یا په هغه پورې تړلی شخص په معامله کې گټه لري د محکمې لخوا منع یا تعلیق شوی نه وي یا په زیان او نورو محدودیتونو محکوم شوی نه وي .

(۲) محکمه نشي کولای د مدیره هیئت د غړي د گټو د ټکر معامله د ونډه وال د دعوي یا د ثانوي څېړنې په موجب منع ، تعلیق او د زیانونو او نورو محدودیتونو په قرار موکوله کړی، خو په لاندې حالاتو کې :

۱- د بحث وړ معاملې په اړه د ونډه والو تصویب، د دی قانون د دري پنځوسمې مادې له حکم سره په مطابقت کې صورت موندلی وي.

۲- تثبیت شي چې معاملې د سهامی شرکت په وړاندې د ژمنې په وخت کې د موجودی اوضاع او

شرکت سهامی اجرا یا پیشنهاد اجرای آن داده می شود که با نظر داشت احکام ماده پنجاهم این قانون برخورد منافع عضو هیئت مدیره را تشکیل ندهد و به اثر ادعای سهامدار یا ادعای استثنایی مبنی بر اینکه عضو هیئت مدیره یا شخص وابسته وی منفعت در معامله دارد از طرف محکمه ممنوع یا تعلیق نگردیده و یا به خساره و سایر محدودیت ها محکوم نشده باشد .

(۲) محکمه نمی تواند معامله برخورد منافع عضو هیئت مدیره را به موجب دعوی سهامدار یا رسیدگی ثانوی ممنوع ، تعلیق و به قرار خسارات و سایر محدودیت ها موکول نماید ، مگر در حالات ذیل:

۱- تصویب سهامداران در رابطه به معامله مورد بحث در مطابقت با حکم ماده پنجاه و سوم این قانون صورت گرفته باشد .

۲- تثبیت گردد که معامله با نظر داشت اوضاع و احوال موجود در زمان تعهد در مقابل شرکت

احوالو له په پام کې نیولو سره
منصفانه صورت موندلی دی.

**د مدیره هیئت د غړو په واسطه
تصویب
دوه پنځوسمه ماده :**

(۱) د مدیره هیئت د غړو لخوا د
معاملې تصویب په هغه صورت
کې د اعتبار وړ ګڼل کېږي چې د
دی قانون په یو او یا یوه ماده کې د
درج شوی حکم، د شرایطو لرونکو
ونډه والو د اکثریت توافق مطابق،
یا د دی مادې د حکم مطابق له
افشاء وروسته یې صورت موندلی
وي.

(۲) که چېرې د مدیره هیئت غړی
په معامله کې د ګټو ټکر ولري ،
پدې شرط چې د مدیره هیئت غړی
یا په هغه پورې تړلی شخص د
بحث وړ معاملې اړخ نه وي ، پدې
صورت کې د مدیره هیئت غړی د
قانوني مکلفیتونو پر بنسټ یا د
معاملې د محرمیت د ساتنې د
مکلفیت پر بنسټ چې د بل
شخص په وړاندې یې لري ، افشاء
ونکې شي. لاندې حالات د مدیره
هیئت د غړي افشاګري ګڼل
کېږي:

سهامی منصفانه صورت گرفته
است.

**تصویب توسط اعضای هیئت
مدیره
ماده پنجاه و دوم :**

(۱) تصویب معامله از طرف
اعضای هیئت مدیره در صورتی
قابل اعتبار دانسته می شود
که طبق حکم مندرج ماده
هفتاد و یکم این قانون،
توافق اکثریت سهامداران واجد
شرایط یا بعد از افشاء مطابق
حکم این ماده صورت گرفته
باشد.

(۲) هرگاه عضو هیئت مدیره در
معامله برخورد منافع داشته
باشد، مشروط بر اینکه عضو
هیئت مدیره یا شخص وابسته به
وی طرف معامله مورد بحث
نباشد، در این صورت عضو هیئت
مدیره به اساس مکلفیت های
قانونی و یا به اساس مکلفیت
حفظ محرمیت معامله که در
مقابل شخص دیگر دارد، افشاء
نموده نتواند. حالات ذیل افشا
گری عضو هیئت مدیره پنداشته
می شود:

۱- د خپلو گټو د ټکر موجودیت او ماهیت د مدیره هیئت رایه ورکونکو غړو ته افشاء او هغوی له هغو مشخصاتو او محدودیتونو څخه چې د دغه ډول دندو پر بنسټ په هغه باندې تپل (تحمیل) شویږي، د معاملې په هکله له رایې اخستنې د مخه خبر کړی .

۲- په مستقیمه یا غیر مستقیمه توګه د رایې اخستنې په بحثونو کې ګډون ونکړی .

(۳) د مدیره هیئت د شرایطو لرونکی غړي چې نصاب بشپړوي، له معاملې سره د گټو ټکر ونلري یا د مدیره هیئت له هغه غړي سره چې له معاملې سره د گټو ټکر لري، کورنۍ، مالي، مسلکي یا استخدامي ارتباط هم ونلري .

د ونډه والو تصویب دري پنځوسمه ماده:

(۱) د ونډه والو تصویب د دی قانون د یو پنځوسمې مادې د (۲) فقرې د (۲) جزء له په پام کې نیولو سره په هغه صورت کې د اعتبار وړ ګڼل کېږي چې د بحث وړ معامله له افشاء وروسته د شرایطو لرونکو ونډه والو د اکثریت رایه له ځانه

۱- موجودیت و ماهیت برخورد منافع خویشرا به اعضای هیئت مدیره رای دهنده افشاء و آنها را از مشخصات و محدودیت های که به اساس چنین وظایف بر وی تحمیل شده، قبل از رای گیری در مورد معامله مطلع سازد .

۲- طور مستقیم یا غیرمستقیم در مباحثات رای گیری شرکت ننماید .

(۳) اعضای هیئت مدیره واجد شرایط که نصاب را تکمیل می نمایند با معامله برخورد منافع نداشته و با عضو هیئت مدیره که با معامله برخورد منافع دارد، ارتباط خانوادگی، مالی، مسلکی یا استخدامی نیز نداشته باشد .

تصویب سهامداران ماده پنجاه و سوم:

(۱) تصویب سهامداران با نظرداشت جزء (۲) فقره (۲) ماده پنجاه و یکم این قانون در صورتی قابل اعتبار پنداشته می شود که معامله مورد بحث رای موافق اکثریت سهامداران واجد شرایط را بعد از افشا با

سرہ ولری .

(۲) د شرایطو لرونکې ونډې هغه ونډې دی چې ونډه وال د مدیره هیئت د غړي د گټو د ټکر له معاملې سره په تړاو کې د رایې ورکونې د حق لرونکی وي ، هغه ونډه وال چې د مدیره هیئت غړي یا په هغه پورې تړلی شخص وي او له دغسې معاملې سره په تړاو کې د گټو ټکر ولري ، لدی امر څخه مستثنی دی .

خود داشته باشد .

(۲) سهام واجد شرایط سهامی است که سهامداران در رابطه به معامله برخورد منافع عضو هیئت مدیره ، حق رأی دهی را دارا باشند ، سهامدارانی که عضو هیئت مدیره و یا شخص وابسته وی بوده و در رابطه با چنین معامله برخورد منافع داشته باشد ، از این امر مستثنی است .

د مالي صورت حساب برابرول او تسليم څلور پنځوسمه ماده :

(۱) سهامی شرکت د هماغه مالي کال مالي صورت حساب (بیلانس شیت، د گټې او ضرر بڼه) د سهامی شرکت د مالي کال تر وروستۍ ورځې پورې د کلنۍ غونډې له داپرېدو لږ تر لږه (۱۵) ورځې دمخه هغو ونډه والو ته چې په غونډه کې د گډون حق لري ، تسليموي. مالي صورت حساب د شرکت د ټولو هغو اجرااتو لرونکی وي چې د شرکت له دفترونو او سوابقو او د حسابداری له هغو معیارونو سره سم چې د

تهیه و تسليمی صورت حساب مالی ماده پنجاه و چهارم :

(۱) شرکت سهامی صورت حساب مالی (بیلانس شیت، صورت نفع و ضرر) همان سال مالی را الی روز آخر سال مالی شرکت سهامی حد اقل (۱۵) روز قبل از تدویر جلسه سالانه به سهامدارانیکه حق اشتراک را در جلسه دارند ، تسلیم می نماید. صورت حساب مالی حاوی تمام اجراات شرکت می باشد که مطابق با دفاتر و سوابق شرکت و معیار های حساب داری که توسط هیئت بین المللی معیار های

حسابداری. د معیارونو د نړیوال هیئت په واسطه ټاکل کېږي، مطابقت ولري .

(۲) د سهامی شرکت مالی صورت حساب ، دفترونه او سوابق ، د ونډه والو د کلنۍ غونډې له داپرېدو لږ تر لږه (۱۵) ورځې دمخه ، د شرکت په اصلي دفتر کې د خپرنې لپاره د ونډه والو په واک کې ورکول کېږي .

حقوق او امتیازونه

پنځه پنځوسمه ماده:

د مدیره هیئت د غړو حقوق او امتیازونه د مدیره هیئت په وړاندیز او د ونډه والو د مجمع په تصویب ټاکل کېږي، خو دا چې د شرکت په اساسنامه او کورنیو قواعدو کې بل ډول تصریح شوی وي .

د شرکت د سوابقو ساتل

شپږ پنځوسمه ماده :

مدیره هیئت مکلف دی د لارښو سوداگریزو دفترونو پرسیاتنې برسېره ، لاندې سندونه او سوابق هم وساتي:

۱- د ونډه والو د ثبت دفتر چې پکې د هر ونډه وال نوم، آدرس او د ونډو شمېر ثبت شوی دی .

حسابداری تعیین می گردد ، مطابقت داشته باشد .

(۲) صورت حساب مالی ، دفاتر و سوابق شرکت سهامی حد اقل (۱۵) روز قبل از تدویر جلسه سالانه سهامداران در دفتر اصلی شرکت جهت بررسی به دسترس سهامداران گذاشته می شود .

حقوق و امتیازات

ماده پنجاه و پنجم :

حقوق و امتیازات اعضای هیئت مدیره به پیشنهاد هیئت مدیره و تصویب مجمع سهامداران تعیین می گردد ، مگر اینکه در اساسنامه یا قواعد داخلی شرکت طور دیگری تصریح شده باشد .

نگهداری سوابق شرکت

ماده پنجاه و ششم :

هیئت مدیره مکلف است علاوه به نگهداری دفاتر تجارتي لازم ، اسناد و سوابق ذیل را نیز حفظ نماید:

۱- دفتر ثبت سهامداران که در آن اسم ، آدرس و تعداد سهام هر سهامدار ثبت گردیده است .

- ۲- سوابق اولین تأدیات که برای پرداخت سرمایه و افزایش آن صورت گرفته است.
- ۳- رویداد جلسات سهامداران و هیئت مدیره.
- ۴- صورت حساب مالی که سالانه به سهامداران ارائه می گردد.
- ۲- د لومپنیو ورکرو سوابق چي د پانگي د ورکري او د هغي د زیاتېدو لپاره يې صورت موندلی.
- ۳- د ونډه والو او مدیره هیئت د غونډو پېښلیک .
- ۴- مالي صورت حساب چي په کلنۍ توگه ونډه والو ته وړاندی کېږي .

د مامورینو استخدام

اووه پنځوسمه ماده :

- (۱) مدیره هیئت کولای شي د سهامی شرکت مامورین وټاکي ، خو دا چي د شرکت په اساسنامه یا کورنیو قواعدو کې بل ډول تصریح شوی وي .
- د سهامی شرکت بستونه، د کار موده، د مامورینو دندی او واکونه، د مدیره هیئت لخوا ټاکل کېږي .
- (۲) د سهامی شرکت مامورین چي د شرکت له ونډه والو غیر مقرېږي، کولای شي ، په یوه وخت کې له یوې څخه زیاتې دندی سرته ورسوي او د مدیره هیئت غړیتوب هم ولري.
- (۱) هیئت مدیره می تواند مامورین شرکت سهامی را تعیین نماید ، مگر اینکه در اساسنامه یا قواعد داخلی شرکت طور دیگری تصریح شده باشد .
- بست های شرکت سهامی، مدت کار، وظایف و صلاحیت های مامورین از طرف هیئت مدیره تعیین می گردد .
- (۲) مامورین شرکت سهامی که غیر از سهامداران شرکت مقرر می شوند، می توانند، همزمان بیشتر از يك وظیفه را انجام داده و عضویت هیئت مدیره را نیز داشته باشند .

د دعوي د لگښتونو له ورکړې څخه معافیت

اته پنځوسمه ماده :

(۱) که چېرې د سهامی شرکت غړی په حقوقي، مدني، جزايي، اداري دعوي يا د تحقيق په اجراء کې د استثنائي دعوي په استثنائي لوري (طرف) وي، تېر لدی چې پر دنده باندی برحال وي يا په پخوا کې د سهامی شرکت د مدیره هیئت غړی، مامور، کارمند يا استازی وي، د مدافع وکیل، د محکمې د فیس، جریمې او هغو مبالغو چې د هغو د لگښتونو لپاره واقعاً لگېدلي دی معاف او دغه لگښتونه د سهامی شرکت په غاړه دی، پدی شرط چې د شخص عمل له ښه نیت سره ملگری وي او د شرکت له گټو سره مطابقت ولري، يا دا چې له دعوي يا عدلي تعقیب سره په تړاو کې، هغه دلیل چې د شخص عمل غیر قانوني و ښيي، موجود نه وي.

(۲) سهامی شرکت کولای شي هغه شخص چې په استثنائي دعوي کې د سهامی شرکت حق ته په کتو سره

معافیت از پرداخت مصارف دعوی

ماده پنجاه و هشتم :

(۱) هرگاه عضو شرکت سهامی در دعوی حقوقی، مدنی، جزایی، اداری یا اجرای تحقیق به استثنای دعوی استثنائی طرف باشد، اعم از اینکه برحامل وظیفه بوده یا درگذشته عضو هیئت مدیره، مامور، کارمند و یا نماینده شرکت سهامی باشد از پرداخت مصارف فیس وکیل مدافع، محاکمه، جریمه و مبالغی که جهت تصفیة آن واقعاً به مصرف رسیده معاف و این مصارف بدوش شرکت سهامی می باشد، مشروط براینکه عمل شخص توام با حسن نیت بوده و با منافع شرکت مطابقت داشته باشد یا اینکه در رابطه به دعوی یا تعقیب عدلی دلیل که عمل شخص را غیر قانونی وانمود سازد، موجود نباشد.

(۲) شرکت سهامی می تواند شخصی را که در دعوای استثنائی نظر به حق شرکت

لوری (طرف) وی، پدی دلیل چپ
 پر دندی برحال شخص دی یا په
 پخوا کپ د سهامی شرکت د مدیره
 هیئت غړی، مامور، کارمند یا
 استازی وی، کوم لگښتونه د
 مدافع وکیل د فیس په شمول چپ
 د سهامی شرکت د دعوی د دفاع
 او حل او فصل په تړاو هغه ته راجع
 کېږي، معاف کړی، هغه دعوا وې
 چې په هغو کپ شخص د شرکت په
 وړاندې مسئول ګڼل کېږي، پدی
 شرط چې د شخص عمل له ښه
 نیت سره ملګری وي او د سهامی
 شرکت له ګټو سره مطابقت ولري،
 لدی امر څخه مستثنی دی.

(۳) د سهامی شرکت د مدیره هیئت
 غړی یا برحال یا لرې شوی کارمند
 تر هغه ځایه چې په حقوقي، مدني
 دعوی یا پدی ماده کې درج په
 قانوني رسیدګۍ کې له ځان څخه
 دفاع وکړی، د مدافع وکیل د
 فیس په شمول د لگښتونو له
 ورکړې څخه معاف دی، دغه
 لگښتونه د سهامی شرکت لخوا
 ورکول کېږي.

(۴) په هغه صورت کې چې نهایی
 پرېکړه داسې وي چې شخص د دی

سهامی طرف باشد، به دلیل
 اینکه شخص برحال وظیفه بوده یا
 در گذشته عضو هیئت مدیره،
 مامور، کارمند یا نماینده
 شرکت سهامی باشد، مصارف (به
 شمول فیس وکیل مدافع) که در
 رابطه به دفاع و حل و فصل
 دعوی شرکت به وی راجع
 می‌گردد، معاف سازد، دعاوی
 اینکه در آن شخص در مقابل
 شرکت مسئول شناخته میشود،
 مشروط بر اینکه عمل شخص توأم
 با حسن نیت بوده و با منافع
 شرکت سهامی مطابقت داشته
 باشد، از این امر مستثنی است.

(۳) عضو هیئت مدیره یا کارمند
 برحال یا برکنار شده شرکت
 سهامی تا جایکه در دعوی
 حقوقی، مدنی و یا رسیدګۍ
 قانونی مندرج درین
 ماده از خود دفاع نماید از
 پرداخت مصارف بشمول فیس
 وکیل مدافع معاف بوده این
 مصارف از طرف شرکت سهامی
 پرداخته می‌شود.

(۴) در صورتی که فیصله نهایی
 طوری باشد که شخص بموجب

مادی د حکم پر موجب د سهامی شرکت لخوا نه معافیږي ، سهامی شرکت په هغه صورت کې کولای شي (د مدافع وکیل د فیس په شمول) لگښتونه چې د دعوي په دفاع یا اداري تعقیب کې د مدیره هیئت د غړي یا مامور په غاړه لوېږي د حقوقي، مدني دعوي له وروستي حل او فصل یا رسیدګۍ د مخه په هغه صورت کې ورکړی چې د مدیره هیئت غړی یا مامور ژمنه وکړی چې دغه لگښتونه سهامی شرکت ته بهرته ورکوي . د نوموړو لگښتونو ورکړه (د مدافع وکیل د فیس په شمول) چې د دغسې اشخاصو په غاړه وي ، د سهامی شرکت په واسطه تر هغو شرایطو لاندې چې سهامی شرکت یې لازم وګڼي ، صورت مومي .

(۵) پدې ماده کې د درج شوو لگښتونو په پېښکي ورکړه کې هغه حقوق نه شاملېږي چې د مصئونیت یا د لگښتونو د پېښکي ورکړې غوښتونکي اشخاص ، د اساسنامې ، موافقه لیک ، د ونډه والو او د مدیره هیئت د بې پلوه غړو د رایې مطابق یا په بل ډول

حکم این ماده ازطرف شرکت سهامی معاف نمی گردد ، شرکت سهامی در صورتی میتواند مصارف (بشمول فیس وکیل مدافع) را که برای دفاع در دعوی یا تعقیب اداری بدوش عضو هیئت مدیره و یا مامور گذاشته می شود ، قبل از حل و فصل نهایی دعوی حقوقی ، مدنی و یا رسیدگی در صورتی تأدیه نماید که عضو هیئت مدیره یا مامور تعهد نماید که این مصارف را به شرکت سهامی بازپرداخت می نماید . پرداخت مصارف (بشمول فیس وکیل مدافع) که بدوش چنین اشخاص می باشد ، تحت شرایطی که شرکت سهامی آنرا لازم داند صورت می گیرد .

(۵) پرداخت پیشکی مصارف مندرج این ماده شامل حقوقی نمی گردد که اشخاص طالب مصئونیت و یا پرداخت پیشکی مصارف ، مطابق اساسنامه ، موافقتنامه ، رأی سهامداران و اعضای بیطرف هیئت مدیره و یا طور دیگری

سرہ دھغو مستحق کبری.

سہامی شرکت کولای شی، د سہامی شرکت د مدیرہ ہیئت لہ غری، مامور، کارمند یا استازی خخہ پہ استازیتوب د هغو مسئولیتونو پہ وړاندی چې د پورته واکونو پہ حدودو کې د هغو پر ضد ادعا یا هغو ته راجع کبری، بیمہ کری .

(۶) پدی مادہ کې د درج شوو لگښتونو پیشکی ورکړه د مدیرہ ہیئت د غری، مامورینو، کارمند یا استازی پہ توگه د شخص د کار لہ پایتہ رسېدو وروستہ دوام مومی او د هغو ورثې، وصی یا متولی ته د اجراء وړ دی .

مستحق آن می گردند.

شرکت سہامی میتواند بہ نمایندگی از عضو ہیئت مدیرہ، مامور، کارمند و یا نمایندہ شرکت سہامی را در مقابل مسئولیت های کہ در حدود صلاحیت های فوق علیہ آنها ادعا و یا بہ ایشان راجع می گردد، بیمہ نماید.

(۶) پرداخت پیشکی مصارف مندرج این مادہ بعد از ختم کار شخص بحیث عضو ہیئت مدیرہ، مامورین، کارمند و یا نمایندہ، دوام نموده و برای ورثہ، وصی یا متولی آنها قابل اجراء می باشد.

نہم فصل د نظار ہیئت

د نظار ہیئت غورہ کېدل نہہ پنخوسمہ مادہ :

(۱) د سہامی شرکت نظار ہیئت لہ دوو یا لہ زیاتو غړو خخہ جوړ دی چې د ونډہ والو د عمومي مجمع لخوا غورہ کبری، خو دا چې د شرکت پہ اساسنامہ یا کورنیو

نہم فصل هیئت نظار

انتخاب هیئت نظار مادہ پنجاہ و نہم :

(۱) هیئت نظار شرکت های سہامی مرکب از دو یا بیش از دو عضو می باشد، کہ از طرف مجمع عمومی سہمداران انتخاب می شوند، مگر اینکه در اساسنامہ

قواعد و کپی بل ډول تصریح شوی وي .

که چېرې د نظار هیئت داساسنامې مطابق غوره شي، د هغوی د تصدی لومړۍ دوره یو کال ده او وروسته زیات نه زیاتو د درې کالو لپاره ټاکل کېږي .د نظار هیئت ، د تصدی د دورې له پایته رسېدو وروسته بیا غوره کېدی شي .

(۲) د نظار هیئت غړی نشي کولای په یوه وخت کې د مدیره هیئت غړیتوب ولري یا د شرکت سوداگریزې چارې اداره کړي .

لري کېدل (عزل)

شپېتمه ماده :

د نظار هیئت غړي په هر وخت کې د ونډه والو د مجمع لخوا لري کېدی شي . که چېرې یو غړی د ونډه والو له منځ څخه غوره شوی وي، د لري کېدو په صورت کې، د زیان د جبران د غوښتنې حق نلري .

د نظار هیئت تشه کړسۍ

یو شپېتمه ماده :

(۱) که چېرې د نظار هیئت له غړو څخه یو له دندې څخه استعفي وکړي یا په یو ډول نه یو ډول د دندې له اجراء څخه پاتې شي ، د

یا قواعد داخلي شرکت طور د بگري تصریح شده باشد .

هرگاه هیئت نظار مطابق اساسنامه انتخاب گردد ، دوره اول تصدی آنها یکسال بوده و بعداً برای حد اکثر سه سال تعیین می شوند . هیئت نظار بعد از ختم دوره تصدی مجدداً انتخاب شده می تواند .

(۲) عضو هیئت نظار نمی تواند همزمان عضویت هیئت مدیره را داشته ، یا امورتجارتی شرکت را اداره نماید .

برطرفی (عزل)

ماده شصتم :

اعضای هیئت نظار در هر زمان از طرف مجمع سهامداران عزل شده می توانند . هرگاه عضوی از میان سهامداران انتخاب شده باشد ، در صورت عزل، حق ادعای جبران خساره را ندارد .

کړسۍ خالی هیئت نظار

ماده شصت و یکم :

(۱) هرگاه یکی از اعضای هیئت نظار از وظیفه استعفاء یا به نحوی از انحاء از اجرای وظیفه باز ماند ، سایر اعضای

نظار هیئت نور غری، د ونډه والو د عمومي مجمع د لومړنۍ غونډې د داېرېدو تر وخته د هغه په عوض بل غړی غوره کوي .
(۲) په هغه صورت کې چې د نظار هیئت، له دوو غړو څخه جوړ وي د نوي غړي د ټاکلو لپاره د ونډه والو د عمومي مجمع تر لومړنۍ ناستې پورې، کمبود غړی د مدیره هیئت لخوا په موقتي توګه ټاکل کېږي.

کمیټې

دوه شپېتمه ماده:

نظار هیئت کولای شي د ټاکلو موضوعگانو د تدقیق لپاره یوه یا له یوې څخه زیاتې کمیټې جوړې کړي، دغه کمیټې له یوه یا له زیاتو غړو څخه جوړې دی .

د نظار هیئت د غړو په توګه د خپلوانو نه غوره کېدل دري شپېتمه ماده ده :

د مدیره هیئت د غړو پلار، مور، مېرۍ، ماندینه، زوی، لور، کاکا، ماما، عمه، خاله، خسر، ځوانې، زوم، د نظار هیئت د غړي په توګه نشي ټاکل کېدی .

هیئت نظار الی زمان تدویر اولین جلسه مجمع عمومی سهامداران عضو دیگری را به عوض وی انتخاب می نمایند .
(۲) در صورتیکه هیئت نظار مرکب از دو عضو باشد، الی انعقاد اولین مجمع عمومی سهامداران جهت تعیین عضو جدید، عضو کمبود از طرف هیئت مدیره موقتاً تعیین می گردد .

کمیته ها

ماده شصت و دوم :

هیئت نظار می تواند ، جهت تدقیق موضوعات معین يك یابیش از يك کمیته را تشکیل دهد، این کمیته ها متشکل از يك یا بیش از يك عضو می باشد .

عدم انتخاب اقارب بحیث اعضای هیئت نظار ماده شصت و سوم:

پدر، مادر، همسر، برادر، پسر، دختر، کاکا، ماما، عمه، خاله، خسر، خشو و داماد اعضای هیئت مدیره به حیث عضو هیئت نظار تعیین شده نمی تواند .

د نظار هیئت دندی

څلور شپېتمه ماده :

نظار هیئت د لاندی دندو لرونکی دی :

- ۱- د شرکت د مالي صورت حسابونو په ترتیب او نوې کتنې کې له مدیره هیئت سره همکاري.
- ۲- لږترلږه په شپږو میاشتو کې یو ځل د شرکت د اجرااتو تدقیق او د دفترونو خپرل.
- ۳- له د مخنۍ خبرتیا پرته لږ تر لږه په دریو میاشتو کې یو ځل د شرکت د خزانې پلټنه .
- ۴- د دی قانون ، اساسنامې او د شرکت د کورنیو قواعدو د حکمونو مطابق د مدیره هیئت پر اجرااتو باندی څارنه.
- ۵- د ونډه والو دعادی یا فوق العاده عمومي مجمع د داېرېدو په هکله خبر ورکول پدی شرط چې دا دنده مدیره هیئت اجراء نکړی .
- ۶- د ونډه والو د عمومي مجمع په غونډو کې حضور .
- ۷- په مهمو یا بیړنیو حالاتو کې د ونډه والو د فوق العاده مجمع د داېرېدو بلنه .
- ۸- د شرکت د مالي صورت

وظایف هیئت نظار

ماده شصت و چهارم :

هیئت نظار دارای وظایف ذیل می باشد :

- ۱- همکاري با هیئت مدیره در ترتیب و تجدید نظر بر صورت حسابهای مالی شرکت.
- ۲- تدقیق اجراات و بررسی دفاتر شرکت حد اقل یکمرتبه در شش ماه.
- ۳- تفتیش خزانه شرکت حداقل یک مرتبه درسه ماه بدون اطلاعیه قبلی.
- ۴- نظارت بر اجراات هیئت مدیره مطابق احکام این قانون، اساسنامه و قواعد داخلی شرکت.
- ۵- اطلاع دهی درمورد تدویر مجمع عمومی عادی یا فوق العاده سهامداران، مشروط بر اینکه وظیفه راهیئت مدیره اجرا ننماید.
- ۶- حضور در مجالس مجمع عمومی سهامداران .
- ۷- دعوت تدویر مجمع فوق العاده سهامداران در حالات مهم یا عاجل.
- ۸- ارایه نتایج مطالعات

حساب او نورو اجراءاتو او گتېې د وېشلو په هکله، د ونډه والو عمومي مجمع کلنۍ غونډې ته د مطالعاتو د پایلو وړاندې کول.

د نظار هیئت د واک نه محدودیت

پنځه شپېتمه ماده :

پدې قانون کې درج د نظار هیئت واک په اساسنامه یا قرارداد کې نشي محدودیدی.

په ښه نیت سره د نظار هیئت د دندو سرته رسول

شپږ شپېتمه ماده :

(۱) نظار هیئت مکلف دی خپلې دندې په ښه نیت او د شرکت او ونډه والو د گټو د لارښه تامینولو په منظور سرته ورسوي .

(۲) نظار هیئت د مدیره هیئت د اجراءاتو او مکلفیتونو د تطبیق او عملي کېدو له څارنې څخه مسئول دی .

(۳) د نظار هیئت د مسئولیت په اړه د دعوي اقامه کېدل د هغې د پېښیدو له نېټې څخه د پنځو کلونو له تېرېدو وروسته د اورېدو وړ ندی .

درمورد صورت حساب مالی و سایر اجراءات شرکت و توزیع مفاد به جلسه سالانه مجمع عمومی سهامداران.

عدم محدودیت صلاحیت هیئت نظار

ماده شصت و پنجم :

صلاحیت هیئت نظار مندرج این قانون در اساسنامه یا قرارداد محدود شده نمی تواند.

انجام وظایف هیئت نظار با حسن نیت

ماده شصت و ششم :

(۱) هیئت نظار مکلف است وظایف خود را با حسن نیت و بمنظور تأمین بهتر منافع شرکت و سهامداران انجام دهد .

(۲) هیئت نظار مسئول نظارت از تطبیق و عملی ساختن اجراءات و مکلفیت های هیئت مدیره می باشد .

(۳) اقامه دعوی مبنی بر مسئولیت هیئت نظار بعد از مرور پنج سال از تاریخ وقوع آن قابل سمع نمی باشد .

د مدیره هیئت پر ضد شکایت

اووه شپېتمه ماده:

هر ونډه وال کولای شي، د شرکت د مدیره هیئت د اجرااتو په هکله نظار هیئت ته شکایت وکړي، نظار هیئت مکلف دی شکایت وڅېړي او په هکله یې مقتضي تدبیرونه ونیسي.

د مدیره هیئت په غونډو کې د

نظار هیئت گډون

اته شپېتمه ماده:

نظار هیئت کولای شي، د مدیره هیئت په غونډو کې د رایې د حق له لرلو پرته گډون وکړي.

شکایت علیه هیئت مدیره

ماده شصت و هفتم:

هر سهامدار می تواند در مورد اجراات هیئت مدیره شرکت به هیئت نظار شکایت نماید، هیئت نظار مکلف است به شکایت رسیدگی نموده و در مورد تدابیر مقتضی اتخاذ نماید.

اشتراک هیئت نظار در جلسات

هیئت مدیره

ماده شصت و هشتم:

هیئت نظار می تواند در جلسات هیئت مدیره بدون داشتن حق رأی اشتراک نماید.

لسم فصل

د ونډه والو مجمع

د عمومي مجمع غونډې

ننه شپېتمه ماده:

(۱) د سهامی شرکت د ونډه والو د عمومي مجمع غونډې، په عادی یا فوق العاده توگه د اړېدې شي. عادی یا کلنی غونډې د شرکت د هر مالي کال له پایته رسېدو وروسته د څلورو میاشتو په ترڅ کې یا د شرکت په اساسنامه کې په

جلسات مجمع عمومی

ماده شصت و نهم:

(۱) جلسات مجمع عمومی سهامداران شرکت سهامی بطور عادی یا فوق العاده د اړېدې شي. عادی یا سالانه در خلال چهار ماه بعد از ختم هر سال مالی شرکت یا در فواصل

فصل دهم مجمع سهامداران

درج شوو زمانې واټنونو (فواصلو) کې یو ځل داپرېږي، د عادی غونډو داپرېدل په هر مالي کال کې یو ځل حتمي دی.

(۲) د ونډه والو عادی او فوق العاده غونډې د شرکت په مرکز یا په نورو ځایونو (د افغانستان په دننه یا بهر) کې چې د مدیره هیئت په واسطه ټاکل کېږي، داپرېږي، مدیره هیئت کولای شي د غونډو داپرېدو د ځای په هکله تصمیم ونیسي، د اړتیا په صورت کې د عمومي مجمع غونډې له لري واټن څخه د ارتباط د تأمینولو له لارې، د دی قانون د حکمونو مطابق داپرېدی شي.

(۳) که چېرې د ونډه والو د مجمع عادی غونډه د شرکت په اساسنامه کې په درج شوی مشخص ځای او وخت کې داپره نشي، د ونډه والو د مجمع د تصمیمونو په اعتبار کې اغېزه نلري.

**له لري واټن څخه د اړیکو
تأمینېدل**
او یایمه ماده :

که چېرې د شرکت په اساسنامه، کورنیو قواعدو یا د مدیره هیئت

زمانی مندرج اساسنامه شرکت یکبار دایر می گردد، تدویر جلسات عادی در هر سال مالی یکبار حتمی است.

(۲) جلسات عادی و فوق العاده سهامداران در مرکز شرکت یا در سایر محلات (خارج یا داخل افغانستان) که توسط هیئت مدیره تعیین می گردد، دایر می شود، هیئت مدیره میتواند در مورد محل تدویر جلسات تصمیم اتخاذ نماید، در صورت ضرورت جلسات مجمع عمومی از طریق تأمین ارتباط از فاصله دور طبق احکام این قانون دایر شده می تواند.

(۳) هرگاه جلسه عادی مجمع سهامداران در محل و زمان مشخص مندرج اساسنامه شرکت دایر شده نتواند، در اعتبار تصمیم مجمع سهامداران تاثیر ندارد.

**تأمین ارتباطات از فاصله
دور**
ماده هفتم :

هرگاه در اساسنامه، قواعد داخلی شرکت، یا تصمیم هیئت مدیره

په تصمیم کې له لري واتهڼ څخه د اپيکيو د تامينولو له لاري د غونډې د اېرېدل مشخص شوی وي، ونډه وال يا يې قانوني استازي پرته لدی چې شخصاً د ونډه والو په عمومي مجمع کې حاضر وي، کولای شي لدی لاري د تېلفون يا ويډيو کنفرانس په واسطه د ونډه والو په کليو يا فوق العاده غونډو کې، د مديره هيئت د تصويب شوی لارښود او قواعدو مطابق گډون وکړي، پدی صورت کې په رأيي اخستني کې د گډون حق لري، حاضر گڼل کېږي .

فوق العاده غونډه

يو اويایمه ماده :

(۱) د ونډه والو د عمومي مجمع فوق العاده غونډه په لاندی حالاتو کې د اېرېدی شي :

۱- د مديره هيئت يا هغه شخص چې د دی قانون، اساسنامې يا کورنيو قواعدو د حکمونو مطابق، د بلني حق ولري، د بلني په صورت کې.

۲- په هغه صورت کې چې د نظر وړ موضوع په هکله، د رأيي د حق لرونکو لږ تر لږه په سلو کې د

تدوير جلسه از راه تامين ارتباطات از فاصله دور مشخص شده باشد، سهامداران يا نمايندگان قانونی آنها بدون آنکه شخصاً در مجمع عمومی سهامداران حاضر باشند، می توانند از اين طريق توسط تېلفون يا ويډيو کنفرانس در جلسات سالانه يا فوق العاده سهامداران مطابق رهنمود و قواعد تصويب شده هيئت مديره اشتراك نمايند، در اين صورت حق اشتراك در رأي گیری را داشته، حاضرینداشته می شوند .

جلسه فوق العاده

ماده هفتاد و یکم:

(۱) جلسه فوق العاده مجمع عمومی سهامداران در حالات ذیل دایر شده می تواند:

۱- در صورت دعوت هیئت مدیره یا شخصی که طبق احکام این قانون، اساسنامه یا قواعد داخلی حق دعوت را داشته باشند.

۲- در صورتی که سهامداران دارنده حد اقل (۱۰) درصد آرای واجد حق رأی در موضوع

(۱۰) رأیولرونکی ونډه وال د غونډې د اړېدل په لیکلې توگه وغواړي . نوموړی غوښتنلیک د غوښتونکي ونډه وال یا ونډه والو په واسطه لاسلیک او نېټه یې ټاکل کېږي او د فوق العاده غونډې موخې پکې څرگندېږي، د رأیو ټیټه یا لوړه فیصدي د سهامی شرکت په اساسنامه کې ټاکل کېدی شي، پدې شرط چې د رأیې د حق لرونکو د مجموع په سلو کې له (۲۵) څخه تجاوز و کړي.

(۲) په فوق العاده غونډو کې یوازې هغه موضوع چې د مخه د غونډې د اړېدو په خبرتیا کې یاده شوي وي، د بحث او رأیې اخستنې وړ گرځي.

(۳) د شرایطو لرونکو ونډه والو د فوق العاده غونډو د اړېدو د غوښتنې او د هغوی د بلنې د ثبت نېټه د شرکت د دفتر لخوا ټاکل کېږي . دغه بلنه له هغې نېټې سره مصادفه وي چې وروستی ونډه وال د فوق العاده غونډې د اړېدو غوښتنلیک لاسلیک کړی .

(۴) فوق العاده غونډې په هغه

مورد نظر، تدویر جلسه سهامداران را بصورت کتبی درخواست نمایند. درخواست متذکره توسط سهامدار یا سهامداران متقاضی امضاء و تاریخ آن تعیین و اهداف جلسه فوق العاده در آن توضیح گردیده، فیصدی پائین تر یا بلند تر آراء در اساسنامه شرکت سهامی تعیین شده می تواند، مشروط بر اینکه از (۲۵) درصد مجموع آرای واجد حق رأی، تجاوز نماید.

(۲) در جلسات فوق العاده، صرف موضوعی مورد بحث و رأی گیری قرار گرفته می تواند که قبلاً در اطلاعیه تدویر جلسه ذکر شده باشد.

(۳) تاریخ ثبت تقاضای تدویر جلسات فوق العاده سهامداران واجد شرایط و دعوت آنها از طرف دفتر شرکت تعیین می گردد. این دعوت مصادف با تاریخی می باشد که آخرین سهامدار درخواست جلسه فوق العاده را امضاء نماید.

(۴) جلسات فوق العاده در

خای کپی چې د شرکت په کورنیو قواعدو کې مشخص ، یا له لرې واټن څخه د اړیکو د تأمینولو له لارې د گډون کولو په شمول د مدیره هیئت په واسطه، د دی قانون د حکمونو مطابق ټاکل شوی وي، د اېرېري .

د محکمې د حکم پر بنسټ د غونډو د اېرېرېدل دوه اویایمه ماده :

سوداگریزه محکمه کولای شي په لاندی حالاتو کې د شرکت د ونډه والو د عمومي مجمع د غونډې په دایرېدو حکم وکړی :

۱- د شرکت له شرایطو لرونکو ونډه والو څخه د یوه د غوښتنې په صورت کې، پدی اړه چې د دی قانون د نهه شپېتمې مادې په (۱) فقره کې د درج شوی حکم مطابق ، د سهامی شرکت د مالی کال له پایته رسېدو وروسته د څلورو میاشتو په ترڅ کې، د شرکت د ونډه والو عمومي غونډه د اېره شوی نه وي.

۲- د هغه ونډه وال د غوښتنې په صورت کې چې د هغه د اصولي غوښتنلیک له امله، فوق العاده

محلی که در قواعد داخلی شرکت مشخص یا توسط هیئت مدیره، بشمول اشتراك توسط تأمین ارتباطات از فاصله دور طبق احکام این قانون، تعیین شده باشد، دایر می گردد.

تدویر جلسات به اساس حکم محکمه

ماده هفتاد و دوم :

محکمه تجارتي می تواند در حالات آتی به تدویر جلسه مجمع عمومی سهامداران شرکت حکم نماید :

۱- در صورت تقاضای یکی از سهامداران واجد شرایط شرکت مبنی براینکه جلسه عمومی سهامداران شرکت در خلال چهارماه بعد از ختم سال مالی شرکت سهامی طبق حکم مندرج فقره (۱) ماده شصت و نهم این قانون دایرنشده باشد.

۲- در صورت تقاضای سهامداریکه بالآخر درخواست اصولی وی، جلسه فوق العاده

غونډه د دی قانون د یو اویایمې
مادی د (۱) فقرې په (۲) جزء کې د
درج شوی حکم مطابق، داېره شوې
نه وي .

د غونډې له داېرېدو پرته د تصمیم نیول

دري اویایمه ما ده :

(۱) د هغو موضوعگانو په اړه د
تدبیرونو نیول چې د دی قانون د
حکمونو مطابق، د ونډه والو د
مجمع په تصمیم پورې تړلې وي او
غونډه د ونډه والو د نه حضور له
امله داېره نشي، پدی حالت کې
تصمیم په هغه صورت کې د غونډې
له داېرېدو پرته نیول کېدی شي
چې د رأېې د حق لرونکو ونډه والو
په واسطه پدی برخه کې لیکلې
موافقه شوې وي . دغه تصمیم د
لیکلي لیک په واسطه د لاسلیک او
نېټې په قید سره د لارښوونې د
اقل حد لرونکو ونډه والو ته استول
کېږي. که چېرې موضوع د هغو
ونډه والو په واسطه چې نصاب یې
د ونډه والو د عمومي مجمع له
شمېر څخه لږ وي تر بحث لاندې
ونیول شي او په هکله یې تصمیم
ونیول شي، پدی صورت کې پدی

طبق حکم جزء (۲) مندرج
فقره (۱) ماده هفتاد و یکم
این قانون دایرنگردیده
باشد.

اتخاذ تصمیم بدون تدویر جلسه

ماده هفتاد و سوم :

(۱) اتخاذ تدابیر در رابطه به
موضوعاتی که طبق احکام
این قانون منوط به تصمیم
مجمع سهامداران باشد و جلسه
بنابر عدم حضور سهامداران
دایر شده نتواند، در این حالت
تصمیم در صورتی بدون تدویر
جلسه اتخاذ شده می تواند که
توسط سهامداران واجد حق رأی
در زمینه موافقه کتبی به عمل
آمده باشد. این تصمیم
توسط نامه کتبی با قید
تاریخ و امضاء به سهامداران
دارنده حد اقل سهام لارښوونې
فرستاده می شود. هرگاه موضوع
توسط سهامدارانیکه نصاب آنها
کمتر از تعداد مجمع عمومی
سهمداران باشد، مورد بحث
قرارگیرد و در زمینه تصمیم اتخاذ
گردد، در این صورت اطلاعیه

برخه کې لیکلې خبرتیا ټولو ونډه والو ته په لنډ وخت کې استول کېږي. نوموړې موضوعګانې سهامی شرکت ته استول کېږي او د غونډو د پېښلیک په پاڼو کې درج یا د شرکت د سندونو په جمله کې تنظیمېږي.

د ونډه والو د مجمع له دایرېدو پرته د تدبیرونو د نیولو د حق لرونکو ونډه والو د ثبت نېټه، هغه نېټه ده چې لومړنۍ ونډه وال لیکلی تصمیم د هغې مطابق لاسلیک کوي خو دا چې بل ډول مشخص شوی وي.

سهامی شرکت کولای شي د نیول شوو تصمیمونو مطابق عمل وکړي، پدې شرط چې لیکلی تصمیم د هغو ونډه والو لخوا نیول شوی وي چې شمېرې د دی مادی په (۱) فقرې د درج شوی حکم مطابق، د ونډه والو د عمومي مجمع له نصاب څخه لږ وي، یا د غوښتل شوو تدبیرونو په هکله په رایه ورکولو کې نه شاملو ټولو ونډه والو ته خبر ورکول لازم وي، پدې صورت کې لیکلي تصمیمونه د هغو د خبرتیا له سپارلو څخه د

کتبی در مورد به تمام سهامداران به اسرع وقت ارسال می گردد. موضوعات مذکور به شرکت سهامی ارسال و در اوراق رویداد جلسات درج یا در زمره اسناد شرکت تنظیم می شود.

تاریخ ثبت سهامداران واجد حق اتخاذ تدابیر بدون تدویر جلسه مجمع سهامداران تاریخی است که اولین سهامدار تصمیم کتبی را طبق آن امضا می نماید، مگر اینکه طوری دیگر مشخص شده باشد.

شرکت سهامی می تواند، طبق تصمیم اتخاذ شده عمل نماید، مشروط بر اینکه تصمیم کتبی از طرف سهامدارانی اتخاذ گردیده باشد که تعداد آنها طبق حکم مندرج فقره (۱) این ماده کمتر از نصاب مجمع عمومی سهامداران باشد، یا اطلاع دهی در مورد تدابیر درخواست شده به تمام سهامداران غیر شامل در رأی دهی لازم باشد، در این صورت تصمیم کتبی با مرور (۲۰) روز بعد از

(۲۰) ورځو په تېرېدو سره پر ونډه والو باندې د تطبیق وړ دی. د مخه تر دی چې شرکت کافي شمېر موافقت لیکونه د شرکت په واسطه د وړاندیز شوو تصمیمونو د نیولو لپاره ترلاسه کړي، هر ونډه وال کولای شي د لیکلو تصمیمونو په هکله خپله موافقه باطله او د هغو د فسخ لیک رسماً شرکت ته صادر کړي.

پدې فقره کې درج لیکلي تصمیمونه او نیول شوی تدبیرونه د ونډه والو د عمومي مجمع د رایو د حیثیت لرونکي دي. (۲) هر ډول خبرتیا او موافقه لیک چې د دی مادی د (۱) فقرې د حکم مطابق اړین وي په الکترونیک ډول لېږدېږي.

د غونډې د داېرېدو بلنه څلور اويايمه ماده :

(۱) د ونډه والو عمومي مجمع د غونډې د داېرېدو په غرض، د شرکت د اساسنامې د حکمونو یا کورنیو قواعدو مطابق رابلل کېږي، سهامی شرکت مکلف دی د غونډې نېټه، وخت، ځای، اجندا او نور معلومات د واټن (فاصلې) د

سپردن اطلاعیه آن بڼه لای سهامداران قابل تطبیق می باشد. قبل از اینکه شرکت تعداد موافقتنامه های کافی را برای اتخاذ تصمیم پیشنهاد شده توسط شرکت دریافت نماید، هر سهامدار می تواند موافقه خود را در مورد تصمیم کتبی باطل و رسماً مکتوب فسخ آنرا به شرکت صادر نماید.

تصمیم کتبی و تدابیر اتخاذ شده مندرج این فقره حیثیت رأی مجمع عمومی سهامداران را دارا می باشد. (۲) هرگونه اطلاعیه و موافقتنامه که طبق حکم فقره (۱) این ماده ضرور باشد، بصورت الکترونیک انتقال می یابد.

دعوت تدویر جلسه ماده هفتاد و چهارم :

(۱) مجمع عمومی سهامداران غرض تدویر جلسه، طبق احکام اساسنامه یا قواعد داخلی شرکت دعوت می گردد، شرکت سهامی مکلف است تاریخ، وقت، محل، اجندا و سایر معلومات جلسه را با

لرې والی له په پام کې نیولو سره د عادی غونډې له د اېږېدو (۱۰ تر ۶۰) ورځې د مخه او له فوق العاده غونډې لږ تر لږه پنځه ورځې د مخه د ونډه والو خبرتیا ته ورسوي. سهامی شرکت بلن لیک یوازې هغو ونډه والو ته استوي چې د ونډه والو په عمومي مجمع کې د رایې د حق لرونکی وي. (۲) د رایې د حق لرونکو ونډه والو د ثبت او د غونډې په اړه د بلن لیک د ترلاسه کولو نېټه، ونډه والو ته د لومړنۍ خبرتیا له سپارلو د مخه ورځې څخه عبارت ده، خو دا چې د مدیره هیئت لخوا د شرکت په کورنیو قواعدو کې بل ډول مشخص شوی وي.

(۳) که چېرې د عادی او فوق العاده غونډو نېټه، وخت او ځای بدلون ومومي، موضوع په لومړنۍ غونډه کې اعلانېږي او دوه یمه خبرتیا نه ایجابوي، خو دا چې د شرکت په اساسنامه یا کورنیو قواعدو کې بل ډول تصریح شوی وي. که چېرې د ثبت نوې نېټه په غونډه کې وځنډېږي، هغو ونډه والو ته چې د ثبت په نوې نېټه کې

نظرداشت بعد فاصله، از (۱۰ الی ۶۰) روز قبل از تدویر جلسه عادی و حد اقل پنج روز قبل از جلسه فوق العاده به اطلاع سهامداران برساند. شرکت سهامی دعوت نامه را صرف به سهامدارانی ارسال می نماید که واجد حق رأی در مجمع عمومی سهامداران باشند.

(۲) تاریخ ثبت سهامداران واجد حق رأی و دریافت دعوت نامه مبنی بر تدویر جلسه عبارت از روز قبل از سپردن اولین اطلاعیه به سهامداران می باشد، مگر اینکه از طرف هیئت مدیره در قواعد داخلی شرکت طور دیگری مشخص شده باشد.

(۳) هرگاه تاریخ، وقت و محل جلسات عادی یا فوق العاده تغییر نماید، موضوع در جلسه اولی اعلان گردیده و ایجاب اطلاع دومی را نمی نماید، مگر اینکه در اساسنامه یا قواعد داخلی شرکت طور دیگری تصریح شده باشد. هرگاه تاریخ جدید ثبت در جلسه به تعویق افتد، به سهامدارانیکه در تاریخ جدید

شامل دی، د غونډې د ځنډېدو په هکله خبر ورکول کېږي.

د بلنې طريقه

پنځه اويايمه ماده :

(۱) سهامی شرکت کولای شي، د دی قانون، د شرکت د اساسنامې یا کورنیو قواعدو د حکمونو مطابق هر ډول خبرتیا، په مختلفو لارو په لومړي قدم کې د ونډه والو په لیکلې موافقې د الکترونیک لېږد (انتقال) په واسطه (د الکترونیک پست په ګډون) ونډه والو ته ابلاغ کړي. ونډه وال کولای شي د لیکلې خبرتیا له لارې موافقه لیک فسخ کړي. په هغه صورت کې چې سهامی شرکت دوه خبرتیا وې پر له پسې د الکترونیک لېږد په واسطه وانستوي، نوموړی موافقه لیک ملغي ګڼل کېږي.

(۲) مدیره هیئت په هغه صورت کې کولای شي د دی مادې په (۱) فقره کې د درج شوې خبرتیا په هکله تصمیم ونیسي چې د مدیره هیئت د نورو غړو لیکلې موافقه او لاسلیک د الکترونیکي لېږد په واسطه رسېدلې وي.

ثبت، درآن شامل اند، درمورد تاخیر جلسه اطلاع داده می شود.

طریق دعوت

ماده هفتاد و پنجم :

(۱) شرکت سهامی می تواند، طبق احکام این قانون، اساسنامه یا قواعد داخلی شرکت هر نوع اطلاعیه را به طرق مختلف در قدم نخست به موافقه کتبی سهامداران ذریعه انتقال الکترونیک (بشمول پست الکترونیک) به سهامداران ابلاغ نماید. سهامداران می توانند از طریق اطلاعیه کتبی موافقتنامه را فسخ نمایند. در صورتی که شرکت سهامی دو اطلاعیه را پی در پی ذریعه انتقال الکترونیک ارسال نکند، موافقتنامه متذکره ملغی شمرده می شود.

(۲) هیئت مدیره در صورتی می تواند در مورد اطلاعیه مندرج فقره (۱) این ماده تصمیم اتخاذ نماید که موافقه کتبی و امضای سایر اعضای هیئت مدیره توسط انتقال الکترونیک مواصلت نموده باشد.

- (۳) خبرتیا د دی مادی په (۱) فقرې کې د درج شوی حکم مطابق له لاندی لارو څخه صورت مومي :
- ۱- د فکس یا مخابراتو په واسطه ، په هغه شمېرې چې ونډه وال د اطلاعاتو د ترلاسه کولو لپاره پر هغې موافقه کړې ده .
- ۲- د الکترونیک پست په واسطه ، په هغه آدرس چې ونډه وال د اطلاعاتو د ترلاسه کولو لپاره پر هغه موافقه کړې ده .
- ۳- په الکترونیک شبکه کې دخپريدو په واسطه ونډه وال ته د خپريدو په هکله د جلا خبرتیا په ضمیمه ، یا د نوموړې خبرتیا له استولو وروسته ، هر یو چې وروستی وي .
- ۴- د الکترونیک لېږد د نورو ډولونو په واسطه چې موخه یې ونډه وال ته د خبرتیا رسېدل وي .
- (۴) د الکترونیک لېږد په واسطه د خبرتیا د استولو په اړه د سهامی شرکت د مامور تصدیق ، اثباتیه مدرک ګڼل کېږي .
- (۳) اطلاعیه طبق حکم مندرج فقره (۱) این ماده از طرق ذیل صورت می گیرد :
- ۱- توسط فکس یا مخابرات به شماره که سهامدار جهت دریافت اطلاعات به آن موافقه نموده است .
- ۲- توسط پست الکترونیک به آدرسی که سهامدار جهت دریافت اطلاعات به آن موافقه نموده است .
- ۳- توسط نشر در شبکه الکترونیک ضم اطلاعیه جداگانه به سهامدار در مورد نشر یا بعد از ارسال اطلاعیه متذکره ، هر کدام که مؤخر باشد .
- ۴- توسط سایر اشکال انتقال الکترونیک که هدف آن وصول اطلاع به سهامدار باشد .
- (۴) تصدیق مامور شرکت سهامی مبنی بر ارسال اطلاعیه توسط انتقال الکترونیک ، مدرک اثباتیه دانسته می شود .

د گډ آدرس لرونکی بلنه**شپږ اویایمه ماده :**

سهامي شرکت کولای شي هغو ونډه والو ته چې گډ آدرس لري، په مختلفو لارو، د هغوی په موافقه، له محدودیت پرته، واحد خبرتیا واستوي. ونډه وال کولای شي، سهامي شرکت ته د لیکلې خبرتیا په لېږدولو سره خپله موافقه فسخ کړي.

له بلنې څخه انصراف**اووه اویایمه ماده :**

که چېرې ونډه وال د عمومي مجمع په غونډو کې د گډون په اړه د خبرتیا له رسېدو دمخه یا وروسته، د ځینو دلیلونو له مخې په غونډه کې گډون ونکړي شي، موضوع په لیکلې توگه خبر ورکوي. دغه موضوع د سهامي شرکت د غونډو په پېښلیک او سندونو کې ثبتېږي. په هغه صورت کې چې ونډه وال د ونډه والو د عمومي مجمع په غونډه کې پخپله (شخصاً) یا یې استازی گډون وکړي، د خبرتیا د نه ترلاسه کولو په اړه د هغه د اعتراض حق ساقطېږي، خو دا چې ونډه وال د غونډې په پیل کې د

دعوت دارنده آدرس مشترك**ماده هفتاد و ششم :**

شرکت سهامي می تواند به سهامدارانی که آدرس مشترك دارند، به طرق مختلف به موافقه آنها بدون محدودیت، اطلاعیه واحد را ارسال نماید. سهامدار می تواند با ارسال اطلاعیه کتبی به شرکت سهامي موافقت خود را فسخ نماید.

انصراف از دعوت**ماده هفتاد و هفتم :**

هرگاه سهامدار قبل یا بعد از وصول اطلاعیه مبنی بر اشتراك در جلسات مجمع عمومی بنابر دلایل در جلسه اشتراك کرده نتواند، موضوع را طور کتبی اطلاع می دهد. این موضوع در رویداد جلسات و اسناد شرکت سهامي ثبت می گردد. در صورتیکه سهامدار در جلسه مجمع عمومی سهامداران شخصاً یا نماینده وی اشتراك نماید، حق اعتراض وی مبنی بر عدم دریافت اطلاعیه ساقط می گردد، مگر اینکه سهامدار در آغاز جلسه بر علیه تدویر آن

هغې د دایرېدو یا د معاملو د
اجراء پر ضد اعتراض وکړي .

**د خبرتیا د ترلاسه کولو د حق
لرونکی ونډه وال
اته او یا یې مه ماده :**

د و نډه والو د غونډې د خبرتیا د
ترلاسه کولو د حق لرونکو ونډه
والو د ټاکلو په منظور، د ثبت د
نېټې د تثبیتولو تگلاره (روش) د
رأیې ورکولو د فوق العاده غونډې
د غوښتنې او د نورو تدبیرونو په
نیولو سره د مدیره هیئت د تصمیم
پر بنسټ او یا د کورنیو قواعدو
مطابق تنظیمېږي .

**د غونډې ریاست
نه او یا یې مه ماده :**

(۱) د مدیره هیئت رئیس یا هغه
شخص چې د هغه په نیابت د
ونډه والو د عمومي مجمع د
غونډو ریاست کوي، مکلف دی د
ترتیب شوې اجنداء مطابق اجراءات
وکړي او کولای شي د مجمع د
غونډو د ادارې قواعد وټاکي ، خو
دا چې د شرکت په اساسنامه یا
کورنیو قواعدو کې بل ډول تصریح
شوی وي .
(۲) رئیس یا د هغه نایب د غونډې

یا اجرای معاملات اعتراض
نماید .

**سهمداران واجد حق دریافت
اطلاعيه
ماده هفتاد و هشتم :**

روش تثبیت تاریخ ثبت به
منظور تعیین سهمداران
واجد حق دریافت اطلاعيه
جلسه سهمداران به درخواست
جلسه فوق العاده
رأی دهی و اتخاذ سایر تدابیر
باساس تصمیم هیئت مدیره و یا
مطابق قواعد داخلی تنظیم
می گردد .

**ریاست جلسه
ماده هفتاد و نهم :**

(۱) رئیس هیئت مدیره یا شخصی
که به نیابت وی ریاست جلسات
مجمع عمومی سهمداران را عهده
دار می باشد، مکلف است طبق
اجنداء مرتبه اجراءات نموده و
می تواند قواعد اداره جلسات
مجمع را تعیین نماید، مگر اینکه
در اساسنامه یا قواعد داخلی
شرکت طور دیگری تصریح شده
باشد .
(۲) رئیس یا نائب وی در صورت

د نصاب د بشپړتیا په صورت کې، د اجنداء مطابق پر هرې موضوع باندې په جلا توګه رایه اخیستنه کوي. د رایې اخیستنې له پایته رسېدو وروسته د اعتراض د موجودیت په صورت کې، موضوع بیا بحث ته نه اېښودل کېږي.

(۳) په غونډه کې د حاضر و ونډه والو یا یې د استازو فهرست، په هغو پورې اړوندې پانې او سندونه او د هغوی د ونډو ملکیت د ونډه والو په عمومي مجمع کې ترتیب او مدیره هیئت یا هغه شخص لخوا چې په نیابت یې د غونډې ریاست کوي لاسلیک او د سهامی شرکت د سندونو په جمله کې ساتل کېږي.

(۴) د عادی او فوق العاده غونډو مصوبې په رایې ورکونې پورې له اړوندو معلوماتو سره یو ځای د سهامی شرکت لخوا ترتیب او ساتل کېږي.

د ونډه والو د فهرست ترتیبول اتیایمه ماده:

(۱) سهامی شرکت د شرایطو لرونکو ونډه والو دنومونو فهرست، د ثبت د نېټې له ټاکلو وروسته د هر ونډه وال د آدرس او دننډو د شمېر

تکمیل نصاب جلسه، طبق اجندا بالای هر موضوع طوری جداگانه رأی گیری می نماید. بعد از ختم رأی گیری بنابر موجودیت اعتراض، موضوع دوباره به مباحثه گذاشته نمی شود.

(۳) فهرست سهامداران حاضر جلسه یا نمایندگان آنها، اوراق و اسناد مربوط به آن و ملکیت سهام آنها در مجمع عمومی سهامداران ترتیب و از طرف رئیس هیئت مدیره و یا شخصیکه به نیابت وی جلسه را ریاست می کند، امضا و درجمله اسناد شرکت سهامی حفظ می گردد.

(۴) مصوبات جلسات عادی و فوق العاده همراه با معلومات مربوط به رأی دهی از طرف شرکت سهامی ترتیب و حفظ می گردد.

ترتیب فهرست سهامداران ماده هشتادم:

(۱) شرکت سهامی فهرست اسامی سهامداران واجد شرایط را بعد از تعیین تاریخ ثبت با ذکر آدرس و تعداد

په ذکرولو سره ترتیب او وړاندی کوي، دغه فهرست د غونډې د اجنداء په هکله د ونډه وال د کتنې په منظور، د عمومي مجمع د غونډې په اړه له خبر ورکولو دوه ورځې د مخه یا د غونډې په ترڅ کې د ترلاسه کولو وړ دی .

(۲) که چېرې غونډه د لرې واټن (الکترونيکي) اړیکو له لارې داپره شي، نوموړی فهرست د مناسبې او لاس رسی وړ شبکې له لارې، د ونډه والو د کتنې لپاره چمتو او فهرست ته د لاس رسی لپاره لازم معلومات د غونډې په خبرتیا کې درج شوی وي .

(۳) د فهرست له ترتیبولو څخه ډډه کول یا د ونډه والو هغه ته نه لاس رسی، د غونډې د تصمیمونو اعتبار نه اغېزمنوي .

د ونډه والو د رایې حق یو اتیایمه ماده :

(۱) هر ونډه وال د خپلې ونډې په تناسب د یوې رایې حق لري، د دی مادی په (۲ او ۳) فقره کې د درج شوو حالاتو یا نورو حالاتو په استثنی چې د سهامی شرکت په اساسنامه کې درج شوی وي .

سهام هر سهامدار ترتیب و اړانه می نماید، این فهرست بمنظور ملاحظه سهامدار در مورد اجندای جلسه دو روز قبل از اطلاع دهی درمورد جلسه مجمع عمومی و یا در خلال جلسه قابل دریافت می باشد.

(۲) هرگاه جلسه از طریق ارتباطات فاصله دور (الکترونيکي) تدویر یابد، فهرست متذکره از طریق شبکه مناسب و قابل دسترسی برای ملاحظه سهامداران آماده و معلومات لازم جهت دسترسی به فهرست در اطلاعیه جلسه درج می باشد.

(۳) امتناع از ترتیب فهرست و یا عدم دسترسی سهامداران به آن، اعتبار تصامیم جلسه را متاثر نمی سازد.

حق رأی سهامداران ماده هشتاد و یکم:

(۱) هر سهامدار به تناسب سهم خود حق يك رأی را دارد، به استثنای حالات مندرج فقره های (۲ و ۳) این ماده یا سایر حالتیکه در اساسنامه شرکت سهامی درج شده باشد.

(۲) که چہرې د سهامی شرکت ونډې په مستقیمه یا غیر مستقیمه توګه د بل کورني یا بهرني سهامی شرکت ملکیت وي ، پدې صورت کې د نوموړو ونډو ونډه وال د رایې حق نلري ، که څه هم چې د شرکت د اکثریت ونډو خاوند وي ، دغه امر په رایه اخیستننه کې د ونډو د شمولیت په اړه د سهامی شرکت واک چې د هغو په واسطه د امین په توګه ساتل شوی دی ، نه محدود وي .

(۳) د بیا پېرودنې وړ ونډو ونډه وال ، اړوندو ونډه والو ته د بیا پېرودنې په هکله د پستې خبرتیا له استولو او د نوموړې بیا پېرودنې د بیې د ورکړې په اړه د پرېکنده (قطعي) ژمنې له مخې ، د هغو د بیا پېرودنې لپاره بانک یا نورو مالي مؤسسو ته د کافي مبالغو له تودیع وروسته ، د رایې د حق لرونکی ندی .

په رایه اخیستننه کې ګډون کول دوه اتیایمه ماده :

(۱) ونډه وال کولای شي پخپله یا د وکیل له لارې د خپلو ونډو په رایه اخیستننه کې ګډون

(۲) هرګاه سهام شرکت سهامی بطور مستقیم یا غیر مستقیم ملکیت شرکت سهامی داخلی یا خارجی دیگر باشد ، در این صورت سهامدار سهام مذکور حق رأی را ندارد ، گرچه مالک اکثریت سهام شرکت باشد ، این امر صلاحیت شرکت سهامی را مبنی بر شمولیت سهام در رأی گیری که توسط آن بحیث امین حفظ شده است ، محدود نمی سازد .

(۳) سهامداران سهام قابل بازخريد بعد از ارسال اطلاعیه پستی در مورد بازخريد به سهامداران مربوط و توديع مبالغ کافی برای بازخريد آن به بانک یا مؤسسات مالی دیگر به تأسی از تعهد قطعی مبنی بر پرداخت قيمت بازخريد متذکره ، واجد حق رأی نمی باشند .

اشترک در رأی گیری ماده هشتاد و دوم :

(۱) سهامدار می تواند شخصاً یا از طریق وکیل در رأی گیری سهام خود اشترک

وکړی.

(۲) ونډه وال کولای شي په رایه اخستنه کې د گډون لپاره بل شخص د وکالت د فورم یا د الکترونیک پیغام په واسطه د خپل وکیل یا ممثل په صفت وټاکي . سهامی شرکت مکلف دی د قانوني وکیل یا ممثل رایه د مؤکل یا ممثل د رایې یا تصمیمونو په توګه ومني . په الکترونیک پیغام کې د وکیل یا ممثل په هکله د ونډه وال د منظوري اثباتوونکي معلومات شامل یا ضمیمه کېږي. د وکیل ټاکل هغه وخت اعتبار لري چې د وکیل د ټاکنې لاسلیک شوی فورم یا الکترونیکي پیغام د سهامی شرکت لخوا تر لاسه شي . د وکیل ټاکل د هغې مودی لپاره د اعتبار وړ دی چې د اړخونو د موافقې وړ وي .

(۳) د وکالت فورم د فسخ وړ وي ، خو دا چې په فورم یا الکترونیک پیغام کې یې د نه فسخ وړتیا درج شوې وي .

د وکالت د فورم پر بنسټ د وکیل ټاکل ، ددی مستلزم دی چې شرکت یې په وړاندې کافي قانوني ګټه

ورزد.

(۲) سهامدار می تواند جهت اشتراك در رأی گیری، شخص دیگری را ذریعۀ فورم وکالت یا توسط پیام الکترونیک به صفت وکیل یا ممثل خود تعیین نماید. شرکت سهامی مکلف است رأی وکیل و یا ممثل قانونی را بحیث رأی یا تصمیم مؤکل یا ممثل قبول نماید. در پیام الکترونیک معلومات اثبات کننده منظوری سهامدار در مورد تعیین وکیل یا ممثل شامل یا ضم می شود. تعیین وکیل زمانی اعتبار دارد که فورم امضاً شده و یا پیام الکترونیکي تعیین وکیل توسط شرکت سهامی دریافت شود. تعیین وکیل برای مدتی قابل اعتبار می باشد که مورد توافق طرفین باشد.

(۳) فورم وکالت قابل فسخ می باشد، مگر اینکه در فورم و یا پیام الکترونیک عدم قابلیت فسخ آن درج باشد.

تعیین وکیل به اساس فورم وکالت، مستلزم آنست که شرکت بالمقابل منفعت کافی قانونی را

ونده وال ته په پام کې ونیسي. د وکیل ټاکل چې د دی مادی د حکم پر بنسټ په نه فسخ وړ توګه صورت ومومي، په هغو حالاتو کې چې ګټې له هغه سره یو ځای پای مومي، لغو کېږي، له ګټو سره د ضمیمې په توګه د وکیل د ټاکلو په مواردو کې لاندې اشخاص شامل دي:

۱- د سهامی شرکت دایین چې دین تر ټاکلو شرایطو لاندې ورکړی.

۲- د سهامی شرکت کارکوونکي چې د استخدام قرارداد یې د دی امر مستلزم وي.

۳- د رایې ورکونې د موافقه لیک عاقد چې د دی قانون د حکمونو مطابق عقد منعقدوي.

(۴) د شرکت په چارو کې د هغه ونډه وال مړینه یا د اهلیت سلبېدل چې وکیل یا ممثل ټاکي، د ونډه وال د مړینې یا د اهلیت د سلبېدو په هکله د شرکت د خبرېدو تر وخته د وکیل د واک د منلو په اړه د شرکت په چارو کې اغېزه نلري.

هغه شخص چې ونډې له وکیل څخه پېري، که چېرې پر ونډو

به سهامدار در نظر گیرد. تعیین وکیل که به تأسی از حکم این ماده طور غیر قابل فسخ صورت گیرد، در حالاتیکه منافع همراه با آن خاتمه می یابد، لغو می گردد. موارد تعیین وکیل بصورت ضمیمه با منافع، شامل اشخاص ذیل می باشد:

۱- دایین شرکت سهامی که دین را تحت شرایط معینه اعطاء کند.

۲- کارمند شرکت سهامی که قرارداد استخدام وی مستلزم این امر باشد.

۳- عاقد موافقتنامه رأی دهی که مطابق احکام این قانون عقد را منعقد می نماید.

(۴) وفات یا سلب اهلیت سهامداریکه وکیل یا ممثل را تعیین می کند، در امور شرکت سهامی مبنی بر قبول نمودن صلاحیت وکیل الی زمان اطلاع شرکت در مورد وفات یا سلب اهلیت سهامدار تاثیر ندارد.

شخصی که سهام را از وکیل خریداری می نماید، هرگاه

باندی د تملک په وخت کې، د وکیل د ټاکلو په هکله خبرتیا و نلري یا دا چې د ونډې په تصدیق پانډه کې تصریح شوی نه وي، پدی صورت کې کولای شي د وکیل ټاکل فسخ کړي.

د سندونو اعتبار

دري اتيایمه ماده :

که چېرې د رایې پانډه، موافقه لیک، د انصراف یا د وکیل د ټاکنې سند د ونډه وال له نوم او لاسلیک سره مطابقت ولري، سهامی شرکت کولای شي هغو ته اعتبار ورکړي. د پورتنیو مطالبو د نه مطابقت په صورت کې، شرکت کولای شي، د رایې پانډه، موافقه لیک، د انصراف یا د وکیل د ټاکنې سند په لاندې احوالو کې د ونډه وال د تصمیم په توګه ومنې :

۱- په هغه صورت کې چې ونډه وال حکمي شخصیت وي او سند د هغه د مامور یا واکمن استازي لخوا لاسلیک شوی وي .

۲- نوم او لاسلیک د لاندې اشخاصو وي :

- ولي، وصي یا هغه قیم چې له ونډه وال څخه استازیتوب کوي،

د زمان تملک بر سهام در مورد تعیین وکیل آگاهی نداشته یا اینکه در تصدیقنامه سهم تصریح نشده باشد، در این صورت می تواند تعیین وکیل را فسخ نماید.

اعتبار اسناد

ماده هشتاد و سوم:

هرگاه ورقه رأی، موافقتنامه، سند انصراف یا تعیین وکیل با اسم و امضای سهامدار مطابقت داشته باشد، شرکت سهامی میتواند آنرا مدار اعتبار قرار دهد. در صورت عدم مطابقت مطالب فوق، شرکت می تواند ورقه رأی، موافقتنامه، سند انصراف یا تعیین وکیل را در احوال ذیل به حیث تصمیم سهامدار قبول نماید:

۱- در صورتی که سهامدار شخصیت حکمی باشد و سند توسط مامور یا نماینده ذیصلاح آن امضاء شده باشد.

۲- اسم و امضاء از اشخاص ذیل باشد:

- ولی، وصی یا قیمی که از سهامدار نمایندگی می نماید ،

پدی شرط چي د سهامی شرکت غوښتنلیک د رایي د پانې، د موافقه لیک، له حق څخه د انصراف د سند او د وکیل د ټاکنې د سند په هکله شرکت ته د امین توب د منلو وړ، اثباتیه مدرک وړاندی کړی وي .

- د ونډه وال د تصفیې مدیر یا د افلاس امین وي .

- هغه شخص چي ونډه وال ورته وکالت خط ورکړی وي .

۳- په هغه صورت کي چي دوه یا له دوو څخه زیات اشخاص دگډو (مشترک) مالکانو یا د ونډه وال د امین په توگه وي اولر تر لږه له گډو مالکانو یا امین څخه یوهغه لاسلیک یا یي په هکله تصمیم ونیسي .

- په هغه صورت کي چي منشي د رایي په پانه، موافقه لیک، له حق څخه د انصراف یا د وکیل د ټاکنې په سند کي د موجود لاسلیک د سموالی (صحت) په هکله یا د لاسلیک کوونکي او ونډه وال د استازي د واک په اعتبار کي زیاته بدگماني ولري، شرکت کولای شي هغه رد کړي . پدی صورت کي سهامی شرکت او مامور یا د هغو

مشروط براینکه درخواست شرکت سهامی، مدرک اثباتیه صلاحیت امین بودن را بشکل قابل قبول شرکت در مورد ورقه رأی، موافقتنامه، سند انصراف از حق و یا سند تعیین وکیل ارائه نموده باشد .

- مدیر تصفیه یا امین افلاس سهامدار باشد .

- شخصی که سهامدار به وی وکالت خط داده باشد .

۳- در صورتی که دو یا بیش از دو شخص به حیث مالکین مشترک یا به حیث امین سهامدار باشند و حد اقل یکی از مالکین مشترک یا امین آنرا امضاء و یا درمورد تصمیم اتخاذ نماید .

- در صورتیکه منشی در مورد صحت امضای موجود در ورقه رأی، موافقتنامه، سند انصراف از حق یا تعیین وکیل و یا در اعتبار صلاحیت امضاء کننده یا نماینده سهامدار، سوء ظن غالب داشته باشد، شرکت می تواند آنرا رد نماید. در این صورت شرکت سهامی و مامور یا

استازي له هغو څخه د راپيدا شوو زیانونو چې پرونده وال وارد شي مسئولیت نلري.

د غونډې نصاب

څلور اتیایمه ماده :

(۱) د ونډه والو د مجمع د غونډو نصاب په اساسنامه کې ټاکل کېږي، پدې شرط چې نصاب په غونډه کې په ټاکلې یا واحد موضوع کې د تصمیم د نیولو د رایې د حق د لرونکو ونډو د شمېر له څلورمې څخه لږ نه وي. په هغه صورت کې چې د غونډو نصاب په اساسنامه کې اټکل شوی نه وي، نصاب د دی قانون د حکمونو مطابق ټاکل کېږي.

(۲) که چېرې د ونډه والو د عمومي مجمع د غونډو نصاب، د شرکت په اساسنامه کې اټکل شوی نه وي، لاندې موارد د تطبیق وړ دي:

۱- د رایې د حق لرونکو ونډه والو د ونډو اکثریت چې پخپله یا د وکیل له لارې په غونډه کې حاضر وي، د ونډه والو د مجمع کلنی نصاب جوړوي.

۲- د هغو ونډه والو چې پخپله یا

نمایندگان آنها مسئولیت ناشی از خسارات آنها که بر سهامدار وارد گردد، ندارد.

نصاب جلسه

ماده هشتاد و چهارم :

(۱) نصاب جلسات مجمع سهامداران در اساسنامه تعیین می گردد، مشروط بر اینکه نصاب از ربع تعداد سهام واجد حق رأی در موضوع معین یا واحد حق اتخاذ تصمیم در جلسه، کمتر نباشد. در صورتی که نصاب جلسات در اساسنامه پیش بینی نگردیده باشد، نصاب مطابق احکام این قانون تعیین می گردد.

(۲) هرگاه نصاب جلسات مجمع عمومی سهامداران در اساسنامه شرکت پیش بینی نشده باشد، موارد ذیل قابل تطبیق است:

۱- اکثریت سهام سهامداران واجد حق رأی که شخصاً یا از طریق وکیل در جلسه حاضر باشد، نصاب مجمع سالانه سهامداران را تشکیل می دهد.

۲- رأی موافق اکثریت سهام

د وکیل له لارې په غونډه کې حاضر یا له نورو لورو څخه په رایه اخیستنه کې د گډون د حق لرونکی وي د اکثریت ونډو موافقه رایه، د ونډه والو په تصمیم کې د اعتبار وړ گڼل کېږي. د مدیره هیئت د غړو غوره کول لدی امر څخه مستثنی دی.

۳- د مدیره هیئت غړي، د هغو ونډه والو چې پخپله یا د وکیل له لارې په غونډه کې حاضر او په رایه اخیستنه کې د گډون د حق لرونکی وي، د ونډه والو د رایو د نسبي اکثریت په واسطه غوره کېږي.

۴- که چېرې د ونډې په اندازه، ونډه وال په مشخص صنف یا ردیف وېشل شوی وي، په هغه صورت کې چې د صنف یا ردیف جلا رایې ته اړتیا ولیدله شي، د صنف یا ردیف د صادرو او پلورل شوو ونډو اکثریت او چې پخپله یا د وکیل له لارې حاضر وي د رایې اخیستنې نصاب بشپړ وي. پدی صورت کې د نوموړي صنف یا ردیف د ونډه والو د ونډو اکثریت موافقې رایې چې پخپله یا د وکیل له لارې په غونډه کې

سهمدارانیکه شخصاً یا از طریق وکیل در جلسه حاضر یا از جهات دیگر واجد حق اشتراک در رأی گیری باشد، در تصمیم سهامداران قابل اعتبار پنداشته می شود. انتخاب اعضای هیئت مدیره از این امر مستثنی است.

۳- اعضای هیئت مدیره توسط اکثریت نسبی آرای سهامداران که شخصاً یا از طریق وکیل در جلسه حاضر و واجد شرایط اشتراک در رأی گیری باشند، انتخاب می گردند.

۴- هرگاه نظر به اندازه سهم، سهامداران به صنف یا ردیف مشخص تقسیم شده باشند در صورتی که به رأی جداگانه صنف یا ردیف ضرورت احساس شود، اکثریت سهام صادره و فروخته شده صنف یا ردیف که شخصاً یا از طریق وکیل حاضر باشد نصاب رأی دهی را تکمیل می نماید. در این صورت رأی موافق اکثریت سهامداران سهام صنف یا ردیف متذکره که شخصاً یا از طریق وکیل در جلسه حاضر

حاضر وي ، د صنف يا ردیف
تصميم گڼل کېږي .

(۳) که چېرې د غونډې نصاب بشپړ نشي ، د ونډه والو عمومي مجمع د مديره هيئت لخوا ، د نېټې تر ټاکلو پورې ځنډېږي . په هغو حالاتو کې چې د وروستۍ غونډې نېټه ، وخت او ځای د ونډه والو د مجمع د غونډې له ځنډېدو (تعطيل) د مخه اعلان شوې نه وي ، پدې صورت کې ونډه وال له وروستۍ غونډې څخه ددې قانون د حکمونو مطابق خبرول کېږي .

(۴) په هغه صورت کې چې د ونډه والو په عمومي مجمع کې د ونډه وال له ونډې څخه استازيتوب صورت ومومي او نصاب بشپړ شي ، غونډه دايرېږي . که چېرې د ونډه وال استازی په هر علت غونډه ترک کړي ، په نصاب کې يې اغېزه نلري ، خو دا چې د ځنډول شوې غونډې په هلکه د ثبت نوې نېټه و ټاکل شي .

**د مديره هيئت د غړو غوره کېدل
پنځه اتيايمه ماده :**

(۱) د مديره هيئت غړي د ليکلو رايو د پاڼو پر بنسټ غوره کېږي ،

باشند ، تصميم صنف يا ردیف
پنځه اته می شود .

(۳) هرگاه نصاب جلسه تکمیل نگردد ، مجمع عمومی سهامداران از طرف هیئت مدیره الی تعیین تاریخ ، معطل می گردد . در حالاتیکه تاریخ ، وقت و محل جلسه بعدی قبل از تعطیل جلسه مجمع سهامداران اعلان نشده باشد ، در این صورت سهامداران از جلسه بعدی طبق احکام این قانون مطلع گردانیده می شوند .

(۴) در صورتی که از سهم سهامدار در مجمع عمومی سهامداران نمایندگی صورت گیرد و نصاب تکمیل شود ، جلسه دایر می گردد . هرگاه نماینده سهامدار به هر علتی جلسه را ترک نماید ، در نصاب آن تاثیر ندارد ، مگر اینکه تاریخ جدید ثبت در مورد جلسه تعطیل شده ، تعیین گردد .

**انتخاب اعضای هیئت مدیره
ماده هشتاد و پنجم :**

(۱) اعضای هیئت مدیره به اساس اوراق آرای کتبی انتخاب

خو دا چې د شرکت په اساسنامه یا کورنیو قواعدو کې بل ډول تصریح شوی وي. دمدیره هیئت دمنظورۍ په صورت کې، د لیکلو رایو پانې په الکترونیک پیغام کې د رایو په استولو سره، ددی قانون د حکمونو مطابق صورت موندلی شي .

(۲) دمدیره هیئت غړي د حاضرو رایو په نسبي اکثریت سره غوره کېږي، خو دا چې د شرکت په اساسنامه یا کورنیو قواعدو کې بل ډول تصریح شوی وي .

(۳) ونډه وال نشي کولای دمدیره هیئت د غړو د غوره کېدو په منظور له مضاعفو رایو څخه ګټه واخلي، خو دا چې په اساسنامه کې بل ډول تصریح شوی وي .

پدی منظور مضاعفه رایه اخیستنه هغه عملیه ده چې په هغې کې ونډه وال مشخص حق لري خو د خپلو اړوندو رایو شمېر دمدیره هیئت د هغو غړو په شمېر کې ضرب کړی چې ورته رایه ورکولی شي او وروسته د رایو ټولیز شمېر (د ضرب حاصل) واحد کاندید ته ورکړی یا هغه د دوو یا له دوو څخه د زیاتو کاندیدانو ترمنځ

می شونډ، مګر اینکه در اساسنامه یا قواعد داخلی شرکت طور دیگری تصریح شده باشد. در صورت منظوری هیئت مدیره، اوراق آرای کتبی با ارسال آرا در پیام الکترونیک طبق احکام این قانون صورت گرفته می تواند.

(۲) اعضای هیئت مدیره به اکثریت نسبی آرای حاضر انتخاب می گردند، مگر اینکه در اساسنامه یا قواعد داخلی شرکت طور دیگری تصریح شده باشد.

(۳) سهامداران نمی توانند بمنظور انتخاب اعضای هیئت مدیره از رأی مضاعف استفاده نمایند، مگر اینکه در اساسنامه طور دیگری تصریح شده باشد.

رأی دهی مضاعف بدین منظور عملیه ای است که در آن سهامداران حق مشخص دارند تا تعداد آرای مربوط خود را ضرب تعداد اعضای هیئت مدیره نمایند که برای شان رأی داده میتوانند و بعداً تعداد مجموعی آرا (حاصل ضرب) را به کاندید واحد بدهند یا آنرا میان دو یا بیش از دو کاندید تقسیم

ووبشي .

نمايند .

د پلټونکي ټاکل

شپړا تيايمه ماده :

(۱) سهامی شرکت کولای شي د ونډه والو د مجمع په غونډو کې د رایې ورکونې د عملیې د چارو د تنظیم په منظور یو یا له یوه څخه زیات کسان د پلټونکي یا اداره کوونکي په توګه وټاکي ، د پلټونکي یا اداره کوونکي دندې د مدیره هیئت لخوا مشخصېږي .

(۲) پلټونکي یا اداره کوونکي مدیره هیئت ته د لیکلې رپوټ په وړاندې کولو مکلف دی .

د سندونو ساتل

اووه اتيايمه ماده :

(۱) سهامی شرکت کولای شي د ونډو ، حسابي دفترانو او د غونډو د پېښلیک په شمول د شرکت اړوند سندونه له زېرمه ایز میتود څخه په ګټې اخیستنې سره وساتي ، پدې شرط چې په لیکلې ، واضح ، لوستي (خوانا) توګه د ګټې اخیستنې وړ وي .

(۲) سهامی شرکت مکلف دی د پلټنې د واکمنو اشخاصو د غوښتنې په وخت کې ، د دی مادی

تعیین مفتش

ماده هشتاد و ششم :

(۱) شرکت سهامی می تواند بمنظور تنظیم امور عملیه رأی دهی در جلسات مجمع سهامداران يك يا بیش از يك نفر را بحیث مفتش یا اداره کننده تعیین نماید ، وظایف مفتش یا اداره کننده از طرف هیئت مدیره مشخص می گردد .

(۲) مفتش یا اداره کننده مکلف به ارایه کتبی گزارش به هیئت مدیره می باشد .

حفاظت اسناد

ماده هشتاد و هفتم :

(۱) شرکت سهامی می تواند اسناد مربوط به شرکت بشمول دفاتر سهام ، حسابی و رویداد جلسات را با استفاده از میتود های ذخیره وی حفظ نماید ، مشروط براینکه طور کتبی ، واضح ، خوانا و قابل استفاده باشد .

(۲) شرکت سهامی مکلف است حین تقاضای اشخاص ذیصلاح تفتیش ، اسناد حفظ شده

په (۱) فقره کې درج ساتل شوی سندونه ، د دی قانون د حکمونو مطابق د هغوی په واک کې ورکړی. دغه سندونه په ټولو مواردو کې د اثباتیه مدرکونو په توګه د قطعي اصلي سند حیثیت لري ، پدی شرط چې سند په لیکلي ډول او دقیق ترتیب شوی وي.

(۳) هر ونډه وال کولای شي پخپله یا د وکیل یا قانوني استازي په واسطه ، د لیکلي غوښتنې په اثر د شرکت د ونډو دفتر ، د ونډه والو فهرست او نور سندونه، مناسبو موخو ته د لاس رسۍ په منظور ، د کاري معمولو ساعتونو په ترڅ کې وپلټي او فهرست یا نقل یې لاسته راوړي .

د دی مادی په مفهوم مناسبه موخه له هغې موخې څخه عبارت ده چې په معقوله توګه د شرکت د ونډه وال له ګټو سره تړلې وي. په هغه صورت کې چې د پلټنې غوښتونکی شخص د ونډه وال وکیل یا استازي وي، غوښتنه یې په هغه صورت کې منل کېږي چې د استازیتوب اثباتونکی وکالت خط یا نور سندونه یې

مندرج فقره (۱) این ماده را مطابق احکام این قانون به دسترس آنها قرار دهد. این اسناد به حیث مدارک اثباتیه در تمام موارد حیثیت سند اصلی قطعی را دارد، مشروط بر اینکه سند به شکل کتبی و دقیق ترتیب شده باشد.

(۳) هر سهامدار می تواند شخصاً یا توسط وکیل یا نماینده قانونی خود بالاتر درخواست کتبی، دفتر سهام، فهرست سهامداران و سایر اسناد شرکت را بمنظور دسترسی به اهداف مناسب در خلال ساعات معمول کاری تفتیش نموده فهرست یا رونویس آن را بدست آورد.

هدف مناسب به مفهوم این ماده عبارت از هدفی است که بصورت معقول به منافع سهامدار شرکت مربوط باشد. در صورتی که شخص خواهان تفتیش وکیل یا نماینده سهامدار باشد، تقاضای وی در صورتی پذیرفته می شود که وکالت خط یا سایر اسناد اثبات کننده نمایندگی را ارائه نموده باشد. هر سهامدار می تواند

وړاندې کړې وي، هر ونډه وال کولای شي، د دې قانون د حکمونو او پکې د درج شوو محدودیتونو له پام کې نیولو سره د ونډو دفتر، د ونډه والو فهرست یا په الکترونیک شبکو کې (چې د شرکت لخوا برابر شوی وي) نور دفترونه او سندونه، وپلټي.

(۴) د مدیره هیئت غړي کولای شي د شرکت د ونډو دفتر، د ونډه والو فهرست او نور دفترونه او سندونه د هغو موخو د ترلاسه کولو لپاره چې له دندې سره یې تړاو لري، وگوري.

(۵) سوداگریزه محکمه کولای شي د مدیره هیئت د غړي یا ونډه والو د پلټنې په هکله تجویز ونیسي.

د رأیو تولیت

اته اتیایمه ماده:

(۱) یو یا له یوه څخه زیات ونډه وال کولای شي د رأیې ورکونې تولیت رامنځته کړي او د رأیې حق او د اړوند تمثیل نور ډولونه د لیکلې موافقې په واسطه چې د تولیت د شرایطو لرونکې وي، امین شخص ته وسپاري او خپلې ونډې هغه ته ولېږدوي. کله چې د

با رعایت احکام این قانون ومحدودیت های مندرج آن، دفتر سهام، فهرست سهامداران ویا سایر دفاتر و اسناد ثبت شده در شبکه های الکترونیک را (که توسط شرکت تهیه شده باشد)، تفتیش نماید.

(۴) اعضای هیئت مدیره می تواند دفتر سهام، فهرست سهامداران و سایر دفاتر و اسناد شرکت را بمنظور برآورده ساختن اهدافی که به وظیفه وی ارتباط دارد، ملاحظه نماید.

(۵) محکمه تجارتي می تواند درمورد تفتیش عضو هیئت مدیره یا سهامداران تجویز اتخاذ نماید.

تولیت آرا

ماده هشتاد و هشتم:

(۱) يك يا بیش از يك سهامدار می تواند تولیت رأی دهی را ایجاد و حق رأی و سایر اشکال تمثیل مربوط را توسط موافقتنامه کتبی که حاوی شرایط تولیت باشد، به شخص امین بسپارد و سهام خود را به وی انتقال دهد. زمانیکه موافقتنامه تولیت آرا امضاً

رأیو د تولیت موافقه لیک لاسلیک شي، امین شخص په تولیت کې د گټو لرونکو ټولو اشخاصو نومونه او آدرس او د فهرست او موافقه لیک نقل د سهامی شرکت اصلي دفتر ته سپاري .

(۲) د رأیې ورکونې د تولیت موافقه لیک له هغې نېټې څخه اعتبار مومي چې لومړنۍ ونډې د امین شخص په نوم ثبتېږي . د رأیې ورکونې د تولیت موده له لسو کلونو څخه نشي زیاتېدی . خودا چې زیات نه زیات د (۱۰) نورو کلونو لپاره تمدید شي. تمدید شوی سند د سهامی شرکت اصلي دفتر ته هم سپارل کېږي .

د رأیې ورکونې موافقه لیک نهه اتیایمه ماده :

دوه یا له دوو څخه زیات ونډه وال کولای شي د ونډو د رأیې ورکونې د ډولونو په هکله موافقه لیک عقد کړي .

د ادارې او سوداګرۍ د چارو د موافقه لیک عقدول نوي یمه ماده :

(۱) ونډه وال کولای شي د سهامی شرکت د واکونو یا د ادارې او

ګرځد، شخص امین فهرست اسامی و آدرس تمام اشخاص دارنده منافع در تولیت را ترتیب و نقل فهرست و موافقتنامه را به دفتر اصلی شرکت سهامی می سپارد .

(۲) موافقتنامه تولیت رأی دهی از تاریخی اعتبار کسب می کند که نخستین سهام به نام شخص امین ثبت می گردد. موعده تولیت رأی دهی برای بیشتر از ده سال بوده نمی تواند، مگر اینکه برای مدت حد اکثر (۱۰) سال دیگر تمدید گردد. سند تمدید شده به دفتر اصلی شرکت سهامی نیز سپرده می شود.

موافقتنامه رأی دهی ماده هشتاد و نهم:

دو یا بیش از دو سهامدار می توانند درمورد شیوه های رأی دهی سهام، موافقتنامه را عقد نماید.

عقد موافقتنامه اداره امور و تجارت ماده نودم :

(۱) سهامداران می توانند درمورد صلاحیت ها یا اداره امور و

سوداگری د چارو په هلکه ، د ونډه والو ، مدیره هیئت یا سهامی شرکت ترمنځ موافقه لیک عقد کړی .

(۲) د دی مادی په (۱) فقره کې درج شوی موافقه لیک ، په لاندی سندونو کې درجېږي :

۱- اساسنامه یا کورني قواعد چې د ټولو هغو اشخاصو لخوا چې د موافقه لیک د عقد په وخت کې ونډه وال وي او هغه ئې لاسلیک کړی وي .

۲- هغه لیکلی موافقه لیک چې د عقد په وخت کې د ټولو ونډه والو لخوا لاسلیک او سهامی شرکت ته خبر ورکول شوی وي .

پدی ماده کې درج شوی د ونډه والو موافقه لیک یوازې د هغو اشخاصو په واسطه تعدیلېږي چې د تعدیل په وخت کې ونډه وال وي. دغه موافقه لیک د لسو کلونو لپاره د اعتبار وړ دی، خو دا چې په موافقه لیک کې بل ډول تصریح شوی وي .

(۳) د دی مادی په (۲) فقره کې درج شوی موافقه لیک موجودیت، هغه وخت د اعتبار وړ ګڼل کېږي

تجارت شرکت سهامی، موافقتنامه را میان سهامداران، اعضای هیئت مدیره یا شرکت سهامی عقد نمایند.

(۲) موافقتنامه مندرج فقره (۱) این ماده در اسناد ذیل درج می گردد:

۱- اساسنامه یا قواعد داخلی که توسط تمام اشخاصی که حین عقد موافقتنامه سهامدار بوده و آن را امضا کرده باشند .

۲- موافقتنامه کتبی که از طرف تمام سهامداران حین عقد امضا و به شرکت سهامی اطلاع داده شده باشد.

موافقتنامه سهامداران مندرج این ماده صرف توسط اشخاصی تعدیل می گردد که حین تعدیل سهامدار باشند. این موافقتنامه برای مدت ده سال قابل اعتبار بوده، مگر اینکه در موافقتنامه طور دیگری تصریح شده باشد.

(۳) موجودیت موافقتنامه مندرج فقره (۲) این ماده زمانی قابل اعتبار پنداشته می شود که در

چې په اساسنامه او د هر سند پر مخ او تندی (ظهر) باندې ذکر شوی وي. د ونډې په سند یا د معلوماتو په سند کې د موافقه لیک د موجودیت نه درجېدل د موافقه لیک یا نیول شوو تدبیرونو د اعتبار د اغېزمنېدو باعث نه کېږي. که چېرې مشتري د ونډو د پېرودلو په وخت کې د موافقه لیک په هکله خبرتیا ونلري، کولای شي بیع فسخ کړي. په هغه صورت کې چې موافقه لیک د ونډې په سند کې درج وي، مشتري د نوموړي موافقه لیک په هکله خبر گڼل کېږي. د بیع د فسخ د حق په اړه ادعا د موافقه لیک د موجودیت په هکله له خبرېدو وروسته په (۹۰) ورځو یا د ونډو له پېرودنې وروسته د دوو کلونو په ترڅ کې (هر یو چې مقدم وي) صورت موندلای شي.

(۴) ونډه وال کولای شي د موافقه لیک په عقدولو سره، د مدیره هیئت واک محدود کړي او هغه بل شخص ته ولېږدوي. پدې صورت کې هغه شخص چې واک ورته سپارل شوی د خپل

اساسنامه و روی و ظهر هر سند ذکر گردیده باشد. عدم درج موجودیت موافقتنامه در سند سهم یا سند معلومات سبب متاثر شدن اعتبار موافقتنامه یا تدابیر اتخاذ شده نمی گردد. هرگاه مشتری حین خرید سهام در مورد موافقتنامه اطلاع نداشته باشد، می تواند بیع را فسخ نماید. در صورتی که موافقتنامه در سند سهم درج باشد، مشتری در مورد موافقتنامه متذکره مطلع پنداشته می شود. ادعای مبنی بر حق فسخ بیع الی (۹۰) روز بعد از آگاهی در مورد موجودیت موافقتنامه یا در خلال دو سال بعد از خرید سهام (هر کدام که مقدم باشد) صورت گـرفـرته می تواند.

(۴) سهامداران می توانند با عقد موافقتنامه، صلاحیت هیئت مدیره را محدود و آنرا به شخص دیگری انتقال دهند. در این صورت شخصی که به وی تفویض صلاحیت صورت گرفته، در حدود

واک په حدودو کې مسئول ګڼل کېږي .

(۵) د دی مادی په حکمونو کې د درج شوی موافقه لیک موجودیت یا تطبیق پر ونډه وال باندی داسې اغېزه نلري چې شخصي مسئولیت، تصمیمونه یا د سهامی شرکت دیون په غاړه واخلي، که څه هم چې سهامی شرکت د موافقه لیک یا یې د تطبیق پر بنسټ د تضامني شرکت په توګه وګڼل شي، پدی شرط چې په موافقه لیک کې د درج شوو موضوعګانو په نورو حالاتو کې د سهامی شرکتونو کورني قواعد تطبیق او په پام کې نیول شوی نه وي .

صلاحیت خود مسئول پنداشته می شود .

(۵) موجودیت یا تطبیق موافقتنامه مندرج احکام این ماده تأثیری بالائی سهامدار نداشته که مسئولیت شخصی، تضامیم و یا دیون شرکت سهامی را بدوش گیرد، ولو اینکه شرکت سهامی به تأسی از موافقتنامه یا تطبیق آن به حیث شرکت تضامنی تلقی گردد، مشروط براینکه قواعد داخلی شرکت های سهامی در سایر حالات موضوعات مندرج موافقتنامه تطبیق و رعایت نگردیده باشد .

یوولسم فصل

د ونډه والود ونډو د ګټې وېش

د پانګې اعلان

یو نوي یمه ماده :

مدیره هیئت کولای شي د دی قانون او د شرکت د اساسنامې د حکمونو له په پام کې نیولو سره ، د شرکت د پانګه ایزو ونډو ګټه اعلان او د شرکت لخوا یې د ورکړې زمینه برابره کړی .

فصل یازدهم

توزیع مفاد سهام سهامداران

اعلان سرمایه

ماده نود و یکم :

هیئت مدیره می تواند با نظر داشت احکام این قانون و اساسنامه شرکت، مفاد سهام سرمایوی شرکت را اعلان و زمینه تأدیه آنرا از طرف شرکت فراهم سازد .

د وندو د گټې وېش

دوه نوي يمه ماده :

(۱) سهامی شرکت نشي کولای په لاندی حالاتو کې د وندو گټه ووېشي :

۱- په هغه صورت کې چې سهامی شرکت د واجب الادا دیونو په ورکړې باندی قادر نه وي .

۲- په هغه صورت کې چې د سهامی شرکت شتمني، د شرکت د دیونو له ټولې (مجموع) څخه لږ وي .

۳- په هغه صورت کې چې د موجودو وندو زېرمه ایزه پانگه د وندو د مجموع په سلو کې له پنځو څخه لږ وي .

(۲) که چېرې گټه د دی مادی د (۱) فقرې د حکم مغایر غیر قانوني ووېشل شي، د دی قانون د نهه څلوېښتمې مادی حکم پدی هکله تطبیقېږي .

(۳) د سهامی شرکت د انحلال په صورت کې، د وندو د گټې د وېشلو په وخت، د وندو د گټې د ترلاسه کوونکو اشخاصو په نسبت د رجحان د حق لرونکو اشخاصو د حقوقو د تأمینېدو لپاره، د

توزیع مفاد سهام

ماده نود و دوم :

(۱) شرکت سهامی نمی تواند درحالات ذیل مفاد سهام را توزیع نماید :

۱- در صورتی که شرکت سهامی قادر به پرداخت دیون واجب الادا نباشد .

۲- در صورتی که دارایی شرکت سهامی کمتر از مجموع دیون شرکت باشد .

۳- در صورتی که سرمایه ذخیروی سهام موجود کمتر از پنج فیصد مجموعی سهام باشد .

(۲) هرگاه مفاد مغایر حکم فقره (۱) این ماده غیر قانونی توزیع شود، حکم ماده چهل و نهم این قانون در مورد تطبیق می گردد .

(۳) در صورت انحلال شرکت سهامی در زمان توزیع مفاد سهام برای تأمین حقوق اشخاص دارنده حق رجحان نسبت به اشخاص دریافت کننده مفاد

لومړيتوب حق ورکول کېږي، خو دا چې په اساسنامه کې بل ډول اټکل شوی وي .

احتياطي پانگه

دري نوي يمه ماده :

د گټو په وېش کې لږ تر لږه په سلو کې پنځه يې د احتياطي پانگې په نوم د شرکت د احتمالي ضررونو د جبران لپاره ساتل کېږي . احتياطي پانگه چې پدغه ډول ټولېږي (که په اساسنامه کې د هغې د زياتېدو په هکله صراحت موجود نه وي) وروسته تر دې چې د شرکت د پانگې څلورمې (ربعي) ته ورسېږي نورنو کوم مبلغ نه ساتل کېږي .

که د ونډو بيه د هغو له ټاکلو بيو څخه زياته وي د بيو زياتگي هم ممکنه ده پر احتياطي پانگه وړ زياته شي ، وروسته تر دې چې احتياطي پانگه هغه مقدار ته چې په اساسنامه يا قانون کې ټاکل شوېده دوام ورکول کېږي .

سهام ، حق اوليت داده می شود ، مگر اینکه در اساسنامه طور دیگری تصریح شده باشد .

سرمایه احتیاطی

ماده نود و سوم :

در توزیع منافع اقلاً پنج فیصد آن بنام سرمایه احتیاطی برای جبران ضررهای احتمالی شرکت نگهداشته می شود . سرمایه احتیاطی که باین صورت جمع می شود (اگر در اساسنامه راجع به زیادت آن صراحتی موجود نباشد) بعد از آنکه به ربع سرمایه شرکت برسد دیگر مبلغی نگهداشته نمی شود .

اگر قیمت سهام از قیمت های معینه آنها زیادت باشد ، زیادگی قیمت نیز ممکن است به سرمایه احتیاطی علاوه شود ، بعد از آنکه سرمایه احتیاطی به مقداری که در اساسنامه یا قانون تعیین گردیده ، ادامه داده می شود .

د گټې ورکړه

څلور نوي يمه ماده :

د ونډو گټه په نغده او د مالونو په ډول يا د ونډو په شکل ورکول کېږي .

پرداخت مفاد

ماده نود و چهارم :

مفاد سهام بطور نقد و اموال يا به شکل سهام پرداخته شده می تواند .

دوو لسم فصل

د سهامی شرکت په جوړښت کې بنسټيز بدلولونه

فصل دوازدهم

تغييرات اساسی در ساختار شرکت سهامی

د اساسنامې تعديل

پنځه نوي يمه ماده :

(۱) د سهامی شرکت ونډه وال کولای شي په اړونده اساسنامه کې درج شوی حکمونه تعديل، تزئید او حذف کړي .

(۲) مدیره هیئت کولای شي د دی مادی په (۱) فقره کې درج شوی تعديل، تزئید او حذف له خپل تصویب وروسته د منظوری لپاره ونډه والو ته وړاندیز کړي . د رایې د حق لرونکی ونډه وال کولای شي د مدیره هیئت وړاندیز شوی تعديل، تزئید او حذف د رایو په اکثریت تصویب کړي .

(۳) د شرکت مدیره هیئت کولای شي لاندی تعدیلونه په اساسنامه

تعديل اساسنامه

ماده نود و پنجم :

(۱) سهامداران شرکت سهامی می توانند احکام مندرج اساسنامه مربوط را تعديل، تزئید و حذف نمایند .

(۲) هیئت مدیره می تواند تعديل، تزئید و حذف مندرج فقره (۱) این ماده را بعد از تصویب خویش جهت منظوری به سهامداران پیشنهاد نماید . سهامداران واجد حق رأی می توانند تعديل، تزئید و حذف پیشنهاد شده هیئت مدیره را به اکثریت آراء تصویب نمایند .

(۳) هیئت مدیره شرکت می تواند تعدیلات ذیل را در اساسنامه

کې د ونډه والو له منظوری پرته تصویب او منظور کړی، خو دا چې د شرکت په اساسنامه کې بل ډول تصریح شوی وي .

- د شرکت د اصلي لومړنیو غړو د نومونو او آدرسونو حذف .

- د لومړني مرکزي دفتر حذف .

- د مدیره هیئت د لومړنیو غړو یا لومړني مسئول استازي حذف (په هغه صورت کې چې د اوسنی مسئول استازي په هکله معلومات د مرکزي ثبت په دفتر کې ثبت وي).

د سهامی شرکت په پانگه کې زیاتوالی
شپږ نوي یمه ماده :

که چېرې مدیره هیئت د خپل لیکلي تصمیم پر بنسټ د سهامی شرکت د مجازې پانگې زیاتوالی (د صادرېدو وړ مجازو ونډو په شمېر کې) د زیاتوالی یا د ونډو د نوو صنفونو یا ردیف د رامنځته کولو له لارې وغواړي، پدې صورت کې مدیره هیئت مکلف دی موضوع د تصویب او رایې اخیستنې په غرض د شرکت د ونډه والو مجمع ته وړاندیز کړی، د مجازو ونډو صادرېدل، د دی

بدون منظوری سهامداران تصویب و منظور نماید، مگر اینکه در اساسنامه شرکت طور دیگری تصریح شده باشد:

- حذف اسامی و آدرس های اولین اعضای اصلی شرکت.

- حذف اولین دفتر مرکزی .

- حذف اولین اعضای هیئت مدیره یا اولین نماینده مسئول (در صورتی که معلومات در مورد نماینده مسئول فعلی در دفتر ثبت مرکزی ثبت باشد) .

افزایش در سرمایه شرکت سهامی
ماده نود و ششم :

هرگاه هیئت مدیره به اساس تصمیم کتبی خویش افزایش سرمایه مجاز شرکت سهامی را از طریق افزایش (در تعداد سهام مجاز قابل صدور) یا ایجاد صنوف یا ردیف جدید سهام تقاضا نماید، در اینصورت هیئت مدیره مکلف است موضوع را غرض تصویب و رأی گیری به مجمع سهامداران شرکت پیشنهاد نماید، صدور سهام مجاز با رعایت مواد

قانون په دیرشمه او یو دیرشمه ماده کې د درج شوو حکمونو له په پام کې نیولو سره تنظیمېږي.

احکام مندرج سی ام و سی و یکم این قانون تنظیم می گردد.

د تقدم (شفع) حق

اووه نوي یمه ماده :

د سهامی شرکت په مجازه پانگه کې د زیاتېدنې یا د اضافي ونډو د صادرېدو په صورت کې د شرکت موجود ونډه وال، د مجازې پانگې یا نوو صادرو شوو ونډو د پېرودنې د تقدم یا په هغو کې د گډون د ژمنې حق نلري، خو دا چې په اساسنامه کې بل ډول تصریح یا د مدیره هیئت لخوا بل ډول تصمیم نیول شوی وي.

حق تقدم (شفع)

ماده نود و هفتم :

در صورت افزایش در سرمایه مجاز شرکت سهامی یا صدور سهام اضافی، سهامداران موجود شرکت، حق تقدم خریداری سرمایه مجاز یا سهام صادر شده جدید و یا تعهد اشتراك در آنرا ندارند، مگر اینکه در اساسنامه طور دیگری تصریح یا از طرف هیئت مدیره طور دیگری تصمیم اتخاذ گردیده باشد.

دیارلسم فصل

د ونډې سندونه

فصل سیزدهم

اسناد سهم

د ونډې سندونه

اته نوي یمه ماده :

(۱) د ونډې د سندونو په واسطه د سهامی شرکت صادره او پلورل شوې ونډې، د شرکت د اساسنامې یا کورنیو قواعدو مطابق تثبیتېږي. د ونډې هر سند لږ تر لږه

اسناد سهم

ماده نود و هشتم :

(۱) سهام صادره و فروخته شده شرکت سهامی توسط اسناد سهم طبق اساسنامه یا قواعد داخلی شرکت تثبیت می گردد. هر سند سهم دربرگیرنده حد اقل اسم

دصادروونکي شرکت د نوم ، د شرکت د جوړېدو د قضايي حوزې، د محرزه بيې(اسمي ارزښت)، د هغه شخص د نوم چې ونډه يې په نوم صادرېږي او د صادرو شوو ونډو يا صنفونو د شمېر لرونکی وي او د سهامي شرکت د دوو واکمنو مامورانو لخوا لاسليک کېږي .

(۲) د ونډو د سند لاسليک د فکس په ډول کېدای شي. که چېرې د سند لاسليک کوونکی شخص د ونډو له صادروېدو وروسته د سهامي شرکت د کارمند په توګه دنده سر ته و نه رسوي ، د ونډې سند د پخوا په شان معتبر ګڼل کېږي .

د ونډو لېږدېدل

نه نوي يمه ماده:

د ونډې سندنونه د شرکت له موافقې پرته بل شخص ته لېږدېدی شي ، خو دا چې د شرکت په اساسنامه کې بل ډول تصريح شوی وي .

د ونډو ثبتېدل او د هغو اعتبار

سلمه ماده :

ونډه يا ونډې د ظهر نویسی یا د جلا لیکلي سند پر بنسټ بل

شرکت صادر کننده، حوزه قضایی تشکیل شرکت، قیمت محرزه (ارزش اسمی)، اسم شخصی که سهم بنام وی صادر می گردد و تعداد یا صنف سهم صادر شده بوده و توسط دو مامور ذیصلاح شرکت سهامی امضاء می گردد.

(۲) امضای سند سهام بطور فکس بوده میتواند. هرگاه شخص امضاء کننده سند بعد از صدور سهام به حیث کارمند شرکت سهامی ایفای وظیفه ننماید، سند سهم کما فی السابق معتبر دانسته می شود.

انتقال سهام

ماده نود و نهم:

اسناد سهم بدون موافقت شرکت به شخص دیگری انتقال داده شده می تواند، مگر اینکه در اساسنامه شرکت طور دیگری تصریح شده باشد.

ثبت سهام و اعتبار آن

ماده صدم :

سهم یا سهام به اساس ظهر نویسی یا سند کتبی جداگانه به

شخص ته لېږدیدی شي ، د ونډې د سند لېږد په هغه صورت کې د اعتبار وړ ګڼل کېږي چې د شرکت د ونډو د ثبت په کتاب کې ثبت شي .

د ونډو نه بشپړه ورکړه

یو سلو یوه یوه ماده :

که چېرې د سهامی شرکت د ونډو د ورکړې وړ بدل په بشپړه توګه ور نکړل شي او شتمني یې د داینینو د طلباتو د ادا کولو لپاره بس (کافي) نه وي ، پدې صورت کې د ونډو مالک یا ژمنه کوونکی مکلف دی دخپل سهامی شرکت د صادرو شوو یا صادرېدو وړ ونډو د بدل پاتې مبلغ چې د دۀ په واسطه اخیستل یا ژمنه شوی دی، ورکړی.

د ونډې د سندنو زېږښت

(فرسودګي)

یو سلو دوه یوه ماده :

(۱) که چېرې د ونډې سند د زړېدو په حالت کې وي او له هغه څخه ګټه اخیستل ناشوني وي خو محتوي او فارقه نښې یې په ښه ډول د لوستو وړ وي، پدې صورت کې مالک کولای شي د هغه مثني د لګښتونو له ورکړې وروسته، له

شخص دیګری انتقال شده می تواند ، انتقال سند سهم در صورتی مدار اعتبار پنداشته می شود که در کتاب ثبت سهام شرکت ثبت گردد .

عدم تادیۀ کامل سهام

ماده یکصد و یکم :

هر گاه بدل قابل پرداخت سهام شرکت سهامی بطور کامل تأدیه نگردد و دارایی آن برای ادای طلبات داینین کافی نباشد ، در این صورت مالک یا تعهد کننده سهام مکلف است مبلغ باقیمانده بدل سهام صادر شده یا قابل صدور شرکت سهامی خود را که توسط وی اخذ یا تعهد شده است، بپردازد .

فرسودګي اسناد

سهم

ماده یکصد و دوم :

(۱) هر گاه سند سهم در حالت فرسودګي قرار داشته و استفاده از آن نا ممکن باشد ، اما محتوي و علایم فارقه آن بخوبی قابل خوانش باشد ، در این صورت مالک می تواند مثنی آنرا بعد از پرداخت مصارف از شرکت

شرکت خخه تر لاسه کړی .

(۲) که چېرې د ونډې سند ورک ، غلا یا تخریب شوی وي، د ونډې نوی سند د سهامی شرکت لخوا صادرېږي . په نوموړي سند پورې د اړوندې دعوي د رامنځته کېدو په صورت کې، سهامی شرکت کولای شي د زیان جبران وکړي. سهامی شرکت کولای شي د ونډې د ورک شوی، غلا شوی یا تخریب شوی سند له مالک خخه وغواړي چې د زیان د جبران د تأمینولو لپاره د کافي تضمین سند سهامی شرکت ته وړاندې کړي .

دریافت نماید .

(۲) هرگاه سند سهم مفقود ، سرقت یا تخریب شده باشد ، سند جدید سهم از طرف شرکت سهامی صادر می گردد . در صورت بروز دعوی مربوط به سند متذکره ، شرکت سهامی می تواند جبران خساره نماید . شرکت سهامی میتواند از مالک سند سهم مفقود شده ، سرقت شده یا تخریب شده تقاضا نماید که سند تضمین کافی را جهت تامین جبران خساره به شرکت سهامی ارائه نماید .

څوار لسم فصل

د سهامی شرکتونو انحلال او
تصفیه

فصل چهاردهم

انحلال و تصفیه شرکت های
سهامی

د شرکت انحلال

یو سلو درېمه ماده :

د سهامی شرکت مدیره هیئت کولای شي د شرکت انحلال درآیوپه اکثریت سره تصویب او وړاندیز یې له شرایطو سره یا له شرایطو پرته د منظوری لپاره د شرکت د ونډه والو عمومي مجمع ته وړاندې کړي .

انحلال شرکت

ماده یکصد و سوم:

هیئت مدیره شرکت سهامی می تواند انحلال شرکت را با اکثریت آراء تصویب و پیشنهاد آنرا با شرایط یا بدون شرایط جهت منظوری به مجمع عمومی سهامداران شرکت ارائه نماید .

د انحلال د سند ثبتېدل

یو سلو څلورمه ماده :

(۱) سهامی شرکت کولای شي ددی قانون دیو سلو درېیمې مادې د حکم له په پام کې نیولو سره، د انحلال سند چې د لاسدی موضوعگانو لرونکی وي، د مرکزي ثبت په دفتر کې د ثبت لپاره واستوي :

۱- د سهامی شرکت نوم .

۲- د ونډه والو د عمومي مجمع په واسطه د انحلال د منظوری نېټه .

۳- د دی مطلب څرگندول چې د ونډه والو لخوا د انحلال وړاندیز د دی قانون او د شرکت د اساسنامې د حکمونو مطابق منظور شوی دی.

(۲) سهامی شرکت د انحلال د سند د ثبت له نېټې وروسته منحل کېږي .

(۳) منحل شوی سهامی شرکت هغه شرکت دی چې د انحلال سند یې له پراوونو څخه تېر او ثبت شوی وي او ځای ناستی یې د شرکت د پاتې شتمنۍ دلېږدولو او د دیونو د تصفیې لپاره ټاکل کېږي.

ثبت سند انحلال

ماده یکصد و چهارم :

(۱) شرکت سهامی می تواند با رعایت حکم مندرج ماده یکصد و سوم این قانون، سند انحلال را که حاوی موضوعات ذیل باشد، غرض ثبت در دفتر ثبت مرکزی ارسال نماید :

۱- نام شرکت سهامی .

۲- تاریخ منظوری انحلال توسط مجمع عمومی سهامداران .

۳- توضیح این مطلب که پیشنهاد انحلال توسط سهامداران طبق احکام این قانون و اساسنامه شرکت منظور گردیده است.

(۲) شرکت سهامی بعد از تاریخ ثبت سند انحلال منحل می گردد.

(۳) شرکت سهامی منحل شده شرکتی است که سند انحلال آن طی مراحل و ثبت گردیده و جانشین آن بمنظور انتقال دارایی متباقی شرکت و دیون جهت تصفیه تعیین می گردد.

د ونډونه صادرېدل او د هغو د انحلال غوښتنه

يو سلو پنځمه ماده :

د سهامی شرکت د اصلي ونډه والو يا د مدیره هیئت د غړو اکثریت چې ونډې یې صادرې کړې نه وي، کولای شي شرکت د مرکزي ثبت په دفتر کې د انحلال د لاسدی مطالبو لرونکی سند په ثبتولو سره، منحل کړي :

۱- د سهامی شرکت نوم .

۲- د جوړېدو نېټه .

۳- د شرکت د ونډو د نه صادرېدو په اړه اظهاریه .

۴- شرکت ته د نه ورکړل شوو د یونو نه موجودیت .

۵- د شرکت د اصلي ونډه والو د اکثریت یا لومړني مدیره هیئت په واسطه د انحلال منظوري.

د انحلال فسخ

يو سلو شپږمه ماده :

د سهامی شرکت د ونډه والو مجمع کولای شي ، د شرکت انحلال د هغه د ثبت او اعلان له نېټې وروسته د (۵) ورځو په ترڅ کې فسخ کړي.

د انحلال فسخ د انحلال د

عدم صدور سهام و مطالبه انحلال آن

ماده یکصد و پنجم :

اکثریت سهامداران اصلی یا اعضای هیئت مدیره شرکت سهامی که سهام را صادر نکرده باشند ، می توانند شرکت را با ثبت سند انحلال حاوی مطالب ذیل در دفتر ثبت مرکزی، منحل نمایند :

۱- نام شرکت سهامی .

۲- تاریخ ایجاد .

۳- اظهاریه مبنی بر عدم صدور سهام شرکت .

۴ - عدم موجودیت دیون پرداخت نشده به شرکت .

۵ - منظوری انحلال توسط اکثریت سهامداران اصلی یا اولین هیئت مدیره شرکت.

فسخ انحلال

ماده یکصد و ششم :

مجمع سهامداران شرکت سهامی می تواند انحلال شرکت را در خلال (۵) روز بعد از تاریخ ثبت و اعلان آن فسخ نماید.

فسخ انحلال تابع رعایت

شکلیاتو د پښتو پام کې نیولو تابع ده. د انحلال د فسخ له منظوري وروسته، سهامی شرکت کولای شي انحلال، د مرکزي ثبت په دفتر کې د انحلال د فسخ د سند چې د لاندې مطالبو لرونکی وي، د ثبت په واسطه فسخ کړي:

۱- د شرکت نوم.

۲- د شرکت د انحلال د فسخ د اعلان نېټه.

۳- د مدیره هیئت او ونډه والو په واسطه د شرکت د انحلال د فسخ د منظوري نېټه (د ونډو د صادرېدو په صورت کې).

د انحلال د فسخ په صورت کې، شرکت بیا په خپل فعالیت پیل کوي. د انحلال فسخ ماقبل ته ورګرځیدل دی او داسې ګڼل کېږي چې انحلال اصلاً صورت موندلی ندی.

د محکمې لخوا انحلال

یو سلو اوومه ماده:

واکمنې سوداګریزې محکمې کولای شي په لاندې حالاتو کې سهامی شرکت منحل کړي:

۱- په لاندې احوالو کې د سوداګرۍ وزارت د شکایت په صورت کې:

شکلیات انحلال می‌باشد. بعد از منظوری فسخ انحلال، شرکت سهامی می‌تواند انحلال را توسط ثبت سند فسخ انحلال که حاوی مطالب ذیل می‌باشد، در دفتر ثبت مرکزی فسخ نماید:

۱- نام شرکت.

۲- تاریخ اعلان فسخ انحلال شرکت.

۳- تاریخ منظوری فسخ انحلال شرکت توسط هیئت مدیره و سهامداران (در صورت صدور سهام).

در صورت فسخ انحلال، شرکت به فعالیت خود مجدداً آغاز می‌نماید. فسخ انحلال قابل عطف به ماقبل بوده و چنین پنداشته می‌شود که انحلال اصلاً صورت نگرفته است.

انحلال از طرف محکمه

ماده یکصد و هفتم:

محاکم تجارتی ذیصلاح می‌توانند در حالات ذیل شرکت سهامی را منحل نماید:

۱- در صورت شکایت وزارت تجارت در احوال ذیل:

- د اساسنامې په ترتیب او ثبتولو کې تېر ایستنه (فریبکاری) .
- له قانوني واک څخه تېری یا ناوړه گټه اخیستنه .
- ۲- په لاندې احوالو کې د یوه یا له یوه څخه د زیاتو ونډه والو لخوا د دعوي اقامه :
- هغه حالت چې د مدیره هیئت غړي د سهامی شرکت د چارو په اداره کې بریالي نه وي او ونډه وال د ستونزې په حل قادر نه وي او سهامی شرکت او شتمنی ته یې جبران نه منونکي زیانونه (صدمې) ور اوړي .
- هغه حالت چې د مدیره هیئت غړي یا پر سهامی شرکت باندې کنترول لرونکو اشخاصو په غیر قانوني ډول یا په تېرایستني سره عمل کړی وي یا یې کوي .
- هغه حالت چې ونډه وال د خپلې رایې ورکونې په واک کې له ستونزې سره مخامخ او په هغه موده کې چې د کلنۍ مجمع په دوو پر له پسې غونډو کې شامل وي، د مدیره هیئت غړي یې ټاکلي نه وي.
- ۳- په لاندې احوالو کې د داین په واسطه د دعوي اقامه :
- فریبکاری در ترتیب و ثبت اساسنامه .
- تجاوز یا سوء استفاده از صلاحیت قانونی .
- ۲- اقامه دعوی توسط يك یا بیش از يك سهامدار در احوال ذیل :
- حالتیکه اعضای هیئت مدیره در اداره امور شرکت سهامی موفق نبوده و سهامداران قادر به رفع مشکل نباشند و صدمات جبران نا پذیر به شرکت سهامی و دارایی آن وارد می گردد.
- حالتی که اعضای هیئت مدیره یا اشخاص دارنده کنترول بر شرکت سهامی به شکل غیر قانونی یا با فریب عمل نموده اند یا می نمایند.
- حالتی که سهامداران در صلاحیت رأی دهی خود به مشکل مواجه و درمدتیکه شامل دو جلسه متواتر مجمع سالانه بوده اعضای هیئت مدیره را انتخاب نکرده باشند.
- ۳- اقامه دعوی توسط داین در احوال ذیل:

- هغه حالت چې د داینینو طلب د مخه د دعوي په اقامې منتج شوی وي او د دین د ورکړې په هکله د محکمې پرېکړه تطبیق شوې نه وي او سهامی شرکت د دیونو په ورکړې باندی قادر نه وي.

- هغه حالت چې سهامی شرکت په لیکلي توگه اقرار کړی وي چې د داینینو طلب د ورکړې وړ دی او سهامی شرکت د دیونو په ورکړې قادر نه دی.

که چېرې شرکت تر دعوي لاندی راشي، داوطلبانه انحلال یې د محکمې تر څارنې لاندی صورت مومي.

د انحلال او تصفیې لپاره د مدیرانو غوره کول یو سلو اتمه ماده :

(۱) محکمه کولای شي په هغې دعوي کې چې د سهامی شرکت د انحلال په منظور اقامه شوې وي، یو یا له یوه څخه زیات مدیران د انحلال او تصفیې لپاره یا یو یا له یوه څخه زیات متصدیان د سهامی شرکت د سوداگری او د چارو د ادارې لپاره، د انحلال د مودی په ترڅ کې منصوب کړی.

- حالتی که طلب داینین قبلاً منتج به اقامه دعوی شده و فیصله محکمه در مورد تادیسه دین تطبیق نشده و شرکت سهامی قادر به پرداخت دیون نباشد.

- حالتی که شرکت سهامی بطور کتبی اقرار نموده باشد که طلب داینین واجب التادیه بوده و شرکت سهامی قادر به پرداخت دیون نباشد.

- هرگاه شرکت مورد دعوی قرار گیرد، انحلال داوطلبانه آن تحت نظارت محکمه صورت می گیرد.

انتخاب مدیران جهت انحلال و تصفیه ماده یکصد و هشتم:

(۱) محکمه می تواند در دعوایی که بمنظور انحلال شرکت سهامی اقامه شده باشد، یک یا بیش از یک مدیر را جهت انحلال و تصفیه یا یک یا بیش از یک متصدی را جهت اداره تجارت و امور شرکت سهامی در خلال میعاد انحلال منصوب نماید.

(۲) د تصفیې مدیر له اشخاصو یا کورني یا بهرني سهامی شرکت څخه ټاکل کېږي چې له انحلال سره له مخامخ شرکت سره رابطه ونلري او له خپل موقف څخه هېڅ ډول گټه (د معاش او د لگښتونو د مناسب جبران په استثنی) لاسته را نه وړي، پدې صورت کې د هغوی معاش او لگښتونه د شرکت له شتمنۍ یا یې د پلورنې له ماحصل څخه ورکول کېږي.

(۳) محکمه د تصفیې د مدیر او د متصدی واک او مکلفیت (چې وخت په وخت د بدلون وړ وي) د هغوی د مقرري، په اړه په خپل حکم کې توضیح کوي، په دغو حالاتو کې لاندې موارد شامل دي:

- د محکمې په اجازه په ټولو ځایونو کې د عمومي لیلام یا خصوصي پلورنې په ډول د سهامی شرکت د شتمنۍ پلورل یا په نورو ډولونو پریښودل (واگذاری).
- په واکمنو محکمو کې د دعوي اقامه او دفع کول.

(۴) متصدی کولای شي د شرکت واکونه د مدیره هیئت له لارې یا یې په عوض تر هغه حده چې د

(۲) مدیر تصفیه از اشخاص یا شرکت سهامی داخلی یا خارجی تعیین می‌گردد که با شرکت مواجه به انحلال رابطه نداشته و از موقف خود هیچگونه نفعی را (به استثنای معاش و جبران مناسب مصارف) بدست نیاورده در این صورت معاش و مصارف آنها از دارایی شرکت یا از ماحصل فروش آن پرداخته می‌شود.

(۳) محکمه صلاحیت و مکلفیت مدیر تصفیه و متصدی را (که وقتاً فوقتاً قابل تغییر می‌باشد) در حکم خود مبنی بر تقرر آنها توضیح می‌دهد، این حالات شامل موارد ذیل می‌باشد:

- فروش یا سایر اشکال واگذاری دارایی شرکت سهامی طور لیلام عمومی یا فروش خصوصی، در تمام محلات به استیذان محکمه.

- اقامه دعوی و دفع آن در محاکم ذیصلاح.

(۴) متصدی می‌تواند صلاحیت های شرکت را از طریق هیئت مدیره یا بعوض آن تاحدیکه برای

ونده والو او دایننو د گټو د ښه
تأمینولو په منظور، د سهامی
شرکت د چارو ادارې ته لږمه وي،
اعمال کړي .

د انحلال قرار

یو سلو نهمه ماده:

محکمه کولای شي د دی قانون د
یو سلو اوومې مادې په حکم کې د
درج شوو دلائلو د شتون په صورت
کې، د سهامی شرکت د انحلال
حکم صادر او دهغه د اعلان نېټه
وټاکي.

محکمه د حکم مصدقه نقل ، د
مرکزي ثبت دفتر ته د ثبت لپاره
استوي .

د انحلال د حکم له ثبت وروسته ،
محکمه د شرکت د انحلال او
د چارو او معاملو د تصفیې د
تعمیل تجویز نیسي .

اداره امور شرکت سهامی به
منظور تأمین بهتر منافع
سهمداران و دائنین لږم باشد ،
اعمال نماید .

قرار انحلال

ماده یکصد و نهم :

محکمه می تواند در صورت
موجودیت دلائل مندرج حکم
ماده یکصد و هفتم این قانون،
حکم انحلال شرکت سهامی را
صادر و تاریخ اعلان آنرا تعیین
نماید .

محکمه نقل مصدقه حکم را جهت
ثبت به دفتر ثبت مرکزی ارسال
می نماید .

بعد از ثبت حکم انحلال، محکمه
به تعمیم انحلال و تصفیة امور و
معاملات شرکت تجویز اتخاذ
می نماید .

پنخلسم فصل متفرقه حکمونه

فصل پانزدهم احکام متفرقه

د دی قانون له انفاذ د مخه جوړ شوی شرکتونه
یو سلو لسمه ماده :

سهامي او محدود المسئولیت شرکتونه چې د دی قانون له انفاذ د مخه ، د سوداگری په قانون کې د درج شوو حکمونو په استناد جوړ یا یې له نورو واکمنو مقامونو څخه د فعالیت جواز اخیستی او هغه یې د سندونو او سوداگریزو نښو په دفتر کې ثبت کړی وي، ددی قانون په نافذېدو سره د یو کال او شپږو میاشتو په موده کې بیا د مرکزي ثبت په دفتر کې ثبت او قانوني موجودیت یې دوام مومي او د دی قانون حکمونه پرې تطبیقېږي . *

د مقررو او کورنیو قواعدو وضع کول
یو سلو یوو لسمه ماده :

د سوداگری او صنایعو وزارت کولای شي د دی قانون د حکمونو د لائنه تطبیق په منظور ، مقرري وړاندیز او اړوند کورني قواعد

شرکتهای ایجاد شده قبل از انفاذ این قانون
ماده یکصد و دهم :

شرکت های سهامی و محدود - المسئولیت که قبل از انفاذ این قانون، به استناد احکام مندرج قانون تجارت ایجاد یا از سایر مراجع ذیصلاح تجارتي جواز فعالیت اخذ و آنرا ثبت دفتر اسناد و علایم تجارتي نموده باشد، با انفاذ این قانون در خلال یک سال و شش ماه مجدداً در دفتر ثبت مرکزی ثبت و موجودیت قانونی شان ادامه و احکام این قانون بالای شان تطبیق می گردد . *

وضع مقرره ها و قواعد داخلی
ماده یکصد و یازدهم :

وزارت تجارت و صنایع می تواند به منظور تطبیق بهتر احکام این قانون مقرره ها را پیشنهاد و قواعد داخلی مربوط را وضع

* ماده ۱۱۰ این قانون تعدیل گردیده، در بخش تعدیلات مراجعه شود.

وضع کړی .

نماید .

د مالیاتي وجیو اداء کول یو سلو دوو لسمه ماده :

پدی قانون کې درج شوی سهامی شرکتونه او شریکان یې مکلف دی د قانون د حکمونو مطابق خپلې مالیاتي او تأدیاتي وجیبې اداء کړی .

ادای وجایب مالیاتي ماده یکصد و دوازد هم :

شرکت های سهامی مندرج این قانون و شرکاء آن مکلف اند طبق احکام قانون وجایب مالیاتي و تأدیاتي خویش را اداء نمایند .

د جعلی سندونو ثبتول یو سلو دیارلسمه ماده :

هغه شخص چې په قصد سره جعلی سند لاسلیک او د ثبت لپاره ئې د مرکزي ثبت دفتر ته وړاندی کړی ، د جزاء د قانون د حکمونو مطابق مجازات کېږي .

ثبت اسناد جعلی ماده یکصد و سیزدهم :

شخصی که قصداً سند جعلی را امضاء و غرض ثبت به دفتر ثبت مرکزی ارائه نماید ، مطابق احکام قانون جزا مجازات می گردد .

د انفاذ نېټه

یو سلو څوارلسمه ماده :

دغه قانون د توشېح له نېټې څخه نافذ او په رسمي جریده کې دی خپور شي او په نافذېدو سره یې د ۱۳۳۶ کال د تلې د میاشتې په (۸۹) گڼه رسمي جریده کې خپور شوی د افغانستان د سوداگرۍ په قانون او د ۱۳۵۵/۱۰/۱۵ نېټې په مدني قانون کې درج په سهامی او محدود المسئولیت شرکتونو

تاریخ انفاذ

ماده یکصد و چهاردهم :

این قانون از تاریخ توشیح نافذ و در جریده رسمی نشر گردد و با انفاذ آن احکام مربوط به شرکت های سهامی و محدود - المسئولیت مندرج قانون تجارت افغانستان منتشره جریده رسمی (۸۹) میزان سال ۱۳۳۶ و قانون مدنی مؤرخ ۱۳۵۵/۱۰/۱۵ و هر حکمی از احکام قوانین

پورې اړوند حکمونه او هر هغه
حکم چې د دی قانون له حکمونو
څخه له یوه حکم سره متناقض وي،
ملغی گڼل کېږي.
که متناقض با حکمی از
احکام این قانون
باشد، ملغی شناخته
می شود.

**تعدیلات قانون شرکت های سهامی و
محدودالمسئولیت**

د ساهمي او محدودالمسئوليت
شرکتونو د قانون د (يو سلو لسمي)
مادي د تعديل په هکله دافغانستان
داسلامي جمهوريت درئيس
فرمان

گڼه : (۱۳۷)

نېټه : ۱۳۸۷/۱۰/۸

لومړۍ ماده :

دافغانستان د اساسي قانون د
خلورشرپېټمي مادې د (۱۶)
فقري د حکم له مخې د ساهمي
او محدودالمسئوليت شرکتونو
د قانون د (۱۱۰) مادي تعديل چې د
ملي شوري د ولسي جرگې د
۱۳۸۷/۸/۶ نېټې (۱۱۰) گڼې او
د مشرانو جرگې د ۱۳۸۷/۹/۴
نېټې (۹۷) گڼې مصوبې پربنسټ
تصويب شوی، توشېح کوم.

دوه يمه ماده:

دغه فرمان دتوشېح له نېټې څخه
نافذ او له مصوبو اود ساهمي او
محدودالمسئوليت شرکتونو د قانون د
(۱۱۰) مادي له تعديل سره يو ځای
دې په رسمي جريده کې خپور شي.

حامد کرزی

دافغانستان داسلامي جمهوريت رئيس

فرمان
رئيس جمهوري اسلامي
افغانستان درمورد تعديل ماده
(يکصدودهم) قانون شرکت های
ساهمي ومحدودالمسئوليت

شماره : (۱۳۷)

تاريخ : ۱۳۸۷/۱۰/۸

ماده اول :

به تأسی از حکم فقره (۱۶) ماده
شصت و چهارم قانون اساسی
افغانستان، تعديل ماده (۱۱۰)
قانون شرکت های ساهمي
ومحدود المسئوليت راکه به
اساس مصوبات شماره (۱۱۰)
مؤرخ ۱۳۸۷/۸/۶ ولسی جرگه و
شماره (۹۷) مؤرخ ۱۳۸۷/۹/۴
مشرانو جرگه شورای ملی
تصويب گردیده، توشیح می دارم.

ماده دوم:

این فرمان از تاريخ توشیح نافذ
وهمراه با مصوبات و تعديل ماده
(۱۱۰) قانون شرکت های ساهمي
و محدودالمسئوليت درجریده
رسمی نشر گردد.

حامد کرزی

رئيس جمهوري اسلامي افغانستان

د افغانستان ملي شوري ولسي جرگه د سهامی او محدود المسئولیت شرکتونو د قانون د (یوسلو لسمې) مادې تعديل مصوبه	شورای ملی افغانستان ولسی جرگه مصوبه تعديل ماده (یکصد ودهم) قانون شرکت های سهامی ومحدود المسئولیت

گڼه : (۱۱۰) نېټه : ۱۳۸۷/۸/۶ ولسي جرگي د ۱۳۸۷/۸/۶ نېټې په خپله عمومي غونډه کې د اساسي قانون د اووه نوي يمې مادې د حکم له مخې، د سهامی او محدود المسئولیت شرکتونو د قانون د (یوسلو لسمې) مادې تعديل، تصویب کړ.	شماره : (۱۱۰) تاریخ : ۱۳۸۷/۸/۶ ولسي جرگه در جلسه عمومي مؤرخ ۱۳۸۷/۸/۶ خویش به تأسی از حکم ماده نود وهفتم قانون اساسی تعديل ماده (یکصد ودهم) قانون شرکت های سهامی و محدود المسئولیت را تصویب نمود.

میریس یاسینی د ولسي جرگي لمړي نائب	میریس یاسینی نائب اول ولسی جرگه

د افغانستان ملي شوري

مشرانو جرگه

دارالانشاء

د مشرانو جرگې مصوبه

د سهامی او محدودالمسئولیت

شرکتونو د قانون د (۱۱۰) مادې د

تعدیل په هکله

گڼه : (۹۷)

نېټه : ۱۳۸۷/۹/۴

مشرانو جرگې د ۱۳۸۷/۹/۴ نېټې په

خپله عمومي غونډه کې د افغانستان

د اساسي قانون د اووه نوي یمې

مادې د حکم له مخې، د سهامی او

محدود المسئولیت شرکتونو د قانون

د (یوسلو لسمې) مادې تعدیل،

تصویب کې.

پروفیسور حضرت صبغت الله مجددي

د مشرانو جرگې رئیس

شورای ملی افغانستان

مشرانو جرگه

دارالانشاء

مصوبه مشرانو جرگه

درمورد تعدیل ماده (۱۱۰) قانون

شرکت های سهامی و

محدودالمسئولیت

شماره : (۹۷)

تاریخ: ۱۳۸۷/۹/۴

به تاسی از حکم ماده نود و هفتم

قانون اساسی افغانستان،

تعدیل ماده (۱۱۰) قانون

شرکت های سهامی و

محدودالمسئولیت در جلسه

عمومی مؤرخ ۱۳۸۷/۹/۴

تصویب گردید.

پروفیسور حضرت صبغت الله مجددي

رئیس مشرانو جرگه

**د سهامی او محدودالمسئولیت
شرکتونو د قانون د یو سلو لسمې
مادې تعدیل**

**تعدیل ماده یکصد
ودهم قانون شرکت های سهامی
ومحدودالمسئولیت**

لومړۍ ماده:

د سهامی او محدودالمسئولیت
شرکتونو د قانون د یو سلو لسمې
مادې متن دې په لاندې ډول
تعدیل شي:

یو سلو لسمه ماده:

سهامی او محدودالمسئولیت
شرکتونه چې ددې قانون له
نافذېدو دمخه، د سوداګرۍ په
قانون کې د درج شوو حکمونو په
استناد جوړ یا یې له نورو
سوداګریزو واکمنو مراجعو څخه د
فعالیت جواز اخیستی او هغه یې د
سندونو او سوداګریزو علایمو په
دفتر کې ثبت کړي وي، ددې قانون
په نافذېدو سره د دوو کلونو او
شپږو میاشتو په ترڅ کې بیا د
مرکزي ثبت په دفتر کې ثبت او
خپل قانوني موجودیت ته دې دوام
ورکړي او ددې قانون حکمونه
ورباندې تطبیقېږي.

ماده اول:

ماده یکصد ودهم قانون
شرکت های سهامی و
محدودالمسئولیت به متن ذیل
تعدیل گردد:

ماده یکصد و دهم:

شرکت های سهامی و
محدودالمسئولیت که قبل
از انفاذ این قانون، به استناد
احکام مندرج قانون تجارت
ایجاد یا از سایر مراجع
ذیصلاح تجارتي جواز فعالیت
اخذ و آنرا ثبت دفتر اسناد
و علایم تجارتي نموده باشد،
با انفاذ این قانون در خلال
دو سال و شش ماه مجدداً
در دفتر ثبت مرکزی ثبت
و موجودیت قانونی شان
ادامه و احکام این قانون
بالای شان تطبیق
می گردد.

دوه یمه ماده:

دغه تعدیل د توشیح له نېټې څخه نافذ او په رسمي جریده کې دې خپور شي او په نافذېدو سره یې د ۱۳۸۷ کال په (۹۵۴) گڼه رسمي جریده کې خپور شوی، د سهامی او محدودالمسئولیت شرکتونو د قانون د یوسلو لسمې مادې تعدیل لغو کښل کېږي.

ماده دوم:

این تعدیل از تاریخ توشیح نافذ و در جریده رسمی نشر گردد و با انفاذ آن تعدیل ماده یکصد و دهم قانون شرکت های سهامی و محدودالمسئولیت منتشره جریده رسمی شماره (۹۵۴) سال ۱۳۸۷ ملغی شمرده می شود.

قانون شرکتهای تضامنی



د افغانستان اسلامي جمهوریت

گڼه: (۱۷۹۳۰)

نېټه: ۱۳۸۵/۱۱/۲۸

د عدلیې وزیر محترم سرور دانش:

د تضامني شرکتونو قانون چې د وزیرانو د شوري د ۲۵/۱۳۸۵/۱۰ نېټې (۳۵) گڼې مصوبې پر بنسټ، په (۷) فصلونو او (۱۸۴) مادو کې تصویب شوی دی او زموږ لخوا د ۱۳۸۵/۱۰/۲۷ نېټې (۹۹) گڼې تقنیني فرمان په توګه توشیح شوی دی، تاسو ته در واستول شو، خو یې په رسمي جریده کې په خپرولو اقدام وکړی.

حامد کرزی

د افغانستان د اسلامي جمهوریت
رئیس

جمهوری اسلامی افغانستان

شماره: (۱۷۹۳۰)

تاریخ: ۱۳۸۵/۱۱/۲۸

محترم سرور دانش وزیر عدلیه:

قانون شرکت های تضامنی را که به اساس مصوبه شماره (۳۵) مؤرخ ۱۳۸۵/۱۰/۲۵ شورای وزیران بداخل (۷) فصل و (۱۸۴) ماده تصویب گردیده و از جانب ما بحیث فرمان تقنینی شماره (۹۹) مؤرخ ۱۳۸۵/۱۰/۲۷ توشیح گردیده است به شما ارسال شد تا به نشر آن در جریده رسمی اقدام نمائید.

حامد کرزی

رئیس جمهوری اسلامی
افغانستان

د تضامني شرکتونو د قانون د
توشېح په هکله، د افغانستان د
اسلامي جمهوريت د رئيس فرمان

گڼه: (۹۹)

نېټه: ۱۳۸۵/۱۰/۲۷

فرمان رئيس جمهوري اسلامي
افغانستان در مورد توشیح قانون
شرکتهای تضامنی

شماره: (۹۹)

تاریخ: ۱۳۸۵/۱۰/۲۷

لومړۍ ماده:

د افغانستان د اسلامي جمهوريت
د اساسي قانون د (۷۹) مادې د
حکم له مخې د تضامني شرکتونو
قانون چې د وزیرانو د شوری د
۱۰/۱۳۸۵/۲۵ نېټې (۳۵) گڼې
مصوبې پر بنسټ په (۷) فصلونو او
(۱۸۴) مادو کې تصویب شوی
دی، د تقنیني فرمان په توگه
توشیح کوم.

دوه یمه ماده:

د ۱،۱ ج د عدلیې وزیر او په
پارلماني چارو کې د دولت وزیر
موظف دي، دغه قانون د ملي
شوري د لومړنۍ غونډې د جوړېدو
له نېټې څخه د (۳۰) ورځو په ترڅ
کې ملي شوري ته وړاندې کړي.

ماده اول:

به تاسی از حکم ماده (۷۹) قانون
اساسی افغانستان قانون شرکت
های تضامنی را که به اساس
مصوبه شماره (۳۵) مؤرخ
۱۳۸۵/۱۰/۲۵ شورای وزیران
بداخل (۷) فصل و (۱۸۴) ماده
تصویب گردیده است، به
حيث فرمان تقنینی توشیح
می‌دارم.

ماده دوم:

وزیر عدلیه ج. ۱،۱ و وزیر دولت
در امور پارلمانی موظف اند، این
قانون را در خلال (۳۰) روز از
تاریخ انعقاد نخستین جلسه
شورای ملی به شورای ملی تقدیم
نمایند.

درېمه ماده:

دغه تقنیني فرمان د توشېح له
نېټې څخه نافذ او په رسمي جریده
کې دې خپور شي.

ماده سوم:

این فرمان تقنینی از تاریخ توشیح
نافذ و در جریده رسمی نشر
گردد.

حامد کرزی

د افغانستان د اسلامي جمهوریت
رئیس

حامد کرزی

رئیس جمهوري اسلامي
افغانستان

د تضامني شرکتونو قانون
لومړۍ فصل
عمومي حکونه

قانون شرکت های تضامنی
فصل اول
احکام عمومی

مېني

لومړۍ ماده:

دغه قانون د افغانستان د اساسي قانون د حکمونو په رڼا کې د تضامني شرکتونو په فعالیت او د جوړولو په څرنگوالي پورې د اړوندو چارو د تنظیم په منظور وضع شوی دی.

د شرکت تعریف

دوه یمه ماده:

تضامني شرکت د دوو یا له دوو څخه د زیاتو اشخاصو یووالی دی چې د شراکت د عقد پر بنسټ د گډو مالکانو په توګه، د ګټې د لاسته راوړلو په منظور جوړ او فعالیت کوي.

د شرکتونو ډولونه

درېیمه ماده:

شرکتونه لاندې ډولونه لري:

- ۱- عام تضامني شرکت.
- ۲- خاص تضامني شرکت.

مېني

ماده اول:

این قانون در روشنی احکام قانون اساسی افغانستان به منظور تنظیم امور مربوط به فعالیت و طرز ایجاد شرکت های تضامنی وضع گردیده است.

تعریف شرکت

ماده دوم:

شرکت اتحاد دو یا بیش از دو شخص است که به اساس عقد شراکت به حیث مالکین مشترک، به منظور کسب مفاد ایجاد و فعالیت می نماید.

انواع شرکت ها

ماده سوم:

شرکت ها دارای انواع ذیل می باشد:

- ۱- شرکت تضامنی عام.
- ۲- شرکت تضامنی خاص.

۳- د کار تضامنی شرکت.

۳- شرکت تضامنی کار.

۴- په اعتبار شرکت.

۴- شرکت به اعتبار.

د شراکت عقد

عقد شراکت

خلورمه ماده:

ماده چهارم:

د شراکت عقد د شریکانو تر منځ توافق دی، څه لیکلی وي یا شفاهي او ضمني په هغه کې د راتلونکو تعدیلاتو په شمول. دغه عقد د ثالثو اشخاصو پر حقوقو باندې اغېزه نلري، خو دا چې ثالث شخص له هغه دمخه، له شرکت سره د سوداګریزې معاملې له اجراء څخه خبروي.

عقد شراکت توافق است میان شرکاء در مورد شرکت چه تحریری باشد یا شفاهی و ضمني بشمول تعدیلات بعدی در آن. این عقد تأثیری بالای حقوق اشخاص ثالث ندارد، مگر اینکه شخص ثالث قبل از آن از اجرای معامله با شرکت آگاه باشد.

د مقاولو عقدول

عقد مقاولات

پنځمه ماده:

ماده پنجم:

تضامنی شرکت حکمي شخصیت دی، کولای شي مقاولې په خپل نامه عقد او معاملې سرته ورسوي او منقول او غیر منقول مالونه د شرکت په نوم په واک (حیازت) کې ولري.

شرکت تضامنی شخصیت حکمی بوده، می تواند مقاولات را بنام خود عقد ومعاملات را انجام داده و اموال منقول و غیر منقول را بنام شرکت در حیات داشت باشد.

د شرکت شتمني

دارائی شرکت

شپږمه ماده:

ماده ششم:

د جوړېدو حق کرایه، نوم، عنوان، اختراع، سوداګریزه نښه (علامه) هغه رسمونه او مودلونه کوم چې د

حق تأسیس، کرایه، اسم، عنوان، اختراع، علامت تجارتی، رسم و مودل ها

سوداگریز و او صنعتی خدمتونی د سرته رسولو لپاره تر گټې اخستني لاندی نیول کېږي، کېدی شي د شرکت شتمني وگڼل شي او د ملکیت سندی د شرکت په نامه وي.

د پانگې ورکړه

اوومه ماده:

په تضامني شرکتونو کې د پانگې ونډه، په لاندی ډولونو ورکول کېدی شي:

۱- مادی منقول مالونه (نغدی پیسې، شیان او څاروي).

۲- مادی غیر منقول مالونه (د امتیاز حق، د اختراع حق، سوداگریزې او صنعتي نښې اعتبار او سوداگریز نیک شهرت).

۳- غیر منقول مالونه (د عقاري ملکیت په شمول).

۴- له منقولو او غیر منقولو مالونو څخه د استفادی د حق گټې او امتیاز.

۵- تولیدی محصولات او پروسس.

۶- سوداگریز اعتبار او ښه شهرت.

۷- هغه خدمتونه چې په تضامني شرکت کې سرته رسېدلي یا رسېږي.

که جهت انجام خدمات تجارتي و صنعتی مورد استفاده قرار می گیرد، می تواند دارای شرکت محسوب گردد و سند ملکیت آن بنام شرکت باشد.

پرداخت سرمایه

ماده هفتم:

سهم سرمایه در شرکتهای تضامنی به اشکال ذیل پرداخته شده می تواند:

۱- اموال منقول مادی (پول نقد، اشیاء و حیوانات).

۲- اموال منقول غیر مادی (حق امتیاز، حق اختراع، علامات تجارتي و صنعتی و اعتبار و حسن شهرت تجارتي).

۳- اموال غیر منقول (بشمول ملکیت عقاری).

۴- منافع و امتیاز حق استفاده از اموال منقول و غیر منقول.

۵- محصولات تولیدی و پروسس.

۶- اعتبار تجارتي و حسن شهرت.

۷- خدمات که در شرکت تضامنی انجام شده یا می شود.

د پانگې ورکړه او په هغې کې ځنډ اتمه ماده:

هر شریک تر هغه وخته پورې چې خپله ژمنه شوې پانگه شرکت ته ورنکړي، د تضامني شرکت په وړاندې پور وړی (مدیون) او مسئول دی او په ژمنه کې له ټاکل شوې نېټې څخه د پانگې د ټکټانې په ورکولو مکلف دی او په هغه صورت کې چې د پانگې په ورکړه کې ځنډ، د تضامني شرکت په زیان تمام شي، شریک مکلف دی او بنسټی زیان تضامني شرکت ته ورکړي.

د شتمنۍ د بیې ټاکل نهمه ماده:

د هغې شتمنۍ بیه چې د پانگې په توګه منل کېږي، د ثالث شخص د دین په شمول د شراکت په عقد کې ټاکل کېږي. د بیې د نه ټاکلو په صورت کې، د شیانو د ورکړې د ورځې نرخ یا جاري بورس معتبر دی. که چېرې داسې شیان په بورس او بازار کې جاريه بیه و نلري یا په هغه ورځ نرخ معلوم نه وي، هغه بیه چې د اهل خبره وو لخوا ټاکل کېږي شریکانوته

پرداخت سرمایه وتأخیر در آن ماده هشتم:

هر شریک تا زمانی که سرمایه تعهد شده خود را بشرکت نپردازد، در مقابل شرکت تضامنی مدیون و مسئول بوده و مکلف به پرداخت تکتانه سرمایه از تاریخ تعیین شده تعهد می باشد و در صورتی که تأخیر در پرداخت سرمایه منجر به خساره شرکت تضامنی گردد، شریک مکلف است خساره وارده را به شرکت تضامنی بپردازد.

تعیین قیمت دارائی ماده نهم:

قیمت دارایی که بحیث سرمایه پذیرفته می شود، بشمول دین شخص ثالث، در عقد شراکت تعیین می گردد. در صورت عدم تعیین قیمت، نرخ روز دادن اشیاء یا بورس جاری معتبر می باشد. هرگاه چنین اشیاء در بورس و بازار قیمت جاریه نداشته باشد یا نرخ در آن روز معلوم نباشد قیمت که از طرف اهل خبره تعیین می گردد، نزد شرکاء معتبر شمرده

معتبره گنل کېږي.

د ملکیت لېږدېدل

لسمه ماده:

د هغو مالونو ملکیت چې د پانګې په توګه منل کېږي، په هغه صورت کې چې پر خلاف یې د شراکت په عقد کې حکم موجود نه وي، په شرکت پورې اړه پیدا کوي.

د شرکت له چارو څخه څارنه

یوولسمه ماده:

هر شریک مکلف دی د شرکت له چارو څخه لکه د خپلو شخصي معاملو په څېر څارنه وکړي.

په دنده کې ناغېږي (غفلت)

دوولسمه ماده:

هر شریک د شرکت په وړاندې د هغو زیانونو مسئول دی چې د اهمال، تقصیر یا له خپل وظیفوي واک څخه د عدول له امله یې شرکت ته ور اړولي وي. دغسې شریک نشي کولای، شرکت ته د اووښتي زیان له جبران څخه پدې دلیل چې په کوم بل مورد کې ګټوروو، ځان خلاص کړي. شریکان کولای شي، د موافقې پر بنسټ، شرکت ته د اووښتي زیان په

می شود.

انتقال ملکیت

ماده دهم:

ملکیت اموالیکه بصورت سرمایه پذیرفته می‌شود، در صورتیکه خلاف آن در عقد شراکت حکمی موجود نباشد، به شرکت تعلق می‌گیرد.

مراقبت از امور شرکت

ماده یازدهم:

هر شریک مکلف است از امور شرکت مثل معاملات شخصی خود مراقبت نماید.

غفلت در وظیفه

ماده دوازدهم:

هر شریک در برابر شرکت مسئول خساراتی بوده که بالاخر اهمال، تقصیر و یا عدول از صلاحیت وظیفوی خویش به شرکت وارد نموده باشد. چنین شریک نمی‌تواند خود را از جبران خساره به شرکت به این دلیل نجات دهد که در کدام مورد دیگری مفید بوده است، شرکاء می‌توانند بنابر موافقه، در مقابل خساره وارده به

وړاندی، د ټولو غړو یا مشخص شریک غفلت ته په کتنې سره، یو بل تر هغو حدودو پورې چې د دوی په خپلو حقوقو پورې اړه ولري، بري الذمه او مصون وگڼي.

د شریکانو د اجرت غوښتنه

دیارلسمه ماده:

له شریکانو څخه هېڅ یو د خپل کار له امله له شرکت څخه د اجرت د غوښتنې حق نلري، خو دا چې د شراکت په عقد کې د اجرت اخستل څرگند (تصریح) شوی وي.

له گټې څخه د فیصدې په توگه اجرت

څوارلسمه ماده:

هغه اجرت چې د شرکت مامورینو او مستخدمینو ته د دوی د خدمت په وړاندې ورکول کېږي، که د هغه ورکول قسماً یا کلاً په گټه کې د گډون په ډول ټاکل شوی وي، دغه وضعیت هغوی ته د شریک صفت نه ورکوي.

د هر شریک گټه او ضرر

پنځلسمه ماده:

که چېرې د گټې او ضرر د وېشلو ډول د شراکت په قرارداد کې

شرکت نظر به اهمال کلیه اعضاء و یا شریک مشخص، همدیگر را تا حدودیکه به حقوق خودشان مربوط باشد، بری الذمه و مصون بدانند.

مطالبه اجرت شرکاء

ماده سیزدهم:

هیچ یك از شرکا نسبت كار خود از شركت حق طلب اجرت را ندارد، مگر اینكه در عقد شراكت، اخذ اجرت تصریح شده باشد.

اجرت به حیث فیصدی از مفاد

ماده چهاردهم:

اجرتی که به مامورین و مستخدمین شرکت در مقابل خدمت ایشان پرداخته می شود، اگر تأدیه آن قسماً و کلاً بصورت اشتراك در نفع تعیین شده باشد، این وضعیت به آنها صفت شریک را نمی دهد.

نفع و ضرر هر شریک

ماده پانزدهم:

هرگاه طرز تقسیم نفع و ضرر در قرارداد تصریح

تصریح شوی نه وي، د هر شریک گټه او ضرر د پانگې د برخې په تناسب چې شرکت ته یې ورکړې، وېشل کېږي.

د گټې او ضرر وېشل

شپاړسمه ماده:

که چېرې د شراکت په عقد کې یوازې د گټې وېشل تصریح او د ضرر د وېشلو ډول اټکل شوی نه وي، ضرر د گټې په ډول وېشل کېږي او په هغه صورت کې چې د ضرر وېشل تصریح او د گټې د وېشلو ډول اټکل شوی نه وي، گټه هم د ضرر په ډول وېشل کېږي.

په عقد پورې د مقیدی گټې ورکړه

اولسمه ماده:

که چېرې د شریکانو او ثالثو اشخاصو تر منځ عقد، لاسته راغلې گټه په یوه شریک یا په څو شریکانو پورې مقیده کړې یا که یو شریک یا څو شریکان له زیان څخه مستثنی کړی دغه ډول عقد د اعتبار وړ ندی پداسې حالت کې د وېش بڼه مجهوله گڼله کېږي، گټه او ضرر ددی قانون د دیارلسمې او څوارلسمې مادې د حکم په موجب د شریکانو تر منځ

ننښه باشد، نفع و ضرر هر شریک به تناسب حصه سرمایه که به شرکت پرداخته، تقسیم می‌شود.

تقسیم نفع و ضرر

ماده شانزدهم:

هرگاه در عقد شراکت صرف صورت تقسیم نفع تصریح و طرز تقسیم ضرر پیشبینی نشده باشد ضرر مانند نفع تقسیم می‌شود و در صورتی که تقسیم ضرر تصریح و صورت تقسیم نفع، پیشبینی نشده باشد، نفع نیز مانند ضرر تقسیم می‌شود.

پرداخت نفع مقید به عقد

ماده هفدهم:

هرگاه عقدی میان شرکاء و اشخاص ثالث، نفع عاید را مقید به یک شریک یا تعدادی از شرکاء نماید و یا اگر یک شریک یا تعدادی از شرکاء را از خساره مستثنی قرار دهد، چنین عقدی مدار اعتبار نمی‌باشد. در چنین حالت صورت تقسیم، مجهول شمرده شده، نفع و ضرر به موجب حکم ماده سیزدهم و چهاردهم این قانون بین شرکاء تقسیم می‌گردد.

وېشل کېږي. يوازې د هغه شريک په هکله چې خپل هاند او قوت يې د پانگې په توگه د شرکت په واک کې ورکړی او د شراکت د ليکلي عقد په موجب، په زيان کې برخوال نه وي، دغه شرط معتبر دی.

د شرط مرجع گڼل

اتلسمه ماده:

په هغه صورت کې چې د شراکت قرارداد وجود ونلري، هر شريک د خپلې ونډې په تناسب د شرکت د شتمنۍ په تملیک کې برخوال دی او د شراکت په گټه او ضرر کې شريک دی. که چېرې د شراکت په قرارداد کې د شتمنۍ او پانگې د تملیک او د شرکت د گټې او ضرر په هکله حکم اټکل شوی وي، دغه حکم تطبیقېږي.

دوه یم فصل

د شرکتونو ډولونه

د فعالیت دوام

نولسمه ماده:

که چېرې یو تضامني شرکت د خپلې ټاکلې مودې له پایته رسېدو وروسته، فعالیت ته دوام ورکړی، موده یې غیر محدوده

تنها راجع به شریکی که مساعی و نیروی خود را بحیث سرمایه به دسترس شرکت قرار داده و بموجب عقد کتبی شراکت در خساره شرکت سهیم نباشد، این شرط معتبر است.

مرجع دانستن شرط

ماده هجدهم:

در صورتی که قرارداد شراکت وجود نداشته باشد، هر شریک به تناسب سهم خویش در تملیک دارائی شرکت سهیم بوده و در مفاد و ضرر شراکت، شریک می باشد. هرگاه در قرارداد شراکت حکمی در مورد تملیک دارائی و سرمایه، تقسیم مفاد و ضرر شرکت پیشبینی گردیده باشد این حکم تطبیق می شود.

فصل دوم

انواع شرکت ها

دوام فعالیت

ماده نهم:

هرگاه یك شرکت تضامنی بعد از اختتام موعد معینه خود به فعالیت ادامه دهد مدت آن غیر محدود تلقی

گنل کېږي.

می‌گردد.

د حکمي شخصیت بشپړېدل شلمه ماده:

تکمیل شخصیت حکمي ماده بیستم:

د شرکت حکمي شخصیت د شرکت د مالکانو په توګه د دوو یا له دوو څخه د زیاتو اشخاصو له یو کېدو سره سم پیل او د مرکزي ثبت په دفتر کې له ثبت وروسته بشپړېږي، که چېرې شرکت د ثبت په مرکزي دفتر کې له ثبت دمخه معامله سرته رسوي مسئول گنل کېږي. پدې صورت کې نشي کولای خپل حقوق پر نورو تعیمیل کړي، خو دا چې د مرکزي ثبت دفتر ته اعلان شوی وي.

شخصیت حکمي شرکت به مجرد اتحاد دو یا بیش از دوشخص به حیث مالکین شرکت آغاز و بعد از ثبت بدفتر ثبت مرکزی تکمیل می‌گردد. هرگاه شرکت قبل از ثبت به دفتر ثبت مرکزی معامله را انجام می‌دهد مسئول شناخته می‌شود دراین صورت نمی‌تواند حقوق خود را به دیگران تعیمیل نماید، مگر اینکه به دفتر ثبت مرکزی اعلان شده باشد.

عام تضامني شرکت یو ویستمه ماده:

شرکت تضامنی عام ماده بیست و یکم:

عام تضامني شرکت هغه شرکت دی چې په تضامني مسئولیت سره د دوو یا له دوو څخه د زیاتو اشخاصو تر منځ د اقتصادي او سوداګریزو معاملو د سرته رسولو لپاره، جوړېږي. په هغه صورت کې چې د عام تضامني شرکت شتمني د شرکت د ټولو دیونو د ورکولو لپاره کافي نه وي، له شریکانو څخه هر یو د عام تضامني شرکت د ټولو دیونو د

شرکت تضامنی عام شرکتی است که برای انجام معاملات اقتصادی وتجارتی بین دو یا بیش از دو شخص با مسئولیت تضامنی ایجاد می‌شود. در صورتی که دارائی شرکت تضامنی عام برای تأدیه تمام دیون شرکت کافی نباشد، هریک از شرکاء مسئول پرداخت تمام دیون شرکت تضامنی عام بوده و

ورکولو مسئول دی او هغه شریک یا شریکان چې د غسی پورونه ورکوي، حق لري له خپلې ونډې څخه زیات ورکړل شوی مبالغ له نورو شریکانو څخه و غواړي.

خاص تضامني شرکت

دوه ویشتمه ماده:

خاص تضامني شرکت هغه شرکت دی چې تر مشخص نامه لاندې ددې قانون د حکمونو مطابق د اقتصادی او سوداگریزو معاملو د سرته رسولو لپاره جوړېږي او په هغه کې یو شریک یا له یوه زیات د غیر محدود مسئولیت لرونکی (عام شریکان) او پاتې شریکان په یوې ټاکلې پانګې سره (خاص شریکان) محدود مسئولیت لري. د هغو شریکانو پانګه چې محدود مسئولیت لري، په ونډو وېشل کېدی شي.

د کار تضامني شرکت

درویشتمه ماده:

د کار تضامني شرکت، د دوو یا له دوو څخه د زیاتو اشخاصو یو کېدل دی چې د بل شخص لپاره کار سرته ورسوي یا ژمنه ترسره کړي. د شرکت د کار ګټه د دوی تر

شریک یا شرکایی که چنن قسروض را میپردازند، حق دارند مبالغ پرداخت شده اضافه از سهم خود از سایر شرکاء مطالبه نماید.

شرکت تضامنی خاص

ماده بیست و دوم:

شرکت تضامنی خاص شرکتی است که تحت عنوان مشخص مطابق احکام این قانون جهت انجام معاملات اقتصادی و تجارتی ایجاد می شود و در آن یک شریک یا بیشتر از آن دارای مسئولیت غیر محدود (شرکای عام) و بقیه شرکاء با یک سرمایه معین (شرکای خاص) مسئولیت محدود دارند. سرمایه شرکای که مسئولیت محدود دارند، به سهام تقسیم شده می تواند.

شرکت تضامنی کار

ماده بیست و سوم:

شرکت تضامنی کار، اتحاد دو یا بیش از دو شخص است که برای شخص دیگر کاری را انجام یا تعهدی را ایفا کنند. مفاد کار شرکت بین شان

منح د شریکانو د موافقې مطابق
ووبشل شي.

په اعتبار شرکت خلبريستمه ماده:

په اعتبار شرکت، هغه شرکت دی
چې په هغه کې دوه یا له دوو څخه
زیات اشخاص د اعتبار پر بنسټ
په پور (نسیه) توگه د مال په
پېرودلو داسې موافقه وکړې چې
مال وپلوري د شرکت په گټه او
زیان کې شریک وي او شریکان هر
یو د خپلې ټاکلې برخې په اندازه،
مسئول دی.

د شراکت د عقد شرطونه پنځه ویشتمه ماده:

(۱) شرکتونه (د عامو او خاصو
تضامني شرکتونو په شمول) مکلف
دی د شراکت د قرارداد لاسدی
شرطونه په هغه لیکلې سند کې
چې د لیکلې الزامي سند په نوم
یادېږي، ثبت کړي:

۱- د قرارداد د عقد نېټه.

۲- د شریکانو د هر یوه نوم،
شهرت، آدرس او که کوم بل شرکت
د شریک په توگه په شرکت کې
داخل شوی وي، د نوموړي شرکت
عنوان.

طبق موافقت شرکاء تقسیم
گردد.

شرکت به اعتبار ماده بیست و چهارم:

شرکت به اعتبار، شرکتی
است که در آن دو یا بیش از
دو شخص به اساس اعتبار به
خرید مال بصورت نسیه طوری
موافقه نمایند که مال را فروخته،
در مفاد و خساره شرکت
سهیم می‌باشند و شرکاء هر کدام
به اندازه حصه معین خود مسئول
می‌باشند.

شرایط عقد شراکت ماده بیست و پنجم:

(۱) شرکت‌ها (بشمول شرکت‌های
تضامنی عام و خاص) مکلف اند
شرایط آتی قرارداد شراکت را در
سند کتبی ایکه بنام سند تحریری
الزامی یاد می‌شود، ثبت نماید:

۱- تاریخ عقد قرارداد.

۲- اسم، شهرت و آدرس هر یک از
شرکاء و اگر شرکت دیگری بحیث
شریک در شرکت
داخل شده باشد، عنوان
شرکت مذکور.

- ۳- مرکز معاملات شرکت و نوع فعالیت آن.
- ۴- نوعیت تضامنی شرکت.
- ۵- عنوان شرکت.
- ۶- اسامی شرکائیکه بنام شرکت منفرداً یا مشترکاً حایز صلاحیت تصرفات قانونی، با تصریح اینکه منفرداً یا مشترکاً صلاحیت امضاً را دارند.
- ۷- حصه سرمایه را که هر شریک تعهد کرده و قیمت های تخمینی قسمت سرمایه غیر نقدی با توضیح طریقه که این قیمت تخمینی صورت گرفته است.
- ۸- حصه اشتراك هر شریک در نفع و ضرر.
- ۹- در صورتی که شرکت تضامنی عام یا خاص برای مدت محدود باشد، تاریخ انقضای آن.
- (۲) علاوه بر شرایط مندرج فقره (۱) این ماده، شرکاء می توانند سایر مواد قرارداد شراکت را که مفید بدانند، در سند کتبی الزامی الزامی درج نمایند.
- ۳- د شرکت معاملات مرکز او د فعالیت ډول یې.
- ۴- د شرکت د تضامني توب ډول.
- ۵- د شرکت عنوان.
- ۶- د هغو شریکانو نومونه چې منفرداً یا په گډه سره د شرکت په نامه د قانوني تصرفاتو د واک لرونکی وي، ددی په تصریح کېدو سره چې منفرداً یا په گډه د لاسلیک واک لري.
- ۷- د هغې پانگې برخه چې هر شریک ژمنه کړېده او د غیر نقدی پانگې د برخې تخمینی یې د هغې طریقې په څرگندولو سره چې دغې تخمینی یې صورت موندلی دی.
- ۸- په گټه او ضرر کې د هر شریک د ګډون برخه.
- ۹- په هغه صورت کې چې عام یا خاص تضامني شرکت د محدود وخت لپاره وي، د هغه د تېرېدو نېټه.
- (۲) ددی مادی په (۱) فقره کې پر درج شوو شرطونو برسېره، شریکان کولای شي د شراکت د قرارداد نورې مادی چې گټورې یې وګڼې، په لیکلي الزامي سند کې درج کړي.

د تضامني شرکت د دوام موده

شپږويشتمه ماده:

تضامني شرکت کولای شي د محدودې يا غير محدودې مودې لپاره دوام ومومي. په هغه صورت کې چې د شراکت عقد محدود وخت مشخص کړی نه وي، د دوام موده يې غير محدوده گڼل کېږي.

ثبت

اووه ويشتمه ماده:

ثبت، د مرکزي ثبت په دفتر کې، له ثبتېدو څخه عبارت دی. د ثبت مرکزي دفتر ددې قانون په مفهوم هغه اداره ده چې د سوداگرۍ او صنايعو د وزارت په چوکاټ کې په شرکتونو پورې اړوند سندونه پکې ثبتېږي.

محکمه

اته ويشتمه ماده:

محکمه د افغانستان له سوداگريزې واکمنې محکمې څخه عبارت ده.

مدت دوام شرکت تضامنی

ماده بیست و ششم:

شرکت تضامنی می‌تواند برای مدت محدود یا غیر محدود استمرار یابد. در صورتیکه عقد شراکت مدت محدود را مشخص نکرده باشد، مدت دوام آن غیر محدود پنداشته می‌شود.

ثبت

ماده بیست و هفتم:

ثبت عبارت از ثبت در دفتر ثبت مرکزی می‌باشد. دفتر ثبت مرکزی به مفهوم این قانون اداره ای است که در چوکات وزارت تجارت و صنایع اسناد مربوط به شرکت‌ها در آن ثبت می‌گردد.

محکمه

ماده بیست و هشتم:

محکمه عبارت از محکمه ذیصلاح تجارتي افغانستان می‌باشد.

درېیم فصل
په شراکت پورې اړوندې بنسټیزې
موضوعگانې

فصل سوم
موضوعات اساسی مربوط به
شراکت

ددی قانون د حکمونو د تطبیق
حدود

نهمه ویشتمه ماده:

ددی فصل حکمونه پدی قانون کې پر درج شوو ټولو شرکتونو باندی د تطبیق وړ دی، خو دا چې ددی قانون د څلورم، پنځم او شپږم فصل په حکمونو کې د هغو پر خلاف تصریح شوی وي، په هغه صورت کې خاص حکم ارجحیت لري.

د مال اتلاف

دیرشمه ماده:

شریکان یو د بل په وړاندی د امین صفت لري او د شرکت مال له شریک سره د امانت حکم لري. په هغه صورت کې چې مال د شریک له تقصیر یا تېري پرته تلف شي، نوموړی شریک مسئول نه ګڼل کېږي، خو که چېرې مال د شریک د قصور یا تېري له امله تلف شي، پدی صورت کې شریک مسئول ګڼل کېږي.

حدود تطبیق احکام
این قانون

ماده بیست ونهم:

احکام این فصل بالای تمام شرکت های مندرج این قانون قابل تطبیق می باشد، مگر اینکه در احکام فصول چهارم، پنجم و ششم این قانون برخلاف آن تصریح شده باشد، در آن صورت حکم خاص ارجحیت دارد.

اتلاف مال

ماده سی ام:

شرکاء در مقابل یکدیگر صفت امین را داشته و مال شرکت در نزد شریک حکم امانت را دارد. در صورتی که مال بدون تقصیر یا تجاوز شریک تلف شود، شریک مذکور مسئول شناخته نمی شود، ولی هرگاه مال در اثر قصور یا تجاوز شریک تلف گردد، در آن صورت شریک مسئول شناخته می شود.

د ونډې نه ورکول

یو دیرشمه ماده:

که چېرې له شریکانو څخه دیوه ونډه نغدی پیسې وي او هغه ورنکړي، د نه ورکړي له نېټې څخه پرته له دی چې قضایي غوښتنې یا ابلاغ صورت موندلی وي شرکت ته د هغې د قانوني ربح په ورکړه اود رسېدلي زیان په جبران مکلف دی.

معادله ورکړه

دوه دیرشمه ماده:

که چېرې شریک، له نغدو پیسو پرته د ټاکلي مال ونډه ورنکړي، د یادې شوي ونډې چې نده ورکړل شوي د هماغې برخې د بها معادل پیسو د په ورکولو مکلف دی.

په عقد کې د کړنې (عمل) ژمنه

دري دیرشمه ماده:

(۱) که چېرې د شریک ونډه عمل یا د (خدمتونو) سرته رسول وي شریک مکلف دی ټول هغه خدمتونه چې ژمنه یې کړې سرته ورسوي یا ددغو خدمتونو معادل بیه ورکړي.
(۲) د عمل ونډه د هغو خدمتونو په سرته رسېدو سره چې شریک ورته ژمن دی، بشپړېږي. پدې صورت

عدم تأدیه سهم

ماده سی ویکم:

هرگاه سهم یکی از شرکا پول نقد بوده و آنرا تأدیه نکند، مکلف به پرداخت ربح قانونی آن بدون اینکه مطالبه قضایی یا ابلاغ صورت گرفته باشد و جبران خساره وارده به شرکت از تاریخ عدم پرداخت آن می‌باشد.

پرداخت معادل

ماده سی و دوم:

هرگاه شریک، سهمیه معینه مال بغیر از پول نقد را نپردازد، مکلف به تأدیه پول معادل همان قسمت بهای سهمیه ذکر شده می‌باشد که پرداخت نشده است.

تعهد عمل در عقد

ماده سی و سوم:

(۱) هرگاه سهم شریک عمل یا انجام (خدمات) باشد، شریک مکلف است تمام خدمات را که تعهد کرده، انجام دهد و یا قیمت معادل این خدمات را بپردازد.
(۲) سهمیه عمل با انجام خدماتی که شریک به آن متعهد است، تکمیل می‌گردد. درین

کې شریک یوازې د هغو خدمتونو له سرته رسولو څخه چې په شرکت کې یې سرته رسوي مسئول دی.

د دین په ډول د شریک ونډه څلورديرشمه ماده:

که چېرې په شرکت کې د شریک ونډه د دین په ډول وي، د شریک ژمنه هغه وخت سرته رسېدلې گڼل کېږي چې دین په وخت شرکت ته ورکول شوی وي. د هغه د نه ورکړې په صورت کې، شریک د هغو عواقبو پر مسئولیت برسېره چې ممکن په ټاکلې وخت د دین له نه ورکړې څخه منځته راشي، مکلف دی شریک ته د دین له ورکړې څخه د راپیدا شوی تفاوت زیان هم جبران کړي.

د گټې وېشل

پنځه ديرشمه ماده:

له تصفیې دمخه د گټو وېش په هغه وخت او طریقي سره صورت مومي چې د شراکت په عقد کې یاد شوی دی.

د نه ټاکلې شوې گټې وېش

شپږديرشمه ماده:

که چېرې د شراکت په عقد کې، په

صورت، شریک صرف از انجام خدماتی که در شرکت انجام می دهد مسئول می باشد.

سهم شریک به شکل دین ماده سی و چهارم:

هرگاه سهمیه شریک در شرکت به شکل دین باشد، تعهد شریک وقتی انجام شده پنداشته می شود که دین به موعد معین به شرکت پرداخته شده باشد. در صورت عدم پرداخت آن، شریک علاوه بر مسئولیت عواقب که ممکن است از عدم پرداخت دین در موعد معین، نشأت کند، مکلف است خساره ناشی از تفاوت پرداخت دین را به شریک جبران نماید.

توزیع مفاد

ماده سی و پنجم:

قبل از تصفیه، توزیع مفاد به وقت و طریقه صورت می گیرد که در عقد شراکت ذکر گردیده است.

توزیع مفاد معین نشده

ماده سی و ششم:

هرگاه در عقد شراکت، حصه هریک

گتیه او زیان کپ له شریکانو څخه د هر یوه برخه ټاکلې شوې نه وي، د شریکانو د هر یوه د گتپې ونډه په پانگه کپ د هغوی د ونډی په تناسب، وېشل کېږي.

په عقد کپ د گتپې او زیان ټاکل اووه دیرشمه ماده:

د شراکت په قرارداد کپ په گتیه او ضرر کپ د شریکانو ونډه د شرکت په پانگه کپ د هغوی د ونډې د تناسب له په پام کپ نیولو پرته، ټاکل کېدی شي. که چېرې د شراکت د عقد په موادو کپ یوازې د شریکانو د گتپې د ونډې په ټاکلو تصریح شوې وي او د هغو د زیان ونډه اټکل شوې نه وي، دغه تصریح د اوبنتي زیان د ونډې په ټاکلو کپ د اعتبار وړ گڼل کېږي. په همدی ترتیب سره، د شراکت په عقد کپ له شریکانو څخه د هر یوه د زیان د ونډې په ټاکلو کپ هر ډول تصریح د هغوی د هر یوه د گتپې د ونډې په ټاکلو کپ هم د اعتبار وړ گڼل کېږي، خو دا چې د شراکت په عقد کپ بل ډول تصریح شوی وي.

از شرکاء در مفاد و خساره معین نشده باشد، سهمیه مفاد هریک از شرکاء به تناسب سهمیه آنها در سرمایه، توزیع می‌گردد.

تعیین مفاد و خساره در عقد ماده سی و هفتم:

در قرارداد شراکت سهم شرکاء در مفاد و ضرر بدون نظر داشت تناسب سهم شان در سرمایه شرکت تعیین شده می‌تواند. هرگاه در مواد عقد شراکت تنها به تعیین سهمیه مفاد شرکاء تصریح و سهمیه خساره آنها پیش بینی نگردیده باشد، این تصریح در تعیین سهمیه خساره عایده مدار اعتبار شناخته می‌شود. به همین ترتیب، هرگونه تصریح در عقد شراکت به تعیین سهمیه خساره هریک از شرکاء در تعیین سهمیه مفاد هریک از آنها نیز مدار اعتبار پنداشته می‌شود، مگر اینکه در عقد شراکت طور دیگری تصریح گردیده باشد.

په کار او عمل پورې منحصره د شریک ونډه

اته دیرشمه ماده:

(۱) که چېرې د شریک ونډه په کار او عمل پورې منحصره وي، له گټې او زیان څخه د شریک ونډه، د هغه له خدمت څخه د شرکت د گټې اخستنې تابع وي، خو دا چې د شراکت په عقد کې بل ډول تصریح شوی وي.

(۲) په هغه صورت کې چې شریک د خدمت یا عمل له سرته رسولو برسېره، نغدی پیسې یا بل شی ورکړي، یوه برخه یې د عمل په وړاندې او بله برخه د هغه څه په وړاندې چې د خدمت له سرته رسولو برسېره یې ورکړې دی، مستحق گرځي، خو دا چې په عقد کې بل ډول تصریح شوی وي.

د پور(نسیې) په ډول د مال پېرودل

نهه دیرشمه ماده:

د په اعتبار شرکت کې، گټه او زیان د هغه مال د وېش په تناسب وېشل کېږي چې له شریکانو څخه هر یوه هغه د شرکت په حساب د پور په ډول پېرلي او ضامن شوی یې وي، خو دا چې د شراکت په

سهمیه شریک منحصر به کار و عمل

ماده سی و هشتم:

(۱) هرگاه سهمیه شریک به کار و عمل منحصر باشد، سهمیه شریک از مفاد و خساره، تابع استفاده شرکت از خدمت وی می باشد، مگر اینکه در عقد شراکت طور دیگری تصریح گردیده باشد.

(۲) در صورتی که شریک علاوه از انجام خدمت یا عمل، پول نقد یا شی دیگری بپردازد، حصة ای را در مقابل عمل و حصة دیگری را در مقابل آنچه که علاوه از انجام خدمت پرداخته است، مستحق می گردد، مگر اینکه در عقد طور دیگری تصریح شده باشد.

خرید مال طور نسیه

ماده سی ونهم:

در شرکت به اعتبار، مفاد و خساره، به تناسب مالی توزیع می گردد که هر یک از شرکا آنرا به حساب شرکت طور نسیه خریده و ضامن آن شده باشد، مگر اینکه در عقد قرارداد شراکت طور دیگری

عقد کې بل ډول تصریح شوی وي.

د شرکت اداره

څلویښتمه ماده:

د شراکت عقد د ادارې د جوړېدو متضمن دی، شریکان کولای شي، د شریکانو یا نورو له جملې څخه اشخاص وټاکي خو د شرکت د چارو اداره پر مخ بوزي.

د فعالیت دوام

یوڅلویښتمه ماده:

په هغو مواردو کې چې د شراکت د قرارداد د صریح حکم پر موجب له شریکانو څخه یو د شرکت ادارې ته مؤظف شي، دغه شریک د شرکت ادارې او د هغو فعالیتونو سرته رسولو ته چې د شرکت موخو ته رسېدل تأمین کړي دوام ورکوي، پدې شرط چې هغه فعالیتونه او بدلونونه چې په شرکت کې یې راولي، له غش څخه تش وي، دغسې شخص ته د واک سپارل د قرارداد او اړوندې اساسنامې د حکمونو تابع دی، له قانوني مجوز یا د شراکت د عقد له تعدیلولو پرته د شرکت د پاتې کېدو تر وخته د داسې شریک لري (عزل) کول جواز نلري. خو دا چې د

تصریح گردیده باشد.

اداره شرکت

ماده چهلیم:

عقد شراکت متضمن ایجاد اداره می‌باشد، شرکاء می‌توانند، اشخاصی را از جمله شرکاء یا غیرآن تعیین نمایند تا اداره امور شرکت را پیش ببرند.

ادامه فعالیت

ماده چهل و یکم:

در مواردی که یکی از شرکاء به موجب حکم صریح قرارداد شراکت به اداره شرکت مؤظف شود، این شریک به اداره شرکت و انجام فعالیت‌هایی که رسیدن به اهداف شرکت را تأمین نماید، ادامه می‌دهد، مشروط بر اینکه فعالیت‌ها و تغییراتی که در شرکت وارد می‌سازد، عاری از غش باشد. تفویض صلاحیت به چنین شخصی تابع احکام قرارداد و اساسنامه مربوط می‌باشد، عزل چنین شریک تا زمان بقای شرکت بدون مجوز قانونی و یا تعدیل عقد شراکت جواز ندارد، مگر اینکه در عقد شراکت

شراکت په عقد کې بل ډول تصریح شوی وي.

د شریکانو تصویبونه دوه څلوېښتمه ماده:

که چېرې په عقد کې موافقه شوې وي چې تصویبونه دی د شریکانو د اکثریت رأیو په موافقې سره صورت و مومي، د داسې یوه حکم له موجودیت سره سره یو شرکت کولای شي داسې بیرنۍ کار سرته و رسوي چې د نه سرته رسېدو په صورت کې به یې شرکت ته ستر زیان ور واوړي چې جبران به یې ممکن نه وي، له هغې څخه مخالفت جواز نلري، خو په هغه صورت کې چې مخالفت د بیرنۍ کار د سرته رسېدو په منظور وي چې په فوت کېدو سره یې شرکت ته ستر زیان ورسېږي چې هغه جبران نکړای شي.

په تصویبونو کې د شریکانو د اکثریت موافقه دري څلوېښتمه ماده:

هغه تصویبونه چې د شریکانو د اکثریت موافقې مستلزم وي، منظورېې د شرکت په پانگه کې د هغوی د ونډې د اندازې له په پام

طور دیگری تصریح گردیده باشد.

تصاوېب شرکاء ماده چهل و دوم:

هرگاه در عقد موافقه به عمل آمده باشد که تصاوېب به موافقه اکثریت ارای شرکاء صورت گیرد، علی الرغم موجودیت چنین حکمی يك شرکت می تواند چنان کار عاجل را انجام دهد که در صورت عدم انجام آن خساره بزرگ به شرکت عاید خواهد شد که جبران آن ممکن نباشد، مخالفت از آن جواز ندارد. مگر در صورتی که مخالفت به منظور انجام کار عاجل باشد که به اثر فوت آن خساره بزرگی به شرکت عاید گردد که آنرا جبران کرده نتواند.

موافقت اکثریت شرکاء در تصاوېب ماده چهل و سوم:

تصاوېبی که مستلزم موافقت اکثریت شرکاء باشد، منظور از آن، موافقت اکثریت شرکاء بدون نظر داشت اندازه سهم آنها در

کې نیولو پرته د شریکانو د اکثریت موافقه وي، خو دا چې د شراکت په عقد کې بل ډول تصریح شوی وي.

د شرکت په اداره کې د شریکانو برخه اخستل
څلور څلوېښتمه ماده:

د شرکت په اداره کې د برخې اخستنې لپاره د شریکانو د حق د حدودو ټاکل، د شراکت د عقد په واسطه صورت مومي، پدې شرط چې دغه عقد د شرکت د ادارې او د فعالیت د اجراء په باره کې د معلوماتو د لاسته راوړلو لپاره د شریک حق محدود نکړي.

نه سیالي او د شرکت له مال څخه ناوړه گټه نه اخستل
پنځه څلوېښتمه ماده:

شریک یا د شرکت رئیس نشي کولای له شرکت سره سیالي وکړي یا د شرکت مال د شرکت له گټو یا مقصد پرته هغسې چې د شراکت په عقد کې یاد شويدي تر گټې اخستنې لاندې ونیسي، خو دا چې د شراکت په عقد کې بل ډول تصریح شوی وي.

شریک یا د شرکت رئیس مکلف دی د شرکت د مصالحو په هکله د

سرمایه شرکت می‌باشد، مگر اینکه در عقد شراکت طور دیگری تصریح شده باشد.

سهمگیری شرکاء در اداره شرکت
ماده چهل و چهارم:

تعیین حدود حق شرکاء برای سهمگیری در اداره شرکت توسط عقد شراکت صورت می‌گیرد، مشروط بر اینکه این عقد حق شریک را به حصول معلومات در باره اداره و اجرای فعالیت شرکت محدود نسازد.

عدم رقابت و سوء استفاده از مال شرکت
ماده چهل و پنجم:

شریک یا رئیس شرکت نمی‌تواند با شرکت به رقابت بپردازد یا مال شرکت را به غیر از منافع یا مقصد شرکت، طوریکه در عقد شراکت ذکر گردیده مورد استفاده قرار دهد، مگر اینکه در عقد شراکت طور دیگری تصریح شده باشد.

شریک یا رئیس شرکت مکلف است در اتخاذ تدابیر

تدبیرونو په نیولو کې پداسې توګه پاملرنه وکړې لکه چې د خپلو شخصي مصالحو د تأمینولو په برخه کې یې کوي.

د شریک په واسطه د شرکت د پیسو اخستل یا د مال تصرف او اضافي مرسته

شپږڅلوېښتمه ماده:

(۱) که چېرې شریک، مال یا مبلغ له شرکت څخه واخلي یا یې په خپل تصرف کې راوړي، له قضایې غوښتنې یا اخطار پرته د مال د اخستلو یا تصرف له نېټې څخه د هغو د ګټې په ورکولو مکلف دی. د ایجاب په صورت کې د اووښتي زیان د جبران په ورکولو هم مکلف دی.

(۲) که چېرې شریک د خپل مال یو مقدار د شرکت د ګټې لپاره ولګوي یا ګټور لګښتونه په ښه نیت سره له هغې اندازې څخه زیات چې د شرکت له پانګې سره یې د هغو په مرستې موافقه کې ېده، د شرکت د ګټې لپاره وکړي، کولای شي د لګول شوو یا ورکړل شوو مبالغو ګټه، د ورکړې له نېټې څخه وروسته له شرکت څخه واخلي.

در مورد مصالح شرکت طوری بذل توجه نماید که در مورد تأمین مصالح شخصی خود مبذول میدارد.

اخذ پول یا تصرف مال توسط شریک و مساعدت اضافی

ماده چهل و ششم:

(۱) هرگاه شریک، مال یا مبلغی را از شرکت اخذ یا آنرا در تصرف درآورد، به پرداخت مفاد آن از تاریخ اخذ یا تصرف مال، بدون مطالبه قضایی یا اخطار مکلف می‌باشد. در صورت ایجاب به تأدیه جبران خساره عایده نیز مکلف شناخته میشود.

(۲) هرگاه شریک مقداری از مال خویش را برای نفع شرکت صرف یا مصارف نفعی را به حسن نیت فراتر از اندازه ای که مساعدت آنرا به سرمایه شرکت موافقه کرده است، برای مفاد شرکت بعمل آورد، می‌تواند فایده مبالغ مصرف شده یا پرداخته شده را از تاریخ پرداخت به بعد از شرکت اخذ نماید.

د پورونو (دیونو) ورکړه

اووه څلوېښتمه ماده:

(۱) که چېرې د شرکت مالونه، د هغه دیون پوره نکړي، له شریکانو څخه هر یو مکلف دی د شرکت په پانگه کې له خپلې ونډې سره متناسب، د شرکت د دین یا زیان یوه برخه له خپل شخصي مال څخه ورکړي، خو دا چې پدې هکله بل ډول موافقه شوې وي. د ثالث شخص په هکله د شرکت له دیونو څخه د هغو د نه مسئولیت په اړه د شریکانو موافقه اعتبار نلري.

(۲) د شرکت د ائینین کولای شي خپل دین له شریکانو څخه ددې قانون د حکمونو مطابق وغواړي.

یو د بل په وړاندې د شریکانو نه متضامنتوب

اته څلوېښتمه ماده:

(۱) شریکان د هغه څه د ورکړې په هکله چې د شرکت له دیونو څخه د دوی په غاړه لږم شوی دی، یو د بل په وړاندې د ضامن په توګه نه ګڼل کېږي، خو دا چې پر خلاف یې موافقې صورت موندلی وي.

(۲) له شریکانو څخه د یوه د

پرداخت دیون

ماده چهل وهفتم:

(۱) هرگاه اموال شرکت، دیون آنرا تکافو نکند، هریک از شرکاء مکلف است متناسب به سهم خویش در سرمایه شرکت، قسمت از دین شرکت یا خساره آنرا از مال شخصی خود تأدیه نماید، مگر اینکه در مورد توافق طور دیگر صورت گرفته باشد، موافقه شرکاء مبنی بر عدم مسئولیت آنها از دیون شرکت در مورد شخص ثالث اعتبار ندارد.

(۲) د ائینین شرکت می توانند دین خود را از هریک از شرکاء مطابق احکام این قانون مطالبه نمایند.

عدم متضامن بودن شرکاء در برابر همدیگر

ماده چهل وهشتم:

(۱) شرکاء در مورد پرداخت آنچه که از دیون شرکت به ذمت آنها لږم گردیده، در برابر همدیگر به حیث ضامن تلقی نمی گردند، مگر اینکه بخلاف آن موافقه صورت گرفته باشد.

(۲) در صورت افلاس یکی

افلاس په صورت کې، د رسېدلی زیان برخه، د نورو شریکانو تر منځ په متناسبه توګه وېشل کېږي.

د شخصي دین ترلاسه کول نهه څلورېننمه ماده:

په هغو حالاتو کې چې د شریکانو فعالیت لا دوام لري (تصفیه ته سوق شوی نه وي) د یوه شریک چې پوروي وي طلب ګاران نشي کولای د شرکت په پانګه کې ددغه شریک له ونډې څخه د خپل حق ورکړه وغواړي، خو دغه غوښتنه له هغې ګټې څخه چې د شریک لپاره په شرکت کې ټوله شوېده صورت موندلی شي. په هغه صورت کې چې شرکت د تصفیه په حالت کې وي، د پوروي شریک طلب ګاران کولای شي د خپل حق ورکړه د شرکت په پانګه او ګټه کې د شریک د ونډې له هغې برخې څخه چې ورته د ورکړې وړ وي وغواړي په هر حالت کې د پوروي شریک طلب ګاران حق لري چې له شرکت څخه د پوروي شریک په ونډې باندې د احتیاطي قیودو وضع کول وغواړي.

از شرکاء، حصه خساره عایده، میان سایر شرکاء بطور متناسب تقسیم می گردد.

حصول دین شخصی ماده چهل ونهم:

در حالیکه فعالیت شرکاء هنوز ادامه دارد (به تصفیه سوق داده نشده باشد) طلب ګاران یکی از شرکاء که مقروض باشد، نمیتوانند پرداخت حق خود را از سهم این شریک از سرمایه شرکت مطالبه نمایند، اما این تقاضا از مفاد که برای شریک در شرکت جمع شده است، صورت گرفته می تواند. در صورتی که شرکت در حالت تصفیه قرار داشته باشد، طلب ګاران شریک مقروض می توانند پرداخت حق خود را از آن قسمت از سهم شریک در سرمایه و مفاد شرکت که برایش قابل توزیع باشد، تقاضا نمایند. در هر حالت طلب ګاران شریک مدیون حق دارند که از شرکت تقاضای وضع قیود احتیاطی را بر سهم شریک مقروض بنمایند.

د شرکت د انحلال حالات

پنځوسمه ماده:

شرکت له لاندې حالاتو څخه په یوه کې منحل کېږي:

۱- د شراکت په عقد کې د ټاکلې مودې تېرېدل.

۲- د هغې موخې پلي کېدل چې شرکت د هغې په منظور جوړ شوی دی.

۳- د شرکت د ټولې یا زیاتې برخې پانګې تلف کېدل، پداسې توګه چې په پاتې کېدو (بقا) کې یې ګټه متصوره نه وي.

۴- له شریکانو څخه د یوه مړینه یا د محکمې په حکم پر هغه باندې د حجر واقع کېدل یا یې د افلاس ثبتېدل.

۵- له شرکت څخه د یوه شریک وتل، په هغه صورت کې چې د شرکت د فعالیت موده نا محدوده وي، پدې شرط چې شریک د وتلو په اړه خپله اراده درې میاشتې دمخه د نورو شریکانو خبرتیا ته رسولې وي، لدې پرته، د هغه وتل به له غش څخه را پیدا یا په غیر مناسب وخت کې وګڼل شي، خو دا چې موافقې بل ډول صورت

حالات انحلال شرکت

ماده پنجاړم:

شرکت در یکی از حالات ذیل منحل می‌شود:

۱- انقضای میعاد معینه در عقد شراکت.

۲- تحقق هدفی که شرکت بمنظور آن تأسیس یافته است.

۳- اتلاف کل سرمایه شرکت یا حد اکثر آن طوری که در بقا آن مفاد متصور نباشد.

۴- فوت یکی از شرکاء یا وقوع حجر براو بحکم محکمه یا ثابت افلاس وی.

۵- خارج شدن یکی از شرکاء از شرکت در صورتی که مدت فعالیت شرکت نا محدود باشد، مشروط بر اینکه شریک اراده خود را مبنی بر خروج، سه ماه قبل به اطلاع سایر شرکاء رسانیده باشد، در غیر آن، خروج او ناشی از غش یا بی موقع دانسته می‌شود، مگر اینکه موافقه طوری دیگری صورت

موندلی وی.

۶- د شرکت پر انحلال باندی د شریکانو موافقه.

۷- د شرکت پر انحلال باندی د محکمې حکم.

۸- د محکمې د حکم له مخې یا پدی اړه چې شرکت دی افلاس ته سوق شي د شریکانو او د شرکت د طلب گارانو د موافقې پر بنسټ، د شرکت افلاس.

گرفته باشد.

۶- موافقه شرکاء به انحلال شرکت.

۷- حکم محکمه به انحلال شرکت.

۸- افلاس شرکت به اساس حکم محکمه یا بنا بر توافق شرکاء و طلب گاران شرکت مبنی بر اینکه شرکت به افلاس سوق داده شود.

فعالیت شرکت بعد از وفات

ماده پنجاه و یکم:

(۱) شرکاء می توانند در عقد شرکت موافقه نمایند که شرکت بعد از وفات یکی از شرکاء، منحل نگردیده با ورثه منحل شرکاء ادامه یابد:

(۲) در صورت وفات یکی از شرکاء یا اصدار حکم محکمه مبنی بر حجر یا افلاس شریک، شرکت منحل نگردیده، فعالیت شرکت با سایر شرکاء باقیمانده ادامه می یابد.

هرگاه شرکاء با وارث متوفی به ادامه فعالیت در شرکت موافقه ننماید، در این صورت شریک یا

له مړینې وروسته د شرکت فعالیت

یونځوسمه ماده:

(۱) شریکان کولای شي د شرکت په عقد کې موافقه وکړي چې شرکت له شریکانو څخه د یوه له مړینې وروسته منحل نشي، له ورثې سره د شریکانو په توګه دوام و مومي:

(۲) د یوه شریک د مړینې یا د شریک د حجر یا افلاس په اړه د محکمې د حکم د صادرېدو په صورت کې، شرکت نه منحل کېږي، د شرکت فعالیت له نورو پاتې شریکانو سره دوام مومي.

که چېرې شریکان د متوفی له وارث سره په شرکت کې د فعالیت له دوام سره موافقه ونکړي، پدی

صورت کې شریک یا یې وارث د شرکت له مال څخه له خپلې ونډې پرته چې د پېښې د رامنځته کېدو د ورځې د بیې په تناسب سنجول کېږي، بل حق نلري. پورته یاده شوي برخه نغداً هغو ته ورکول کېږي او له نورو حقوقو څخه چې وروسته منځته راځي نه برخمن کېږي، خو د هغه څه په اندازه چې د هغه د وتلو له پېښې دمخه د شرکت د اجراآتو په پایله کې وي.

د شرکت د فعالیت اوږدیدل دوه پنځوسمه ماده:

(۱) که چېرې د شرکت ټاکلې موده پای ته ورسېږي، یا هغه فعالیت چې شرکت یې د پرمخ‌بیلو په منظور جوړ شوی دی، ختم شي، خو سره لدی شریکان تصمیم و نیسي خو په هغه فعالیت لاس پورې کړي چې شرکت په هغه منظور جوړ شوی وو، د شراکت عقد په عین شرطونو سره کال په کال تمدیدېږي.

(۲) له شریکانو څخه د یوه داینین کولای شي د شرکت د فعالیت د دوام پر ضد چې ددی مادی په (۱) فقره کې

وارث او حق دیگری ندارد جز از سهم خود از مال شرکت که به تناسب قیمت روز وقوع حادثه سنجش می‌شود.

حصة فوق الذکر نقداً به آنها پرداخته شده و از سایر حقوقی که بعداً بوجود می‌آید، برخوردار شده نمی‌توانند، مگر به اندازه آنچه که نتیجه اجراءات شرکت قبل از حادثه، خروج وی از شرکت باشد.

تمدید فعالیت شرکت ماده پنجاه و دوم:

(۱) هرگاه مدت معینه شرکت به پایان رسد، یا فعالیتی که شرکت بمنظور پیشبرد آن تأسیس یافته، خاتمه یابد، مگر بآنهم شرکاء تصمیم بگیرند تا به فعالیتی اقدام نمایند که شرکت بمنظور آن تأسیس گردیده بود، عقد شراکت به عین شرایط، سال به سال تمدید می‌گردد.

(۲) داینین یکی از شرکاء میتواند علیه دوام فعالیت شرکت که در فقره (۱) این ماده درج گردیده،

درج شوی دی، اعتراض وکړی او د
مدیون شریک مشارکت و دروي.

د شرکت د انحلال په اړه د محکمې حکم دري پنځوسمه ماده:

محکمه کولای شي د شریک د
غوښتنې پر بنسټ د یوه بل شریک
د ژمنو د نه پوره کولو په نسبت، د
نورو مؤجهو دلیلونو په وړاندې
کولو سره چې د شرکت انحلال
ایجاب کړی، حکم صادر کړی.
د شراکت عقد نشي کولای د
شریکانو دغه عقد تعدیل کړی.

له شرکت څخه د ایستلو غوښتنه خلور پنځوسمه ماده:

(۱) هر شریک کولای شي د هغه بل
شریک چې عملونه یې د شرکت د
انحلال یا یې د فعالیت پر تمديد
باندې د اعتراض باعث شي،
ایستل ئې له محکمې څخه و
غواړي.

(۲) که چېرې د شرکت د فعالیت
موده محدوده وي، هر شریک کولای
شي د مؤجهو دلیلونو په وړاندې
کولو سره له شرکت څخه خپل وتل
له محکمې څخه وغواړي، پدې
صورت کې شرکت منحل کېږي،

اعتراض نموده و مشارکت شریک
مدیون را متوقف سازند.

حکم محکمه مبنی بر انحلال شرکت ماده پنجاه وسوم:

محکمه می تواند به اساس
تقاضای شریک، نسبت عدم ایفای
تعهدات یکی از شرکاء دیگر،
با ارایه سایر دلایل مؤجه که
انحلال شرکت را ایجاب کند،
حکم را صادر نماید. عقد شراکت
نمی تواند این عقد شرکاء را
تعدیل کند.

درخواست اخراج از شرکت ماده پنجاه و چهارم:

(۱) هر شریک می تواند از محکمه
اخراج شریک دیگری را که
اعمال وی منجر به انحلال
شرکت یا باعث اعتراض بر
تمديد فعالیت آن گردد، تقاضا
کند.

(۲) هرگاه مدت فعالیت شرکت
محدود باشد، هر شریک می تواند
اخراج خود را از شرکت با ارایه
دلایل مؤجه از محکمه
درخواست کند، دراین صورت
شرکت منحل می شود،

خودا چې نور شریکان یې له دوام سره موافقه وکړی.

د شرکت د شتمنی تصفیه او وېشل پنځه پنځوسمه ماده:

د شرکت د شتمنی تصفیه او وېش د شراکت په عقد کې د درج شوو شرطونو مطابق صورت مومي. که چېرې د شراکت عقد داسې شرطونه ونلري، پدې برخه کې ددې قانون په شپږپنځوسمه، او وه پنځوسمه، اته پنځوسمه، نهه پنځوسمه او شپېتمه ماده کې درج شوی حکمونه د تطبیق وړ دي.

د حسابونو تر تصفیې پورې د شرکت د فعالیت دوام شپږپنځوسمه ماده:

د شریکانو واک د شرکت د تصفیې په خاطر د هم غړو اقداماتو په اجراء پورې منحصر دی، خو شرکت د حسابونو تر تصفیې او د شتمنی تر وېشلو پورې، ددې قانون د اته پنځوسمې مادې د حکم مطابق خپل فعالیت ته دوام ورکولای شي.

مگر اینکه سایر شرکاء به دوام آن موافقه نمایند.

تصفیه و تقسیم دارایی شرکت ماده پنجاه و پنجم:

تصفیه و تقسیم دارایی شرکت طبق شرایط مندرج عقد شراکت صورت می‌گیرد. هرگاه عقد شراکت فاقد چنین شرایط باشد، احکام مندرج مواد پنجاه و ششم، پنجاه و هفتم، پنجاه و هشتم، پنجاه و نهم و شصتم این قانون در زمینه قابل تطبیق می‌باشد.

ادامه فعالیت شرکت الی تصفیه آن ماده پنجاه و ششم:

صلاحیت شرکاء منحصر به اجرای اقدامات هماهنگ بخاطر تصفیه شرکت می‌باشد، مگر شرکت الی تصفیه حسابات و تقسیم دارایی آن مطابق حکم ماده پنجاه و هشتم این قانون به فعالیت خود ادامه داده می‌تواند.

د شرکت د تصفیې لپاره د اشخاصو ټاکل

اووه پنځوسمه ماده:

(۱) د شرکت تصفیه د شریکانو یا د هغه شخص یا اشخاصو چې د شریکانو په اکثریت رأیو سره ټاکل کېږي، لخوا صورت مومي. (۲) که چېرې شریکان شخص یا اشخاص د رأیو په اکثریت سره و نه ټاکي، محکمه له شریکانو څخه یو تن، د شریکانو په غوښتنه، د تصفیه کوونکي په توګه ټاکي. (۳) د قضایي رسیدګۍ له امله، د شرکت د انحلال په صورت کې محکمه تصفیه کوونکي شخص د هغه د واک حدود او د تصفیې ډول د اړوندو اشخاصو د غوښتنې له مخې ټاکي.

د شرکت فعالیت او د تصفیه کوونکو په واسطه د هغه د شتمنۍ پلورل

اته پنځوسمه ماده:

(۱) د شرکت تصفیه کوونکي نشي کولای په شرکت کې په نوو فعالیتونو لاس پورې کړي، خو دا چې نوموړی فعالیت د دمخه

تعیین اشخاص جهت تصفیة شرکت

ماده پنجاه و هفتم:

(۱) تصفیة شرکت توسط شرکاء یا شخص و یا اشخاصی که به اکثریت آرای شرکاء تعیین میگردند، صورت میگیرد. (۲) هرگاه شرکاء شخص یا اشخاصی را به اکثریت آراء تعیین نکنند، محکمه یکتن از شرکاء را به اساس تقاضای شرکاء، به حیث تصفیه کننده تعیین می کند. (۳) در صورت انحلال شرکت به اثر رسیدگی قضایی، محکمه شخص تصفیه کننده، حدود صلاحیت وی و طرز تصفیه را بنابر مطالبه اشخاص ذی علاقه تعیین می نماید.

فعالیت شرکت و فروش دارائی آن توسط تصفیه کنندگان

ماده پنجاه و هشتم:

(۱) تصفیه کنندگان شرکت نمی توانند به فعالیت جدیدی در شرکت مبادرت ورزند، مگر اینکه فعالیت مذکور متمم

فعالیت‌ونو متمم او د شرکت له انحلال سره جوړ (سازگار) وي. (۲) تصفیه کوونکي کولای شي د شرکت منقوله یا غیر منقوله شتمني، د مزایدې په ډول یا پرته له هغې وپلوري خو دا چې واک یې د ټاکلو په وخت کې مقید شوی وي.

د شرکت د شتمني وېشل ننه پنځوسمه ماده:

(۱) د شرکت شتمني د معجلو پورونو له ورکړې او د موعجلو پورونو او متنازع فیه پورونو له وضع کولو وروسته او د هغو لگښتونو او پورونو چې د شرکت په مصلحت له شریکانو څخه د یوه په واسطه سرته رسېدلې، له ورکړې وروسته د ټولو شریکانو تر منځ وېشل کېږي.

(۲) هر یوه شریک ته د شراکت د عقد مطابق، د شرکت په پانگه کې د هغه د ونډې د بیې معادل مبلغ، تخصیص ورکول کېږي، که چېرې د ونډې بیه په عقد کې څرگنده شوې نه وي، بیه یې شرکت ته د ونډې د تسلیمې له وخته محاسبه کېږي، خو دا چې د شریک ونډه د

فعالیت‌های قبلی و با انحلال شرکت سازگار باشد. (۲) تصفیه کنندگان می‌توانند دارایی منقول یا غیر منقول شرکت را، بصورت مزایده یا غیر آن بفروش برسانند، مگر اینکه صلاحیت شان حین تعیین مقید شده باشد.

تقسیم دارایی شرکت ماده پنجاه و نهم:

(۱) دارایی شرکت بعد از پرداخت دیون معجل و وضع دیون مؤجل و دیون متنازع فیه و بعد از تأدیه مصارف و دیون که توسط یکی از شرکاء به مصلحت شرکت انجام شده، میان تمام شرکاء تقسیم می‌شود.

(۲) به هریک از شرکاء مبلغ معادل قیمت سهم او در سرمایه شرکت مطابق عقد شراکت تخصیص داده می‌شود، هرگاه قیمت سهم در عقد توضیح نشده باشد، قیمت آن از وقت تسلیمی سهم به شرکت محاسبه می‌گردد، مگر اینکه سهم شریک

عمل او مشورې په سرته رسولو یا د شرکت د گټې لپاره له ملکیت څخه د یوې برخې په اختصاص یا مجردی انتفاع پورې منحصره وي. (۳) که چېرې د شراکت په عقد کې د شتمنۍ د وېش په هکله، د شرکت د تصفیې په علت شرطونه اټکل شوی نه وي، د شرکت پاتې شتمني، د دیونو له ورکړې وروسته شریکانو ته د هغوی د اړوندې ونډې په اندازه، ورکول کېږي.

(۴) په هغه صورت کې چې د شرکت پاتې مال، ددی مادی په (۱) فقره کې د درج شوو مبالغو له ورکړې وروسته د شریکانو لپاره کفایت و نکړي، زیان د ونډې په اندازه محاسبه او د شریکانو تر منځ وېشل کېږي.

د مشاع مال په باره کې په مدني قانون کې د درج شوو حکمونو تطبیق
شپېتمه ماده:

که چېرې پدی قانون کې د شرکت د شتمنۍ د وېشلو په اړه حکمونه موجود نه وي، په مدني قانون کې د مشاع مال په وېش پورې اړوند حکمونه رعایت کېږي.

منحصر به انجام عمل ومشوره یا اختصاص بخشی از ملکیت جهت منفعت شرکت یا مجرد انتفاع باشد. (۳) هرگاه در عقد شراکت راجع به تقسیم دارایی بعلت تصفیة شرکت شرائطی پیش بینی نگردیده باشد، دارایی باقیمانده شرکت بعد از پرداخت دیون، برای شرکاء به اندازه سهم مربوط شان پرداخته می شود.

(۴) در صورتی که مال باقیمانده شرکت، بعد از پرداخت مبالغ مندرج فقره (۱) این ماده شرکاء را تکافو نکند، خساره به تناسب سهم محاسبه و میان شرکاء توزیع می گردد.

تطبیق احکام مندرج قانون مدنی درباره مال مشاع
ماده شصتم:

هرگاه در این قانون در رابطه به تقسیم دارائی شرکت احکامی موجود نباشد احکام مربوط به تقسیم مال مشاع مندرج قانون مدنی رعایت می شود.

خلورم فصل عام تضامني شرکت

فصل چهارم شرکت تضامنی عام

د شرکت جوړېدل

یوشپېتمه ماده:

هغه اشخاص چې عام تضامني شرکت جوړوي، مکلف دي، د شرکت له جوړولو وروسته د یوې میاشتې په ترڅ کې د شراکت د عقد یو نقل (په هغه ځای کې چې د شرکت مرکز پکې واقع دی) ثبت او اعلان کړي.

د نوي څانګې جوړول

دوه شپېتمه ماده:

که چېرې عام تضامني شرکت د خپلې سوداګرۍ د ثبت د دفتر له حوزې څخه بهر څانګه جوړوي، مکلف دي د شراکت د عقد نقل د نوي ثبت په دفتر کې هم ثبت کړي.

په شرکت کې بدلونونه

دري شپېتمه ماده:

که چېرې په تضامني شرکت کې له ثبت او اعلان وروسته په عنوان، استوګنځي، موضوع یا د لاسلیک په واک لرونکو شریکانو کې بدلونونه رامنځته شي یا ځینې

تأسیس شرکت

ماده شصت ویکم:

اشخاصی که شرکت تضامنی عام را تأسیس می نمایند، مکلف اند در خلال یکماه بعد از تأسیس شرکت يك نقل عقد شراکت را (در محلی که مرکز شرکت در آن واقع است) ثبت و اعلان نمایند.

تأسیس شعبه جدید

ماده شصت ودوم:

هرگاه شرکت تضامنی عام خارج از حوزه دفتر ثبت تجارت خود، شعبه را تأسیس می کند، مکلف است نقل عقد شراکت را در دفتر ثبت جدید نیز به ثبت برساند.

تغییرات در شرکت

ماده شصت وسوم:

هرگاه در شرکت تضامنی بعد از ثبت و اعلان، در عنوان، اقامتگاه، موضوع یا شرکای حایز صلاحیت امضاً، تغییراتی رونما گردد یا بعضی از شرکاء از شرکت

شریکان له شرکت څخه ووزي يا ځيني نور شريکان پکې شامل شي يا د شرکت پانگه زياته يا کمه شي يا د ټاکلې مودې له تېرېدو دمخه، شرکت منحل يا يې له تېرېدو وروسته تمدید شي يا له بل شرکت سره ملحق شي، ددې خصوصياتو په هکله د شرکت لخوا هغه ژمنليک چې د ټولو شريکانو لاسليک پکې شوی وي، ترتيبېږي. دغه ژمنليک په اړوند دفتر کې ثبتېږي او نور بدلونونه هم پکې ثبتېدی شي.

د خصوصياتو نه استعمال څلور شپېتمه ماده:

هغه خصوصيات چې د يو شپېتمې مادې د حکم پر موجب ثبت او اعلان يا ددې قانون د دوه شپېتمې او درې شپېتمې مادې د حکمونو مطابق يې ثبت لږمېږي، له ثبت دمخه، نشي کېدای دغه خصوصيات د ثالثو اشخاصو پر ضد استعمال شي او ددې قانون د يو شپېتمې مادې د حکم له مخې له اعلان دمخه د ثالثو اشخاصو پر ضد نشي استعمالېدی، خو دا چې ثالث شخص له هغو حقایقو څخه چې ثبت يې لږم دی، دمخه خبرتيا

خارج يا بعضی شرکای دیگر در آن شامل يا سرمايه شرکت تزئيد و يا تنقيص شود يا قبل از انقضای مدت معينه، شرکت منحل و يا بعد از انقضای آن، تمدید گردد و يا با شرکت دیگری ملحق شود، راجع به اين خصوصيات از طرف شرکت تعهد نامه يی که به امضای تمام شرکاء رسیده باشد، ترتيب می گردد. اين تعهد نامه در دفتر مربوط ثبت گردیده و تغييرات ديگرنيز در آن ثبت شده می تواند.

عدم استعمال خصوصيات ماده شصت و چهارم:

خصوصياتی که به موجب حکم ماده شصت و یکم ثبت و اعلان يا مطابق احکام مواد شصت و دوم و شصت و سوم اين قانون ثبت آن لږم می گردد، قبل از ثبت، نمیتوان اين خصوصيات را بر عليه اشخاص ثالث استعمال نمود و به تأسی از حکم ماده شصت و یکم اين قانون قبل از اعلان بر عليه اشخاص ثالث استعمال شده نمیتواند، مگر اينکه شخص ثالث از حقایقی که ثبت آن لږم است، قبلاً آگاهی داشته باشد.

ولري. په هغه صورت کې چې د هغو له ثبت او اعلان دمخه، د عام تضامني شرکت په نوم معاملي ستره رسېدلې وي، شرکت د ثالثو اشخاصو په وړاندې مسئول دی. که چېرې د شرکت د ثبت او اعلان مراتب د قانون د حکمونو مطابق د شريکانو لخوا په پام کې نيول شوی نه وي او شريکان د شرکت له وجود څخه انکار وکړي، ثالث اشخاص کولای شي په هر ډول پينځې (دليل) او قرائنو سره د شرکت وجود په اثبات ورسوي.

د شرکت په نوم د معاملو ستره رسول

پنځه شپېتمه ماده:

که چېرې د عام تضامني شرکت ثبت او اعلان، د هغې مودی په ترڅ کې چې ددی قانون په يوشپېتمه ماده کې تصريح شوېده يا له هغې وروسته صورت نه وي موندلی او وروسته هغه معاملي چې د انحلال تر ثبت پورې د شرکت په نوم اجراء کېږي، د ثالثو اشخاصو حقوقو ته زیان (خلل) نه رسوي، خودا چې ثالث اشخاص د شرکت د انحلال له موضوع څخه خبروي.

در صورتی که قبل از ثبت و اعلان آن، معاملاتی بنام شرکت تضامنی عام انجام پذیرفته باشد، شرکت در مقابل اشخاص ثالث مسئول است. هرگاه مراتب ثبت و اعلان شرکت طبق احکام قانون از طرف شرکاء رعایت نگردیده باشد و شرکاء از وجود شرکت انکار ورزند، اشخاص ثالث میتوانند با هر نوع بینه و قرائن وجود شرکت را به اثبات برسانند.

انجام معاملات به نام شرکت

ماده شصت و پنجم:

هرگاه ثبت و اعلان شرکت تضامنی عام، در خلال مدتی که در ماده شصت و یکم این قانون تصریح شده یا بعد از آن، صورت نگرفته باشد و بعداً معاملاتی که الی ثبت انحلال بنام شرکت اجراء می شود، بحقوق اشخاص ثالث خلل وارد نمی سازد، مگر اینکه اشخاص ثالث از موضوع انحلال شرکت آگاهی داشته باشند.

د شریکانو تر منځ مناسبات**شپږ شپېتمه ماده:**

د عام تضامني شرکت د شریکانو تر منځ مناسبات، د شراکت د عقد په واسطه تنظیمېږي، د شراکت د عقد شرطونه کېدای شي په لیکلې توګه د قرارداد په سند یا یې د متمم په ډول درج شي.

په هغه صورت کې چې هېڅ ډول شرطونه د شراکت په عقد کې تصریح شوي نه وي، ددی قانون حکمونه د تطبیق وړ دي.

د شرکت د چارو د ادارې سپارل**اووه شپېتمه ماده:**

شریکان کولای شي د عام تضامني شرکت د ورځنیو چارو اداره له شریکانو څخه یوه یا څو یا ټولو یا له شرکت څخه بهر بل شخص ته وسپاري، خو دا چې د شراکت په عقد کې بل ډول تصریح شوی وي. هغه شخص چې دغه واک ترلاسه کوي د مدیر په نوم یادېږي.

د مدیر عزل**اته شپېتمه ماده:**

که چېرې د مدیر ادارې واک د عام تضامني شرکت د عقد په موجب

مناسبات بین شرکا**ماده شصت و ششم:**

مناسبات میان شرکای شرکت تضامنی عام توسط عقد شراکت تنظیم می گردد. شرایط عقد شراکت می تواند بشکل کتبی در سند قرارداد یا متمم آن درج گردد.

در صورتی که هیچ نوع شرایطی در عقد شراکت تصریح نگردیده باشد، احکام این قانون قابل تطبیق می باشد.

تفویض اداره امور شرکت**ماده شصت و هفتم:**

شرکاء میتوانند اداره امور یومیه شرکت تضامنی عام را به اکثریت آراء به يك یا چند یا تمام شرکاء یا خارج از شرکت به شخص دیگری تفویض نمایند، مگر اینکه در عقد شراکت طور دیگری تصریح شده باشد. شخصی که این صلاحیت را کسب می کند بنام مدیر یاد می شود.

سبکدوشی مدیر**ماده شصت و هشتم:**

هرگاه صلاحیت ادارې مدیر به موجب عقد شرکت تضامنی عام

و تا کل شي، شريکان کولای شي په عقد کې له درج شوو شرطونو سره په مطابقت کې يا د ټولو شريکانو د رأيو د اکثريت په اتفاق، د مدير يا مديرانو واک محدود يا هغوی له دندې څخه لرې کړی.

که چېرې مدير په سپارل شوو دندو کې اهمال او غفلت وکړی يا د عام تضامني شرکت د چارو په ادارې قادر نه وي، له شريکانو څخه د یوه يا له یوه څخه د زیاتو د غوښتنې له امله دی، د دلیلونو په وړاندې کولو سره د اکثريت په تصویب له دندې څخه لرې شي. که چېرې د شريکانو شکایت د نورو شريکانو لخوا د مستندو دلیلونو د وړاندې کېدو باوجود و نه منل شي، کولای شي موضوع محکمې ته احاله کړی.

د شرکت د ادارې د ورځنیو چارو او سترو او مهمو مسئلو په هکله د تصمیم نیول
نهه شپېتمه ماده:

هغه عادی چارې او معاملې چې سرته رسول یې د عام تضامني شرکت د مقصدونو او موخو لپاره اغېزمنې دي، د عام تضامني

تعیین گردد، شرکاء می‌توانند در مطابقت با شرایط مندرج در عقد یا به اتفاق اکثریت آرای تمام شرکاء، صلاحیت مدیر یا مدیران را محدود یا آنها را از وظیفه سبکدوش نمایند.

هرگاه مدیر در وظایف محوله اهمال و غفلت نماید یا قادر به اداره امور شرکت تضامنی عام نباشد، بالاتر تقاضای يك و یا بیشتر از یکی از شرکاء، با رایۀ دلایل به تصویب اکثریت از وظیفه منفصل شود. هرگاه شکایت شرکاء از طرف سایر شرکاء با وجود رایۀ دلایل مؤجبه مورد قبول واقع نشود، می‌توانند موضوع را به محکمه احاله نمایند.

اتخاذ تصمیم در مورد امور یومیۀ اداره شرکت و مسایل عمده و مهم
ماده شصت و نهم:

امور و معاملات عادی که اجرای آن برای مقاصد و اهداف شرکت تضامنی عام مؤثر است، مربوط امور یومیۀ اداری شرکت

تضامنی عام می گردد، مگر اینکه در عقد شراکت طور دیگری تصریح شده باشد.

مدیر یا مدیران صلاحیت دارند تا با استفاده از عین معیار دقت و توجه، که در تصمیم گیری مسایل مربوط به معاملات شخصی خود شان بکار میبرند، در مسایل مربوط به امور یومیۀ اداره شرکت عمل نموده و تصمیم اتخاذ نمایند. مسایل عمده و مهم خارج از امور یومیۀ شرکت از قبیل پرداخت سرمایه، قیمت، انتقال بخش عمده تمام اموال غیر منقول شرکت و سایر مسایل خارج از فعالیت های عادی شرکت، به اساس اکثریت آرای شرکاء تصمیم گرفته می شود. مگر اینکه در عقد شراکت طور دیگری تصریح شده باشد.

پرداخت استقراض شریک ماده هفتم:

هرگاه شریک از شرکت تضامنی عام استقراض نموده یا مبلغی را بنام شرکت بدست آورده باشد (در صورتی که برخلاف آن در عقد

شرکت به ورخنیو اداری چارو پورې اړه مومي، خو دا چې د شراکت په عقد کې بل ډول تصریح شوی وي. مدیر یا مدیران واک لري خو د دقت او پاملرنې له عین معیار څخه په گټې اخستنې سره چې د خپلو شخصي معاملو د اړوندو مسئلو په تصمیم نیونه کې یې کاروي، د شرکت د ادارې د ورخنیو چارو په اړوندو مسئلو کې عمل وکړي او تصمیم ونیسي. د شرکت له ورخنیو چارو څخه بهر سترې او مهمې مسئلې لکه د پانگې ورکول، بیه، د شرکت د ټولو غیر منقولو مالونو د سترې برخې لېږدېدل او د شرکت له عادی فعالیتونو څخه بهر نورې مسئلې د شریکانو د رایو د اکثریت پر بنسټ تصمیم نیول کېږي، خو دا چې د شراکت په عقد کې بل ډول تصریح شوی وي.

د شریک د پور (استقراض) ورکړه اوپایمه ماده:

که چېرې شریک له عام تضامنی شرکت څخه استقراض کړي یا یې د شرکت په نوم مبلغ لاسته راوړي وي (په هغه صورت کې چې پر

خلاف بی‌په عقد کې تصریح شوی نه وي او هغه په ټاکلي وخت تضامني شرکت ته ورنکړی او تسلیم یې نکړی، مکلف دی د اصل پیسو برسېره د خنډ د مودی ټکټپانه هم ورکړی.

د ونډې لېږدېدل

یو اویایمه ماده:

له شریکانو څخه هېڅ یو نشي کولای د نورو شریکانو د رایو د اتفاق له لاسته راوړو پرته خپله ونډه له شرکت څخه بهر شخص ته قسماً یا کلاً ولېږدوي، د خلاف په صورت کې که لدی عمل څخه شریکانو یا ثالث شخص ته زیان رسېدلي وي، له هغه څخه راپیدا شوی زیانونه، یوازې د ونډې د لېږدوونکي په غاړه دی، خو دا چې د شراکت په عقد کې بل ډول تصریح شوی وي.

د شریک په توګه د بل شخص نه منل

دوه اویایمه ماده:

هغه شخص چې د عام تضامني شرکت د ادارې واک لري، نشي کولای د شریکانو د رایو د اتفاق له لاسته راوړو پرته، په شرکت کې بل شخص د شریک په توګه ومني یا

تصریح نګردیده باشد) و آنرا در زمان معین به شرکت تضامنی تأدیه و تسلیم ننماید، مکلف است بر علاوه تأدیه اصل پول، تکتانه زمان تأخیر را نیز بپردازد.

انتقال سهم

ماده هفتادویکم:

هیچ یك از شركاء نمی تواند بدون كسب اتفاق آرای شركای دیگر سهم خود را به شخص خارج از شركت قسماً یا کلاً منتقل سازد در صورت خلاف اگر خساره از این عمل بالای شركاء یا شخصی ثالث وارد شده باشد خسارات وارده ناشی از آن تنها بدوش انتقال دهنده سهم می باشد. مگر اینکه در عقد شراکت طور دیگری تصریح شده باشد.

عدم پذیرش شخص دیگر بحیث شریک

ماده هفتادودوم:

شخصی که صلاحیت اداره شرکت تضامنی عام را دارد، نمی تواند بدون کسب اتفاق آرای شرکاء، شخص دیگری را بصفت شریک در شرکت بپذیرد

یہ پہ خپل عوض د شرکت پہ اداره
کے و ٲاکی.

د ٲکتانی گٲه

دري اویایمه ماده:

د شراکت پہ عقد کے شرکت ته د
ورکړل شوې ٲانگې په وړاندې د
ٲکتانی گٲه، اٲکل کېدی شي.

معلوماتو ته د شرکت د شریک یا
مدیر لاس رسی

څلور اویایمه ماده:

شریکان او مدیر د شرکت په چارو
او مالی وضعیت پورې اړوندو
معلوماتو ته د لاس رسی حق لري
او کولای شي هغه د شرکت د ادارې
د چارو د پر مخبیلو لٲاره تر گٲې
اخستنې لاندې و نیسي.

د شرکت اداره کولای شي هغه
شریک یا مدیر ته د معلوماتو له
ورکولو څخه چې ددی گمان
موجود وي چې دغه معلومات د
شرکت د ویجاړولو لٲاره کاروي،
ډډه وکړی.

د معلوماتو لاس ته راوړل یا د هغو
له وړاندې کولو څخه ډډه کول، د
شراکت په عقد کې ذکر کېږي، خو
د شراکت عقد نشي کولای دغه حق
په غیر موجه توگه له منځه یوسي

یا به عوض خود در اداره شرکت
تعیین نماید.

مفاد تکتانه

ماده هفتاد و سوم:

در عقد شراکت، مفاد تکتانه در
مقابل سرمایه تأدیه شده به
شرکت، پیش بینی شده می تواند.

دسترسی شریک یا مدیر شرکت به
معلومات

ماده هفتاد و چهارم:

شرکاء و مدیر حق دسترسی به
معلومات مربوط به امور شرکت و
وضعیت مالی آن را دارا می باشد
و می تواند آنرا جهت پیشبرد
امور اداره شرکت مورد
استفاده قرار دهد.

اداره شرکت می تواند از دادن
معلومات به شریک یا مدیریکه
ظن آن وجود داشته باشد که این
معلومات را به مقصد تخریب
شرکت به کار می برد، امتناع
ورزد.

کسب حصول معلومات یا امتناع
از ارایه آن در عقد شراکت
ذکر می گردد، ولی عقد
شراکت نمی تواند این حق را
بطور غیرموجه از بین برده

یا بی محدود کړی.

**د شرکت د ورځنیو چارو په هکله
تصمیمونه**

پنځه او یایمه ماده:

د شراکت د عقد تعدیلول د شریکانو د رایو په اتفاق او د شرکت د ورځنیو چارو د عادی بهیر په هکله تصمیمونه د شریکانو د رایو په اکثریت سره صورت مومي، خودا چې د شراکت په عقد کې بل ډول تصریح شوی وي.

**د شرکت د گټې او ضرر د بڼې
(صورت) ترتیبول**

شپږ او یایمه ماده:

شریکان یا مدیر (په هغه صورت کې چې دنده مدیر ته سپارل شوې وي) مکلف دی خو د هر مالي کال په پای کې، د بیلانس پر بنسټ د عام تضامني شرکت د گټې او زیان بڼه ترتیب او د هغې مطابق د هر شریک ونډه و ټاکي.

د شرکت له انحلال دمخه د یوې برخې یا ټولې ونډې د وېش په هکله تصمیم، د شریکانو د رایو د اتفاق پر بنسټ نیول کېږي، خودا چې د شراکت په عقد کې بل ډول تصریح شوی وي.

یا محدود سازد.

**تصمیم درمورد امور یومیة
شرکت**

ماده هفتاد و پنجم:

تعدیل عقد شراکت به اتفاق آرای شرکاء، و تصمیم در مورد جریان عادی امور یومیة شرکت به اکثریت آرای شرکاء صورت می‌گیرد، مگر اینکه در عقد شراکت طور دیگری تصریح شده باشد.

**ترتیب صورت نفع و ضرر
شرکت**

ماده هفتاد و ششم:

شرکاء یا مدیر (در صورتی که وظیفه به مدیر سپرده شده باشد) مکلف اند تا در ختم هر سال مالی به اساس بیلانس، صورت نفع و ضرر شرکت تضامنی عام را ترتیب و مطابق آن سهم هر شریک را تعیین نمایند.

تصمیم در مورد تقسیم یک بخش یا تمام سهم قبل از انحلال شرکت، به اساس اتفاق آرای شرکاء اتخاذ می‌گردد، مگر اینکه در عقد شراکت طور دیگری تصریح شده باشد.

د زیان د جبران په ورکړه کې د شریک نه مجبورول اووه اواییمه ماده:

شریک د شرکت تر انحلال پورې د هغې ونډې په بشپړولو نشي مکلف کېدی چې د پانګې له زیانونو څخه په هغه پورې اړه مومي، خو د شریکانو د پانګې د زیانونو مقدار د راتلونکي کال له گټې څخه بشپړېدی شي، خو دا چې د شراکت په عقد کې بل ډول تصریح شوی وي.

د شریک د ورته سوداګریزو معاملو اجراء او په بل شرکت کې د مسئول غړي په توګه د هغه شاملېدل اته اواییمه ماده:

(۱) شریک نشي کولای د عام تضامني شرکت چې دی یې غړی دی د سوداګریزې معاملې له ډول څخه جلا معامله د نورو شریکانو د رایو له اتفاق پرته په خپل یا د بل شخص په نوم اجراء کړي، خو دا چې د شراکت په عقد یا دی قانون کې بل ډول تصریح شوی وي. په هغه صورت کې چې د یوه نوي جوړ شوی عام تضامني شرکت شریکان خبر شي چې یو له

عدم وادار نمودن شریک در تأدیه جبران خساره ماده هفتاد و هفتم:

شریک را نمی توان انحال شرکت مکلف به اكمال سهمی نمود که از خسارات سرمایه به او تعلق می گیرد، ولی مقدار خسارات سرمایه شرکاء از مفاد سال بعدی تکمیل شده می تواند، مگر اینکه در عقد شراکت طور دیگری تصریح شده باشد.

اجرای معاملات مشابه تجارتی شریک و شمولیت آن به حیث عضو مسئول در شرکت دیگر ماده هفتاد و هشتم:

(۱) شریک نمی تواند معامله جداګانه را از نوع معامله تجارتی شرکت تضامنی عام که عضو آن است، بدون اتفاق آرای سایر شرکاء، بنام خود یا شخص دیگری اجرا کند، مگر اینکه در عقد شراکت یا این قانون طور دیگری تصریح شده باشد. در صورتی که شرکای يك شرکت تضامنی عام جدید التأسيس اطلاع یابند که یکی از شرکاء در

شریکان و خسه په شرکت کې د شاملېدو په وخت کې، په بل شرکت کې د مسئول غړي په توګه ګډون لري، پدې حالت کې که شریکان له بل شرکت څخه د هغه د غړیتوب د رابطې د پرې کولو په هکله صراحتاً اعتراض و نلري، داسې ګڼل کېږي چې په عام تضامني شرکت کې د هغه ګډون منل شوی دی.

(۲) که چېرې شریکان په بل شرکت کې د شریک د ګډون د خبر له ترلاسه کولو یا د هغه د معاملو له سرته رسولو څخه شپږ میاشتې وروسته اعتراض ونکړي، د هغو د اعتراض حق ساقطېږي، خو حق لري ددې قانون د څلورم فصل د حکمونو مطابق، له محکمې څخه د عام تضامني شرکت د انحلال غوښتونکي شي.

د شرکت موجودیت

ننه اویایمه ماده:

عام تضامني شرکت د ثبت او اعلان یا په ثبت کې د هر ډول وروستي بدلون له نېټې څخه، د حقوقي شخصیت لرونکی ګرځي.

حین شمولیت به شرکت، منحیت عضو مسئول در شرکت دیگری شمولیت دارد، درایین حالت اگر شرکاً صراحتاً راجع به قطع رابطه عضویت او از شرکت دیگر اعتراض نداشته باشد چنین پنداشته می‌شود که اشتراک او در شرکت تضامنی عام مورد قبول واقع شده است.

(۲) هرگاه شرکاء بعد از حصول اطلاع از مشارکت شریک در شرکت دیگر و یا انجام معاملات او بعد از مرور شش ماه اعتراض ننمایند، حق اعتراض شان ساقط می‌شود، اما حق دارند از محکمه خواستار انحلال شرکت تضامنی عام مطابق احکام فصل چهارم این قانون گردند.

موجودیت شرکت

ماده هفتادونهم:

شرکت تضامنی عام از تاریخ ثبت و اعلان یا هر نوع تغییر بعدی در ثبت حایز شخصیت حکمی می‌گردد.

له ثالثو اشخاصو سره د شریکانو مناسبات

اتیایمه ماده:

له ثالثو اشخاصو سره د شریکانو
مناسبات ددی قانون د حکمونو
تابع دی، خوداچې د شراکت په عقد
کې یې خلاف تصریح شوی وي.

د استازي په واسطه د معاملو سرته رسول

یو اتیایمه ماده:

شریک، مدیر یا هغه شخص چې له
تضامني شرکت څخه په
استازیتوب ټاکل شوی دی د خپل
سپارل شوی واک له په پام کې
نیولو سره کولای شي ټولې حقوقي
معاملې د شرکت په نوم لاسلیک
کړي او شرکت د هغو په تطبیق
ملزم کړي. د تضامني شرکت
استازي کولای شي، سوداگریزې
چارې د قانون د حکمونو مطابق
اداره کړي. پدې صورت کې
استازي مکلف دی په ښه نیت او
وفاداری سره عمل وکړي.

شریکان کولای شي له عام تضامني
شرکت څخه په استازیتوب هغه
معاملې چې په قرارداد کې یې ژمنه
کړې، سرته و رسوي او تضامني

مناسبات شرکاء با اشخاص ثالث

ماده هشتادم:

مناسبات شرکاء با اشخاص ثالث
تابع احکام این قانون می باشد،
مگر اینکه در عقد شراکت خلاف
آن تصریح شده باشد.

انجام معاملات توسط نماینده

ماده هشتاد و یکم:

شریک، مدیر و یا شخصی که به
نماینده گی از شرکت تضامنی عام
تعیین شده اند با نظر داشت
صلاحیت مفوضه شان میتوانند
تمام معاملات حقوقی را بنام
شرکت به امضاء رسانیده و شرکت
را ملزم به تطبیق آن نمایند.
نمایندگان شرکت های تضامنی
می توانند، امور تجارتي را مطابق
احکام قانون اداره نمایند. در این
صورت نمایندگان مکلف اند با
حسن نیت و وفاداری عمل
نمایند.

شرکاء می توانند به نمایندگی از
شرکت تضامنی عام معاملات
را که در قرارداد تعهد نموده
انجام و شرکت تضامنی را در

شرکت پدی برخه کې ملزم کړی.

د شریکانو مسئولیت

دوه اتیایمه ماده:

عام شریکان د عام تضامني شرکت لکه دیونو او ژمنو څخه په ټولیزه او انفرادی توګه مسئول دی.

د دعوي د اقامه کېدلو ډول

دري اتیایمه ماده:

که چېرې د دعوي اقامه د شرکت په دین یا ژمنو پورې مرتبطه وي، د دعوي اقامه لومړی پخپله د عام تضامني شرکت پر ضد صورت مومي. په هغه صورت کې چې د دعوي اقامه د شرکت پر ضد ممکنه نه وي یا شرکت منحل شوی وي، د شریکانو پر ضد هم دعوي اقامه کېدلی شي. پدی صورت کې محکمه کولای شي د دائنینو د غوښتنې پر بنسټ د وړاندې شوو دلیلونو په استناد حکم وکړي چې د عام تضامني شرکت شتمني او معاملي دی د حساب تر تصفیې پورې د محکمې تر څارنې لاندې راشي.

زمینه ملزم سازند.

مسئولیت شرکاء

ماده هشتاد و دوم:

شرکای عام از دیون و تعهدات شرکت تضامنی عام بطور جمعی و انفرادی مسئول می باشند.

طرز اقامه دعوی

ماده هشتاد و سوم:

هرگاه اقامه دعوی به دین و تعهدات شرکت مرتبط باشد، اقامه دعوی اولاً بر علیه خود شرکت تضامنی عام صورت می گیرد. در صورتی که اقامه دعوی بر علیه شرکت ممکن نبوده و یا شرکت منحل شده باشد، بر علیه شرکاء هم اقامه دعوی صورت گرفته می تواند. در این صورت محکمه می تواند به اساس تقاضای دائنین به استناد دلایل راییه شده حکم نماید که دارای معاملات شرکت تضامنی عام الی تصفیة حساب تحت مراقبت محکمه قرار گیرد.

د محکمو د پرېکړې تطبیق**څلور اتیا یوه ماده:**

هغه پرېکړه چې د محکمې لخوا د شرکت د فعالیتونو په هکله صادره شوې وي، پر عامو تضامني شریکانو باندې د تطبیق وړ ده.

دائینو ته د حقوقو ورکړه**پنځه اتیا یوه ماده:**

د عام تضامني شرکت د تصفیې په صورت کې، د شرکت د ائین د شرکت له شتمنۍ څخه د خپلو حقوقو په اخستلو کې د شریکانو د شخصي د ائینو په نسبت مقدم دی.

د شرکت د د ائینو طلباتو ته**محکمې حکم****شپږ اتیا یوه ماده:**

د عام تضامني شرکت افلاس د شریکانو د افلاس موجب نه ګڼل کېږي. که چېرې د مفلس شرکت شتمني د شرکت د د ائینو د طلباتو بسنه (کفایت) و نکړي، د ائین کولای شي د خپلو طلباتو پاتې له شریکانو څخه و غواړي، خو که د شریکانو شتمني هم د د ائینو د طلباتو کفایت و نکړي،

تطبیق فیصله محاکم**ماده هشتاد و چهارم:**

فیصله ای که از طرف محکمه در خصوص فعالیت های شرکت صادر شده باشد، بالای شرکای تضامنی عام قابل تطبیق می باشد.

تأدیه حقوق به د ائین**ماده هشتاد و پنجم:**

در صورت تصفیه شرکت تضامنی عام، د ائین شرکت در اخذ حقوق خود از دارایی شرکت نظر به د ائین شخصی شرکاء مقدم می باشند.

حکم محکمه به طلبات د ائین**شرکت****ماده هشتاد و ششم:**

افلاس شرکت تضامنی عام موجب افلاس شرکاء محسوب نمی شود. هرگاه دارایی شرکت مفلس، طلبات د ائین شرکت را کفایت نکند، د ائین می توانند باقی طلبات خود را از شرکاء مطالبه نمایند، ولی در صورتی که دارایی شرکاء نیز طلبات د ائین را کفایت

محکمه کولای شي د شریکانو پر افلاس حکم صادر کړی.

له اړوندې پانگې څخه د شریکانو گټه نه اخستل اووه اتیا یمه ماده:

له افلاس سره مخامخ د عام تضامني شرکت شریکان، نشي کولای د خپلې پانگې له بابته د شرکت له شتمنۍ څخه گټه واخلي، خو کولای شي نور طلبات د شرکت د داینینو په شان وغواړي.

د دین د طلب نه مجرايي اته اتیا یمه ماده:

د عام تضامني شرکت مدیون شخص نشي کولای خپل دین له هغه طلب سره چې له شریکانو څخه پر یوه باندي یې لري مجراء کړی. همدارنگه یو شریک نشي کولای خپل دین چې د عام تضامني شرکت په وړاندي یې لري له هغه طلب سره چې د شرکت پر مدیون باندي یې لري، مجراء کړی، خو که د عام تضامني شرکت داین ددی قانون د دري اتیا یمې او شپږ اتیا یمې مادې د حکم پر موجب له شرکت څخه د طلب په ترلاسه کولو بریالی نشي او شریکانو ته

نکند محکمه می تواند حکم بر افلاس شرکاء را صادر نماید.

عدم استفاده شرکاء از سرمایه مربوط ماده هشتاد و هفتم:

شرکای شرکت تضامنی عام مواجه به افلاس، نمی توانند از بابت سرمایه خود از دارایی شرکت استفاده کنند، ولی می توانند طلبات دیگری را مثل داینین شرکت مطالبه نمایند.

عدم مجرائی طلب دین ماده هشتاد و هشتم:

شخص مدیون شرکت تضامنی عام نمیتواند دین خود را با طلبی که بالای یکی از شرکاء دارد، مجرا کند. همچنان یکی از شرکاء نمی تواند دین خود را که در نزد شرکت تضامنی عام دارد، با طلبی که در نزد مدیون شرکت دارا است، مجرا نماید، ولی داین شرکت تضامنی عام اگر به موجب احکام مواد هشتاد و سوم و هشتاد و ششم این قانون از شرکت به استحصال طلب موفق نگردد و به شرکاء مراجعت کند،

مراجعت وکړی، هغه شریک چې د داین د مطالبې اړخ واقع کېږي، که له نوموړي داین څخه طلب لري، پدی صورت کې یې دین د شرکت په وړاندې د هغه مدیون ته د شریک په مقابل کې حساب او مجرا کېږي.

د شرکت د دوام موده

ننه اتیایمه ماده:

د عام تضامني شرکت د دوام موده د شریکانو تر مړینې یا د حکمي شخصیت لرونکي شرکت تر انحلاله پورې معتبره ګڼل کېږي، خو دا چې د شراکت په عقد کې بل ډول تصریح شوی وي. معهذا هغه عام تضامني شرکت چې د دوام موده یې غیر محدوده وي او د سوداګریزو فعالیتونو ماهیت یې د شرکت د محدودیدو باعث شي، پدی صورت کې د شرکت د فعالیت دوام د هغه په بشپړېدو سره منقضي کېږي.

د شرکت انحلال

نوي یمه ماده:

عام تضامني شرکت ددی قانون په دري پنځوسمه ماده کې د درج شوی حکم مطابق، منحل کېږي.

شریکی که طرف مطالبه داین واقع می شود، اگر از داین مذکور طلبی داشته باشد، دراین صورت دین او در مقابل شرکت به مدیونش در برابر شریک محسوب و مجرا می شود.

مدت دوام شرکت

ماده هشتادونهم:

مدت دوام شرکت تضامنی عام، الی وفات شرکاء یا انحلال شرکت دارای شخصیت حکمی، معتبر شمردنه می شود، مګراینکه در عقد شراکت طور دیگری تصریح شده باشد. معهذا شرکت تضامنی عامی که مدت دوام آن غیر محدود بوده و ماهیت فعالیت های تجارتی آن باعث محدود نمودن شرکت گردد، دراین صورت دوام فعالیت شرکت با اكمال آن منقضي می گردد.

انحلال شرکت

ماده نودم:

شرکت تضامنی عام مطابق حکم مندرج ماده پنجاه وسوم این قانون منحل می گردد.

د اعتبار وړ شراکت عقد**یو نوي یمه ماده:**

که چېرې د عام تضامني شراکت په عقد کې داسې شرط وي چې د انحلال د موجب یو یا څو ټاکلي علتونه یې اغېزې وکړي، د شراکت عقد د اعتبار وړ دی. که چېرې نوموړی شرط د انحلال ټول علتونه او اسباب یې اغېزې کړي وي، پدې صورت کې شرط یې اعتباره دی.

د شرکت له انحلال څخه د دائنینو خبرول**دوه نوي یمه ماده:**

د عام تضامني شرکت له انحلال وروسته، شرکت باید خپل انحلال په خپل موجودیت کې د یوه بدلون په توګه ثبت کړي او د شرکت د انحلال په اړه د هغو دائنینو او نورو اړخونو د خبرتیا لپاره چې له هغه سره معامله لري مقتضي اقدامات وکړي.

لډی وروسته عام تضامني شرکت ددې قانون د حکمونو مطابق د شرکت تصفیه پیلوي، د انحلال په وخت کې د شراکت ټول موجود عقد یا د انحلال له ثبت دمخه عقد

عقد شراکت مدار اعتبار**ماده نود ویکم:**

هرگاه در عقد شراکت تضامنی عام شرطی باشد که يك یا چند علل معین موجب انحلال را بی اثر بداند، عقد شراکت مدار اعتبار می‌باشد. هرگاه شرط مذکور تمام علل و اسباب انحلال را بی اثر دانسته باشد، در این صورت شرط فاقد اعتبار می‌باشد.

مطلع ساختن دائنین از انحلال شرکت**ماده نودودوم:**

بعد از انحلال شرکت تضامنی عام، شرکت باید انحلال خویش را منحيث يك تغيير در موجوديت اش ثبت نموده و اقدامات مقتضي را برای مطلع ساختن دائنین و سایر جوانب که با آن معامله دارد، مبنی بر انحلال شرکت اتخاذ نماید.

بعد از آن شرکت تضامنی عام تصفیه شرکت را مطابق احکام این قانون آغاز می‌نماید. کلیه عقد شراکت موجوده در زمان انحلال یا عقود منعقدہ قبل از

شوی عقدونه او د ثالثو اشخاصو خیرتیاوې معتبر پاتې کېږي او پر عام تضامني شرکت او شریکانو باندې، ددی قانون د حکمونو له مخې الزام آور دی.

د شرکت له انحلال څخه د شریکانو خبرول دري نوي یمه ماده:

که چېرې عام تضامني شرکت د غیر محدودې (نه ټاکلې) مودې لپاره جوړ شوی وي، شریک یا شریکان کولای شي د شرکت د مالي کال له پایته رسېدو لږترلږه شپږ میاشتې دمخه، نور شریکان د لیکلې خبرتیا په استولو سره، د عام تضامني شرکت د انحلال په اړه له خپل تصمیم څخه خبر کړي.

د محکمې د حکم پر بنا د شرکت د انحلال حالات څلور نوي یمه ماده:

په هغو تضامني شرکتونو کې چې د دوام موده یې محدوده یا غیر محدوده وي، له شریکانو څخه د یوه د غوښتنې پر بنسټ، محکمه کولای شي له لاندې حالاتو څخه په یوه کې د شرکت پر انحلال حکم صادر کړي:

ثبت انحلال و اطلاعیه های اشخاص ثالث، معتبر باقی مانده و بالایی شرکت تضامنی عام و شرکای آن به تأسی از احکام این قانون الزام آور می باشد.

مطلع ساختن شرکاء از انحلال شرکت ماده نود و سوم:

هرگاه شرکت تضامنی عام برای مدت غیر محدود (غیر معین) تأسیس شده باشد، شریک یا شرکاء می توانند حداقل شش ماه قبل از ختم سال مالی شرکت، شرکای دیگر را با ارسال اطلاعیه کتبی از تصمیم خویش مبنی بر انحلال شرکت تضامنی عام مطلع سازند.

حالات انحلال شرکت مبنی بر حکم محکمه ماده نود و چهارم:

در شرکتهای تضامنی ای که مدت دوام آنها محدود یا غیر محدود باشد، بر اساس تقاضای یکی از شرکاء، محکمه می تواند در یکی از حالات ذیل به انحلال شرکت اصدار حکم نماید:

- ۱- د ځينو علتونو د موجودیت له امله د شرکت د موخو نه پلي کېدل.
- ۲- د شرکت په اداري او حسابي چارو کې له شريکانو څخه د یوه نه رېښتینولي (صداقت).
- ۳- د هغو اصلي دندو نه ترسره کېدل چې له شريکانو څخه یوه ته سپارل شوي وي.
- ۴- د شخصي گټو لپاره له شريکانو څخه د یوه لخوا د عام تضامني شرکت له عنوان یا مالونو څخه ناوړه گټه اخستنه.
- ۵- د دایمي ناروغۍ یا نورو علتونو له امله له شريکانو څخه د یوه نه کاري وړتیا او اهلیت چې د شرکت د چارو په اجراء کې د هغه د نه وړتیا باعث شي.
- ۶- له شريکانو څخه د یوه لخوا د ژمنې شوې پانگې نه ورکړه، پدی شرط چې دمخه له شريکانو څخه د یوه لخوا د هغې د ورکړې غوښتنه ورڅخه شوې وي.
- ۱- عدم تحقق اهداف شرکت تضامنی بنابر موجودیت بعضی علل .
- ۲- عدم صداقت یکی از شرکاء در امور اداری و حسابی شرکت.
- ۳- عدم ایفای وظایف اصلی که به یکی از شرکاء تفویض گردیده باشد.
- ۴- سوء استفاده از عنوان یا اموال شرکت تضامنی عام از طرف یکی از شرکاء برای منافع شخصی.
- ۵- عدم قابلیت و اهلیت کاری یکی از شرکاء بالاتر مریضی دائمی یا علل دیگری که باعث عدم قابلیت وی در اجرای امور شرکت گردد.
- ۶- عدم تادیبه سرمایه تعهد شده از طرف یکی از شرکاء مشروط بر اینکه تقاضای پرداخت آن قبلاً از طرف یکی از شرکاء از وی، صورت گرفته باشد.

دوام شرکت

ماده نودوینجمن:

هرگاه مدت دوام شرکت تضامنی عام محدود یا با حیات یکی از

د شرکت دوام

پنځه نوي يمه ماده:

که چېرې د عام تضامني شرکت د دوام موده محدوده یا له شريکانو

خخه د یوه په ژوند پورې اړونده وي، د شریک له مړینې یا د محدودی مودی له تېرېدو وروسته، شرکت تر هغې مودی پورې چې سرته نه رسېدلې سوداگریزې معاملې، پدی قانون کې د انحلال له درج شوو حکمونو سره په مطابقت کې بشپړې کړې، موجود گڼل کېږي.

له شریکانو خخه د یوه په مړینې، افلاس یا محجوریت پورې تړلی د شرکت انحلال

شپړنوي یمه ماده:

که چېرې له شریکانو خخه د یوه د مړینې، افلاس یا محجوریت په صورت کې شرکت منحل و گڼل شي، د متوفی وارث یا د مفلس مالي قانوني استازی یا یې وکیل یا د محجور قانوني متولي باید بې له ځنډه موضوع د شریکانو خبرتیا ته ورسوي. په هغه صورت کې چې د خبرتیا په رسولو کې غیر موجه ځنډ باعث شي چې شرکت ته زیان واوړي، عام تضامني شرکت کولای شي زیان د هغه شریک له شتمنۍ خخه چې د انحلال موجب شوی دی جبران کړي، خو دا چې عام تضامني شرکت په نورو لارو د انحلال له پېښېدو خخه خبرتیا ولري.

شرکاء مربوط باشد، بعد از فوت شریک یا انقضای مدت محدود، شرکت برای مدتی که معاملات انجام ناسیده تجارتی را در مطابقت با احکام انحلال مندرج در این قانون تکمیل نماید، موجود پنداشته می شود.

انحلال شرکت منوط به وفات، افلاس یا محجوریت یکی از شرکاء

ماده نودوششم:

هرگاه در صورت وفات، افلاس یا محجوریت یکی از شرکاء، شرکت منحل شمرده شود، وارث متوفی یا نماینده قانونی مالی مفلس یا وکیل وی یا متولی قانونی محجور باید بلا تأخیر موضوع را به اطلاع شرکاء برساند. در صورتی که تأخیر غیرموجه در اطلاع دهی باعث گردد که به شرکت خساره ای عاید شود، شرکت تضامنی عام می تواند این خساره را از دارایی شریکی که موجب انحلال شده، جبران نماید، مگر اینکه شرکت تضامنی عام به سایر طرق از وقوع انحلال آگاهی داشته باشد.

د شریک له مړینې یا له داوطلبانه وتلو وروسته، د شریکانو د فعالیت دوام اووه نوي یمه ماده:

که چېرې د عام تضامني شرکت له شریکانو څخه یو په داوطلبانه ډول ووځي یا مړ شي، عام تضامني شرکت له وتلي شریک یا د متوفي له ورثې سره د حسابونو له تصفیې پرته خپلو سوداگریزو فعالیتونو ته دوام ورکولی شي، خودا چې د شراکت په عقد کې بل ډول موافقه شوې وي که چېرې وتلی شریک یا د متوفي ورثه یا یې قانوني استازي د انحلال په وخت کې له شرکت سره ګټې ولري، د عادی داینینو په توګه کولای شي په منحل شوی عام تضامني شرکت کې د خپلو ګټو له ارزښت سره برابر مبالغ له مفاد سره یوځای لاس ته راوړي یا دا چې کولای شي د ټکټانې په عوض، د منحل شوی عام تضامني شرکت په شتمنۍ کې د وتلي شریک یا د متوفي د ورثې د حقوقو له استفادې څخه راپیدا شوې ګټه لاس ته راوړي، پدې شرط چې د عام تضامني شرکت داینینو

ادامه فعالیت شرکت بعد از وفات یا خروج داوطلبانه شریک ماده نودوهفتم:

هرگاه یکی از شرکای شرکت تضامنی عام طور داوطلبانه خارج یا وفات نماید، شرکت تضامنی عام بدون تصفیه حسابات بین شریک خارج شده یا ورثه متوفی به فعالیت های تجارتي خود دوام داده می تواند. مگر این که در عقد شراکت طور دیگری توافق صورت گرفته باشد. هرگاه شریک خارج شده یا ورثه متوفی و یا نمایندگان قانونی آنها حین انحلال نزد شرکت منافع داشته باشند، بحيث داینین عادی می توانند مبالغ مساوی به ارزش منافع خویش را در شرکت تضامنی عام منحل شده، همراه با مفاد بدست آورند یا اینکه می توانند در عوض تکتانه، منفعت ناشی از استفاده از حقوق شریک خارج شده یا ورثه متوفی را در دارایی شرکت تضامنی عام منحل شده، بدست آورند، مشروط بر اینکه به داینین شرکت

ته د وتلي شريك يا د متوفي د ورثې د دائینو په وړاندې، پدې ماده کې درج شوی طلب ته د لومړیتوب حق ورکړل شي.

د شريك محجوریت

اته نوي يمه ماده:

که چېرې له شريکانو څخه یو محجور شي، ددې قانون په اووه نوي يمه ماده کې درج شوی حکم، پدې هکله د تطبیق وړ دی.

د شريکانو افلاس

نهه نوي يمه ماده:

که چېرې له شريکانو څخه یو له افلاس سره مخامخ شي، له تضامني شرکت څخه ایستل کېږي، خو دا چې د شراکت په عقد کې بل ډول تصریح شوی وي.

د محکمې د حکم پر بنسټ د

شريک ایستل

سلمه ماده:

که چېرې له شريکانو څخه د یوه لخوا د عام تضامني شرکت انحلال غوښتل شوی وي، محکمه کولای شي د نورو شريکانو د غوښتنې له مخې د نوموړي شريك په ایستلو او د شرکت د کار پر دوام حکم

تضامنی عام در مقابل دائینین یا نمایندگان شريك خارج شده و یا ورثه متوفی، در طلب مندرج این ماده حق اولیت داده شود.

محجوریت شريك

ماده نودوهشتم:

هرگاه یکی از شرکاء محجور گردد، حکم مندرج ماده نودوهشتم این قانون در مورد قابل تطبیق میباشد.

افلاس شرکاء

ماده نودونهم:

هرگاه یکی از شرکاء به افلاس مواجه گردد، از شرکت تضامنی اخراج میگردد، مگر این که در عقد شراکت طور دیگری تصریح شده باشد.

اخراج شريك به اساس حکم

محکمه

ماده صدم:

هرگاه انحلال شرکت تضامنی عام از طرف یکی از شرکاء تقاضا شده باشد، محکمه میتواند از اثر تقاضای سایر شرکاء به اخراج شريك مذکور و به دوام کار شرکت، اصدار

صادر کړی.

حکم نماید.

د شرکت د انحلال غوښتنه یا د هغه رد

یو سلو یوه یمه ماده:

که چېرې له شریکانو څخه یو د هغه عام تضامني شرکت چې موده یې غیر محدوده ده، انحلال وغواړي، یو یا له یوه څخه زیات شریکان کولای شي د انحلال غوښتنه رد او په شرکت کې خپل فعالیت ته دوام ورکړي، پدې صورت کې د شریک ایستل ددې قانون د حکمونو مطابق محکمې ته راجع کېږي.

د شریکانو د یوه په واسطه د شرکت د انحلال غوښتنه

یو سلو دوه یمه ماده:

که چېرې د هغه عام تضامني شرکت چې موده یې محدوده وي له شریکانو څخه یو ددې قانون د څلور نوي یمې مادې د حکم پر بنسټ د شرکت د انحلال غوښتنه وکړي، شریک یا نور شریکان کولای شي د هغه برخه ورکړي او خپل فعالیت ته دوام ورکاندي.

درخواست انحلال شرکت یا رد آن

ماده یکصدویکم:

هرگاه یکی از شرکا، انحلال شرکت تضامنی عام را که مدت آن غیرمحدود است، درخواست نماید، یک یا بیش از یک شریک می توانند تقاضای انحلال را رد و به فعالیت شان در شرکت ادامه دهند، در این صورت اخراج شریک طبق احکام این قانون به محکمه راجع می گردد.

درخواست انحلال شرکت توسط یکی از شرکا

ماده یکصدو دوم:

هرگاه یکی از شرکای شرکت تضامنی عامیکه مدت آن محدود و به اساس حکم ماده نودوچهارم این قانون درخواست انحلال شرکت را نماید، شریک یا شرکای دیگر می توانند حصه وی را پرداخته و به فعالیت خود ادامه دهند.

د شتمنی او دیونو پرېښودل**یو سلو درېیمه ماده:**

که چېرې عام تضامني شرکت له دوو نفرو څخه جوړ وي او یو یې ووځي، محکمه کولای شي د بل شریک په غوښتنه په مؤجهو د لیلونو سره مستند د انحلال یا تصفیې له حکم پرته د نوموړي شرکت ټوله شتمني او دیون پاتې شریک ته پرېږدي، پدې صورت کې د وتلي شریک په باره کې ددی قانون د یوسلو څلورمې او یو سلو پنځمې مادې حکم د تطبیق وړ دی.

له انحلال وروسته د ادارې او د**معاملو د چارو دوام****یو سلو څلورمه ماده:**

که چېرې عام تضامني شرکت له دوو نفرو څخه جوړ وي او له شریکانو څخه د یوه شخصي داین ددی قانون د یوسلو اتمې مادې د حکم مطابق د شرکت د انحلال غوښتنه وکړي یا له شریکانو څخه یو له افلاس سره مخامخ شي، بل شریک کولای شي، ددی قانون د یوسلو دوه یمې مادې د حکم له په پام کې نیولو سره د شرکت د چارو ادارې او معاملو ته په خپل حساب

واگذاری دارایی و دیون**ماده یکصد و سوم:**

هرگاه شرکت تضامنی عام متشکل از دو نفر باشد و یکی آن خارج گردد، محکمه می تواند بالاتر درخواست شریک دیگر مستند با دلایل مؤجه بدون حکم انحلال یا تصفیه، تمام دارایی و دیون شرکت متذکره را به شریک باقی مانده واگذار نماید، در این صورت درباره شریک خارج شده حکم مواد یکصد و چهارم و یکصد و پنجم این قانون قابل تطبیق است.

ادامه اداره و امور معاملات بعد از**انحلال****ماده یکصد و چهارم:**

هرگاه شرکت تضامنی عام متشکل از دو نفر باشد و داین شخصی یکی از شرکا، مطابق حکم ماده یکصد و هشتم این قانون انحلال شرکت را تقاضا نماید یا یکی از شرکا به افلاس مواجه گردد، شریک دیگر می تواند با رعایت حکم ماده یکصد و دوم این قانون اداره امور و معاملات شرکت را به حساب خود

دوام ورکړی.

ادامه دهد.

د هغه شریک د گټې ورکړه چې له شرکت څخه وځي
یوسلو پنځمه ماده:

(۱) د هغه شریک گټه چې له عام تضامني شرکت څخه ایستل کېږي یا په خپله وځي، له هغې نېټې څخه چې د ایستلو غوښتنه کېږي، د شرکت له شتمنۍ څخه ټاکل کېږي او مجموعي مبلغ یې په نغدې توګه ورکول کېږي، خو دا چې په عقد کې بل ډول تصریح شوی وي.

(۲) ددی مادی په (۱) فقره کې د درج شوی شریک گټه، د شراکت د عقد د ټاکلې مودې مطابق، که چېرې د شراکت په عقد کې تصریح شوي نه وي، د لومړني بیلانس شپټ د ترتیبولو په وخت کې، د شریک له وتلو وروسته ورکول کېږي.

د ایستل شوی شریک ونډه او د شرکت په تصمیم کې نه لاس وهنه
یوسلو شپږمه ماده:

هغه شریک چې له شرکت څخه ایستل کېږي یا په خپله وځي، له وتلو دمخه د شرکت په حقوقو، امتیازونو او معاملاتي وجیبه کې

تادیه مفادشریکي که از شرکت خارج می‌شود
ماده یکصد و پنجم:

(۱) مفاد شریکي که از شرکت تضامنی عام اخراج یا خود خارج می‌شود، از تاریخیکه تقاضای اخراج به عمل می‌آید، از دارایی شرکت تعیین و مبلغ مجموعی آن طور نقده تأدیه می‌گردد، مگر اینکه در عقد طور دیگری تصریح شده باشد.

(۲) مفاد شریک مندرج فقره (۱) این ماده مطابق زمان معینه عقد شراکت، هرگاه در عقد شراکت تصریح نشده باشد، حین ترتیب اولین بیلانس شیت بعد از خارج شدن شریک پرداخته می‌شود.

سهم شریک اخراج شده وعدم مداخله در تصمیم شرکت
ماده یکصد و ششم:

شریکي که از شرکت اخراج یا خود خارج می‌شود، در حقوق، امتیازات و وجایب معاملاتی شرکت قبل از خروج سهم

برخوال دی، خو نشي کولای د هغو معاملو چې د مخه د هغو په هکله د نورو شریکانو لخوا اقدام شوی یا یې د اقدام تصمیم نیول شوی دی د اجراء خنډ شي، که چېرې د شرکت د چارو تصفیه په بیرنۍ توگه ممکنه نه وي، ایستل شوی شریک کولای شي، د شرکت د مالي کال په پای کې، د شرکت د چارو حسابونه چې د مالي کال په اوږدو کې یې صورت موندلی و غواړي او د جاري معاملو په هکله د مالي کال په پای کې له شریکانو څخه هم معلومات واخلي.

د شخصي دین ادا کول

یو سلو اوومه ماده:

له عام تضامني شرکت څخه د شریک ایستل یا وتل د ثالثو اشخاصو په وړاندې د ثبت او اعلان له نېټې څخه معتبر دی او د ثبت او اعلان له نېټې دمخه یې مسئولیت د ثالثو اشخاصو په وړاندې باقی دی.

می باشد، ولی نمی تواند اجرای معاملاتی را که قبلاً در مورد آن توسط سایر شرکاً اقدام یا به اقدام آن تصمیم اتخاذ گردیده، مانع شود. هرگاه تصفیه امور شرکت طور عاجل ممکن نباشد، شریک اخراج شده می تواند در اخیر سال مالی شرکت، حسابات امور شرکت را که در ظرف سال مالی صورت گرفته، مطالبه و درمورد معاملات جاری در ختم سال مالی از شرکاً نیز کسب معلومات نماید.

ادای دین شخصی

ماده یکصد و هفتم:

اخراج یا خروج شریک از شرکت تضامنی عام در مقابل اشخاص ثالث از تاریخ ثبت و اعلان معتبر است و قبل از تاریخ ثبت و اعلان مسئولیت آن در مقابل اشخاص ثالث باقی است.

د دین نه ترلاسه کول**یو سلو اتمه ماده:**

که چېرې د عام تضامني شرکت د شریک شخصي داین خپل دین د مدیون له شخصي مالونو څخه ترلاسه نکړای شي، حق لري د عام تضامني شرکت د تصفیې په وخت کې د مدیون شریک برخه د محکمې د حکم پر بنسټ تر څارنې لاندې ونیسي او د شرکت انحلال د مالي کال په پای کې ددې قانون د سلمې مادې په حکم کې د درج شوو قانع کوونکو دلیلونو پر بناء وغواړي، د مخه تردې چې د انحلال حکم تطبیق شي. عام تضامني شرکت یا نور شریکان کولای شي د محکمې د حکم له تطبیق د مخه دین اداء یا مدیون شریک ددې قانون د یوسلو پنځمې مادې د حکم مطابق و باسي. پدې صورت کې د محکمې حکم ساقطېږي.

د شرکتونو الحاق**یوسلو نهمه ماده:**

دوه شرکتونه یا زیات عام تضامني شرکتونه کولای شي د یوه نوي عام تضامني شرکت د جوړولو په

عدم حصول دین**ماده یکصد و هشتم:**

هرگاه دائن شخصی شریک شرکت تضامنی عام دین خویش را از اموال شخصی مدیون تحصیل کرده نتواند، حق دارد حین تصفیة شرکت تضامنی عام، حصة شریک مدیون را به اساس حکم محکمه تحت مراقبت گرفته و انحلال شرکت را در اخیر سال مالی بنا بر دلایل مقنع مندرج حکم ماده صدم این قانون تقاضا نماید، قبل از آنکه حکم انحلال تطبیق گردد. شرکت تضامنی عام با شرکاء دیگر می‌تواند قبل از تطبیق حکم محکمه دین را ادا یا شریک مدیون را طبق حکم ماده یکصد و پنجم این قانون اخراج نماید. در این صورت حکم محکمه ساقط می‌گردد.

الحاق شرکت‌ها**ماده یکصد و نهم:**

دو شرکت یا شرکت‌های متعدد تضامنی عام می‌توانند بمنظور تشکیل یک شرکت تضامنی عام

منظور یو له بل سره ملحق یا په بل ډول سره مدغم شي. پدی صورت کې نوی رامنځته شوی عام تضامني شرکت د دمخه عامو تضامني شرکتونو تداوم پېژندل کېږي او منحل شوی نه گڼل کېږي.

د الحاق په اړه د شریکانو موافقه یو سلو لسمه ماده:

د عامو تضامني شرکتونو د الحاق لپاره د ټولو شریکانو په موافقه هغه جلا تصویبونه چې د اړوندو شرکتونو له خوا صورت مومي، ثبت او اعلانېږي خو دا چې په عقد کې بل ډول تصریح شوی وي. الحاق په ثبت یا اعلان سره هر یو چې موخ وي، معتبر دی.

د ملحقه شرکتونو دیلانس ترتیبول یو سلو یوولسمه ماده:

له ملحقه شرکتونو څخه هر یو مکلف دی، خپل بیلانس په متحدالشکل ډول ترتیب او اعلان کړي، په عین حال کې کوم تصمیم چې د دیونو د ورکړې لپاره یې نیسي، تصویب او له بیلانس سره دی ضمیمه کړي. هر شریک کولای شي له الحاق دمخه، بیلانس او په هغه پورې اړونده شرح ترلاسه کړي.

جدید با یکدیگر ملحق یا طور دیگری باهم مدغم گردد. دراین صورت شرکت تضامنی عام جدید حاصله بحیث تداوم شرکت های تضامنی عام قبلی شناخته شده و منحل شده پنداشته نمی شوند.

توافق شرکاء مبنی برالحاق شرکت ماده یکصدودهم:

برای الحاق شرکت های تضامنی عام به توافق کلیه شرکاء، تصاویب جداگانه که از طرف شرکت های مربوط به عمل آمده ثبت و اعلان می گردد. مگر اینکه در عقد طور دیگری تصریح شده باشد. الحاق با ثبت یا اعلان، هر کدام که موخر باشد، معتبر است.

ترتیب بیلانس شرکتهای ملحقه ماده یکصدویازدهم:

هریکه از شرکت های ملحقه مکلف اند، بیلانس خود را بصورت متحد الشکل ترتیب و اعلان کنند. در عین حال تصمیمی را که برای تأدیه دیون اتخاذ می نمایند، تصویب و با بیلانس ضمیمه نمایند. هر شریک می تواند قبل از الحاق، بیلانس و شرح مربوط آن را دریافت نمایند.

د شرکت له الحاق څخه د داینینو خبرول یو سلو دوولسمه ماده:

هغه تصویب چې د عامو تضامنی شرکتونو د الحاق په هکله صورت مومي، د ثبت او اعلان له نېټې څخه درې میاشتې وروسته نافذېږي، له ملحق شوو شرکتونو څخه هر یو مکلف دی پېژندل شوی داینین د الحاق په هکله خبر کړي. په هغه صورت کې چې الحاق شوی عام تضامنی شرکتونه خپل دیون ورکړي یا هغومره مبالغ چې د دیونو معادل یې وي له معتبرو بانکونو څخه په یوه کې په امانت (ودیعې) کېږي یا داینین دشرکتونو په الحاق راضي شي، په هغه صورت کې د دریو میاشتو انتظار دمودی تېرېدل حتمي ندی. هغه رسید چې د دیونو معادل مبالغو په وړاندې له بانک څخه اخستل کېږي هم باید ثبت او اعلان شي. دالحاق شوو شرکتونو له داینینو څخه هریو، د دریو میاشتو په ترڅ کې د الحاق په هکله اړوندې محکمې ته اعتراض کولای شي اوتر هغه وخته چې

مطلع ساختن داینین از الحاق شرکت ماده یکصدودوازددهم:

تصویبی که راجع به الحاق شرکت های تضامنی عام بعمل می آید، از تاریخ ثبت و اعلان، سه ماه بعد نافذ می گردد. هریک از شرکت های ملحق شده مکلف اند داینین شناخته شده را در مورد الحاق مطلع سازند. در صورتی که شرکت های تضامنی عام الحاق یافته دیون خود را تأدیه یا مبالغی را که معادل دیون شان باشد به یکی از بانک های معتبر به ودیعه بگذارند یا داینین به الحاق شرکتها راضي شوند، در آنصورت انقضای مدت سه ماه انتظار حتمی نمی باشد. رسیدی که در مقابل مبالغ معادل دیون از بانک اخذ می شود نیز باید ثبت و اعلان گردد. هریکی از داینین شرکت های الحاق یافته در خلال سه ماه در خصوص الحاق به محکمه مربوطه اعتراض کرده می توانند و تازمانیکه از حق اعتراض منصرف نگردند و یا قرار

داعتراض له حق څخه منصرف نشي يا دمعتراض داین په هکله دمحمکې قرار قاطعیت ونه مومي، الحاق صورت نشي موندلی.

دالحاق په اړه داعتراض موده

یوسلو دیارلسمه ماده :

که چېرې دهغې مودی په ترڅ کې چې ددی قانون په یوسلو دوولسمه ماده کې اټکل شوې ده، اعتراض صورت ونه مومي، دالحاق معامله قطعیت پیدا کوي، هغه شرکت چې نوی جوړېږي د دمخنیو تضامني شرکتونو قایم مقام دی، ټول حقوق او دیون ورته لېږدیږي. پدی صورت کې نوی تضامني شرکت ثبت او اعلانېږي.

دمعاملو تصفیه کېدل

یوسلو څوارلسمه ماده:

که چېرې دعام تضامني شرکت په عقد کې دتضامني شرکت دمعاملو دتصفیې په هکله تصریح نه وي شوې، دشرکت دمعاملو تصفیه، ددی قانون د حکمونو مطابق صورت مومي.

محکمه در باره دائن معترض کسب قطعیت ننماید، الحاق صورت گرفته نمی تواند.

مدت اعتراض مبنی بر الحاق

ماده یکصد و سیزدهم:

هرگاه در خلال مدتی که در ماده یکصد و دوازدهم این قانون پیشبینی شده است، اعتراض صورت نگیرد، معامله الحاق کسب قطعیت مینماید. شرکتی که جدیداً تشکیل می شود، قایم مقام شرکت های تضامنی قبلی بوده کلیه حقوق و دیون به آن انتقال می یابد. در این صورت شرکت تضامنی جدید ثبت و اعلان می گردد.

تصفیه معاملات

ماده یکصد و چهاردهم:

هرگاه در عقد شرکت تضامنی عام راجع به تصفیه معاملات شرکت تضامنی تصریح نگردیده باشد، تصفیه معاملات شرکت مطابق احکام این قانون صورت می گیرد.

د شرکت تصفیه

یوسلو پنخلسمه ماده :

د عام تضامنی شرکت د معاملو تصفیه د تصفیې د مامورینو په غاړه ده.

د شرکت د تصفیې مامورین

یوسلو شپاړسمه ماده :

د تصفیې مامورین عبارت دی له :
۱- هغه اشخاص چې د عام تضامنی شراکت په عقد کې د تصفیې د مامورینو په توګه ټاکل شوی وي .

۲- هغه اشخاص چې د تضامنی شراکت په عقد کې ټاکل شوی نه وي، هغه اشخاص چې د شریکانو په واسطه د عام تضامنی شرکت له انحلال دمخه یا وروسته د تصفیې د مامورینو په توګه ټاکل شوی وي .

۳- که چېرې د تصفیې مامورین ټاکل شوی نه وي ، له شریکانو څخه هریو یا یې قانوني وکیلان د عام تضامنی شرکت د معاملو د تصفیې مامور ګڼل کېږي، له شریکانو څخه د هریوۀ د مراجعې په صورت کې د تصفیې مامورین د اړوندې محکمې لخوا ټاکل کېږي .

تصفیه شرکت

ماده یکصد و یانزدهم:

تصفیه معاملات شرکت تضامنی عام بر عهده مامورین تصفیه می باشد.

مامورین تصفیه شرکت

ماده یکصد و شانزدهم:

مامورین تصفیه عبارت اند از:
۱- اشخاصی که در عقد شراکت تضامنی عام بحیث مامورین تصفیه تعیین شده باشند.

۲- اشخاصی که در عقد شراکت تضامنی تعیین نشده باشند، اشخاصی که توسط شرکاء قبل یا بعد از انحلال شرکت تضامنی عام، من حیث مامورین تصفیه تعیین شده باشند.

۳- هرگاه مامورین تصفیه تعیین نشده باشند، هریکی از شرکاء یا وکلای قانونی شان، مامور تصفیه معاملات شرکت تضامنی عام شمردۀ می‌شوند، در صورت مراجعه هریک از شرکاء، مامورین تصفیه از طرف محکمۀ مربوطه تعیین می‌گردند.

د تصفیې د مامورینو ټاکل**یوسلو اوولسمه ماده:**

د تصفیې مامورین چې د شریکانو لخوا غوره یا د محکمې په واسطه ټاکل کېږي، کېدای شي د شریکانو له منځه یا د شرکت له شریکانو څخه بهر وي.

پرتصفیې لاس پورې کول**یوسلو اتلسمه ماده:**

که چېرې د عام تضامني شرکت د چارو د تصفیې مسئولیت له یوه څخه د زیاتو د تصفیې د مامورینو په غاړه وي، د تصفیې مامورین کولای شي په خپلو کې په اتفاق او ګډې هڅې سره د عام تضامني شرکت د معاملو په تصفیه کولو لاس پورې کړي. په هغه صورت کې چې د تصفیې له مامورینو څخه یو په خپلواکه توګه د یوې مشخصې موضوع په هکله اقدام وکړي، مکلف دی موضوع د مرکزي ثبت په دفتر کې ثبت او د هغو ثالثو اشخاصو خبرتیا ته یې چې د عام تضامني شرکت د معاملو په تصفیې کې قرار لري، ورسوي.

تعیین مامورین تصفیه**ماده یکصد و هفدهم:**

مامورین تصفیه که از طرف شرکاء انتخاب یا توسط محکمه تعیین می گردند، می تواند از میان شرکاء یا خارج از شرکای شرکت باشند.

اقدام به تصفیه**ماده یکصد و هجدهم:**

هرگاه مسئولیت تصفیه امور شرکت تضامنی عام به عهده بیش از يك نفر مامور تصفیه باشد مامورین تصفیه می توانند به اتفاق هم با تشریک مساعی در تصفیه معاملات شرکت تضامنی عام اقدام نمایند. در صورتی که یکی از مامورین تصفیه طور مستقل در مورد یکی از موضوعات مشخص اقدام نماید، مکلف است موضوع را در دفتر ثبت مرکزی ثبت و به اطلاع اشخاص ثالثی که در تصفیه معاملات شرکت تضامنی عام قرار دارند، برساند.

تصفیه ته د شرکت د غړو توظیفول یوسلو نولسمه ماده :

که چېرې عام تضامني شرکت د تصفیه په بهیر کې د معاملو په اجراء کولو لاس پورې کړي، د تصفیه مامورین کولای شي، د هغو د سرتو رسولو لپاره له ثالث شخص سره، له خپلو غړو څخه یوازې یو توظیف کړي. په هغه صورت کې چې دغه ډول معاملې د شرکت د چارو د تصفیه په منظور سرتو رسېدلې وي، پر نوموړي شرکت الزام راوړونکې دی.

د تصفیه په حال کې تضامني شرکت معاملي یوسلو شلمه ماده:

که چېرې د عام تضامني شرکت معاملي د تصفیه په حال کې وي (د عام تضامني شرکت د تصفیه) عبارت په هغو ټولو عقودو او سندونو کې چې د عام تضامني شرکت په نوم ترتیبېږي، درج اود تضامني شرکت د تصفیه د مامور یا مامورینو لخوا لاسلیک کېږي. په هغه صورت کې چې د عام تضامني شرکت د تصفیه په ترڅ کې دغه ډول عبارت په عقد یا

توظیف اعضای شرکت به تصفیه ماده یکصد و نهم:

هرگاه شرکت تضامنی عام در جریان تصفیه به اجرای معاملات بپردازد، مامورین تصفیه می‌توانند برای انجام آن با شخص ثالث، صرف یکی از اعضای خود را، توظیف نمایند. در صورتی که چنین معاملات بمنظور تصفیه امور شرکت انجام شده باشد، بر شرکت متذکره الزام آور می‌باشد.

معاملات شرکت تضامنی در حال تصفیه ماده یکصد و بیستم:

هرگاه معاملات شرکت تضامنی عام در حال تصفیه باشد، عبارت (تصفیه شرکت تضامنی عام) در تمام عقود یا سایر اسنادی که بنام شرکت تضامنی عام ترتیب می‌شود، درج و توسط مامور یا مامورین تصفیه شرکت تضامنی امضاء می‌گردد. در صورتی که حین تصفیه شرکت تضامنی چنین عبارتی در عقد یا سایر اسناد مرتبه، بنام شرکت تضامنی درج

نورو مرتبه سندونو کې د تضامني شرکت په نوم درج نشي، تضامني شرکت او د تصفيې مامور يا مامورين د دغه ډول عقد يا نورو سندونو په خصوص کې د ثالثو اشخاصو په وړاندې مسئول دي، خو دا چې ثالث شخص د عام تضامني شرکت له انحلال يا يې د معاملو له تصفيې څخه خبروي .

د رجحان حق

يوسلو يوويشتمه ماده :

د عام تضامني شرکت د داينينو د رجحان حق، د شريکانو د شخصي داينينو په نسبت حتي د شرکت له انحلال وروسته خوندي وي .

د ديونو د تسويې لپاره د انحلال په ترڅ کې د شرکت د شتمني کفايت نه کول

يوسلو دوه ويشتمه ماده :

که چېرې د عام تضامني شرکت شتمني د انحلال په وخت کې دهغه د ديونو د تسويې لپاره بس (کافي) نه وي، محکمه کولای شي د قانون د حکمونو مطابق د عام تضامني شرکت پر افلاس حکم صادر کړي.

نګرډد ، شرکت تضامنی و مامور يا مامورين تصفيه در خصوص چنين عقد يا ساير اسناد در مقابل اشخاص ثالث مسئول می باشند ، مگر اينکه شخص ثالث از انحلال شرکت تضامنی عام يا تصفيه معاملات آن مطلع باشد .

حق رجحان

ماده یکصد و بیست و یکم:

حق رجحان داينين شرکت تضامنی عام نسبت به داينين شخصي شرکاء حتي بعد از انحلال شرکت محفوظ می باشد .

عدم تکافوی دارایی شرکت
حين انحلال آن برای تسويه ديون

ماده یکصد و بیست و دوم:

هرگاه دارایی شرکت تضامنی عام در هنگام انحلال برای تسويه ديون آن کافی نباشد ، محکمه می تواند مطابق احکام قانون به افلاس شرکت تضامنی عام حکم صادر نماید .

د عقد پرموجب د تصفیې د مامور لرې کول

یوسلو درویشتمه ماده :

د تصفیې هغه مامورین چې د عام
تضامنی شراکت د عقد پرموجب
د شرکت له انحلال دمخه او یا
وروسته د شریکانو له خپل منځ یا
له بهر څخه غوره شوی وي،
د شریکانو درأیو په اتفاق لرې
کېدای شي، د نه اتفاق په صورت
کې، له شریکانو څخه د هریوه د
غوښتنې په اثر، د تصفیې مامورین
د محکمې لخوا لرې کېدای شي .

د محکمې لخوا د تصفیې د مامور لرې کېدل

یوسلو څلېریشتمه ماده :

د تصفیې هغه مامور چې د محکمې
لخوا ټاکل شوی وي، لرې کېدل
یې یوازې د محکمې لخوا صورت
مومي .

د تصفیې په چارو کې د همکاری غوښتنه

یوسلو پنځه ویشتمه ماده :

د تصفیې مامورین د تضامنی شرکت
د انحلال په وخت کې کولای شي:
۱- د شرکت له مدیرانو څخه،

عزل مامور تصفیه به موجب عقد

ماده یکصد و بیست و سوم:

مامورین تصفیه که به موجب عقد
شراکت تضامنی عام قبل و یا بعد
از انحلال شرکت از میان خود
شرکاء یا خارج آن انتخاب
شده باشند، باتفاق آرای
شرکاء عزل شده می‌توانند،
در صورت عدم اتفاق،
بالاتر تقاضای هر یکی از شرکاء،
مامورین تصفیه از طرف محکمه
عزل شده می‌توانند .

عزل مامور تصفیه از طرف محکمه

ماده یکصد و بیست و چهارم:

مامور تصفیه ای که از طرف
محکمه تعیین شده باشد، عزل آن
تنها از طرف محکمه صورت
می‌گیرد .

تقاضای همکاری در امور تصفیه

ماده یکصد و بیست و پنجم:

مامورین تصفیه حین انحلال
شرکت تضامنی می‌توانند:
۱- از مدیران شرکت، در صورت

دهغوی د موجودیت په صورت کې د عام تضامني شرکت د چارو په تصفیه کې د همکاری غوښتنه وکړي .
۲- د شرکت د مدیرانو د نه همکاری په صورت کې دی د عام تضامني شرکت د شتمنی صورت حساب او روان (جاري) بیلانس شیت ترتیب کړي .

۳- دلزوم په صورت کې کولای شي د عام تضامني شرکت د شتمنی دارزښت برآورد ، دهغې د بیې د ټاکلو په منظور لاسته راوړي .
د شرکت د مدیرانو لخوا د دفتر او ترتیب شوی بیلانس شیت له لاسلیک وروسته دی ، د دوی په حضور ، د عام تضامني شرکت د شتمنی او حسابونو کنترول او مسئولیت په غاړه واخلي .

د شرکت د شتمنی ساتنه

یوسلو شپږویشتمه ماده :

د تصفیې مامورین ، د عام تضامني شرکت د معاملو د تصفیې په وخت کې ، د شرکت د ټولې شتمنی او حسابي دفترونو د ساتنې مسئول دی .

موجودیت آنها ، همکاری را در امور تصفیۀ شرکت تضامنی عام تقاضا نمایند .

۲- در صورت عدم همکاری مدیران شرکت ، صورت حساب دارایی و بیلانس شیت جاری شرکت تضامنی عام را ترتیب نمایند .

۳- در صورت لزوم می توانند برآورد ارزش دارایی شرکت تضامنی عام را به منظور تعیین قیمت آن بدست آورند .

بعد از امضای دفتر مربوط و بیلانس شیت مرتبه از طرف مدیران شرکت ، به حضور آنها ، کنترول و مسئولیت دارایی و حسابات شرکت تضامنی عام را به عهده بگیرند .

محافظت دارایی شرکت

ماده یکصد و بیست و هشتم:

مامورین تصفیه حین تصفیۀ معاملات شرکت تضامنی عام ، مسئول محافظت تمام دارایی و دفاتر حسابی شرکت می باشند .

د تصفیې د مامور مکلفیت**یوسلو اووه ویشتمه ماده:**

د تصفیې مامورین د لاندې چارو په اجراء کولو مکلف دی:

۱- د عام تضامني شرکت د ټولو معاملو تصفیه چې له انحلال دمخه پیل شوې وي، بشپړ وي.

۲- د عام تضامني شرکت د دیونو او نورو طلباتو تصفیه نغداً اود د ائینو د موافقې په صورت کې جنساً ورکوي.

۳- د عام تضامني شرکت طلبات له ثالث شخص څخه تحصیل او جنسي شتمنۍ یې په نغده تبدیلي.

۴- د هغو معاملو د سرته رسولو لپاره چې د تضامني شرکت د حسابونو د راټولولو اود شریکانو ترمنځ د نوموړي شرکت د شتمنۍ د وېشلو لپاره لازمې دي، لازم تدبیرونه نیسي.

د تصفیې مامور د شرکت د حکمي**شخصیت د ممثل په توګه****یوسلو اته ویشتمه ماده:**

د تصفیې په حال کې د عام تضامني شرکت د تصفیې مامورین د محکمو

مکلفیت مامور تصفیه**ماده یکصد و بیست و هفتم:**

مامورین تصفیه مکلف به اجرای امور ذیل می‌باشند:

۱- تصفیه تمام معاملات شرکت تضامنی عام را که قبل از انحلال شرکت آغاز شده باشد، تکمیل می‌نمایند.

۲- تصفیه دیون و سایر طلبات شرکت تضامنی عام را نقداً و در صورت موافقت دائنین جنساً تأدیه می‌نمایند.

۳- طلبات شرکت تضامنی عام را از شخص ثالث تحصیل و دارایی های جنسی آن را به نقد تبدیل می‌نمایند.

۴- تدابیر لازم را جهت انجام معاملات که برای جمع‌آوری حسابات شرکت تضامنی و تقسیم دارایی شرکت متذکره بین شرکاء لازم است، اتخاذ می‌نمایند.

مامور تصفیه به حیث ممثل**شخصیت حکمی شرکت****ماده یکصد و بیست و هشتم:**

مامورین تصفیه شرکت تضامنی عام در حال تصفیه، ممثل

یا نورو حکمی شخصیتونو په وړاندې، د شرکت د حکمی شخصیت ممثل دی.

دهغې معاملې سرته نه رسول چې د شرکت په تصفیې پورې اړه نلري یو سولو نهه ویشتمه ماده :

د تصفیې مامورین نشي کولای هغه معامله چې د عام تضامني شرکت د معاملو په تصفیې پورې اړونده نه وي، سرته ورسوي، د سرته رسولو په صورت کې، له هغې څخه راپیدا شوی مسئولیت دهغوی په غاړه دی.

د شرکت د معاملو حل او فصل یو سولو دیرشمه ماده :

د تصفیې مامورین کولای شي د عام تضامني شرکت د معاملو د حل او فصل لپاره، مذاکرې سرته ورسوي یا داړتیا په صورت کې حکم وټاکي.

د شرکت د مالونو پلورل یو سولو یو دیرشمه ماده :

د تصفیې مامورین کولای شي د عام تضامني شرکت منقول مالونه د مزایدې له لارې یا په بل ډول چې د شرکت اعظمي گټه تأمین کړي وپلوري، خو د عام تضامني شرکت

شخصیت حکمی شرکت در برابر محاکم یا سایر شخصیت های حکمی می باشد.

عدم انجام معامله که مربوط به تصفیة شرکت نباشد ماده یکصد و بیست و نهم:

مأمورین تصفیه نمی توانند معامله ای را که مربوط به تصفیه معاملات شرکت تضامنی عام نباشد، انجام دهند. در صورت انجام، مسئولیت ناشی از آن، بدوش آنها می باشد.

حل و فصل معاملات شرکت ماده یکصد و سی ام:

مامورین تصفیه می توانند جهت حل و فصل معاملات شرکت تضامنی عام، مذاکرات را انجام یا در صورت ضرورت حکم راتعیین نمایند.

فروش اموال شرکت ماده یکصد و سی و یکم:

مامورین تصفیه می توانند اموال منقول شرکت تضامنی عام را از طریق مزایده و یا طوری دیگری که منفعت اعظمی شرکت را تأمین نماید، به فروش برسانند. اما اموال

غیر منقول مالونه، په هغه صورت کې چې شریکانو بل ډول موافقه نه وي کړې، یوازې د مزایدې له لارې پلورل کېدای شي، د صغیر یا محجور شتون نشي کولای د عام تضامني شرکت د منقولو یا غیر منقولو مالونو د پلورلو خنډ شي.

دهغې معاملې سرته رسول چې د شرکت په تصفیه پورې اړونده نه وي
یوسلو دوه دیرشمه ماده:

د تصفیه مامورین، په هغه صورت کې چې د شریکانو د موافقې پر بنسټ د محکمې لخوا ټاکل شوی وي، د اړتیا په صورت کې کولای شي هغه معاملې چې د عام تضامني شرکت د تصفیه په چارو پورې اړوندې نه دي، سرته ورسوي.

د مؤجله دیونو ورکړه

یوسلو درې دیرشمه ماده:

د عام تضامني شرکت د تصفیه مامورین مکلف دي، د تصفیه په حال کې د عام تضامني شرکت مؤجله دیون، د داین د منلو په صورت کې د تنزیل (د سکونت) په ډول ژر تر ژره ورکړي.

غیر منقول شرکت تضامنی عام در صورتی که شرکاء طور دیگری موافقه نکرده باشند، صرف از طریق مزایده بفروش رسیده می‌تواند. موجودیت صغیر یا محجور در بین شرکاء نمی‌تواند مانع فروش اموال منقول و غیر منقول شرکت تضامنی عام گردد.

انجام معامله که مربوط به تصفیه شرکت نباشد

ماده یکصد و سی و دوم:

مامورین تصفیه، در صورتی که به اساس توافق شرکاء از طرف محکمه تعیین گردیده باشند، در صورت ضرورت می‌توانند معاملات را که مربوط امور تصفیه شرکت تضامنی عام نمی‌باشد، انجام دهند.

پرداخت دیون مؤجله

ماده یکصد و سی و سوم:

مامورین تصفیه شرکت تضامنی عام مکلف اند دیون مؤجله شرکت در حال تصفیه را در صورت قبول داین به شکل تنزیل (د سکونت) هرچه زودتر تأدیسه نمایند.

د دیونو ورکړه

یو سلو څلور دیرشمه ماده:

که چېرې د عام تضامني شرکت شتمني د شرکت د ټولو دیونو د تسویې لپاره کافی نه وي، شریکان د شرکت د ټولو دیونو د ورکړې مسئول دی.

د شرکت د مالونو نه پلورل

یو سلو پنځه دیرشمه ماده :

د تصفیې مامورین نشي کولای د عام تضامني شرکت مالونه په ټولیزه توګه او یو دم صورت سره وپلوري، خو دا چې شریکانو دهغو له پلورنې سره موافقه کړې وي.

د واکونو زیاتېدل او تحدید

یو سلو شپږ دیرشمه ماده :

د تصفیې د مامورینو قانوني واکونه، د شریکانو د رایو په اتفاق یا د محکمې په حکم زیات یا تحدید یږي، پدې شرط چې د واکونو زیاتېدل یا تحدید د مرکزي ثبت په دفتر کې ثبت او اعلان شي. که چېرې د واکونو د زیاتېدو او تحدید موضوع ثبت او اعلان نشي، دغه زیاتېدل او تحدید، له عام تضامني شرکت سره، د نیک نیت لرونکي ثالث شخص معاملې

پرداخت دیون

ماده یکصدوسی وچهارم:

هرگاه دارایی شرکت تضامنی عام برای تسویه تمام دیون شرکت کافی نباشد، شرکاء مسئول تأدیة کامل دیون شرکت میباشند.

عدم فروش اموال شرکت

ماده یکصدوسی و پنجم:

مامورین تصفیه نمی توانند اموال شرکت تضامنی عام را بطور مجموعی و بصورت یکدم بفروش برسانند، مگر اینکه شرکاء به فروش آن موافقه نموده باشند.

افزایش و تحدید صلاحیت ها

ماده یکصدوسی و ششم:

صلاحیت های قانونی مامورین تصفیه باتفاق آرای شرکاء یا حکم محکمه افزایش یا تحدید یافته می تواند، مشروط بر اینکه افزایش یا تحدید صلاحیت ها در دفتر ثبت مرکزی ثبت و اعلان گردد. هرگاه موضوع افزایش و تحدید صلاحیت ها ثبت و اعلان نگردد، این افزایش و تحدید، معاملات شخص ثالث دارای حسن نیت را با شرکت تضامنی

نه اغېزمنوي، خو داچې ثالث شخص د تصفيې د مامورينو د قانوني واکونوله قضيه څخه دخبرتيا باوجود کومه معامله سرته رسولې وي .

د شريکانو يا محکمې په تصميم پورې د مقيد شرکت د معاملو تصفيه يوسلو اووه دیرشمه ماده :

د تصفيې مامورين د تضامني شرکت د معاملو د تصفيې په وخت کې، د شرکت د معاملو د تصفيې په هکله د شريکانو يا محکمې په تصميم مقيد دی. له شريکانو څخه د يوه د افلاس، مړينې يا محجوريت په صورت کې، ددی قانون د يو سلو اته دیرشمې مادې حکم په پام کې نيول کېږي.

د وکیل ټاکل او عزل

يوسلو اته دیرشمه ماده :

د عام تضامني شرکت د معاملو د تصفيې په وخت کې له شريکانو څخه د يوه د افلاس، مړينې يا محجوريت په صورت کې، دهغه قانوني وکیل يا ولي د تصفيې د مامورينو د ټاکلو، لري کولو يا هغوی ته د لارښوونو د صادرولو په هکله د نظر د وړاندې کولو حق لري. وارثان هم کولای شي وکیل وټاکي څوله

عام متاثر نمی سازد ، مگر اینکه شخص ثالث با وجود آگاهی از قضیه، صلاحیت های قانونی مامورین تصفیه، معامله را انجام داده باشد.

تصفیه معاملات شرکت مقید به تصمیم شرکاء یا محکمه ماده یکصد و سی و هفتم:

مامورین تصفیه حین تصفیه معاملات شرکت تضامنی مقید به تصمیمی شرکاء یا محکمه درمورد تصفیه معاملات شرکت می باشند. در صورت افلاس، وفات و یا محجوریت یکی از شرکاء حکم ماده یکصد و سی و هشتم این قانون رعایت می گردد.

تعیین و عزل وکیل

ماده یکصد و سی و هشتم:

در صورت افلاس، وفات یا محجوریت یکی از شرکاء حین تصفیه معاملات شرکت تضامنی عام، وکیل قانونی یا ولی وی حق ابراز نظر را درمورد تعیین، عزل و یا صدور هدايات به مامورین تصفیه دارد. وارثین نیز می توانند وکیل را تعیین نمایند

هغو څخه استازیتوب وکړي، په هغه صورت کې چې ورته د وکیل په ټاکلو کې موافقې ته ونه رسېږي، یا شریک ورته ونلري، محکمه کولای شي یو شخص د شریک له گټو څخه داستازیتوب لپاره دوکیل په توګه وټاکي.

د دیونو د ادا لپاره د شرکت د شتمنۍ د یوې برخې ساتل
یوسلو نهه دیرشمه ماده:

د تصفیې مامورین کولای شي د عام تضامني شرکت یوه برخه شتمني چې د شرکت د دیونو کفایت وکړای شي، وساتي او پاتې د شریکانو ترمنځ ووېشي.

د تصفیې د مامور مکلفیتونه
یوسلو څلوېښتمه ماده:

د تصفیې مامورین د عام تضامني شرکت د معاملو په وخت کې د لاندې مکلفیتونو لرونکي هم دي:

۱- د شرکت د معاملو د تصفیې د سموالی د تأمین لپاره د شرکت د دفترنو او وروستنیو (نهایی) سندونو دقیق ترتیبول.

۲- د شریکانو د غوښتنې په صورت کې د شرکت د معاملو د تصفیې

تا از آنها نمایندگی کند. در صورتی که ورته به تعیین وکیل به توافق نرسند، یا شریک فاقد ورته باشد، محکمه می تواند شخصی را جهت نمایندگی از منافع شریک به حیث وکیل تعیین نماید.

نگهداری برخی دارائی شرکت جهت ادای دیون
ماده یکصدوسی ونهم:

مامورین تصفیه می توانند بخشی از دارایی شرکت تضامنی عام را که تکافوی دیون شرکت را نموده بتواند، نگهداشته و بقیه را بین شرکا تقسیم نمایند.

مکلفیت های مامور تصفیه
ماده یکصد و چهل:

مامورین تصفیه حین تصفیه معاملات شرکت تضامنی عام، دارای مکلفیت های ذیل نیز می باشند:

۱- ترتیب دقیق دفاتر و اسناد نهایی شرکت، جهت تأمین صحت تصفیه معاملات شرکت.

۲- رایۀ گزارش شفاهی یا کتبی راجع به وضعیت تصفیه

دوضعیت په هکله، دشفاهي یا لیکلي رپوت وړاندی کول.

۳- دشریکانو دغوښتنې په صورت کې، دتضامني شرکت په تصفیې پورې د ټولو اړوندو پانیو او دفترونو په لاس ورکول. دتصفیې مامورین نشي کولای شریکان ددفترونو او پانیو دنقل له اخستلو څخه منع کړی.

۴- د هغو نغدی وجوهو چې د تصفیې په ترڅ کې ترلاسه کېږي، په یوه معتبر بانک کې په امانت اېښودل، د هغو ورځنیو عادی لگښتونو په استثنیٰ چې د شرکت د کار د پرمخبیلو لپاره کفایت وکړی.

دنیول شوو تصمیمونو ثبت او اعلانونه

یوسلو یو څلوېښتمه ماده :

دتصفیې دمامورینو په هکله دعام تضامني شرکت په عقد کې درج شوی ټول شرطونه، دتصفیې د مامورینو دټاکلو، تبدیلولو او لرې کولو په اړه دشریکانو او محکمې لخوا نیول شوی تصمیمونه، د مرکزي ثبت په دفتر کې ثبت او اعلانېږي.

معاملات شرکت درصورت تقاضای شرکاء.

۳- به دسترس قراردادن تمام اوراق و دفاتر مربوط به تصفیۀ شرکت تضامنی در صورت تقاضای شرکاء. مأمورین تصفیۀ نمی توانند شرکاء را از اخذ نقل دفاتر و اوراق ممانعت نمایند.

۴- به امانت گذاشتن وجوه نقدی که حین تصفیۀ معاملات حاصل می‌شود به یکی از بانک‌های معتبر، به استثنای مصارف عادی روزمره که تکافوی پیشبرد کار شرکت را نموده بتواند.

ثبت و اعلانات تصامیم اتخاذ شده

ماده یکصد و چهل و یکم:

کلیه شرایط مندرج عقد شرکت تضامنی عام درمورد مامورین تصفیۀ، تصامیم اتخاذ شده ازطرف شرکاء و محکمۀ در رابطه به تعیین، تبدیل و عزل مامورین تصفیۀ، در دفتر ثبت مرکزی ثبت و اعلان می‌شود.

د تصفیې د مامورینو مکلفیت د هغې له پایته رسېدو وروسته یوسلو دوه څلوېښتمه ماده:

د تصفیې مامورین، د عام تضامني شرکت د معاملو د تصفیې په پای کې، د عقد او یا د شریکانو یا محکمې لخوا د نیول شوو تصمیمونو مطابق، مکلف دی په تصفیې پورې د اړوندو حسابونو او له پانګې څخه د شریکانو د ونډې، ګټې، ضرر او نورو اقلامو لرونکي بیلانس شیت تنظیم او شریکانو ته تسلیم کړي. په هغه صورت کې چې شریکان د یوې میاشتې مودې په ترڅ کې اعتراض ونکړي، بیلانس شیت او حسابونه قطعیت مومي. که چېرې شریکان خپله وېشل شوې ونډه تر یوې میاشتې پورې د عام تضامني شرکت له شتمنیو څخه وانخلي یا یې له اخستلو څخه ډډه وکړي، د تصفیې مامورین کولای شي ټاکلې شوې ونډې د هر شریک په نوم له معتبرو بانکونو څخه په یوه کې په امانت کېښودلې.

مکلفیت مامورین تصفیې بعد از ختم آن ماده یکصد و چهل و دوم:

مامورین تصفیې، در ختم تصفیة معاملات شرکت تضامنی عام، مطابق عقد و یا تصمیم اتخاذ شده از طرف شرکاء یا محکمه، مکلف اند حسابات مربوط به تصفیة بیلانس شیت حاوی سهم شرکاء از سرمایه، نفع، ضرر و سایر اقلام را تنظیم و به شرکاء تسلیم نمایند. در صورتی که شرکاء در خلال یک ماه در زمینه اعتراض ننمایند، بیلانس شیت و حسابات کسب قطعیت می نماید. هرگاه شرکاء سهم تقسیم شده خویش را الی یک ماه از دارایی های شرکت تضامنی عام اخذ ننمایند و یا از اخذ آن امتناع ورزند، مامورین تصفیة می توانند اسهام معینه را بنام هر شریک به یکی از بانکهای معتبر به امانت بگذارند.

دشریکانو ترمنځ د نځه (خالصې) شتمنۍ وېشل

یوسلو دري څلوېښتمه ماده:

د عام تضامني شرکت خالصه شتمني د شراکت د عقد مطابق یا د شریکانو د تصمیم پر بنسټ د تصفیې د مامورینو لخوا د شریکانو ترمنځ وېشل کېږي، خو دا چې په عقد کې بل ډول تصریح شوی وي یا د شریکانو لخوا بل تصمیم نیول شوی وي، دغه وېش په نغدی توګه صورت مومي.

د تصفیې د مامورینو مسئولیت

یوسلو څلور څلوېښتمه ماده:

د تصفیې مامورین د شریکانو او ثالثو اشخاصو په مقابل کې، د هغو ترسره شوو اقداماتو په هکله چې د قایم مقام یا نورو استازو لخوا چې د تصفیې د مامورینو لخوا د عام تضامني شرکت په مقابل کې د ورسپارل شوو دندو د پرمخ بیولو لپاره ټاکل شوی، مسئول دي.

د تصفیې د مامورینو اجرت

یوسلو پنځه څلوېښتمه ماده:

د تصفیې مامورین چې د شریکانو له منځ څخه ټاکل کېږي، د معاش

تقسیم دارایی خالص بین شرکاء

ماده یکصد و چهل و سوم:

دارایی خالص شرکت تضامنی عام مطابق عقد شراکت یا براساس تصمیم شرکاء، از طرف مامورین تصفیه بین شرکاء تقسیم می گردد، مگر اینکه در عقد طور دیگری تصریح گردیده یا از طرف شرکاء تصمیم دیگری اتخاذ شده باشد، این تقسیم طور نقده صورت می گیرد.

مسئولیت مامورین تصفیه

ماده یکصد و چهل و چهارم:

مامورین تصفیه در مقابل شرکاء و اشخاص ثالث در مورد اقدامات انجام شده توسط قائم مقام یا سایر نمایندگان که از طرف مامورین تصفیه جهت پیشبرد وظایف محوله در برابر شرکت تضامنی عام تعیین شده اند، مسئول می باشند.

اجرت مامورین تصفیه

ماده یکصد و چهل و پنجم:

مامورین تصفیه که از میان شرکاء تعیین می گردند، مستحق معاش

و اجرت نمی باشند، مگر اینکه در عقد شراکت طور دیگری ذکر شده یا سایر شرکاء تصمیم گرفته باشند. مامورین تصفیه که از جمله شرکاء نمی باشند، در برابر انجام وظیفه منحیث مامورین تصفیه مستحق اخذ معاش و اجرت می باشند، گرچه در عقد شراکت تصریح نشده باشد.

امانت گذاشتن اوراق در محل مطمئن

ماده یکصد و چهل و ششم:
اوراق و دفاتر شرکت تضامنی عام در ختم تصفیه معاملات در محل مطمئنی که از طرف شرکاء تعیین می گردد، بطور امانت گذاشته می شود، این اوراق و دفاتر بعد از ختم تصفیه برای مدت (۱۵) سال نگهداری می شود. هرگاه در مورد محل حفظ و نگهداری اوراق و دفاتر اتفاق نظر شرکاء حاصل نشود، تعیین محل از صلاحیت محکمه می باشد.

او اجرت مستحق ندی، خو داچی د شراکت په عقد کې بل ډول ذکر شوی یا نورو شریکانو تصمیم نیولی وي. د تصفیې هغه مامورین چې د شریکانو له جملې څخه نه وي، د تصفیې د مامورینو په توګه د دندې د ترسره کولو په وړاندې د معاش او اجرت داخستلو مستحق دی، که څه هم چې د شراکت په عقد کې تصریح شوی نه وي.

په ډاډمن ځای کې د پانېو امانت اېښودل

یوسلو شپږ څلوېښتمه ماده:
د عام تضامني شرکت پانې او دفترونه د معاملو د تصفیې په پای کې په ډاډمن ځای کې چې د شریکانو لخوا ټاکل کېږي، په امانت توګه اېښودل کېږي، دغه پانې او دفترونه د تصفیې له پایته رسېدو وروسته د (۱۵) کلونو لپاره ساتل کېږي. که چېرې د پانېو او دفترونو د ساتنې د ځای په هکله د شریکانو د نظر اتفاق ترلاسه نشي، د ځای ټاکل د محکمې واک دی.

پنجم فصل خاص تضامنی شرکت

فصل پنجم شرکت تضامنی خاص

دخولوم فصل د حکمونو تطبیقول

یو سلو اووه څلوېښتمه ماده :

پدی قانون کې درج شوی دعام تضامنی شرکت په فصل پورې اړوند حکمونه، دخاص تضامنی شرکت په هکله درعایت وړ دی، خو داچې پدی قانون کې بل ډول تصریح شوی وي. په هغه صورت کې چې تثبیت نشي چې شرکت، خاص تضامنی شرکت دی، که عام تضامنی، پدی صورت کې نوموړی شرکت عام تضامنی شرکت ګڼل کېږي.

دشریکانو دنومونو او د هغوی د

ورکړل شوې پانګې د اندازې ثبتول

یوسلو اته څلوېښتمه ماده:

دخاص تضامنی شراکت په عقد کې ددی قانون په یو سلو دوه پنځوسمه ماده کې پر درج شوو شرایطو برسېره، دخاصو شریکانو نومونه د هغو دهر یوه په واسطه د ورکړل شوې یا ژمنې شوې پانګې له اندازې سره یوځای درج اود مرکزي ثبت په دفتر کې ثبت او اعلانېږي.

تطبیق احکام فصل چهارم

ماده یکصد و چهل و هفتم:

احکام مربوط به فصل شرکت تضامنی عام مندرج این قانون درمورد شرکت تضامنی خاص قابل رعایت می‌باشد، مگر اینکه در این قانون طور دیگری تصریح شده باشد. در صورتی که تثبیت شده نتواند که شرکت، شرکت تضامنی خاص می‌باشد یا تضامنی عام، در این صورت شرکت مذکور، شرکت تضامنی عام پنداشته می‌شود.

ثبت اسامی شرکاء و اندازه سرمایه

تأدیه شده آنها

ماده یکصد و چهل و هشتم:

در عقد شراکت تضامنی خاص علاوه بر شرایط مندرج ماده یکصد و پنجاه و دوم این قانون، اسامی شرکای خاص همراه با اندازه سرمایه تأدیه شده یا تعهد شده توسط هر يك از آنها، درج و در دفتر ثبت مرکزی، ثبت و اعلان میگردد.

د پانگې په توگه د ځينو شيانو استثنائات

يوسلو نهه څلوېښتمه ماده:

د خاص تضامني شرکت شريک نشي کولای خپل کار، عمل، شهرت يا تخصص (د علمي او فني اختراع يا په هغې پورې دنورو اړوندو معنوي حقوقو په استثنائي) د شرکت د پانگې په توگه وړاندې کړي.

د عامو شريکانو حقوقي مناسبات

يوسلو پنځوسمه ماده:

د عامو شريکانو حقوقي مناسبات يو ډبل په وړاندې او د خاصو شريکانو او ثالثو اشخاصو په مقابل کې ددې قانون د څلورم فصل د حکمونو تابع دی.

په اساسنامه کې درج شوي موضوعگانې

يوسلو يوېنځوسمه ماده :

د خاص تضامني شرکت اساسنامه چې د شراکت د عقد پر بنسټ منځته راځي، د لاندې موضوعگانو لرونکې ده :

۱- د شرکت نوم.

۲- د شرکت د ثبت شوي استازي آدرس او نوم.

استثنائات برخې اشيا بحیث سرمایه

ماده یکصد و چهل ونهم:

شريك شرکت تضامنی خاص نمی تواند کار، عمل، شهرت یا تخصص خویش را (به استثنای اختراع علمی و فنی یا سایر حقوق معنوی متعلق به وی) بحیث سرمایه شرکت ارائه نماید.

مناسبات حقوقي شرکای عام

ماده یکصد و پنجاهم:

مناسبات حقوقي شرکای عام در برابر یکدیگر و در مقابل شرکای خاص و اشخاص ثالث، تابع احکام فصل چهارم این قانون می باشد.

موضوعات مندرج اساسنامه

ماده یکصد و پنجاه و یکم:

اساسنامه شرکت تضامنی خاص که به اساس عقد شراکت بوجود می آید، حاوی موضوعات ذیل می باشد:

۱- اسم شرکت.

۲- آدرس و اسم نماینده ثبت شده شرکت.

۳- اسم و آدرس شریک عام شرکت.

۴- تعداد و ارزش مجموعی سهام مالکیت مجوزۀ شرکت تضامنی خاص، در صورتی که وجود داشته باشد.

عقد شراکت در ترکیب اساسنامه

ماده یکصد و پنجاه و دوم:

عقد شراکت تضامنی خاص از طرف تمام شرکاء امضاء گردیده و اشخاصیکه در ترتیب اساسنامه اشتراک مینمایند، بحیث مؤسسين شناخته می‌شوند. مؤسسين کمتر از (۵) عضو بوده نمی‌تواند مشروط به اینکه يك تن آن از جمله شرکاء باشد. شرکای خاص که از جمله مؤسسين می‌باشند مکلف اند مبلغی را که به پرداخت آن توافق نموده، در عقد شراکت درج نمایند.

عزل مدیر شرکت تضامنی خاص

ماده یکصد و پنجاه و سوم:

مدیر شرکت تضامنی خاص طبق شرایطی پیشبینی شده ماده

۳- در شرکت دعاء شریک نوم او آدرس.

۴- دخاص تضامنی شرکت دمجوزۀ مالکیت د ونډو شمېر او ټول ارزښت په هغه صورت کې چې وجود ولري.

د اساسنامې په ترکیب کې د شراکت عقد

یوسلو دوه پنځوسمه ماده:

دخاص تضامنی شراکت عقد دټولو شریکانو لخوا لاسلیک کېږي او هغه اشخاص چې داساسنامې په ترتیبېدو کې گډون کوي، دمؤسسینو په توگه گڼل کېږي. مؤسسين له (۵) غړو څخه کمېدی نشي، پدې شرط چې یو تن یې دشریکانو له جملې څخه وي. خاص شریکان چې دمؤسسینو له ډلې څخه وي، مکلف دی هغه مبلغ چې پر ورکړې یې موافقه کړېده، دشراکت په عقد کې درج کړي.

دخاص تضامنی شرکت دمدير لري کول

یوسلو دري پنځوسمه ماده :

دخاص تضامنی شرکت مدیر، ددی قانون په اته شپېتمه ماده کې

ددرج شوو شرطونو مطابق، لري کېدی شي.

په عین فعالیت کې د عام شریک بوختېدل
یوسلو څلور پنځوسمه ماده:

دخاص تضامني شرکت عام شریک، دعامو تضامني شرکتونو په څېر نشي کولای دشرکت دنورو عامو شریکانو چې د شرکت عین فعالیت جوړوي، له اجازې پرته بوخت، یا د عام شریک په صفت شمولیت ترلاسه کړي. هغه عام شریک چې لدی حکم څخه سروغړوي، ددی قانون داته اویایمي مادی حکم پرې تطبیقهېږي. که چېرې دخاص تضامني شرکت نور عام شریکان یا نظار هیئت په بل شرکت کې دعام شریک له شمولیت څخه خبر شي اود خبرتیا دترلاسه کولو له نېټې څخه تریوه کاله پورې اعتراض ونکړي، پدی صورت کې دهغو دموافقې حکم لری.

دنظار هیئت ټاکل

یوسلو پنځه پنځوسمه ماده:

خاص شریکان کولای شي داسې نظار هیئت غوره کړي چې په غړو کې یې عام شریکان شامل نه وي.

شصت وهشتم این قانون عزل شده می تواند.

اشتغال شریک عام در عین فعالیت
ماده یکصد و پنجاه و چهارم:

شریک عام شرکت تضامنی خاص، مانند شرکت های تضامنی عام نمی تواند بدون اجازه سایر شرکای عام شرکت که عین فعالیت شرکت را تشکیل می دهد، اشتغال ورزد و یا به صفت شریک عام شمولیت حاصل کند. شریک عامی که از این حکم تخلف ورزد، حکم ماده هفتاد و هشتم این قانون بالای وی تطبیق می گردد. هرگاه سایر شرکای عام شرکت تضامنی خاص یا هیئت نظار از شمولیت شریک عام در شرکت دیگری آگاهی یابند و از تاریخ دریافت اطلاعیه الی یک سال اعتراض نمایند، در این صورت حکم موافقت آنها را دارد.

تعیین هیئت نظار

ماده یکصد و پنجاه و پنجم:

شرکای خاص می توانند، هیئت نظار را انتخاب کنند که اعضای آن شامل شرکای عام نباشد.

نظار هیئت دهغو تصمیمونو داجراء مسؤل دی چې په ټولیزه توگه دخاصو شریکانو لخوا نیول شوی وي.

هیئت نظار مسؤل اجرای تضامینی است که بطور جمعی از طرف شرکای خاص اتخاذ شده باشد.

له خاصو شریکانو څخه دنظار هیئت استازیتوب

یوسلو شپږ پنځوسمه ماده :
نظار هیئت کولای شي دعامو شریکانو اوخاصو شریکانو ترمنځ ددعوي دوجودیت په صورت کې له خاصو شریکانو څخه استازیتوب وکړي.

نماینده گی هیئت نظار از شرکای خاص

ماده یکصدوپنجاه و هشتم:
هیئت نظار می تواند در صورت موجودیت دعوی بین شرکای عام و شرکای خاص، از شرکای خاص نمایندگی کند.

دشریکانو مناسبات

یوسلو اووه پنځوسمه ماده :
دخاص تضامني شرکت دشریکانو ترمنځ مناسبات، ددی قانون دحکمونو مطابق تنظیمېږي، خو داچې دشرکت په عقد کې بل ډول تصریح شوی وي.

مناسبات شرکاء

ماده یکصدوپنجاه و هشتم:
مناسبات بین شرکای شرکت تضامنی خاص مطابق احکام این قانون تنظیم می گردد، مگر اینکه در عقد شراکت طور دیگری تصریح شده باشد.

په اداری چارو کې دخاصو شریکانو نه لاسوهنه

یوسلو اته پنځوسمه ماده :
خاص شریکان نشي کولای دشرکت په اداری چارو کې لاسوهنه وکړي اود واکمنو اشخاصو د دندو داجراء خنډ شي، خو کولای شي د اداره کوونکو

عدم مداخله شرکای خاص در امور اداری

ماده یکصدوپنجاه و هشتم:
شرکای خاص نمی توانند در امور اداری شرکت مداخله و مانع اجرای وظایف اشخاص ذیصلاح گردند، ولی می توانند درمورد

اشخاصو له واک څخه د بهر معاملو په هکله، رایه ورکړی.

د شرکت د شتمنی د دفتر، بیلانس شیت او سندونو تدقیق او څېړل یوسلو نهه پنځوسمه ماده:

له خاصو شریکانو څخه هریو کولای شي، د کال په پای کې د شرکت د شتمنی د دفتر او بیلانس شیت او سندونه پخپله (شخصاً) یا د اهل خبره وو له لارې تدقیق کړی او ویې څېړي. د اهل خبره وو د نظر په وړاندې د اعتراض په صورت کې د خاص شریک د غوښتنې له مخې، اهل خبره د محکمې لخوا ټاکل کېږي.

د هغه شرکت جوړېدل چې موضوع یې د خاص تضامني شرکت معاملې احتواء کړی یوسلو شپېتمه ماده:

ددی قانون داته اویایمې مادی حکم د خاص تضامني شرکت پر شریکانو باندې د تطبیق وړندی، خو دا چې له خاصو شریکانو څخه یو یا له یوه تن څخه زیات داسې شرکت جوړ کړی چې معاملې یې د خاص تضامني شرکت موضوع احتوا کاندې، یا له بل شخص سره چې دغه ډول شرکت یې جوړ کړی

معاملات خارج از صلاحیت اشخاص اداره کننده، رأی بدهند.

تدقیق و بررسی دفتر دارایی، بیلانس شیت و اسناد شرکت ماده یکصد و پنجاه و نهم:

هر يك از شرکای خاص می توانند در اواخر سال، دفتر دارایی و بیلانس شیت و اسناد شرکت را شخصاً یا از طریق اهل خبره تدقیق و بررسی نمایند. در صورت اعتراض در برابر نظر اهل خبره، بالاتر تقاضای شریک خاص، اهل خبره از طرف محکمه تعیین می گردد.

تأسیس شرکت که موضوع آن معاملات شرکت تضامنی خاص را احتوا کند ماده یکصد و شصتم:

حکم ماده هفتاد و هشتم این قانون بالای شرکای شرکت تضامنی خاص قابل تطبیق نمی باشد، مگر اینکه يك یا بیش از يك نفر از شرکای خاص شرکتی را تأسیس نمایند که معاملات آن موضوع شرکت تضامنی خاص را احتوا کند، یا با شخص دیگری که چنین شرکت را تأسیس

وي، گډون (مشاركت) وكړې ياله
يوه شركت سره چې عين معامله
سرتو رسوي يوځای شي. دغه
اشخاص دخاص تضامني شركت
دسندونو او دفترونو دتدقيق حق
نلري.

دپانگې په تناسب مسئوليت يوسلو يوشپېتمه ماده:

دخاص شريك مسئوليت دهغې
پانگې په اندازه دی چې شريك هغه
وركړې يا بې پر وركړې ژمنه كړېده.

دخاص شريك لخوا دگټې او ټكتاني ترلاسه كول يوسلو دوه شپېتمه ماده:

خاص شريك د مالي كال په پای كې
كولای شي د ونډې گټه اوپه هغه
صورت كې چې دخاص تضامني
شراكت په عقد كې تصريح شوې
وي، خپله ټكتانه هم ترلاسه كړي.
په هغه صورت كې چې خاص
تضامني شركت ضرر كړی وي،
دهغه تر رفع كېدو پورې، ټكتانه
نه وركول كېږي، خو په راتلونكو
كلونو كې پانگې ته د اووونډې زیان
له جبران وروسته له پاتې گټې څخه
دتېرو كلونو ټكتانه د وركړې وړ ده.

نموده باشد مشاركت نمایند يا به
يك شركت كه عين معامله را
انجام می دهند، بپیوندند. این
اشخاص حق تدقيق اسناد و
دفاتر شركت تضامنی خاص را
ندارند.

مسئوليت به تناسب سرمايه ماده يكصد و شصت و يكم:

مسئوليت شريك خاص باندازه
سرمايه ای است كه شريك آن را
تأديه يا به تأديه آن تعهد نموده است.

دریافت مفاد و تكتانه توسط شريك خاص ماده يكصد و شصت و دوم:

شريك خاص در اخير سال مالی می
تواند مفاد سهم و در صورتی كه
در عقد شراكت تضامنی خاص
تصریح شده باشد، تكتانه خود را
نیز دریافت نماید. در صورتی كه
شركت تضامنی خاص متحمل
ضرر شده باشد، الی رفع آن،
تكتانه پرداخت نمی گردد، ولی
در سالهای بعدی پس از رفع
جبران خساره وارده به سرمايه از
مفاد باقیمانده، تكتانه سال های
قبلی قابل پرداخت می باشد.

د ونډې دگټې بېرته نه ورکول

یوسلو دري شپېتمه ماده:

(۱) خاص شریکان د ونډې دهغې گټې او ټکټېانې چې دمخه یې ترلاسه کړې ده، دهغه زیان دجبران لپاره چې وروسته منځته راځي، په بېرته ورکولو مکلف ندی.

(۲) خاص شریکان د ونډې دهغې گټې او ټکټېانې چې دناسم یا غیر مرتب بیلانس شیت له امله یې ترلاسه کړې، په بېرته ورکولو مکلف ندی.

قانوني وکیل

یوسلو څلور شپېتمه ماده:

د خاص شریک دمړینې په صورت کې د متوفې قانوني وکیل دهغه قایم مقام گرځي.

بل شخص ته د خاص شریک د ونډې

دټولې یا یوې برخې پرېښودل

یوسلو پنځه شپېتمه ماده:

که چېرې خاص شریک، په خاص تضامني شرکت کې خپله ونډه، د نورو شریکانو له اجازې پرته ټوله یا یوه برخه بل شخص ته پرېږدی، نوی شریک د خاص تضامني شرکت په چارو کې دبررسی اود خالت

عدم اعاده مفاد سهم

ماده یکصد و شصت و سوم:

(۱) شرکای خاص مکلف به اعاده مفاد سهم و تکتانه ای که قبلاً دریافت نموده، برای جبران خساره که بعداً به میان می آید، نمی باشند.

(۲) شرکای خاص مکلف به اعاده مفاد یا تکتانه که به اساس ترتیب بیلانس شیت نادرست یا غیر مرتب دریافت نموده اند، نمی باشند.

وکیل قانونی

ماده یکصد و شصت و چهارم:

در صورت وفات شریک خاص، وکیل قانونی ورثه متوفی، قایم مقام وی می گردد.

واگذاری کلی یا قسمی سهم

شریک خاص به شخص دیگر

ماده یکصد و شصت و پنجم:

هرگاه شریک خاص، سهم خویش را در شرکت تضامنی خاص، بدون اجازه سایر شرکاء کلاً یا قسماً به شخص دیگری واگذار نماید، شریک جدید صلاحیت بررسی و دخالت در امور شرکت تضامنی

واک نلري.

خاص را ندارد.

دخاص شریک مسئولیت

یوسلو شپړ شپېتمه ماده :

هغه خاص شریک چې نوم یې دخاص تضامنی شرکت په عنوان کې درج وي، دثالثو اشخاصو په وړاندې غیر محدود مسئولیت لري.

مسئولیت شریک خاص

ماده یکصد و شصت و ششم:

شریک خاصی که اسم آن در عنوان شرکت تضامنی خاص درج باشد، در مقابل اشخاص ثالث مسئولیت غیر محدود دارد.

د شرکت د معاملو د سرته رسولو

لپاره د خاص شریک توظیفول

یوسلو اووه شپېتمه ماده:

دخاصو تضامنی شرکتونو د ادارې او استازیتوب مسئولیت دهغو شریکانو په غاړه دی، چې د غیر محدود مسئولیت لرونکی وي، ددی واک حدود دهغو تقنینی سندونو د حکمونو تابع دی چې د عامو تضامنی شرکتونو په هکله د تطبیق وړ دی.

ماده یکصد و شصت و هفتم:

مسئولیت اداره و نمایندگی شرکت های تضامنی خاص بر عهده شرکایی می باشد که دارای مسئولیت غیر محدود باشند، حدود این صلاحیت تابع احکام اسناد تقنینی است که در مورد شرکتهای تضامنی عام قابل تطبیق می باشد.

د ټاکلو معاملو د سرته رسولو لپاره د خاص شریک توظیفول دهغه په خپله موافقه د شرکت د مدیر یا مدیرانو لخوا صورت موندلی شي، خو دا چې د خاص تضامنی شرکت په عقد کې بل ډول تصریح شوی وي، پدی صورت کې یوه خاص شریک ته له سپارل شوو معاملو

توظیف شریک خاص برای انجام معاملات معین به موافقت خود وی از طرف مدیر یا مدیران شرکت صورت گرفته می تواند، مگر اینکه در عقد شرکت تضامنی خاص طور دیگری تصریح شده باشد، در این صورت مسئولیت ناشی از معاملات سپرده شده به

خخه راپیدا شوی مسئولیت، شرکت ته متوجه کېږي. که چېرې خاص شریک د سپارل شوي دندی له حدودو څخه تجاوز وکړي، یا دواک له سپارلو پرته عمل وکړي، کوم مسئولیت چې دهغه له عمل څخه راپیدا کېږي، په خپله هغه ته متوجه دی.

د مشورې وړاندې کول، د شرکت د چارو د تدقیق او کنترول واک یوسلو اته شپېتمه ماده:

ددی قانون دیوسلو نهه پنځوسمې مادې د حکم له په پام کې نیولو سره د نظر او مشورې وړاندې کول، د خاص تضامني شرکت د چارو د تدقیق او کنترول واک، د قانون د حکمونو مطابق د مامورینو په نصب او عزل کې ونډه اخستل او د فرعي چارو د سرته رسولو لپاره، د خاص تضامني شرکت په دننه کې استخدام خاصو شریکانو ته د غیر محدود مسئولیت د منځته راتلو موجب نه ګرځي.

د شرکت د داینینو په وړاندې د خاصو شریکانو مسئولیت یوسلو نهه شپېتمه ماده:
خاص شریکان له ژمنه شوو مبالغو

شریک خاص، متوجه شرکت می ګرځد. هرگاه شریک خاص از حدود وظیفه محوله تجاوز نماید، یا بدون تفویض صلاحیت عمل کند، مسئولیتی که از عمل وی ناشی می گردد، متوجه خود وی می باشد.

ارایه مشوره، صلاحیت تدقیق و کنترول امور شرکت ماده یکصد و شصت و هشتم:

با رعایت حکم ماده یکصد و پنجاه ونهم این قانون، ارایه نظر و مشوره، صلاحیت تدقیق و کنترول امور شرکت تضامنی خاص، سهمگیری در نصب و عزل مامورین طبق احکام قانون و استخدام در داخل شرکت تضامنی خاص برای انجام امور فرعی، موجب ایجاد مسئولیت غیر محدود برای شرکای خاص نمی گردد.

مسئولیت شرکای خاص در مقابل داینین شرکت ماده یکصد و شصت و نهم:
شرکای خاص از مبالغ تعهد شده

خخه خومره چي د هغوی په غاړه پاتې وي، د شرکت د داینینو په وړاندې د شرکت د انحلال تر وخته مسئول دی یا په هغه موده کې چې موضوع تر اجرااتو لاندې وي داینین خاصو شریکانو ته د مراجعې حق نلري. د شرکت د انحلال په صورت کې، داینین د خاص تضامني شرکت د ټولې شتمنۍ د مطالبې د حق لرونکی دی.

د شرکت د داینینو د طلباتو ترجیح

یوسلو او یایمه ماده:

د خاص تضامني شرکت د انحلال په صورت کې، د شرکت د داینینو طلبات، د شخصي داینینو پر طلباتو مقدم دی.

له شخصي داینینو سره د شرکت د

داینینو د حقوقو برابري

یوسلو یو او یایمه ماده:

که چېرې د شرکت شتمني د داینینو د طلباتو بسنه (کفایت) ونکړي، داینین کولای شي خپل پاتې طلبات د عامو شریکانو له شخصي شتمنۍ څخه وغواړي، پدې حالت کې د شرکت داینین د عامو شریکانو له شخصي داینینو سره برابر حقوق لري.

به اندازه که در ذمت آنها باقی باشد در مقابل داینین شرکت، تا زمانی انحلال شرکت مسئول می‌باشند یا در مدتی که موضوع تحت اجراات قرار داشته باشد داینین حق مراجعه را به شرکای خاص ندارند. در صورت انحلال شرکت، داینین حق مطالبه کلیه دارایی شرکت تضامنی خاص را دارا می‌باشند.

ترجیح طلبات داینین شرکت

ماده یکصد و هفتادم:

در صورت انحلال شرکت تضامنی خاص، طلبات داینین شرکت بر طلبات داینین شخصی مقدم می‌باشد.

تساوی حقوق داینین شرکت

با داینین شخصی

ماده یکصد و هفتاد و یکم:

هرگاه دارایی شرکت طلبات داینین را تکافو نکند، داینین می‌توانند متباقی طلبات خود را از دارایی شخصی شرکای عام تقاضا نمایند، در این حالت داینین شرکت با داینین شخصی شرکای عام حقوق مساوی دارند.

د ژمنه شوې پانگې غوښتنه

یو سلو دوه او یایمه ماده:

په هغو حالاتو کې چې د خاص تضامني شرکت شتمني د شرکت د دیونو کفایت ونکړي، شرکت کولای شي له خپل خاص شریک څخه د ژمنه شوې ونډې چې ورکړې بې نده، ورکول وغواړي. پدې صورت کې د خاص تضامني شرکت دیون د خاصو شریکانو له شخصي دیونو سره د برابر موقف لرونکي دي.

د خاصو تضامني شرکتونو

انحلال او تصفیه

یو سلو دري او یایمه ماده:

د عامو تضامني شرکتونو په انحلال او تصفیې پورې اړوند حکمونه د خاصو تضامني شرکتونو په هکله هم د تطبیق وړ دي.

د شرکت د ائین

یو سلو څلور او یایمه ماده:

په هغه صورت کې چې د خاص تضامني شرکت له د ائینو څخه یو دنوموړي شرکت له شریکانو څخه دیوه مدیون وي او خاص شریک لا د خاص تضامني شرکت په وړاندې خپلې مالي

مطالبه سرمایه تعهد شده

ماده یکصد و هفتاد و دوم:

د حالاتو کې که دارایی شرکت تضامنی خاص دیون شرکت را تکافو نکند، شرکت می تواند از شریک خاص خود پرداخت سهم تعهد شده را که تأدیه ننموده است، مطالبه نماید. در این صورت، دیون شرکت تضامنی خاص با دیون شخصی شرکای خاص دارای موقف مساوی می باشد.

انحلال و تصفیه شرکت های

تضامنی خاص

ماده یکصد و هفتاد و سوم:

احکام مربوط به انحلال و تصفیه شرکت های تضامنی عام در مورد شرکت های تضامنی خاص نیز قابل تطبیق می باشد.

د ائین شرکت

ماده یکصد و هفتاد و چهارم:

د صورتی که یکی از د ائین شرکت تضامنی خاص مدیون یکی از شرکای شرکت مذکور باشد و شریک خاص هنوز تعهدات مالی خود را در برابر شرکت تضامنی خاص ادا نکرده

ژمنې پوره کړې نه وي، پدې صورت
دخاص شریک دین د داین په وړاندې
دمحاسبې وړ دی .

باشد، در این صورت دین شریک
خاص در برابر داین قابل محاسبه می
باشد.

شپږم فصل دکار تضامني شرکت

فصل ششم شرکت تضامنی کار

له شریکانو څخه دکار دسرتو رسولو او د
اجرت د ورکړې غوښتنه
یو سلو پنځه او یایمه ماده :
له شریکانو څخه هر یو دکار له
تضامني شرکت څخه په استازیتوب
دکار په منلو کې یو دبل وکیل گڼل
کېږي. دکار خاوند له هر شریک څخه
دکار سرتو رسول او بالمقابل له
شریکانو څخه هر یو کولای شي دکار
له خاوند څخه د کار اجرت وغواړي که
چېرې د کار خاوند اجرت له شریکانو
څخه یوه ته ورکړي، دغه ورکړه ټولو
شریکانو ته داجرت ورکړه گڼل کېږي.

مطالبه انجام کار و پرداخت اجرت
از شرکاء
ماده یکصد و هفتاد و پنجم:
هریک از شرکاء در قبول کار به
نماینده گی از شرکت تضامنی کار،
وکیل یکدیگر پنداشته می شود.
صاحب کار، انجام کار را از هریک
از شرکاء و بالمقابل هریک از
شرکاء می توانند اجرت کار را از
صاحب کار مطالبه نمایند. هرگاه
صاحب کار اجرت را به یکی از شرکاء
بپردازد، این پرداخت، برای تمامی
شرکاء پرداخت اجرت تلقی میگردد.

نورو اشخاصو ته دکار محلول
یو سلو شپږ او یایمه ماده:
شریک کولای شي دخپلې غاړې کار
نورو شریکانو یا نورو اشخاصو ته
محول کړي، خو دا چې دکار
دتضامني شراکت په عقد کې بل
ډول تصریح شوی وي، یا دکار

محول نمودن کار به سایر اشخاص
ماده یکصد و هفتاد و ششم:
شریک می تواند کار ذمت خویش
را به شرکای دیگر یا سائر
اشخاص محول سازد، مگر اینکه
در عقد شراکت تضامنی کار،
طور دیگری تصریح گردیده باشد

دخاوند شریکانو ته ویلی وي چې کار دی د ټاکلي شریک لخوا سرته ورسېږي.

د سرته رسېدلي کار د گټې وېش یوسلو اووه اوایامه ماده:

گټه د شریکانو ترمنځ هغسې وېشل کېږي چې پرې موافقه شوې وي. د شریکانو ترمنځ د گټې په وېش کې د هر شریک په واسطه د سرته رسېدلي کار اندازه او هغه اجرت چې هریوه ته ورکول کېږي، شرط اېښودل کېدی شي.

د کار د اجراء تضمین

یوسلو اته اوایامه ماده:

شریک د کار د اجراء د تضمین په صورت کې د گټې دیوې برخې مستحق ګڼل کېږي، که څه هم چې هغه پخپله څه کار سرته نه وي رسولی.

په کار پورې د اړوند زیان جبران

یوسلو نهه اوایامه ماده:

که چېرې د کار موضوع ته دیوه یا له یوه څخه د زیاتو شریکانو لخوا زیان ورسېږي، د کار خاوند کولای شي هغوی دهغه زیان جبران ته چې ورته اووېستی دی، مکلف کړي. د شریکانو لخوا د زیان جبران د کار

یا صاحب کار به شرکاء اظهار کرده باشد که کار از طرف شریک معین انجام گردد.

توزیع مفاد کار انجام شده ماده یکصد و هفتاد و هفتم:

مفاد میان شرکاء طوری تقسیم می شود که به آن موافقه به عمل آمده باشد. در توزیع مفاد میان شرکاء اندازه کار انجام شده توسط هر شریک و اجرتی که به هریک پرداخته می شود، شرط گذاشته شده می تواند.

تضمین اجرای کار

ماده یکصد و هفتاد و هشتم:

شریک در صورت تضمین اجرای کار مستحق بخشی از مفاد شناخته می شود، گرچه خود وی کاری را انجام نداده باشد.

پرداخت جبران خساره مرتبط به کار

ماده یکصد و هفتاد و نهم:

هرگاه به موضوع کار توسط يك یا بیش از يك شریک صدمه وارد شود، صاحب کار می تواند آنان را به جبران خساره ای که به وی عاید گردیده، مکلف سازد. جبران خساره توسط شرکاء بر طبق

د تضامني شراکت د عقد د شرایطو مطابق صورت مومي. د کار د تضامني شراکت د عقد د نه موجودیت په صورت کې، د شریکانو لخوا د تاوان ورکول، د هغوی له ونډې سره متناسب، د کار د تضامني شرکت له ګټې څخه صورت مومي، که چېرې زیان دیوه یا له یوه څخه د زیاتو شریکانو له عمل څخه د راپیدا شوی څرګند تقصیر له امله منځته راغلي وي، په هغه صورت کې اووېستی زیان د هغو شریکانو په واسطه چې د دغه ډول تقصیر مرتکب شوی وي، ورکول کېږي.

د کار دځای او وسایلو برابرول

یو سلو اتیایمه ماده:

د کار په تضامني شرکت کې یو شمېر شریکان کولای شي د کار دځای برابرول اونور شریکان د کار د ټاکلو وسایلو برابرول اود هغه سرته رسول په غاړه واخلي.

شرایط عقد شراکت تضامنی کار، صورت می‌گیرد. در صورت عدم موجودیت عقد شراکت تضامنی کار، پرداخت خساره بوسیله شرکاء متناسب به سهم آنها از مفاد شرکت تضامنی کار صورت می‌گیرد، هرگاه خسارات به اثر تقصیر آشکار ناشی از عمل یک یا بیش از یک شریک بوجود آمده باشد، در آن صورت خساره عایدۀ توسط شرکایی که مرتکب چنان تقصیر شده باشند، پرداخته می‌شود.

تهیه محل کار و وسایل

ماده یکصد و هشتادم:

در شرکت تضامنی کار عده ای از شرکاء می‌توانند تهیه محل کار و سایر شرکاء تهیه وسایل معین کار و انجام آنرا بعهده بگیرند.

اووم فصل متفرقه حکمونه

فصل هفتم احکام متفرقه

د فعالیت دوام

یوسلو یو اتیایمه ماده:

(۱) هغه تضامنی شرکتونه چې ددی قانون له انفاذ دمخه یې له نورو دولتي واکمنو مراجعو څخه د فعالیت جواز اخستی او هغه یې د سوداگریزو سندونو او علامو په دفتر کې ثبت کړی وي، ددی قانون په نافذېدو سره یې، قانوني موجودیت دوام مومي اولدی وروسته ددی قانون د حکمونو تابع دی.

(۲) هغه تضامنی شرکت چې لدی قانون سره په نه مطابقت کې جوړ شوی دی، تضامنی شرکت نه گڼل کېږي.

دمالیاتي وجیبو ادا کول

یوسلو دوه اتیایمه ماده:

پدی قانون کې درج شوی تضامنی شرکتونه او شریکان یې مکلف دی د اړوندو نافذو قوانینو د حکمونو مطابق خپلې مالیاتي او تأدیاتي وجیبې اداء کړی.

ادامه فعالیت

ماده یکصد و هشتاد و یکم:

(۱) شرکت های تضامنی که قبل از انفاذ این قانون، از سائر مراجع ذیصلاح دولتی جواز فعالیت اخذ و آنرا ثبت دفتر اسناد و علایم تجارتی نموده باشند، با انفاذ این قانون، موجودیت قانونی شان ادامه یافته و بعد از این تابع احکام این قانون می باشند.

(۲) شرکت تضامنی ای که در عدم مطابقت با این قانون تشکیل گردیده باشد، شرکت تضامنی شمرده نمی شود.

ادای وجایب مالیاتی

ماده یکصد و هشتاد و دوم:

شرکتهای تضامنی مندرج این قانون و شرکای آن مکلف اند طبق احکام قوانین نافذه مربوط و جایب مالیاتی و تأدیاتی خویش را ادا نمایند.

دمقرو، کړنلارو او لايحو وضع کول

يوسلو دري اتيایمه ماده:

د سوداګرۍ وزارت کولای شي ددې قانون د حکمونو د ښه تطبیق په منظور مقررې وړاندیز او اړوندې کړنلارې او لايحې وضع کړي.

د انفاذ نېټه

يوسلو څلور اتيایمه ماده:

دغه قانون د توشیح له نېټې څخه نافذ او په رسمي جريده کې دی خپور شي، په نافذېدو سره يې د ۱۳۳۶ کال د تلې د مياشتې په (۸۹) ګڼه رسمي جريده کې خپاره شوی، د افغانستان د سوداګرۍ په اصولنامه کې درج په تضامني شرکتونو پورې اړوند حکمونه او د ۱۳۵۵/۱۰/۱۵ نېټې په مدني قانون کې اړوند حکمونه او د نورو قوانينو له حکمونو څخه هر حکم چې ددې قانون د حکمونو له یوه حکم سره متناقض وي، لغو ګڼل کېږي.

وضع مقررې ها، طرز العمل ها ولوايح

ماده یکصد و هشتاد و سوم:

وزارت تجارت می تواند به منظور تطبیق بهتر احکام این قانون مقررې ها راپیشنهاد و طرز العمل ها و لوايح مربوط را وضع نماید.

تاریخ انفاذ

ماده یکصد و هشتاد و چهارم:

این قانون از تاریخ توشیح نافذ و در جريده رسمی نشر گردد و با انفاذ آن احکام مربوط به شرکت های تضامنی مندرج در اصولنامه تجارت افغانستان منتشره جريده رسمی شماره (۸۹) میزان سال ۱۳۳۶ و احکام مربوط در قانون مدني مؤرخ ۱۳۵۵/۱۰/۱۵ و هر حکم از احکام ساير قوانين که متناقض با حکم از احکام این قانون باشد، ملغی شناخته می شود.

قانون میانجیگری (مصالحه) تجارتی

جمهوری اسلامی افغانستان

شماره: (۱۶۸۳۷)

تاریخ: ۱۳۸۵/۱۰/۲۸

محترم سرور دانش وزیر عدلیه!

قانون میانجیگری (مصالحه) تجارتی که به اساس مصوبه شماره (۳۵) مورخ ۱۳۸۵/۱۰/۲۵ شورای وزیران به داخل (۳) فصل و (۲۵) ماده تصویب و از جانب ما به حیث فرمان تقنینی شماره (۹۸) مورخ ۱۳۸۵/۱۰/۲۷ توشیح گردیده است، به شما ارسال شد تا به نشر آن در جریده رسمی اقدام نمائید.

حامد کرزی

رئیس جمهوری اسلامی

افغانستان

د افغانستان اسلامي جمهوریت

گڼه: (۱۶۸۳۷)

نېټه: ۱۳۸۵/۱۰/۲۸

د عدليې وزير محترم سرور دانش!

د سوداگريز منځگړيتوب (مصالحي) قانون چې د وزيرانو شوري د ۱۳۸۵/۱۰/۲۵ نېټې د (۳۵) گڼې مصوبې پر بنسټ په (۳) فصلونو او (۲۵) مادو کې تصويب او زموږ لخوا د ۱۳۸۵/۱۰/۲۷ نېټې د (۹۸) گڼې تقنيني فرمان په توگه توشېح شوې دى، تاسې ته درواستول شو خوږې په رسمې جريده کې به خپرولو اقدام وکړي.

حامد کرزی

د افغانستان د اسلامي

جمهوريت رئيس

د سوداگریز منځګړیتوب
(مصالحه) د قانون د توشېح په
هکله، د افغانستان د اسلامي
جمهوریت د رئیس فرمان
ګڼه: (۹۸)

نېټه: ۱۳۸۵/۱۰/۲۷

لومړۍ ماده:

د افغانستان د اساسي د (۷۹)
مادې د حکم پر بنسټ، د سوداګریز
منځګړیتوب (مصالحي) قانون چې
د وزیرانو د شـوړي د
۱۳۸۵/۱۰/۲۵ نېټې د (۳۵) ګڼې
مصوبې پر بنسټ په (۳) فصلونو
او (۲۵) مادو کې تصویب شوې،
د تقنیني فرمان په توګه توشېح
کوم.

دوه یمه ماده:

د افغانستان د اسلامي جمهوریت
د عدلیې وزیر او په پارلماني
چارو کې د دولت وزیر موظف دي،
دغه قانون د ملي شوري د لومړنۍ
غونډې د جوړیدو له نېټې څخه د
(۳۰) ورځو په ترڅ کې ملي شوري
ته وړاندې کړي.

فرمان رئیس جمهوري اسلامي
افغانستان در مورد توشیح قانون
میانجیگری (مصالحه)
تجارتی
شماره: (۹۸)

تاریخ: ۱۳۸۵/۱۰/۲۷

ماده اول:

بتأسی از حکم ماده (۷۹) قانون
اساسی افغانستان قانون
میانجیگری (مصالحه) تجارتی را
که به اساس مصوبه شماره (۳۵)
مؤرخ ۱۳۸۵/۱۰/۲۵ شورای
وزیران به داخل (۳) فصل و (۲۵)
ماده تصویب گردیده است، به
حيث فرمان تقنینی توشیح
می دارم.

ماده دوم:

وزیر عدلیه جمهوري اسلامي
افغانستان و وزیر دولت امور
پارلمانی موظف است این قانون
را در خلال (۳۰) روز از تاریخ
انعقاد نخستین جلسه شورای
ملی به شورای ملی تقدیم
نماید.

درېمه ماده:

دغه تقنیني فرمان د توشېح له
نېټې څخه نافذ او په رسمي جریده
کې دې خپور شي.

ماده سوم:

این فرمان تقنینی از تاریخ توشیح
نافذ و در جریده رسمی نشر
گردد.

حامد کرزی

د افغانستان د اسلامي
جمهوریت رئیس

حامد کرزی

رئیس جمهوری اسلامی
افغانستان

د سودا گریز منځګړیتوب
(مصالحي) قانون
لومړی فصل
عمومي حکمونه

قانون
میانجیگری (مصالحه) تجارتی
فصل اول
احکام عمومی

موخه

لومړۍ ماده :

دغه قانون د منځګړیتوب (مصالحي) له لارې د سوداګریزې شخړې چټک، عادلانه او بې پلوه حل او فصل ته د اړخونو د هڅونې او پدې برخه او نورو اړوندو چارو کې د آسانتیاوو د برابرولو په منظور، وضع شوی دی .

اصطلاحګانې

دوهیمه ماده :

لاندې اصطلاحګانې پدې قانون کې دغه معنا وې لري :

۱- منځګړی : له یوه یا زیاتو حقیقي اشخاصو څخه عبارت دي چې د اړخونو د موافقې پر بنسټ ، د اړوندې شخړې د حل او فصل په غرض ټاکل کېږي .

۲- منځګړیتوب (مصالحه) : له هغې لارم الاجراء عملیې څخه عبارت ده چې د هغې پر بنسټ منځګړی د اړخونو د غوښتنلیک

هدف

ماده اول:

این قانون به منظور تشویق طرفین منازعه تجارتی به حل و فصل سریع، عادلانه و بیطرفانه از طریق میانجیگری (مصالحه)، فراهم آوری تسهیلات در زمینه و سایر امور مربوط به آن، وضع گردیده است.

اصطلاحات

ماده دوم:

اصطلاحات آتی در این قانون مفاهیم ذیل را افاده می نماید :

۱- میانجی: عبارت از يك شخص حقیقی یا بیشتر از آن است که به اساس توافق طرفین، غرض حل و فصل منازعه مربوط تعیین می گردند.

۲- میانجیگری (مصالحه) : عبارت از عملیه لازم الاجرای است که به تأسی از آن میانجی به اساس درخواست و توافق طرفین ،

او توافق په اساس، د اقتصادي او سوداگريزو شخړو د چټک او عادلانه حل او فصل په منظور، بهي پلوه خدمتونه سر ته رسوي .

۳- سوداگريزه معاملېه : د سوداگريز او اقتصادي ماهيت لرونکي ټول هغه مناسبات پکې شامل دي چي د قرار داد پر بنسټ يا پرته له هغه باندې استوار وي .

۴- محکمه : د افغانستان له واکمني سوداگريزې محکمې څخه عبارت ده.

د شخړې د حل دلاري نه تحمیلول درېیمه ماده :

منځگړې نشي کولای د شخړې وړاندیز شوې حل لاره ، پر اړخونو باندې تحمیل کړي .

له تطبیق څخه انصراف څلورمه ماده :

اړخونه کولای شي د دی قانون د حکمونو له تطبیق څخه پر انصراف باندې موافقه وکړي .

د تطبیق ساحه پنځمه ماده :

د دی قانون حکمونه د شخړې پر ټولو اړخونو باندې د تطبیق وړ

خدمات بیطرفانه را بمنظور حل و فصل سریع و عادلانه منازعات اقتصادی و تجارتی انجام می دهد .

۳- معامله تجارتي: شامل کلیه مناسبات دارای ماهیت تجارتی و اقتصادی می باشد که به اساس قرارداد یا غیر آن استوار باشد .

۴- محکمه: عبارت از محکمه ذیصلاح تجارتی افغانستان می باشد .

عدم تحمیل راه حل منازعه ماده سوم:

میانجی نمی تواند راه حل پیشنهاد شده منازعه را بالای طرفین تحمیل نماید .

انصراف از تطبیق ماده چهارم:

طرفین می توانند به انصراف از تطبیق احکام این قانون موافقه نمایند .

ساحه تطبیق ماده پنجم:

احکام این قانون بالای تمام طرفین منازعه قابل تطبیق

بوده، مگر اینکه موافقه طبق حکم مندرج ماده چهارم این قانون صورت گرفته باشد.

حالات عدم تطبیق ماده ششم:

هرگاه میانجی از طرف محکمه یا حکمیت تعیین گردد، احکام این قانون قابل تطبیق نمی باشد.

فصل دوم طرز میانجیگری

آغاز میانجیگری ماده هفتم:

عملیه میانجیگری در مورد حل و فصل منازعه از تاریخ آغاز می گردد که طرفین منازعه به حضور و شرکت در آن توافق می نمایند.

رد دعوت ماده هشتم:

هرگاه یکی از طرفین منازعه در خلال (۳۰) روز از تاریخ ارسال دعوت نامه یا مدتی که در آن معین شده است، قبولی دعوتنامه را مبنی بر مصالحه

دی، خود را چپ موافقه د دی قانون په څلورمه ماده کې د درج شوی حکم مطابق، صورت موندلی وي.

د نه تطبیق حالتونه شپږمه ماده:

که چېرې منځګړی د محکمې یا حکمیت لخوا وټاکل شي، د دی قانون حکمونه د تطبیق وړ ندی.

دوه یم فصل د منځګړیتوب ډول

د منځګړیتوب پیلول اوومه ماده:

د شخړې د حل او فصل په هکله د منځګړیتوب عملیه له هغې نېټې څخه پیل کېږي چې د شخړې اړخونه په هغې کې پر حضور او ګډون باندې موافقه کوي.

د بلنې ردیدل اتمه ماده:

که چېرې د شخړې له اړخونو څخه یو د بلن لیک د استولو له نېټې څخه د (۳۰) ورځو په ترڅ یا هغې مودې کې چې پکې ټاکل شوې ده، د مصالحې په اړه د بلن لیک منل

ترلاسه نکرې ، مصالحې ته بلنه
رد شوې گڼل کېږي .

د منځگړیتوب اجراء

نهمه ماده :

(۱) د شخړې اړخونه کولای
شي د منځگړیتوب د څرنگوالی
په هکله بل ډول موافقه
وکړي .

(۲) منځگړی کولای شي د
منځگړیتوب د اجراء د څرنگوالی
په هکله د شخړې د اړخونو موافقې
ته د نه لاس رسی په صورت کې ،
عملیه د قضیې د اوضاع او
شرایطو ، د اړخونو د غوښتنو او د
شخړې د چټک حل له پام کې نیولو
سره په هغه ډول چې مناسب یې
گڼي ، سرته ورسوي .

د منځگړي کتنه (ملاقات)

لسمه ماده :

منځگړی کولای شي له
اړخونو سره یوځای یا په
جلا توگه کتنه وکړي یا ورسره
تماس برقرار کړي .

دریافت ننماید ، دعوت به
مصالحه ردشده تلقی می گردد .

اجرای میانجیگری

ماده نهم:

(۱) طرفین منازعه میتوانند
درمورد نحوه میانجیگری
طور دیگری توافق
نمایند .

(۲) میانجی می تواند در صورت
عدم دستیابی به توافق
طرفین منازعه در مورد
نحوه اجرای میانجیگری ،
عملیه را با نظر داشت اوضاع و
شرایط قضیه ، خواست های
طرفین و حل سریع منازعه به
نحویکه مناسب داند ، انجام
دهد .

ملاقات میانجی

ماده دهم:

میانجی می تواند با طرفین
یکجا یا طور جداگانه
ملاقات یا تماس برقرار
نماید .

د طرحې وړاندې کول

یوولسمه ماده :

منځګړی کولای شي د منځګړیتوب د عملیې په هر یوه پړاو کې خپلې طرحې ، اړخونو ته د شخړې د حل او فصل لپاره وړاندې کړي.

منصفانه چلند

دوو لسمه ماده:

منځګړی مکلف دی په هر حالت یا له اړخونو سره د منځګړیتوب د عملیې د اجراء په وخت کې منصفانه چلند وکړي.

د مدرکونو نه راټولول

دیارلسمه ماده :

منځګړی، اړخونه او نور هغه اشخاص چې په یو ډول نه یو ډول د منځګړیتوب په عملیه کې دخپل وي، نشي کولای، د حکمیت او قضایي څېړنې په بهیر کې، په لاندې مواردو کې مدرکونه برابر او د شاهد په توګه شهادت اداء کړي :

- ۱- د منځګړیتوب په عملیه کې د داخلېدو په منظور د یوه اړخ لخوا بلنه یا پدې عملیه کې برخې اخیستنې ته د بل لوري لېوالتیا .
- ۲- د شخړې د ممکنه حل او فصل

ارائه طرح

ماده یازدهم:

میانجی می تواند در هر يك از مراحل عملیه میانجیگری، طرح های خود را برای حل و فصل منازعه به طرفین ارائه نماید.

برخورد منصفانه

ماده دوازدهم:

میانجی مکلف است در هر حالت یا حین اجرای عملیه میانجیگری با طرفین ، برخورد منصفانه نماید.

عدم جمع آوری مدارك

ماده سیزدهم:

میانجی، طرفین و سایر اشخاصی که به نحوی از انحاء در عملیه میانجیگری دخیل باشند، نمی توانند در روند حکمیت و رسیدگی قضایی در موارد ذیل، مدارك را فراهم آوری و منحيث شاهد ادای شهادت نماید:

- ۱- دعوت از جانب یکی از طرفین، به منظور دخیل شدن در عملیه میانجیگری ویاتمايل طرف دیگر به سهمگیری در این عملیه.
- ۲- اظهار نظر یا رایۀ پیشنهاد

په اړه د منځګړیتوب د یوه اړخ لخوا د نظر یا وړاندیز وړاندی کول.

۳- هغه اظهارات یا اعترافونه چې د اړخونو لخوا د منځګړیتوب د عملیې په ترڅ کې صورت موندلی وي .

۴- هغه وړاندیزونه چې د منځګړي لخوا وړاندی شوی وي .

۵- د شخړې د حل او فصل لپاره د هغه وړاندیز د منلو په اړه چې د منځګړي لخوا وړاندی شوی وي ، د یوه اړخ لېوالتیا .

۶- هغه سند چې یواځې د منځګړیتوب د عملیې په منظور ، ترتیب شوی وي .

توسط یکی از طرفین میانجیگری در رابطه به حل و فصل ممکنه منازعه.

۳- اظهارات یا اعترافات که توسط طرفین در خلال عملیه میانجیگری صورت گرفته باشد .

۴- پیشنهاداتی که توسط میانجی ارائه شده باشد .

۵- تمایل یکی از طرفین مبنی بر پذیرش پیشنهادیکه برای حل و فصل منازعه توسط میانجی ارائه شده باشد .

۶- سندی که صرف به منظور عملیه میانجیگری ترتیب شده باشد .

د حکم نه ښکاره کول څوارلسمه ماده :

د حکمیت بورې ، محکمه یا نور دولتي واکمن مقامات نشي کولای، د دی قانون د یو ویشتمی مادې په حکم کې د درج شوو معلوماتو د ښکاره کولو حکم صادر کړي . که چېرې نوموړي معلومات د دی قانون په یوویستمه ماده کې د درج شوی حکم مغایر د مدرک په توګه

عدم افشای حکم ماده چهاردهم:

بورد حکمیت، محکمه یا سایر مقامات ذیصلاح دولتي نمی توانند، حکم افشای معلومات مندرج حکم ماده بیست و یکم این قانون را صادر نماید. هرگاه معلومات متذکره مغایر حکم مندرج ماده بیست و یکم این قانون به حیث مدرک ارائه گردد، این مدارک

وړاندې شي، دغه مدرکونه د اعتبار وړ ندی، خو دا چې د دغو معلوماتو افشاء کېدل، د شخړې د حل او فصل د موافقه لیک د تطبیق په منظور، لازم وي.

د مدرکونو منل

پنځلسمه ماده:

د دی قانون په یو ویشتمه ماده کې د درج شوی حکم له په پام کې نیولو سره، هغه مدرکونه چې د حکمیت، قضایي څېړنې او په نورو ورته تگلارو کې د منلو وړ وي، د منځګړیتوب په عملیه کې هم منل کېدی شي.

د منځګړیتوب د عملیې پای

شپاړسمه ماده:

منځګړیتوب په لاندې حالاتو کې د عقد یا اعلانېدو له نېټې څخه پای ته رسېږي:

۱- د اړخونو لخوا د شخړې د حل او فصل د موافقه لیک د عقد یا لاسلیک په صورت کې.

۲- په هغه صورت کې چې منځګړي اعلام کړي چې د منځګړیتوب په عملیه کې تردی زیات هاند د توجیه وړ ندی.

قابل اعتبار نمی باشد، مګر اینکه افشای معلومات مذکور به منظور تطبیق موافقتنامه حل و فصل منازعه، لازم باشد.

پذیرش مدارک

ماده پانزدهم:

بانظرداشت حکم مندرج ماده بیست و یکم این قانون، مدارکی که در روند حکمیت، رسیدگی قضایی و روند های مشابه دیگری قابل پذیرش باشد، در عملیه میانجیگری نیز پذیرفته شده می تواند.

ختم عملیه میانجیگری

ماده شانزدهم:

میانجیگری در حالات ذیل از تاریخ عقد یا اعلام خاتمه می یابد:

۱- در صورت عقد یا امضای موافقتنامه حل و فصل منازعه توسط طرفین.

۲- در صورتی که میانجی اعلام نماید که مساعی در عملیه میانجیگری بیشتر از این قابل توجیه نمی باشد.

- ۳- په هغه صورت کې چې اړخونه، د منځګړیتوب د عملیې پای ته رسېدل منځګړي ته اعلام کړي .
- ۴- په هغه صورت کې چې یو له اړخونو څخه بل اړخ یا اړخونو او منځګړي ته د منځګړیتوب د عملیې پای ته رسېدل اعلام کړي .
- ۳- در صورتی که طرفین، ختم عملیه میانجیگری را به میانجی اعلام نمایند .
- ۴- در صورتی که یکی از طرفین به طرف یا طرف های دیگر و میانجی ختم عملیه میانجیگری را اعلام نماید .

درېیم فصل متفرقه حکمونه

فصل سوم احکام متفرقه

د حکم په توګه د منځګړي نقش اووه لسمه ماده :

منځګړی نشي کولای په هغه شخړه کې چې پخوا یا اوس د منځګړیتوب په هکله د بحث موضوع ده ، یا په کومه بله شخړه کې چې له عین قرارداد یا له نوموړو شخړو سره په تړاو کې له حقوقي رابطې څخه را ولاړه شوې وي ، د حکم په توګه عمل وکړي ، خو دا چې اړخونو پدې برخه کې موافقه کړې وي .

نقش میانجی به حیث حکم ماده هفدهم:

میانجی نمی تواند در منازعه ای که قبلاً یا فعلاً موضوع مورد بحث میانجیگری بوده ، یا در منازعه دیگری که از عین قرارداد یا رابطه حقوقی مرتبط به منازعات متذکره ناشی شده باشد ، منحیث حکم عمل نماید ، مگر اینکه طرفین در زمینه موافقه نموده باشند .

د تعلیق موده اتلسمه ماده :

د شخړې د حل او فصل په هکله د وخت تېرېدل ، د منځګړیتوب د

مدت تعلیق ماده هجدهم:

مرور زمان در مورد حل و فصل منازعه ، از تاریخ آغاز عملیه

میانجیگری به حالت تعلیق قرار می گیرد.

در صورتی که عملیه میانجیگری بدون دستیابی به موافقه حل و فصل خاتمه یابد، مدت مرور زمان از همین تاریخ مجدداً آغاز می گردد.

معرفی میانجی

ماده نهم:

شخص معرفی شده به حیث میانجی مکلف است قبل از انتصاب یا بعد از آن یا در جریان عملیه میانجیگری راجع به شخصیت و سایر احوال مربوط به خود که موجب از بین رفتن شك و تردید در مورد استقلالیت و بی طرفی اش می گردد، به طرفین منازعه معلومات لازم ارائه نماید، مگر اینکه قبلاً در مورد از جانب وی اطلاع یافته باشند.

افشای معلومات

ماده بیستم:

در صورتی که میانجی توسط یکی از طرفین در مورد منازعه معلومات دریافت نماید، میتواند آنرا به هر يك از طرف دیگر ذیل

عملیه د پیل له نېټې څخه د تعلیق په حالت کې قرار نیسي .

په هغه صورت کې چې د منځګړیتوب عملیه، د حل او فصل موافقې ته له رسېدو پرته پای ته ورسېږي، د وخت د تېرېدو موده له همدغې نېټې څخه بیا پیل کېږي .

د منځګړي پېژندګلوی

نولسمه ماده :

د منځګړي په توګه وریږېدل شوی شخص مکلف دی له انتصاب د مخه یا وروسته یا د منځګړیتوب د عملیه په بهیر کې د خپل شخصیت او په ځان پورې د نورو اړوندو حالاتو په هکله چې د هغه د خپلواکۍ (استقلالیت) او بې پلوی په برخه کې د شک او تردید د له منځه تلو موجب کېږي، د شخړې اړخونو ته لازم معلومات وړاندې کړي، خو دا چې د مخه یې د ده لخوا خبرتیا ترلاسه کړې وي.

د معلوماتو افشاء کول

شللمه ماده :

په هغه صورت کې چې منځګړی د یوه اړخ لخوا د شخړې په هکله معلومات ترلاسه کړي، کولای شي هغه د منځګړیتوب په عملیه کې

هر یوه بل اړوند اړخ ته څرگند کړی، خو دا چې د محرمیت په ساتنې یې تاکید شوی وي .

د معلوماتو محرمیت یو ویشتمه ماده :

د منځګړیتوب په عملیې پورې اړوند ټول معلومات ، د هغو حالاتو په استثنای چې بنکاره کول د دی قانون د حکمونو مطابق د شخړې د حل او فصل د موافقه لیک د تطبیق په منظور لازم وګڼل شي ، په محرم ډول ساتل کېږي خو دا چې اړخونو بل ډول موافقه کړې وي.

حکمت بهیر یا قضایي څېړنې باندې توافق ته لاس اچول دوه ویشتمه ماده :

که چېرې اړخونو پر منځګړیتوب باندې موافقه کړې وي او د ټاکلي وخت مودې په ترڅ کې یایې تر هغه وخته چې یوه ټاکلې پېښه ، د یوې شخړې په هکله د حکمیت او قضایي څېړنې بهیر منځته راوړي، د منځګړیتوب د عملیې د نه پیلېدو په اړه خپله موافقه په څرګنده توګه بنودلې وي، نوموړی موافقه لیک د حکمیت د بورد یا

د عملیې میانجیګرۍ آشکار نماید، مګر اینکه به حفظ محرمیت آن تاکید شده باشد .

محرمیت معلومات ماده بیست و یکم:

تمام معلومات مربوط به عملیه ای میانجیګرۍ په استثنای حالاتیکه افشای آن مطابق احکام این قانون یا بمنظور تطبیق موافقتنامه حل و فصل منازعه لازم دانسته شود، طور محرم نگهداری می گردد، مګر اینکه طرفین طوردیګرۍ موافقه نموده باشند .

توافق به روند حکمیت یا رسیدگی قضایی ماده بیست و دوم :

هرگاه طرفین روی میانجیګرۍ توافق و صریحاً موافقه خویش را مبنی بر عدم آغاز عملیه میانجیګرۍ در خلال مدت زمان معین یا تا زمانیکه يك رویداد معین روند حکمیت و رسیدگی قضایی را در مورد يك منازعه بمیان می آورد، ابراز نموده باشند، موافقتنامه مذکور از طرف بورد حکمیت یا محکمه الی

محکمې لخوا د هغه د شرایطو تر پلي کېدو پورې د اعتبار وړ دی ، خو دا چې د اړخونو حقوق له تلف کېدو سره مخامخ وي. دغه پېښه د منځګړیتوب د موافقه لیک د پای ته رسېدو په توګه نه ګڼل کېږي .

د موافقه لیک تطبیق

درویشتمه ماده :

که چېرې اړخونه ، د شخړې د حل او فصل موافقه لیک عقد او لاسلیک کړي ، دغه موافقه لیک عیناً د نورو سوداګریزو او اقتصادي موافقه لیکونو په څېر د تطبیق وړ دی.

د مقرري او کړنلارو وضع کول

څلېریشتمه ماده :

د سوداګرۍ او صنایعو وزارت کولای شي ، د دې قانون د حکمونو د ښه تطبیق په منظور ، مقرري وړاندیز او لايحې او کړنلارې وضع او تصویب کړي .

د انفاذ نېټه

پنځه ویشتمه ماده :

دغه قانون د توشېح له نېټې څخه نافذ او په رسمي جريده کې دی خپور شي.

تحقق شرایط آن مدار اعتبار می باشد ، مگر اینکه حقوق طرفین به اتلاف مواجه باشد . این رویداد به مثابه ختم موافقتنامه میانجیگری تلقی نمی شود.

تطبیق موافقتنامه

ماده بیست و سوم :

هرگاه طرفین ، موافقتنامه حل و فصل منازعه را عقد و امضاء نمایند ، این موافقتنامه عیناً مانند سایر موافقتنامه های تجارتي و اقتصادي قابل تطبیق می باشد.

وضع مقرره و طرز العمل ها

ماده بیست و چهارم :

وزارت تجارت و صنایع می تواند به منظور تطبیق بهتر احکام این قانون ، مقرره ها را پیشنهاد و لوائح و طرز العمل ها را وضع و تصویب نماید .

تاریخ انفاذ

ماده بیست و پنجم :

این قانون از تاریخ توشیح نافذ و در جريده رسمی نشر گردد.

قانون حکمیت تجارتی



د افغانستان اسلامي جمهوریت

گڼه: (۱۶۸۳۵)

نیټه: ۱۳۸۵/۱۰/۲۸

د عدلیې وزیر محترم سرور دانش!

د سوداگریز حکمیت قانون چی د وزیرانو د شوري ۱۳۸۵/۱۰/۲۵ نېټې د (۳۵) گڼې مصوبې پربنسټ په (۹) فصلونو او (۶۰) مادو کې تصویب شوی او زموږ له لوري د ۱۳۸۵/۱۰/۲۷ نېټې د (۹۵) گڼې تقنیني فرمان په توگه توشیح شوی دی، تاسو ته در واستول شو خوږې په رسمي جریده کې په خپرولو اقدام وکړئ.

حامد کرزی

د افغانستان د اسلامي جمهوریت
رئیس

جمهوری اسلامی افغانستان

شماره: (۱۶۸۳۵)

تاریخ: ۱۳۸۵/۱۰/۲۸

محترم سرور دانش وزیر عدلیه!

قانون حکمیت تجارتی را که به اساس مصوبه شماره (۳۵) مؤرخ ۱۳۸۵/۱۰/۲۵ شورای وزیران بداخل (۹) فصل و (۶۰) ماده تصویب گردیده و از جانب ما به حیث فرمان تقنینی شماره (۹۵) مؤرخ ۱۳۸۵/۱۰/۲۷ توشیح گردیده است، بشما ارسال شد تا به نشر آن در جریده رسمی اقدام نمائید.

حامد کرزی

رئیس جمهوری اسلامی
افغانستان

دسو دا گريز حکمیت د قانون د
توشېح په هکله، د افغانستان د
اسلامي جمهوریت د رئيس فرمان

گڼه: (۹۵)

نېټه: ۱۳۸۵/۱۰/۲۷

فرمان رئيس جمهوري اسلامي
افغانستان در مورد توشیح قانون
حکمیت تجارتي

شماره: (۹۵)

تاریخ: ۱۳۸۵/۱۰/۲۷

لومړۍ ماده:

د افغانستان د اساسی قانون د
(۷۹) مادې د حکم له مخې د
سوداگريز حکمیت قانون چې د
وزيرانو د شوري د ۱۳۸۵/۱۰/۲۵
نېټې د (۳۵) گڼې مصوبې پر بنسټ
په (۹) فصلونو او (۶۰) مادو کې
تصويب شوی دی، د تقنيني فرمان
په توگه توشېح کوم.

دوه يمه ماده:

د ا.ا.ج عدليې وزير او په پارلماني
چارو کې د دولت وزير مؤظف دي،
دغه قانون د ملي شوري د لومړنۍ
غونډې د جوړېدو له نېټې څخه د
(۳۰) ورځو په ترڅ کې ملي شوري
ته وړاندې کړي.

درېمه ماده:

دغه تقنيني فرمان د توشېح له
نېټې څخه نافذ او په رسمي جريده

ماده اول:

به تاسی از حکم ماده (۷۹) قانون
اساسی افغانستان قانون حکمیت
تجارتی را که به اساس مصوبه
شماره (۳۵) ————
۱۳۸۵/۱۰/۲۵ شورای وزیران
بداخل (۹) فصل و (۶۰) ماده
تصویب گردیده است، به حیث
فرمان تقنینی توشیح می‌دارم.

ماده دوم:

وزير عدليه ج.ا.ا و وزير دولت در
امور پارلمانی مؤظف اند این
قانون را در خلال (۳۰) روز از
تاریخ انعقاد نخستین جلسه
شورای ملی به شورای ملی تقدیم
نماید.

ماده سوم:

این فرمان تقنینی از تاریخ توشیح
ناقص و در جریده رسمی نشر

کې دې خپور شي.

گردد.

حامد کرزی

حامد کرزی

د افغانستان د اسلامي جمهوریت
رئیس

رئیس جمهوري اسلامي
افغانستان

د سوداگريز حکمیت قانون
لومړی فصل
عمومي حکمونه

موخه

لومړۍ ماده :

دغه قانون د سوداگريز او اقتصادي حکمیت په هکله د افغانستان او نورو دولتونو ترمنځ د عقد شوو موافقه لیکونو له په پام کې نیولو سره، د حکمیت له لارې د سوداگريزو او اقتصادي شخړو د چټک، عادلانه او بې پلوه حل او فصل د اسانولو او هڅونې او په هغو پورې د اړوند چارو د تنظیم په منظور، وضع شوی دی.

اصطلاحگانې

دوهیمه ماده :

پدې قانون کې لاندې اصطلاحگانې دغه مفاهیم افاده کوي:

۱- حکم: هغه شخص دی چې په سوداگريزو شخړو کې د حکمیت دنده په غاړه لري.

۲- حکمیت: هغه لازم الاجراء عملیه ده چې پر بنسټ یې حکم یا حکمان یاد حکمیت اداره د اړخونو د غوښتنې او موافقې یا د محکمې

قانون حکمیت تجارتي
فصل اول
احکام عمومي

هدف

ماده اول:

این قانون به منظور تسهیل و تشویق حل و فصل سریع، عادلانه و بیطرفانه منازعات تجارتي و اقتصادی از طریق حکمیت بانظر داشت موافقتنامه های منعقدہ میان افغانستان و سایر دول در مورد حکمیت تجارتي و اقتصادی و تنظیم امور مربوط به آن، وضع گردیده است.

اصطلاحات

ماده دوم:

اصطلاحات آتی در این قانون مفاهیم ذیل را افاده می نماید:

۱- حکم: شخص است که وظیفه حکمیت را در منازعات تجارتي به عهده دارد.

۲- حکمیت: عملیه لازم الاجرائی است که به اساس آن حکم یا حکم ها یا اداره حکمیت بالاثرتقاضا و توافق طرفین یا قرار محکمه،

د قرار له مخې د اقتصادي او سوداگريزو معاملو له قرارداد څخه د راپيدا شوو شخړو د چټک او عادلانه حل او فصل په منظور، بې پلوه خد متونه سرته رسوي.

۳- د حکمیت موافقه لیک: حکم، حکمانو یا د حکمیت بورډ ته له قرارداد یا پرته له هغه څخه د راپيدا شوو شخړو د بشپړې یا یوې برخې د احالې په اړه، د اړخونو (په ماده واره توگه یا له هغې پرته) لیکلی موافقه لیک دی.

۴- د حکمیت قرار: هغه وروستی تصمیم دی چې د حکم، حکمانو یا د حکمیت د بورډ یا محکمې لخوا د شخړې د حل او فصل په هکله نیول کېږي.

۵- سوداگریزه معامله: د سوداگریز او اقتصادي ماهیت لرونکو مناسباتو ټولې مسئلې دي چې د قرارداد یا له هغه پرته، پربنسټ ولاړې وي.

۶- محکمه: د افغانستان واکمنه سوداگریزه محکمه ده.

۷- د مرکزي ثبت دفتر: هغه اداره ده چې په حکمیت پورې اړوند سندونه پکې ثبت اوساتل کېږي.

خدمات بیطرفانه را به منظور حل و فصل سریع و عادلانه منازعات ناشی از قرارداد معاملات اقتصادی و تجارتی، انجام می دهند.

۳- موافقتنامه حکمیت: موافقتنامه کتبی طرفین (طور ماده وار یا غیر آن) مبنی بر احاله کلی یا قسمی منازعات ناشی از قرارداد یا غیر آن به حکم، حکم ها یا بورډ حکمیت می باشد.

۴- قرار حکمیت: تصمیم نهایی است که از طرف حکم، حکم ها یا بورډ حکمیت یا محکمه در مورد حل و فصل منازعه اتخاذ می گردد.

۵- معامله تجارتي: کلیه مسایل شامل مناسبات دارای ماهیت تجارتي و اقتصادی که به اساس قرارداد یا غیر آن استوار باشد.

۶- محکمه: محکمه ذیصلاح تجارتي افغانستان می باشد.

۷- دفتر ثبت مرکزی: اداره ای است که اسناد مربوط حکمیت در آن ثبت و نگهداری می گردد.

د حکمیت ډول

درېمه ماده :

(۱) حکمیت په دوو نړيوالې او کورنۍ طريقو صورت موندلې شي.

(۲) حکمیت په لاندې حالاتو کې نړيوال گڼل کېږي:

۱- په هغه صورت کې چې په قرارداد کې تصريح شوی وي.

۲- په هغه صورت کې چې سوداگريزې او اقتصادي معاملي د خوښوادونو ترمنځ وي او په قرارداد کې تصريح شوې نه وي.

(۳) په قرارداد کې دنه درج په صورت کې، دهغه هېواد د حکمیت قانون چې اړخونه پکې سوداگريزې معاملي سرته رسوي، تطبيقېږي.

(۴) هغه احوال چې د دی مادي په (۱) فقره کې اټکل شوی نه وي، کورنۍ حکمیت گڼل کېږي.

د تطبيق ساحه

څلورمه ماده :

(۱) د دی قانون حکمونه يوازې په هغو حالاتو کې د تطبيق وړ دي چې د حکمیت ځای افغانستان وي. د دی قانون په يوولسمه ماده کې

طرز حکمیت

ماده سوم:

(۱) حکمیت به دو طريقه (بين المللی و داخلی) صورت گرفته می تواند.

(۲) حکمیت در حالات ذیل بين المللی دانسته می شود:

۱- در صورتی که در قرارداد تصريح شده باشد.

۲- در صورتی که معاملات تجارتي و اقتصادي بين چند کشور بوده و در قرارداد تصريح نشده باشد.

(۳) در صورت عدم درج در قرارداد، قانون حکمیت کشوري که، در آن طرفين، معاملات تجارتي را انجام می دهند، تطبيق می گردد.

(۴) احوالی که در فقره (۱) اين ماده پيش بينی نگريده باشد، حکمیت داخلی دانسته می شود.

ساحه تطبيق

ماده چهارم:

(۱) احکام اين قانون صرف در حالاتی قابل تطبيق است که محل حکمیت افغانستان باشد. حکم مندرج ماده يازدهم

درج شوی حکم او په اووم فصل کې د شاملو مادو حکمونه لډی حکم څخه مستثنی دی.

(۲) ددی قانون حکمونه دهغو مشخصو شخړو په هکله چې د حکمیت تابع ندی یا یې حل او فصل د نورو تقنیني سندونو پر بنسټ تنظیم شوی وي، د تطبیق وړ ندی.

مستقیمې خبرې اترې پنځمه ماده :

ددی قانون حکمونه، دمستقیمو خبرو اترو، منځګړیتوب یا د سوداګریزو او اقتصادي شخړو حل او فصل ته د ورته لارو چارو له لارې، د حکمیت د اړخونو د اقتصادي اوسوداګریزو شخړو د حل او فصل خنډونه کېږي.

د لیکلو مراسلو ترلاسه کول شپږمه ماده :

لیکلي مراسلې په هغه صورت کې ترلاسه شوې ګڼل کېږي چې شخصاً مرسل الیه ته وسپارل شي یا د راجستري پست یا هغو وسایلو په واسطه چې دهغو د تسلیمولو اهتمام یې بنودلی وي او په افغانستان کې د مرسل الیه د

این قانون و احکام مواد شامل فصل هفتم از این حکم مستثنی اند.

(۲) احکام این قانون در مورد منازعات مشخصی که تابع حکمیت نبوده یا حل و فصل آن به اساس سایر اسناد تقنینی تنظیم گردیده باشد، قابل تطبیق نیست.

مذاکره مستقیم ماده پنجم:

احکام این قانون مانع حل و فصل منازعات اقتصادی و تجارتی طرفین حکمیت، از طریق مذاکرات مستقیم، میانجیگری یا شیوه های شبیه حل و فصل منازعات تجارتی و اقتصادی نمی گردد.

دریافت مراسلات کتبی ماده ششم:

مراسلات کتبی در صورتی دریافت شده تلقی می گردد که شخصاً به مرسل الیه سپرده شود یا توسط پست راجستری یا سایر وسایلی که اهتمام تسلیمی آن را نشان داده و به آدرس راجستر شده محل تجارت مرسل

سوداگری دځای راجستر شوی
آدرس ته ورتسلیم شي. پدی
صورت کې مراسلې دهغو
دتسلیمۍ په ورځ، ترلاسه شوې
گڼل کېږي، خوداچې بل ډول یې
موافقه کړې وي. دغه حکم یوازې
پرهغو مراسلو تطبیقېږي چې
د حکمیت دڅېړنې (رسیدگی)
په هکله وي.

حکمیت ته رسیدگی اوومه ماده :

حکمیت د قضیې درسیدگی له
ورځې څخه پیل کېږي. حکم
اړخونو ته دځواب د وړاندې کولو
لپاره موده ټاکي، که چېرې اړخ د
ټاکلې مودې په ترڅ کې خپل
سندونه وړاندې نکړي، داسې گڼل
کېږي چې د خپل اعتراض له حق
څخه یې صرف نظر کړی دی.

د حکمیت په چارو کې نه لاسوهنه اتمه ماده :

محکمه یا دولتي ادارې نشي
کولای، پدی قانون کې د درج شوی
حکمیت په چارو کې لاسوهنه
وکړي، خوداچې پدی قانون کې بل ډول
تصریح شوی وي.

الیسه در افغانستان تسلیم
داده شود. در این صورت
مراسلات در روز تسلیمی آن
دریافت شده پنداشته می شود،
مگر اینکه طووردیگری موافقه
نموده باشند. این حکم صرف
برمراسلاتی تطبیق می گردد که
درمورد رسیدگی حکمیت
باشد.

رسیدگی به حکمیت ماده هفتم:

حکمیت از روز رسیدگی قضیه
آغاز میگردد. حکم برای طرفین
مدت را غرض ارایه جواب تعیین
می نماید. هرگاه طرف در خلال
مدت معینه اسناد خود را ارائه
ننماید، چنین پنداشته می شود که
از حق اعتراض خود صرف نظر
نموده است.

عدم مداخله در امور حکمیت ماده هشتم:

محکمه یا ادارات دولتی
نمی توانند در امور حکمیت
مندرج این قانون مداخله نمایند،
مگر اینکه در این قانون طور دیگری
تصریح شده باشد.

د حکمیت د قرارونو توحید**نهمه ماده :**

(۱) حکم، حکمان یا د حکمیت بورې کولای شي د اغېزمنتیا د زیاتولو او د شخړو له متعارض حل او فصل څخه د ډډې کولو په منظور، د حکمیت څېړنې توحید او د عین شخړې یا شخړو د اړخونو موافقه ترلاسه کړي.

(۲) که چېرې محکمه تشخیص کړي چې د څېړنې توحید او د عین شخړې یا شخړو د اړخونو یووالی، د حکمیت د قرارونو د اغېزمنتوب د ښه والی یا یې د یوځلوالی سبب کېږي، پدې صورت کې کولای شي د عین شخړې یا شخړو د اړخونو د غوښتنې له مخې د حکمیت د څېړنې په توحید حکم وکړي.

د حکمیت د قرارونو ساتل**لسمه ماده :**

(۱) د حکم، حکمانو یا د حکمیت د بورې اجراءات او صادرشوی قرارونه یې په محرمه توګه ساتل کېږي، خوداچې اړخونو پدې برخه کې بل ډول موافقه کړې وي.

(۲) محکمه د عین شخړې یا شخړو د اړخونو د غوښتنې له مخې،

توحید قرارهای حکمیت**ماده نهم:**

(۱) حکم، حکم ها یا بورد حکمیت می تواند بمنظور افزایش موثریت و اجتناب از حل و فصل متعارض منازعات، رسیدگی های حکمیت را توحید و موافقه طرف های عین منازعه یا منازعات را حاصل نماید.

(۲) هرگاه محکمه تشخیص نماید که توحید رسیدگی و اتحاد طرف های عین منازعه یا منازعات سبب بهبود موثریت یا یکسان بودن قرار های حکمیت می گردد، دراین صورت میتواند بالاثر درخواست طرفین عین منازعه یا منازعات به توحید رسیدگی حکمیت، حکم نماید.

حفظ قرار های حکمیت**ماده دهم:**

(۱) اجراءات حکم، حکم ها یا بورد حکمیت و قرارهای صادره آنهاطور محرم حفظ میگردد، مگراینکه طرفین درزمینه طور دیگری موافقه نموده باشند.

(۲) محکمه بالاثر درخواست طرف های عین منازعه یا

د حکمیت د بورې د اجرا آتو او صادرو شوو قرارونو د محرمیت د تأمینولو لپاره ، لازم تدبیرونه نیسي.

پلټنه

یوولسمه ماده :

حکم ، حکمان یا د حکمیت بورې ، د شخړو حل او فصل ته د څېړنې (رسیدگی) ، څېړنې ته له نه اقدام یا د حکمیت د قرار صادرولو ته له اقدام نه کولو څخه ، تریوښتنې لاندې نشي نیول کېدی ، خودا چې له اړخونو څخه دیوۀ د ادعا له مخې پدی اړه چې څېړنې ته په اقدام ، څېړنې یا د قرار د صادرېدو نه اقدام د نفوذ د کارولو ، د گټو د تضاد یا ارتشاء له امله صورت موندلی وي.

د فعالیت ډول

دوولسمه ماده :

(۱) حکم ، حکمان یا د حکمیت بورې کولای شي د اړوندو قوانینو د حکمونو مطابق ، د سوداگریزو او اقتصادي شخړو د حل د خدمتونو د اجراء په منظور ، د سهامی یا تضامنی شرکت په توگه را منځته او د مرکزي ثبت په دفتر کې ثبت شي. حکم باید لږترلږه د حقوقو یا

منازعات ، جهت تأمین محرمیت اجراآت بور د حکمیت و قرارهای صادره ، تدابیر لازم را اتخاذ می نماید.

بازرسی

ماده یازدهم:

حکم ، حکم ها یا بور د حکمیت از رسیدگی حل و فصل منازعات ، عدم اقدام به رسیدگی و یا صدور قرار حکمیت ، مورد بازپرس قرار گرفته نمی توانند ، مگر اینکه بالاتر ادعای یکی از طرفین مبنی بر اینکه اقدام به رسیدگی ، عدم اقدام به رسیدگی یا صدور قرار ناشی از اعمال نفوذ ، تضاد منافع یا ارتشاء صورت گرفته باشد.

طرز فعالیت

ماده دوازدهم:

(۱) حکم ، حکم ها یا بور د حکمیت می توانند بمنظور اجرای خدمات حل منازعات تجارتي و اقتصادی منحيث شرکت سهامی یا تضامنی ، مطابق احکام قوانین مربوط ، ایجاد و در دفتر ثبت مرکزي ثبت گردد. حکم باید حد اقل د پیلوم پوهنځی های حقوق یا

شرعیاتو د پوهنځیو دیپلوم ولري. د مرکزي ثبت دفتر، د حکم دنوم د ثبت له بشپړېدو وروسته، د حقوقو یا شرعیاتوله پوهنځیو څخه د حکمانو د هریوه د فراغت د دیپلوم د ثبوت یا وړاندی کولو یا دا چې نوموړی د حکمانو دیوې ټولنې فعال غړی دی، په شمول د اړوندو تجربو او تحصیلاتو سوابق، پداسې ډول چې په عامه توګه د لاس رسی وړ وي، د (حکمانو) تر عنوان لاندی په خپلو دوسیو کې ساتي. هر شخص ازادانه کولای شي د کار د عادی وختونو په بهیر کې دغه دوسیې وڅېړي. د مرکزي ثبت په دفتر کې دنوم د ثبتونې په بشپړېدو سره، حکم کولای شي خپل د حکمیت شغل اعلان او خپور کړي.

(۲) اړخونه د حکم، حکمانو یا د حکمیت د بورډ (کورنۍ وي یا بهرنۍ حکم) په ټاکلو کې آزاد دي.

(۳) حکم، حکمان یا د حکمیت بورډ او یا د سوداګرۍ خونې او هغوته ورته کولای شي د حکمیت انجمنونه جوړ کړي.

شرعیات را داشته باشد. دفتر ثبت مرکزی بعد از تکمیل ثبت نام حکم، سوابق تجارب و تحصیلات مربوط هریک از حکم ها را به شمول ثبوت یا ارایه دیپلوم فراغت از پوهنځی های حقوق یا شرعیات یا اینکه موصوف عضو فعال یکی از انجمن های حکم ها می باشد، طوری که بصورت عام قابل دسترسی باشد در دوسیه های خود تحت عنوان (حکم ها) نگهداری می نمایند. هر شخص آزادانه می تواند در جریان اوقات عادی کار این دوسیه ها را بررسی نماید. با اكمال ثبت نام در دفتر ثبت مرکزی، حکم می تواند شغل حکمیت خود را اعلان و انتشار نماید.

(۲) طرفین در انتخاب حکم، حکم ها یا بورډ حکمیت (اعم از حکم داخلی یا خارجی) آزاد می باشند.

(۳) حکم، حکم ها یا بورډ حکمیت و یا اتاق های تجارت و امثال آنها می توانند انجمن های حکمیت را ایجاد نمایند.

(۴) دافغانستان د حکمیت انجمنونه کولای شي د حکمیت له بهرنیو او نړیوالو انجمنونو سره خپلې اړیکې تأمین کړي.

(۴) انجمن های حکمیت افغانستان می توانند با انجمن های حکمیت خارجی و بین المللی روابط خویش را تأمین نماید.

دوه یم فصل د حکمیت موافقه لیک

فصل دوم موافقتنامه حکمیت

د حکمانو موافقه

دیارلسمه ماده :

د اړخونو ترمنځ د حکمیت موافقه په لیکلې توګه صورت مومي. د حکمیت موافقه په لاندې حالاتو کې لیکلې ګڼل کېږي:

- ۱- په هغه صورت کې چې موافقه لیک په سند کې درج او اړخونو هغه لاسلیک کړې وي.

- ۲- په هغه صورت کې چې توافق په لیکونو او نورو لیکلو مراسلو کې (دالکترونیک پست په شمول) درج او ثبت شوی توافق منعکس کړي.

- ۳- په هغه صورت کې چې موافقه لیکونه د ادعا یا دفاعيې په مبادله کې اظهاراوپه هغو کې له اړخونو څخه یو موافقت د موجودیت ادعا وکړي او بل اړخ

موافقه حکم ها

ماده سیزدهم:

موافقه حکمیت بین طرفین طور کتبی صورت می گیرد. موافقه حکمیت در حالات ذیل کتبی پنداشته می شود:

- ۱- در صورتی که موافقه نامه در سند درج و طرفین آنرا امضا نموده باشند.

- ۲- در صورتی که توافق در نامه ها و سایر مراسلات کتبی (بشمول پست الکترونیک) درج و توافق ثبت شده را منعکس نماید.

- ۳- در صورتی که موافقه نامه ها در مبادله ادعاء یا دفاعیه اظهار و در آن یکی از طرفین، موجودیت موافقت را ادعا و طرف دیگر آنرا رد

هغه رد نکړی.

ننماید.

په قرارداد کې د حکمیت درجول څوارلسمه ماده :

که چېرې په قرارداد کې د حکمیت په هکله کوم حکم یا شرط درج شي، پر حکمیت باندې موافقه منعکسوي، پدې شرط چې قرارداد په لیکلې توګه عقد شوی وي.

د محکمې لخوا د حکمیت د موضوع څېړل پنځلسمه ماده :

(۱) په هغه صورت کې چې په محکمه کې اقامه شوې دعوي د حکمیت د موافقه لیک تابع وي، محکمه کولای شي، ددې قانون له حکمونو سره دهغې د مطابقت د موندلو په صورت کې، د اړخونو د غوښتنې له مخې دعوي د لومړنيو اظهاراتو له اقامې دمخه، حکمیت ته راجع کړي.

(۲) که چېرې ددې مادې په (۱) فقره کې درج شوې دعوي په محکمه کې اقامه خو حل او فصل شوې نه وي، حکم، حکمان یا د حکمیت بورډ کولای شي قضیه وڅېړي او قرار صادر کړي. پدې صورت کې محکمه خپل اجراءات،

درج حکمیت در قرارداد ماده چهاردهم:

هرگاه در قرارداد، حکمی یا شرطی در مورد حکمیت درج گردد، موافقه به حکمیت را منعکس میسازد، مشروط بر اینکه قرارداد طور کتبی عقد گردیده باشد.

رسیدگی محکمه به موضوع حکمیت ماده پانزدهم:

(۱) در صورتی که دعوی اقامه شده در محکمه تابع موافقتنامه حکمیت باشد، محکمه می تواند در صورت دریافت مطابقت آن با احکام این قانون، بالاث درخواست طرفین، دعوی را قبل از اقامه نخستین اظهارات، به حکمیت راجع سازد.

(۲) هرگاه دعوی مندرج فقره (۱) این ماده در محکمه اقامه ولی حل و فصل نشده باشد، حکم، حکم ها یا با بورد حکمیت می توانند، قضیه را رسیدگی و قرار صادر نمایند. در این صورت محکمه اجراءات خود را

د حکمیت د خپرې ترپاي ته رسېدو پورې ځنډوي.

(۳) په هغه صورت کې چې قضیه د حکم، حکمانو یا د حکمیت د بورډ ترخپرنې لاندې وي، محکمه کولای شي له اړخونو څخه د یوه د غوښتنې له مخې د احتیاطي تدبیرونو د نیولو په اړه قرار صادر کړي.

سوداگریز حکمیت ته د شخړې احواله
شپاړسمه ماده :

اړخونه کولای شي د حکمیت د مخکني شرط یا موافقه لیک د نه موجودیت په صورت کې، د حکمیت له لارې د شخړې د حل او فصل په اړه خپله لیکلې موافقه چې د لاندې مطالبو لرونکې وي، د سوداگریز حکمیت دفتر ته وړاندې کړي:

۱- د شخړې د اړخونو یایې د واکمنو استازو نوم او آدرس، د کارځای یا پستي آدرس.

۲- د شخړې د موضوع (طلب او دهغه د مقدار) د څرنگوالي شرح او په پام کې د زیان د جبران غوښتنه.

۳- دهغه قرارداد یا دول چې شخړه ورڅخه راپیدا یا وروپورې مربوطه

الی ختم رسیدگی حکمیت معطل قرار می دهد.

(۳) در صورتی که قضیه تحت رسیدگی حکم، حکم ها یا بورډ حکمیت قرارداداشته باشد، محکمه می تواند بالاتر درخواست یکی از طرفین قرار مبنی بر اتخاذ تدابیر احتیاطی را صادر نماید.

احالة منازعه به حکمیت تجارتی
ماده شانزدهم:

طرفین می توانند در صورت عدم موجودیت شرط یا موافقتنامه قبلی حکمیت، موافقه کتبی خویش را مبنی بر حل و فصل منازعه از طریق حکمیت که حاوی مطالب ذیل باشد، به دفتر حکمیت تجارتی ارائه نماید:

۱- نام و آدرس، محل کار یا آدرس پستی طرفین منازعه و یا نماینده با صلاحیت آنها.

۲- شرح چگونگی موضوع منازعه (طلب و مقدار آن) و تقاضای جبران خساره مورد نظر.

۳- ذکر قراردادیکه، منازعه از آن ناشی و یا به آن مربوط می

وي. ۴-د حکم يا د موافقه شوو حکمانو دشمبر يا ډول، دهغوی لسه بشپړ شهرت سره. ۴- ذکر حکم يا تعدادی حکم های توافق شده با شهرت مکمل آنها. باشد.

درېیم فصل د حکمیت بورډ

فصل سوم بورډ حکمیت

د حکمیت د بورډ ترکیب اووه لسمه ماده :

اړخونه کولای شي د حکمانو شمېر وټاکي. دننه ټاکلو په صورت کې حکم یوتن وي. که چېرې دشخړي یولوری دولت وي، پدی صورت کې د حکمانو شمېر له دریو تنو څخه لږ کېدی نشي.

د حکمیت په بهیر کې د تابعیت خنډ اتلسمه ماده :

د شخص تابعیت د حکمیت د دندی د سرته رسولو خنډ نه کېږي، خودا چې د اړخونو په موافقه لیک کې بل ډول تصریح شوی وي.

د حکم د ټاکلو ډول نولسمه ماده :

(۱) که چېرې اړخونو د حکم یا

ترکیب بورډ حکمیت ماده هفدهم:

طرفین می توانند تعداد حکم ها را تعیین نمایند. در صورت عدم تعیین، حکم یکنفر می باشد. هرگاه یکی از طرفین منازعه دولت باشد، در این صورت تعداد حکم ها از سه نفر کمتر بوده نمی تواند.

مانع تابعیت در روند حکمیت ماده هجدهم:

تابعیت شخص مانع انجام وظیفه حکمیت نمی گردد، مگر اینکه در موافقتنامه طرفین، طور دیگری تصریح شده باشد.

طرز تعیین حکم ماده نهم:

(۱) هرگاه طرفین بر طرز تعیین

حکمانو د ټاکلو پر ډول موافقه نه وي کړې، حکم یا حکمان په لاندې توګه ټاکل کېږي:

۱- په هغه صورت کې چې دشخړې دڅېړنې لپاره درې حکمان لارم وي، له اړخونو څخه یو هریو، یو حکم ټاکي، پدې صورت کې، دوه ټاکل شوی حکمان درېیم حکم ټاکي. که چېرې له اړخونو څخه هریو د مقابل لوري د غوښتنلیک له نېټې څخه د (۳۰) ورځو په ترڅ کې ونشي کړی چې حکم وټاکي یا په هغه صورت کې چې دوه حکمان، درېیم حکم د دوه یم حکم د ټاکلو له نېټې څخه د (۳۰) ورځو په ترڅ کې ونه ټاکي، محکمه له اړخونو څخه د یوه د غوښتنلیک له نېټې وروسته د (۳۰) ورځو په ترڅ کې حکم ټاکي.

۲- که چېرې شخړه د یوه حکم په واسطه حل او فصل شي او اړخونه ونشي کړی چې پدې هکله موافقې ته ورسېږي، پدې صورت کې محکمه له اړخونو څخه د یوه د غوښتنلیک له نېټې څخه د (۳۰) ورځو په ترڅ کې حکم ټاکي.

(۲) که چېرې اړخونو د حکمانو د ټاکلو په ډول موافقه کړې وي،

حکم یا حکم ها موافقه ننموده باشند، حکم یا حکم ها طور ذیل تعیین میگردند:

۱- در صورتی که برای رسیدگی منازعه سه حکم لازم باشد، هریک از طرفین يك، يك حکم را تعیین می نماید، در این صورت دو حکم تعیین شده حکم سوم را تعیین می کنند. هرگاه هریک از طرفین در خلال (۳۰) روز از تاریخ درخواست طرف مقابل نتوانند حکم را تعیین نمایند یا در صورتی که دو حکم، حکم سوم را در خلال (۳۰) روز از تاریخ تعیین حکم دوم، انتخاب ننمایند، محکمه حکم را در خلال (۳۰) روز بعد از تاریخ درخواست یکی از طرفین تعیین می کند.

۲- هرگاه منازعه توسط يك حکم حل و فصل شود و طرفین نتوانند در مورد به موافقه برسند، در این صورت محکمه در خلال (۳۰) روز از تاریخ درخواست یکی از طرفین، حکم را تعیین می نماید.

(۲) هرگاه طرفین به طرز تعیین حکم ها موافقه ننموده

خوله اړخونوڅخه یو د حکمانو د ټاکلو د کړنلارې مطابق عمل ونکړي یا اړخونه یا حکمان ونشي کړي د کړنلارې مطابق، متوقعه موافقې ته ورسېږي یا د حکمیت د دفتر په شمول ثالث شخص هغه وجیبې چې د یادی شوي کړنلارې مطابق هغوی ته سپارل شوی، ونشي کړي سرته ورسوي، پدی صورت کې له اړخونوڅخه هر یو کولای شي له محکمې څخه د لارمو تدبیرونو نیول وغواړي، خو دا چې په موافقه لیک کې بل ډول تصریح شوی وي.

(۳) که چېرې حکم ددی مادی په (۱) او (۲) فقره کې د محکمې لخوا و ټاکل شي، پدی صورت کې د حکم د غوره کېدو شرایط د اړخونو د موافقه لیک مطابق په لاندې توګه په پام کې نیول کېږي:

۱- له اړوند قانون څخه د حکم خبرتیا او د لارمو سوداګریزو او اقتصادي تجربو لرل.

۲- خپلواکتوب او ناپلوي.

۳- د اړخونو له تابعیت څخه د متفاوت تابعیت لرل.

(۴) ددی مادی په (۱) او (۲) فقره کې

باشند، ولی یکی از طرفین طبق طرز العمل تعیین حکم ها عمل ننماید، یا طرفین، یا حکم ها نتوانند طبق طرز العمل، به موافقه متوقعه نایل شوند یا شخص ثالث بشمول دفاتر حکمیت و جایی را که طبق طرز العمل متذکره به آنان محول شده است، نتوانند انجام دهند، در این صورت هریک از طرفین می تواند از محکمه اتخاذ تدابیر لازم را درخواست نماید، مگر اینکه در موافقتنامه طور دیگری تصریح شده باشد.

(۳) هرگاه حکم در حالات مندرج فقرات (۱) و (۲) این ماده از طرف محکمه تعیین گردد، در این صورت شرایط انتخاب حکم طبق موافقتنامه طرفین حسب ذیل رعایت می گردد:

۱- آگاهی حکم از قانون مربوط و داشتن تجارب لازم تجارتی و اقتصادی.

۲- استقلالیت و بیطرفی.

۳- داشتن تابعیت متفاوت از تابعیت طرفین.

(۴) قرار محکمه در خصوص

د درج شوو موضوعگانو په هکله د محکمې قرار د اعتراض وړ ندی.

د حکم ورپېژندل

شلمه ماده:

د حکم په توګه معرفي شوی شخص مکلف دی له انتصاب دمخه یا وروسته یا د حکمیت په بهیر کې دخپل شخصیت او په ځان پورې د نورو اړوندو احوالو په هکله چې دخپلواکتوب او ناپلوی په هکله یې شک او تردید دله منځه تلو موجب کېږي، د شخړې اړخونو ته لږم معلومات وړاندې کړي، خو دا چې دمخه یې پدې هکله دهغه لخوا معلومات ترلاسه کړي وي.

د حکم ردیدل

یوویستمه ماده:

(۱) حکم په هغه صورت کې رد یا داعتراض وړ ګرځي چې دخپلواکتوب اوناپلوي یې ترشک اوتردید لاندې راشي یا د اړخونو دتوافق د اهلیت نه لرونکی وي.

(۲) هېڅ یو له اړخونوڅخه نشي کولای هغه حکم ئې چې ټاکلی یا یې په ټاکلو موافقه کړې وي، تراعتراض لاندې ونیسي، خوداچې

موضوعات مندرج فقرات (۱ و ۲) این ماده قابل اعتراض نمی باشد.

معرفی حکم

ماده بیستم:

شخص معرفي شده به حیث حکم مکلف است قبل از انتصاب یا بعد از آن یا در جریان روند حکمیت راجع به شخصیت و سایر احوال مربوط به خود که موجب از بین رفتن شک و تردید در مورد استقلالیت و بی طرفی اش می گردد، به طرفین منازعه معلومات لږم ارائه نماید، مګراینکه قبلاً در مورد از جانب وی اطلاع یافته باشند.

رد حکم

ماده بیست و یکم:

(۱) حکم در صورتی مورد رد یا اعتراض قرار گرفته می تواند که بیطرفی و استقلالیت وی تحت شک و تردید واقع شود، یا فاقد اهلیت توافق طرفین باشد.

(۲) هیچ یک از طرفین نمی توانند حکمی را که تعیین یا به تعیین آن موافقه نموده، مورد اعتراض قرار دهد، مګراینکه طرف

ملزم لوری د حکم د تپاکلو تر وروسته مودی پورې دهغه د اهلیت د نه لرلو په هکله خبرتیا ومومي. (۳) اړخونه کولای شي ددی قانون د خپلېریشتمې مادی د حکم له په پام کې نیولو سره، د حکم پر ضد د رد یا اعتراض د کړنلارې په هکله، موافقه وکړي.

د حکم د رد په هکله د حکمیت د بورې تصمیم دوه ویشتمه ماده:

که چېرې اړخونو د حکم پر ضد دا اعتراض د کړنلارې په هکله مخکې موافقه کړې نه وي، پدی صورت کې هغه لوری چې د حکم د رد غوښتونکی وي، کولای شي د (۱۵) ورځو په ترڅ کې، د حکمیت د بورې د ترکیب په هکله دخبرتیا له ترلاسه کولو یا ددی قانون په درویشتمه ماده کې د درج شوو شرایطو په هکله دخبرتیا له ترلاسه کولو، لیکلې لیک د حکم د رد د دلیلونو په یادولو سره د حکمیت بورې ته واستوي او د حکمیت بورې دنوموړي اعتراض په هکله تصمیم ونیسي، خودا چې دا اعتراض وړ حکم، له خپلې دندې

ملزم الی زمان بعد از تعیین حکم در مورد فاقد اهلیت بودن آن آگاهی یابند. (۳) طرفین می توانند با نظر داشت حکم ماده بیست و چهارم این قانون در مورد طرز العمل رد یا اعتراض بر علیه حکم، موافقه نمایند.

تصمیم بورد حکمیت در مورد رد حکم ماده بیست و دوم:

هرگاه طرفین در مورد طرز العمل اعتراض بر علیه حکم قبلاً موافقه نکرده باشند، در این صورت طرفی که خواهان رد حکم باشد، می تواند در خلال (۱۵) روز از حصول اطلاع در مورد ترکیب بورد حکمیت و یا حصول اطلاع در مورد شرایط مندرج ماده بیست و سوم این قانون، نامه کتبی را با ذکر دلایل رد حکم به بورد حکمیت ارسال و بورد حکمیت در مورد اعتراض متذکره تصمیم اتخاذ نماید، مگر اینکه حکم مورد اعتراض، از سمت خود استعفاء نماید و یا طرف

خه استعفی وکړی یابل لوری
د حکم د رد په اعتراض، موافقه
وکړی..

**د حکم د رد په هکله د محکمې
تصمیم**
د رویشتمه ماده:

که چېرې د حکم پر ضد اعتراض
د کړنلارې مطابق، د اړخونو
د توافق وړ یا د دې قانون د دوه
ویشتمې مادې د حکم مطابق وارد
نه وي، پدې صورت کې اعتراض
کوونکې لوری کولای شي د
اعتراض د رد په اړه د حکمیت د
بورډ د تصمیم په هکله د خبرتیا له
ترلاسه کولو وروسته، د (۳۰) ورځو
په ترڅ کې، د اعتراض په اړه
د تصمیم د نیولو لپاره، محکمې
ته مراجعه وکړی. د محکمې قرار د
اعتراض وړ ندی، خود قرار د
صادرېدو تر وخته، د اعتراض لاندې
د حکمیت بورډ یا حکم کولای شي
د حکمیت خپرنې ته دوام ورکړی
او خپل قرار صادر کړی.

**د حکم د ماموریت پای
خلېریشتمه ماده:**

(۱) د شخړې اړخونه په لاندې
حالاتو کې کولای شي د حکم،

دیگر به اعتراض رد
حکم، موافقه
نماید.

**تصمیم محکمه در مورد رد
حکم**
ماده بیست و سوم:

هرگاه اعتراض بر علیه حکم
طبق طرز العمل، مورد توافق
طرفین یا طبق حکم ماده
بیست و دوم این قانون وارد
نباشد، در این صورت طرف
اعتراض کننده می تواند بعد از
دریافت اطلاعیه در مورد
تصمیم بورډ حکمیت مبنی بر رد
اعتراض، در خلال (۳۰) روز
جهت اتخاذ تصمیم پیرامون
اعتراض، به محکمه مراجعه
نماید. قرار محکمه قابل اعتراض
نبوده ولی الی زمان صدور قرار،
بورډ حکمیت یا حکم مورد
اعتراض می تواند رسیدگی
حکمیت را ادامه داده و قرار خود
را صادر نماید.

**ختم ماموریت حکم
ماده بیست و چهارم:**

(۱) طرفین منازعه در حالات
ذیل می توانند به ختم

حکمانو یا د حکمیت د بورې د دندی په پای ته رسېدو موافقه وکړی:

۱- د حکمیت له اجراء کولو څخه د حکم د پېژني کولو په صورت کې.

۲- د حکمیت د اجراء د نه توانېدنې په صورت کې.

۳- د وفات یا استعفی په صورت کې.

۴- د حکمیت په اجراء کې غیر موجه ځنډونه.

(۲) که چېرې د سپارل شوو دندو په اجراء یا سرته رسولو کې د غیر موجه ځنډ په اړه، د حکم یا حکمانو د نه توانېدنې په هکله داړخونو ترمنځ اختلاف رامنځته شي، پدې صورت کې هر اړخ کولای شي له محکمې څخه د حکم یا حکمانو د دندی پای ته رسېدل وغواړي، پدې برخه کې د محکمې قرار قطعي دی.

(۳) که چېرې حکم یا حکمان له خپلې دندی څخه استعفی وکړی یا یو اړخ دهغه د دندی په پای ته رسېدو موافقه وکړی، پدې صورت کې په راوړسته دندو کې د حکم یا حکمانو پرتوانېدنې اغېزه نشي کولی.

وظیفه حکم، حکم ها یا بور د حکمیت توافقی نمایند:

۱- در صورت امتناع حکم از اجرای حکمیت.

۲- در صورت عدم توانایی اجرای حکمیت.

۳- در صورت وفات یا استعفاء.

۴- تاخیر غیر موجه در اجرای حکمیت.

(۲) هرگاه راجع به عدم توانایی حکم یا حکمین در مورد اجراء یا تاخیر غیر موجه در انجام وظایف محوله، بین طرفین اختلاف بروز نماید، در این صورت هر يك از طرفین می توانند ختم وظیفه حکم یا حکم ها را از محکمه درخواست نمایند. قرار محکمه در زمینه قطعی می باشد.

(۳) هرگاه حکم یا حکم ها از سمت خود استعفا و یا یکی از طرفین به ختم وظیفه وی موافقه نماید، در این صورت پرتوانایی حکم یا حکم ها در وظایف بعدی تاثیر وارد کرده نمی تواند.

(۴) که چبری د حکمیت په بورډ کې د حکم یا حکمانو دندی پای ته ورسېږي، پدی صورت کې ځای نیوونکی حکم، ددمخني حکم پرتاکلو باندی د نافذو قواعدو مطابق منصوبېږي.

(۴) هرگاه وظایف حکم یا حکم ها در مورد حکمیت خاتمه یابد دراین صورت حکم جانشین، طبق قواعد نافذ بر تعیین حکم قبلی، منصوب می گردد.

څلورم فصل د حکمیت د بورډ واکونه

فصل چهارم صلاحیت بورډ حکمیت

د حکمیت د بورډ واکونه پنځه ویشتمه ماده:

(۱) د حکمیت بورډ د لاندی واکونو لرونکی دی:

۱- په خپل واک کې د ټولو شاملو شخړو حل اوفصل کول.

۲- د حکمیت د موافقه لیک د موجودیت یایې د اعتبار په هکله د اعتراضونو خپرل.

(۲) که چبری د حکمیت په قرارداد کې کوم حکم یا شرط اټکل شوی وي، د جلاموافقه لیک په توگه گڼل کېږي او په هغه صورت کې چې د حکمیت بورډ د قرارداد د باطلېدو او لغوه کېدو تصمیم ونیسي، دغه تصمیم په قرارداد کې درج شوی حکم یا شرط له

صلاحیت های بورډ حکمیت ماده بیست و پنجم:

(۱) بورډ حکمیت دارای صلاحیت های ذیل می باشد:

۱- حل وفصل تمام منازعات شامل صلاحیت خویش.

۲- رسیدگی به اعتراضات درمورد موجودیت موافقتنامه حکمیت یا اعتبار آن.

(۲) هرگاه حکمی یا شرطی در قرارداد حکمیت پیش بینی شده باشد، به حیث موافقتنامه جداگانه پنداشته شده و در صورتی که بورډ حکمیت به بطلان و الغای قرارداد تصمیم اتخاذ نماید، این تصمیم حکم یا شرط مندرج قرارداد، حکمیت را از اعتبار

اعتبارہ نشی غورخولی.

ساقط ساخته نمی تواند.

د حکمیت د بورچ د واک د رد ادعا
شپړویشتمه ماده:

اړخونه کولای شي د حکمیت د بورچ د رد یا دنه واک ادعا د دفاعیې له وړاندی کولو دمخه د حکمیت بورچ ته اقامه کړی. لاندی حالات لدی حکم څخه مستثنی دی:

۱- په هغه صورت کې چې هریو له اړخونو څخه د حکم یا حکمانو یا د حکمیت د بورچ په غوره کولو یا ټاکلو کې گډون ولري اودهغو د واک د رد غوښتنه وکړی.

۲- په هغه صورت کې چې یوله اړخونو څخه، له خپل واک څخه د حکمیت د بورچ د عدول ادعا دهغې ادعا دڅېړني په وخت کې چې په هکله ئې عدول صورت موندلی دی، اقامه کړی.

۳- په هغه صورت کې چې یوله اړخونو څخه په حکمیت کې دڅېړنې دځنل ادعا وکړی اود حکمیت بورچ پدی برخه کې دهغه ادعا موجه وگڼي.

د حکمیت د بورچ تصمیم
اووه ویشتمه ماده:

د حکمیت بورچ کولای شي ددی

ادعای رد صلاحیت بورچ حکمیت
ماده بیست و ششم:

طرفین می توانند ادعای رد یا عدم صلاحیت بورچ حکمیت را قبل از تقدیم دفاعیه به بورچ حکمیت اقامه نمایند. حالات ذیل از این حکم مستثنی است:

۱- در صورتی که هر یک از طرفین در انتخاب یا تعیین حکم، حکم ها یا بورچ حکمیت اشتراک داشته باشند و رد صلاحیت آنها را درخواست نمایند.

۲- در صورتی که هر یک از طرفین، ادعای عدول بورچ حکمیت را از صلاحیت آن حین رسیدگی موضوع که در مورد آن عدول صورت گرفته، اقامه نماید.

۳- در صورتی که یکی از طرفین ادعای تاخیر در رسیدگی حکمیت را نماید و بورچ حکمیت ادعای وی را در مورد مؤجه بداند.

تصمیم بورچ حکمیت
ماده بیست و هفتم:

بورچ حکمیت می تواند حین

قانون په دوه څلوېښتمه ماده کې د درج شوو دعوو د اقامې یا د قضیې په هکله د قرار د صادرېدو په ترڅ کې ، تصمیم ونیسي.

دمحکمې دقرارصادرهدل

اته ویشتمه ماده:

که چېرې د حکمیت بورې دهغې شخړې د رامنځته کېدو په وخت کې چې څېړل یې دهغه واک دی، تصمیم ونیسي ، پدې صورت کې هریو اړخ کولای شي د خبرتیا له ترلاسه کولو وروسته، د (۳۰) ورځو په ترڅ کې پدې هکله محکمې ته مراجعه وکړي او د قرار د صادرېدو غوښتونکی شي، د محکمې قرار د اعتراض وړ ندی.

که چېرې محکمې پدې هکله قرار صادر کړی نه وي، د حکمیت بورې کولای شي څېړنې ته دوام ورکړي او خپل قرار صادر کړي.

د احتیاطي تدبیرونو نیول

نهه ویشتمه ماده :

(۱) د حکمیت بورې کولای شي د هریو اړخونو څخه د غوښتنلیک له مخې، د څېړنې په بهیر کې د مدعي بها د ساتنې لپاره، ثالث شخص ته دهغو د سپارلو یا د سریع

اقامه د عاوی مندرج ماده چهل و دوم این قانون یا حین صدور قرار در مورد قضیه، تصمیم اتخاذ نماید.

صدور قرار محکمه

ماده بیست وهشتم:

هرگاه بورد حکمیت حین بروز منازعه که رسیدگی آن در حیطه صلاحیت اش قرار دارد، تصمیم اتخاذ نماید، در این صورت هریک از طرفین می توانند بعد از دریافت اطلاعیه در خلال (۳۰) روز در مورد به محکمه مراجعه و خواهان صدور قرار گردند، قرار محکمه قابل اعتراض نمی باشد.

هرگاه محکمه در مورد قرار صادر ننموده باشد، بورد حکمیت می تواند به رسیدگی ادامه داده و قرار خود را صادر نماید.

اتخاذ تدابیر احتیاطی

ماده بیست ونهم:

(۱) بورد حکمیت میتواند بالاتر درخواست هریک از طرفین، در جریان رسیدگی جهت حفاظت مدعی بها بشمول سپردن آنها به شخص ثالث یا فروش اموال

الفساد مالونو دپلورنې په شمول، احتیاطي تدبیرونه ونیسي او مؤقت قرار صادر کړي، خوداچې اړخونو بل ډول موافقه کړې وي. (۲) د حکمیت بورد کولای شي، ددی مادی په (۱) فقره کې د درج شوو احتیاطي تدبیرونو د لگښتونو جبران له اړخونو څخه وغواړي. (۳) له محکمې څخه د احتیاطي تدبیرونو د نیولو د قرار د صادرولو لپاره له اړخونو څخه د هریوه غوښتنلیک، د حکمیت د موافقه لیک نقض یا له هغه څخه تېرېدل انصراف نه گڼل کېږي.

سریع الفساد، تدابیر احتیاطي لارم را اتخاذ و قرار موقت را صادر نماید، مگر اینکه طرفین طور دیگری موافقه نموده باشند. (۲) بورد حکمیت می تواند جبران مصارف تدابیر احتیاطی مندرج فقره (۱) این ماده را از طرفین درخواست نماید. (۳) درخواست هریکي از طرفین، جهت صدور قرار اتخاذ تدابیر احتیاطی از محکمه، نقض موافقتنامه حکمیت و انصراف از آن پنداشته نمی شود.

پنځم فصل

د حکمیت د څېړنې اجراء

منصفانه چلند

دیرشمه ماده :

د حکمیت بورد مکلف دی د څېړنې په وخت کې له اړخونو سره منصفانه او مساویانه چلند وکړي او هر یوه ته د دلیلونو او مدرکونو د وړاندې کولو لپاره، لارم فرصت ورکړي.

فصل پنجم

اجرای رسیدگی حکمیت

برخورد منصفانه

ماده سی ام:

بورد حکمیت مکلف است حین رسیدگی منازعه با طرفین، برخورد منصفانه و مساویانه نموده و به هریک از آنها جهت ارائه دلایل و مدارک، فرصت لازم را فراهم نماید.

د کړنلارې مطابق اجراءات

يو دیرشمه ماده :

(۱) اړخونه کولای شي ددی قانون د حکمونو له په پام کې نیولو سره، د حکمیت د بورې دڅېړنې د اجراء پرکړنلارې موافقه وکړي.

(۲) که چېرې اړخونو د حکمیت د بورې دڅېړنې د اجراء پرکړنلارې موافقه نه وي کړې یا ونشي کړې پر هغې باندې موافقه وکړي، د حکمیت بورې کولای شي، ددی قانون د حکمونو مطابق، د منلو وړ والی، مربوط والی او اثباتیه مدرکونو د اهمیت او د مدرکونو وړاندې کولو ته د اړخونو د مکلفولو په هکله د تصمیم د نیولو په شمول د مجازاتو د وضع کولو له لارې حکمیت په مناسبه توګه سرته ورسوي.

د حکمیت د دفتر ټاکل

دوه دیرشمه ماده :

که چېرې اړخونو د حکمیت دفتر چې حکمیت یې تر قیومیت لاندې صورت مومي، مشخص کړی نه وي یا ونکړی شي په هغه باندې موافقه وکړي، پدې صورت کې د حکمیت دفتر د محکمې په واسطه

اجراءات طبق طرز العمل

ماده سی و یکم:

(۱) طرفین می توانند با رعایت احکام این قانون بر طرز العمل اجرای رسیدگی بورد حکمیت موافقه نمایند.

(۲) هرگاه طرفین به طرز العمل اجرای رسیدگی بورد حکمیت موافقه ننموده باشند یا نتوانند بر آن موافقه نمایند، بورد حکمیت می تواند طبق احکام این قانون، حکمیت را طور مناسب به شمول اتخاذ تصمیم در مورد قابل قبول بودن، مرتبط بودن و اهمیت مدارک اثباتیه و مکلف ساختن طرفین منازعه به رایۀ مدارک، از طریق وضع مجازات انجام دهد.

تعیین دفتر حکمیت

ماده سی و دوم:

هرگاه طرفین، دفتر حکمیت را که حکمیت تحت قیومیت آن صورت می گیرد، مشخص ننموده یا نتوانند به آن موافقه نمایند، در این صورت دفتر حکمیت توسط محکمه

ٲاڪل ڪٻڙي اودغه ٻر ڪٻڙه
داعتراض وڙنده هغه حالات چي
اڀخونو موافقه ڪري وي چي
حڪميت دي دحڪميت د دفتر
ترقيموميت لائي صورت ونه
مومي، لاي حڪم خه مستثني دي

دحڪميت دڄاي ٲاڪل

دري ديشمه ماده:

(۱) اڀخونه ڪولاي شي دحڪميت د
ڄاي ٻه هڪله موافقه وڪري، دنه
موافقي ٻه صورت ڪي، دحڪميت
ڄاي اڀخونو ته د رسيدو د آسانتيا
ٻه شمول دقضيي دحالاتوله ٻه ٻام
ڪي نيولو سره، دحڪميت دبوري ٻه
واسطه ٲاڪل ڪٻڙي.

(۲) دحڪميت بورڊ ڪولاي شي د
بورڊ دغڙو ترمنځ دمشوري،
دشاهدانود اظهاراتود اوربدو،
داهل خبره وو لخوا دنظر
دڄرگندولو يا د اڀخونو دحضور يا
دسندونو، مالونو او نورو شتمنيو
دپلٽيني او کٽني لپاره ٻه هرڄاي
ڪي چي مناسب يي وگهي، غونڊه
جوري ڪري، خوداچي اڀخونوبل ڊول
موافقه ڪري وي.

(۳) دحڪميت بورڊ مڪلف دي
دسندونو، مالونو او نورو شتمنيو

تعيين و اين فيصله قابل
اعتراض نمي باشد. حالتيكه
طرفين موافقه نموده باشند
كه حڪميت تحت قيموميت
دفتر حڪميت صورت نگیرد،
از اين حڪم مستثني است.

تعيين محل حڪميت

ماده سي و سوم:

(۱) طرفين مي توانند در مورد
محل حڪميت موافقه نمايند،
در صورت عدم توافق، محل
حڪميت توسط بورڊ حڪميت با
نظر داشت حالات قضيه، بشمول
سهولت رسيدگي به طرفين تعيين
مي گردد.

(۲) بورڊ حڪميت مي تواند
جهت مشوره ميان اعضاي
بورڊ، استماع اظهارات شهود،
ابراز نظر از طرف اهل خبره
يا حضور طرفين يا تفتيش
ومعاينه اسناد، اموال و
سايردارايي ها، هر محلي را كه
مناسب تشخيص دهند، تدوير
جلسه نمايند، مگر اينكه طرفين
طور ديگري موافقه نموده باشند.

(۳) بورڊ حڪميت مڪلف است
جهت استماع و جلسات بورڊ

بمنظور تفتیش و معاینه اسناد، اموال و سایر دارایی ها، مدتی را تعیین و طرفین را مطلع سازد.

آغاز رسیدگی به حکمیت ماده سی و چهارم:

رسیدگی حکمیت درخصوص منازعه مربوط، از تاریخ آغاز می گردد که مدعی علیه درخواست مبنی بر حکمیت را دریافت نماید، مگر اینکه طرفین طور دیگری موافقه نموده باشند.

استفاده از زبان ها در روند حکمیت

ماده سی و پنجم:

طرفین می توانند بر زبان یا زبان های مورد استفاده در رسیدگی حکمیت موافقه نمایند. در صورت عدم موافقه، مورد حکمیت زبان یا زبان های مورد استفاده در رسیدگی را تعیین می کنند. بیانات کتبی طرفین، استماع اظهارات و صدور قرار، تصمیم یا سایر ابلاغیه های مورد، به زبان تعیین شده صورت می گیرد، مگر اینکه طرفین طور دیگری موافقه نموده باشند. مورد حکمیت می تواند در مورد

دپلتهی اوکتنی په منظور د بورډ اورېدو او غونډو لپاره یوه موده وټاکي او اړخونه خبر کړي.

د حکمیت د خبرنې پیل څلور دیرشمه ماده:

د اړوندې شخړې په برخه کې د حکمیت څېړنه له هغې نېټې څخه پیل کېږي چې مدعي علیه د حکمیت په اړه غوښتنلیک ترلاسه کړي، خودا چې اړخونو بل ډول موافقه کړې وي.

د حکمیت په بهیر کې له ژبو څخه گټه اخستل

پنځه دیرشمه ماده:

اړخونه کولای شي د حکمیت په څېړنه کې د گټې اخستنې په وړ ژبې یا ژبو باندې موافقه وکړي. د نه موافقې په صورت کې د حکمیت بورډ، په څېړنه کې د گټې اخستنې وړ ژبه یا ژبې وټاکي. د اړخونو لیکلې بیانونه، د اظهاراتو اورېدل او د قرار صادرېدل، د بورډ تصمیم یا نورې ابلاغیې په ټاکل شوې ژبه صورت مومي، خودا چې اړخونو بل ډول موافقه کړې وي. د حکمیت بورډ کولای شي د

مستندو مدرکونو د ژباړې په هکله د اړخونو په موافقه شوې ژبه یا ژبو یا د حکمیت د بورچ لخوا په ټاکل شوو ژبو په هکله، تصمیم ونیسي.

د ادعا او دفاعيې د دلیلونو وړاندې کول

شپږ دیرشمه ماده:

که چېرې اړخونو په بل ډول د ادعا یا د دفاعيې د دلیلونو د ترتیب په هکله موافقه کړې نه وي، د ادعا یا دفاعيې د دلیلونو وړاندې کول، د اړخونو ترمنځ د موافقه شوې مودې په ترڅ کې یا د خپرني له غونډې څخه وروسته د (۱۵) ورځو په ترڅ کې د لاندې مراتب له پام کې نیولو سره صورت مومي:

۱- مدعي مکلف دی، د اختلاف وړ موضوعگانو او د زیان د غوښتل شوی جبران، د ادعا د لیلولو نه شرح کړي.

۲- مدعي علیه مکلف دی خپله دفاعیه د اختلاف وړ موضوعگانو او د زیان د غوښتل شوی جبران په برخه کې څرگند او د ادعا د دفع د لیلولو نه توضیح کړي.

۳- اړخونه کولای شي په قضیې پورې ټول اړوند سندونه له خپلو

ترجمه مدارک مستند به زبان یا زبان های مورد توافق طرفین یا زبان های تعیین شده توسط مورد حکمیت، تصمیم اتخاذ نماید.

ارایه دلائل ادعا و دفاعیه

ماده سی و ششم:

هرگاه طرفین طور دیگری در مورد ترتیب دلائل ادعا یا دفاعیه موافقه نکرده باشند، رایه دلائل ادعا یا دفاعیه در خلال مدت توافق شده بین طرفین یا در خلال (۱۵) روز بعد از جلسه رسیدگی، بارعایت مراتب ذیل صورت می گیرد:

۱- مدعی مکلف است دلائل ادعای موضوعات مورد اختلاف و جبران خساره درخواست شده را شرح دهد.

۲- مدعی علیه مکلف است دفاعیه خود را در خصوص موضوعات مورد اختلاف و جبران خساره مطالبه شده، ابراز و دلائل دفع ادعا را توضیح دهد.

۳- طرفین می توانند تمام اسناد مربوط به قضیه را توأم با

لیکلو اظهاراتوسره یوځای د حکمیت بورې ته وړاندې کړی.

د دفاعيې اصلاح اوبشپړول اووه دیرشمه ماده:

هر یوله اړخونوڅخه کولای شي دخپلې دعوي يا دفاعيې صورت د حکمیت دخپړنې په بهیر کې اصلاح یا بشپړه کړی، خوداچې د حکمیت بورې درونوالی (شفافیت) اوله غیر مؤجهې نېټې څخه دمخنيوي په منظور، دهغو اصلاح کول مناسب ونه گڼې او یا داچې هغه د حکمیت د موافقه لیک پر خلاف تشخیص کړی.

د غونډو د جوړېدو خبرتیا اته دیرشمه ماده:

(۱) د حکمیت بورې کولای شي د اړخونو د موافقه لیک مطابق، د شفاهي غونډو د جوړېدو او نورو مواردو په هکله تصمیم ونيسي اودخپړنې د غونډې له جوړېدو لږترلږه (۳۰) ورځې دمخه یې خبرتیا په لیکلې توگه اړخونوته واستوي.

(۲) د حکمیت بورې کولای شي، له اړخونوڅخه دیوه د غوښتنلیک له مخې شفاهي خبرنه، د حکمیت

اظهارات کتبی خود به بورې حکمیت ارائه نمایند.

اصلاح وتکمیل دفاعیه ماده سی و هفتم:

هریکې از طرفین می توانند صورت دفاع یا دفاعیه خود را در جریان رسیدگی حکمیت اصلاح یا تکمیل نمایند، مگر اینکه بورې حکمیت به منظور شفافیت و جلوگیری از تاریخ غیر موجه، اصلاحات آنرا مناسب ندانسته و یا اینکه آنرا برخلاف موافقتنامه حکمیت تشخیص دهد.

اطلاعیه تدویر جلسات ماده سی و هشتم:

(۱) بورې حکمیت می تواند طبق موافقتنامه طرفین، در مورد تدویر جلسات شفاهی و سایر موارد تصمیم اتخاذ نموده و حداقل (۳۰) روز قبل از تدویر جلسه رسیدگی، اطلاعیه آنرا طور کتبی به طرفین ارسال نماید.

(۲) بورې حکمیت می تواند بالاتر درخواست یکی از طرفین، رسیدگی شفاهی را در مراحل

د اجراء په مناسبو پړاوونو کې سرته ورسوي، خوداچې اړخونو بل ډول موافقه کړې وي.

د معلوماتو راټولول

نهه دیرشمه ماده:

د حکمیت بورډ مکلف دی رپوټونه، سندونه او نور معلومات چې له اړخونو څخه دیوه په واسطه هغه ته وړاندې شوی وي، مقابل اړخ ته ابلاغ اوداھل خبره رپوټ یا اثباتیه مدرکونه چې تصمیم په نیولو کې پرې اتکاء کېږي، اړخونو ته واستوي.

حکمیت ته دوام ورکول

خلوېنستمه ماده:

(۱) د حکمیت بورډ کولای شي حالاتو ته په پام سره، د حکمیت څېړنې ته دوام ورکړي اودبررسی وړ مدرکونو پربنسټ، خپل قرارصادر کړي، خوداچې اړخونو بل ډول موافقه کړې وي.

(۲) که چېرې مدعي ونکړي شي خپله صورت دعوي ددی قانون دخلورپنځوسمې مادې په (۱) جزه کې د درج شوی حکم مطابق، وړاندې کړي، پدی صورت کې د حکمیت بورډ کولای شي دڅېړنې

مناسب اجرای حکمیت، انجام دهد، مگر اینکه طرفین طور دیگری موافقه نموده باشند.

جمع آوری معلومات

ماده سی ونهم:

بورډ حکمیت مکلف است گزارشات، اسناد و سایر معلوماتیکه توسط یکی از طرفین به آن ارائه شده باشد، به طرف مقابل ابلاغ و گزارش اهل خبره یا مدارک اثباتیه را که در اتخاذ تصمیم به آن اتکا می گردد، به طرفین ارسال نماید.

ادامه به حکمیت

ماده چهلهم:

(۱) بورډ حکمیت می تواند با نظر داشت حالات، رسیدگی به حکمیت را ادامه دهد و به اساس مدارک مورد بررسی، قرار خود را صادر نماید، مگر اینکه طرفین طور دیگری موافقه نموده باشند.

(۲) هرگاه مدعی نتواند صورت دعوی خود را طبق حکم مندرج جزء (۱) ماده پنجاه و چهارم این قانون ارائه نماید، در این صورت بورډ حکمیت می تواند قرار

د پای ته رسېدو په اړه قرار صادر کړی.

(۳) که چېرې مدعي علیه ونکړی شي خپله صورت دفاع ددی قانون د څلورینڅوسمې مادې په (۲) جزء کې د درج شوی حکم مطابق ، وړاندې کړی، پدې صورت کې د حکمیت بورډ کولای شي څېړنې ته دوام ورکړی اومدعي علیه ته د دفاعيې د وړاندې کولو لپاره موده وټاکي.

(۴) که چېرې یوله اړخونوڅخه ونکړی شي دڅېړنې په غونډه کې حضور ومومي یا لازم سندونه او مدرکونه وړاندې کړی، پدې صورت کې د حکمیت بورډ کولای شي د حکمیت څېړنې ته دوام ورکړی اودڅېړنې وړ مدرکونو پرېنست ، خپل قرار صادر کړی.

د متخصص ټاکل

یوڅلوېښتمه ماده:

(۱) د حکمیت بورډ کولای شي یو یا له یوه څخه زیات متخصصین دهغو شخړو په هکله چې د بورډ ترڅېړنې لاندې نیول کېږي د رپوټ د وړاندې کولو لپاره توظیف کړی، خوداچې اړخونو بل ډول موافقه

مېنې بر ختم رسیدگی راصادر نماید.

(۳) هرگاه مدعی علیه نتواند صورت دفاعیه خود را طبق حکم مندرج جزء (۲) ماده پنجاه و چهارم این قانون ارائه نماید، دراین صورت بورد حکمیت میتواند به رسیدگی ادامه داده و مدتی را غرض ارایه دفاعیه به مدعی علیه تعیین نماید.

(۴) هرگاه یکی از طرفین نتواند در جلسه رسیدگی حضور یابد و یا اسناد و مدارك لازم را ارائه نماید، دراین صورت بورد حکمیت می تواند رسیدگی به حکمیت را ادامه داده و به اساس مدارك مورد بررسی، قرار خویش را صادر نماید.

تعیین متخصص

ماده چهل و یکم:

(۱) بورد حکمیت می تواند يك یا بیش از يك متخصص را جهت ارایه گزارش، درمورد منازعاتیکه تحت رسیدگی بورد قرار می گیرد، توظیف نماید، مگراینکه طرفین طور دیگری

کړې وي.

(۲) د حکمیت بورډ کولای شي د اړخونو له هریوه څخه وغواړي خو اړوند معلومات متخصص ته وړاندې اوسندونه، مالونه او نوره شتمني د پلټنې او کتنې لپاره متخصص ته برابر کړي.

(۳) متخصص مکلف دی د څېړنې په غونډه کې د خپل لیکلې یا شفاهي رپوټ له وړاندې کولو وروسته، له اړخونو څخه دیوه د غوښتنې یا د بورډ د لزوم دید له مخې، د څېړنې په غونډه کې گډون وکړي.

د سندونو غوښتنه

دوه څلورېښتمه ماده:

د حکمیت بورډ یا هریوله اړخونو څخه د اړتیا په صورت کې کولای شي له محکمې یا نورو مراجعو څخه اړوند سندونه او مدارک وغواړي.

موافقه نموده باشند.

(۲) بورډ حکمیت می تواند از هر یکی از طرفین درخواست نماید تا معلومات مربوط را به متخصص ارایه و اسناد، اموال یا سایر دارایی ها را جهت تفتیش و معاینه به متخصص فراهم نماید.

(۳) متخصص مکلف است بعد از ارایه گزارش شفاهی یا کتبی خود در جلسه رسیدگی، در صورت درخواست یکی از طرفین یا لزوم دید بـورد، در جلسه رسیدگی اشـتراک نماید.

درخواست اسناد

ماده چهل و دوم:

بورډ حکمیت یا هر یک از طرفین در صورت ضرورت می توانند از محکمه یا سایر مراجع اسناد و مدارک مربوط را درخواست نمایند.

شپږم فصل
د حکمیت د قرار صادرېدل
او د خبرنې پای

فصل ششم
صدور قرار حکمیت و خاتمه
رسیدگی

د تطبیق وړ قانون

د ري څلوېښتمه ماده:

(۱) د حکمیت بورې د شخړې په هکله ، د اړخونو لخوا د مشخص شوی قانون د حکمونو مطابق ، تصمیم نیسي.

(۲) د اړخونو لخوا د قانون دنه ټاکلو په صورت کې او پداسې حالت کې چې په قوانینو کې تنازع وجود ولري ، د حکمیت بورې کولای شي ، پر شخړې باندې د تطبیق وړ قانون ، وټاکي.

د منځگړي په توگه د حکم نه ټاکل

څلور څلوېښتمه ماده:

که چېرې د قضیې اړخونه له حکم څخه وغواړي خو د متنازع فیه قضیې د حل اوفصل په برخه کې د منځگړي دنده اجرا کړي ، حکم نشي کولای دغه دنده سرته ورسوي ، پدې صورت کې اړخونه کولای شي ، بل شخص د منځگړي په توگه وټاکي.

قانون قابل تطبیق

ماده چهل و سوم:

(۱) بور د حکمیت درمورد منازعه ، طبق احکام قانون مشخص شده توسط طرفین ، تصمیم اتخاذ می نماید.

(۲) در صورت عدم تعیین قانون از جانب طرفین و در حالیکه تنازع در قوانین وجود داشته باشد ، بور د حکمیت می تواند قانون قابل تطبیق بر منازعه را تعیین نماید.

عدم تعیین حکم منحيث میانجی

ماده چهل و چهارم:

هرگاه طرفین قضیه ، از حکم مطالبه نماید تا در قسمت حل و فصل قضیه متنازع فیه وظیفه میانجی را اجرا نماید ، حکم نمی تواند این وظیفه را انجام دهد ، در این صورت طرفین می توانند شخص دیگری را به حیث میانجی تعیین نمایند.

د تصمیم د نیولو ډول**پنځه څلوېښتمه ماده:**

هغه شخړه چې له یوه څخه د زیاتو حکمانو په واسطه ترخپرنې لاندې نیول کېږي، دهغې په هکله تصمیم، د غړو د اکثریت رایو پربنسټ نیول کېږي، خو دا چې اړخونو بل ډول موافقه کړې وي. د حکمیت د خپرنې کړنلاره د بورې د رئیس لخوا ټاکل کېږي، پدې شرط چې اړخونو د حکمیت د بورې نورو غړو له هغې سره موافقه کړې وي.

د حکمیت قرار**شپږ څلوېښتمه ماده:**

(۱) که چېرې اړخونه د حکمیت د خپرنې په ترڅ کې، شخړه پخپله حل او فصل کړي، د حکمیت بورې خپرنه پای ته رسوي او د اړخونو د غوښتنې او د بورې د موافقې په صورت کې، توافق د حکمیت د قرار په توګه ثبتوي.

(۲) ددی مادې په (۱) فقره کې درج شوی قرار، ددی قانون په اته څلوېښتمه ماده کې د درج شوی حکم مطابق ترتیب او صادرېږي او د حکمیت د نورو قرارونو د عین

طرز اتخاذ تصمیم**ماده چهل و پنجم:**

منازعه ايکه توسط بیش از يك حكم مورد رسیدگی قرار می گیرد، تصمیم در مورد آن به اساس اکثریت آرای اعضا اتخاذ می گردد، مگر این که طرفین طور دیگر موافقه نموده باشند. طرز العمل رسیدگی حکمیت از طرف رئیس مورد تعیین میگردد، مشروط بر اینکه طرفین یا سایر اعضای مورد حکمیت، به آن موافقه نموده باشند.

قرار حکمیت**ماده چهل و ششم:**

(۱) هرگاه طرفین در خلال رسیدگی حکمیت، منازعه را خود حل و فصل نمایند، مورد حکمیت رسیدگی را خاتمه و در صورت درخواست طرفین و موافقه مورد، توافق را به حیث قرار حکمیت ثبت می نمایند.

(۲) قرار مندرج فقره (۱) این ماده طبق حکم مندرج ماده چهل و هشتم این قانون ترتیب و صادر گردیده و دارای عین اعتبار سایر قرارهای

اعتبار لرونکی دی.

حکمیت می باشد.

د حکمیت د قرار مندرجات

اووه څلورېنیمه ماده:

(۱) د حکمیت قرار د لاندی مطالبو لرونکی وي:

۱- د قرار لیکلې بڼه اود حکم یا حکمانو په واسطه یې لاسلیک کېدل، د حکمیت د څېړنې په ترڅ کې چې پکې له یوه څخه زیات حکمان حکمیت کوي، د حکمیت د بورډ د غړو د اکثریت لاسلیک کافي دی، پدی شرط چې د غیر موجودو لاسلیکونو دلیل ذکر شي.

۲- د دغو دلیلونو یا دول چې قرار یې پرېنا ولاړ دی، خوداچې اړخونو د دلیلونو پرته وړاندی کولو موافقه کړې وي یا داچې قرار ددی قانون د اووه څلورېنیمې مادې له مخې، د توافق له امله صورت موندلی وي.

۳- د حکمیت د قرار د صادرېدو نېټه اوځای.

(۲) د حکمیت د بورډ دندې د څېړنې بهیر، په متنازع فیه قضیه کې د قرار له صادرېدو وروسته پای ته رسېږي.

مندرجات قرار حکمیت

ماده څهله و هفتم:

(۱) قرار حکمیت حاوی مطالب ذیل می باشد:

۱- کتبی بودن قرار وامضاء آن توسط حکم یا حکم ها، حین رسیدگی حکمیت که بیش از يك حکم در آن حکمیت می نماید، امضای اکثریت اعضای بورډ حکمیت کافی است، مشروط براینکه دلیل امضا های غیر موجود ذکر شود.

۲- ذکر دلایلی که قرار بر آن مبتنی است، مگراینکه طرفین بر عدم ارایه دلایل موافقه نموده باشند، یا اینکه قرار به تأسی از حکم ماده څهله و هفتم این قانون، بالاثرتوافق صورت گرفته باشد.

۳- تاریخ و محل صدور قرار حکمیت.

(۲) روند رسیدگی به وظیفه بورډ حکمیت، بعد از صدور قرار در قضیه متنازع فیه خاتمه می یابد.

(۳) ددی مادی په (۱) فقره کې درج شوی قرار د اړخونو په شمېر ترتیبېږي او یو یو نقل یې هغو ته سپارل کېږي او بل یې د حکمیت د بورې په دفتر کې ساتل کېږي.

د حکمیت د څېړنې د بهیر پای اته څلوېښتمه ماده:

د حکمیت بورې کولای شي په لاندې حالاتو کې د حکمیت د څېړنې پای اعلام کړي:

۱- په هغه صورت کې چې مدعي له خپلې ادعا څخه انصراف وکړي، خوداچې مدعي علیه دمدعي پرضد متقابل له ادعاء ولري، یا مدعي علیه دمدعي له لوري د ادعا د انصراف پرضد، اعتراض ولري اود حکمیت بورې دمدعي علیه قانوني او مؤجبهې گټې دڅخې په وروستي حل او فصل کې ومومي.

۲- په هغه صورت کې چې اړخونه د څېړنې پرپاي ته رسېدو موافقه وکړي.

۳- په هغه صورت کې چې د حکمیت بورې ومومي چې دڅېړنې دوام د نورو مؤجهو دلیلونو له مخې غیر ضروري او

(۳) قرارمندرج فقره (۱) این ماده به تعداد طرفین ترتیب ویک، یک نقل آن به آنها سپرده شده و نقل دیگر آن به دفتر مورد حکمیت حفظ می گردد.

ختم روند رسیدگی حکمیت ماده چهل و هشتم:

بور د حکمیت می تواند در حالات ذیل ختم رسیدگی حکمیت را اعلام نماید:

۱- در صورتی که مدعی از ادعای خود انصراف نماید، مگر اینکه مدعی علیه بر علیه مدعی ادعای متقابل داشته باشد، یا مدعی علیه بر علیه انصراف ادعا از طرف مدعی، اعتراض داشته باشد و بور د حکمیت منافع قانونی و موجه مدعی علیه را در حل و فصل نهایی منازعه دریافت نماید.

۲- در صورتی که طرفین باختتام رسیدگی توافق نمایند.

۳- در صورتی که بور د حکمیت دریابد که ادامه رسیدگی بنابر سایر دلایل موجه، غیر ضروری و غیر ممکن

غير ممکن وي.

د تېروتنو اصلاح

نهه څلوېښتمه ماده:

له اړخونو څخه هریو کولای شي، د حکمیت د قرار د ترلاسه کولو له نېټې څخه د (۳۰) ورځو په ترڅ کې یا په بله موده کې چې د اړخونو د موافقې وړ وي، مقابل اړخ ته د خبرتیا په استولو سره د حکمیت له بورډ څخه وغواړي خو حسابي، انشایي او طباعتي تېروتنې یا ورته تېروتنې په قرار کې اصلاح یا د قرار مشخص ټکي څرگند یانې ځنې برخې وړاندې کړي، په هغه صورت کې چې د حکمیت بورډ نوموړې غوښتنه مؤجه وگڼي، مکلف دی د تېروتنې تصحیح یا د قرار د توضیح وړاندې کول، د غوښتنلیک د ترلاسه کولو له نېټې څخه د (۳۰) ورځو په ترڅ کې سرته ورسوي. توضیح، د قرار یوه برخه جوړوي.

د حکمیت بورډ کولای شي پورته یادې شوې تېروتنې په خپله اصلاح کړي.

باشد.

اصلاح اشتباهات

ماده ټولم:

هریک از طرفین میتوانند در خلال (۳۰) روز از تاریخ دریافت قرار حکمیت یا در مدت دیگری که مورد توافق طرفین باشد، با ارسال اطلاعیه به طرف مقابل از بورد حکمیت درخواست نمایند تا اشتباهات حسابی، انشایی و طباعتی یا اشتباهات مشابه در قرار را اصلاح یا توضیح نکات مشخص یا بخش هایی از قرار را ارائه نماید، در صورتیکه بورد حکمیت درخواست متذکره را موجه پندارد، مکلف است تصحیح اشتباه یا ارایه توضیح قرار را در خلال (۳۰) روز از تاریخ دریافت درخواست، انجام دهد. توضیح، قسمتی از قرار را احتوا می نماید.

بورد حکمیت می تواند اشتباهات فوق الذکر را خود اصلاح نماید.

دبشپرتیایی قرار صادر بدل**پنخوسمه ماده:**

له اړخونوڅخه هریو کولای شي مقابل لوري ته دبشپرتیا په استولو سره ، د حکمیت د قرار د ترلاسه کولو له نېټې څخه د (۳۰) ورځو په ترڅ کې ، د حکمیت له بورډ څخه غوښتنه وکړي خوېل قرار (بشپرتیایی قرار) دهغو ادعاگانو په هکله چې دبشپرتیا په غونډه کې وړاندې شوی خوېه قرار کې حذف شوی دی ، صادر کړي. په هغه صورت کې چې د حکمیت بورډ نوموړی غوښتنلیک موجه وگڼي ، مکلف دی ، دبشپرتیایی قرار په هکله ، د غوښتنلیک د ترلاسه کولو له نېټې څخه د (۶۰) ورځو په ترڅ کې ، تصمیم ونیسي.

د مودی تمديد بدل**یو پنخوسمه ماده:**

د حکمیت بورډ کولای شي هغه موده چې په ترڅ کې یې ددی قانون د (۵۰ او ۵۱) مادی د حکمونو مطابق ، اصلاح او توضیح صورت مومي یا دبشپرتیایی قرار صادرېږي ، د مناسب وخت مودی لپاره تمديد کړي.

صدور قرار تکمیلی**ماده پنجاهم:**

هریکې از طرفین می تواند با ارسال اطلاعیه به طرف مقابل ، در خلال (۳۰) روز از تاریخ دریافت قرار حکمیت ، از بورډ حکمیت درخواست به عمل آورد تا قرار دیگر (قرار تکمیلی) را در مورد ادعاهایی که در جلسه رسیدگی ارائه ولی در قرار حذف شده است ، صادر نماید. در صورتی که بورډ حکمیت درخواست متذکره را موجه پندارد ، بورډ مکلف است در مورد قرار تکمیلی در خلال (۶۰) روز از تاریخ دریافت درخواست ، تصمیم اتخاذ نماید.

تمديد ميعاد**ماده پنجاه و یکم:**

بورډ حکمیت می تواند ميعاد را که در خلال آن مطابق احکام مواد (۵۰ و ۵۱) این قانون اصلاح و توضیح صورت می گیرد یا قرار تکمیلی صادر می گردد ، برای مدت زمان مناسب تمديد نماید.

د اته څلوېښتمې مادې په پام کې نيول

دوه پنځوسمه ماده:

د حکمیت بورې مکلف دي د قرار د اصلاح او توضیح یا د بشپړتيايي قرار د صادرېدو په ترڅ کې ، ددې قانون په اته څلوېښتمه ماده کې درج شوی حکم په پام کې ونيسي.

رعايت ماده چهل و هشتم

ماده پنجاه و دوم:

بور د حکمیت مکلف است حين اصلاح و توضیح قرار و يا اصدار قرار تکميلي، حکم مندرج ماده چهل و هشتم اين قانون را رعايت نمايد.

اووم فصل پرقرار باندې اعتراض

فصل هفتم اعتراض به قرار

د حکمیت د قرار فسخ

دري پنځوسمه ماده:

محکمه کولای شي د حکمیت د قرار د فسخې په اړه له اړخونوڅخه د یوه د اعتراض یا غوښتنې په صورت کې په لاندې حالاتو کې د حکمیت قرار فسخ کړي:

۱- په هغه صورت کې چې د موافقه لیک له عاقدینوڅخه یو د دې قانون په څوارلسمه ماده کې د درج شوی حکمیت، د حقوقي اهلیت نه لرونکی وگڼي.

۲- په هغه صورت کې چې د حکمیت موافقه لیک ، د حکمیت اړخونه د شخړې د حل په هکله هغه

فسخ قرار حکمیت

ماده پنجاه و سوم:

محکمه می تواند در صورت اعتراض یا درخواست یکی از طرفین مبنی بر فسخ قرار حکمیت، در حالات ذیل قرار حکمیت را فسخ نماید:

۱- در صورتی که یکی از عاقدین موافقتنامه، حکمیت مندرج ماده چهاردهم این قانون را فاقد اهلیت حقوقی بداند.

۲- در صورتی که موافقتنامه حکمیت، طرفین حکمیت را در مورد حل منازعه به قانون

قانون ته موکول کړی وي چې د افغانستان د قوانینو مطابق، نوموړی قانون له اعتباره لوېدلی وي.

۳- په هغه صورت کې چې متقاضی اړخونو ته د حکم د ټاکلو یا د حکمیت د خپرې په هکله لارمه خبرتیا ورکړل شوې نه وي یا ددی قانون د حکمونو مطابق، مدعي د خپلې ادعا په وړاندې کولو باندې قادر نه وي.

۴- د دی قانون د حکمونو مطابق د بډې (رشوت) یا د حکم د تراغېزې لاندې راوستلو یا یې له اړخونو څخه دیوه له شاهدانو سره د مادی گټې د تضاد یا د حکمیت د موضوع د په وخت نه خپرلو په صورت کې.

۵- په هغه صورت کې چې د شخړې په هکله هغه قرار صادر شوی وي چې د حکمیت په موافقه لیک کې په پام کې نیول شوی نه وي یا یې د تطبیق په ساحه کې واقع نه وي یا پر هغو موضوعگانو باندې د تصمیم لرونکی وي چې حکمیت ته د وړاندې کولو وړ موضوعگانو له دایرې څخه

موکول ساخته باشد که قانون مذکور بر طبق قوانین افغانستان، فاقد اعتبار باشد.

۳- در صورتی که به طرفین متقاضی در مورد تعیین حکم یا رسیدگی حکمیت اطلاع لازم داده نشده باشد یا طبق احکام این قانون مدعی به ارائه ادعای خود قادر نباشد.

۴- در صورت رشوه یا تحت تاثیر قرار دادن حکم یا تضاد منفعت مادی وی با یکی از طرفین، شهود یا عدم رسیدگی به موقع موضوع حکمیت، طبق احکام این قانون.

۵- در صورتی که قرار در مورد منازعه صادر شده باشد که در موافقتنامه حکمیت در نظر گرفته نشده یا در ساحه تطبیق آن واقع نباشد و یا حاوی تصمیم بر موضوعاتی باشد که خارج از دایره موضوعات قابل ارائه به حکمیت،

بهرپاتې وي.

که چېرې د حکمیت له ساحې څخه پر بهر موضوعگانو باندې تصمیم، د حکمیت په ساحه کې پر شاملو موضوعگانو، له تصمیم څخه تفکیک شي، پدې صورت کې یوازې د قرار هغه برخه چې د حکمیت له ساحې څخه پر بهر موضوعگانو باندې وي، د اجراء وړ نده.

۶- په هغه صورت کې چې د حکمیت د بورډ ترکیب یا د حکمیت کړنلاره د اړخونو له موافقه لیک سره مطابقت ونلري یاد اړخونو موافقه لیک ددې قانون د حکمونوله یوه حکم سره چې پر اړخونو د تطبیق وړ دی، مغایرت ولري.

۷- که چېرې د حکمیت موضوع د افغانستان د قوانینو مطابق د حکمیت له لارې د حل اوفصل وړ نه وي یا د حکمیت قرار د افغانستان د عامه پالیسۍ مغایر وي.

دفسخ دغوښتنې میعاد

څلور پنځوسمه ماده:

اړخونه کولای شي د حکمیت د قرار له صادرېدو وروسته، د دریو

قرار داشته باشد.

هرگاه تصامیم بر موضوعات خارج از ساحه حکمیت از تصامیم بر موضوعات شامل در ساحه حکمیت تفکیک شده بتواند، در این صورت صرف آن بخشی از قرار که حاوی تصامیم بر موضوعات خارج از ساحه حکمیت باشد، غیر قابل اجرا است.

۶- در صورتی که ترکیب بورډ حکمیت یا طرز العمل حکمیت با موافقتنامه طرفین مطابقت نداشته باشد، یا موافقتنامه طرفین با حکمی از احکام این قانون که بر طرفین قابل تطبیق است، مغایرت داشته باشد.

۷- هرگاه موضوع حکمیت طبق قوانین افغانستان از طریق حکمیت، قابل حل و فصل نبوده یا قرار حکمیت مغایر پالیسی عامه افغانستان باشد.

میعاد درخواست فسخ

ماده پنجاه و چهارم:

طرفین می توانند بعد از صدور قرار حکمیت، در خلال سه ماه

میاشتو په ترڅ کې دهغه دفسخې غوښتنه محکمې ته وړاندې کړی.

دبورې بیا څېړنه

پنځه پنځوسمه ماده:

محکمه کولای شي دحکیمیت د قرار دفسخې په صورت کې، له اړخونوڅخه دیوه دغوښتنې له امله یا دلزوم له مخې، د حکیمیت بورې ته لږم فرصت برابرکړي خو دحکیمیت څېړل بیا پیل یا نور هغه اقدامات چې دحکیمیت د قرار دفسخ د له منځه تلو سبب کېږي، وکړي.

درخواست فسخ آنرا به محکمه ارائه نمایند.

رسیدگی مجدد بورې

ماده پنجاه و پنجم:

محکمه می تواند در صورت فسخ قرار حکیمیت، بالاتر درخواست یکی از طرفین یا حسب لزوم، فرصت مناسب را به بورې حکیمیت فراهم نماید تا رسیدگی حکیمیت را مجدداً آغاز یا سایر اقداماتی را که سبب امحای فسخ قرار حکیمیت می گردد، اتخاذ نماید.

اتم فصل

دحکیمیت دقرار تطبیقول

دحکیمیت دقرار تطبیقول اوردول

شپږ پنځوسمه ماده:

(۱) دحکیمیت قرار پرته لدی چې په کوم هېواد کې صادر شوی دی، دتطبیق وړ دی.

(۲) دحکیمیت قرار په لاندی حالاتو کې ردیدی شي:

۱- په هغه صورت کې چې د حکیمیت د موافقه لیک له اړخونو څخه یو، داهلیت نه لرونکی وي.

۲- په هغه صورت کې چې

فصل هشتم

تطبیق قرار حکیمیت

تطبیق و رد قرار حکیمیت

ماده پنجاه و ششم:

(۱) قرار حکیمیت صرف نظرازینکه در کدام کشور صادر شده است، قابل تطبیق می باشد.

(۲) قرار حکیمیت در حالات ذیل رد شده می تواند:

۱- در صورتی که یکی از طرفین موافقتنامه حکیمیت، فاقد اهلیت باشد.

۲- در صورتی که قرار حکیمیت

د حکمیت قرار دهغه قانون پرموجب چې د اړخونو لخوا په موافقه لیک کې مشخص شوی دی، صادر شوی نه وي.

۳- په هغه صورت کې چې د حکمیت قرار دهغه قانون پرموجب صادر شوی وي چې نوموړی قانون له اعتباره لوېدلی وي.

۴- په هغه صورت کې چې قرار دهغه اړخ پر ضد صادر شوی وي چې د حکم د ټاکلو یا د حکمیت د خپرې په هکله ورته لږمه خبرتیا ورکړل شوې نه وي یا ددی قانون د حکمونو مطابق د دفاعيې په وړاندې کولو قادر نه وي.

۵- په هغه صورت کې چې قرار دهغې شخړې په هکله صادر شوی وي چې د حکمیت په موافقه لیک کې له هغې څخه تصریح شوې نه وي یا یې د تطبیق په ساحه کې واقع نه وي یا پر هغوموضوعگانو د تصمیم د نیولو لرونکی وي چې د حکمیت د واک له ساحې څخه بهر وي.

په هغه صورت کې چې د تصمیم نیول د حکمیت له ساحې څخه پر بهر موضوعگانو، د حکمیت په

په موجب قانونی که توسط طرفین در موافقتنامه مشخص شده است، صادر نگردیده باشد.

۳- در صورتی که قرار حکمیت به موجب قانونی صادر شده باشد که قانون مذکور فاقد اعتبار باشد.

۴- در صورتی که قرار بر علیه طرفی صادر شده باشد که در مورد تعیین حکم یا رسیدگی حکمیت به وی اطلاع لازم داده نشده یا طبق احکام این قانون به ارایه دفاعیه قادر نباشد.

۵- در صورتی که قرار در مورد منازعه صادر شده باشد که در موافقتنامه حکمیت از آن تصریح نگردیده یا در ساحه تطبیق آن واقع نباشد و یا حاوی اتخاذ تصمیم بر موضوعاتی بوده که خارج از صلاحیت حکمیت قرار داشته باشد.

در صورتی که اتخاذ تصمیم بر موضوعات خارج از ساحه حکمیت از اتخاذ تصمیم

ساحه کې پر شاملو موضوعگانو دتصميم له نيولو څخه تفكيك كړل شي، پدې حالت كې يوازې دقرار هغه برخه چې دحكمت لپاره پر وړاندې شوو موضوعگانو دتصميم لرونكې ده، دتطبيق وړ ده.

۶- كه چېرې دحكمت د بورې تركيب يا دحكمت كړنلاره د اړخونو له موافقه ليك سره مطابقت ونلري يا دحكمت دموافقه ليك د نه موجوديت په صورت كې، دحكمت د بورې تركيب يا دحكمت كړنلاره دهغه هېواد له قانون سره چې حكمت پكې صورت موندلی دی، مطابقت ونلري.

۷- په هغه صورت كې چې دحكمت قرار صادر خو تطبيق شوی نه وي اودهغه هېواد چې قرار يې دقانون پر موجب صادر شوی وي، دمحكمې په واسطه تعليق يا لغوه شوی وي.

۸- په هغه صورت كې چې دحكمت موضوع، دافغانستان د قوانينو پر موجب دحكمت له لارې دحل اوفصل وړنه وي اويا

برموضوعات شامل درساحه حكمت تفكيك شده بتواند، دراين حالت صرف آن بخشی از قرار كه حاوی تصاميم برموضوعات ارائه شده برای حكمت است، قابل تطبيق می باشد.

۶- هرگاه تركيب بورې دحكمت يا طرز العمل حكمت با موافقتنامه حكمت طرفين، مطابقت نداشته و يا در صورت عدم موجوديت موافقتنامه حكمت، تركيب بورې دحكمت يا طرز العمل حكمت با قانون كشوريكه حكمت در آن صورت گرفته است، مطابقت نداشته باشد.

۷- در صورتی كه قرار حكمت صادر ولی تطبيق نگردیده و توسط محكمه كشوريكه قرار به موجب قانون آن صادر گردیده، تعليق يا لغو شده باشد.

۸- در صورتی كه موضوع حكمت، به موجب قوانين افغانستان از طريق حكمت قابل حل و فصل نبوده و يا تطبيق قرار

حکمیت، مغایر قوانین و مقررات نافذۀ افغانستان باشد.

ارایۀ اصل سند

مادۀ پنجاه و هفتم:

طرفیکه درخواست تطبیق قرار حکمیت را داشته باشد، مکلف است سند اصلی و تصدیق شدۀ قرار یا نقل مصدقۀ آن را معۀ اصل یا نقل مصدقۀ موافقتنامۀ حکمیت و ترجمۀ تصدیق شدۀ آنرا به یکی از لسان های رسمی افغانستان ارائه نماید.

ارایۀ تضمین

مادۀ پنجاه و هشتم:

در صورتی که درخواست مبنی بر الغا یا تعلیق قرار حکمیت به یک محکمۀ ارائه و در محکمۀ دیگر درخواست مبنی بر تطبیق قرار متذکره صورت گرفته باشد، در این حالت محکمۀ اولی می تواند قرار خود را تعویق و به اساس درخواست طرفی که تطبیق قرار را درخواست می کند، طرف مقابل را مکلف به ارایۀ تضمین نماید.

د حکمیت د قرار تطبیق بدل، د افغانستان د نافذو قوانینو او مقرراتو مغایر وي.

د اصل سند وړاندی کول

اووه پنځوسمه ماده:

هغه اړخ چې د حکمیت د قرار د تطبیق غوښتنه ولري، مکلف دی د قرار اصلي او تصدیق شوی سند یا یې مصدقۀ نقل د حکمیت له اصل موافقۀ لیک یا یې له مصدقۀ نقل او د افغانستان په یوه ژبه له تصدیق شوې ژباړې سره یوځای، وړاندی کړي.

د تضمین وړاندی کول

اته پنځوسمه ماده:

په هغه صورت کې چې د حکمیت د قرار د لغوې یا تعلیق په اړه غوښتنه، یوې محکمې ته وړاندی او په بله محکمۀ کې د نوموړي قرار د تطبیق په اړه غوښتنې صورت موندلی وي، پدی حالت کې لومړۍ محکمۀ کولای شي خپل قرار وځنډوي او د هغه اړخ چې د قرار تطبیق بدل غواړي، د غوښتنې پر بنسټ مقابل اړخ د تضمین په وړاندی کولو مکلف کړي.

نهم فصل وروستني حکمونه

دمقررو او کړنلارو وضع کېدل
نهمه پنځوسمه ماده:
د سوداګرۍ او صنایعو وزارت
کولای شي، د دې قانون د لاندې
تطبیق په منظور مقررې وړاندیز او
لایحې او کړنلارې وضع او تصویب
کړي.

د انفاذ نېټه

شپېتمه ماده:

دغه قانون د توشیح له نېټې څخه
نافذ دی او په رسمي جریده کې دی
خپور شي. په نافذېدو سره یې
د ۱۳۷۴ کال په (۷۷۹) ګڼه رسمي
جریده کې خپوره شوې د تجارتي
حکیمت مقررې او نور مغایر
حکیمونه لغو ګڼل کېږي.

نهم فصل احکام نهایی

وضع مقررې و طرز العمل ها
ماده پنجاه ونهم:
وزارت تجارت و صنایع می تواند
به منظور تطبیق بهتر احکام این
قانون، مقررې ها را پیشنهاد و
لوايح و طرز العمل ها را وضع و
تصویب نماید.

تاریخ انفاذ

ماده شصتم:

این قانون از تاریخ توشیح
نافذ و درجریده رسمی
نشر گردد. با انفاذ آن، مقررې
حکیمت تجارتي منتشره جریده
رسمی شماره (۷۷۹) سال ۱۳۷۴
وسایر احکام مغایر آن ملغی
شمرده می شود.

قانون سرمایه گذاری خصوصی

د افغانستان د اسلامي جمهوريت
رئيس

د عدليې وزير محترم سرور دانش!

د خصوصي پانگې اچونې قانون چې په (۹) فصلونو او (۳۳) مادو کې د وزيرانو د عالي مجلس لخوا تصويب او د ۱۳۸۴/۹/۱۵ نېټې د (۱۰۵) گڼې فرمان په ذريعه زموږ له لوري توشېح شوی دی، تاسوته درواستول سوچې په رسمي جريده کې يې په خپرولو اقدام وکړئ.

رئيس جمهوري اسلامي
افغانستان

محترم سرور دانش وزير عدليه!

قانون سرمايه گذاري خصوصي که از طرف مجلس عالي وزراء به داخل (۹) فصل و (۳۳) ماده تصويب و از جانب ما ذريعه فرمان شماره (۱۰۵) مؤرخ ۱۳۸۴/۹/۱۵ توشيح گردیده است، به شما ارسال شد، به نشر آن در جريده رسمي اقدام نمائيد.

حامد کرزي

د افغانستان د اسلامي جمهوريت
رئيس

حامد کرزي

رئيس جمهوري اسلامي
افغانستان

فرمان رئیس جمهوری اسلامی
افغانستان در مورد انفاذ قانون
سرمایه گذاری خصوصی
شماره: (۱۰۵)

تاریخ: ۱۳۸۴/۹/۱۵

ماده اول:

قانون سرمایه گذاری خصوصی را
که به اساس مصوباً شماره (۳۱)
مؤرخ ۱۳۸۴/۸/۳۰ شورای
وزیران به داخل (۹) فصل و (۳۳)
ماده تصویب گردیده، توشیح
می دارم.

ماده دوم:

این فرمان از تاریخ توشیح
نافذ و در جریده رسمی نشر
گردد.

حامد کرزی

رئیس جمهوری اسلامی
افغانستان

د خصوصی پانگې اچونې د قانون
د انفاذ په هکله د افغانستان د
اسلامي جمهوریت د رئیس فرمان
گڼه: (۱۰۵)

نېټه: ۱۳۸۴/۹/۱۵

لومړۍ ماده:

د خصوصی پانگې اچونې قانون
چې په (۹) فصلونو او (۳۳) مادو
کې د وزیرانو شوري د
۱۳۸۴/۸/۳۰ نېټې د (۳۱) گڼې
مصوبې پر بنسټ تصویب شوی
دی، توشیح کوم.

دوهیمه ماده:

دغه فرمان د توشیح له نېټې څخه
نافذ او په رسمي جریده کې دې
خپور شي.

حامد کرزی

د افغانستان د اسلامي جمهوریت
رئیس

قانون سرمایه گذاری خصوصی
فصل اول
احکام عمومی

دخصوصي پانگې اچونې قانون
لومړی فصل
عمومي حکونه

مبني

ماده اول :

این قانون به تأسی از حکم ماده دهم قانون اساسی افغانستان به منظور تشویق، حمایت و مصونیت سرمایه گذاری ها و تشبثات خصوصی مبتنی بر نظام اقتصاد بازار و تنظیم امور مربوط آن وضع گردیده است .

هدف قانون

ماده دوم :

اهداف این قانون عبارت از ارتقای نقش سرمایه گذاری های خصوصی داخلی و خارجی در عرصه اقتصادی کشور و ایجاد نظم قانونی با ساختار اداری آن می باشد که موجب ترغیب، حمایت و مصونیت سرمایه گذاران خصوصی داخلی و خارجی غرض رشد و انکشاف اقتصادی، فراهم ساختن زمینه اشتغال ، افزایش تولید

مبني

لومړۍ ماده:

دغه قانون د افغانستان داساسي قانون دلسمې مادې دحکم له مخې، د بازار د اقتصاد دنظام پر بنسټ د خصوصي پانگو اچونو او تشبثاتودهڅونې، ملاتړ او مصونیت اود هغه د اړوندو چارو دتنظیم په منظور، وضع شوی دی.

د قانون موخه

دوه یمه ماده:

ددغه قانون موخې دهېوادپه اقتصادي ډگرکې دکورنیواو بهرنیو خصوصي پانگواچونو د برخې (نقش) له جوړولو اودقانوني نظم له لوړولو سره دهغه د اداری جوړښت څخه عبارت دی چې داقتصادی هڅونې، ودی او پرمختیا، دبوختېدو (اشتغال) د زمینې دبرابرو، دتولید او صادراتي عوایدو دزیاتېدو، د تکنالوژۍ دلېږدېدو اودخلکو د ژوندانه دسطح د لوړولو اوعامه

سوکالی. په غرض دکورنیو او بهرنیو خصوصي پانگواچوونکو د هڅونې ملاتړ او مصئونیت موجب شي.

اصطلاحګانې

درېیمه ماده:

لاندې اصطلاحګانې پدې قانون کې د لاندنیو مفاهیمو لرونکې دي:

۱- پانګه ایزه شتمني: د تجهیزاتو او ماشین آلاتو په شمول ټولې موجودې منقولې او غیر منقولې شتمنۍ د هغو په غیر مقید ډول سره دي.

۲- کمپسیون: ددې قانون په شپږمه ماده کې درج دپانګې اچونې عالي کمپسیون دی.

۳- بهرنۍ پانګه اچونه: هغه پانګه اچونه ده چې د آزادۍ تبادلې وړ اسعارو په ډول یاد غیر نغدې برخې اخیستنې په ډول د بهرنۍ تبعه لخوا له بهرڅخه هېواد ته رالېږدېږي.

۴- بهرنۍ پانګه اچوونکي: هغه بهرنۍ تبعه دي چې بهرنۍ پانګه اچونه یې د هېواد په دننه کې په کار اچولې وي.

۵- بهرنۍ پور (قرضه): هر ډول

وعوايد صادراتي، انتقال تکنالوژي، بهبود وارتقای سطح زندگی مردم و رفاه عامه گردد.

اصطلاحات

ماده سوم:

اصطلاحات آتی در این قانون دارای مفاهیم ذیل می باشند:

۱- دارائی سرمایه: سرمایه و دارائی های منقول و غیر منقول موجود به شمول تجهیزات و ماشین آلات طور غیر مقید آن می باشد.

۲- کمپسیون: کمپسیون عالی سرمایه گذاری مندرج ماده ششم این قانون می باشد.

۳- سرمایه گذاری خارجی: سرمایه گذاری است که به شکل اسعار قابل تبادلۀ آزاد یا به شکل سهمگیری غیر نقدی توسط شخص خارجی از خارج به کشور منتقل می گردد.

۴- سرمایه گذار خارجی: شخص خارجی می باشد که سرمایه گذاری را در داخل کشور به کار انداخته باشد.

۵- قرضه خارجی: انواع قرضه،

پور، دپورونډه، د پور سندونه یا بل هر ډول هغه پور دی چې د بهرني شخص په واسطه د آزادۍ تبادلې په وړ اسعارو باندې د منظور شوی تشبث د سوداگریز فعالیت د پرمخ بیولو د تأمین په منظور، هغه ته ورکړل شوی وي.

۶- شخص: عبارت دی له:

- داخلي حقیقی شخص: هغه شخص دی چې د نافذه قوانینو د حکمونو مطابق یې پېژندګلوي (هویت) تثبیت شوې وي.

- داخلي حکمي شخص: د مؤسسې، شرکت، انحصاري مالکیت، محدودالمسئولیت شرکت، مؤقت مشارکت، مؤقتي پانګې اچونې، خاص یا عام سهامی شرکت او اتحادی یا بلې هر ډول انتفاعي مؤسسې په ډول شخص دی چې د نافذه قوانینو د حکمونو مطابق تأسیس شوی وي.

- بهرنی حقیقی شخص: هغه شخص دی چې له افغاني تابعیت پرته تابعیت ولري.

- بهرنی حکمي شخص: هغه شخص دی چې حقوقي شخصیت یې د هېواد له قوانینو پرته قوانینو

سهمیه قرضه، اسناد قرضه یا هر نوع قرضه دیګری است که توسط شخص خارجی به اسعار قابل تبادلۀ آزاد به منظور تأمین پیشبرد فعالیت تجارتي تشبث منظور شده به آن داده شده باشد.

۶- شخص: عبارت است از:

- شخص حقیقی داخلی: شخصی است که مطابق احکام قوانین نافذه، هویت آن تثبیت گردیده باشد.

- شخص حکمی داخلی: شخصی است به شکل مؤسسه، شرکت، مالکیت انحصاری، شرکت محدودالمسئولیت، مشارکت مؤقت، سرمایه گذاری مؤقت، شرکت سهامی خاص یا عام و اتحادیه یا هر نوع مؤسسه دیګر انتفاعی که مطابق احکام قوانین نافذه تأسیس گردیده باشد.

- شخص حقیقی خارجی: شخصی است که تابعیت غیر از تابعیت افغاني را داشته باشد.

- شخص حکمی خارجی: شخصی است که شخصیت حقوقی وی در چهار چوب قوانین غیر از

- په چوکاټ کې مشخص شوی وي.
- ۷- بنسټیز تاسیسات: هغه وسایل او تجهیزات یا خدمتونه دی چې د عامې یا دخلکو د یوې برخې د سوكالۍ په غرض برابر او ترگټې اخیستنې لاندې نیول شوی وي او په غیر مقیده ډول لاندې موارد پکې شامل دی:
- د تولید او د انرژۍ د لېږد تجهیزات.
- د اوبو رسولو او د اوبو د تصفیې تجهیزات.
- د فاضله مواد او د هغو د تصفیې تجهیزات.
- د خاورو و خلود تصفیې تجهیزات او د هغو د دفع کولو آسانتیاوې.
- د هوايي ډگرونو تاسیسات او تجهیزات او د روغتیايي او زده کړه ایز سکتور آسانتیاوې.
- مخابراتي تجهیزات او خپرنیزې آسانتیاوې.
- نور هغه تجهیزات او خدمتونه چې ددی قانون د حکمونو مطابق د واکمنو مقامونو په واسطه د بنسټیزو تاسیساتو په توګه مشخصېږي.
- ۸- پانګه اچونه: هغه غیر نغدې په چوکاټ کې مشخص شوی وي.
- ۷- تاسیسات زیربنائی: وسایل و تجهیزات یا خدماتی است که غرض رفاه عامه یا بخشی از مردم تهیه و مورد استفاده قرار گرفته و طور غیر مقید شامل موارد ذیل می باشد:
- تجهیزات تولید و انتقال انرژی.
- تجهیزات آبرسانی و تصفیه آب.
- تجهیزات مواد فاضله و تصفیه آن.
- تجهیزات تصفیه زیاله و تسهیلات دفع آن.
- تاسیسات و تجهیزات میدان های هوایی و تسهیلات سکتور صحتی و آموزشی.
- تجهیزات مخابراتی و تسهیلات نشراتی.
- سایر تجهیزات و خدماتی که مطابق احکام این قانون به عنوان تاسیسات زیر بنائی توسط مقامات ذیصلاح مشخص می گردد.
- ۸- سرمایه گذاری: اسعار

پانگه ایز اسعار او امکانات دی چپ په غیرمقیده صورت سره د مشارکت د ونډو یا په یوه منظور شوی تشبث کې د ملکیت دگټود ترلاسه کولو لپاره ورکړل یا تدارک شوی وي او د سوداگریزو فعالیتونو د پرمخبیولو د امکان لپاره د منظوري شوي مؤسسې جوازونه، اجارې، ماشین آلات، تجهیزات او د صنعتي یا معنوي مالکیت حقوق پکې شامل دي.

۹- طبعي زېرمې: د اړوندو قوانینو د حکمونو مطابق، له کانونو، نفتي موادو، ګاز، سرو زرو، سپینو زرو، د ډبرې له سکرو او نورو منرالونو، هایدرو کاربن له طبعي تولېدو (تجمع) یا نورو هغو سرچینو څخه عبارت دی چې په طبعي حالت یا یې د تصفې په حالت کې وي.

۱۰- منظور شوی تشبث: هغه تشبث دی چې ددی قانون په دوولسمه ماده کې د درج شوو حکمونو مطابق ثبت شوی وي.

۱۱- ICSID: ددی قانون په دیرشمه ماده کې درج د نړیوالې پانګې اچونې د اختلافونو دحل له

وامکانات سرمایوی غیر نقدي است که به صورت غیر مقیده جهت کسب سهام مشارکت یا منافع مالکیت دريک تشبث منظور شده پرداخت یا تدارک گردیده و شامل جواز ها، اجاره ها، ماشین آلات، تجهیزات و حقوق مالکیت صنعتي یا معنوي مؤسسه منظور شده جهت امکان پیشبرد فعالیت های تجارتي می باشد.

۹- ذخایر طبیعی: مطابق احکام قوانین مربوط عبارت از معادن و تجمع طبیعی مواد نفتی، ګاز، طلا، نقره، ذغال سنگ و سایر منرال ها، هایدرو کاربن یا سایر منابع که در حالت طبیعی و یا در حالت تصفیه آن می باشد.

۱۰- تشبث منظور شده: تشبثی است که طبق احکام مندرج ماده دوازدهم این قانون ثبت گردیده باشد.

۱۱- ICSID: عبارت از مرکز بین المللی حل اختلافات سرمایه گذاری مندرج ماده سی ام این

نړيوال مرکز څخه عبارت دی.

۱۲- انسترال (UNCITRAL)

قواعد: د نړيوالې سوداګرۍ لپاره د ملګرو ملتونو د سازمان د کمېسيون د حکمیت قواعد دی.

۱۳- دفتر: د افغانستان د پانګې اچونې د ملاتړ آيسا (AISA) مؤسسه ده چې ددې قانون د اتمې مادې د (۱) فقرې د (۲) جزء مطابق تاسيسېږي.

مجازه پانګه اچونه

خلورمه ماده:

(۱) ددې قانون په پنځمه ماده کې د درج شوو مواردو په استثنی ، کورني او بهرني اشخاص کولای شي د هېواد په ټولو اقتصادي سکتورونو کې پانګه اچونه وکړي. (۲) بهرني اشخاص کولای شي يوازې د بهرنيو پانګواچونو يا په هېواد کې په موجود منظور شوی تشبث کې د بيا پانګو اچونوله لارې، پانګه اچونه وکړي.

قانون می باشد.

۱۲- قواعد انسترال

(UNCITRAL) : قواعد حکمیت کمیسیون سازمان ملل متحد برای مقررات تجارت بین المللی می باشد .

۱۳- دفتر: مؤسسه حمایت سرمایه گذاری افغانستان آيسا (AISA) می باشد که مطابق جز (۲) فقره (۱) ماده هشتم این قانون تأسیس می گردد .

سرمایه گذاری مجاز

ماده چهارم :

(۱) اشخاص داخلی و خارجی به استثناء موارد مندرج ماده پنجم این قانون، می توانند در تمام سکتورهای اقتصادی کشور سرمایه گذاری نمایند . (۲) اشخاص خارجی می توانند صرف از طریق سرمایه گذاری های خارجی یا سرمایه گذاری های مجدد در يك تشبث منظور شده موجود در کشور سرمایه گذاری نمایند .

د پانگې اچونې د ممنوع ،
محدود ویا د خاصو شرایطو تابع
ډگرونو پانگه اچونه
پنځمه ماده :

(۱) په لاندې ساحو کې پانگه اچونه
ممنوع ده :

- ۱- دهستوي انرژۍ په پراختیا کې.
- ۲- د قمار خانو او هغوته د ورته
ځایونو تاسیسول.
- ۳- دمخدره موادو او نشه
راوړونکو موادو تولید.

کمپسیون واک لري د هېواد
لوړو ګټو ته په پام سره، په دغو
ډگرونو کې، ددی فقرې په (۲) جزء
کې د درج شوی حکم په
استثني، وخت په وخت بدلونونه
راوړي.

- (۲) کمپسیون واک لري وخت په
وخت په ځینو صنایعو او په ټاکلو
اقتصادی برخو او سوداګریزو
شرکتونو کې بهرنی انتفاعي
مالکیت محدود او د بهرني
مالکیت مجازه فیصدی وټاکي.
- په منظور شوی تشبث کې موجودی
پانگې اچونې لدی امر څخه
مستثني دی.
- (۳) کمپسیون مکلف دی د

عرصه های ممنوع، محدود یا
تابع شرایط خاص سرمایه
گذاری
ماده پنجم :

(۱) سرمایه گذاری در ساحات
ذیل ممنوع می باشد :

- ۱- انکشاف انرژی هستوی .
- ۲- تأسیس قمارخانه ها و محلات
مشابه آن .
- ۳- تولید مواد مخدر و سایر مواد
نشه آور .

کمپسیون صلاحیت دارد
بانظرداشت منافع علیای
کشور، دراین عرصه ها به
استثنای حکم مندرج جزء (۲) این
فقره وقتاً فوقتاً تغییرات را
وارد نماید .

- (۲) کمپسیون صلاحیت دارد در
بعضی از صنایع و بخش های
معین اقتصادی و شرکت های
تجارتی مالکیت انتفاعی خارجی
را وقتاً فوقتاً محدود و فیصدی
مجاز مالکیت خارجی را تعیین
نماید . سرمایه گذاری های موجود
در تشبث منظور شده از این امر
مستثنی است .
- (۳) کمپسیون مکلف است با

اقتصادی سکتورونوپه
 ځینو ډگرونو او د پانگواچونو څخه
 په ځینو ډولونو کې له اړوندو
 وزارتونو او ادارو سره مفاهمه
 وکړي او دهغو په موافقې سره ،
 نوموړې پانگه اچونه منظوره کړي .
 په دغه ډول پانگواچونو کې
 کمپسیون کولای شي داسې شرایط
 وضع کړي چې له هغو عمومي
 شرایطو څخه چې ددی قانون
 د حکمونو مطابق په نورو
 پانگواچونو باندې تطبیقېږي،
 توپیر ولري، پدی شرط چې
 د مالیې وزارت ددی قانون د
 مندرجاتو په غیرنوردیر امتیازونه
 منظور کړي.

(۴) محدود شوی اقتصادي
 سکتورونه عبارت دی له :

- ۱- دوسلې، مهماتو او چاودیدونکو
 موادو تولید او پلورل.
- ۲- غیربانکي مالي فعالیتونه .
- ۳- بیموي فعالیتونه .
- ۴- (د ځنگلونوپه شمول) په طبیعي
 سرچینو او (دمخابراتي
 تاسیساتو، دودانولو او پایپلاین
 د نصبولو په شمول) په بنسټونو
 (زېربناوو) کې پانگه اچونه،

وزارت هاو ادارات زیربط در
 عرصه سرمایه گذاری بعضی از
 سکتور های اقتصادی و بعضی
 از انواع سرمایه گذاری مفاهمه
 نموده و با موافقه آنها ، سرمایه
 گذاری مذکور را منظور نماید .
 در این نوع سرمایه گذاری ها
 کمیسیون می تواند شرایطی را
 وضع نماید که از شرایط عمومی
 که بالای سایر سرمایه گذاری ها
 مطابق به احکام این قانون تطبیق
 می گردد ، فرق داشته باشد،
 مشروط بر این که وزارت مالیه
 امتیازات مالیاتی بیشتر غیر از
 مندرجات این قانون را منظور
 نماید .

(۴) سکتور های اقتصادی
 محدود شده عبارت است از:

- ۱- تولید و فروش اسلحه ،
 مهمات و مواد منفلقه .
- ۲- فعالیت های مالی غیربانکی.
- ۳- فعالیت های بیموی.
- ۴- سرمایه گذاری در منابع
 طبیعی (بشمول جنگلات)
 و زیر بنا (بشمول تاسیسات
 مخابراتی، ساختمان و نصب
 پایپلاین)، مگر اینکه قوانین

خوداچې اړوند قوانین ، په دغو سکتورونو کې پانگه اچونه مجاز گڼلې وي، پدې صورت کې پانگه اچونه د هغو د خاصو قوانینو مطابق تنظیمېږي.

(۵) کمېسیون واک لري د دی مادی په درج شوو پانگو اچونو کې وخت په وخت بدلون راولي.

مربوط، سرمایه گذاری در این سکتور ها را مجاز دانسته باشد، در این صورت سرمایه گذاری مطابق قوانین خاص آن تنظیم می گردد.

(۵) کمیسیون صلاحیت دارد در فهرست سرمایه گذاری های مندرج این ماده وقتاً فوقتاً تغییر وارد نماید.

دوه یم فصل اداره او څارنه

فصل دوم اداره و نظارت

تشکیل

شپږمه ماده :

(۱) کمېسیون، د هېواد د پانگې اچونې د سیاست د طرح کولو لپاره د پره لورې حکومتی مرجع او ددی قانون د حکمونو د بڼه تطبیق په منظور اداری مرجع گڼل کېږي.

(۲) کمېسیون کولای شي د اړوندو دندو د اجراء په منظور، د افغانستان د پانگې اچونې د ملاتړ اداری دفتر آيسا (AISA) چې تردی وروسته پدی قانون کې د دفتر په نوم یادېږي ، د محدود المسئولیت شرکت په توگه جوړکړي.

تشکیل

ماده ششم:

(۱) کمیسیون، عالی ترین مرجع حکومتی جهت طرح سیاست سرمایه گذاری کشور و مرجع اداری به منظور تطبیق بهتر احکام این قانون محسوب می گردد.

(۲) کمیسیون می تواند به منظور انجام وظایف مربوطه، دفتر اداری حمایت سرمایه گذاری افغانستان آيسا (AISA) را که منبعت در این قانون بنام دفتر یاد می شود، به حیث شرکت محدود المسئولیت ایجاد نماید.

عامل رئیس، دکمېسیون د رئیس په وړاندیزاو د جمهور رئیس په منظوری ټاکل کېږي.
عامل رئیس د دفتر د رئیس په توګه دکمېسیون په وړاندی مسئولیت لري.
(۳) کمېسیون کولای شي د دفتر د اړوندو چارو د پرمخ بیولو په غرض، مدیره هیئت او نظار هیئت وټاکي.

د کمېسیون ترکیب اوومه ماده :

(۱) کمېسیون جوړ دی له :
۱- د سوداګرۍ وزیر.
۲- د مالیې وزیر.
۳- د بهرنیو چارو وزیر.
۴- د اقتصاد وزیر.
۵- د کانونو او صنایعو وزیر.
۶- د کرنې، مالدارۍ او غذايي موادو وزیر.
۷- د دافغانستان بانک عمومي رئیس .
۸- د دفتر عامل رئیس د رایې له حق پرته د غړي او منشي په توګه .
کمېسیون کولای شي، د اړتیا په صورت کې د خصوصي سکتور استازي هم د سلالپاره

رئیس عامل، به پیشنهاد رئیس کمیسیون و منظوری رئیس جمهور تعیین می گردد .
رئیس عامل به حیث رئیس دفتر نزد کمیسیون مسئولیت دارد .
(۳) کمیسیون می تواند غرض پیشبرد وظایف مربوطه دفتر ، هیئت مدیره و هیئت نظار را تعیین نماید .

ترکیب کمیسیون ماده هفتم:

(۱) کمیسیون متشکل است از:
۱- وزیر تجارت .
۲- وزیر مالیه .
۳- وزیر امور خارجه .
۴- وزیر اقتصاد
۵- وزیر معادن و صنایع .
۶- وزیر زراعت، مالدارۍ و مواد غذائی .
۷- رئیس عمومی د افغانستان بانک .
۸- رئیس عامل دفتر به حیث عضو بدون حق رأی و منشی .
کمیسیون می تواند ، در صورت ضرورت نمایندگان سکتور خصوصی را غرض مشوره نیز در

غونډوته وبولي.

(۲) د کمېسيون رياست د سوداګرۍ وزير په غاړه لري او دهغه په غياب کې هغه شخص چې د رایې د حق لرونکو غړو له منځ څخه د رئیس لخوا ټاکل کېږي ، د کمېسيون غونډې رهبري کوي.

(۳) په هغه صورت کې چې کمېسيون يې تشخيص کړی چې له وړاندیز شوو پروژو څخه يوه يا دپانګې اچونې سياست دهغه وزارت يا ادارې پورې اړوند کېږي چې په کمېسيون کې استازی نه لري ، پدې صورت کې کولای شي وزير يا د اړوندې ادارې آمر د ګډون او مشورې د اخستلو په غرض د کمېسيون غونډې ته راوبولي.

(۴) جمهور رئیس د لزوم په صورت کې د کمېسيون په ترکیب کې بدلون راولي.

د کمېسيون دندې او واکونه

اتمۀ ماده :

کمېسيون د لاندې دندو او واکونو لرونکی دی:

۱- د کمېسيون د غونډو د جوړېدو د کنټرول لارې تصویبول او

جلسات دعوت نماید .

(۲) ریاست کمیسیون را وزیر تجارت به عهده دارد و در غیاب وی شخصی که از طرف رئیس از میان اعضای دارای حق رای تعیین می گردد ، جلسات کمیسیون را رهبری می نماید .

(۳) در صورتی که کمیسیون تشخیص نماید که یکی از پروژه های پیشنهادی یا سیاست سرمایه گذاری مربوط وزارت یا اداره می گردد که در کمیسیون نماینده ندارد ، در این صورت می تواند وزیر یا آمر اداره مربوط را غرض اشتراك و اخذ مشوره در جلسه کمیسیون دعوت نماید .

(۴) رئیس جمهور در صورت لزوم در ترکیب کمیسیون تغییر وارد می نماید .

وظایف و صلاحیت های کمیسیون

ماده هشتم:

کمیسیون دارای وظایف و صلاحیت های ذیل می باشد:

۱- تصویب طرز العمل تدویر جلسات کمیسیون و اتخاذ

- تصمیم‌نو نیول او په لومړنۍ غونډه کې د هغو ثبتول .
- ۲- د اړوندو ادارې چارو د پرمخ‌یولو په منظور د آيسا (AISA) د دفتر جوړول.
- ۳- په هېواد کې د پانګې اچونې پرمخ‌وړي وضعیت باندې څارنه او واکمنو مقامونو ته د اړوندو چارو د ښه کېدو په منظور پدې قانون کې د تعدیلونو وړاندیز .
- ۴- ددې قانون د حکمونو دښه تطبیق په منظور د وزیرانو شوري ته د مقررې د وضع کولو وړاندیز او د لایحو او کړنلارو تصویبول .
- ۵- د لومړنۍ پانګې د نصاب منظورول.
- ۶- له دفتر څخه د مشورتي نظر له اخیستلو وروسته یاد تاکل شوی نصاب له حد څخه د لوړې یا ورسره د برابرې پانګې اچونې د اندازې په هکله ، د منظور شوو مؤسسو منل.
- ۷- د پانګې اچونې دفتر ته د هغو تشبثاتو د منلو په اړه چې د پانګې اچونې اندازه یې د دی قانون د اټکل شوی نصاب له حد څخه لږ وي ، د واک ورکول.
- ۸- د هغو تشبثاتو د شکایتونو د تصمیم‌نو نیول او په لومړنۍ غونډه کې د هغو ثبتول .
- ۲- ایجاد دفترايسا (AISA) به منظور پیشبرد امور اداری مربوط .
- ۳- نظارت بروضعیت عمومی سرمایه گذاری در کشور و پیشنهاد تعدیلات دراین قانون به منظور بهبود امور مربوط به مراجع ذیصلاح .
- ۴- پیشنهاد وضع مقرره به شورای وزیران و تصویب لوایح و طرز العمل ها به منظور تطبیق بهتر احکام این قانون .
- ۵- منظورۍ نصاب سرمایه ابتدائی.
- ۶- پذیرش مؤسسات منظور شده در مورد اندازه سرمایه گذاری بالاتر یا برابر با حد نصاب تعیین شده بعد از کسب نظر مشورتی از دفتر .
- ۷- اعطای صلاحیت به دفتر سرمایه گذاری مبنی بر پذیرش تشبثاتی که اندازه سرمایه گذاری آن کمتر از حد نصاب پیشبینی شده این قانون باشد .
- ۸- اتخاذ تصمیم در مورد

وړاندی کولو په هکله چې د پانګې اچونې غوښتنلیک یې د دفتر لخوا د کتبی دلیلونو په وړاندی کولو سره رد کېږي، د تصمیم نیول.

د دفتر دندی

نهمه ماده:

دفتر، د سپارل شوو چارو د سرته رسولو په منظور، د لاندو دندو لرونکی دی:

۱- د کمېسیون د لارښوونې مطابق د وړاندی شوو غوښتنلیکونو څېړل.
۲- د کورنۍ او بهرنۍ پانګې اچونې د غوښتنلیکونو د څېړلو او ثبتولو لپاره د کړنلارې ترتیبول او کمېسیون ته د منظوری لپاره دهغو وړاندی کول.

۳- د اړوندو لایحو او کړنلارو طرح کول او تسویدول او کمېسیون ته د منظوری لپاره دهغو وړاندی کول او څېړول ئې.

۴- د منظور شوو تشبثاتو د اړوندو دوسیو ساتل او ددی قانون له حکمونو سره د مطابقت په منظور دهغو څارل.

۵- د پراخو او هراړخیزو تبلیغاتو له لارې په هېواد کې د پانګې اچونې لپاره د پانګې اچوونکو جلب او

شکایات ارایه شده تشبثاتیکه درخواست سرمایه گذاری آنها با ارائه دلایل کتبی از طرف دفتر رد می گردد.

وظایف دفتر

ماده نهم:

دفتر، به منظور انجام امور اداری محوله، دارای وظایف ذیل می باشد:

۱- بررسی درخواست های ارایه شده طبق هدایت کمیسیون.
۲- ترتیب طرز العمل جهت بررسی وثبت درخواست های سرمایه گذاری داخلی و خارجی و ارائه آن غرض منظوری به کمیسیون.

۳- طرح و تسوید لوائح و طرز العمل های مربوط و ارایه آن جهت تصویب به کمیسیون و نشر آن.

۴- نگهداری دوسیه های مربوط تشبثات منظور شده و نظارت از آن به منظور مطابقت با احکام این قانون.

۵- جلب و جذب سرمایه گذاران جهت سرمایه گذاری درکشور از طریق تبلیغات وسیع

- جذب .
- ۶- پانگې اچوونکوته د دی قانون ، مقرر و ، لایحو او اړوندو کړنلارو ، د حکمونو دښه پوهېدو او درک لپاره ، مرسته او همکاري.
- ۷- کورنیو او بهرنیو پانگې اچوونکوته د جواز د برابرولو او ترتیب په منظور د لارښو آسانتیاوو برابرول.
- ۸- ددی قانون او نورو تقنیني سندونو، لایحو او اړوندو کړنلارو د حکمونوله تطبیق څخه څارنه او کنترول.
- و همه جانبه .
- ۶- مساعدت و همکاري با سرمایه گذاران جهت درك وفهم بهتر احكام این قانون، مقرر ه ها ، لوايح و طرز العمل های مربوط.
- ۷- فراهم نمودن تسهیلات لازم به منظور تهیه و ترتیب جواز برای سرمایه گذاران داخلی و خارجی .
- ۸- مراقبت و کنترول از تطبیق احكام این قانون و سایر اسناد تقنینی، لوايح و طرز العمل های مربوط .

درېیم فصل منظورشوی تشبثات

فصل سوم تشبثات منظور شده

- ثبت**
- لسمه ماده :**
- (۱) تشبث هغه وخت منظور شوی گڼل کېږي چې ددی قانون په دوولسمه ماده کې د درج شوی حکم مطابق دکمېسیون یادفترلخوا منل شوی وي.
- د فتر مکلف دی د منظورو شوو تشبثاتو سندونه (دوسییه) خوندي او وساتي.
- (۲) منظور شوی تشبثات په یوه له
- ثبت**
- ماده دهم:**
- (۱) تشبث وقتی منظور شده محسوب می گردد که مطابق حکم مندرج ماده دوازدهم این قانون از طرف کمیسیون یا دفتر پذیرفته شده باشد.
- دفتر مکلف است اسناد (دوسییه) تشبثات منظور شده را حفظ و نگهداری نماید.
- (۲) تشبثات منظور شده به یکی از

لاندی ډولونوسره فعالیت کولای شي:

- ۱- هغه تشبث چې د افغانستان د قوانینو مطابق جوړ شوی دی.
- ۲- هغه تشبث چې د بهرني هېواد د قوانینو مطابق جوړ شوی ، خو ثبت او منظوري يې په هېواد کې د پانګې اچونې د فعالیتونو د سرته رسولو په غرض د افغانستان د قوانینو مطابق پراوونه تېرکړی وي.

(۳) د منظور شوو تشبثاتو مالکیت په یوه له لاندی ډولونو څخه کېدی شي:

- ۱- د پانګې اچونکو مالکیت په سلوکې سل .
- ۲- له خصوصي پانګې اچونکو سره د افغانستان د حکومت ګډ (مختلط) مالکیت.

د ثبت په غرض غوښتنلیک

یوولسمه ماده :

- (۱) د تشبث د منظوری لپاره غوښتنلیک اړوند دفتر ته وړاندی کېږي . په دغه غوښتنلیک کې هغه څرګندونې (توضیحات) شامل وي چې ددی قانون، مقررې، لایحو او اړوندو کړنلارو د حکمونو مطابق د

اشکال ذیل فعالیت نموده می توانند:

- ۱- تشبثی که مطابق قوانین افغانستان ایجاد گردیده است.
- ۲- تشبثی که مطابق قوانین کشور خارجی ایجاد گردیده ، مگر ثبت و منظوری آن غرض انجام فعالیت های سرمایه گذاری در کشور مطابق قوانین افغانستان طی مراحل گردیده باشد .

(۳) مالکیت تشبثات منظور شده به یکی از اشکال ذیل بوده می تواند :

- ۱- صد در صد مالکیت سرمایه گذاران .
- ۲- مالکیت مختلط حکومت افغانستان با سرمایه گذاران خصوصی .

درخواست غرض ثبت

ماده یازدهم :

- (۱) درخواست غرض منظوری تشبث به دفتر ارائه می گردد . این درخواست شامل توضیحاتی می باشد که مطابق احکام این قانون، مقرر، لوائح و طرز العمل مربوط از طرف

کمپسیون لخوا ټاکل شوی دی.
(۲) شخص کولای شي یو موجود تشبث یا هغه تشبث چې تشکیلېږي، ثبت کړي.

د تشبث د ثبت او ردولو ډول د دولسمه ماده :

(۱) کمپسیون او دفتر مکلف دی په ټاکل شوې موده کې، ددی قانون د شرایطو لرونکي تشبث د غوښتنلیک د ثبت په هکله تصمیم ونیسي او غوښتنلیک ورکوونکي ته یې ابلاغ کړي.
(۲) د تشبث د ثبت غوښتنلیک یوازې په هغه صورت کې رد کېدی شي چې ددی قانون د حکمونو مطابق وړاندې شوی نه وي.
کمپسیون یا دفتر مکلف دی د غوښتنلیک د رد دلیلونه په لیکلې توګه غوښتنلیک ورکوونکي ته ابلاغ کړي.
(۳) په هغه صورت کې چې غوښتنلیک ورکوونکي خپل غوښتنلیک ددی مادې په (۲) فقره کې د درج شوو څرګندونو مطابق اصلاح کړي، کولای شي خپل غوښتنلیک بیا وړاندې کړي.
(۴) په هغه صورت کې چې

کمپسیون معین می گردد .
(۲) شخص میتواند يك تشبث موجود و یا تشبثی که تشکیل می گردد، ثبت نماید .

طرز ثبت تشبث و رد آن ماده دوازدهم :

(۱) کمپسیون و دفتر مکلف است طی مدت تعیین شده در مورد ثبت درخواست تشبث واجد شرایط این قانون تصمیم اتخاذ و به درخواست دهنده ابلاغ نماید .
(۲) درخواست ثبت تشبث تنها در صورتی رد شده می تواند که مطابق احکام این قانون ارائه نگردیده باشد .
کمپسیون یا دفتر مکلف است دلایل رد درخواست را به طور کتبی به درخواست دهنده ابلاغ نماید .
(۳) در صورتی که درخواست دهنده درخواست خویش را مطابق توضیحات مندرج فقره (۲) این ماده اصلاح نماید، می تواند درخواست خویش را مجدداً ارائه نماید .
(۴) در صورتی که کمپسیون

کمپسیون یا دفتر په ټاکلې موده کې د غوښتنلیک د رد ځواب ورنکړي، تشبث منظور شوی گڼل کېږي.

(۵) په هغه صورت کې چې کمپسیون یا دفتر، ددمخه جوړ شوی تشبث د ثبت غوښتنلیک ومني، مکلف دی چې له ځنډه یې په ثبتولو اقدام وکړي او د ثبت سند د متشبث ته ورکړي، دغه سند د منظور شوی تشبث د فعالیت د امتیاز بنکارندوی دی.

(۶) په هغه صورت کې چې کمپسیون یا دفتر ددمخه نه جوړ شوی تشبث د ثبت غوښتنلیک ومني، مکلف دی چې له ځنډه یې په ثبتولو اقدام وکړي او د ثبت سند د متشبث ته ورکړي. پدې صورت کې متشبث مکلف دی د کمپسیون لخوا په ټاکلې شوې موده کې د خپل تشبث حقوقي شخصیت تثبیت کړي.

(۷) پدې ماده کې د درج منظور شوی تشبث امتیاز، تر هغه وخت پورې د اعتبار وړ گڼل کېږي چې ددې قانون په څوارلسمه ماده کې د درج شوی حکم مطابق لغوه

یا دفتر در مدت معینه جواب رد درخواست را ارائه ننماید، تشبث منظور شده پنداشته می شود.

(۵) در صورتی که کمپسیون یا دفتر درخواست ثبت تشبث ایجاد شده قبلی را بپذیرد، مکلف است بلافاصله به ثبت آن اقدام نموده و سند ثبت را به متشبث اعطا نماید، این سند بیانگر امتیاز فعالیت تشبث منظور شده محسوب می گردد.

(۶) در صورتی که کمپسیون یا دفتر درخواست ثبت تشبث ایجاد نشده قبلی را بپذیرد، مکلف است بلافاصله به ثبت آن اقدام نموده و سند ثبت را به متشبث اعطا نماید. در این صورت متشبث مکلف است در مدت تعیین شده از طرف کمپسیون، شخصیت حقوقي تشبث را تثبیت نماید.

(۷) امتیاز تشبث منظور شده مندرج این ماده تا زمانی مدار اعتبار پنداشته می شود که مطابق حکم مندرج ماده چهاردهم این قانون لغو

شوی نه وی.

د رپوت وړاندی کول دیارلسمه ماده :

(۱) منظور شوی تشبث مکلف دی هرډول بدلونونه چې په مالکیت ، ترکیب یا یې د پانګې په زیاتېدو کې منځ ته راځي ، بې له ځنډه دفتر ته رپوت ورکړي .

(۲) منظور شوی تشبث مکلف دی خپل کلني تازه معلومات د مالي کال له پایته رسېدو وروسته د (۹۰) ورځو په موده کې دفتر ته وړاندی کړي ، دغه معلومات ددی قانون په یوولسمه ماده کې د درج شوو مواردو یا نورو هرډول هغو معلوماتو چې کمپسیون یا دفتر یې وغواړي ، لرونکی وي.

د منظور شوی تشبث د امتیاز لغوه کول څوارلسمه ماده :

(۱) کمپسیون واک لري د منظور شوی تشبث د فعالیت امتیاز له نوي سره وڅېړي او د لغوې په هکله یې تصمیم ونیسي. کمپسیون کولای شي عندالضرورت دغه واک دفتر ته

نگرديده باشد .

ارایه گزارش ماده سیزدهم :

(۱) تشبث منظور شده مکلف است هر نوع تغییراتی که در مالکیت ، ترکیب یا ازدیاد سرمایه آن به عمل می آید ، بلافاصله به دفتر ، گزارش ارائه نماید .

(۲) تشبث منظور شده مکلف است معلومات تازه سالانه خویش را در مدت (۹۰) روز بعد از پایان سال مالی به دفتر ارائه نماید ، این معلومات حاوی موارد مندرج ماده یازدهم این قانون یا هر گونه معلومات دیگری که کمپسیون یا دفتر مطالبه نماید ، می باشد .

لغو امتیاز تشبث منظور شده ماده چهاردهم :

(۱) کمپسیون صلاحیت دارد امتیاز فعالیت تشبث منظور شده را مجدداً بررسی نموده و در مورد لغو آن تصمیم اتخاذ نماید. کمپسیون می تواند عندالضرورت این صلاحیت را به دفتر تفویض

وسپاري.

(۲) د منظور شوی تشبث فعالیت امتیاز په لاندی حالاتو کې لغوه کېږي:

۱- په هغه صورت کې چې منظور شوی تشبث منحل شي.

۲- په هغه صورت کې چې منظور شوی تشبث خپل فعالیت ته دوام ورنکړای شي.

۳- په هغه صورت کې چې منظور شوی تشبث ددی قانون له حکمونو څخه سرغړونه وکړی.

(۳) منظور شوی تشبث حق لري له لغوي څخه دمخه ، له اړوندی سرغړونې څخه خبر شي. ددی قانون د دوولسمې مادې (۶) فقره له دی امر څخه مستثني دی.

(۴) کمپسیون یا دفتر مکلف دی ، دسرغړونې د رفع کولو لپاره ، منظور شوی تشبث ته درې میاشتې وخت ورکړی.

نماید .

(۲) امتیاز فعالیت تشبث منظور شده درحالات ذیل لغو می گردد :

۱- در صورتی که تشبث منظور شده منحل گردد .

۲- در صورتی که تشبث منظور شده به فعالیت خویش ادامه داده نتواند .

۳- در صورتی که تشبث منظور شده از احکام این قانون تخلف نماید .

(۳) تشبث منظور شده حق دارد قبل از لغو ، از تخلف مربوط مطلع گردد. فقره (۶) ماده دوازدهم این قانون از این امر مستثنی است .

(۴) کمیسیون یا دفتر مکلف است جهت رفع تخلف ، مدت سه ماه برای تشبث منظور شده مهلت دهد .

خلورم فصل د منظورو شوووتشېتونو حقوق او وجايب

فصل چهارم حقوق و وجايب تشبثات منظور شده

د نافذو قوانينو په پام کې نيول پنځلسمه ماده :

منظور شوی تشبثونه او کورني او بهرني پانگه اچوونکي مکلف دی د هېواد نافذقوانين په پام کې ونيسي، خودا چې په دی قانون يا نورو تقنيني سندونوکې بل ډول اټکل شوی وي .

رعايت قوانين نافذه ماده پانزدهم :

تشبثات منظور شده و سرمايه گذاران داخلي و خارجي مکلف اند قوانين نافذه کشور را رعايت نمايند، مگر اينکه درا ين قانون يا ساير اسناد تقنينی طوری ديگر پيشيینی گردیده باشد .

د حکومت له تبعیضي عملونو څخه دمصنویت حق شپاړسمه ماده :

ددی قانون او نورو نافذو تقنيني سندونو حکمونه د ورته موخو لرونکو کورنیو او بهرنیو په گډون پرتولو منظور شوووتشېتونو باندی په یوه ډول سره تطبیقېږي، خودا چې په دی قانون يا نورو نافذو تقنيني سندونو کې بل ډول اټکل شوی وي.

حق مصنویت از اعمال تبعیضي حکومت ماده شانزدهم :

احکام این قانون و ساير اسناد تقينی نافذه بالای کلیه تشبثات منظور شده اعم از داخلی یا خارجی دارای اهداف مشابه ، به صورت یکسان تطبیق می گردد، مگر اینکه در این قانون یا ساير اسناد تقينی نافذه طور ديگر پيشيینی گردیده باشد.

د منظور شوو تشبثونو مالیاتي امتیازونه

اووه لسمه ماده :

(۱) هغه منظور شوی تشبث چې په خپلو فعالیتونو کې له خالص ضرر سره مخامخ شي، کولای شي ، عاید شوی ضرر راوړوسته مالي کلونو ته ولېږدوي او هغه له خپلو مالیاتو وړ عوایدو څخه ترهغو حدودو پورې چې پر عایداتو باندې د مالیاتو قانون یې مجاز بولي ، وضع کړی .

(۲) منظور شوی تشبث پر عایداتو باندې د مالیاتو د نافذ قانون مطابق پر خپلو پانګه ایزو شتمنیو باندې د چټک استهلاک له کسراتو څخه دګټې اخستنې د حق لرونکی دی .

د منظور شوو تشبثونو ګمرکي معافیت

اتلسمه ماده :

منظور شوی تشبث ، د ګمرکونو د قانون د حکمونو له په پام کې نیولو سره ، دهغو صادراتي مالونو چې په افغانستان کې تولید او مونتاژېږي، د ګمرکي عوارضو له ورکړې څخه معاف دی، په دی

امتیازات مالیاتي تشبثات منظور شده

ماده هفدهم :

(۱) تشبث منظور شده ایکه در فعالیت خویش به ضرر خالص مواجه گردد، می تواند ضرر عاید را به سال های مالی بعدی انتقال داده و آنرا از عواید قابل مالیات خود تا حدودیکه قانون مالیات بر عایدات مجاز می داند، وضع نماید .

(۲) تشبث منظور شده حق استفاده را از کسرات استهلاکات سریع بر دارایی های سرمایوی خود طبق قانون نافذ مالیات بر عایدات دارا می باشد .

معافیت ګمرکي تشبثات منظور شده

ماده هجدهم :

تشبث منظور شده با نظر داشت احکام قانون ګمرکات از پرداخت عوارض ګمرکی اموال صادراتی که در افغانستان تولید و مونتاژ می گردد، معاف می باشد،

شرط چې صادراتي جوازيې
اخيستی وي.

بانکي آسانتياووته لاس رسي نولسمه ماده :

منظور شوی تشبث حق لري
په افغانستان کې له بانکي
آسانتياوو څخه په لاندې توګه
برځمن شي:

۱- په بهرنیو اسعارو باندې
د بانکي حساب پرانستل او د پانګې
اچونې د پرمخ بیولو په منظور
د دغوبانګونو له لارې له افغانستان
څخه له بهرنه په اسعارو باندې
د اعتبار او پور د حق تر لاسه کول.

۲- د تجهیزاتو، ماشین آلاتو ،
اومو موادو، پرزه جاتو او د
منظورشوی تشبث د اړتیاوې
خدمتونو او د بهرنیو کارکوونکو د
معاشونو او امتیازونو او ټولو
ورکړو لپاره په بهر کې په اسعارو
باندې د بانکي حساب پرانستل،
پدې شرط چې له نافذه
تقیني سندونو سره مغایرت ونه
لري.

مشروط بر اینکه جواز صادراتی
اخذ نموده باشد .

دستړسی به تسهیلات بانکي ماده نهم :

تشبث منظور شده حق دارد
از تسهیلات بانکي در
افغانستان قرار ذیل مستفید
گردد:

۱- افتتاح حساب بانکي به
اسعار خارجی و حق دریافت
اعتبار و قرضه به اسعار از خارج
افغانستان از طریق این
بانک ها به منظور پیشبرد
سرمایه گذاری .

۲- افتتاح حساب بانکي به
اسعار در خارج از افغانستان
جهت خریداری تجهیزات ، ماشین
آلات، مواد خام، پرزه جات و
خدمات مورد نیاز و پرداخت
معاشات و امتیازات کارکنان
خارجی و کلیه پرداخت های تشبث
منظور شده مشروط بر اینکه با
اسناد تقیني نافذه مغایرت
نداشته باشد .

کار او استخدام

شلمه ماده :

(۱) منظور شوی تشبث حق لري په مستقیم یا غیرمستقیم صورت سره د نافذو تقنینی سندونو مطابق، اداری کارکوونکي او بهرني متخصصین استخدام کړی.

(۲) منظور شوی تشبث حق لري د خپلو سوداگریزو فعالیتونو د سرته رسولو په منظور، له بهرنیو اشخاصو سره خدماتي قراردادونه عقد کړی، پدی صورت کې د منظور شوی تشبث بهرنیو کارکوونکو ته د اړوند تقنیني سند مطابق د کار جواز ورکول کېږی، پدی شرط چې بهرني کارکوونکي په افغانستان کې د اوسېدو په وخت کې نافذ قوانین په پام کې ونیسي.

(۳) بهرني او کورني منظور شوی تشبثات چې بهرني پانگه اچوونکي هم پکې ونډه لري، هڅول کېږي خو افغاني کارکوونکي استخدام کړی.

کار و استخدام

ماده بیستم :

(۱) تشبث منظور شوی حق دارد به صورت مستقیم یا غیر مستقیم مطابق اسناد تقنینی نافذ، کارکنان اداری و متخصصین خارجی را استخدام نماید.

(۲) تشبث منظور شوی حق دارد به منظور انجام فعالیت های تجارتي خویش، قرار داد های خدماتی را با اشخاص خارجی عقد نماید، در این صورت برای کارکنان خارجی تشبث منظور شده طبق سند تقنینی مربوط جواز کار اعطاء می گردد، مشروط بر اینکه کارکنان خارجی حین اقامت شان در افغانستان قوانین نافذ را رعایت نمایند.

(۳) تشبثات منظور شده خارجی و داخلی که سرمایه گذاران خارجی نیز در آن سهیم اند، تشویق می گردند تا کارکنان افغانی را استخدام نمایند.

د حکمې اجاره

یو ویشتمه ماده :

بهرنی منظور شوی تشبث د خپلو فعالیتونو د پرمخ بیولو لپاره حق لري په افغانستان کې عقار، د قانون د حکمونو مطابق تر (۵۰) کلونو مودی پورې په اجاره واخلي.*

اجاره زمین

ماده بیست و یکم :

تشبث منظور شده خارجی به منظور پیشبرد فعالیت های خویش حق دارد در افغانستان عقار را مطابق احکام قانون برای مدت الی (۵۰) سال به اجاره بگیرد.*

پنځم فصل

په بهرنۍ پانگې اچونې پورې
داړوندى پانگې اوگتې لېږدېدل

د بهرنی پانگه اچونکى

د پانگې لېږدېدل

دوه ویشتمه ماده:

(۱) بهرنی پانگه اچونکي حق لري په اسعارو باندې او د ورځې دنرخ پر اساس د مالیاتي وجیبوله ادا کولو وروسته د پانگې اچول شوو کلي وجو هومعادل په آزادۍ سره له هېواد څخه بهرته ولېږدوي.
(۲) بهرنی منظور شوی تشبث حق لري، ددی مادی په (۱) فقره کې درج شوی وجوه په یوه پړاو یا څو پړاوونو کې ولېږدوي.

فصل پنجم

انتقال سرمایه و مفاد مربوط به
سرمایه گذاری های خارجی

انتقال سرمایه سرمایه گذار

خارجی

ماده بیست و دوم :

(۱) سرمایه گذار خارجی حق دارد معادل وجوه کلی سرمایه گذاری شده را به اسعار و به اساس نرخ روز بعد از ادای وجایب مالیاتی، آزادانه به خارج از کشور انتقال دهد.
(۲) تشبث منظور شده خارجی حق دارد، وجوه مندرج فقره (۱) این ماده را در يك مرحله و یا مراحل متعدد انتقال دهد.

* ماده ۲۱ تعدیل گردیده، در بخش تعدیلان این قانون مراجعه شود.

(۳) بهرنی منظور شوی تشبث مکلف دی ددی مادی په (۱) فقره کې د درج شوو وجوهو له لېږدېدو څخه مرکزي بانک یا نورو هغو مراجعو ته چې د قانون په واسطه مشخصې شوې دی، خبرورکړی.

مرکزي بانک یا بله ټاکلې شوې مرجع مکلف ده د لېږدول شوو وجوهو اندازه له پانگې اچول شوې اصل پانگې څخه وضع او په اړوندو دفترونو کې یې درج کړی.

له بهرني پانگه اچوونې سره د مرتبطې پانگې دگټې لېږدېدل درويشتمه ماده :

بهرنی پانگه اچوونکی حق لري له اچول شوې پانگې څخه ترلاسه شوي گټه یا هغه وېش چې پر عایداتو باندې د مالیاتو د قانون مطابق گټه گڼل کېږي په اسعارو باندې د ورځې د نرخ پر اساس د مالیاتي وجیبو له اداء کولو وروسته په آزادۍ سره له هېواد څخه بهرته ولېږدوي.

(۳) تشبث منظور شده خارجي مکلف است از انتقال وجوه مندرج فقره (۱) این ماده به بانک مرکزی یا سایر مراجعی که توسط قانون مشخص گردیده است، اطلاع دهد.

بانک مرکزی یا مرجع دیگر تعیین شده، مکلف است اندازه وجوه انتقال شده را از اصل سرمایه سرمایه گذاری شده وضع و درج دفاتر مربوط نماید.

انتقال مفاد سرمایه مرتبط با سرمایه گذاری خارجی ماده بیست و سوم :

سرمایه گذار خارجی حق دارد مفاد حاصله سرمایه گذاری یا توزیع ایکه مطابق قانون مالیات بر عایدات مفاد تلقی می گردد، به اسعار، به اساس نرخ روز بعد از ادای وجایب مالیاتی آزادانه به خارج از کشور انتقال دهد.

د بهرني اصل پور لېږدېدل او دهغه نورې ورکړې خلېږي شتمه ماده:

بهرنی منظور شوی تشبث حق لري په اصل پور، د پور په ټکټانې او په بهرني پور پورې د اړوندو فیسونو د بېرته ورکړې اړوند وجوه په اسعارو باندې او دورځې په نرخ د مالیاتي وجیبو له اداء کولو وروسته له هېواد څخه بهرته ولېږدوي، په دی شرط چې دغه پور د افغانستان د نافذو قوانینو مطابق ورکړل شوی وي.

انتقال اصل قرضه خارجي و سایر پرداخت های آن ماده بیست و چهارم:

تشبث منظور شده خارجي حق دارد وجوه مربوط به باز پرداخت اصل قرضه، تکتانه قرضه و فیس های مربوط به قرضه خارجي را به اسعار و به اساس نرخ روز بعد از ادای وجایب مالیاتي به خارج از کشور انتقال دهد، مشروط بر اینکه این قرضه مطابق قوانین نافذ افغانستان اعطاء شده باشد.

شپږم فصل د منظور شوی تشبث پلورل او دهغه د ماحصل لېږدېدل

د منظور شوی تشبثاتو پلورل پنځه ویشتمه ماده:

(۱) بهرني پانگه اچوونکي ددی قانون د حکمونودپه پام کې نیولو سره حق لري د خپلو دیونو له اداء کولو اود خپلو نورو حقوقي او مالي ژمنوله سرته رسولو وروسته د خپل د مالکیت دگټې ټوله یاد هغه یوه برخه په کورنیو، بهرنیو اشخاصو

فصل ششم فروش تشبث منظور شده و انتقال ماحصل آن

فروش تشبثات منظور شده ماده بیست و پنجم:

(۱) سرمایه گذاران خارجي با نظرداشت احکام این قانون حق دارند بعد از ادای دیون و ایفای سایر تعهدات حقوقی و مالی خود، منافع تمام مالکیت یا بخشی از آن را بالای اشخاص داخلی، خارجی یا حکومت

یا د افغانستان په حکومت باندې د دفتر یا اړوندو ادارو له تائید پرته وپلوري، په دې شرط چې د اړوندې پانگې اړوندې پلورونکې د هېواد له نافذو قوانینو څخه سرغړونه ونکړي.

(۲) کمپنۍ واک لري د منظور شوو تشبثونو پلورل چې ددې قانون د حکمونو مغایرې صورت موندلی وي، لغوه کړي.

(۳) پانگه اړوندې مکلف دې دفتر د مالکیت د گټود پلورنې یا لېږدېدو په هکله خبر کړي، پدې صورت کې دفتر مکلف دې مشتري د نوي بهرنی یا کورني پانگه اړوندې په عنوان ثبت کړي.

د منظور شوو تشبثونو له پلورنې څخه د ترلاسه شوو عوایدو لېږدېدل شپږویشتمه ماده :

د منظور شوی تشبث بهرنی پانگه اړوندې حق لري، د منظور شوی تشبث له پلورنې څخه ترلاسه شوی عواید په پانگه اړوندې شوی اسعارو باندې د ورځې په نرخ، د مالیاتي وجیبو له اداء کولو وروسته په

افغانستان بدون تائید دفتر یا ادارات ذیربط به فروش برساند، مشروط بر این که فروشنده سرمایه گذاری مربوط، از قوانین نافذ کشور تخطی ننماید.

(۲) کمیسیون صلاحیت دارد فروش تشبثات منظور شده را که مغایر احکام این قانون صورت گرفته باشد، لغو نماید.

(۳) سرمایه گذار مکلف است دفتر را در مورد فروش یا انتقال منافع مالکیت اطلاع دهد، در این صورت دفتر مکلف است مشتری را به عنوان سرمایه گذار خارجی یا داخلی جدید ثبت نام نماید.

انتقال عواید حاصله از فروش تشبثات منظور شده ماده بیست و ششم :

سرمایه گذار خارجی تشبث منظور شده حق دارد، عواید حاصله از فروش تشبث منظور شده را به اسعار سرمایه گذاری شده به اساس نرخ روز، بعد از ادای وجایب مالیاتی، آزادانه

آزادی سره له افغانستان څخه بهرته ولېږدوي.
 به څارج از افغانستان انتقال دهد.

اووم فصل د مالکیت سلبیدل

فصل هفتم سلب مالکیت

د مالکیت سلب

اووه ویستمه ماده :

دولت کولای شي یوازې د عامه گټو د تأمینولو لپاره د منظور شوی تشبث د پانګې اچونې یا شتمنیو مالکیت په غیر تبعیضي صورت سره د هېواد د نافذو قوانینو د حکمونو مطابق سلب کړي.

د زیان جبران

اته ویستمه ماده :

دولت مکلف دی ددی قانون په اووه ویستمه ماده کې درج شوی مالکیت له سلبولو دمخه متناسب زیانونه، د نړیوالو منل شوو اصولو او قوانینو مطابق دورځې د نرخ پر اساس بې له ځنډه ورکړي. د مالکیت د سلب له نېټې څخه د زیانونو د بشپړې ورکړې تر نېټې پورې د لیبور (LIBOR) په یوه کلن نرخ ټکټانه په دغو زیانونو کې شامله ده.

سلب مالکیت

ماده بیست و هفتم :

دولت می تواند صرف به منظور تأمین منافع عامه، مالکیت سرمایه گذاری یا دارایی های تشبث منظور شده را به صورت غیر تبعیضي طبق احکام قوانین نافذة کشور سلب نماید .

جبران خساره

ماده بیست و هشتم :

دولت مکلف است قبل از سلب مالکیت مندرج ماده بیست و هفتم این قانون ، خسارات متناسب را مطابق با اصول و قوانین پذیرفته شده بین المللی به اساس نرخ روز بدون تأخیر بپردازد . این خسارات شامل ټکټانه از تاریخ سلب مالکیت تا تاریخ پرداخت کامل خسارات به نرخ یک ساله لیبور (LIBOR) می باشد.

په هغه صورت کې چې پانگې اچونې په اسعارو باندې صورت موندلې وي، د زیان جبران هم په هماغه پانگه اچول شوی اسعاري واحد صورت مومي.

د زیان د جبران د وجهی لېږدېدل او محکمې ته د مراجعې حق نهه ویشتمه ماده :

(۱) که چېرې دیوه منظور شوی تشبث په مالکیت کې د بهرني پانگه اچوونکي سهم په سلو کې له پنځه ویشتمو څخه زیات وي، بهرنی پانگه اچوونکی حق لري د مالکیت د سلبېدو زیان په آزاده توگه او د مالیاتو له ورکړې پرته له هېواد څخه بهرته ولېږدوي، خو دا چې قانون بل ډول حکم کړی وي.

(۲) که چېرې په تشبث کې د بهرني پانگه اچوونکي سهم په سلو کې له پنځه ویشتمو څخه زیات وي، بهرنی پانگه اچوونکی حق لري د نه قناعت په صورت کې ددی قانون د اته ویشتمې مادې د حکم مطابق د مالکیت د سلبېدو د غیرعادلانه والی پر خلاف محکمې ته مراجعه

در صورتی که سرمایه گذاری به اسعار صورت گرفته باشد ، جبران خساره نیز به همان واحد اسعاری سرمایه گذاری شده صورت می گیرد.

انتقال وجه جبران خساره و حق مراجعه به محکمه ماده بیست ونهم:

(۱) هرگاه سهم سرمایه گذار خارجی در مالکیت يك تشبث منظور شده بیشتر از (۲۵) فیصد باشد ، سرمایه گذار خارجی حق دارد وجوه جبران خساره سلب مالکیت را طور آزاد و بدون پرداخت مالیات به خارج از کشور انتقال دهد ، مگر این که قانون طوردیگری حکم نموده باشد .

(۲) هرگاه سهم سرمایه گذار خارجی در تشبث سلب مالکیت شده بیشتر از (۲۵) فیصد باشد ، سرمایه گذار خارجی حق دارد در صورت عدم قناعت ، طبق حکم ماده بیست وهشتم این قانون علیه غیرعادلانه بودن سلب مالکیت به محکمه

وکړی.

مراجعة نماید.

اتم فصل د اختلافونو خپرل

فصل هشتم رسیدگی به اختلافات

د اختلافونو حل

دیرشمه ماده :

(۱) رامنځته شوی اختلافونه ددی قانون د حکمونو مطابق حل او فصل کېږي.

(۲) منظور شوی پانگه اچوونکی یا تشبث کولای شي له ثالث شخص سره د قرارداد یا موافقه لیک د عقدولو په وخت کې لاندی ټکي هم مشخص کړي:

۱- هغه حکمیت یا بله تگلاره چې د اختلافونو د حل لپاره د توافق وړ وي.

۲- له هېواد څخه په بهر کې د اختلافونو د حل دځای ټاکل .

۳- په حکمیت کې د گټې اخستنې لپاره د بهرني هېواد د قانون ټاکل.

(۳) هغه فیصله چې د حکمیت یا هرې بلې تگلارې په پایله کې د اختلاف د حل لپاره وشي، وروستنۍ ده، پدی شرط چې په قرارداد یا موافقه لیک کې بل ډول تصریح شوی وي. له اړخونو څخه د

حل اختلافات

ماده سۍ ام :

(۱) اختلافات عایده مطابق احکام این قانون حل و فصل می گردد.

(۲) سرمایه گذار یا تشبث منظور شده می تواند حین عقد قرارداد یا موافقت نامه با شخص ثالث نکات آتی را نیز مشخص نماید :

۱- حکمیت یا روش دیگری جهت حل اختلافات که مورد توافق باشد.

۲- تعیین محل حل اختلافات خارج از کشور.

۳- تعیین قانون کشور خارجی جهت استفاده در حکمیت .

(۳) فیصله که در نتیجه حکمیت یا هر روش دیگری که جهت حل اختلاف اتخاذ گردد، نهایی می باشد، مشروط بر اینکه در قرارداد یا توافق نامه طور دیگری تصریح گردیده باشد. در صورت

یوه د غوښتنې په صورت کې، د حکمیت یا بلې تگلارې فیصله د حکومت په واسطه د تطبیق وړ ده .

(۴) که چېرې د یوه پانګه اچوونکي یا منظور شوی تشبث ترمنځ له یوې خوا او د دولتي ادارو او مؤسسو ترمنځ له بلې خوا د یوه پانګې اچونې، پانګه اچوونکي یا تشبث په هکله له قرارداد یا بل هر ډول توافق څخه راپیداشوی اختلاف ددې قانون د نهه ویشتمې مادې په (۲) فقره کې د درج شوی حکم مطابق منځ ته راشي، اختلاف د افغانستان د نافذو قوانینو مطابق خپرل کېږي.

ددې مادې په (۵) فقره کې درج شوی حکم لدې امر څخه مستثني دی.

(۵) که چېرې له قرارداد یا بل توافق څخه راپیدا شوی اختلافونه د یوه بهرني پانګه اچوونکي یا په بهرني مالکیت سره د منظور شوی تشبث ترمنځ له یوې خوا او د دولتي ادارو او مؤسسو ترمنځ له بلې خوا د یوې بهرنۍ پانګه اچونې یا ددې قانون په اووم فصل کې د درج شوو دعوو په هکله منځته

درخواست یکی از طرفین، فیصله حکمیت یا روش دیگر توسط حکومت قابل تطبیق می باشد .

(۴) هر گاه اختلاف ناشی از قرارداد یا توافق دیگری بین یک سرمایه گذار یا تشبث منظور شده از یکطرف و ادارات و مؤسسات دولتی از طرف دیگر در مورد یک سرمایه گذاری یا سرمایه گذار یا تشبث مطابق حکم مندرج فقره (۲) ماده بیست ونهم این قانون بروز نماید، اختلاف مطابق قوانین نافذ افغانستان رسیده گی می گردد .

حکم مندرج فقره (۵) این ماده از این امر مستثنی است .

(۵) هر گاه اختلافات ناشی از قرار داد یا توافق دیگری بین یک سرمایه گذار خارجی یا یک تشبث منظور شده با مالکیت خارجی از یکطرف و ادارات و مؤسسات دولتی از طرف دیگر در مورد یک سرمایه گذاری خارجی یا دعوی مندرج فصل هفتم این قانون بروز نماید، طرفین سعی

راشي، اړخونه هڅه کوي چې اختلاف د اصلاح او دوستانه مذاکرې له لارې حل او فصل کړي. په هغه صورت کې چې اختلاف د اصلاح او دوستانه مذاکرې له لارې حل نشي او اړخونه په بل ډول سره د هغه حل ته په توافق ونه رسېږي، کولای شي متنازع فیه قضیه له لاندې مراجعو څخه یوې ته وړاندې کړي:

۱- د ۱۹۶۵ میلادي کال د مارچ د ۱۸ نېټې د بین الدول او نورو هېوادونو د پانګې اچونکو د اختلافونو د حل د کنوانسیون مطابق، د پانګې اچونې د اختلافونو د حل نړیوال مرکز (ICSID).

۲- که چېرې د پانګې اچونې د اختلافونو د حل نړیوال مرکز (ICSID) د دې فقرې په (۱) جزء کې درج شوی حکمیت منع کړي، بهرنی پانګه اچونکی حکمیت د نړیوال تجارت د قانون لپاره د ملګرو ملتونو د سازمان د کمیسیون د حکمیت د قواعدو (UNCITRAL) مطابق حل او فصل کوي. پدې صورت کې حکومت

می نمایند که اختلاف را از طریق اصلاح و مذاکره دوستانه حل و فصل نماید.

در صورتی که اختلاف از طریق اصلاح و مذاکره دوستانه حل نگردد و طرفین به حل آن طور دیگر به توافق نرسند، می توانند قضیه متنازع فیه را به یکی از مراجع ذیل ارایه نمایند:

۱- مرکز بین المللی حل اختلافات سرمایه گذاری (ICSID) طبق کنوانسیون حل اختلافات سرمایه گذاری بین الدول و اتباع سایر کشورها مورخ ۱۸ مارچ سال ۱۹۶۵ میلادی.

۲- هر گاه مرکز بین المللی حل اختلافات سرمایه گذاری (ICSID) حکمیت مندرج جزء (۱) این فقره را منع نماید، سرمایه گذار خارجی حکمیت را مطابق به قواعد حکمیت کمیسیون سازمان ملل متحد برای قانون تجارت بین المللی (UNCITRAL) حل و فصل می نماید. در این صورت

(ICSID) ته د اختلاف د وړاندې کولو او حل په هکله د نوموړي کنوانسیون د پنځه ویشتمې مادې د (۱) فقرې د حکم مطابق موافقه کوي.

(۶) په هغه صورت کې چې د منظور شوی تشبث د مالکیت ګټې په سلو کې له پنځه ویشتمو څخه زیاتې په بهرني پانګې اچوونکي پورې اړه ولري، متشبهت یې د بهرني تبعه په توګه ګڼل کېږي او ددی مادې په (۴) فقره کې درج شوی اختلاف د پانګې اچونې د اختلافونو د حل نړیوال مرکز (ICSID) د کنوانسیون د (۲۵) مادې د (۱) جزء مطابق حل او فصل کېږي.

په هغه صورت کې چې د منظور شوی تشبث د مالکیت ګټې په سلو کې له پنځه ویشتمو څخه زیات په دولت پورې اړه ولري، د دی مادې په (۴) فقره کې درج شوی اختلاف د پانګې اچونې د اختلافونو د حل نړیوال مرکز (ICSID) د کنوانسیون د پنځه ویشتمې مادې د (۳) جزء مطابق د دولت له توافق وروسته (ICSID) ته احاله کېدی شي.

حکومت در مورد ارایهٔ اختلاف به (ICSID) و حل آن مطابق حکم فقره (۱) مادهٔ بیست و پنجم کنوانسیون متذکره موافقه می نماید.

(۶) در صورتی که منافع مالکیت تشبث منظور شده بیشتر از (۲۵) فیصد متعلق به سرمایه گذار خارجی باشد، متشبهت آن به حیث تبعهٔ خارجی تلقی گردیده و اختلاف مندرج فقره (۴) این ماده مطابق جز (۱) ماده (۲۵) کنوانسیون مرکز بین المللی حل اختلافات سرمایه گذاری (ICSID) حل و فصل می گردد.

در صورتی که منافع مالکیت تشبث منظور شده بیشتر از (۲۵) فیصد متعلق به دولت باشد، اختلاف مندرج فقره (۴) این ماده مطابق جز (۳) ماده (۲۵) کنوانسیون مرکز بین المللی حل اختلافات سرمایه گذاری (ICSID) بعد از توافق دولت به (ICSID) احاله شده می تواند.

نهم فصل متفرقه حکمونه

ارجحیت

یو دیرشمه ماده :

که چېرې ددی قانون له حکمونو څخه کوم حکم د پانگې اچونې په اړه د نورو قوانینو له حکمونو سره په مغایرت کې واقع شي، ددی قانون حکمونه مرجح گڼل کېږي.

انتقالي حکمونه

دوه دیرشمه ماده :

(۱) هغه تشبثات چې ددی قانون له نافذېدو دمخه منظور شوي دي، د ۱۳۸۱ کال په (۸۰۳) گڼه رسمي جریده کې خپور شوي، په افغانستان کې د کورنۍ او بهرنۍ پانگې اچونې د قانون، پر عایداتو باندې د مالیاتو د قانون په یوسلو پنځلسمه ماده کې د درج شوو حکمونو له په پام کې نیولو سره له مالیاتي معافیتونو څخه برخمن کېدی شي.

(۲) هغه تشبثات چې د ۱۳۸۱ کال په (۸۰۳) گڼه رسمي جریده کې خپور شوي، په افغانستان کې د کورنۍ او بهرنۍ پانگې اچونې د

نهم فصل احکام متفرقه

ارجحیت

ماده سی و یکم:

هر گاه حکمی از احکام این قانون با حکمی از احکام سایر قوانین در ارتباط به سرمایه گذاری در مغایرت واقع گردد، احکام این قانون مرجح دانسته می شود.

احکام انتقالي

ماده سی و دوم :

(۱) تشبثاتی که قبل از انفاذ این قانون منظور گردیده اند، از معافیت های مالیاتی مندرج قانون سرمایه گذاری داخلی و خارجی در افغانستان منتشره جریده رسمی شماره (۸۰۳) سال ۱۳۸۱ با نظر داشت احکام مندرج ماده یکصد و پانزدهم قانون مالیات بر عایدات مستفید می گردند.

(۲) تشبثاتی که مطابق احکام قانون سرمایه گذاری داخلی و خارجی در افغانستان منتشره جریده رسمی شماره

قانون د حکمونو مطابق ثبت شوی دی، مکلف دی، د شپږو میاشتو په ترڅ کې ددی قانون د نافذېدو له نېټې یا هغې زیاتې مودې څخه چې د کمېسیون لخوا ټاکل کېږي، د ثبت په غرض دفتر ته مراجعه وکړي.

(۳) هغه تشبثات چې ددی مادی په (۲) فقره کې د درج شوی حکم مطابق بیا ثبتېږي، منظور شوی تشبثات گڼل کېږي او ددی مادی د حکمونو تابع دی.

(۴) هغه تشبثات چې ددی مادی په (۲) فقره کې د درج شوی حکم مطابق بیا ثبت نشي، پدی قانون کې له درج شوو امتیازونو څخه نشي برخمن کېدی.

د انفاذ نېټه

دري دیرشمه ماده:

دغه قانون د توشېح له نېټې څخه نافذ او په رسمي جریده کې دی خپور شي او په نافذېدو سره یې د ۱۳۸۱ کال په (۸۰۳) گڼه رسمي جریده کې خپور شوی، په افغانستان کې دکورنۍ او بهرنۍ پانگې اچونې قانون لغوه گڼل کېږي.

(۸۰۳) سال ۱۳۸۱ ثبت گردیده اند، مکلف میباشند در خلال مدت شش ماه از تاریخ انفاذ این قانون یا مدت بیشتر که از طرف کمیسیون تعیین می گردد، غرض ثبت به دفتر مراجعه نمایند.

(۳) تشبثاتیکه طبق حکم مندرج فقره (۲) این ماده مجدداً ثبت می گردند، تشبثات منظور شده محسوب گردیده، تابع احکام این قانون می باشند.

(۴) تشبثاتیکه مطابق حکم مندرج فقره (۲) این ماده مجدداً ثبت نگردند، از امتیازات مندرج این قانون مستفید نمی شوند.

تاریخ انفاذ

ماده سی وسوم:

این قانون از تاریخ توشیح نافذ و درجریده رسمی نشرگردد و با انفاذ آن، قانون سرمایه گذاری داخلی و خارجی در افغانستان منتشره جریده رسمی شماره (۸۰۳) سال ۱۳۸۱ هـ. ش ملغی شمرده می شود.

تعدیلات قانون سرمایه گذاری خصوصی

د خصوصی پانګې اچونې
د یو ویشتمې مادې د تعدیل
په هکله، د افغانستان د اسلامي
جمهوریت د رئیس
فرمان

ګڼه: (۵۸)

نېټه: ۱۳۸۸/۳/۱۸

لومړۍ ماده:

د افغانستان د اساسی قانون د
خلور شپېتمې مادې د (۱۶) فقرې
او سلمې مادې د حکم له مخې، د
خصوصي پانګې اچونې د
یو ویشتمې مادې تعدیل چې د
ملي شوري د مجلسونو د ګډ
هیئت د ۱۳۸۸/۲/۱ نېټې (۱۲۵)
ګڼې فیصلې پر بنسټ په دوو مادو
کې تصویب شوی دی، توشیح
کوم.

دوهیمه ماده:

دغه فرمان د توشیح له نېټې څخه
نافذ او له تعدیل او د ګډ هیئت له
فیصلې سره یو ځای دې په رسمي
جریده کې خپور شي.

حامد کرزی
د افغانستان د اسلامي
جمهوریت رئیس

فرمان
رئیس جمهوري اسلامي افغانستان
در مورد تعدیل ماده بیست و یکم
قانون سرمایه گذاری
خصوصی

شماره: (۵۸)

تاریخ: ۱۳۸۸/۳/۱۸

ماده اول:

به تأسی از حکم فقره (۱۶) ماده
شصت و چهار و ماده صد قانون
اساسی افغانستان، تعدیل ماده
بیست و یکم قانون سرمایه گذاری
خصوصی را که بر اساس فیصله
شماره (۱۲۵) مؤرخ ۱۳۸۸/۲/۱
هیئت مختلط مجلسین شورای
ملی بداخل دو ماده
تصویب، گردیده است، توشیح
می دارم.

ماده دوم:

این فرمان از تاریخ توشیح نافذ و
همراه با تعدیل و فیصله هیئت
مختلط در جریده رسمی نشر
گردد.

حامد کرزی
رئیس جمهوري اسلامي
افغانستان

شورای ملی افغانستان
مصوبه
تعدیل ماده (بیست و یکم)
قانون سرمایه گذاری خصوصی

شماره مسلسل: (۱۲۵)

تاریخ: ۱۳۸۸/۲/۱

مطابق حکم ماده صدم قانون اساسی، فیصله هیئت مختلط مجلسین شورای ملی مرکب از (سه) سه عضو از هر جرگه) تعدیل ماده (بیست و یکم) قانون سرمایه گذاری خصوصی به تاریخ اول ماه ثور سال ۱۳۸۸ تصویب گردید.

رئیس هیئت مختلط
عزیز احمد نادم

معاون هیئت مختلط
محمد اکبر وحدت

د افغانستان ملي شوري
مصوبه
د خصوصي پانگې اچونې قانون د
(يوويشتمې) مادې تعديل

پرله پسې گڼه: (۱۲۵)

د تصویب نېټه: ۱۳۸۸/۲/۱

د اساسی قانون د سملې مادې د حکم پر بنسټ، د ملي شوري گډ هیئت (هرې جرگې له درې درې غړو جوړ) د خصوصي پانگې اچونې قانون د (يوويشتمې) مادې تعديل فیصله د ۱۳۸۸ کال د غويي میاشتي په لمړۍ نېټه تصویب شو.

د گډ هیئت رئیس
عزیز احمد نادم

د گډ هیئت مرستیال
محمد اکبر وحدت

جمهوری اسلامی افغانستان
شورای ملی

د افغانستان د اسلامي جمهوریت
ملي شوری

ماده بیست و یکم:

تشبث منظور شدة داخلی و خارجی
به منظور پیشبرد فعالیت های
خویش حق دارد در افغانستان،
عقار را مطابق احکام قانون
تنظیم امور زمینداری برای
مدت (۹۰) سال به اجاره
بگیرد.

یویشتمه ماده:

کورنی او بهرنی منظور شوی
تشبث د خپلو فعالیتونو د
پرمخیولو لپاره حق لری په
افغانستان کې عقار، د ځمکوالۍ
چارو د تنظیم قانون د حکمونو
مطابق تر (۹۰) کلونو مودې پورې
په اجاره واخلي.

رئیس هیئت مختلط
عزیز احمد نادم

د گډ رئیس
عزیز احمد نادم

معاون هیئت مختلط
محمد اکبر وحدت

د گډ هیئت مرستیال
محمد اکبر وحدت

قانون حمايت حقوق مخترع و مكتشف

فرمان رئیس جمهوری اسلامی
افغانستان درباره توشیح
قانون حمایت حقوق مخترع و
مکتشف

شماره: (۶۴)
تاریخ: ۱۳۸۷/۴/۳۱

ماده اول:

به تأسی از حکم ماده هفتادونهم
قانون اساسی افغانستان، قانون
حمایت حقوق مخترع و مکتشف
را که به اساس مصوبه شماره
(۱۹) مؤرخ ۱۳۸۷/۴/۲۴ شورای
وزیران بداخل (۶) فصل و (۵۰)
ماده تأیید گردیده است، توشیح
می دارم.

ماده دوم:

وزیر عدلیه و وزیر دولت در امور
پارلمانی موظف اند، این
فرمان را در خلال (۳۰) روز از
تاریخ انعقاد نخستین جلسه
شورای ملی، به آن شورای تقدیم
نمایند.

ماده سوم:

این فرمان از تاریخ توشیح نافذ و

د مخترع او مکتشف د حقوقو د
ملاتړ د قانون د توشیح په هکله، د
افغانستان د اسلامی جمهوریت د
رئیس فرمان

گڼه: (۶۴)
نېټه: ۱۳۸۷/۴/۳۱

لومړۍ ماده:

د افغانستان د اساسي قانون د نهه
اویایمې مادې د حکم له مخې د
مخترع او مکتشف د حقوقو د
ملاتړ قانون چې په (۶) فصلونو او
(۵۰) مادو کې د وزیرانو شوري د
۱۳۸۷/۴/۲۴ نېټې د (۱۹) گڼې
مصوبې پر بنسټ تأیید شوی دی،
توشیح کوم.

دوه یمه ماده:

د عدلیې وزیر او په پارلماني چارو
کې د دولت وزیر موظف دي، دغه
فرمان د ملي شوري د لومړنۍ
غونډې د جوړېدو له نېټې څخه د
(۳۰) ورځو په ترڅ کې، هغې
شوري ته وړاندې کړي.

درېیمه ماده:

دغه فرمان د توشیح له نېټې څخه

نافذ او له قانون سره يوځای دې په رسمي جريده کې خپور شي.
همراه با قانون در جريده رسمی نشر گردد.

حامد کرزی
رئيس جمهوری اسلامی
افغانستان

حامد کرزی
د افغانستان د اسلامي جمهوريت
رئيس

قانون حمایت حقوق مخترع
و مکتشف
فصل اول
احکام عمومی

مبنی

ماده اول :

این قانون در روشنی حکم
ماده چهل و هفتم قانون
اساسی افغانستان به منظور
تأمین حمایت حقوق مادی
و معنوی مخترع و مکتشف
و تنظیم سایر امور مربوط به آن
وضع گردیده است .

اهداف

ماده دوم :

اهداف این قانون عبارت اند از :
۱- حمایت و تضمین حقوق
مالکیت های فکری مخترع
و مکتشف.
۲- حمایت و تشویق تحقیقات
علمی در عرصه های علم و تخنیک
(اختراع و اکتشاف).
۳- ثبت حقوق انحصاری
مخترع و مکتشف داخلی و
خارجی.

د مخترع او مکتشف د حقوقو د
ملاټر قانون
لومړی فصل
عمومي حکمونه

مبنی

لومړۍ ماده:

دغه قانون د افغانستان د اساسي
قانون د اووه څلوېښتمې مادې د
حکم په رڼا کې د مخترع او
مکتشف د مادي او معنوي حقوقو
د ملاټر د تأمینېدو او په هغو پورې
د نورو اړوندو چارو د تنظیم په
منظور، وضع شوی دی.

موخې

دوه یمه ماده:

د دی قانون موخې عبارت دی له :
۱- د مخترع او مکتشف
د فکري مالکیتونو د حقوقو ملاټر
او تضمین.
۲- د علم او تخنیک (اختراع او
اکتشاف) په ډګرونو کې د علمي
څېړنو ملاټر او هڅول.
۳- د کورني او بهرني مخترع او
مکتشف د انحصاري حقوقو
ثبتېدل.

اصطلاح گانې

درېیمه ماده:

پدې قانون کې لاندې اصطلاح-
گانې، دغه مفاهیم
افاده کوي:

۱- اختراع: د یوې صنعتي،
کرنيزي یا خدماتي پایلې یا
محصول د ترلاسه کولو لپاره د نوې
پدیدې رامنځته کول یا په نوې
طریقه سره له موجودو وسایلو
څخه گټه اخیستل دی چې تر هغو
دمخه مثل ونلري.

۲- اکتشاف: دهغې موجودې
پدیدې څرگندول دی چې تر هغې
دمخه پټه او په لاس رسی-
کې نه وي.

۳- دمخترع او مکتشف حق:
هغه امتیاز دی چې د
دې قانون د حکمونو مطابق،
په مخترع او مکتشف پورې
اړه مومي.

۴- د اختراع یا اکتشاف فورمه:
هغه سند دی چې د اختراع
یا اکتشاف د معرف په توګه
د فکري ملکیتونو د دفتر لخوا،
مخترع یا مکتشف ته ورکول
کېږي.

اصطلاحات

ماده سوم:

اصطلاحات آتې دراین
قانون مفاهیم ذیل را افاده
می نماید:

۱- اختراع: ایجاد پدیده جدید
یا استفاده از وسایل موجود به
طریق جدید، جهت حصول
یک نتیجه یا محصول صنعتی،
زراعتی و یا خدماتی می باشد
که قبل از آن مثل
نداشته باشد.

۲- اکتشاف: آشکار ساختن پدیده
موجودی است که قبل از آن
پنهان بوده و به دسترس قرار
نداشته باشد.

۳- حق مخترع و مکتشف:
امتیازی است که مطابق
احکام این قانون به
مخترع و مکتشف
تعلق می گیرد.

۴- فورمه اختراع یا اکتشاف:
سندی است که بحیث معرف
اختراع یا اکتشاف،
از طرف دفتر ملکیت های
فکری به مخترع یا مکتشف
داده می شود.

۵- صنعت: بشري اقتصادي فعالیت دی چې له امله یې طبیعي مواد د اجناسو او خدمتونو په تولید بدلېږي.

۶- اجباري جواز (لایسنس): هغه لیکلی سند دی چې د ثبت د دفتر لخوا صادر او پرنسټ یې بل شخص، اختراع یا اکتشاف د هغه د انحصاري حق د مالک له موافقې پرته، تر ګټې اخیستنې لاندې نیسي.

انحصاري حق

خلورمه ماده:

اختراع یا اکتشاف د هغه د مخترع یا مکتشف انحصاري حق دی او تر ملاتړ لاندې نیول کېږي، پدې شرط چې د دی قانون د حکمونو مطابق، ثبت شوی وي.

د قانون تطبیقوونکی

پنځمه ماده:

د سوداګرۍ او صنایعو وزارت، د دی قانون اصلي تطبیقوونکې مرجع ده.

۵- صنعت: فعالیت اقتصادي بشري است که بالاثرون مواد طبیعي به تولید اجناس وخدمات تبدیل می گردد.

۶- جواز اجباري (لایسنس): سندی کتبی است که از طرف دفتر ثبت صادر و به اساس آن شخص دیگر، اختراع یا اکتشاف را بدون موافقه مالک حق انحصاري آن، مورد استفاده قرار می دهد.

حق انحصاری

ماده چهارم:

اختراع یا اکتشاف، حق انحصاری مخترع یا مکتشف آن بوده و مورد حمایت قرار می گیرد، مشروط بر اینکه مطابق احکام این قانون به ثبت رسیده باشد.

تطبیق کننده قانون

ماده پنجم:

وزارت تجارت و صنایع مرجع اصلی تطبیق کننده این قانون می باشد.

دوه یم فصل داختراعاتو او اکتشافاتو ثبت

د ثبت شرایط شپږمه ماده:

(۱) مخترع، مکتشف یا دهغوی قانوني وکیل کولی شي دخپلې اختراع او اکتشاف د ثبت غوښتنلیک د سوداګرۍ او صنایعو وزارت د فکري ملکیتونو دفتر ته وړاندې کړي. (۲) مخترع، مکتشف یا دهغوی قانوني وکیل مکلف دی، د ثبت د غوښتنلیک له تأیید وروسته، یو څه پیسې د حق الثبت په نوم، د دولت د وارداتو په حساب بانک ته تحویل کړي. دغه مبلغ د استرداد وړ ندی.

نه ثبتېدل اوومه ماده:

لاندې اختراعاتګانې یا اکتشافات د ثبت وړ ندی:
۱- مالي نقشه.
۲- داخترع یا اکتشاف تکميلي اختراع یا اکتشاف چې د عفت، عامه نظم منافي یا د روغتیا یا د ژوند د چاپیریال ساتنې مخالف

فصل دوم ثبت اختراعات واکتشافات

شرایط ثبت ماده ششم:

(۱) مخترع، مکتشف یا وکیل قانوني آنها می تواند، درخواست ثبت اختراع و اکتشاف خویش را به دفتر ملکیت های فکري وزارت تجارت و صنایع ارایه نماید. (۲) مخترع، مکتشف یا وکیل قانوني آنها مکلف است، بعد از تأیید درخواست ثبت، مبلغی را به عنوان حق الثبت به حساب واردات دولت تحویل بانک نماید. این مبلغ قابل استرداد نمی باشد.

عدم ثبت ماده هفتم:

اختراعات و اکتشافات ذیل قابل ثبت نمی باشد:
۱- نقشه مالی.
۲- اختراع یا اکتشاف تکميلي اختراع یا اکتشاف، که منافی عفت، نظم عامه یا مخالف حفظ الصحة یا محیط زیست

وي.

۳- د درملو فورمولونه.

باشد.

۳- فورمول های ادویه جات.

د ثبت غوښتنلیک**اټمه ماده:**

(۱) د اختراع یا اکتشاف د ثبت غوښتنلیک لاندی ټکي لري:

۱- د مخترع، مکتشف یا دهغوی د قانوني وکیل بشپړ شهرت، تابعیت، شغل او آدرس.

۲- د اختراع یا اکتشاف د موضوع لنډیز.

۳- د اختراع یا اکتشاف د فورمې د اعتبار مودی ته په پام سره د غوښتنلیک د اعتبار د مودی یادول.

۴- په بهر کې دا اختراع یا اکتشاف د ثبت د نېټې، د صادرېدو د ځای او گڼې یادول، په هغه صورت کې چې د هغې اختراع یا اکتشاف لپاره له افغانستان څخه په بهر کې، د ثبت فورمه صادره شوې وي.

۵- دهغه شخص بشپړ شهرت او آدرس چې په افغانستان کې مېشت دی او په هغې اختراع او اکتشاف پورې چې د ثبتېدو غوښتنلیک یې وړاندی شوی دی،

درخواست ثبت**ماده هشتم:**

(۱) درخواست ثبت اختراع یا اکتشاف حاوی نکات ذیل می باشد:

۱- شهرت مکمله، تابعیت، شغل و آدرس مخترع، مکتشف یا نماینده قانونی آنها.

۲- خلاصه موضوع اختراع یا اکتشاف.

۳- ذکر مدت اعتبار درخواست بانظر داشت میعاد اعتبار فورمه اختراع یا اکتشاف.

۴- ذکر تاریخ، محل صدور و شماره ثبت اختراع یا اکتشاف در خارج در صورتی که برای آن اختراع یا اکتشاف در خارج از افغانستان فورمه ثبت، صادر شده باشد.

۵- شهرت مکمله و آدرس شخص که مقیم افغانستان بوده و جهت دریافت کلیه اطلاعات مربوط به اختراع یا اکتشاف که درخواست ثبت آن

د ټولو اړوندو اطلاعاتو د ترلاسه کېدو لپاره، واک ولري.
(۲) د ثبت غوښتنلیک، د هېواد په یوه رسمي ژبه وړاندې کېږي او د لاسلیک او نېټې لرونکی وي.

د ثبت د غوښتنلیک ضمیمې نهمه ماده:

د ثبت غوښتنلیک لاندې ضمیمې لري:
۱- د اختراع یا اکتشاف تشریح په دریو نقلونو کې.
۲- د اختراع یا اکتشاف پر تشریح باندې د پوهېدو لپاره سندونه یا نقشي په دریو نقلونو کې.
۳- د حق الثبت د ورکړې په اړه، د فکري ملکیتونو د دفتر د ثبت سند.
۴- وکالت لیک، په هغه صورت کې چې د ثبت غوښتنلیک، د هغوی د قانوني استازي په واسطه وړاندې شوی وي.

د غوښتنلیک خپرل لسمه ماده:

(۱) اړوند دفتر، د غوښتنلیک له ترلاسه کولو وروسته، دهغه د سندونو سموالی (صحت)، د دی قانون په خپلېرېشتمه ماده کې درج

ارائه گردیده، صلاحیت داشته باشد.
(۲) درخواست ثبت به یوې از زیانهای رسمی کشور آرایه و دارای امضاء و تاریخ می باشد.

ضمایم درخواست ثبت ماده نهم:

درخواست ثبت حاوی ضمایم ذیل می باشد:
۱- تشریح اختراع یا اکتشاف در سه نقل.
۲- اسناد یا نقشه ها جهت فهم تشریح اختراع یا اکتشاف در سه نقل.
۳- سند ثبت دفتر ملکیت های فکری، مبنی بر پرداخت حق الثبت.
۴- وکالت نامه، در صورتی که درخواست ثبت توسط نماینده قانونی آنها ارائه شده باشد.

بررسی درخواست ماده دهم:

(۱) دفتر مربوط، بعد از دریافت درخواست، صحت اسناد آنرا بانظر داشت حکم مندرج ماده بیست

شوی حکم ته په پام سره، خبرې، کاپي يې د دفتر له لاسليک او مهر وروسته، دهغه د رسېدو د نېټې، ساعت، ورځې، میاشتي او کال په قیدولو سره په تورو باندې په شرحې سره، غوښتنلیک ورکونکي ته مستردوي.

(۲) د ثبت دفتر مکلف دی، د غوښتنلیک اود هغه د ضمیمو د رسېدو له نېټې څخه، د پنځلسو ورځو مودې په ترڅ کې، له اړوند قانون او مقرري سره د هغو مطابق وڅېړي، تصمیم ونیسي، که چېرې نیمگړتیاوې پکې ولیدل شي، موضوع دی په لیکلې توگه غوښتنلیک ورکونکي ته خبر ورکړي.

(۳) که چېرې غوښتنلیک ورکونکي، افغاني تبعه وي، مکلف دی، د دوو میاشتو مودې په دننه کې او که بهرنی تبعه وي، د شپږو میاشتو مودې په ترڅ کې دی د هغه د نیمگړتیاوو د لرې کولو لپاره تصمیم ونیسي، د دلایلو د وړاندې کولو په صورت کې، دغه موده د یوې بلې دورې لپاره اوږدیدی شي.

و چهارم این قانون بررسی نموده، کاپی آنرا بعد از امضاء و مهر دفتر با قید تاریخ، ساعت، روز، ماه و سال وصول آن با شرح حروف به درخواست دهنده، مسترد می نماید.

(۲) دفتر ثبت مکلف است، از تاریخ وصول درخواست وضمایم آن در خلال مدت پانزده روز، مطابقت آنرا با قانون و مقرره مربوط بررسی نموده، تصمیم اتخاذ نماید، هرگاه نواقص در آن بملاحظه رسد، موضوع را کتباً به درخواست دهنده اطلاع دهد.

(۳) هرگاه درخواست دهنده، تبعه افغانی باشد، مکلف است، در خلال مدت دو ماه و اگر تبعه خارجی باشد، در خلال مدت شش ماه جهت رفع نواقص آن تصمیم اتخاذ نماید، در صورت ارایه دلایل، این مدت برای يك دوره دیگر تمدید شده می تواند.

(۴) که چېرې غوښتنلیک ورکوونکي، د دی مادی په (۲) فقره کې په درج شوي موده کې د نیمگړتیاوو لري کولو ته اقدام ونکړي، اړوند دفتر د دلایلو په وړاندې کولو سره هغه مستردوي او موضوع په لیکلې توگه غوښتنلیک ورکوونکو ته خبر ورکوي. پدې صورت کې غوښتنلیک ورکوونکي کولی شي، د دی مادی په (۲) فقره کې درج شوی حکم ته په پام سره واکمني محکمې ته مراجعه وکړي.

داختراع یا اکتشاف ثبتدل

یوولسمه ماده:

(۱) اختراع یا اکتشاف لاندې ټکو ته په پام سره ثبتېږي:

- ۱- د غوښتنلیک د ثبت شمېره .
- ۲- د غوښتنلیک د دوسیې شمېره.
- ۳- د غوښتنلیک د رسېدو نېټه د ساعت، ورځې، میاشتې او کال په یادولو سره.
- ۴- د مخترع یا مکتشف یا د هغوی د قانوني استازي بشپړ شهرت او آدرس.
- ۵- د اختراع یا اکتشاف موضوع.

(۴) هرگاه درخواست دهندگان درمیعاد مندرج فقره (۲) این ماده به رفع نواقص اقدام نه نمایند، دفتر مربوط با ارایه دلایل آنرا مسترد و موضوع را کتباً به درخواست دهندگان اطلاع می دهد. در این صورت درخواست دهندگان می توانند، بانظرداشت حکم مندرج فقره (۲) این ماده به محکمه ذیصلاح مراجعه نمایند.

ثبت اختراع یا اکتشاف

ماده یازدهم:

(۱) اختراع یا اکتشاف بانظرداشت نکات ذیل به ثبت می رسد:

- ۱- شماره ثبت درخواست .
- ۲- شماره دوسیة درخواست .
- ۳- تاریخ وصول درخواست با ذکر ساعت، روز، ماه و سال .
- ۴- شهرت مکمل و آدرس مخترع، مکتشف یا نماینده قانونی آنها .
- ۵- موضوع اختراع یا اکتشاف .

۶- د اختراع یا اکتشاف د فورمې د اعتبار موده.

۷- په بهر کې د اختراع یا اکتشاف د فورمې د ثبت شمېره او د اعتبار موده.

۸- د اختراع یا اکتشاف د ثبت نېټه.

۹- د دفتر د مسئول لاسلیک .

۱۰- د مخترع یا مکتشف یا دهغوی د قانوني استازي لاسلیک.

(۲) په اختراع یا اکتشاف کې هر ډول بدلون او بشپړتیا، د هغه کلي یا قسمي پربښودل یا لېږدېدل، د دی مادی په (۱) فقره کې د درج شوی حکم له په پام کې نیولو سره هم، په اړوند دفتر کې ثبتېږي.

د ثبت شوي اختراع یا اکتشاف فورمه دوولسمه ماده:

(۱) د اختراع یا اکتشاف فورمه چې لاندې ټکي لري، د هغې له ثبت وروسته مخترع، مکتشف یا دهغوی قانوني استازي ته وړاندې کېږي:

۱- د اختراع یا اکتشاف نېټه.

۲- د اختراع یا اکتشاف د ثبت

۶- مدت اعتبار فورمه اختراع یا اکتشاف.

۷- شماره ثبت و مدت اعتبار فورمه اختراع یا اکتشاف در خارج.

۸- تاریخ ثبت اختراع یا اکتشاف.

۹- امضای مسئول دفتر.

۱۰- امضای مخترع، مکتشف یا نماینده قانونی آنها .

(۲) هر نوع تغییر و تکمیل در اختراع یا اکتشاف، واگذاری یا انتقال کلی یا قسمی آن با رعایت حکم مندرج فقره (۱) این ماده نیز در دفتر مربوط به ثبت می رسد .

فورمه اختراع یا اکتشاف ثبت شده ماده دوازدهم:

(۱) فورمه اختراع یا اکتشاف، بعد از ثبت آن به مخترع، مکتشف یا نماینده قانونی آنها که دارای نکات ذیل می باشد، ارائه می گردد:

۱- تاریخ اختراع یا اکتشاف .

۲- شماره و تاریخ ثبت اختراع

- شمېره او نېټه. يا اکتشاف .
- ۳- د مخترع يا مکتشف د دوسيې شمېره.
- ۴- د اختراع يا اکتشاف موضوع.
- ۵- د غوښتنليک د تسليمولو نېټه.
- ۶- د مخترع، مکتشف يا دهغوی د قانوني استازي بشپړ شهرت او آدرس.
- ۷- د اختراع يا اکتشاف د فورمې د اعتبار موده.
- ۸- له افغانستان څخه په بهر کې د اختراع يا اکتشاف د ثبت شمېره او د اعتبار موده.
- ۹- د دفتر د مسئول لاسليک.
- ۱۰- دا اختراع يا اکتشاف د فورمې د صادرېدو شمېره او نېټه.
- (۲) د اختراع يا اکتشاف د تشرېح د لنډيز او اړوندو نقشو نقل مهر او د اختراع يا اکتشاف له فورمې سره ضمیمه کېږي.
- د فورمې د اعتبار موده**
- د يارلسمه ماده:**
- (۱) د اختراع يا اکتشاف د فورمې د اعتبار موده، د مخترع يا مکتشف د غوښتنې له مخې تر (۲۰) کلونو پورې وي.
- (۲) مخترع، مکتشف يا دهغوی
- يا اکتشاف .
- ۳- شماره دوسيې مخترع يا مکتشف.
- ۴- موضوع اختراع يا اکتشاف.
- ۵- تاريخ تسليمی درخواست.
- ۶- شهرت مکملـه و آدرس مخترع، مکتشف يا نماينده قانونی آنها .
- ۷- مدت اعتبار فورمه اختراع يا اکتشاف .
- ۸- شماره ثبت و مدت اعتبار اختراع يا اکتشاف در خارج از افغانستان.
- ۹- امضای مسئول دفتر.
- ۱۰- شماره و تاريخ صدور فورمه اختراع يا اکتشاف.
- (۲) نقل خلاصه تشریح اختراع يا اکتشاف و نقشه های مربوط مهر و به فورمه اختراع يا اکتشاف ضم می گردد.
- میعاد اعتبار فورمه**
- ماده سیزدهم :**
- (۱) میعاد اعتبار فورمه اختراع يا اکتشاف، حسب تقاضای مخترع يا مکتشف الی (۲۰) سال می باشد.
- (۲) مخترع ، مکتشف يا وکیل

قانونی استازی، د دی مادی په (۱) فقره کې په درج شوې موده کې، له خپلې اختراع یا اکتشاف څخه د ګټې اخیستنې، تولید یا پلورلو انحصاري حق لري.

داختراع یا اکتشاف خپرېدل څوارلسمه ماده:

اړوند دفتر مکلف دی، د اختراع یا اکتشاف له ثبت وروسته، زیات نه زیات د د یوې میاشتې په ترڅ کې هغه خبرتیا چې لاسدی ټکي پکې شامل وي، د مخترع یا مکتشف په لګښت، په رسمي جریده کې خپره کړي:

۱- د اختراع یا اکتشاف موضوع.

۲- د مخترع یا مکتشف بشپړ شهرت او آدرس.

۳- د اختراع یا اکتشاف د ثبت شمېره.

۴- د اختراع یا اکتشاف د فورمې داېتبار موده.

قانونی آنها درمیعاد مندرج فقره (۱) این ماده، حق انحصاری استفاده، تولید و یا فروش اختراع یا اکتشاف خویشرا دارا می باشد.

نشر اختراع یا اکتشاف ماده چهاردهم:

دفتر مربوط مکلف است، بعد از ثبت اختراع یا اکتشاف، حد اکثر در خلال مدت يك ماه اطلاعيه راکه شامل نکات ذیل می باشد، به مصرف مخترع یا مکتشف، درجریده رسمی به نشر برساند:

۱- موضوع اختراع یا اکتشاف.

۲- شهرت مکمله و آدرس مخترع یا مکتشف.

۳- شماره ثبت اختراع یا اکتشاف.

۴- مدت اعتبار فورمه اختراع یا اکتشاف.

داختراع يا اکتشاف د ثبت پر عليه د ادعا حق

پنځلسمه ماده:

د دی قانون په شپږمه ماده کې درج شوی د اختراع یا اکتشاف ثبت، د اختراع یا اکتشاف او د هغو د مثالونو د نوي والی، حقیقي والی، د گټې اخستنې د وړتیا والی په اړه، د واکمنې محکمې په وړاندې، د ډینفعو اشخاصو د ادعا خنډ کېدی نشي.

نوي اختراع يا اکتشاف

شپاړسمه ماده:

هر ډول اختراع یا اکتشاف یا د موجودی اختراع یا اکتشاف بشپړېدل چې د ثبت د غوښتنلیک له نېټې د مخه، په افغانستان یا له هغه څخه په بهر کې په ټولیزو رسنیو کې خپاره یا تر گټې اخیستنې لاندې نیول شوی وي، نوي اختراع یا اکتشاف گڼل کېږي.

د اختراع يا اکتشاف د حق لېږدېدل

اووه لسمه ماده:

(۱) مخترع یا مکتشف کولی شي،

حق ادعا عليه ثبت اختراع يا اکتشاف

ماده پانزدهم:

ثبت اختراع یا اکتشاف مندرج ماده ششم این قانون مانع ادعای اشخاص ډینفع مبنی بر جدید بودن، حقیقي بودن، قابل استفاده بودن اختراع یا اکتشاف و امثال آن، بیه پیسگاه محکمه با صلاحیت شده نمی تواند.

اختراع يا اکتشاف جديد

ماده شانزدهم:

هر نوع اختراع یا اکتشاف یا تکمیل اختراع یا اکتشاف موجودی که قبل از تاریخ درخواست ثبت، در افغانستان یا خارج از آن در رسانه های همگانی نشر و یا مورد استفاده قرار گرفته باشد، اختراع یا اکتشاف جدید محسوب می گردد.

انتقال حق اختراع يا اکتشاف

ماده هفدهم:

(۱) مخترع یا مکتشف می

د خپلې اختراع يا اکتشاف انحصاري حق، چې په افغانستان کې ثبت شوی وي د دی قانون له حکمونو سره سم په کلي يا قسيمي توگه بل شخص ته ولېږدوي.

(۲) که چېرې د اختراع يا اکتشاف فورمه د وراثت له لارې ولېږدول شي، نوی مالک، په هغه صورت کې کولی شي دهغې له حقوقو څخه ددی قانون د حکمونو مطابق برخمن شي چې هغه مجدداً ثبت کړي، دفتر، یاد شوی ثبت په اختراع يا اکتشاف پورې په اړونده صفحه کې درج او په رسمي جریده کې خپروي.

(۳) که چېرې اختراع يا اکتشاف، د دی قانون د حکمونو مطابق، لېږدول شوی وي، د بیا ثبت غوښتنلیک، د لاندې ټکو لرونکی وي:

۱- په افغانستان کې د د مخه ثبت شمېره.

۲- د منتقل الیه بشپړ شهرت او آدرس او تابعیت.

۳- په افغانستان کې د هغوی د قانوني استازي بشپړ شهرت او

تواند، حق انحصاري اختراع يا اکتشاف خویشرا که در افغانستان به ثبت رسیده باشد، طبق احکام این قانون طورکلی يا قسمی به شخص دیگری انتقال دهد.

(۲) هرگاه فورمه اختراع يا اکتشاف از طریق وراثت منتقل گردد، مالک جدید، در صورتی می تواند از حقوق آن طبق احکام این قانون مستفید گردد که مجدداً آنرا به ثبت برساند، دفتر، ثبت متذکره را در صفحه مربوط اختراع يا اکتشاف درج و در جریده رسمی نشر می نماید.

(۳) هرگاه اختراع يا اکتشاف مطابق احکام این قانون انتقال گردیده باشد، درخواست ثبت مجدد، حاوی نکات ذیل می باشد:

۱- شماره ثبت قبلی در افغانستان.

۲- شهرت مکمل و آدرس و تابعیت منتقل الیه.

۳- شهرت مکمل و آدرس نماینده قانونی آنها در

آدرس.

(۴) که چېرې د اختراع يا اکتشاف لېږد، له بهر څخه صورت موندلی وي، سیمه ییز دفتر، یاد شوی لېږد ثبتوي، د غه سند د لېږدېدنې د سند په توګه منل کېږي.

له اختراع يا اکتشاف څخه د ګټې اخیستنې د اجازه لیک تسليمي اتلسمه ماده:

اړوند دفتر، د ثبت د غوښتنلیک له غورونې او څېړنې او د دی قانون او اړوندې مقرري له حکمونو سره د هغه له مطابقت څخه د ډاډ له تر لاسه کولو وروسته، د هغه په ثبتولو اقدام کوي، د مخترع يا مکتشف، د هغه د ګټه اخیستونکي د نوم، د اختراع يا اکتشاف د ثبت د شمېرې او د اجازه لیک د مندرجاتو د لنډیز لرونکي معلومات خپروي او سند یې منتقل الیه ته ورتسليموي.

د اصلي اختراع يا اکتشاف په عوض د تکميلي اختراع يا اکتشاف ګټه اخیستنه

نولسمه ماده:

که چېرې د تکميلي اختراع يا اکتشاف غوښتنلیک ورکړونکی،

افغانستان.

(۴) هرگاه انتقال اختراع يا اکتشاف از خارج صورت گرفته باشد، دفتر محل، انتقال متذکره را ثبت نموده، این سند به حیث سند انتقال پذیرفته می‌شود.

تسليمی اجازه نامه استفاده از اختراع يا اکتشاف ماده هجدهم:

دفتر مربوط، بعد از غور و رسیدگی درخواست ثبت و کسب اطمینان از مطابقت آن با احکام این قانون و مقرره مربوط، به ثبت آن اقدام نموده، معلومات حاوی نام مخترع يا مکتشف، استفاده کننده آن، شماره ثبت اختراع يا اکتشاف و خلاصه مندرجات اجازه نامه را به نشر رسانیده و سند آن را به منتقل الیه تسليم می نماید.

استفاده اختراع يا اکتشاف تکمیلی به عوض اختراع يا اکتشاف اصلی

ماده نهم:

هرگاه درخواست دهنده اختراع يا اکتشاف تکمیلی، غیر از مخترع

له مخترع یا مکتشف پرته، بل شخص وي، نشي کولی د تکميلي اختراع یا اکتشاف فورمه له اصلي اختراع یا اکتشاف څخه د گټې اخیستنې لپاره، ثبت کړی.

ثالثو اشخاصو ته لېږدیدل

شلمه ماده:

د مخترع یا مکتشف انحصاري حق چې د رسمي سند پر بنسټ لېږدیدی دی، په اړوند دفتر کې ثبتېږي، پرته لدې ثالث شخص ته د اعتبار وړ ندی.

د ثبت سندونو ته مراجعه

یوولسمه ماده:

هر شخص کولای شي په اختراع یا اکتشاف یا د هغو په لېږدېدو او یا پرېښودو پورې د اړوندو مصدقه سندونو نقل، له ثبت وروسته، د ټاکلو پیسو د ورکړې په بدل کې لاسته راوړي.

په اختراع یا اکتشاف کې د بدلون ثبتول

دوه ویلسمه ماده:

(۱) مخترع، مکتشف یا دهغوی قانوني استازی کولی شي، د خپلې اختراع یا اکتشاف د فورمې

یا مکتشف، شخص دیگری باشد، نمی تواند فورمه اختراع یا اکتشاف تکمیلی را جهت استفاده از اختراع یا اکتشاف اصلی به ثبت برساند.

انتقال به اشخاص ثالث

ماده بیستم:

حق انحصاری مخترع یا مکتشف که به اساس سند رسمی انتقال گردیده، در دفتر مربوط به ثبت می رسد، در غیر آن به شخص ثالث قابل اعتبار نمی باشد.

مراجعه به اسناد ثبت

ماده بیست و یکم:

هر شخص می تواند، نقل مصدقه اسناد مربوط به اختراع یا اکتشاف یا انتقال و یا واگذاری آنرا بعد از ثبت، در بدل پرداخت مبلغ معینه بدست آورد.

ثبت تغییر در اختراع یا اکتشاف

ماده بیست و دوم:

(۱) مخترع، مکتشف یا نماینده قانونی آنها می تواند، تغییر را در میعاد اعتبار فورمه اختراع یا

د اعتبار په موده کې بدلون راوړي او مکلف دی هغه ددی قانون د حکمونو مطابق، د ټاکلي حق الثبت په ورکړې سره ثبت کړي. (۲) په افغانستان کې د مخترع یا مکتشف د استازي د بشپړ شهرت، آدرس او تابعیت بدلون جواز نلري، خو دا چې ثبت شوی وي.

د منځته راغلو بدلونونو ثبتول د مخترع، مکتشف یا د هغوی د قانوني استازي د لیکلي غوښتنلیک پربنسټ په دریو نقلونو کې ترتیب او د دی قانون د حکمونو مطابق صورت مومي.

د اختراع یا اکتشاف اصلي موضوع

درويشتمه ماده:

که چېرې اختراع یا اکتشاف دمخه، له افغانستان څخه په بهر کې ثبت شوی وي، مخترع، مکتشف یا دهغوی قانوني استازی کولی شي د اصلي اختراع یا اکتشاف اود هغو د تکميلي اختراع یا اکتشاف د فورمې پربنسټ، دواحد ثبت غوښتنلیک، اړوند دفتر ته وړاندی کړي.

اکتشاف خویش وارد نماید و مکلف است آنرا مطابق احکام این قانون با پرداخت حق الثبت معینه به ثبت برساند. (۲) تغییر شهرت مکمله، آدرس و تابعیت نماینده مخترع یا مکتشف در افغانستان جواز ندارد، مگر اینکه به ثبت رسیده باشد.

ثبت تغییرات وارده به اساس درخواست کتبی مخترع، مکتشف یا نماینده قانونی آنها در سه نقل ترتیب و مطابق احکام این قانون صورت می گیرد.

موضوع اصلی اختراع یا اکتشاف

ماده بیست و سوم:

هرگاه اختراع یا اکتشاف قبلاً در خارج از افغانستان به ثبت رسیده باشد، مخترع، مکتشف یا نماینده قانونی آنها می تواند بر اساس فورمه اختراع یا اکتشاف اصلی و اختراع یا اکتشاف تکمیلی آن، درخواست ثبت واحد را به دفتر مربوط ارایه نماید.

د اختراع یا اکتشاف تشریح

خلېريشتمه ماده:

(۱) د اختراع یا اکتشاف تشریح، د دی قانون پښه درويشتمه ماده کې د درج شوی حکم پښه رعایتېدو سره له غوښتنلیک سره ضمیمه وي او د هېواد پښه یوه رسمي ژبه برابره او پښه پای کې یې د اختراع یا اکتشاف لنډیز او د هغو د گټې اخستنې ډول اضافه کېږي. که چېرې د اختراع یا اکتشاف تشریح، د هېواد پښه رسمي ژبو شونې نه وي، بشپړه تشریح یې پښه انګلیسي ژبه ترتیب او لنډیز یې پښه یوه رسمي ژبه، ضمیمه کېږي.

(۲) د اختراع یا اکتشاف تشریح دی لوستې او داسې تنظیم شي چې مسلکي یا فني شخص د هغې پښه کتنې سره، د هغې نویوالی درک کړي، د اختراع یا اکتشاف تشریح له گل او تراش څخه خلاصه وي او د هغې د کرښو ترمنځ د کلیمو لیکل ممنوع دی.

(۳) د اختراع یا اکتشاف د تشریح صفحې، د مخترع، مکتشف یا د هغوی د قانوني استازي لخوا

تشریح اختراع یا اکتشاف

ماده بیست و چهارم:

(۱) تشریح اختراع یا اکتشاف با رعایت حکم مندرج ماده بیست و سوم این قانون ضمیمه درخواست بوده و به یکی از زبانهای رسمی کشور تهیه و در آخر آن خلاصه اختراع یا اکتشاف ونحوه استفاده آن اضافه می گردد. هرگاه تشریح اختراع یا اکتشاف به زبانهای رسمی کشور میسر نباشد، تشریح کامل آن به زبان انګلیسی ترتیب و خلاصه آن به یکی از زبانهای رسمی، ضمیمه می گردد.

(۲) تشریح اختراع یا اکتشاف خوانا و طوری تنظیم گردد که شخص مسلکی یا فنی با مطالعه آن بتواند، تازه گی آنرا درک نماید. تشریح اختراع یا اکتشاف عاری از گل و تراش بوده و نوشته کلمات در بین سطور آن ممنوع است.

(۳) صفحات تشریح اختراع یا اکتشاف از طرف مخترع، مکتشف یا نماینده قانونی

لاسلیک او په نښه کېږي، تر هرې جملې لاندې کرښه ایستل کېږي او په پای کې یې د جملو شمېر ټاکل کېږي.

(۴) د اختراع یا اکتشاف یا د هغو دضمیمو تشریح، نقشي اونسور سندونه دی، د یوه (۴-A) ستندرد کاغذ د پانې پرمخ پداسې ډول برابر شي چې شا یې سپینه اودمخترع یا مکتشف یا د هغوی دقانوني استازي لاسلیک یا مهر ولري.

(۵) د اختراع یا اکتشاف د تشریح صفحې ګڼل شوې او پرله پسې ګڼه لري او نقشي هم د نقشي د برابرولو دمخصوص کاغذ پرمخ برابرې ګڼل شوې او پرله پسې ګڼه لري.

آنها امضاء و نشانی گردیده و زیر هر جمله خط کشیده و تعداد جملات در آخر آن معین گردد.

(۴) تشریح اختراع یا اکتشاف وضمایم آن، نقشه ها وسایر اسناد، در يك صفحه کاغذ ستندرد (۴-A) به نحوی تهیه گردد، که عقب آن سفید و دارای امضاء یا مهرمخترع، مکتشف یا نماینده قانونی آنها باشد.

(۵) صفحات تشریح اختراع یا اکتشاف، دوخته شده و دارای شماره مسلسل بوده و نقشه ها نیز روی کاغذ مخصوص نقشه تهیه، دوخته شده و دارای شماره مسلسل باشد.

درېیم فصل

په اختراع یا اکتشاف کې بدلون یا بشپړتیا

بدلون یا بشپړتیا

پنځه ویشتمه ماده:

(۱) هر هغه بدلون یا بشپړتیا چې په اختراع یا اکتشاف کې د اختراع یا اکتشاف د فورمې د اعتبار په موده کې صورت

فصل سوم

تغییر یا تکمیل در اختراع یا اکتشاف

تغییر یا تکمیل

ماده بیست وینجم:

(۱) هر تغییر یا تکمیلی که در اختراع یا اکتشاف در میعاد اعتبار فورمه اختراع یا اکتشاف صورت می گیرد،

مومی، د دی قانون د لسمې اوڅلېریشتمې مادې د حکمونو تابع دی.

(۲) د اختراع یا اکتشاف د بدلون یا بشپړتیا لپاره، د اختراع یا اکتشاف فورمه د اصلي فورمې په بشپړتیا کې صادرېږي، د تکميلي اختراع فورمه د اصلي فورمې د اټکل شوو موادو د حکمونو تابع ده، خو د تکميلي فورمې دا اعتبار موده د اصلي فورمې دا اعتبار له مودې څخه زیاتېدی نشي.

د تکميلي فورمې په عوض د اصلي فورمې غوښتنه

شپږویشتمه ماده:

که چېرې د اختراع یا اکتشاف د فورمې مالک د بدلون یا بشپړتیا لپاره، د تکميلي فورمې په عوض، جلا اصلي فورمه وړاندې کړي، د دی قانون د حکمونو مطابق، د حق الثبت او نورو ټاکلو لگښتونو په ورکړه، مکلف دی.

تابع احکام مواد دهم و بیست وچهارم این قانون می باشد.

(۲) برای تغییر یا تکمیل اختراع یا اکتشاف، فورمه اختراع یا اکتشاف در تکمیل فورمه اصلی صادر می گردد، فورمه اختراع تکمیلی تابع احکام مواد پیشینی شده فورمه اصلی بوده، ولی مدت اعتبار فورمه تکمیلی از مدت اعتبار فورمه اصلی بیشتر بوده نمی تواند.

تقاضای فورمه اصلی به عوض فورمه تکمیلی

ماده بیست و ششم:

هرگاه مالک فورمه اختراع یا اکتشاف جهت تغییر یا تکمیل، به عوض فورمه تکمیلی، فورمه اصلی جداگانه را ارائه نماید، مطابق احکام این قانون مکلف به پرداخت حق الثبت و سایر مصارف معینه، می باشد.

د لېږدېدنې سندونه او د هغو ضمیمې

اووه ویشتمه ماده:

د لېږدېدنې سندونه، وکالت لیک او د اختراع او اکتشاف د ثبت فورمه، له غوښتنلیک سره ضمیمه کېږي. د اختراع یا اکتشاف فورمه د لېږد له ثبت وروسته، د هغې مالک ته مستردیږي.

د غوښتنلیک او د هغه د ضمیمو رد

اته ویشتمه ماده:

که چېرې د اختراع یا اکتشاف د ثبت غوښتنلیک رد شي، لاندې سندونه هم له هغه سره ضمیمه کېږي:

۱- د هغه تصمیم اصل یا نقل چې د ثبت غوښتنلیک یې پرموځېدلی دی.

۲- هغه اعتراضونه چې د ثبت غوښتنلیک ورکوونکي، د هغه د رد په اړه وړاندې کړي دي.

۳- وکالت لیک، په هغه صورت کې چې غوښتنلیک د مخترع یا مکتشف د قانوني استازي په واسطه، وړاندې شوی وي.

اسناد انتقال و ضمایم آن

ماده بیست و هفتم:

اسناد انتقال، وکالت نامه و فورمه ثبت اختراع یا اکتشاف، به درخواست ضمیمه می شود. فورمه اختراع یا اکتشاف بعد از ثبت انتقال به مالک آن مسترد می گردد.

رد درخواست و ضمایم آن

ماده بیست و هشتم:

هرگاه درخواست ثبت اختراع یا اکتشاف رد گردد، اسناد ذیل نیز به آن ضمیمه می گردد:

۱- اصل یا نقل تصمیمی که درخواست ثبت به موجب آن رد گردیده.

۲- اعتراضات که درخواست دهنده ثبت، مبنی به رد آن ارائه نموده.

۳- وکالت نامه، در صورتی که درخواست توسط نماینده قانونی مخترع یا مکتشف، ارائه شده باشد.

څلورم فصل

د بهرنیو اشخاصو د اختراع یا اکتشاف ثبتدل

د ثبت شرایط

نهه ویستمه ماده:

بهرنی مختهړ یا مکتشف کولای شي، د خپلې اختراع یا اکتشاف د پاتې مودی لپاره، د دی قانون د حکمونو مطابق، د ثبت غوښتنلیک په افغانستان کې وړاندې کړي، پدی شرط چې د هغه د اختراع یا اکتشاف فورمې موده، د هغه په متبوع هېواد کې تېره شوې نه وي. که چېرې اختراع یا اکتشاف د بل شخص یا مؤسسې لخوا په افغانستان کې د ثبت له غوښتنلیک دمخه په کلي یا جزئي توګه تر ګټې اخیستنې لاندې نیول شوی وي او یا ئې د ګټې اخیستنې زمینه برابره شوې وي، مختهړ یا مکتشف نشي کولی، د شخص یا مؤسسې له اقدام څخه مخنیوی وکړي.

فصل چهارم

ثبت اختراع یا اکتشاف اشخاص خارجی

شرایط ثبت

ماده بیست ونهم:

مختهړ یا مکتشف خارجی می تواند، برای مدت باقیمانده اختراع یا اکتشاف خویش طبق احکام این قانون، درخواست ثبت را در افغانستان ارائه نماید، مشروط بر اینکه میعاد فورمه اختراع یا اکتشاف آن در کشور متبوع اش منقضی نگردیده باشد. هرگاه اختراع یا اکتشاف از طرف شخص یا مؤسسه دیگر قبل از درخواست ثبت در افغانستان طور کلی یا جزئی مورد استفاده قرار گرفته و یا زمینه استفاده آن آماده شده باشد، مختهړ یا مکتشف نمی تواند، از اقدام شخص یا مؤسسه جلوگیری نماید.

آدرس

دیرشمه ماده:

(۱) که چېرې د اختراع یا اکتشاف د ثبت غوښتنلیک ورکوونکی شخص په افغانستان کې مېشت نه وي، مکلف دی په افغانستان کې خپل مشخص آدرس وټاکي یا بل واکمن شخص چې د افغانستان تبعه وي، په اختراع یا اکتشاف پورې د اړوندو اطلاعاتو او سندونو د وړاندې کولو لپاره، معرفي کړي.

(۲) د دی مادې پسه (۱) فقره کې درج شوی حکم، د اختراع یا اکتشاف د فورمې پر اعتراض کوونکي شخص باندې هم د تطبیق وړ دی.

د لېږدېدنې یا پرېښودنې د حق ثبتېدل

یو دیرشمه ماده:

(۱) که چېرې د اختراع یا اکتشاف د انحصاري حق لېږد اخیستونکی، بهرنی شخص وي یا هغه حقیقي یا حکمي اشخاص چې د پرېښودنې له لارې یا د قانون په حکم، حق له لېږد اخیستونکي

آدرس

ماده سی ام:

(۱) هرگاه شخص درخواست دهنده ثبت اختراع یا اکتشاف در افغانستان مقیم نباشد، مکلف است آدرس مشخص خود را در افغانستان تعیین و یا شخص باصلاحیت دیگری را که تبعه افغانستان باشد، جهت ارایه اطلاعات و اسناد مربوط به اختراع یا اکتشاف، معرفی نماید.

(۲) حکم مندرج فقره (۱) این ماده بالای شخص اعتراض کننده فورمه اختراع یا اکتشاف نیز قابل تطبیق می باشد.

ثبت حق انتقال یا واگذاری

ماده سی و یکم:

(۱) هرگاه انتقال گیرنده حق انحصاری اختراع یا اکتشاف شخص خارجی باشد یا اشخاص حقیقی یا حکمی که از طریق واگذاری، یا به حکم قانون، حق را از انتقال گیرنده حاصل می

خخه ترلاسه کوي، د مالک يا د انحصاري جواز لرونکی په توگه، کولی شي د بهرنۍ اختراع يا اکتشاف د انحصاري حق ثبتدل په افغانستان کې وغواړي. د ثبت غوښتنلیک، د اختراع يا اکتشاف د انحصاري حق له ورکولو وروسته، د دوو کلونو مودې په ترڅ کې، اصلي هېواد ته وړاندې کېږي.

(۲) د دی مادې په (۱) فقره کې درج شوی د ثبت غوښتنلیک لاندې ټکي لري:

۱- د غوښتنلیک ورکوونکي بشپړ شهرت او ادرس.

۲- د اختراع يا اکتشاف موضوع.

۳- د دمخه ثبت شمېره او نېټه.

۴- د هغه هېواد نوم چې اختراع يا اکتشاف د مخه په هغه ځای کې ثبت شوی وي.

د اختراع يا اکتشاف د انحصاري حق څېړل

دوه دیرشمه ماده:

د اختراع يا اکتشاف انحصاري حق چې ثبت يې غوښتل کېږي، له څېړنې پرته د غوښتنلیک

نماید، منحیث مالک يا دارنده جواز انحصاری، می تواند ثبت حق انحصاری اختراع يا اکتشاف خارجی را در افغانستان درخواست نماید. درخواست ثبت در خلال مدت دو سال بعد از اعطای حق انحصاری اختراع يا اکتشاف به کشور اصلی، ارائه می گردد.

(۲) درخواست ثبت مندرج فقره (۱) این ماده حاوی نکات ذیل می باشد:

۱- شهرت مکمل و آدرس درخواست دهنده.

۲- موضوع اختراع يا اکتشاف.

۳- شماره و تاریخ ثبت قبلی.

۴- نام کشوری که اختراع يا اکتشاف قبلاً در آنجا به ثبت رسیده باشد.

بررسی حق انحصاری اختراع يا اکتشاف

ماده سی و دوم:

حق انحصاری اختراع يا اکتشاف که ثبت آن درخواست می گردد، بدون بازرسی به

ورکونکي په مسئولیت او نه تضمین، د دی په تصریح سره چې له خپرنې پرته ثبت شوی دی، ثبتېږي، پدی شرط چې د ثالثو اشخاصو د حقوقو د تحدید موجب نشي.

داختراع یا اکتشاف د انحصاري حق تصدیق

دري دیرشمه ماده:

(۱) د ثبت غوښتنلیک ورکونکی، د ثبت شوي اختراع یا اکتشاف د انحصاري حق مالک ګڼل کېږي، خو دا چې د انحصاري حق مالکیت، د دی قانون د حکمونو مطابق بل شخص ته پرېښودل شوی یا لېږدول شوی وي یا د محکمې د حکم پر بنسټ تشخیص شي چې مالک له غوښتنلیک ورکونکي پرته، بل شخص دی.

(۲) د دی مادې په (۱) فقره کې د درج شوی انحصاري حق مالک، له ثبت وروسته، لاندې انحصاري حقوق هم لري:

۱- که چېرې دااختراع یا اکتشاف د انحصاري حق موضوع، تولید وي، د هغو استعمال، وړاندې کول، پلورل او واردول ممنوع دی،

مسئولیت درخواست دهنده وعدم تضمین با تصریح اینکه بدون بازرسی ثبت گردیده است، ثبت می گردد مشروط براینکه موجب تحدید حقوق اشخاص ثالث نگردد.

تصدیق حق انحصاری اختراع یا اکتشاف

ماده سی و سوم:

(۱) درخواست دهنده ثبت، مالک حق انحصاری اختراع یا اکتشاف ثبت شده محسوب می گردد، مگر اینکه مالکیت حق انحصاری، طبق احکام این قانون به شخص دیگری واگذار یا انتقال یافته و یا به اساس حکم محکمه تشخیص گردد که مالک، بغیر از درخواست دهنده شخص دیگری می باشد.

(۲) مالک حق انحصاری مندرج فقره (۱) این ماده بعد از ثبت، دارای حقوق انحصاری ذیل نیز می باشد:

۱- هرگاه موضوع حق انحصاری اختراع یا اکتشاف، تولید باشد، استعمال، عرضه، فروش و توریید آن ممنوع

خو دا چې د هغه د مالک دمخه موافقه په ليکلي توگه، اخيستل شوې وي.

۲- که چېرې د اختراع يا اکتشاف د انحصاري حق موضوع، تگلاره يا کړنلاره وي، د هغو استعمال، وړاندې کول، پلورل او واردول ممنوع دی، خو دا چې د هغه د مالک دمخه موافقه په ليکلي توگه اخيستل شوې وي.

(۳) د الوتکو، ځمکنیو وسايطو يا د هغو نورو هېوادونو د کښتيو له پرزو څخه گټه اخيستنې، چې په لنډ مهاله يا تصادفي توگه د افغانستان فضايي يا د اوبو (دريايي) قلمرو ته داخلېږي د دی مادي په (۲) فقره کې له درج شوی حکم څخه مستثني ده.

د حقوقو پيل او استمرار څلور دیرشمه ماده:

د دی قانون د دري دیرشمې مادي په (۲) فقره کې درج شوی حقوق، په افغانستان کې د اختراع يا اکتشاف د انحصاري حق د ثبت د غوښتنليک د وړاندې کولو له نېټې څخه پيل او د اختراع يا اکتشاف د اصلي انحصاري حق د ثبت له

می باشد، مگر اینکه موافقه قبلي مالک آن کتباً کسب گردیده باشد.

۲- هرگاه موضوع حق انحصاری اختراع يا اکتشاف، روش يا طرز العمل باشد، استعمال، عرضه، فروش يا توريد آن ممنوع می باشد، مگر اینکه موافقه قبلي مالک آن کتباً کسب گردیده باشد.

(۳) استفاده از پرزه جات طيارات، وسايط زمينی يا کشتی های ساير کشورهاى که مؤقتاً يا حسب تصادف داخل قلمرو فضائی يا دریائی افغانستان می شوند، از حکم مندرج فقره (۲) اين ماده مستثنی اند.

آغاز واستمرار حقوق ماده سى و چهارم:

حقوق مندرج فقره (۲) ماده سى و سوم اين قانون از تاريخ ارایه درخواست ثبت حق انحصاری اختراع يا اکتشاف در افغانستان آغاز و الی مدت بیست سال از تاريخ ثبت حق انحصاری

نېټې څخه تر شلو کلونو مودی پورې، د اعتبار وړ دی.

کاري شرایط

پنځه دیرشمه ماده:

(۱) که چېرې ثبت شوي اختراع یا اکتشاف په خپل ځای (محل) کې د هغه د کار له ډول سره یا افغانستان ته د هغه په واردیدو سره په کلي یا قسيمي توګه تر ګټې اخیستنې لاندې ونه نیول شي، اړوند دفتر کولی شي د ثبت د غوښتنلیک د وړاندې کولو له نېټې څخه د څلورو کلونو مودی په تېرېدو یا د ثبت له نېټې څخه د دریو کلونو مودی په تېرېدو سره، اجباري جواز صادر کړي.

(۲) اجباري جواز د لاندې شرایطو له په پام کې نیولو سره، صادرېږي:

۱- د جواز د استعمال د حدودو ټاکل.

۲- د هغې مودی ټاکل چې د جواز لرونکی دهغې په ترڅ کې د ثبت شوي اختراع یا اکتشاف په ګټې اخیستنې پیل کوي.

۳- د انحصاري حق مالک ته د ورکړې وړ مبلغ ټاکل او د هغه د ورکړې شرایط.

اصلي اختراع یا اکتشاف، قابل اعتبار می باشد.

شرایط کاری

ماده سی و پنجم:

(۱) هرگاه اختراع یا اکتشاف ثبت شده با طرز کار آن در محل یا با توريد آن در افغانستان بطور کلی یا قسمي مورد بهره برداری قرار نگیرد، دفتر مربوط می تواند بعد از انقضای مدت چهار سال از تاریخ ارایه درخواست ثبت یا انقضای مدت سه سال از تاریخ ثبت، جواز اجباری را صادر نماید.

(۲) جواز اجباری با رعایت شرایط ذیل صادر می گردد:

۱- تعیین حدود استعمال جواز.

۲- تعیین مدت که دارندۀ جواز در خلال آن به بهره برداری اختراع یا اکتشاف ثبت شده آغاز نماید.

۳- تعیین مبلغ قابل پرداخت به مالک حق انحصاری و شرایط پرداخت آن.

(۳) که چېرې د اختراع يا اکتشاف د انحصاري حق مالک، اړوند دفتر، په افغانستان کې له ثبت شوې اختراع يا اکتشاف څخه د نه گټې اخيستنې يا غير کافي گټې اخيستنې په اړه د دلايلو په وړاندې کولو سره، متقاعد کړي، پدې صورت کې اجباري جواز نه صادرېږي.

(۴) د اجباري جواز گټه اخيستونکي په افغانستان کې له ثبت شوې اختراع يا اکتشاف څخه د جواز د شرايطو مطابق، د گټې اخيستنې حق لري.

(۵) د دی مادې په (۲) فقره کې درج شوی اجباري جواز د ټاکلي فیس په بدل کې ورکول کېږي.

د غوښتنلیک ضمیمه

شپږ دیرشمه ماده:

د اختراع يا اکتشاف د انحصاري حق او په هغه پورې اړوندو مشخصاتو مصدقه نقل، د دی قانون په نهمه ماده کې د درج شوی حکم له په پام کې نیولو سره د ثبت له غوښتنلیک سره ضمیمه کېږي، که چېرې مصدقه نقل په بهرنۍ ژبه وي، د هېواد په یوه

(۳) هرگاه مالک حق انحصاری اختراع يا اکتشاف، دفتر مربوط را با ارایه دلائل مبنی بر عدم بهره برداری یا بهره برداری غیر مکفی اختراع يا اکتشاف ثبت شده در افغانستان متقاعد سازد، در این صورت جواز اجباری صادر نمی گردد.

(۴) استفاده کننده جواز اجباری، حق بهره برداری از اختراع يا اکتشاف ثبت شده را در افغانستان طبق شرایط جواز دارا می باشد.

(۵) جواز اجباری مندرج فقره (۲) این ماده در بدل فیس معین صادر می گردد.

ضمیمه درخواست

ماده سی و ششم:

نقل مصدقه حق انحصاری اختراع يا اکتشاف و مشخصات مربوط به آن با رعایت حکم مندرج ماده نهم این قانون به درخواست ثبت ضمیمه می گردد، هرگاه نقل مصدقه به لسان خارجی باشد ترجمه دقیق آن به یکی از زبان

رسمي ژبه د هغه دقیقه ژباړه له تصدیق وروسته هم ضمیمه کېږي.

د غوښتنلیک خپرېدل اووه دیرشمه ماده:

اړوند دفتر مکلف دی، د بهرنۍ اختراع د انحصاري حق د ثبت د غوښتنلیک له تأیید وروسته، په انحصاري حق پورې اړوند معلومات، د هغه له ثبت دمخه په رسنیو کې خپاره کړي.

های رسمی کشور بعد از تصدیق نیز ضمیمه می گردد.

نشر درخواست ماده سی و هفتم:

دفتر مربوط مکلف است، بعد از تأیید درخواست ثبت حق انحصاری اختراع خارجی، معلومات مربوط به حق انحصاری را قبل از ثبت آن در رسانه ها به نشر برساند.

پنجم فصل قضایي تصمیمونه

اعتراض

اته دیرشمه ماده:

د اختراع یا اکتشاف د ثبت د غوښتنلیک په هکله د مالکیت د حق په اړه اعتراض هغه وخت منل کېږي چې معترض په خپل نوم د اختراع یا اکتشاف ثبت، د دی قانون د حکمونو مطابق، هم وغواړي.

د اعتراض خپرل

نهه دیرشمه ماده:

که چېرې د اختراع یا

فصل پنجم تصامیم قضائی

اعتراض

ماده سی و هشتم:

اعتراض مېنې برحق مالکیت درمورد درخواست ثبت اختراع یا اکتشاف زمانی پذیرفته می شود که معترض، ثبت اختراع یا اکتشاف را بنام خود مطابق احکام این قانون نیز درخواست نماید.

رسیدگی به اعتراض

ماده سی ونهم:

هرگاه اعتراض درمورد

اکتشاف د فورمې په هکله اعتراض له ثبت دمخه یا له هغه وروسته صورت ومومي، اعتراض کوونکی مکلف دی، ټاکلی مبلغ چې اندازه یې د واکمنې محکمې لخوا مشخصېږي، د تضمین په عنوان په مخصوص حساب کې، بانک ته تحویل او سند یې د اعتراض له غوښتنلیک سره ضمیمه کړي.

که چېرې معترض خپل حق ثابت نکړي شي، اووښتي زیان د تضمین له مبلغ څخه جبران او پرته لدی د محکمې د حکم پربنسټ د مقابل اړخ د ټول زیان د جبران په ورکولو مکلف دی. که چېرې اعتراض ثابت شي، معترض د اووښتي زیان د جبران مستحق دی.

له ثبت دمخه اعتراض

څلورېنځمه ماده:

(۱) په هغې اختراع یا اکتشاف پورې اړوند اعتراض چې ثبت شوی ندی، د لاندې ټکو له په پام کې نیولو سره په لیکلې توګه، اړوند دفتر ته وړاندی کېږي:

فورمه اختراع یا اکتشاف قبل از ثبت یا بعد از آن صورت گیرد، اعتراض کننده مکلف است، مبلغ معین را به عنوان تضمین به حساب مخصوص که اندازه آن از طرف محکمه ذیصلاح مشخص می گردد، تحویل بانک نموده و سند آنرا ضم درخواست اعتراض نماید.

هرگاه معترض، حق خود را ثابت کرده نتواند، خساره وارده از مبلغ تضمین جبران و در غیر آن به اساس حکم محکمه مکلف به پرداخت کل جبران خساره جانب مقابل می باشد. هرگاه اعتراض ثابت گردد، معترض مستحق جبران خساره وارده می باشد.

اعتراض قبل از ثبت

ماده چهلیم:

(۱) اعتراض مربوط به اختراع یا اکتشاف که ثبت نگردیده، بانظرداشت نکات ذیل طور کتبی به دفتر مربوط، ارائه می گردد:

- ۱- په هېواد کې دمعترض بشپړ شهرت او آدرس.
- ۲- د هغو دلایلو او مدارکو یادول چې معترض د هغو پربنسټ، ځان مستحق ګڼي.
- ۳- د هغو سندونو نقل چې د معترض ادعا په اثبات رسوي.
- (۲) اړوند دفتر مکلف دی، د اعتراض په وړاندې هغه رسید چې د اعتراض د رسېدو د نېټې لرونکی وي، معترض ته وړاندې کړي.
- ۱- شهرت مکمله و آدرس معترض درکشور.
- ۲- ذکر دلایل و مدارک که معترض به استناد آن، خود را مستحق می داند .
- ۳- نقل اسناد که ادعای معترض را به اثبات می رساند .
- (۲) دفتر مربوط مکلف است، در مقابل اعتراض ، رسیدی که حاوی تاریخ وصول اعتراض می باشد ، به معترض ارائه نماید.

له ثبت وروسته اعتراض يوڅلوېښتمه ماده:

- د هغې ثبت شوې اختراع یا اکتشاف د فورمې د ابطال په اړه غوښتنلیک چې لاندې ضمیمې لري، اړوند دفتر ته وړاندې کېږي:
- ۱- د هغې اختراع یا اکتشاف د فورمې په اړه چې ابطال یې غوښتل کېږي، د دفتر مصدقه سند.
- ۲- د معترض د ادعا د مثبته سندونو اصل یا نقل .
- ۳- وکالت لیک، په هغه صورت کې چې صورت دعوي د مخترع یا مکتشف د قانوني استازي
- در خواست مبنی بر ابطال فورمه اختراع یا اکتشاف ثبت شده که حاوی ضمائم ذیل می باشد ، به دفتر مربوط ارائه می گردد:
- ۱- سند مصدقه دفتر، مبنی بر فورمه اختراع یا اکتشاف که ابطال آن تقاضا می گردد.
- ۲- اصل یا نقل اسناد مثبته ادعای معترض .
- ۳- وکالت نامه ، در صورتی که صورت دعوی از طرف نماینده قانونی مخترع یا مکتشف

لخوا، وړاندی شوې وي.

د اعتراض ابلاغ

دوه څلوېښتمه ماده:

(۱) اړوند دفتر مکلف دی، د اعتراض د رسېدو له نېټې څخه، زیات نه زیات د (۱۰) ورځو مودی په ترڅ کې هغه د ثبت د غوښتنلیک ورکوونکي یا دهغه د قانوني استازي په آدرس ابلاغ کړي، که چېرې اعتراض ثابت شي، د اختراع یا اکتشاف د ثبت غوښتنلیک ردیږي.

(۲) د دی مادی په (۱) فقره کې په درج شوی حالت کې، که چېرې اختراع یا اکتشاف دمخه ثبت شوی وي، پدی صورت کې، د دمخه ثبت باطل او اختراع یا اکتشاف د معترض په نوم ثبتېږي.

د رد ځواب

درې څلوېښتمه ماده:

(۱) که چېرې د ثبت غوښتنلیک ورکوونکي، دمعارض اعتراض موجه وگڼي، موضوع په لیکلې توګه معترض ته ابلاغ او د هغه غوښتنلیک ردیږي.

(۲) که چېرې د ادعا وړ اختراع یا اکتشاف دمخه ثبت شوی نه وي، د

ارایه شده باشد.

ابلاغ اعتراض

ماده چهل و دوم:

(۱) دفتر مربوط مکلف است، از تاریخ وصول اعتراض، حداکثر در خلال مدت (۱۰) روز آنرا به آدرس درخواست دهنده ثبت یا نماینده قانونی آن ابلاغ نماید، هرگاه اعتراض ثابت گردد، درخواست ثبت اختراع یا اکتشاف رد می گردد.

(۲) در حالت مندرج فقره (۱) این ماده، هرگاه اختراع یا اکتشاف قبلاً ثبت گردیده باشد، در این صورت، ثبت قبلی باطل و اختراع یا اکتشاف بنام معترض ثبت می گردد.

جواب رد

ماده چهل و سوم:

(۱) هرگاه درخواست دهنده ثبت، اعتراض معترض را مؤجبه داند، موضوع را کتباً به معترض ابلاغ و درخواست وی رد می گردد.

(۲) هرگاه اختراع یا اکتشاف مورد ادعا قبلاً به ثبت

غوښتنلیک له په پام کې نیولو سره، د دی قانون په څلوېښتمه ماده کې د درج شوی حکم مطابق چې د اعتراض په وخت کې یې وړاندې کړی، د هغه په ثبت لاس پورې کېږي. (۳) که چېرې د ادعا وړ اختراع یا اکتشاف دمخه ثبت شوی وي، پدې صورت کې، د دی مادی په (۱) فقره کې د درج شوی حکم مطابق، اجراءات صورت مومي.

د مودی تېرېدل

څلور څلوېښتمه ماده:

(۱) معترض کولای شي، د ثبت د غوښتنلیک ورکوونکي پر خلاف د اعتراض د ابلاغ له نېټې څخه د شپېټو ورځو مودی په ترڅ کې، محکمې ته مراجعه وکړي، خو دا چې د دغې مودی له تېرېدو دمخه، د ثبت غوښتنلیک ورکوونکی، د دی قانون په دري څلوېښتمه ماده کې د درج شوی حکم مطابق، دهغه اعتراض ته د رد ځواب وړاندې کړی وي.

(۲) که چېرې معترض د دی مادی په (۱) فقره کې په

نرسیده باشد، بانظر داشت درخواست، مطابق حکم مندرج ماده ۴ېلیم این قانون که حین اعتراض ارایه نموده، به ثبت آن اقدام می گردد. (۳) هرگاه اختراع یا اکتشاف مورد ادعا قبلاً به ثبت رسیده باشد، درین صورت طبق حکم مندرج فقره (۱) این ماده اجراءات صورت می گیرد.

انقضای مدت

ماده ۴ېل وچهارم :

(۱) معترض می تواند، در خلال مدت شصت روز از تاریخ ابلاغ اعتراض علیه درخواست دهنده ثبت، به محکمه مراجعه نماید، مگر اینکه قبل از انقضای این مدت، در خواست دهنده ثبت طبق حکم مندرج ماده ۴ېل وسوم این قانون به اعتراض وی جواب رد ارائه نموده باشد.

(۲) هرگاه معترض درمیعاد مندرج فقره (۱) این ماده

درج شوې موده کې محکمې ته مراجعه ونکړي، اړوند دفتر د هغه شخص په غوښتنه چې د اختراع یا اکتشاف د ثبت غوښتنه یې کړېده، د محکمې تصمیم ته په پام سره، اختراع یا اکتشاف د معترض الیه په نوم ثبتوي.

پدې صورت کې هغه مبلغ چې د اختراع یا اکتشاف د ثبت لپاره یې ورکړې دی، د دولت د وارداتو په حساب کې، بانک ته تحویلېږي.

مهلت

پنځه څلوېښتمه ماده:

(۱) که چېرې معترض ونکړي شي، خپل سندونه او مدارک له صورت دعوي سره ضمیمه کړي، محکمه کولی شي، د هغه د غوښتنې پر بنسټ له څېړنې وروسته او د لزوم په صورت کې مهلت چې له دریو میاشتو څخه زیات نه وي، هغه ته ورکړي.

(۲) د دی مادې په (۱) فقره کې درج شوی مهلت، د دفاعیه لارښوونو د وړاندې کولو لپاره، د ثبت غوښتنلیک ورکونکي ته هم

په محکمه مراجعه نه نماید، دفتر مربوط به درخواست شخص که درخواست ثبت اختراع یا اکتشاف را نموده، بانظر داشت تصمیم محکمه، اختراع یا اکتشاف را به نام معترض الیه، ثبت می نماید.

درین صورت مبلغی را که جهت ثبت اختراع یا اکتشاف تأدیه نموده، بحساب واردات دولت تحویل بانک می گردد.

مهلت

ماده چهل و پنجم:

(۱) هرگاه معترض نتواند، اسناد و مدارک خود را به صورت دعوي ضمیمه نماید، محکمه می تواند، به اساس تقاضای وی بعد از رسیدگی و در صورت لزوم مهلت را که بیش از سه ماه نباشد به وی اعطا نماید.

(۲) مهلت مندرج فقره (۱) این ماده جهت ارایه اسناد لازم دفاعیه، به درخواست دهنده ثبت نیز اعطاء

ورکول کېدی شي.

محکمې ته رجوع

شپږ څلوېښتمه ماده:

هر ذینفع شخص کولی شي، د اختراع یا اکتشاف د فورمې د بطلان د حکم د صادرېدو غوښتنلیک، په لاندې مواردو کې واکمني محکمې ته وړاندې کړي:

۱- په هغه صورت کې چې اختراع یا اکتشاف نوی نه وي.

۲- په هغه صورت کې چې اختراع یا اکتشاف فورمه، د دی قانون په اوومه ماده کې د درج شوی حکم مطابق، صادره شوې نه وي.

۳- په هغه صورت کې چې د اختراع یا اکتشاف موخه، یوازې علمي څېړنې وي او عملاً د صنعتي، کرنیزو یا خدماتي مقصدونو د گټې اخیستنې وړ نه وي.

۴- په هغه صورت کې چې د اختراع یا اکتشاف د فورمې د صادرېدو له نېټې څخه، پنځه کاله تېر او تر عملي گټې اخیستنې لاندې نیول شوی نه وي.

شده می تواند.

رجوع به محکمه

ماده چهل و ششم:

هر شخص ذینفع می تواند، درخواست صدور حکم بطلان فورمه اختراع یا اکتشاف را در موارد آتی به محکمه ذیصلاح ارائه نماید:

۱- در صورتی که اختراع یا اکتشاف جدید نباشد.

۲- در صورتی که فورمه اختراع یا اکتشاف مطابق حکم مندرج ماده هفتم این قانون صادر نشده باشد.

۳- در صورتی که هدف اختراع یا اکتشاف صرف تحقیقات علمی بوده و عملاً مورد استفاده مقاصد صنعتی، زراعتی و یا خدماتی نباشد.

۴- در صورتی که از تاریخ صدور فورمه اختراع یا اکتشاف، پنج سال سپری و مورد استفاده عملی قرار نگرفته باشد.

احتیاطی تدبیرونه

اووه څلوېښتمه ماده:

(۱) معترض کولی شي، د خپلې اختراع یا اکتشاف د انحصاري حق په هکله، په هره موقع کې له واکمنې محکمې څخه د تقلبي یا تقلیدی محصولاتو د ضبط د حکم د صادرېدو یا د تقلبي یا تقلیدی اجناسو د نه تولید، پلورلو یا واردیدو په اړه د موقت حکم د صادرېدو غوښتنه وکړي.

(۲) محکمه د مقابل لوري د زیان د جبران په منظور، د محصولاتو د ضبط په هکله یا د اجناسو د نه تولید، پلورلو یا واردیدو په اړه د موقت حکم له صادرېدو څخه د مخه، معترض د مناسب تضمین په وړاندې کولو مکلفوي.

(۳) که چېرې معترض د محکمې د حکم د صادرېدو له نېټې څخه د لسو ورځو مودې په ترڅ کې، دعوي اقامه نکړي، پدې صورت کې معترض مقابل لوري ته د زیان د جبران په ورکولو مکلف دی.

تدابیر احتیاطی

ماده چهل و هفتم :

(۱) معترض می تواند، درمورد حق انحصاری اختراع یا اکتشاف خویش درهر موقع از محکمه ذیصلاح صدور حکم ضبط محصولات تقلبی یا تقلیدی یا تقاضای صدور حکم موقت مبنی بر عدم تولید، فروش یا ورود اجناس تقلبی یا تقلیدی را نماید.

(۲) محکمه به منظور جبران خساره جانب مقابل، قبل از صدور حکم موقت درمورد ضبط محصولات یا مبنی بر عدم تولید، فروش یا ورود اجناس، معترض را مکلف به ارایه تضمین مناسب نماید.

(۳) هرگاه معترض در خلال مدت ده روز از تاریخ صدور حکم محکمه، اقامه دعوی نه نماید، در این صورت معترض مکلف به پرداخت جبران خساره به جانب مقابل می باشد.

شپږم فصل نهایی حکمونه

د حق الثبت اندازه

اته څلوېښتمه ماده:

د ثبت، لېږدېدو یا پرېښودو د حق او د اختراع یا اکتشاف د اجباري جواز د فیس اندازه، په جلا مقرره کې ټاکل کېږي.

د مقرر او کړنلارو وضع کېدل

نهه څلوېښتمه ماده:

د سوداګرۍ او صنایعو وزارت کولی شي، د دی قانون د حکمونو د ښه تطبیق په منظور، مقرري له پړاوونو څخه تېرې او لایحې او کړنلارې وضع کړي.

د انفاذ نېټه

پنځوسمه ماده:

دغه قانون د توشېح له نېټې څخه نافذ او په رسمي جریده کې دی خپور شي.

فصل ششم احکام نهایی

اندازه حق الثبت

ماده چهل و هشتم :

اندازه حق الثبت، انتقال یا واگذاری و فیس جواز اجباري اختراع یا اکتشاف در مقررۀ جداگانه تعیین می گردد.

وضع مقرر ها و طرز العمل ها

ماده چهل ونهم:

وزارت تجارت و صنایع می تواند، به منظور تطبیق بهتر احکام این قانون، مقرره ها را طی مراحل و لوایح و طرز العمل ها را وضع نماید.

تاریخ انفاذ

ماده پنجاهم :

این قانون از تاریخ توشیح نافذ و در جریده رسمی نشر گردد